



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



♦ جلد دوم ♦

حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (س)

زیر نظر: علی اکبر رشاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه فاطمی سلام الله علیها

نویسنده:

علی اکبر رشاد

ناشر چاپی:

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	دانشنامه فاطمی سلام الله عليها جلد ۲
۱۹	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۲۵	مدیران، اعضا، همکاران علمی و اجرای حله دوم
۳۵	بخش اول: مقام و فضایل فاطمه عليها السلام
۳۵	اشاره
۳۷	اسماء و اوصاف فاطمه عليها السلام
۳۷	اشاره
۳۸	نام حضرت عليها السلام
۴۰	القاب و اوصاف حضرت فاطمه عليها السلام
۴۰	اشاره
۴۰	۱. القاب اصلی
۴۶	۲. القاب و اوصاف اقتباس شده از روایات
۵۲	۳. دیگر القاب حضرت فاطمه عليها السلام
۵۴	کنیه های حضرت فاطمه عليها السلام
۵۴	منابع
۵۸	سیده نساء العالمین
۵۸	اشاره
۶۲	ادعای برتری حضرت مریم عليها السلام
۷۲	منابع
۷۶	محدّثه بودن فاطمه عليها السلام
۷۶	اشاره
۷۷	محدّث بودن غیر پیامبران

۸۲	محدّثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام
۸۲	دلایل
۸۵	مصحف حضرت فاطمه علیها السلام
۸۶	بررسی شبهات
۸۸	منابع
۹۱	عصمت فاطمه علیها السلام
۹۱	اشاره
۹۵	دلایل عصمت حضرت فاطمه علیها السلام
۹۵	دلیل قرآنی
۹۹	بررسی چند اشکال
۱۰۲	دلیل روایی بر عصمت
۱۰۲	اشاره
۱۰۳	دسته اول
۱۰۴	دسته دوم
۱۰۴	دسته سوم
۱۰۶	بررسی شبهات
۱۰۹	منابع
۱۱۴	علم فاطمه علیها السلام
۱۱۴	اشاره
۱۱۵	منابع علم حضرت فاطمه علیها السلام
۱۱۵	اشاره
۱۱۵	۱. علم لَدَنّی
۱۱۶	۲. محدّثه بودن
۱۱۶	۳. مقام انسان کامل
۱۱۷	۴. استفاده از قرآن
۱۱۸	۵. آموزشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۱۱۹	دلایل علم حضرت فاطمه علیها السلام
۱۱۹	اشاره
۱۲۰	۱. سیده النساء بودن
۱۲۰	۲. کفو بودن با علی علیها السلام
۱۲۱	۳. ثقل اصغر بودن
۱۲۱	۴. آگاهیهای غیبی
۱۲۱	۵. میراث حضرت فاطمه علیها السلام
۱۲۲	۶. مرجعیت علمی
۱۲۳	۷. حجت و باب علم
۱۲۴	ابعاد علمی حضرت فاطمه علیها السلام
۱۲۶	منابع
۱۳۰	تسبیح فاطمه علیها السلام
۱۳۰	اشاره
۱۳۵	منشأ پیدایش تسبیح
۱۳۶	مضمون تسبیح
۱۳۶	اشاره
۱۳۶	۱. الله اکبر
۱۳۸	۲. الحمد لله
۱۳۹	۳. سبحان الله
۱۴۱	ترتیب تسبیحات
۱۴۳	فضیلت و آثار تسبیح
۱۴۵	موارد استحباب تسبیح
۱۴۵	احکام و شرایط تسبیح
۱۴۷	منابع
۱۵۱	شفاعت و فاطمه علیها السلام
۱۵۱	اشاره

۱۵۳	شفاعت کنندگی حضرت فاطمه علیها السلام
۱۵۴	تفسیرهای شفاعت
۱۵۶	فلسفه و آثار شفاعت
۱۵۸	زمان شفاعت
۱۵۹	شفاعت کنندگان
۱۶۳	شفاعت شوندگان
۱۶۵	شبهات شفاعت
۱۷۴	منابع
۱۷۸	فاطمه علیها السلام در آخرت
۱۷۸	اشاره
۱۷۹	حضرت فاطمه علیها السلام در برزخ
۱۸۱	حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت
۱۸۶	حضرت فاطمه علیها السلام در بهشت
۱۸۹	منابع
۱۹۳	مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام
۱۹۳	اشاره
۱۹۴	مناقب حضرت فاطمه علیها السلام
۱۹۴	اشاره
۱۹۴	۱. عصمت
۱۹۵	۲. محوریت خشم و خشنودی خدا
۱۹۵	۳. ایمان و عبادت
۱۹۶	۴. مُخَدَّثَه بودن
۱۹۶	۵. جایگاه والای اخروی
۱۹۷	مناقب اختصاصی
۱۹۷	اشاره
۱۹۷	۱. کنیهٔ اُمّ ابیها

۲. محبوبیت ویژه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۷
۳. سروری بر زنان جهان ۱۹۸
۴. لقب بتول ۱۹۸
۵. حضرت علی علیه السلام هم شأن حضرت فاطمه علیها السلام ۱۹۹
۶. تقدم در دفاع از ولایت ۱۹۹
- کرامات حضرت فاطمه علیها السلام ۲۰۰
- اشاره ۲۰۰
۱. خبر دادن از غیب ۲۰۱
۲. گردش خود به خودی سنگ آسیاب ۲۰۱
۳. حاضر شدن غذا از سوی خداوند ۲۰۲
۴. ملاقات با حور یان بهشتی ۲۰۳
۵. تابش نور از لباس حضرت علیها السلام ۲۰۳
۶. استشمام بوی بهشت از فاطمه علیها السلام ۲۰۴
- منابع ۲۰۴
- بخش دوم: سیره فاطمی علیها السلام ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
- سیره شناسی ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- منابع و راههای اثبات سیره ۲۱۳
- حجیت سیره ۲۱۶
- دلالتها و کارکردهای سیره ۲۱۷
- منابع ۲۲۰
- سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام ۲۲۲
- اشاره ۲۲۲
- اخلاق فردی ۲۲۳
- اشاره ۲۲۳

- ۲۲۳ ۱. اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی
- ۲۲۴ ۲. پوشاک
- ۲۲۴ ۳. بهداشت
- ۲۲۴ ۴. زینت
- ۲۲۵ ۵. رضا و تسلیم
- ۲۲۶ ۶. خوف از خدا و یاد مرگ
- ۲۲۷ ۷. طاعت
- ۲۲۸ ۸. زهد و دنیاگریزی
- ۲۲۸ ۹. صبر و استقامت
- ۲۲۹ ۱۰. سکوت و صداقت
- ۲۲۹ ۱۱. عفت و حیا
- ۲۳۰ اخلاق اجتماعی
- ۲۳۰ اشاره
- ۲۳۰ ۱. خانواده
- ۲۳۵ ۲. جامعه
- ۲۴۰ منابع
- ۲۴۶ سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام
- ۲۴۶ اشاره
- ۲۴۸ فلسفه عبادت و معنویت
- ۲۵۰ ارکان و ویژگیهای عبادت
- ۲۵۰ اشاره
- ۲۵۰ ۱. شناخت شایسته معبود
- ۲۵۲ ۲. تجلی همه جانبه توحید
- ۲۵۲ اشاره
- ۲۵۲ الف) در عمل
- ۲۵۲ ب) در قلب و جان آدمی

۲۵۳	ج) در فکر
۲۵۳	۳. محبت به معبود یکتا
۲۵۶	اقسام عبادت
۲۵۶	اشاره
۲۵۶	۱. تلاوت قرآن
۲۵۷	۲. نمازها
۲۵۹	۳. تعقیبات نماز
۲۶۱	۴. تسیبجات
۲۶۲	۵. دعاها
۲۶۲	۶. روزه ها
۲۶۳	۷. حج و عمره
۲۶۴	۸. زیارتها
۲۶۵	۹. عبادتهای عام
۲۶۶	منابع
۲۷۰	سیرهٔ همسرداری فاطمه علیها السلام
۲۷۰	اشاره
۲۷۱	محبت در همسرداری
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	۱. اظهار محبت
۲۷۲	۲. احترام به همسر و تکریم او
۲۷۳	۳. آراستگی در برابر همسر
۲۷۴	ایثار و گذشت در همسرداری
۲۷۴	اشاره
۲۷۵	۱. همراهی با همسر و اطاعت از او
۲۷۵	۲. تناسب درخواستها با تواناییهای همسر
۲۷۶	۳. تحمل مشکلات اقتصادی

۲۷۷	۴. سازگاری با همسر
۲۷۹	۵. حمایت بی دریغ از همسر
۲۸۱	منابع
۲۸۴	سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام
۲۸۴	اشاره
۲۸۵	زمینه های مناسب در تربیت
۲۸۶	ابعاد تربیت
۲۸۶	اشاره
۲۸۷	۱. تربیت جسمانی
۲۸۸	۲. تربیت روحی و عاطفی
۲۹۳	۳. تربیت دینی و اخلاقی
۲۹۴	۴. تربیت سیاسی و اجتماعی
۲۹۵	منابع
۲۹۸	سیره خانه داری فاطمه علیها السلام
۲۹۸	اشاره
۲۹۹	خانه داری حضرت فاطمه علیها السلام
۳۰۰	تسهیل خانه داری
۳۰۰	اشاره
۳۰۱	۱. تقسیم کار
۳۰۳	۲. مشارکت اعضای خانواده
۳۰۵	۳. استخدام خدمتکار
۳۰۵	ویژگیهای خانه داری
۳۰۵	اشاره
۳۰۶	۱. تدبیر اقتصادی
۳۰۷	۲. ساده زیستی
۳۰۸	۳. مهمان نوازی

۳۰۹	نظافت و بهداشت
۳۱۰	خانه داری و اهتمام به مادری و همسری
۳۱۰	اشاره
۳۱۱	خانه داری و حضور اجتماعی
۳۱۲	خانه داری و عبادت
۳۱۳	منابع
۳۱۷	سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه علیها السلام
۳۱۷	اشاره
۳۱۷	ابعاد سیره فرهنگی و اجتماعی
۳۱۷	اشاره
۳۱۸	۱. فرهنگ سازی و زنده نگه داشتن ارزشها
۳۲۰	۲. ترویج معارف و پاسخ به پرسشهای دینی
۳۲۳	۳. ایثار و توجه به محرومان
۳۲۴	۴. ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم
۳۲۶	میراث سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام
۳۲۶	منابع
۳۳۰	سیره سیاسی فاطمه علیها السلام
۳۳۰	اشاره
۳۳۲	روشنگری عمومی
۳۳۳	ویژگیهای خطبه
۳۳۵	واکنشها در برابر خطبه و تأثیرات آن
۳۳۶	مبارزه منفی
۳۳۷	آخرین تلاش
۳۳۸	منابع
۳۴۳	بخش سوم: فاطمه علیها السلام در دیدگاه ها
۳۴۳	اشاره

۳۴۵	فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن
۳۴۵	اشاره
۳۴۸	شأن نزول آیات درباره حضرت فاطمه علیها السلام
۳۴۸	اشاره
۳۴۸	۱. سورۀ کوثر
۳۵۱	۲. آیه مباحله
۳۵۴	۳. آیات اطعام در سوره انسان
۳۵۶	۴. آیه تطهیر
۳۵۹	۵. آیه مودت
۳۶۰	جری و تطبیق آیات بر فاطمه علیها السلام
۳۶۳	تأویل آیات به فاطمه علیها السلام
۳۶۵	منابع
۳۷۱	فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۷۱	اشاره
۳۷۲	فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله
۳۷۵	تبیین شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام
۳۸۰	حضرت فاطمه علیها السلام در جامعه اسلامی
۳۸۳	منابع
۳۸۸	فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام
۳۸۸	اشاره
۳۸۸	وجود بهشتی
۳۸۸	علم، معرفت و عصمت
۳۹۰	خداترسی، محبت و عبادت
۳۹۱	محبوبه و امانت خدا و رسول صلی الله علیه و آله
۳۹۱	محبت پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۹۲	همسر نمونه

- ۳۹۶ مقامات اخروی
- ۳۹۷ مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام
- ۳۹۷ منابع
- ۴۰۰ فاطمه علیها السلام از نگاه امامان علیهم السلام
- ۴۰۰ اشاره
- ۴۰۰ نگاه ائمه علیهم السلام به زندگی و سیره حضرت فاطمه علیها السلام
- ۴۱۰ شخصیت و جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام
- ۴۱۵ منابع
- ۴۱۸ فاطمه علیها السلام از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۱۸ اشاره
- ۴۱۹ از نگاه عایشه
- ۴۲۳ از نگاه ام سلمه
- ۴۲۵ از نگاه دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۲۶ منابع
- ۴۲۹ فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان
- ۴۲۹ اشاره
- ۴۳۱ نگاه صحابه به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام
- ۴۵۲ کار در خانه
- ۴۵۳ ازدواج با خویشان نزدیک
- ۴۵۴ احکام ولادت
- ۴۵۸ احکام پوشش و نگاه
- ۴۶۱ احکام مردگان
- ۴۶۳ سوگواری بر مرده
- ۴۶۵ غسل میت
- ۴۶۷ غسل پیش از شهادت
- ۴۶۷ آداب روزه داری

- ۴۶۷ آداب ورود به مسجد
- ۴۶۸ حرمت شراب
- ۴۶۸ منابع
- ۴۷۵ فاطمه علیها السلام در گزارشهای تاریخی اهل سنت
- ۴۷۵ اشاره
- ۴۷۶ جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام
- ۴۷۷ فضایل حضرت فاطمه علیها السلام
- ۴۷۷ اشاره
- ۴۷۷ ۱. محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۷۸ ۲. سیده نساء العالمین
- ۴۷۹ ۳. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در مباحله
- ۴۷۹ ۴. نزول آیه تطهیر
- ۴۷۹ ۵. مقام رفیع در آخرت
- ۴۸۰ زندگانی حضرت علیها السلام در گزارشهای تاریخی
- ۴۸۰ اشاره
- ۴۸۰ ۱. تولد فاطمه علیها السلام
- ۴۸۲ ۲. ازدواج فاطمه علیها السلام
- ۴۸۳ ۳. دوران پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۸۳ اشاره
- ۴۸۴ الف) ماجرای غصب فدک
- ۴۸۸ ب) حمله به خانه فاطمه علیها السلام
- ۴۸۹ ج) توجیه غضب و هجران فاطمه علیها السلام
- ۴۹۴ د) دعوت شبانه از مهاجران و انصار
- ۴۹۵ ه) پاره کردن نامه توسط عمر
- ۴۹۶ و) مضروب ساختن فاطمه علیها السلام
- ۴۹۶ ز) آخرین دیدار ابوبکر و عمر با فاطمه علیها السلام

۴۹۷	ح) شهادت و خاکسپاری فاطمه علیها السلام
۵۰۱	منابع
۵۰۵	فاطمه علیها السلام در شعر فارسی
۵۰۵	اشاره
۵۱۱	قرن چهارم، سبک خراسانی و سرآغاز شعر فاطمی
۵۱۲	قرن پنجم
۵۱۳	قرن ششم و سبک عراقی
۵۱۴	قرن هفتم
۵۱۵	قرن هشتم
۵۱۵	قرن نهم و دهم، سبک هندی و توسعه باورهای شیعی
۵۱۶	قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم
۵۱۸	قرن دوازدهم
۵۱۹	قرن سیزدهم، بازگشت به سبک عراقی و افول باورهای شیعی
۵۲۲	قرن چهاردهم
۵۲۴	دوره معاصر، دوران بالندگی شعر شیعی و فاطمی
۵۳۱	شعر نو و سپید
۵۳۲	بانوان شاعر
۵۳۴	منابع
۵۳۸	فاطمه علیها السلام در شعر عربی
۵۳۸	اشاره
۵۳۸	رویکردهای شاعران به حضرت فاطمه علیها السلام
۵۴۱	سیر اشعار درباره حضرت فاطمه علیها السلام
۵۴۱	اشاره
۵۴۲	قرن اول هجری
۵۴۲	قرن دوم هجری
۵۴۴	قرن سوم هجری

۵۴۵	قرن چهارم هجری
۵۴۸	قرن پنجم هجری
۵۴۹	قرن ششم هجری
۵۴۹	قرن هفتم و هشتم هجری
۵۵۱	قرن نهم، دهم و یازدهم هجری
۵۵۳	قرن دوازدهم هجری
۵۵۳	قرن سیزدهم هجری
۵۵۶	دوره معاصر
۵۷۹	منابع
۵۸۳	کتاب شناسی فاطمه علیها السلام
۵۸۳	اشاره
۵۸۳	مسندها و مجموعه های روایی و شرح سخنان
۵۸۷	منقبت نگاریها و فضیلت شماریها
۵۹۰	زندگی نامه ها
۵۹۷	فهرست تفصیلی
۶۱۹	نمایه کلی جلدهای ۱ - ۳
۶۵۱	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه فاطمی سلام الله علیها/ زیر نظر علی اکبر رشاد.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1393.

مشخصات ظاهری: 6 ج.

شابک: 1500000 ریال: دوره 978-600-108-233-7؛ ج. 1 978-600-108-234-4؛ ج. 2 978-600-108-235-1؛ ج. 3 978-600-108-236-8؛ ج. 4 978-600-108-237-5؛ ج. 5 978-600-108-238-2؛ ج. 6 978-600-108-239-9؛

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: ج. 2 - 6 (چاپ اول: 1393).

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

مندرجات: ج. 1 و 2. حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (سلام الله علیها). - ج. 3. حکمت و معارف فاطمی (سلام الله علیها). - ج. 4 و 5. زن و خانواده - مباحث حقوقی. - ج. 6. زن و خانواده، مباحث اجتماعی.

موضوع: فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، 8؟ قبل از هجرت - 11 ق. -- دایره المعارف ها

شناسه افزوده: رشاد، علی اکبر، 1335 -، ناظر

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

رده بندی کنگره: 23د/27/2 BP 1393

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 3195196

ص: 1

اشاره

دانشنامه فاطمی علیها السلام جلد دوم حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (سلام الله علیها) زیر نظر علی اکبر رشاد

ص: 3

دانشنامه فاطمی علیها السلام جلد دوم حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (سلام الله علیها) زیر نظر علی اکبر رشاد به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی خط: اصغر عسگری چاپ اول: 1393 بهای دوره شش جلدی: 150000 تومان شمارگان: 2500 نسخه چاپ و صحافی: مجاب

عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه فاطمی علیها السلام / زیر نظر علی اکبر رشاد؛ به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. مشخصات نشر: تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1392، مشخصات ظاهری: ج 6 بهای دوره 6 جلدی: 1500000 ریال؛ شابک دوره 7-233-108-600-978 ج. 1: 4-234-108-600-978 ج. 20: 2351-108-600-978 ج. 2: 8-236-108-600-978 ج. 4: 5-237-108-600-978 ج. 5: 2-238-108-600-978 ج. 9: 9-239-108-600-978 وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: فهرست نویسی براساس جلد دوم: 1392. یادداشت: کتابنامه، یادداشت: نمایه. مندرجات: ج 1 و 2: حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (سلام الله علیها). - ج. 3: حکمت و معارف فاطمی (سلام الله علیها) ج. 4 و 5 زن و خانواده - مباحث حقوقی. ج. 6 زن و خانواده - مباحث اجتماعی. موضوع: فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، 8؟ قبل از هجرت - ق 11 - دایرة المعارف ها.

شناسه افزوده: رشاد، علی اکبر 1335 -، ناظر. شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی رده بندی کنگره: BP 27/2/12 1392 رده بندی دیویی:

297/973 شماره کتابشناسی ملی: 3195196 تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک 56 تلفن: 88505402 -
www.poiict.ir 88503321 همه حقوق محفوظ است

پژوهشکده دانشنامه نگاری دینی

شورای علمی دانشنامه فاطمی علیها السلام

(به ترتیب حروف الفبا):

رضا استادی، عبدالکریم بهجت پور، مهدی پیشوایی، محمدکاظم رحمان ستایش، علی اکبر رشاد، سید محمدکاظم طباطبایی، فریبا
علاسوند، ابوالقاسم مقیمی حاجی، محمدهادی یوسفی غروی

معاونان علمی دانشنامه فاطمی علیها السلام

ابوالقاسم مقیمی حاجی

عبدالکریم بهجت پور

رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری دینی: عبدالکریم بهجت پور

قائم مقام پژوهشکده: فاضل حسامی

معاون فنی - پژوهشی پژوهشکده: ابوالقاسم مقیمی حاجی

معاون خدمات علمی پژوهشکده: محمدرضا محمدی

ص: 5

مدیران، اعضا، همکاران علمی و اجرای حله دوم

* ابراهیمی، علی: کارشناس واحد واریسی منابع و مصدريایی، ویراستار علمی - ساختاری

* احسانی فر، محمد: ارزیاب علمی

* استادی، رضا: عضو شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی

* اسلامی، حمید: حروف زن

* الویری، محسن: مؤلف

* ایمانی مقدم، رحمت الله: کارشناس و مسئول واحد واریسی منابع و مصدريایی

* برقی، زهره: عضو سابق شورای علمی دانشنامه

* برنجکار، رضا: معاون پژوهشی سابق دانشنامه، عضو سابق شورای علمی دانشنامه

* بستان، حسین: ارزیاب علمی

* بصیری، محمدصادق: مؤلف

* بهجت پور، عبدالکریم: رئیس پژوهشکده دانشنامه نگاری، عضو شورای علمی دانشنامه، معاون بخش دوم دانشنامه ویراستار علمی - ساختاری

* پورامینی، محمدباقر: ارزیاب علمی

* پورفرد، مسعود: مسئول دبیرخانه شورای علمی دانشنامه، قائم مقام سابق پژوهشکده دانشنامه نگاری

* پیشوایی، مهدی: عضو شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی

* تقی پور صمیمی، ابوذر: کارشناس دفتر برنامه ریزی و نظارت

* جباری، محمدرضا: عضو شورای علمی گروه، ویراستار علمی - ساختاری، ارزیاب علمی، مؤلف

* جعفری رحمت آبادی، سید محسن:

سرپرست مدیریت داخلی دانشنامه

* جوادی، محسن: عضو سابق شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی

* جوانمرد، حسین: متصدی سابق دفتر معاونت فنی - پژوهشی

* حاجی ده آبادی، احمد: ارزیاب علمی

* حامد، وحید: متصدی دفتر ویرایش ادبی

* حسامی، فاضل، قائم مقام پژوهشکده دانشنامه نگاری

* حسینی، سید سعید: ویراستار علمی -

ساختاری

* حسینیان، مهدی: ارزیاب علمی

* حسینی زاده، سیدعلی: مؤلف

* حسینی زاده، عبدالرسول: ارزیاب علمی

* حکمت نیا، محمود: عضو سابق شورای علمی دانشنامه

* خانعلی زاده، غلامرضا: کارپرداز امور مالی

* خدایاری، علی نقی: ویراستار علمی - ساختاری، ارزیاب علمی

ص: 7

* خلوصی امید، مرتضی: نمونه خون، متصدی دفتر معاونت فنی - پژوهشی

* دریاباری، فاطمه سادات: مؤلف

* دشتی، محمدجواد: کارشناس واحد واریسی منابع و مصدربیایی

* راد، علی: ارزیاب علمی

* ربانی، علی: مسئول دفتر پژوهشکده دانشنامه نگاری

* رجب نسب، محمود: ویراستار علمی -

ساختاری

* رحمان ستایش، محمد کاظم: عضو شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی، مؤلف

* رشاد، حامد: رئیس سابق مرکز دانشنامه ها، مشاور سرپرست دانشنامه

* رضایی اصفهانی، محمدعلی: مؤلف

* رضائزاد، عزالدین، ارزیاب علمی

* رضایی، مائده: مؤلف

* رفیعی محمدی، ناصر: مؤلف

روحانی نژاد، سعید: بیک دانشنامه

* زراعتیان، اکبر: ارزیاب و ویراستار علمی - ساختاری، مؤلف

* سیفی، محمود: ویراستار علمی - ساختاری، ارزیاب علمی

* شاکری، صدیقه: مؤلف

* شاه علیزاده، علی: مؤلف

* شفیعیان، جواد: ارزیاب و ویراستار علمی - ساختاری، مؤلف

* شیخ، علی: ارزیاب علمی مباحث ادیان

* صالح آبادی، محمدحسین: مؤلف

* صفری فروشانی، نعمت الله: عضو شورای علمی گروه، ارزیاب علمی

* صولتی، علی: نمونه خوان

* طباطبایی، سیدمحمد کاظم: عضو شورای علمی دانشنامه، عضو شورای علمی گروه، ارزیاب و ویراستار علمی

* طبسی، نجم الدین: مؤلف

* عابدی، احمد: ارزیاب علمی

* عالمی، سیدعلیرضا: ویراستار علمی - ساختاری، پژوهشیار مقاله

* عالمی، سید محمدرضا: ویراستار علمی - ساختاری

* عبداللهی، حامد: ویراستار علمی - ساختاری

* عزیزی، کوثر، متصدی سابق دفتر مرکز دانشنامه ها

* علاسوند، فریبا: عضو شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی، مؤلف

* علیدوست، ابوالقاسم: عضو سابق شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی

* غروی نائینی، نهله: مؤلف

* غلامی دهقی، علی: ارزیاب علمی، مؤلف

* فخرزارع، سیدحسین: ارزیاب علمی

* فرمانیان، مهدی: ارزیاب علمی

* فرهمندپور، فهیمه: مؤلف

* فلاح زاده، سیدحسین: مدیر سابق گروه تاریخ و سیره، ویراستار علمی - ساختاری، ارزیاب علمی

* فیاضی، غلامرضا: ارزیاب علمی

* قدردان قراملکی، محمدحسن: ارزیاب علمی

* قربان نیا، ناصر: عضو سابق شورای علمی دانشنامه

* قربانی، زین العابدین: مؤلف

* قنبری، مجتبی: متصدی دفتر دبیرخانه شورای علمی دانشنامه

* قندی، مهدی: ویراستار علمی - ساختاری

ص: 8

* قهرمانلو، عظیم: صفحه آرا

* کافی، عبدالحسین: مؤلف

* گرامی، علی: ویراستار علمی - ساختاری، مؤلف

* مؤمن آبادی، حسن: حروف زن

* مجاهدی، محمد علی: ارزیاب علمی

* محرمی، غلامحسین: ویراستار علمی - ساختاری

* محمد حسینی، سید عباس: کارشناس واریسی منابع لاتین

* محمد رضایی، علیرضا: مؤلف

* محمدی، رمضان: مؤلف

* محمدی، محمدرضا: معاون خدمات علمی پژوهشکده دانشنامه نگاری، ذی حساب دانشنامه، مدیر امور اداری و قراردادها

* مدرسی، محمد علی: ارزیاب علمی

* مرتضوی، سیدضیاء: عضو سابق شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی، مؤلف

* مستقیمی، مهدیه سادات: مؤلف

* مسعودی، عبدالهادی: ارزیاب علمی

* معموری، جواد: ویراستار علمی - ساختاری

* معموری، علی: مدیر گروه تاریخ و سیره (در معاونت بخش دوم)، مشاور و ارزیاب علمی، مؤلف

* مقدمی، محمود، مسئول سابق دبیرخانه شورای علمی دانشنامه

* مقیمی حاجی، ابوالقاسم: معاون فنی - پژوهشی پژوهشکده دانشنامه نگاری، عضو شورای علمی دانشنامه، معاون بخش اول دانشنامه،

مدیر گروه تاریخ و سیره (در معاونت بخش اول)، ارزیاب و ویراستار علمی - ساختاری، مؤلف

* ملک محمدی، علی: نمونه خوان

* ملک محمدی، مهدی: ویراستار علمی - ساختاری

* ملکی، علی: عضو شورای علمی گروه، ارزیاب علمی

* موسوی، سید مجتبی: کارشناس واحد واریسی منابع و مصدريایی

* موسویان، سید عباس: عضو سابق شورای علمی دانشنامه

* مهاجرنیا، محسن: ارزیاب علمی

* مهدی زاده، احمد: ارزیاب و ویراستار علمی - ساختاری، مؤلف

* مهین فر، سیاره: ویراستار ادبی

* نبی اللهی، علی: متصدی سابق دفتر دبیرخانه شورای علمی دانشنامه

* نجارزادگان، فتح الله: ارزیاب علمی

* نصیری، علی: ارزیاب علمی، مؤلف

* واصلی، عالیہ سادات: مؤلف

* هدایت پناه، محمدرضا: ارزیاب علمی، مؤلف

* یوسفی، احمدعلی: ذیحساب و معاون اجرایی سابق دانشنامه

* یوسفی، محمدعلی: حروف زن، صفحه آرا

* یوسفی غروی، محمدهادی: عضو شورای علمی دانشنامه، ارزیاب علمی گروه

- بخش اول: مقام و فضایل فاطمه علیها السلام...13
- اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام / علی شاه عزیزاده و علی گرامی...15
- سیده نساء العالمین / مائده رضایی...36
- محدثه بودن فاطمه علیها السلام / محمد کاظم رحمان ستایش...54
- عصمت فاطمه علیها السلام / عبدالحسین کافی و جواد شفیعیان...69
- علم فاطمه علیها السلام / ابوالقاسم مقیمی حاجی...92
- تسیح فاطمه علیها السلام / اکبر زراعتیان...108
- شفاعت و فاطمه علیها السلام / زین العابدین قربانی...129
- فاطمه علیها السلام در آخرت / نجم الدین طبسی...156
- مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام / ناصر رفیعی محمدی و محمد حسین صالح آبادی...171
- بخش دوم: سیره فاطمی علیها السلام...187
- سیره شناسی / سید علی حسینی زاده و احمد مهدی زاده...189
- سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام / محمدرضا جباری...200
- سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام / مهدیه سادات مستقیمی و فاطمه سادات دریاباری...224

- سیره همسر داری فاطمه علیها السلام / صدیقه شاکری...248
- سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام / سیدعلی حسینی زاده...262
- سیره خانه داری فاطمه علیها السلام / فریبا علاسوند...276
- سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه علیها السلام / محسن الویری...295
- سیره سیاسی فاطمه علیها السلام / فهیمه فرهمندپور...308
- بخش سوم: فاطمه علیها السلام در دیدگاه ها...321
- فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن / محمدعلی رضایی اصفهانی...323
- فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر / رمضان محمدی...349
- فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام / نهله غروی نائینی...366
- فاطمه علیها السلام از نگاه امامان علیهم السلام / علی نصیری...378
- فاطمه علیها السلام از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله / علی غلامی دهقی...396
- فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان / علی نصیری...407
- فاطمه علیها السلام در فقه اسلامی / سید ضیاء مرتضوی...427
- فاطمه علیها السلام در گزارشهای تاریخی اهل سنت / محمدرضا هدایت پناه...453
- فاطمه علیها السلام در شعر فارسی / محمد صادق بصیری و جواد شفیعیان...483
- فاطمه علیها السلام در شعر عربی / علیرضا محمدرضایی و عالیہ سادات اصلی...516
- کتاب شناسی فاطمه علیها السلام / علی معموری...561
- فهرست تفصیلی...575
- نمایه کلی جلد های 1 - 3...587

بخش اول: مقام و فضایل فاطمه عليها السلام

اشاره

ص: 13

نامها و لقبهای بیان کننده ویژگیهای کمالی حضرت فاطمه علیها السلام.

اسم به معنای نشانه است و اسم گذاری نوعی نشانه گذاری است برای تمایز و تشخیص (ابن منظور، 14 / 401). اوصاف، ویژگیهایی است که افراد به آن شهرت دارند و معمولاً در نامها، لقبها و کنیه های آنان انعکاس می یابد. لقب، عنوانی است که از مدح یا ذم شخص، حکایت می کند (قلعجی، 393) و ریشه در ویژگیهای جسمی یا اخلاقی دارد. گاهی به سبب شرافت فرد، برای او لقبهای متعددی به کار می بردند. کنیه نیز گاهی به جای اسم میشیند. منشأ کنیه، نام پدر، مادر، فرزندان و مانند اینهاست و با اب، ابن، عبد، ام، اخ، اخت، بنت، و کلماتی از این دست همراه می گردد، مانند ابوالحسن، أم حبیبه، عبدالمطلب، و اخت هارون. در جامعه عرب، معمولاً هر فردی دارای اسم، کنیه و لقب و چه بسا دارای چندین اسم و کنیه و لقب بود.

نام گذاری از سنتهای الهی است که با آفرینش آدم همراه بوده و آدم و حوا نخستین نامهای بشری اند. پس از آن نیز خداوند اسمهایی را به آدم علیه السلام آموخت (بقره، 31). در این میان، نام گذاری برخی از اولیای الهی، اهمیت ویژه ای دارد. شیوه نام گذاری بسیاری از اولیای الهی به همان روش متداول در میان مردمشان بود (آل عمران، 36)، اما به تصریح قرآن، خداوند بر بعضی از اولیای خود نام گذارده است، مانند آدم علیها السلام (بقره، 30 - 37)، عیسی علیها السلام (آل عمران، 45) و یحیی علیها السلام (مریم، 7). این امر، علاوه بر تکریم آنان، بیانگر شخصیت، عظمت، امتیازات، ویژگیها و حقایق فراوان دیگر است.

حضرت زهرا علیها السلام نیز دارای نامها و لقبهایی است که برخی را آفریدگار تعیین کرده است و برخی را برگزیدگان الهی برای وی انتخاب کرده اند (ادامه مقاله). حضرت فاطمه علیها السلام فضایل و ویژگیهای بی همتایی داشت که بسیاری از آنها در اسامی و اوصاف آن حضرت علیها السلام تجلی یافته و او را الگویی برای انسانها، به خصوص زنان، ساخته است (مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام). رسول خدا صلی الله علیه و آله، متناسب با این ویژگیها، فاطمه علیها السلام را به نامها و القاب متعددی می نامید، که افزون بر زیبا بودن، بیانگر بسیاری از صفات و فضایل حضرت فاطمه علیها السلام است.

نام حضرت علیها السلام

طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام، هنگامی که دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شد، خداوند بر فرشته ای وحی کرد نام فاطمه را بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری کند، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله او را فاطمه نامید (کلینی، 1 / 460؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 179). پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و دیگر خویشاوندان، با همین نام او را خطاب یا از او یاد می کردند (ترمذی، 3 / 37؛ صدوق، الامالی، 555، 734؛ ابن عساکر، 3 / 156). در کتابهای تاریخی، رجالی و غیره نیز با نام فاطمه علیها السلام از او یاد شده است (بخاری، 3 / 132؛ ابن اثیر جزری، 5 / 520؛ ذهبی، 2 / 118). فاطمه، مشتق از مصدر فطم، به معنای بریدن، قطع کردن و جدا کردن است. لفظ فاطمه، از حیث ظاهر، صیغه فاعلی است، ولی دارای معنای مفعولی است، به معنای بریده و جدا شده (ابن منظور، 12 / 454 - 455؛ فیومی، 477). به گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله، وجه نام گذاری ایشان به فاطمه، آن است که خداوند، او و محبانش را از آتش جهنم باز داشته است (ابن شهر آشوب، 3 / 110؛ اربلی، 2 / 91؛ مجلسی، بحار الانوار، 43 / 12). بنا بر روایتی دیگر، وجه تسمیه آن، بازداشتن او و ذریه اش از آتش جهنم است، به شرط آنکه در حالی خداوند را ملاقات کنند که به یگانگی او و رسالت پیامبرش صلی الله علیه و آله ایمان داشته باشند (طوسی، الامالی، 570).

به گفته امام صادق علیه السلام، علت این نام گذاری، جدایی فاطمه علیها السلام از بدیهاست (صدوق، الخصال، 2 / 414؛ ابن شهر آشوب، 3 / 110). امام کاظم علیه السلام نیز علتش را قطع طمع دیگران از ارث بردن ولایت دانسته، چرا که ولایت منحصر به فرزندان فاطمه علیها السلام است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 178).

بر اساس برخی روایات، نامهای دیگری نیز برای حضرت فاطمه علیها السلام گزارش شده، که به نظر می رسد از القاب معروف آن حضرت علیها السلام بوده است، مانند صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه و زهرا (صدوق، علل الشرایع، 1781؛ همو، الخصال، 414؛ طبری امامی، 79 - 80). با توجه به حدیثی نبوی، فاطمه علیها السلام نامی است که آن حضرت علیها السلام در زمین بدان خوانده می شود (صدوق، معانی الاخبار، 396؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 4). نام پیامبران و اولیای خاص خدا را خداوند می گذارد و پیش از تولد آنان، نامشان در عالم ملکوت گذاشته شده است. بدین معنا که آنان به اندازه سعه وجودیشان، متناسب با اسمی از اسمای الهی، متجلی می گردند و نام آنان حکایت از آن اسم الهی می کند و در آن عالم، شناخت موجودات نورانی و قدسی بر اساس حقیقت وجودی آنان است و در واقع، نام هر کسی همان حقیقت ملکوتی و نوری اوست. احادیثی که در آنها سخن از آفرینش نوری «خمس طیه» است (مجلسی، بحارالانوار، 1 / 25 - 35)، نیز بر این مطلب دلالت دارند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در سخنی، بر این مطلب تصریح کرده است (صدوق، معانی الاخبار، 55). بنابراین، فاطمه علیها السلام تنها نامی است که برای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله انتخاب گردیده و اسمی دیگر، القاب و اوصاف و حقیقت نوری حضرت علیها السلام است که هر یک از آنها نیز حکایت از صفات و تجلیات اسمای الهی در ایشان دارد.

اشاره

از فاطمه علیها السلام با لقبهای شریفی یاد شده که هریک، حاکی از صفات ایشان است. برخی از این القاب، حکایت از یک معنا دارند و تعدد القاب به سبب شرافت ذاتی آن حضرت علیها السلام است. در واقع، از یک ویژگی نورانی با الفاظ گوناگون یاد شده، که یا به سبب عظمت و شرافت آن ویژگی و محدودیت الفاظ است، چرا که یک لفظ بیانگر آن همه شرافت و عظمت نیست، یا آن صفت دارای ابعاد گوناگونی است که هریک از الفاظ مترادف، بُعدی از آنها را روشن می کند. از القاب متعدد حضرت فاطمه علیها السلام، برخی از آنها القاب اصلی اند و در روایات نیز بر آنها تصریح شده، چنان که امام صادق علیه السلام ایشان را دارای نه اسم در پیشگاه خدا دانسته است: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، رضیه، مرضیه، محدثه و زهرا (صدوق، الامالی، 688). اما برخی القاب آن حضرت علیها السلام، از روایات و نیز زیارت‌های مخصوص اقتباس شده است. برخی نیز، با استناد به روایاتی، بر ایشان تطبیق داده شده، که به ترتیب اهمیت عبارتند از:

1. القاب اصلی

برای آن حضرت علیها السلام در روایات چندین لقب اصلی ذکر شده است.

زهرا: زهر، در لغت به معنای نیکویی، روشنی و صفاست (ابن فارس، 3 / 31). زهرا یکی از مشهورترین القاب حضرت فاطمه علیها السلام است که همواره با اسم ایشان قرین بوده است. به گفته رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خداوند نور فاطمه علیها السلام را آفرید و از نور او آسمانها را روشنایی بخشید و او را زهرا نامید، زیرا افق از نور او روشن گردید (ابن عبدالوهاب، 46). امام صادق علیه السلام نیز وجه تسمیه زهرا را آن دانسته است که خداوند او را از نور عظمتش آفرید و آنگاه که تابید، آسمانها و زمین را از نورش روشن گردانید (صدوق، علل الشرایع، 1 / 179 - 180). در روایتی از امام صادق علیه السلام تصریح شده

است که چهره حضرت زهرا علیها السلام سه مرتبه در روز، صبح، ظهر و غروب، می درخشید و از آن نوری ساطع می شد. این نور پیوسته با او بود تا اینکه حسین علیه السلام متولد گشت و از آن به بعد این نور بر صورت ائمه علیهم السلام پدید آمد و تا برپایی قیامت ادامه دارد و هر امامی که از دنیا می رود، بر صورت امام بعدی پدید می آید (صدوق، علل الشرایع، 1 / 180 - 181).

صدّیقه: صدّیق، صیغه مبالغه است به معنای بسیار راستگو (ابن منظور، 10 / 194). صداقت حضرت فاطمه علیها السلام محدود به سخنانش نبوده، بلکه در عمل نیز صادق بوده است؛ حق را می گفته و به آن عمل می کرده و ذره ای از حق منحرف نمی شده است. در قرآن، از مریم علیها السلام با لقب صدّیقه (مائده، 75) و از حضرت ابراهیم علیه السلام (مریم، 41) و ادریس علیها السلام (مریم، 56) با لقب صدّیق یاد شده است. بنا بر قرآن کریم، صدّیقان یکی از چهار گروهی هستند که از نعمت ویژه الهی برخوردارند (نساء، 69). کاربرد این واژه برای انبیا و اولیای خاص الهی، حکایت از نوعی فضیلت خاص و برتری مقام معنوی صدّیقان در نزد خداوند دارد. در روایات بسیاری، از حضرت زهرا علیها السلام با این لقب یاد شده است، از جمله در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله (صدوق، الامالی، 74؛ بحرانی، حلیة الابرار، 2 / 36). در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است که فقط صدّیق می تواند صدّیقه را غسل دهد، از این رو امیر مؤمنان علیه السلام زهرا علیها السلام را غسل داد و عیسی علیه السلام نیز مادرش مریم علیها السلام را (کلینی، 1 / 459). امام کاظم علیه السلام نیز از فاطمه علیها السلام با لقب صدّیقه و شهیده یاد کرده است (کلینی، 1 / 458).

ملقب شدن فاطمه علیها السلام به صدّیقه، به سبب برخورداری آن بانو از این ویژگی در حد اعلای آن بوده است و حکایت از عصمت دخت گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، زیرا

حق محور بودن و نلغزیدن از حق در رفتار، گفتار، اخلاق و اعتقاد، فقط از ویژگیهای معصومان علیهم السلام است. بر این اساس، علامه مجلسی صدیقه را معصومه معنا کرده است (جلاء العیون، 162). پیامبر صلی الله علیه و آله او را صدیقه کبری نامید (صدوق، الامالی، 74؛ بحرانی، حلیة الابرار، 2 / 36) تا برتری او را بر مریم صدیقه علیها السلام نشان دهد. افزون بر آن، شاید تأکید بسیار در یاد کرد از این لقب برای آن بانوی گرامی، بر صداقت و حقانیت او در مسئله فدک اشاره دارد.

محدّثه: در اصطلاح، به کسی که احادیث و سخنان فرشتگان را می شنود و می گیرد، محدّث گفته می شود (مفید، الاختصاص، 328). به جز پیامبران و اوصیای آنان، روشن ترین مصداق محدّث، که در قرآن از او یاد شده، حضرت مریم علیها السلام است (آل عمران، 42 - 43، 45). در احادیث، از فاطمه علیها السلام با این لقب، بسیار یاد شده است (ابن شهر آشوب، 3 / 115؛ مرعشی نجفی، 19 / 13). به گفته امام صادق علیه السلام، علت محدّثه نامیدن فاطمه علیها السلام، آن است که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و با او سخن می گفتند، همچنان که با مریم علیها السلام سخن می گفتند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182). امام خمینی قدس سره فضیلت محدّثه بودن را برترین فضیلت دخت گرامی رسول اعظم صلی الله علیه و آله خوانده است (20 / 5 - 6). حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام درباره مصحف فاطمه علیها السلام سؤال کرد. حضرت علیه السلام پاسخ داد که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اندوهی بزرگ زهرا علیها السلام را فراگرفت و خداوند برای تسلی وی فرشته ای فرستاد تا با او سخن بگوید (مقاله محدّثه بودن فاطمه علیها السلام). فاطمه علیها السلام این ماجرا را با امیر مؤمنان علیه السلام در میان گذاشت. علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام تقاضا کرد که حضور فرشتگان را به وی نیز اطلاع دهد. امیر مؤمنان علیه السلام سخن آنان را می نوشت و بدین ترتیب، مصحفی از این شنیده ها پدید آمد (کلینی، 1 / 240، مقاله مصحف فاطمه علیها السلام).

بتول: بتول، از ریشه بتل، به معنای جدایی از غیر است (ابن فارس، 1 / 195). حضرت مریم علیها السلام را نیز بتول نامیده اند، زیرا از داشتن زوج جدا گردیده بود (ابن شهر آشوب، 3 / 110؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 16). بنا بر روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره معنای بتول پرسش شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «بتول کسی است که هیچ گاه خون حیض نمی بیند، زیرا حیض شدن دختران پیامبران ناپسند است» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181). از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی نقل کرده اند که بر پاکی حضرت فاطمه علیها السلام از حیض و نفاس دلالت دارد. اسماء بنت عمیس (طبری، 44؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 7)، علی بن ابی طالب علیه السلام (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181؛ طبری امامی، 150؛ محدث نوری، 2 / 37) و عایشه (ابن شهر آشوب، 3 / 110؛ ابن طاووس، الطرائف، 111؛ مجلسی، بحارالانوار، 37 / 65) از ناقلان این حدیث اند. برخی گفته اند چون حضرت فاطمه علیها السلام به سبب فضیلت‌های خویش (مانند عفاف، دین داری، شخصیت و حَسَب) از زنان زمان خویش و تمام اُمت ممتاز و جداست، بتول نامیده شده است. علاوه بر آن، وی از دنیا جدا شده و به سوی خدا حرکت کرده و بتول بودن وی، انقطاع الی الله است (ر.ک: ابن اثیر، 1 / 94؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 15؛ مرعشی نجفی، 19 / 11).

سیده نساء العالمین: سیده، مؤنث سید، در لغت به معنای شریف، فاضل، رئیس مردم (ابن منظور، 3 / 228) و بزرگ و مهتر قوم (دهخدا، 9 / 13877) است. از امام صادق علیه السلام درباره این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که فاطمه علیها السلام سیده زنان بهشتی و آسیه سیده زنان عالم خویش است، پرسش شد. وی پاسخ داد: «کسی که سیده زنان عالم خویش است، مریم علیها السلام است و فاطمه علیها السلام سیده زنان بهشتی از اولین و آخرین آنان است» (صدوق، الامالی، 187؛ فتال نیشابوری، 149). حضرت فاطمه علیها السلام را سیده نساء أهل الجنة، سیده نساء الدنيا و الآخرة، و سیده النسوان نیز خوانده اند (مقاله سیده نساء العالمین).

منصوره: نصر بر خیر دلالت می کند؛ به باران چون خیر است، نصر می گویند و زمینی را که باران بر آن باریده و پُر از خیر و برکت است، منصوره می نامند (ابن فارس، 5 / 435). بر این اساس، چون فاطمه علیها السلام معدن خیر و برکت الهی است، منصوره نامیده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، در ضمن حدیثی طولانی، گفته است که خداوند نور فاطمه علیها السلام را به صورت سیبی در بهشت قرار داد که جبرئیل آن را نزد من آورد. آن را شکافتم و از آن نوری ساطع شد. جبرئیل آن را نوری دانست که در آسمان منصوره و در زمین فاطمه نامیده شده و منصوره تأویل آیات 4 و 5 سوره روم است که در آن به شادی مؤمنان و یاری خداوند اشاره شده و بیانگر یاری فاطمه علیها السلام به دوستان خویشت است (صدوق، معانی الاخبار، 396 - 397). در بیان یاری فاطمه علیها السلام به محبان خویشت، گفته شده که حب فاطمه علیها السلام سبب نجات و رهایی آنان است و جایگاه واقعی و ظهور و بروز آن در روز قیامت و در هنگام شفاعت است (کجوری حسینی، 1 / 214؛ به مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام). در تفسیر این حدیث، برخی بر آن اند که نام گذاری حضرت فاطمه علیها السلام در آسمان به منصوره، بشارت روحانی و گرامیداشت رحمانی برای وی بوده است تا جایگاه و جلالت قدر ایشان بر همگان آشکار گردد و انتقام الهی از دشمنان وی تسلی خاطر او باشد (کجوری حسینی، 1 / 215).

طاهره، مطهره: دو لقب طاهره و مطهره، از ریشه طهر، به معنای پاکی در مقابل آلودگی است (ابن فارس، 3 / 428). در شأن نزول آیه 33 سوره احزاب - که بر طهارت اهل بیت علیهم السلام تأکید کرده - روایات بسیاری وارد شده است که در آنها مراد از اهل بیت علیهم السلام، خمسه طیبه اند، یعنی پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام (حویزی، 4 / 270؛ طباطبائی، 16 / 317 - 320؛ مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). در برخی از

روایاتِ راجع به ولادت آن حضرت علیها السلام، لقب مطهّره و طاهره آمده (ر.ک: صدوق، الامالی، 691 - 692؛ فتال نیشابوری، 144؛ مرعشی نجفی، 13 / 19) و به معنای آن است که خداوند او را از هر پلیدی ظاهری و باطنی در گفتار، رفتار، اخلاق و اعتقاد، پاک و مطهّر داشته و این درجه از طهارت، همان است که از آن با وصف عصمت یاد می شود (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام). علاوه بر این، امام علی علیه السلام نیز در روایت راجع به غسل دادن آن حضرت علیها السلام، بر طاهره و مطهّره بودن فاطمه علیها السلام تصریح کرده اند (ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، 179 / 43).

زکیه: اصل آن به معنای نمو و زیاد شدن است. برخی نیز آن را به معنای طهارت و پاکی دانسته اند؛ لذا، هم شامل نمو می شود هم طهارت (ابن فارس، 3 / 17). روایت مذکور نیز شاهی است بر همخوانی لقب زکیه با طهارت و پاکی. فاطمه علیها السلام، طاهره و زکیه است، زیرا معصوم و پاکیزه از هر گناه و آلودگی است (تبریزی انصاری، 205) و شجره طیبه ای است که نمو داشته و از او میوه امامت به ثمر نشسته است (مسعودی، 409). مبارکه: مبارکه (مرعشی نجفی، 13 / 19) از برکت، به معنای رشد و زیادت است و در اصطلاح، چیزی مبارک است که از او خیر بسیار به وجود آید (ابن منظور، 10 / 395 - 396). امام صادق برای رفع بیماری «شدت ضربان مفاصل»، دعایی را توصیه و در آن از حضرت فاطمه علیها السلام با لقب مبارکه یاد کرده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ دَعْوَةِ نَبِيِّكَ... وَ بِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ...» (زیات، 69 - 70).

راضیه، رضیه، مرضیه: راضیه (اسم فاعل) به معنای خشنود، و مرضیه (اسم مفعول، مؤنثِ مَرَضِي) به معنای کسی است که مورد پسند و رضایت است (ر.ک: جوهری، 6 / 2357؛ ابن منظور، 14 / 323 - 324). فاطمه علیها السلام بنده خالص خدا و راضی

و خشنود محض در برابر خواست خدا بود و به همین سبب، خداوند نیز از او خشنود و راضی شد (ر.ک: تبریزی انصاری، 205 - 206؛ مسعودی، 410 - 411). اطلاق راضیه بر حضرت فاطمه علیها السلام بدان سبب است که وی از خدا و رسول صلی الله علیه و آله کاملاً راضی بود، چنان که بر اساس احادیث، هنگامی که از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای خادمه نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله وی را امر به صبر کرد و تسبیح مشهور را به او آموخت، سه مرتبه تکرار کرد که از خدا و رسول *** راضی است (صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 82 - 83). برخی، با استفاده از روایات بسیاری، وجه رضایت وی را از پروردگار، آن دانسته اند که خداوند به او قرب و منزلت و طهارت باطن عطا کرده، مراتب او را در دنیا و آخرت بالا برده، به وی مقام شفاعت بخشیده است. و از قاتلان فرزندش انتقام می گیرد (مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت). اطلاق مرضیه بر وی از آن روست که خدا و رسول صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیها السلام پیوسته از او راضی بودند (تبریزی انصاری، 205 - 206).

2. القاب و اوصاف اقتباس شده از روایات

حبیبه: حُب (متضاد بغض) به معنای مهربانی و محبت است و حبیبه کسی است که مورد محبت واقع شده است (ابن منظور، 1 / 289 - 290). از القابی که مورخان و محدثان برای حضرت زهرا علیها السلام نقل کرده اند، حبیبه است، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها فاطمه علیها السلام را حبیبه خود خطاب می کرد (ر.ک: طبرانی، المعجم الاوسط، 6 / 327؛ ابن اثیر جزری، 4 / 42؛ طبری، 136). امیر مؤمنان علیه السلام نیز در خطبه ای، خود را همسر بتول، که سیده زنان عالم و حبیبه است، معرفی کرد (مجلسی، بحارالانوار، 33 / 283).

شفیعه: به معنای شفاعت کننده است فراهیدی، 1 / 260؛ جوهری، 3 / 1238). حضرت فاطمه علیها السلام چون در هنگام ازدواج با علی علیه السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواست نمود که

مهریه اش شفاعتِ گناهکاران امت باشد و خداوند آن را پذیرفت، به شفیعۀ ملقب گردید (مرعشی نجفی، 10 / 367). خود زهرا علیها السلام نیز بر این لقب تصریح کرده است (شاذان قمی، 81). بنا بر گزارشی دیگر، فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست کرد که از خداوند بخواهد مهریه وی را شفاعت گناهکاران امت قرار دهد. در پی این درخواست، جبرئیل فرود آمد و طاقه حریری با خود آورد که در آن نوشته شده بود: «خداوند مهریه فاطمه زهرا علیها السلام را شفاعت گناهکاران امت پدرش قرار داد» (مرعشی نجفی، 10 / 367).

حَوَراءِ انسیه: فاطمه علیها السلام اگرچه در ظاهر و صفات جسمی، همسان زنان دیگر بود، ولی در سرشت و حقیقت و ویژگیها، حوریه ای بهشتی بود، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی، او را حوریه ای از نسل آدمیان معرفی کرده است که عادت زنانه نمی بیند (متقی هندی، 12 / 109). در تبیین حوری بودن حضرت علیها السلام، روایاتی با مضمونهای نزدیک به هم وجود دارد. ابن عباس، به نقل از عایشه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، گزارش کرده است که در سفر معراج، در آسمان ششم رطبهایی پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله نهادند که از کره نرم تر، از مشک خوشبوتر و از عسل شیرین تر بودند. وی یکی از آنها را خورد و آن نطفه ای شد که از آن فاطمه علیها السلام به وجود آمد. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است که فاطمه علیها السلام حوریه انسیه ای است که هرگاه مشتاق بهشت می شود او را می بوید (صدوق، علل الشرایع، 4 / 183؛ همو، التوحید، 117). در گزارشی دیگر، حارث اعور از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که در سفر معراج، جبرئیل درخت طوبی را برای وی تکان داد و از آن میوه ای خورد و از آن میوه، فاطمه علیها السلام به وجود آمد، که حوریه ای انسی است و عادت زنانه نمی بیند (کوفی، 2 / 191). در روایتی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن گزارش سفر معراج، خبر داده است که خداوند فاطمه علیها السلام را حوری انسی معرفی کرد (مجلسی، بحار الانوار، 36 / 361).

علیمه: از ریشه علم، به معنای کسی است که علم بسیاری دارد، چنان که قرآن کریم آن را در مورد یوسف علیه السلام به کار برده است (فراهیدی، 2 / 152). حضرت فاطمه علیها السلام نه تنها علم را از پدر آموخت، که فرشته ای نیز از طرف خدا نزدش می آمد و او را از علوم غیبی باخبر می کرد (مقاله مصحف فاطمه علیها السلام) و به همین سبب، علیمه لقب گرفت. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش کرده که خدای متعال فاطمه علیها السلام و همسر و فرزندان را حجت بر خلق قرار داده است و آنها درهای علم در میان امت اند و فقط در اقتدا به آنان می توان به راه راست هدایت شد (صدوق، الامالی، 73 - 74؛ بحرانی، حلیة الابرار، 2 / 36 - 37). چنان که خطبه های برجای مانده از وی نیز گویای علم بسیار فاطمه علیها السلام است (مقاله علم فاطمه علیها السلام).

مشکوة، کوکب دری: مشکوة در لغت به معنای چراغ دان (فراهیدی، 5 / 389؛ راغب اصفهانی، 226) و کوکب دری به معنای ستاره پرنوری است که در آسمان فقط چند عدد از آنها مشاهده می شود. امام کاظم علیها السلام در تفسیر آیه 35 سوره نور «کَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ...»، مشکوة را به فاطمه علیها السلام و مصباح را به حسن و حسین علیها السلام تفسیر کرده و یادآور شده که مقصود از کوکب دری نیز فاطمه علیها السلام است (ابن بطریق، 356). چنان که فاطمه علیها السلام نیز در گفتگو با امیر مؤمنان علیه السلام خود را کوکب تابنده نامیده است (شاذان قمی، 82).

أُمَّةُ اللَّهِ، بَقِيَّةُ النَّبِيِّ: ابن طاووس در گزارشی آورده است که خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی کرد: «فاطمه بنده و کنیز خالص من (أُمَّةُ اللَّهِ) و ماندگاری پیامبر (بَقِيَّةُ النَّبِيِّ) است» (ابن طاووس، اقبال الاعمال، 2 / 339). بنا بر قول پیامبر صلی الله علیه و آله، در سفر معراج، هنگام ورود ایشان به بهشت، بر در بهشت با طلا نوشته شده بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ حَبِيبُ اللَّهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلِيُّ اللَّهِ، فَاطِمَةُ أُمَّةُ اللَّهِ»،

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ» (صدوق، الخصال، 324؛ طوسی، الامالی، 355؛ مجلسی، بحارالانوار، 27 / 228).

بِضْعَةِ النَّبِيِّ: بضعه به معنای جزئی از شیء و پاره ای از آن است (تبریزی انصاری، 137). بنا بر روایات بسیاری، حضرت فاطمه علیها السلام پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله است (طبری امامی، 135)، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی وی را پاره تن خویش خوانده است که هر کس او را شاد کند پیامبر صلی الله علیه و آله را شاد نموده و هر کس او را بیازارد پیامبر صلی الله علیه و آله را آزرده است (طوسی، الامالی، 24؛ ابن شهر آشوب، 3 / 112). در حدیثی نیز فرموده که غضب فاطمه علیها السلام غضب من است (ابن شهر آشوب، 3 / 112؛ ابن بطریق، 384). برخی در تفسیر این گونه روایات گفته اند که با آزدن برخی از اعضای بدن انسان، تمام بدن وی رنجور می گردد و در واقع، آزدن یک عضو، آزدن تمام بدن است، و چون فاطمه علیها السلام پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آزدن وی همان آزدن رسول خدا صلی الله علیه و آله است (تبریزی انصاری، 137 - 139).

مُهَجَّةُ قَلْبِ النَّبِيِّ: این لقب که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن تصریح کرده (علامه حلی، 227؛ مجلسی، بحارالانوار، 29 / 649)، به معنای عصاره قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و روح نبی صلی الله علیه و آله است و شدت علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله را به او نشان می دهد.

سلالة النَّبِيِّ: سلاله به معنای برگزیده از هر چیزی است (مقریزی، 6 / 17) و سلاله نبی، به معنای خلاصه و زبده و فرزند نبی است.

ریحانة الرسول: ریحانه به معنای گل خوشبوست. امیر المؤمنین علیه السلام در ضمن خطبه معرفی خود، بر این صفت زهرا علیها السلام تصریح کرده است (مجلسی، بحارالانوار، 33 / 283).

کریمة النَّبِيِّ: به معنای دختر بزرگوار و باکرامت پیامبر صلی الله علیه و آله است. رسول خدا صلی الله علیه و آله

با یاد کرد این لقب در مورد حضرت زهرا علیها السلام، گفته که ازدواج فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام فرمانی از جانب خداست (طبری امامی، 90).

مُمتَحَنه، صابره: برای حضرت فاطمه علیها السلام مجموعه لقبهایی ذکر شده که گویای مصائبی است که پس از ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر ایشان وارد گردیده است. از جمله آنها ممتَحَنه است. ممتَحَنه کسی است که امتحان و آزمایش شده (رازی، 316؛ طریحی، 177/4) و خالص گردیده است (طریحی، 177/4). صابره اسم فاعل از مصدر صبر است و صبر به معنای نگه داشتن نفس از بی تابی است (رازی، 188). بر اساس حدیثی از امام صادق علیه السلام، ممتَحَنه یکی از هفت درجه مؤمنان است (صدوق، الخصال، 352). در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام به این القاب تصریح شده است: «يَا مُمْتَحَنَةَ امْتَحَنِكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَرَعْمَنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ أَتَانَا بِهِ وَصِيَّتُهُ عَلَيْهِ السَّلَام» (بحرانی، الحدائق، 17 / 428). در زیارت دیگری نیز برخی از این القاب ذکر گردیده است (ر.ک: ابن براج طرابلسی، 1 / 277؛ مشهدی، 82 مجلسی، بحار الانوار، 97 / 198).

علامه مجلسی در گزارشی، بی تابی فاطمه علیها السلام را در آخرین لحظات عمر پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و یادآور شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وی را دلداری داد و فرمود: «تو اولین کسی هستی که به من ملحق می شوی، در حالی که مظلومه و مغضوبه ای» (بحار الانوار، 36 / 288). شیخ طوسی نیز از امام علی علیه السلام نقل کرده است که فاطمه علیها السلام، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، پیوسته مظلومه و از حقیقت ممنوعه و از میراثش مرفوعه بود (الامالی، 156).

صَفِيَّة: از ریشه صفو، به معنای خلوص از هر گونه ناخالصی است ابن فارس، 3 / 292). صفی، برگزیده ای از غنایم است که فرمانده لشکر پیش از تقسیم،

برای خویش اختیار می کند (ابن اثیر، 3 / 20). فاطمه علیها السلام از آن رو صفیه لقب گرفت که خداوند از میان همه زنان عالم، او را برگزید، زیرا در برتری و بندگی، خالص تر از همه بود، چنان که امام صادق علیه السلام در حدیثی یادآور شده است که فرشتگان از آسمان پایین می آمدند و فاطمه علیها السلام را صدا می کردند، همان گونه که مریم علیها السلام را صدا می کردند و برگزیدگی، طهارت و برتری وی را بر تمامی زنان بشارت می دادند: «يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (مجلسی، بحارالانوار، 43 / 78). حضرت علی علیه السلام نیز پس از دفن حضرت فاطمه علیها السلام، رو به سوی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله کرد و اندوه خود را این گونه بازگفت: «قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْرِي» (یا رسول الله، شکیبایی ام بر فراق صفیه تو اندک است) (کلینی، 1 / 258 - 459).

از دیگر القاب بیانگر مظلومیت و محرومیت و درد کشیدگی حضرت فاطمه علیها السلام، اینهاست: متألّمه (دردکشیده)، متظلمّه (ستم کشیده، شاکى از ستم دیگران به درگاه خدا)، مظلومه ساخِطه (خشمگین از ستمکاران و غاصبان حق)، مُغْتَصَبه (کسی که حق مسلم او غصب شده)، و مُغْصَبِ صه (غصه خورده و اندوه کشیده). ابن طاووس در زیارتی از امام حسن عسکری علیه السلام، بسیاری از این القاب حضرت زهرا علیها السلام را بیان نموده است (مجلسی، بحارالانوار، 99 / 180). از دیگر القاب آن حضرت علیها السلام، مَهْمُومه (بی قرار)، مَعْمُومه (غم دیده، غم کشیده)، مَحْزُونه (اندھناک)، مَكْرُوبه (دلگیر)، کَثِيبه (دل شکسته)، حَزِينه (بسیار اندوهگین)، باکیه (گریان)، و مُحْتَرِقَه (دل سوخته) است. بر اساس گزارشی، فاطمه علیها السلام بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته مهموم و مغموم بود (امین عاملی، 1 / 321).

یکی دیگر از القاب حضرت علیها السلام، شَهِيدَه است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 2 / 573؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، 3 / 164). طبق گزارش شیخ مفید، هرگاه قصد زیارت حضرت فاطمه علیها السلام را

کردید، در کنار روضه پیامبر صلی الله علیه و آله بایستید و بگویید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ إِنَّتِكَ الصَّدِيقُ الطَّاهِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، أَيُّهَا الْبَتُولُ الشَّهِيدَةُ الطَّاهِرَةُ» (المزار، 179).

3. دیگر القاب حضرت فاطمه علیها السلام

فاضله، تقیه و نقیه نیز از القاب آن حضرت علیها السلام است. فاطمه علیها السلام از کمالات و نیک طبعی یگانه ای برخوردار بود و از این رو، فاضله نام گرفت. پرهیزکاری بی بدیل او در میان زنان عالم، او را ملقب به تقیه گرداند و چون از هر گونه پلیدی و ناخالصی، پاک و مبرا بود، به تقیه ملقب گردید. القاب دیگری نیز برای ایشان نقل شده، از جمله: خیره (برگزیده)، زیرا از جانب خدا برترین زنان عالم گردید و خداوند او را برای بندگی خود و پرورش ائمه علیهم السلام برگزید؛ مسلک نجات (راه رستگاری)، زیرا هرکس به او متوسل شود در صراط مستقیم گام نهاده است؛ کتاب مسطور (دست نوشته)؛ بحر مسجور (دریای خروشان)؛ بیت معمور (خانه آباد، جایی در آسمان موازی با کعبه)؛ بزه (نیک خواه، نیکوکار)؛ شرف؛ خمصاء حسناء (خوش قامت)؛ و کلمه حسنی (زیباترین مظهر اراده خدا) (شاذان قمی، 80 - 82). علامه طباطبائی در ذیل آیه 45 سوره آل عمران (در این آیه، حضرت عیسی علیه السلام «کلمه» خوانده شده است)، کلمه را در اصطلاح قرآنی، هر چیزی دانسته است که اراده خدا را ظاهر کند (3 / 192). بر این اساس، فاطمه علیها السلام چون مادر حجت‌های خداوند است، که راهنمایان انسان به سوی خدا هستند و اراده خدا در حاکمیت خلیفه الله به دست آنان محقق می‌گردد، کلمه الحسنی، یعنی زیباترین مظهر اراده الهی است.

بر اساس گزارشی از حضرت علی علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در واپسین لحظات زندگانی اش وصیتی کرد و فاطمه علیها السلام را به آغوش کشید و او را موققه (کامیاب شده، کسی که توفیق خداوند شامل حال او گردیده)، رشیده، مهدیه (هدایت شده)، و مُلهمه (بانویی

که خداوند راستی و درستی را بسیار به قلب او الهام می کند (خواند (مجلسی، بحار الانوار، 22 / 492). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در ضمن خطبه ای، خود را همسر بتول، مهتر زنان عالم، فاطمه تقیه زکیه مهدیه معرفی کرد (مجلسی، بحار الانوار، 33 / 283).

القاب دیگری نیز برای حضرت فاطمه علیها السلام ذکر شده است، نظیر نَبَعَه (جوشنده، خروشان)، عارفه (خداشناس)، خَصِيمَه (مدافع حق و دشمن بدکاران)، دُرَّه (گوهر درخشان)، مُبْرَاه (بی گناه)، محروسه (معصوم)، مُفَضِّلَه (برتری یافته بر زنان عالم)، شجره (درخت ولایت)، معصومه (بی گناه)، رشیده (باکمال)، مبشره (بشارت دهنده)، و حَلِيفَه (ملازم، ملازم پدر و همسر، ملازم تقوا). در زیارت فاطمه علیها السلام و صلوات مخصوص وی این القاب بیان شده است (ر.ک: ابن طاووس، اقبال الاعمال، 3 / 165 - 166؛ مجلسی، بحار الانوار، 99 / 200 - 201).

بر اساس روایات، این القاب نیز برای حضرت فاطمه علیها السلام بیان شده است: شقیقه البتول مریم علیها السلام (همسان با مریم علیها السلام در داشتن لقب بتول) (ر.ک: ابن شهر آشوب، 3 / 133؛ مجلسی، بحار الانوار، 99 / 220)؛ أَطهر النساء؛ مفقوده (بانوی گمشده، بانویی که محل قبر و حقیقت او ناشناخته مانده، همان گونه که شب قدر پنهان است) چنان که امام صادق علیه السلام شناخت فاطمه علیها السلام را همتای شناخت شب قدر دانسته است (مجلسی، بحار الانوار، 43 / 65)؛ محموده (دارای اوصاف نیکو و ستودنی)؛ عالیه (دارای مقامات معنوی بالا)؛ صاحبة ولی الله (همسر ولی خدا)؛ و وارثة سید الانبیاء. علامه مجلسی، با گزارش روایتی برای سلام و صلوات بر فاطمه علیها السلام، این القاب را یادآور شده است (بحار الانوار، 99 / 220).

بسیاری از نامها و القاب آن حضرت علیها السلام در صلوات مخصوص وی آمده است، چنان که ابن طاووس آن را گزارش نموده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَصَلِّ عَلَى الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ، الصِّدِّيقَةِ الْمُعْصُومَةِ، النَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ، الرَّضِيِّهِ الْمَرْضِيِّهِ، الرَّزْكَانِيهِ الرَّشِيدِهِ،

الْمَظْلُومِ الْمَقْهُورِ، الْمَغْضُوبِ حَقَّهَا، الْمَمْنُوعِ إِزْثَهَا، الْمَكْسُورِ ضِدَّ لَعْنِهَا، الْمَظْلُومِ بَعْلَهَا، الْمَقْتُولِ وَآدَمَهَا، فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ، وَبَصَدَّ عَمَهُ لَحْمِهِ وَصَدَّ مِيمِ قَلْبِهِ، وَفَلَذَهُ كَبِدِهِ، وَالتُّحْبِ مِّنْكَ لَهُ، وَالتُّحْفَةَ خَصَّصَتْ بِهَا وَصِيَّتَهُ، وَحَبِيبَةَ الْمُصْطَفَى وَقَرِينَةَ الْمُرْتَضَى، وَسَيِّدَةَ النِّسَاءِ وَمُبَشِّرَةَ الْأَوْلِيَاءِ، حَلِيفَةَ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتَقَاحَةَ الْفِرْدَوْسِ وَالْخُلْدِ، الَّتِي شَرَّفَتْ مَوْلِدَهَا بِنِسَاءِ الْجَنَّةِ، وَسَلَّلَتْ مِنْهَا أَنْوَارَ الْأَيْمَةِ، وَأَزْحَيْتَ دُونَهَا حِجَابَ التُّبُوَّةِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهَا صَدَاقَةً تَزِيدُ فِي مَحَلِّهَا عِنْدَكَ وَشَرَفِهَا لَدَيْكَ وَمَنْزِلَتِهَا مِنْ رِضَاكَ، وَبَلِّغْهَا مَتَا تَحِيَّهِ وَسَلَامًا، وَأَتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي حُبِّهَا فَضْلًا وَإِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا، إِنَّكَ ذُو الْعَفْوِ الْكَرِيمِ» (قبال لاعمال، 3 / 165 - 166).

کنیه های حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام دارای کنیه های بسیاری است که همانند القاب، هریک از آنها حکایت از شرافت ایشان می کنند. أم ابيها مشهورترین کنیه آن حضرت علیها السلام است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد دخترش به کار برده (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 397؛ ابن ایوب، 3 / 1499؛ ابن عساکر، 3 / 158) و در بسیاری از کتابهای تاریخی و حدیثی از آن یاد شده است (ابوالفرج اصفهانی، 29؛ ابن اثیر جزری، 5 / 520؛ ذهبی، 2 / 118). این کنیه به خوبی شخصیت و جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و چگونگی رفتار وی را با پدرش نشان می دهد (عاملی، 1 / 60) و نماد محبت فراوان رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام است. از دیگر کنیه های مشهور آن حضرت علیها السلام، أم الحسن، أم الحسین، أم السبطین و أم الحسینین است (ابن قولویه قمی، 404؛ طوسی، مصباح المتهدجد، 211؛ ذهبی، 2 / 119). أم الأئمة، أم السادة الأئمة (ابن شهر آشوب، 3 / 132؛ مشهدی، 82؛ شهید اول، 20)، و أم آحباء الله وأصفیائیه (طوسی، مصباح المتهدجد، 401) نیز از کنیه های حضرت علیها السلام بوده است.

منابع

ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسد الغابة في معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، ابن اثیر، مبارک بن محمد (م. 606 ق.)، النهاية في غريب الحديث و الاثر، تحقيق احمد الزاوي، النا محمود طناحی، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1364 ش؛ ابن ایوب، سلیمان بن خلف (م. 474 ق.)، التعديل و

التجريح، تحقيق احمد البزار، مراکش، وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلاميه؛ ابن براج طرابلسي، عبدالعزيز (م. 481 ق.)، المهذب، قم، نشر اسلامي، 1406 ق؛ ابن بطريق، يحيى بن حسن (م. 600 ق.)، عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، قم، نشر اسلامي، 1407 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. 664 ق.)، اقبال الاعمال، تحقيق جواد قيومي، مكتب الاعلام الاسلامي، 1414 ق؛ همو، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم، مطبعة الخيام، 1399 ق؛ ابن عبد الوهاب، حسين (م. قرن 5)، عيون المعجزات، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1369 ق؛ ابن عساكر، علي بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1404 ق؛ ابن قولويه قمي، جعفر بن محمد (م. 368 ق.)، كامل الزيارات، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين (م. 356 ق.)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم مظفر، قم، مؤسسة دار الكتاب، 1385 ق؛ اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الاثمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امام خميني قدس سره، سيدروح الله موسوي (م. 1409 ق.)، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، 1378 ش؛ امين عاملي، سيدمحسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، بيروت، تحقيق سيد حسن امين، دار التعارف، 1403 ق؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، حلية الابرار، تحقيق غلامرضا مولانا، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، 1414 ق؛ بحراني، يوسف بن احمد (م. 1186 ق.)، الحدائق الناضرة، قم، نشر اسلامي؛ بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخاري، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ تبريزي انصاري، محمد علي بن احمد (م. 1310 ق.)، اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء عليها السلام، تحقيق سيدهاشم ميلاني، قم، نشر الهادي، 1418 ق؛ ترمذي، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذي، تحقيق عبد الوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة و

صحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ حوزي، عبدعلي بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيدهاشم رسولى محلاتى، قم، انتشارات اسماعيليان، 1412 ق؛ دهخدا، على اكبر (م. 1334 ش.) و ديگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، 1373 ش؛ ذهبى، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق؛ رازى، محمد بن ابى بكر (م. 721 ق.)، مختار الصحاح، تحقيق احمد شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ زيات، عبدالله بن سابور (م. 401 ق.)، طب الاثمه عليهم السلام، قم، الشريف الرضى، 1411 ق؛ شاذان قمى، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الفضائل، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق؛ شهيد اول، محمد بن مكى عاملى (م. 786 ق.)، المزار، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1410 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، التوحيد، سيدهاشم حسيني تهرانى، قم، نشر اسلامى؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طباطبائى، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الاوسط، دارالحرمين، 1415 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق، طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1408 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، مصباح المتعجد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، 1411 ق؛ عاملى، سيد جعفر مرتضى، مأساة الزهراء عليها السلام (شبهات وردود)، بيروت، دارالسيرة، 1418 ق؛ علامه حلى،

حسن بن يوسف (م. 726 ق.)، نهج الحق و كشف الصدق، تحقيق سيدرضا صدر، عين الله حسنى، قم، دار الهجرة، 1414 ق؛ فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ فراهيدى، خليل بن احمد (م. 175 ق.)، العين، تحقيق مهدي مخزومى، ابراهيم سامرائى، قم، مؤسسة دار الهجرة، 1410 ق؛ فيومى، احمد بن محمد (م. 770 ق.)، المصباح المنير، بيروت، مكتبة لبنان، 1987 م، قلعجى، محمد رواس، معجم لغة الفقهاء، بيروت، دار النفائس، 1408 ق؛ كجورى حسينى، محمدباقر (م. 1313 ق.)، الخصائص الفاطمية، تحقيق سيدعلى جمال اشرف، الشريف الرضى، 1380 ش؛ كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ متقى همدى، على (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ همو، جلاء العيون، قم، انتشارات سرور، 1376 ق؛ محدث نورى، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، 1408 ق؛ مرعشى نجفى، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى؛ مسعودى، محمدفاضل، الاسرار الفاطمية، تحقيق سيدعادل علوى، قم، مؤسسة الزائر، 1420 ق؛ مشهدى، محمد بن جعفر (م. 610 ق.)، المزار الكبير، تحقيق جواد فيومى، قم، نشر اسلامى، 1419 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الاختصاص، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ همو، المزار (مناسك المزار)، تحقيق سيد محمد باقر ابطحى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ مقرزى، احمد بن على (م. 845 ق.)، امتاعالاسماع، تحقيق محمد نميسى، بيروت، دار الكتب العلمية، 1420 ق.

على شاه عليزاده و على گرامى

سرور زنان عالم، از جمله اوصاف حضرت فاطمه علیها السلام در روایات.

سیده، مؤنث سید، در لغت به معنای شریف، فاضل (ابن منظور، 3 / 228؛ طریحی، 2 / 448)، بزرگ، مهتر قوم، دانا (دهخدا، 9 / 13877) و سرآمد در نیکی (طریحی، 2 / 448) است. به فاطمه زهرا علیها السلام از آن حیث سیده نساء العالمین گفته شده که بر اساس آیات و روایات، در تمامی فضائل و کمالات، از همه زنان عالم برتر، و الگو و سرآمد همه زنان جهان است (ادامه مقاله).

در ادیان پیش از اسلام، زنان اسوه و کاملی وجود داشته اند که از آنان به قداست یاد شده است. در قرآن کریم از ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام، به عنوان زنی یاد شده که رحمت و برکات خدا بر او و خانواده اش تعلق گرفته است (هود، 73). از آسیه، همسر فرعون، به عنوان اسوه پایداری در ایمان به خدا و دل بریدن از شکوه ملوکانه و امید به بهشت و سکونت در جوار خدا یاد گردیده است (تحریم، 11). همسر زکریای نبی علیه السلام، همسری شایسته خوانده شده است که به همراه خانواده اش برای کارهای نیک پیشی می گرفته، در برابر خداوند فروتن بوده و با بیم و امید دعا می کرده است (انبیاء، 90). مریم علیها السلام نیز برگزیده خدا و برترین زن دو عالم معرفی شده است (آل عمران، 42).

در اسلام، از حضرت فاطمه علیها السلام با عنوان سرچشمه خیر کثیر (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، 10 / 460؛ طباطبائی، 20 / 370 - 371) و یکی از ابرار (انسان، 5) یاد شده است. همچنین آیه های تطهیر (احزاب، 33)، مباحله (آل عمران، 61؛ ر.ک: عیاشی، 1 / 176 - 177)؛

حویزی، 1/348) و مودت (شوری، 23؛ ر.ک: کلینی، 8/93؛ مغربی، 1/70) نیز بیانگر بخشی از برتری ایشان بر دیگر زنان است.

حضرت زهرا علیها السلام محبوب ترین فرد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (طبرانی، 22/403). در روایتی، غضب فاطمه علیها السلام غضب خداوند و خشنودی او خشنودی خداوند دانسته شده است (متقی هندی، 12/111 - 112). در احادیث، برتری وی با کلماتی چون اصطفی (برگزیدن)، افضل و سیده بیان گردیده است (طبرانی، 22/403؛ ابن شهر آشوب، 3/104 - 105، 135؛ شاذان قمی، 9-10). برتری حضرت فاطمه علیها السلام به سبب ویژگیها و فضایی است که برخی از آنها عبارت اند از: دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن، همسری علی علیه السلام، مادری حسنین و دیگر امامان علیهم السلام، آفرینش نوری (ابن حاتم عاملی، 452)، داشتن فضایی چون علم غیب، ایمان و خداترسی، محدثه بودن (صدوق، علل الشرایع، 1/182؛ طبری امامی، 80؛ مجلسی، 43/8، 46، 55؛ مقاله های مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام؛ محدثه بودن فاطمه علیها السلام) و عصمت (سید مرتضی، 5/99؛ مقاله عصمت فاطمه علیها السلام). در متون حدیثی شیعه، در بیش از پنجاه روایت که بیشتر نبوی هستند، از این مقام با تعبیر گوناگون یاد شده است، نظیر سیده نساء العالمین، سیده نساء اهل الجنة، سیده نساء یوم القیامة، سیده نساء المؤمنین، سیده نساء هذه الامة، و سیده نساء الاولین و الاخرین (صدوق، علل الشرایع، 2/182؛ طبری امامی، 681 ر.ک: مجلسی، 43/21 - 28؛ بحرانی اصفهانی، 11/88 - 106).

فراوانی این روایتها و وجود احادیث صحیح در میان آنها، به گونه ای است که برخی به تواتر اجمالی آنها قائل اند (ر.ک: سبحانی، 33 - 34). بررسی سند این احادیث نشان می دهد که ناقلان طبقه اول احادیث نبوی بیش از بیست تن از صحابه بوده اند، که عبارتند از: امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، جابر بن سمره، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، زیدبن ثابت، سلمان فارسی،

ابورافع، عایشه، عبدالله بن جعفر طیار، عبدالله بن عباس، عبدالرحمن بن سمره، عمار یاسر، عمران بن حصین، ابوذر غفاری، ابوسعید خدری، ابوهریره، ام سلمه، و ام ایمن (بحرانی اصفهانی، 11 / 88 - 106). از منابع شیعه چنین برداشت شده است که اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لقب سیده نساء العالمین را مختص حضرت فاطمه علیها السلام می دانستند و او را با این لقب می خواندند (طبرسی، الاحتجاج، 1 / 195، 319). در طبقه دوم تابعان، بزرگانی همچون سعید بن جبیر، سعید بن مسیب، سلیم بن قیس هلالی، اصبع بن نباته، مکحول، مجاهد و مسروق قرار دارند. در طبقات پایین تر نیز محدثان، دانشمندان علوم اسلامی، مورخان، مفسران قرآن و دیگران این روایات را در کتابهای خود نقل کرده اند (ر.ک: بحرانی اصفهانی، 11 / 88 - 106).

افزون بر احادیث نبوی، امامان شیعه علیهم السلام نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا در سخنان خویش، از حضرت فاطمه علیها السلام با لقب سیده نساء العالمین یاد کرده اند (صدوق، الامالی، 77 - 78، 112، 259، 374؛ همو، عیون اخبار الرضا علیها السلام، 1 / 302؛ 2 / 274؛ همو، معانی الاخبار، 107، 124)، چنان که در روایتی صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام درباره این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که «فاطمه علیها السلام سرور زنان اهل بهشت است»، پرسیده شد: «آیا فاطمه علیها السلام برترین زن زمان خویش است؟» امام صادق علیه السلام، مریم علیها السلام را سرور زنان زمان خویش، و فاطمه علیها السلام را سرور همه زنان بهشت، از آغاز تا فرجام جهان، معرفی کرد (صدوق، الامالی، 187؛ همو، معانی الاخبار، 107). روایت سرور زنان، در منابع معتبر اهل سنت به شکل سیده نساء اهل الجنة (احمد بن حنبل، 3 / 80؛ 5 / 391؛ بخاری، 4 / 183)، سیده نساء المؤمنین (بخاری، 4 / 183؛ مسلم نیشابوری، 7 / 143)، سیده نساء هذه الامة (مسلم نیشابوری، 7 / 143 - 144؛ نسائی، السنن الکبری، 5 / 141) و سیده نساء العالمین (طیالسی، 197؛ ابن سعد، 8 / 27؛ مسلم نیشابوری، 7 / 143 - 144؛ نسائی، السنن الکبری، 4 / 252؛

15 / 147؛ ابن شاهین، 25) آمده است. ابن ابی الحدید، در شرح نهج البلاغه، آن را متواتر دانسته است (10 / 265 - 266).

عایشه نیز راوی حدیثی است که در آن فاطمه علیها السلام سرور تمام زنان این امت (یا زنان مؤمن) معرفی شده است (احمد بن حنبل، 6 / 282؛ مسلم نیشابوری، 7 / 143 - 144؛ ابن ماجه قزوینی، 1 / 518). بخاری در چند جا از کتاب بدء الخلق، از جمله در سرآغاز باب «مناقب قرابة الرسول صلى الله عليه وآله و منقبة فاطمة عليها السلام»، حدیث نبوی «فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ اَهْلِ الْجَنَّةِ» را ذکر کرده (4 / 183، 209، 219) که نشان دهنده اعتبار بسیار این حدیث در نزد وی است. حدیث مذکور مشهورترین حدیث در بیان سروری حضرت زهرا علیها السلام نزد اهل سنت بوده و نقل آن با چند سند در صحیح البخاری (4 / 183، 209، 219) آن را در بالاترین درجه اعتبار نزد اهل سنت قرار داده و از طریق آنان در کتابهای حدیث شیعه نیز نقل شده است (ابن شهر آشوب، 3 / 105؛ طبری، ذخائر العقبی، 39 - 40؛ مجلسی، 37 / 67).

در روایتی دیگر از عمران بن حصین، از زهرا علیها السلام با لقبهای سیده نساء العالمین و سیده نساء عالمک یاد شده است. وی پس از دادن گزارشی از همراهی خویش با پیامبر صلی الله علیه و آله در عیادت فاطمه علیها السلام، که از شدت گرسنگی بیمار شده بود، گفته است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، پس از تأکید بر شکیبایی زهرا علیها السلام، وی را برترین زن جهان معرفی کرد. نبی اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش حضرت زهرا علیها السلام درباره جایگاه مریم علیها السلام، مریم علیها السلام و فاطمه علیها السلام را سرور زنان دوران خودشان خواند (ابن شاهین، 24 - 25). بر اساس این روایت، مقایسه برتری فاطمه علیها السلام و مریم علیها السلام، مقایسه دو زن کامل در دو امت است و چون امت اسلام، به استناد آیه 110 سوره آل عمران، برترین امت است، زهرا علیها السلام نیز برترین زن جهان است. در روایتی از

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بر این مطلب تصریح شده است (ابن شهر آشوب، 3 / 105، 135، 137).

علاوه بر این، برای حضرت زهرا علیها السلام القاب متفاوتی ذکر شده است که بر سیادت عام ایشان دلالت می کند، چنان که در روایت جابر بن سمره از نبی اکرم صلی الله علیه و آله، از فاطمه علیها السلام با لقب سیده نساء یوم القیامه (مجلسی، 37 / 43؛ مرعشی نجفی، 10 / 36)، در گزارش عبدالله بن عباس با لقب خیرة الله (خطیب بغدادی، 1 / 274) و در روایت علی بن ابی طالب علیه السلام با لقب سیده نساء اهل الجنة (هیشمی، 9 / 201) یاد شده است.

دانشمندان بزرگ شیعه، همچون شیخ طوسی (تهذیب الاحکام، 6 / 10، 57، 87) و ابن قولویه قمی (328، 404، 515)، این القاب را در زیارت‌های متعدد، در کتابهای معتبر خود نقل کرده اند. با توجه به مشهور بودن اختصاص این القاب به حضرت زهرا علیها السلام در میان طبقه اول و فراوانی احادیث، بلکه تواتر معنوی آنها، برخی از علمای شیعه، همچون سید مرتضی، برتری مطلق حضرت فاطمه علیها السلام را بر همه زنان جهان، از اول تا آخر، اجماعی دانسته اند (3 / 147 - 148).

با وجود فراوانی این احادیث، برخی از اهل سنت، با طرح شبهاتی، به بیان برتری مریم علیها السلام بر حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته اند.

ادعای برتری حضرت مریم علیها السلام

برخی از اهل سنت، با استناد به دلایلی، حضرت مریم علیها السلام را برترین زن عالم دانسته اند.

دلیل اول: قرطبی به آیه 42 سوره آل عمران استناد کرده است: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصَّ طِفْلاًكِ وَطَهَّرَكِ وَاصَّ طِفْلاًكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند تو را برگزید و منزه کرد و بر زنان عالم برتری داد). وی واژه «عالمین» را دلیل این برتری دانسته و گفته است که علت برتری مریم علیها السلام، برخورداری او از برخی عطایای الهی بوده که به هیچ زن دیگری داده نشده (نظیر

گفتگو با روح القدس و ظهور روح القدس و دمیدن روح الهی در او) و علاوه بر آن، بدون هیچ درخواست آیه و نشانه ای، کلمات الهی را تصدیق نموده و از این رو به صدیقه نیز مشهور شده است (قرطبی، 82 / 4 - 84).

اما در میان اهل سنت نیز درباره عام بودن برتری مریم علیها السلام، طبق آیه مذکور اتفاق نظر وجود ندارد. صنعانی (120 / 1 - 121) و سیوطی (23 / 2 - 24)، به نقل احادیث کمال و سیادت زنان چهارگانه و برتری زنان قریش اکتفا کرده اند. برخی نیز نساء العالمین را به زنان هم عصر حضرت مریم علیها السلام تفسیر کرده اند (جصاص 16 / 2؛ سمرقندی، 1 / 237؛ ثعلبی، 3 / 67؛ ثعالبی، 2 / 43؛ آلوسی، 3 / 155). مفسران بزرگ صحابی (همچون ابن عباس) و برخی تابعان (مانند حسن و ابن جریح) نیز برگزیدگی مریم علیها السلام را محدود به عصر خودش دانسته اند. طبری نیز، ضمن پذیرش این دیدگاه، برتری مریم علیها السلام را به سبب عبادت بسیار وی دانسته است (جامع البیان، 3 / 357).

مفسران شیعه، عالمین را «عالم زمان خویش» تفسیر کرده و دلیل آن را روایات نبوی و ائمه هدی علیهم السلام در خصوص سیادت عام حضرت فاطمه علیها السلام ذکر نموده اند (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، 2 / 746؛ حویزی، 1 / 336 - 338). علامه طباطبائی، عالمین را مطلق دانسته و گفته است هرگاه اصطفا با حرف جرّ «علی» متعدی شود، به معنای تقدم است و با توجه به آیه بعد که تولد عیسی علیه السلام را به وی بشارت می دهد و نیز آیه 91 سوره انبیاء و آیه 12 سوره تحریم، که بر دمیده شدن روح الهی در رحم وی تأکید دارد، تقدم و برتری حضرت مریم علیها السلام بر همه زنان، به سبب ولادت اعجاز آمیز حضرت عیسی علیه السلام است (3 / 189). برخی از مفسران اهل سنت نیز همین دیدگاه را پذیرفته اند (ر.ک: فخر رازی، 2 / 233؛ شوکانی، 1 / 338؛ سیدقطب، 1 / 395).

به گفته علامه طباطبائی، تکرار واژه اصطفا در آیه مزبور نیز بیانگر آن است که برگزیدگی وی در یک یا چند امر است که دیگران در آن مشارکت ندارند، وگرنه جایی برای تکرار نبود (3 / 165). از این رو، مفسران با استفاده از روایات، برای اصطفا هر کدام از آیات یادشده، معنایی خاص و جداگانه در نظر گرفته اند، چنان که برخی از مفسران، اصطفا اول را به معنای برگزیدن مریم علیها السلام در میان ذریه انبیا و اصطفا دوم را به معنای ولادت اعجاز آمیز عیسی علیه السلام دانسته اند (شریف لاهیجی، 1 / 323؛ حویزی، 1 / 336). علامه طباطبائی مقایسه آیه 42 سوره آل عمران را با آیه 33 همین سوره - که به اصطفا آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، آل ابراهیم علیه السلام و آل عمران پرداخته - شاهدهی بر تقویت این نظر دانسته است، زیرا اگر اصطفا در آیه 33 به معنای لغوی آن (اختیار کردن خالص یک شیء) به کار می رفت، باید به جای «عَلَى الْعَالَمِينَ» از «مِنَ الْعَالَمِينَ» استفاده می شد و در نتیجه در معنای آیه اختلال پیش می آمد. از این رو، در این آیه، اختیار و برگزیدن آن افراد، در اموری خاص است، مانند حضرت آدم علیه السلام که اولین مخلوق، اولین توبه کننده و اولین کسی است که دین برایش تشریح شد، و حضرت نوح علیه السلام که اولین پیامبر از پنج پیامبر اولوالعزم است که کتاب و شریعت بر آنان نازل گردید و پدر دوم بشر است (3 / 165). روشن است که تقدم این بزرگان بر مردم جهان، به معنای برتری آنان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست.

بنابراین، به باور بسیاری، آیه 42 سوره آل عمران بر سیادت حضرت مریم علیها السلام بر همه زنان تا رستاخیز دلالت ندارد و معنای گزینش او از میان همه زنان، آن است که خداوند برای آفرینش حضرت عیسی علیه السلام از دوشیزه ای باکره، او را از میان زنان آن زمان، به علت شرافتی که از جهات گوناگون داشت (مانند از

دودمان نبوت بودن، عبادت بسیار و خالصانه، و طهارت کامل) برگزید و با سخن گفتن عیسی علیه السلام در نوزادی (آل عمران، 46)، او و پسرش را نشانه ای بر قدرت مطلقه خود برای جهانیان قرار داد (انبیاء، 91).

دلیل دوم: برخی به روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده و گفته اند که مریم علیها السلام سیده نساء العالمین است. در برخی از این روایات، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله سیادت و کمال را منحصر به چهار زن (فاطمه، خدیجه، مریم و آسیه علیهم السلام) دانسته، نام مریم علیها السلام مقدم شده و نام زنان دیگر با حرف عطف «ثم» یا ظرف «بعد» نقل شده است: «سیده (سیدات) نساء اهل الجنة مریم بنت عمران، ثم فاطمة، ثم خدیجة، ثم آسیة امرأة فرعون» (طبرانی، 11 / 328: 23 / 7؛ ابن عساکر، 70 / 106 - 108). قرطبی، از علمای اهل سنت، برای اثبات برتری مریم علیها السلام، افزون بر آیه 42 سوره آل عمران به این حدیث (که با حرف ثم عطف شده) نیز تمسک کرده است (4 / 83). این حدیث در صحاح اهل سنت نقل نشده است. علاوه بر آن، با احادیث صحیح، سیادت عام فاطمه علیها السلام که در صحیح البخاری (4 - 209، 219، 7 / 142) و صحیح مسلم (7 / 143) نقل شده و نیز با احادیث اختصاص داشتن سیادت مریم علیها السلام به زمان خود (ابن عساکر، 70 / 108) تعارض دارد. از سوی دیگر، در سند آن راویانی همچون عبدالعزیز بن محمد قرار دارند (ر.ک: ابن عبدالبر، 4 / 1823) که بعضی او را توثیق نکرده اند (مزی، 18 / 194 - 195).

ابن حجر عسقلانی نیز عطف با «ثم» را ثابت و معتبر ندانسته است (7 / 101).

قانلان به برتری مریم علیها السلام، به برخی از احادیث نبوی نیز استناد کرده اند که مشتمل بر واژه «بعد» است. مانند روایت «سیده نساء اهل الجنة بعد مریم، فاطمة و خدیجة» (ر.ک: قرطبی، 4 / 83) و روایت «فاطمة سیده نساء العالمین بعد مریم ابنة عمران و آسیة امرأة فرعون و خدیجة ابنة خویلد» (ابن ابی شیبة کوفی، 7 / 527). ولی این استدلال

صحیح نیست، زیرا مؤخر شدن نام فاطمه علیها السلام در این گونه روایات، به دلیل تأخر زمانی است، در غیر این صورت باید آسیه و خدیجه علیها السلام را نیز از فاطمه علیها السلام برتر دانست، در حالی که در هیچ یک از کتابهای شیعه و اهل سنت چنین ادعایی نشده است. بنابراین، روایاتی مانند حدیث مزبور تنها در صدد بیان این نکته است که این چهار زن بر تمامی زنان عالم برتری دارند.

بیشتر روایات راجع به سیادات زنان چهارگانه، با حرف عطف «واو» نقل شده اند که بر تقدم رتبی دلالت ندارد. اندیشمندان شیعه، به دلیل قراین موجود در قرآن و احادیث، این نقل را ترجیح داده و آن را با سندهای منتهی به طرق اهل سنت نقل کرده اند (ابن شهر آشوب، 3 / 104؛ ابن حاتم عاملی، 463؛ طبری، ذخائر العقبی، 44).

برخی از مفسران اهل سنت، همچون قرطبی، با توجه به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (احمد بن حنبل، 394 / 4؛ بخاری، 4 / 131 - 132)، وجه برتری مریم علیها السلام را کمال وی دانسته اند که بر اساس این حدیث، از میان زنان، فقط او و آسیه (همسر فرعون) بدان دست یافته اند. قرطبی ضمن بیان دیدگاه برخی از دانشمندان اهل سنت، همچون ابن حجر عسقلانی (6 / 321)، که کمال را در حدیث مزبور به نبوت تفسیر کرده اند، نبوت آسیه را رد کرده، اما نبوت مریم علیها السلام را پذیرفته است، به این دلیل که فرشتگان، وحی الهی را بر وی نازل کرده اند، چنان که بر همه انبیا وحی می شد (4 / 83).

در مقابل این حدیث، احادیثی نقل شده که در آنها کمال، منحصر به فاطمه، خدیجه، مریم و آسیه علیها السلام است (زیلعی، 4 / 67؛ فیض کاشانی، 5 / 198؛ 7 / 240). ابن کثیر در حدیث مزبور کمال هر یک را منحصر به زمان خویش دانسته است. بنابراین، کمال آن دو با کامل بودن خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام منافاتی ندارد (2 / 73). ثعالبی، بر

اساس آیه 7 سوره انبیاء که وحی را به مردان اختصاص داده، ضمن قائل بودن به انحصار برگزیدگی مریم علیها السلام از میان زنان زمان خویش، نبوت او را - به استناد نظر عموم علما مبنی بر نبی نبودن زنان - نفی کرده است (2/ 33). بر اساس آیه 71 سوره هود، فرشتگان با همسر ابراهیم علیه السلام نیز سخن گفتند و تولد اسحاق علیه السلام و پس از او تولد یعقوب علیه السلام را به او مؤذنه دادند، اما جز ابن حزم و برخی دیگر (ر.ک: ابن کثیر، 2/ 70)، هیچ کس قائل به نبوت وی نبوده است. بنابراین، سخن قرطبی مبنی بر نبوت مریم علیها السلام به سبب سخن گفتن فرشتگان با او و نزول وحی بر وی، برخلاف اجماع علما و اجتهاد شخصی اوست.

حدیث دیگری که برخی از مفسران اهل سنت آن را دلیل بر برتری عام مریم علیها السلام گرفته اند، حدیثی است که ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله، در فضل زنان قریش نقل کرده است. بر اساس این حدیث، بهترین زنان شترسوار (که به زنان عرب اشاره دارد) زنان قریش اند که با فرزند کوچک خویش مهربان و با دارایی شوهر سازگارند (ر.ک: صنعانی، 1/ 120 - 121؛ بخاری، 4/ 139). این حدیث دو گونه نقل شده است: در یک نقل، ابوهریره پس از نقل حدیث، جمله «مریم هرگز بر شتر سوار نشد» را بر آن افزوده (صنعانی، 1/ 121)، اما در نقل دوم، در ادامه حدیث افزوده است: «اگر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست مریم علیها السلام بر شتر سوار بود، هیچ کس را بر او مقدم نمی کرد» (ابن بطریق، 113). برخی از اهل سنت گفته اند که مقصود ابوهریره این است که چون مریم علیها السلام هرگز سوار شتر نشده بود، جزو زنان مذکور در حدیث نیست تا با آنان مقایسه شود، و گرنه مریم علیها السلام از همه زنان برتر است (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، 6/ 341).

در پاسخ به این استدلال، گفتنی است که به تصریح منابع معتبر اهل سنت،

مانند صحیح البخاری (4 / 139) و صحیح مسلم (7 / 182)، عبارت آخر حدیث که بر شتر سوار نشدن مریم علیها السلام تأکید کرده، سخن ابوهریره و اجتهاد شخص اوست که حجیت ندارد، ولی برخی مفسران دقت نکرده و نگفته اند که این افزوده ابوهریره است (ابن عطیه اندلسی، 1 / 433). از سوی دیگر، حدیث، فقط ناظر بر دو صفت خوب زن خانه دار (مهر به فرزند و مراعات شوهر) است. پاسخ دیگر این است که هر چند برتری حضرت مریم علیها السلام بر زنان قریش امری بدیهی است، اما در خصوص برتری فاطمه علیها السلام بر مریم علیها السلام، در منابع حدیثی و تاریخی فریقین دلایل خاصی وجود دارد که بخشی از آنها گزارش شد.

از دیگر احادیثی که برخی از اهل سنت برای افضلیت مریم علیها السلام آورده اند، احادیث استثنای مریم علیها السلام از محدوده سیادت عام فاطمه علیها السلام است. این روایات - که به نظر اهل سنت، عمده ترین دلیل افضلیت مریم علیها السلام است - اغلب همان متن مشهور «فاطمة سيدة نساء العالمین» است، که در آنها حضرت مریم علیها السلام با یکی از این عبارتها استثنا شده است: «إلاّ مریم»، «إلاّ ما کان من مریم»، «إلاّ ما کان لمریم»، «إلاّ ما جعل الله لمریم»، «إلاّ فلانة» و «بعد مریم» (ابن سعد، 2 / 248؛ ترمذی، 5 / 368؛ نسائی، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، 116؛ ابن عساکر، 70 / 113).

متن مشهور «فاطمة سيدة نساء العالمین» در روایات منقول از طریق صحیح البخاری و صحیح مسلم، از آن عبارتهای زیاده، عاری است و این دلیل بر اعتبار نداشتن روایات مشتمل بر آن زیاده ها، از نظر بخاری و مسلم است، زیرا آنان با وجود نقل مکرر سیادت عام حضرت فاطمه علیها السلام، یک بار هم احادیث مشتمل بر آن زیاده ها را نقل نکرده اند. حاکم نیشابوری حدیثی از ابوسعید خدری را با زیاده «إلاّ ما کان من مریم» از محمد بن اسحاق آورده و مدعی صحت آن

شده، اما به صحت آن با شرط شیخین (بخاری و مسلم) تصریح نکرده است (ر.ک: 154/3). بنابراین، این سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است و در خور اعتماد نیست.

این حدیث در دیگر کتابهای حدیثی نیز با اشکالهایی در سند یا متن، نقل شده است. از آن جمله حدیث ام سلمه است که ترمذی سیادت حضرت فاطمه علیها السلام را با «الآ مریم» (5/ 368 - 369)، ابن سعد (2/ 228) و نسائی (خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، 117) با «بعد مریم»، و ابویعلیٰ موصلی (12/ 111) و ابن اثیر جزری (5/ 523) با «الآ فلانه» گزارش کرده اند. اما در سند همه آنها «موسی بن یعقوب زمعی» وجود دارد که از نظر نسائی قوی نیست (خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، 117)، علاوه بر آنکه عبارت مبهم «الآ فلانه» بر نام مریم علیها السلام تصریح ندارد و پیامبر صلی الله علیه و آله انگیزه ای برای تقیه نداشته است. عبارت «بعد مریم» نیز، تأخر زمانی تفسیر شده است. بنابراین، یا عبارات اضافه از طرف برخی راویان، عمدی یا به سبب ضعف حافظه آنان بوده است.

مضمون احادیث یادشده مبنی بر تقدیم حضرت مریم علیها السلام بر حضرت فاطمه علیها السلام، در منابع دیگری نیز گزارش شده که دارای اشکالاتی است، از جمله مطالب خلاف تاریخ در مورد سن حضرت عیسی علیه السلام (طبری، ذخائر العقبی، 40)، و عباراتی مخالف با قواعد زبان عربی، مانند «أَحْلَمُهُمْ جِلْمًا» که در آن آفعل تفضیل با مفعول مطلق آمده است (ابن عساکر، 70/ 113).

گرچه این احادیث در برخی منابع، همچون السنن الکبری (نسائی، 5/ 95)، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام (نسائی، 116) و المعجم الکبیر (طبرانی، 22/ 419 - 420)، از برخی سندها و طرق «حسن» نقل شده اند، اما با حدیث نقل شده در صحیح البخاری (7/ 141 - 142) و صحیح مسلم (7/ 143) در تعارض اند و حدیث بخاری و مسلم، به دلیل قوّت سند، بر آنها مقدم است.

البته در یک منبع حدیثی شیعه، با سند شیعی، نقل شده است: «أَلَا تَرْضَيْنَ أَنِّي زَوْجَتُكَ أَقْدَمَ أُمَّتِي سِلْمًا وَأَحْلَمَهُمْ حِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لِمَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ» (طوسی، الامالی، 633)، که عبارتی مخالف قواعد عربی دارد (احلمهم حلماً) و موجب تضعیف این روایت می شود. این زیاده درباره مریم علیها السلام را می توان بر ولادت اعجاز آمیز عیسی علیه السلام حمل کرد، زیرا نام مریم علیها السلام به طور مطلق نیامده، بلکه وجه افتراقی، هر چند مبهم (ما جعله الله لمريم)، برایش ذکر شده است. افزون بر آن، در جای دیگری از همین منبع طوسی، الامالی، 333 - 334)، حدیث بدون «الآ مریم» آمده است.

بنابراین، به باور اندیشمندان شیعه و برخی از اهل سنت، استثنا کردن مریم علیها السلام از سیادت عام حضرت فاطمه علیها السلام، بر برتری مریم علیها السلام دلالت ندارد. علاوه بر آنکه این استثنا در منابع حدیثی معتبر اهل سنت، به ویژه صحیح البخاری و صحیح مسلم، گزارش نشده است و سند صحیح ندارد. از این رو، بعید است که سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد و ممکن است اجتهاد شخصی راویان و متأثر از تصور عموم و اطلاق لفظ «العالمین» در آیه 42 سوره آل عمران باشد. به علاوه، با توجه به اینکه امویان در صدد نفی فضایل ذکر شده برای اهل بیت علیهم السلام بودند، روایات مختلفی را برای مقابله با احادیث دال بر فضایل اهل بیت علیهم السلام جعل کردند تا مسلمانان را دچار تردید کنند (هاشمی، 72).

برخی از دانشمندان اهل سنت، احادیث حاوی زیاده «الآ مریم» را دال بر برتری مریم علیها السلام بر فاطمه علیها السلام نمی دانند و گفته اند ممکن است استثنا به دلیل تساوی آن دو باشد (ابن کثیر، 2 / 71 - 72)، چنان که بعضی از آنان، با مقایسه فضایل این دو زن بزرگ، قائل به افضلیت فاطمه علیها السلام شده و غالباً برتری حضرت علیها السلام را به سبب فرزندی رسول اکرم صلی الله علیه و آله دانسته اند (آلوسی، 3 / 155)، اما از نظر شیعه، وی در همه

فضایل از همه زنان عالم برتر است، چنان که در گزارشی که ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، بر این مطلب تصریح شده است (صدوق، الامالی، 175، 575).

به گفته آلوسی، برخی از عالمان اهل سنت با استناد به روایاتی (مانند روایتی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله که به مسلمانان امر کرده است دو ثلث دین را از عایشه فرابگیرند)، در صدد مطرح کردن احتمال برتری عایشه بوده اند (3 / 155)، اما خود آلوسی، ضمن تردید در این روایت، بر فضل علمی حضرت فاطمه علیها السلام تأکید نموده و معتقد است بر فرض ثبوت این روایت، اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از رحلت زود هنگام فاطمه صلی الله علیه و آله آگاه نمی بود، بدون شک مردم را به فراگیری همه دین از فاطمه علیها السلام فرا می خواند (3 / 155 - 156). علاوه بر این، به فرض وجود چنین حدیثی، اثبات علم برای عایشه موجب نفی علم از حضرت فاطمه علیها السلام نمی شود و برتری عایشه را نمی رساند (3 / 155؛ بیومی مهران، 168؛ سیلاوی، 231).

از جمله روایاتی که به گفته آلوسی، برخی برای اثبات فضیلت عایشه به آن استناد کرده اند، روایتی است که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده عایشه نسبت به زنان، همانند آبگوش (ترید) نسبت به دیگر غذاهاست (احمد بن حنبل، 6 / 159؛ بخاری، 4 / 220). خود آلوسی این حدیث را معارض با حدیث دیگری می داند که بر برتری حضرت خدیجه علیها السلام دلالت دارد (3 / 156). علاوه بر این، برخی واژه «النساء» را بر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، که در آن زمان زنده بودند، حمل کرده اند (ابن ابی الحدید، 14 / 23). بنابراین، این حدیث بر سیادت عایشه دلالت ندارد، بلکه به نظر می رسد در مقام اشاره به صفات جسمانی او، مانند جوانی باشد. افزون بر آن، مطابق برخی روایات، خود عایشه نیز فاطمه علیها السلام را برترین فرد پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است (هیثمی، 9 / 201). در منابع حدیثی اهل سنت نیز

بیشترین احادیث سیادت عام (برتری بر همه زنان) فاطمه علیها السلام، از عایشه نقل شده است (ر.ک: طیالسی، 196 - 197؛ ابن راهویه، 5/ 6 - 7؛ احمد بن حنبل، 6/ 282؛ بخاری، 4/ 183؛ نسائی، السنن الکبری، 4/ 251 - 252؛ 5/ 96، 146 - 147؛ همو، خصائص امیر المؤمنین علیه السلام، 118 - 120؛ (اه ابو یعلیٰ موصلی، 12/ 111 - 112).

بنا به نقل آلوسی، سومین حدیثی که برخی برای اثبات برتری عایشه بر فاطمه علیها السلام بدان استناد کرده اند، روایتی است که بر اساس آن، عایشه در آخرت، هم مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، ولی فاطمه علیها السلام هم مقام علی بن ابی طالب علیه السلام است (3/ 155). آلوسی لازمه پذیرش این حدیث را برتری همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله عایشه، بر همه انبیای سلف دانسته است که کسی آن را نمی پذیرد (3/ 156).

با توجه به احادیث متعددی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده، حضرت فاطمه علیها السلام سرور زنان در دنیا و آخرت است و بر همه زنان عالم، چه پیش از اسلام و چه پس از آن، فضیلت و برتری دارد.

منابع

آلوسی، سید محمود (م. 1270 ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید لحام، بیروت، دارالفکر، 1409 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن بطریق، یحیی بن حسن (م. 600 ق.)، خصائص الوحي المبین، تحقیق مالک محمودی، قم، دار القرآن الکریم، 1417 ق؛ ابن حاتم عاملی، یوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظیم، قم، نشر اسلامی، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه؛ ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم (م. 238 ق.)، مسند اسحاق بن راهویه، تحقیق عبدالغفور عبدالحق، المدینة المنورة مکتبة الایمان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر؛ ابن شاهین،

عمر بن شاهين (م. 385 ق.)، فضائل سيدة النساء عليها السلام، تحقيق الحويني الاثري، القاهرة، مكتبة التربية الاسلامية 1411 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. 588 ق.)، مناقب آل أبي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق، ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. 463 ق.)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق علي محمد بجاوي، بيروت، دار الجيل، 1412 ق؛ ابن عساكر، علي بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالفكر، 1415 ق؛ ابن عطية اندلسي، عبدالحق بن غالب (م. 541 ق.)، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبدالسلام محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1422 ق؛ ابن قولويه قمي، جعفر بن محمد (م. 368 ق.)، كامل الزيارات، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهاية، تحقيق علي شيري، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1408 ق، ابن ماجة قزويني، محمد بن يزيد (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دارالفكر؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ ابويعلی موصلي، اسماعيل بن محمد (م. 307 ق.)، مسند ابويعلی الموصلي، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخاري، بيروت، دارالفكر، 1401 ق؛ بيومي مهران، محمد، السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام، سفير اصفهان، 1418 ق؛ ترمذي، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذي، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (م. 875 ق.)، الجواهر الحسان في تفسير القرآن (تفسير ثعالبی)، تحقيق عبدالفتاح، علي محمد، عادل احمد، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1418 ق؛ ثعلبي، احمد بن محمد (م. 427 ق.)، الكشف و البيان في تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)، تحقيق ابن عاشور، ساعدی، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1422 ق؛ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلي، بيروت، دار المعرفه؛ حويزي، عبدعلي بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيد هاشم رسولي محلاتي، قم، انتشارات اسماعيليان، 1412 ق؛ خطيب بغدادی، احمد بن علي (م. 463 ق.)،

تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، 1417 ق؛ دهخدا، علي اكبر (م. 1334 ش.) و ديگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، 1373 ش؛ زيلعى، عثمان بن على (م. 762 ق.) تخريج الاحاديث والآثار، تحقيق عبدالله سعد، الرياض، دار ابن خزيمة، 1414 ق؛ سبحانى، جعفر، اصول الحديث و احكامه في علم الدرايه، قم، نشر اسلامى، 1412 ق؛ سمرقندى، نصر بن محمد (م. 375 ق.)، بحر العلوم (تفسير سمرقندى)، بيروت، دار الفكر؛ سيدقطب، قطب بن ابراهيم (م. 1386 ق.)، في ظلال القرآن، بيروت، دار الشروق، 1412 ق؛ سيدمرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيداحمد حسيني، سيدمهدي رجائي، قم، دارالقرآن الكريم، 1405 ق؛ سيلوى، غالب، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد عليها السلام، علمية، 1421 ق؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار المعرفه، شاذان قمى، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الفضائل، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق، شريف لاهيجى، محمد بن على (م. 1088 ق.)، تفسير شريف لاهيجى، تحقيق جلال الدين حسيني ارموى، تهران، نشر داد، 1373 ش؛ شوكانى، محمد بن على (م. 1250 ق.)، فتح القدير، عالم الكتب؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمداصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ صنعانى، عبدالرزاق بن همام (م. 211 ق.)، تفسير القرآن العظيم (تفسير صنعانى)، تحقيق مصطفى مسلم محمد، الرياض، مكتبة الرشد، 1410 ق؛ طباطبائى، سيدمحمدحسين (م. 1402 ق.)، الميزان فى تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقرب خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق، طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق عده اى از محققين، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1415 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقى جميل عطار، بيروت،

دار الفكر، 1415 ق؛ طبری امامی، محمد بن جریر (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق، طریحی، فخرالدین (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1408 ق؛ طوسی، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1364 ش، طیالسی، سلیمان بن داوود (م. 204 ق.)، مسند ابی داوود الطیالسی، بیروت، دار المعرفه؛ عیاشی، محمدبن مسعود (م. 320 ق.)، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الاسلامیة؛ فخر رازی، محمدبن عمر (م. 606 ق.)، التفسیر الکبیر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1413 ق، فیض کاشانی، محسن (م. 1091 ق.)، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات صدر، 1415 ق؛ قرطبی، محمد بن احمد (م. 671 ق.)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1405 ق؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م. 329 ق.)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1363 ش؛ متقی هندی، علی (م. 975 ق.)، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسی، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق؛ مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، کتابخانه مرعشی نجفی؛ مزی، جمال الدین یوسف (م. 742 ق.)، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال تحقیق بشار عواد، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1406 ق؛ مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفكر؛ مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ نسائی، احمد بن شعیب (م. 303 ق.)، السنن الکبری، تحقیق سلیمان بنداری، سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1411 ق؛ همو، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق هادی امینی، تهران، مكتبة نینوی الحدیثه؛ هاشمی، سیدهاشم، حوار مع فضل الله حول الزهراء علیها السلام، دارالهدی، 1422 ق؛ هیثمی، علی بن ابی بکر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1408 ق.

مانده رضایی

ص: 53

سخن گفتن فرشتگان با حضرت فاطمه علیها السلام.

به هر کلامی که از طریق شنیدن یا وحی، در خواب و بیداری، به انسان برسد، حدیث می گویند (راغب اصفهانی، 110). حدیث را به معنای خبر، چه کم چه زیاد، نیز دانسته اند (جوهری، 1 / 278؛ ابن منظور، 2 / 133). در موارد بسیاری، واژه حدیث که اسم است، جانشین مصدرش، یعنی تحدیث، می شود (ابن منظور، 2 / 133).

محدث کسی است که فرشتگان با او سخن می گویند. بر اساس روایات متعدد، محدث معنایی متمایز از نبی یا رسول دارد. بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، نبی کسی است که در خواب وحی می پذیرد و آنچه می بیند مطابق با واقع است، رسول کسی است که فرشتگان بر او نازل می شوند و از سوی خدا به او وحی ابلاغ می کنند، و محدث کسی است که سخن فرشتگان را می شنود و به قلبش القا می شود و از آن آگاه می گردد (صفار، 388؛ مفید، الاختصاص، 328؛ مجلسی، 26 / 74).

متکلمان شیعه نیز بر آن اند که آنچه بر رسول و نبی القا می شود، وحی است و آن را به کلام رمزی تفسیر می کنند، اما گاه به سخن محرمانه با مخاطب خاص نیز وحی گفته می شود (مفید، تصحیح اعتقادات، 120). متکلمان، وحی الهی از نوع کلام را مختص رسولان الهی می دانند (ر.ک: مفید، اوائل المقالات، 288 - 290؛ همو، تصحیح اعتقادات، 120؛ مجلسی، 26 / 83)، اما گاه اشخاصی، غیر از نبی و رسول، نیز مطالبی را از اسرار غیب دریافته اند که پنهان از دیگران بوده است، همچنان که مادر موسی علیه السلام در رؤیا مخاطب وحی الهی قرار گرفت (قصص، 7؛ مفید، اوائل المقالات، 277 - 288؛ مجلسی، 26 / 83). وحی به معنای لغوی آن (نه به عنوان پیام خدا برای مردم)، پس از

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هم تحقق یافته؛ گاه در بیداری به صورت القای کلام به افراد بوده و گاه در خواب، خداوند برای عده بسیاری از مردم، حقایقی را نمایان ساخته است که قابل تأویل و اثبات حقانیت هستند، اما نمی توان آنها را وحی نامید (مفید، تصحیح اعتقادات، 121؛ مجلسی، 18 / 250). از این رو، شیخ مفید - ضمن یادآوری این نکته که عقل، نزول وحی بر غیر پیامبر را محال نمی داند - معتقد است که به اجماع مسلمانان، پس از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله وحی (به معنای اصطلاحی) بر کسی نازل نخواهد شد (وائل المقالات، 68؛ ر.ک: مجلسی، 26 / 84). وحی به عنوان نوعی سخن مرموز برای ابلاغ امور دینی به مردم، از جمله امتیازات انبیاست، اما غیر نبی نیز ممکن است مخاطب ملائکه واقع شود و محدث باشد.

محدث بودن غیر پیامبران

برای اثبات آن می توان به قرآن و روایات و اجماع مسلمانان استناد کرد.

قرآن بارها سخن گفتن فرشتگان با غیر انبیا را حکایت کرده است و مفسران (مقاتل بن سلیمان، 1 / 275 - 276؛ میبیدی، 2 / 116) به شرح و توضیح آن پرداخته اند. از آن جمله، گزارش متعدد قرآن از گفتگوی فرشتگان با حضرت مریم علیها السلام است. در آیه 42 سوره آل عمران به صراحت آمده است که فرشتگان به مریم علیها السلام گفتند: «خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.» در آیه 45 سوره آل عمران، فرشتگان وی را به کلمه ای بشارت می دهند که نامش مسیح است و از مقربان الهی است و در دنیا و آخرت صاحب وجه خواهد بود. در جریان بارداری حضرت مریم علیها السلام به حضرت عیسی علیه السلام نیز میان وی و فرشته خدا (روح القدس) گفتگویی صورت گرفته که در آیات 18 تا 21 سوره مریم گزارش شده است. در این آیات، از تمثیل روح الهی به صورت انسانی بی عیب و

نقص برای مریم علیها السلام، سخن به میان آمده که مریم علیها السلام با او به گفتگو پرداخته و از او به خدا پناه برده، اما او خود را فرستاده خدا معرفی کرده که برای بخشیدن پسری پاکیزه به مریم علیها السلام آمده است. مریم علیها السلام از این سخن فرشته در شگفت می شود، چرا که تا آن هنگام با مردی در تماس نبوده و زنی آلوده هم نبوده است، اما فرشته می گوید که این امر برای پروردگار آسان است و آفرینش عیسی علیه السلام نشانه قدرت الهی بر مردم و رحمت او بر آنان است و یادآور می شود که امر الهی، حتمی و قطعی است. شیخ طوسی، ظهور فرشتگان بر مریم علیها السلام را معجزه و کرامتی برای وی دانسته است که بر اساس دیدگاه شیعیان، علاوه بر انبیا، برای اولیا و صالحان نیز وقوع می یابد و نشان دهنده میزان صداقت آنان است (التبیان، 2 / 457).

از دیگر مواردی که بر محدّثه بودن برخی از انسانها دلالت دارد، آیات 69 تا 73 سوره هود است، مبنی بر آمدن فرشتگان به سوی حضرت ابراهیم علیه السلام و گفتگوی آنان با همسر وی. بر اساس این آیات، هنگامی که آنان نزد حضرت ابراهیم علیه السلام بودند، به ساره بشارت تولد اسحاق علیه السلام را دادند و در برابر تعجب وی از به دنیا آوردن فرزند در پیری، گفتند که این امر الهی است و دعا کردند که رحمت و برکات خدا بر شما باد. ساره مقام نبوت نداشته، اما به تصریح قرآن، مخاطب فرشتگان قرار گرفته است.

روایات شیعه (صفار، 385 - 386) و اهل سنت (بخاری، 4 / 200؛ ابن حجر عسقلانی، 7 / 40 - 41) اتفاق دارند که محدّث بودن غیر پیامبران، نه تنها ممکن است، بلکه واقع شده، هر چند شیعه و اهل سنت در تعیین مصادیق آن با هم اختلاف دارند، که بیشتر ناشی از تفسیر متفاوت آنها از واژه تحدیث است؛ تحدیث در میان شیعیان، جایگاه و معنای رفیع تری دارد.

اهل سنت، با استناد به روایاتی که در کتابهای آنان آمده است (ر.ک: بخاری 3 / 149، 200؛ مسلم نیشابوری، 4 / 115؛ ابن بلبان فارسی، 15 / 317)، مدعی شده اند که این مقام، برای برخی از صحابه رخ داده است، از جمله برای خلیفه اول (سجستانی، 12) و خلیفه دوم (عینی، 16 / 55؛ 24 / 135؛ مبارکفوری، 6 / 454 - 455) و عمران بن حصین (ابن سعد، 4 / 288 - 289؛ طبرانی، 18 / 107). این گونه مطالب، بیانگر آن است که فریقین، اصل وجود محدثان را در امت اسلامی، پذیرفته اند.

در روایات شیعه نیز از برخی شخصیت‌های پیش از اسلام یاد شده است که پیامبر نبوده، اما محدث بوده اند، مانند ذوالقرنین. در روایات متعددی، امامان علیهم السلام در پاسخ این سؤال که آیا محدث، نبی یا رسول است، محدث را همانند ذوالقرنین معرفی کرده اند که پیامبر نبود، اما بنده ای بود که خدا را دوست داشت و خدا هم او را دوست داشت و از خدا راهنمایی خواست، پس خدا هم او را راهنمایی کرد (صفار، 344، 386؛ صدوق، کمال الدین، 393).

از دیگر محدثان امتهای گذشته، آصف بن برخیا بود که بنا بر روایات، مصاحب سلیمان علیه السلام بود (صفار، 385 - 386؛ مجلسی، 26 / 73). گرچه او پیامبر نبود، کارهای خارق العاده ای انجام می داد که به سبب دانش او از کتاب الهی بود (ر.ک: نمل، 40). با این شواهد، امکان محدث بودن و گفتگوی فرشتگان با زنان و مردانی غیر از انبیا روشن می شود. محدثه بودن حضرت زهرا علیها السلام نیز با وجود روایات متعدد، اثبات می گردد.

در منابع حدیث شیعه، افزون بر احادیثی که تنها به ذکر محدث بودن برخی افراد پرداخته اند (صفار، 339 - 341؛ مجلسی، 26 / 66 - 74)، از محدث، تفسیرهای خاصی شده و این عنوان، مقامی متمایز از نبوت و رسالت معرفی گردیده است (صفار، 341 - 344؛ مجلسی، 26 / 67 - 69).

در منابع حدیث اهل سنت، تعبیر محدث وارد شده (بخاری، 4 / 200)، اما در مصادر مهم حدیثی ایشان، در تفسیر آن، روایتی نقل نشده، تنها در برخی از منابع متأخر اهل سنت، حدیثی از ابوسعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که در آن محدث و کیفیت تحدیث بیان گردیده است که بر اساس آن، فرشتگان بر زبان محدث سخن می گویند (ابن حجر عسقلانی، 7 / 41؛ متقی هندی، 12 / 594 - 595). اما درباره معنا و روش آن، آرای متفاوتی وجود دارد.

نکته مهم در محدث بودن اولیا، چگونگی ابلاغ الهام و حدیث به شخص محدث است که چه کسی و به چه شیوه ای این کار را انجام داده است. برخی از احادیث، به صراحت، واسطه ابلاغ حدیث را فرشتگان دانسته اند (صفار، 342؛ طوسی، الامالی، 407؛ مجلسی، 22 / 327). چنان که امام باقر علیه السلام به محدث بودن امیر مؤمنان علیه السلام تصریح کرده و گفته است که فرشته ای با او سخن می گفت (صفار، 386؛ کلینی، 1 / 271؛ مفید، الاختصاص، 286 - 287). در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام، به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تصریح شده است که جبرئیل بر حضرت علی علیه السلام املا می کرد و آن حضرت علیه السلام صدای او را می شنید و کلام او را می نوشت (صفار، 342). در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز بر همراهی جبرئیل و میکائیل و سخن گفتن آنان با حضرت علی علیه السلام در جنگ بنی قریظه و بنی نضیر تصریح شده است (صفار، 341؛ مفید، الاختصاص، 286؛ مجلسی، 26 / 71).

شیوه تحدیث و نقل اخبار الهی برای مخاطبان، صورتهای گوناگونی دارد و چون مصداق روشن و متداول و محسوس نقل اخبار، سخن گفتن است، بر همه آنها، از باب غلبه، تحدیث اطلاق می شود. بر اساس روایات، محدثان به شکلهای گوناگون مخاطب فرشتگان قرار می گیرند، گرچه وجه مشترک همه آنان، شنیدن سخن فرشتگان است.

در برخی روایات، این تعبیر به کار رفته است که «يُوقَرُ فِي أُذُنِهِ»، یعنی خداوند فرشته ای را می فرستد که در گوش او بریزد (صفار، 343؛ مجلسی، 71 / 26). در روایات دیگر از آن به «يُنَكْتُ فِي أُذُنِهِ» تعبیر شده است، یعنی در گوش او نجوایی می کند همچون صدای ریختن آب در تشت [مسی] (صفار، 344، 393؛ مفید، الاختصاص، 287). اما در روایات بسیاری، تصریح شده است که محدث، سخن فرشتگان را بدون دیدن آنان می شنود (صفار، 343؛ کلینی، 1 / 271؛ مجلسی، 26 / 68). در روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام، این نحوه تحدّث بیشتر از دیگر شیوه ها گزارش شده است (مجلسی، 26 / 66 - 85). در برخی روایات نیز از الهام قلبی نام برده شده که به همراه نوعی زمزمه کلامی، همانند صدای برخورد زنجیر با تشت [مسی]، است (مجلسی، 26 / 78). بر اساس روایات، در این گونه موارد، در قلب محدث نوعی اطمینان و حالتی بدون تزلزل و شک ایجاد می شود و به نوعی، علم (حضور و شهودی) برایش حاصل می گردد که یقین می یابد کسانی که با وی سخن می گویند فرشتگان الهی اند (صفار، 391؛ کلینی، 1 / 177، 271).

در میان اهل سنت نیز عده ای، همچون ابن حجر عسقلانی، گفتگوی لفظی فرشتگان را با محدث پذیرفته اند (7 / 41؛ ر.ک: منتقی هندی، 12 / 594 - 595)، گرچه بسیاری از آنان، آن را سطح نازل تری از ارتباط می دانند و در تبیین شیوه تحدیث، آرای دیگری دارند، چنان که بیشتر اهل سنت بر آن اند که مراد از محدث کسی است که به وی الهام می شود (ابن حجر عسقلانی، 7 / 40 - 41؛ مبارکفوری، 10 / 125). برخی نیز از این شیوه ها نام برده اند: جاری شدن کلام حق و صواب بر زبان وی، بدون قصد و اختیار و بدون گفتگو با فرشتگان؛ گمان صادق؛ القا شدن مطلب از ملأ

اعلی بر جان وی (ر.ک: نووی، 15 / 166؛ ابن حجر عسقلانی، 7 / 40 - 41؛ مبارکفوری، 10 / 125)؛ و فراست و دقت نظر در امور (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، 7 / 41). هر چند این دیدگاهها مبتنی بر حدیث یا منبع موثق دیگری نیست.

محدثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه علیها السلام دارای فضائل و مناقب بسیاری است که او را از تمامی زنان ممتاز می سازد (مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام). فاطمه علیها السلام آن جایگاه را یافت که خداوند تطهیر از همه پلیدیها را برای ایشان مقدر فرمود (ر.ک: احزاب، 33، مقاله عصمت فاطمه علیها السلام) و به چنان درجه ای از کمال رسید که به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله، سرور زنان عالم و سرور زنان بهشت معرفی شد (بخاری، 4 / 209؛ ترمذی، 5 / 326؛ طبری امامی، 81 / 149، مقاله سیده نساء العالمین). در این میان، محدثه بودن - که احادیث متعددی بر آن دلالت دارد (کلینی، 1 / 241 - 342؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 182 - 183؛ طبری امامی، 81) - از بالاترین فضایل ایشان است، زیرا آمدن جبرئیل نزد هر کسی ممکن نیست، بلکه باید بین روح محدث و جبرئیل، که روح اعظم است، تناسب وجود داشته باشد (امام خمینی قدس سره، 20 / 5 - 6). در برخی روایات گزارش شده است که در آخرین روز زندگی نبی اکرم صلی الله علیه و آله، برخی از فرشتگان با حضرت فاطمه علیها السلام سخن گفتند. بر اساس این روایات، فاطمه علیها السلام با عزرائیل - که اجازه ورود به منزل پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت - هم سخن شد (ابن شهر آشوب، 3 / 116؛ مجلسی، 22 / 527 - 528). اما شهرت آن حضرت علیها السلام به محدثه بودن، به سبب تحدیث پس از رحلت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، که به صورت مصحف تدوین شد (مقاله مصحف فاطمه علیها السلام).

دلایل

در روایات ائمه علیهم السلام، حضرت فاطمه علیها السلام به صورت گسترده ای محدثه نامیده شده (ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ مفید، الاختصاص، 329؛ طبری امامی، 80 - 81، 152)

و در زیارتنامه های مأثور، بر این صفت تأکید گردیده است (ر.ک: ابن طاووس، 3 / 164؛ شهید اول، 22؛ مجلسی، 97 / 195). در مصادر روایی شیعی، شش روایت بر ثبوت این جایگاه برای آن حضرت علیها السلام دلالت دارد. این روایات دارای اسناد کامل، و چهار روایت آنها معتبرند. دو روایت دیگر، نیز برگرفته از آموزه های اهل بیت علیهم السلام هستند. این روایات، در کنار روایات راجع به مصحف فاطمه علیها السلام، از دلایل اثبات سخن گفتن فرشتگان با آن حضرت علیها السلام هستند.

1. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فاطمه علیها السلام نه نام دارد: فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدّثه، و زهرا (صدوق، علل الشرایع، 1 / 178؛ همو، الخصال، 414؛ همو، الامالی، 688؛ طبری امامی، 79 - 80). هر یک از این نامها، گویای یکی از امتیازات و صفات مهم آن حضرت علیها السلام است. محدّثه نیز نام و نمادی از آن حضرت علیها السلام و از مهم ترین ویژگیها و فضیلت‌های ایشان است.

2. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام، علت نام گذاری آن حضرت علیها السلام به محدّثه، چنین بیان شده است: «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فُتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ» (فاطمه علیها السلام را از آن حیث محدّثه نامیده اند که فرشتگان از آسمان فرود می آمدند و به او ندا می دادند، همان گونه که به مریم دختر عمران ندا می دادند) (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 80 - 81). این حدیث، علاوه بر مسلم شمردن نام محدّثه برای حضرت فاطمه علیها السلام، سبب محدّثه بودن وی را آن دانسته که مخاطب فرشتگان بوده، چنان که مریم علیها السلام دختر عمران نیز مخاطب ملائکه بوده است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182 - 183؛ ابن حاتم عاملی، 456).

3. در حدیثی، امام صادق علیه السلام گفتگوی جبرئیل با حضرت فاطمه علیها السلام و شیوه

فراهم آمدن مصحف فاطمه علیها السلام را بیان کرده است. بنا بر این حدیث، پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام 75 روز زندگی کرد و چون اندوه شدیدی در فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، جبرئیل نزد وی می آمد و او را تسلی می داد و از پدرش و جایگاه وی، و نیز آنچه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله برای نسل وی پیش می آید، خبر می داد و علی علیه السلام این اخبار را می نوشت، که همان مصحف فاطمه علیها السلام است (صفار، 173 - 174؛ کلینی، 1 / 241).

4. در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام در بیان حقیقت مصحف فاطمه علیها السلام فرموده است که پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اندوهی بزرگ فاطمه علیها السلام را فرا گرفت و خداوند برای تسلی وی فرشته ای فرستاد تا با او سخن بگوید. فاطمه علیها السلام این ماجرا را با امیر مؤمنان علیه السلام در میان گذاشت. علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام تقاضا کرد که حضور فرشته را به وی نیز اطلاع دهد. آنگاه، سخنان فرشته را نوشت و مصحفی از این شنیده ها فراهم آمد (کلینی، 1 / 240؛ مقاله مصحف فاطمه علیها السلام). این روایت، علاوه بر نزول فرشته بر حضرت فاطمه علیها السلام، شنیدن صدای او (محدثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام) را به صراحت بیان می کند.

5 و 6. در دو روایت دیگر، محمد بن ابی بکر در پاسخ پرسشی درباره محدث بودن غیر انبیا، علاوه بر محدث بودن امیر مؤمنان علیه السلام و محدثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام (صفار، 392؛ مفید، الاختصاص، 329)، بر محدثه بودن مریم علیها السلام، مادر موسی بن عمران علیه السلام، و ساره همسر ابراهیم علیه السلام، که فرشتگان را نیز مشاهده نمودند، تصریح کرده است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 183؛ ابن شهر آشوب، 3 / 115). این دو روایت از محمد بن ابی بکر است، که از ائمه اهل بیت علیهم السلام نبوده، ولی در خانه امیر المؤمنین علیه السلام تربیت یافته و از نزدیکان اهل بیت علیهم السلام بوده است. از این رو، سخنانش مؤید روایات

دیگر در شأن حضرت فاطمه علیها السلام است. شیخ صدوق، در ادامه روایت محمدبن ابوبکر، تصریح کرده بنا بر آیات قرآنی (نحل، 43؛ انبیا، 7)، هیچ زنی پیامبر نشده است، اما محدثها نه رسول اند نه نبی، و بنابراین، زن می تواند محدثه باشد (علل الشرایع، 1 / 183).

مصحف حضرت فاطمه علیها السلام

مضامین گفتگوی حضرت فاطمه علیها السلام با جبرئیل و یا فرشتگان نیز در خور توجه است. گزارشهایی که از محتوای گفتگوی جبرئیل با حضرت علیها السلام در مصحف آن حضرت علیها السلام جمع آوری شده، گویای آن است که این موضوعات در این کتاب بوده است: تسلیت و تعزیت بر حضرت فاطمه علیها السلام و خبر از پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه وی در بهشت (صفار، 173 - 174؛ کلینی، 1 / 241)، خبر از حوادث آینده (کلینی، 1 / 241؛ مفید، الارشاد، 2 / 186)؛ اطلاعاتی درباره فرمانروایان امت با نام و نام پدرشان (کلینی، 1 / 242؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 207 - 208)؛ و اخبار انبیا، مؤمنان، کافران گذشته و آینده و سرگذشت‌های آنان (طبری امامی، 105). در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرشتگان پس از بیان برگزیدگی، طهارت و برتری حضرت فاطمه علیها السلام بر تمام زنان جهان، به او گفتند که بر درگاه الهی عبادت و رکوع و سجود کند. علاوه بر آن، میان فاطمه علیها السلام و ملائکه گفتگوهای صورت گرفته است. از جمله در پاسخ پرسش زهرا علیها السلام درباره برتری مریم علیها السلام، فرشتگان مریم علیها السلام را سرور زنان عصر خویش معرفی کردند و گفتند: «اما خداوند تو را سرور زنان جهان، از آغاز تا انجام، قرار داده است» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 80 - 81).

در هیچ یک از اخباری که درباره سخن گفتن فرشتگان با حضرت فاطمه علیها السلام است، گفته نشده که علم حلال و حرام الهی در این سخنان مطرح گردیده، و

حتی در برخی روایات تصریح شده است که در مصحف فاطمه علیها السلام چیزی از حلال و حرام وجود ندارد (صفار، 177؛ کلینی، 1 / 240؛ مقاله مصحف فاطمه علیها السلام).

بررسی شبهات

برخی شبهه کرده اند که سخن گفتن فرشتگان با غیر پیامبر امکان ندارد و برای اثبات مدعای خود، به دو امر استناد کرده اند: اول اینکه سخن گفتن فرشته با حضرت فاطمه علیها السلام مانعی نداشته، ولی فرود آمدن جبرئیل به زمین پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن نبوده است، زیرا جبرئیل پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله با زمین خداحافظی کرد و آن دیدار را آخرین دیدار خواند و یادآور شد که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی هیچ کس در زمین هبوط نخواهد کرد (طبرانی، 3 / 129؛ صالحی شامی، 12 / 264؛ متقی هندی، 7 / 264). بر این اساس، سخن گفتن جبرئیل با حضرت فاطمه علیها السلام سازگاری ندارد.

در پاسخ به این شبهه، دو نکته درخور ذکر است: اول آنکه نیامدن جبرئیل مستلزم نیامدن فرشته دیگر نیست و محدث بودن، با آمدن فرشته دیگر هم محقق می شود. دوم آنکه برخی، احادیث راجع به نیامدن جبرئیل را ضعیف شمرده و روایاتی را معارض آن دانسته اند، چنان که بر اساس برخی روایات، جبرئیل در شب قدر با ملائکه فرود می آید و بر هر ایستاده و نشسته ای که ذکر خدا می گوید، درود می فرستد (ر.ک: حلبی، 3 / 472). از این رو، خداحافظی جبرئیل به معنای قطع شدن وحی نبوی است و در برخی آیات (ر.ک: احزاب، 40) و روایات (ر.ک: نهج البلاغه، خطبة 133 (2 / 16)؛ ابن شهر آشوب، 1 / 136) بر آن تأکید شده است، اما به جز انقطاع وحی نبوی، دلیلی بر پایان هبوط او نیست. آلوسی، از اهل سنت، تصریح دارد آنچه منقطع شده، وحی تشریحی است نه غیر آن. وی حکمت منقطع نشدن وحی غیر تشریحی را آشناسازی امت اسلامی با حقایق دانسته است تا به

حقیقت اسلام و ایمانی که به آن دعوت می شوند بصیر باشند (25 / 62). برخی دیگر از مفسران و اندیشمندان نیز تأکید کرده اند که آنچه منقطع شده، وحی برای شریعت تازه یا تکمیل شریعت سابق است، نه هرگونه ارتباط با ماورای طبیعت و دریافت الهام و اشراق، و اصولاً این راه ممکن نیست مسدود شود (غزالی، 233؛ صدرالمآلهین، 41 - 42؛ مکارم شیرازی، 17 / 349). از این رو، توجه نکردن به تفاوت محدّث و نبی، باعث انحراف عده ای شده است. امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که از اهل بیت من، دوازده تن محدّث اند. امام باقر علیه السلام، ضمن شرح معنای محدّث، سبب گمراهی برخی افراد را در ناآگاهی‌شان از این مفهوم دانسته (صفار، 340؛ کلینی، 1 / 270) و چون شناخت دقیق این مفاهیم برای عده ای میسر نبوده است، ائمه علیهم السلام برخی از اصحابشان را از نقل این گونه مفاهیم برای بعضی مخالفان نهی کرده اند (طوسی، اختیار معرفة الرجال، 1 / 414 - 415؛ مجلسی، 26 / 80 - 81).

استدلال دوم در انکار محدّثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام، این است که علم به غیب و آگاهی از آینده و گذشته به خدا اختصاص دارد، و آیات بسیار (ر.ک: انعام، 59؛ اعراف، 188؛ نمل، 65؛ حجرات، 18؛ حشر، 22) و روایات متواتر (ر.ک: صفار، 129؛ کلینی، 1 / 256 - 257) گویای آن هستند. منکران، محدّث بودن را نوعی مشارکت با خدا در علم غیب او دانسته اند.

اندیشمندان شیعه و اهل سنّت در پاسخ این اشکال و اثبات علم غیب برای غیر خدا، آیات و روایات مذکور را ناظر بر این دانسته اند که علم غیب اولاً - و به ذات از آن خداست، اما در درجه بعد، انبیا و برخی از اوصیا نیز، با اذن و اراده الهی، به مراتبی از آن دست می یابند (ابن ابی الحدید، 5 / 12؛ طباطبائی، 18 / 191؛ 20 / 56؛ سبحانی، 214). آیات بسیاری دلالت دارد بر اینکه خدا بخشی از علم غیب را بر

پیامبرانش بیان می کند تا بر مردم بخوانند و ایشان را هدایت کنند، چنان که در قصه های قرآنی، به غیبی بودن این اخبار تصریح شده است، از جمله در قصه حضرت مریم علیها السلام (آل عمران، 44)، نوح علیه السلام (هود، 29) و یوسف علیه السلام (یوسف، 102). مؤمنان نیز به خدا، فرشتگان، کتب، رسولان، آخرت، زندگی پس از مرگ، قیامت، حساب، بهشت و جهنم، نعمتهای بهشت و دیگر امور غیبی علم دارند، ولی علم آنان از ایمان به این امور غیبی سرچشمه گرفته که در آموزه های دینی مطرح شده است. بنابراین، خدا می تواند علم غیب و اخبار گذشته و آینده را به دیگران بیاموزد، بدون آنکه مشارکت دیگران در علم غیب ذاتی او لازم بیاید. بر همین اساس، امام کاظم علیه السلام در جواب کسی که درباره علم ایشان به غیب سؤال کرد، ضمن انکار آن، علم خویش را وراثت از رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست (مفید، الامالی، 23؛ مجلسی، 26 / 102 - 103؛ مقاله امامت).

منابع

آلوسی، سید محمود (م. 1270 ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق، ابن ابی داوود، عبدالله بن سلیمان (م. 310 ق.)، المصاحف، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1405 ق؛ ابن بلبان فارسی، علاء الدین علی (م. 739 ق.)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق شعیب الارنوؤط، مؤسسة الرسالة، 1414 ق؛ ابن حاتم عاملی، یوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظیم، قم، نشر اسلامی؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، مکتب الاعلام الاسلامی، 1414 ق؛ ابن منظور، محمد بن مکرم

(م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ امام خميني قدس سره، سيدروح الله موسوى (م. 1409 ق.)، صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره، 1378 ش؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربي، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ حلبى، على بن برهان (م. 1044 ق.)، السيرة الحلبيه، بيروت، دار المعرفة 1400 ق؛ راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ سبحانى، جعفر، آگاهى سوم يا علم غيب، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، 1428 ق، شهيد اول، محمد بن مكى عاملى (م. 786 ق.)، المزار، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1410 ق؛ صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. 942 ق.)، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد، على محمدى بيروت، دارالكتب العلمية، 1414 ق، صدر المتألهين، صدرالدين محمد شيرازى (م. 1050 ق.)، مفاتيح الغيب، تحقيق محمد خواجوى، بيروت، مؤسسة التاريخ العربى، 1999 م؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، كمال الدين و تمام النعمه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1405 ق؛ صفارى محمد بن حسن (م. 290 ق.)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقيق ميرزا محسن كوچه باغى، تهران، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ طباطبائى، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.)، الميزان فى تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، التبيان فى تفسير القرآن، تحقيق احمد قصير عاملى، مكتب الاعلام الاسلامى، 1409 ق؛ همو، اختيار

معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث، 1404 ق؛ عيني، محمود بن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ غزالى، محمد بن محمد (م. 505 ق.)، مجموعة رسائل، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1363 ش؛ مباركفورى، محمد عبدالرحمن (م. 1353 ق.)، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1410 ق؛ متقى هندى، على (م. 975 ق.)، كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكبر غفارى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، اوائل المقالات، تحقيق ابراهيم انصارى زنجانى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، صحيح اعتقادات الاماميه، تحقيق حسين درگاهى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، الاختصاص، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مقاتل بن سليمان (م. 150 ق.)، تفسير مقاتل بن سليمان، تحقيق عبدالله محمود شحاته، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1423 ق؛ مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1374 ش؛ ميبدى، رشيدالدين احمد بن ابى سعد (م. 520 ق.)، كشف الاسرار وعدة الابرار (تفسير خواجه عبدالله انصارى)، تحقيق على اصغر حكمت، تهران، انتشارات اميركبير، 1371 ش؛ نورى، محيي الدين بن شرف (م. 676 ق.)، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربى، 1407 ق؛ نهج البلاغه، الامام على بن ابى طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق.

محمد كاظم رحمان ستايش

مصونیت حضرت فاطمه علیها السلام از گناه و اشتباه.

عصم در لغت به معنای همراهی، حفظ و نگهداری، خودداری (ابن فارس، 4 / 331؛ راغب اصفهانی، 336 - 337)، بازداشتن (ابن منظور، 12 / 403؛ زبیدی، 17 / 481) و دور کردن از شرّ و معصیت (فراهیدی، 1 / 313؛ جوهری، 5 / 1986) است. متکلمان و حکما، با توجه به اختلافات کلامی و فلسفی مکاتب، برای آن معانی متفاوتی بیان کرده اند. متکلمان شیعی، عصمت را توفیق و لطفی الهی دانسته اند که به واسطه آن، معصوم در دین مرتکب معصیت و خطا نمی شود (ر.ک: مفید، تصحیح اعتقادات، 128؛ همو، النکت الاعتقادیه، 37؛ خواجه نصیر طوسی، 369؛ علامه حلی، الباب الحادی عشر، 9). آن گونه که از سخن فاضل مقداد بر می آید، عصمت، ملکه و نیرو و حالت نفسانی پدید آمده از لطف و توفیق الهی است (301). متکلمان اشعری - که به استناد بدون واسطه همه اشیا به خدا اعتقاد دارند - عصمت را خلق قدرت اطاعت و نداشتن توانایی معصیت (ر.ک: تفتازانی، شرح المقاصد، 4 / 312) یا نیافریدن گناه در معصوم از جانب خدا، تعریف کرده اند (تفتازانی، شرح العقائد النسفیة، 99؛ جرجانی، 8 / 280 - 281). حکما عصمت را ملکه ای عقلانی می دانند که از دارنده آن معصیت سرنمی زند، زیرا عقل، از آن جهت که عقل است، محال است معصیتی را اراده کند و گناهی از او سرزند (ر.ک: خواجه نصیر طوسی، 369؛ جرجانی، 8 / 281؛ لاهیجی، 379).

اعتقاد به عصمت، بین تمام ادیان آسمانی، مشترک است (یوسفیان، 73)، اما درباره محدوده افراد معصوم و محدوده عصمت آنان، اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس آنچه از آیین یهود در دسترس است، فقط انبیا، آن هم در محدوده تبلیغ

وحی، از هر گونه دروغ و خطا معصوم اند، اما در محدوده اعمال شخصی، خطاها و حتی گناهایی به برخی از آنان نسبت داده اند (کتاب مقدس، پیدایش 9 / 21 - 26، 38؛ سموئیل دوم / 11؛ اول پادشاهان 11 / 4 - 11). در اعتقادات مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام، هم از نظر تعلیم و هم اخلاق، معصوم و بدون نقص است و چون کتاب مقدس مسیحیان در عصر حاضر، حاصل کار نویسندگانی غیر از حضرت عیسی علیه السلام است، مسیحیت در عصر ما برای جلب اعتماد پیروان خود و اقناع فکری و وجدانی آنان، نویسندگان این کتابها را در محدوده تعلیم، معصوم می داند، هر چند در زندگی شخصی دارای عیب و نقص و خطا بوده اند (تیسن، 205). امروزه مسیحیت کاتولیک حتی برای پاپ نیز در محدوده اوامر دینی و فتاوی شرعی، مقامی مشابه عصمت قائل است (ر.ک: لین، 491 - 495؛ گونگ، 172 - 173، 227، 236؛ وان وورست، 438 - 440؛ زیبایی نژاد، 266 - 270).

در طول تاریخ اسلام نیز متکلمان و محدثان مذاهب مختلف به بحث درباره عصمت پرداخته اند. در صدر اسلام، واژه عصمت در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله (صدوق، کمال الدین، 280؛ خزاز قمی، 19؛ ابن شهر آشوب، 1 / 254) و سپس امیرمؤمنان علی علیه السلام (صدوق، الخصال، 139؛ همو، علل الشرایع، 1 / 123؛ مجلسی، 25 / 164، 200، 351) و حتی در سخنی از خلیفه اول (ر.ک: طبری، تاریخ، 2 / 460؛ ابن ابی الحدید، 17 / 159؛ ابن کثیر، 6 / 334؛ صالحی شامی، 12 / 315) به کار رفته است. همه مسلمانان، انبیا را در محدوده گناهان معصوم می دانند، اما اکثر قریب به اتفاق علمای اهل سنت و تمام علمای شیعه، پیامبر صلی الله علیه و آله را علاوه بر معصومیت از گناه، در مقام دریافت و ابلاغ وحی نیز معصوم و مصون از خطا می دانند (ر.ک: ایچی، 3 / 415).

متکلمان اهل سنت در خصوص افراد معصوم، علاوه بر پیامبران و فرشتگان

(ر.ک: فخر رازی، عصمة الانبياء، 33؛ همو، تفسیر، 2 / 166؛ ابن ابی الحدید، 1 / 91)، قائل به عصمت «اجماع» شده اند و برخلاف اصطلاح رایج - که عصمت، شأن و منزلتی برای انسانهاست - این مقام را از آن اجتماعی از انسانها پنداشته و آن را جانشین عصمت امام کرده اند (فخر رازی، تفسیر، 10 / 144؛ همو، المحصول، 4 / 64؛ ر.ک: حمصی، 2 / 281؛ ابن تیمیه، 6 / 466)، اما تاکنون کسی نتوانسته است از گروهی که دارای این مقام و مصونیت اند، تعریفی دقیق عرضه کند (ر.ک: یوسفیان، 274).

امامیه، امامان دوازده گانه و حضرت فاطمه علیها السلام و همه فرشتگان (مفید، مصنفات، 4 / 71) را، همانند انبیا، معصوم می دانند. برخی از مفسران، با استناد به آیه 42 سوره آل عمران، حضرت مریم علیها السلام، را نیز از تمامی پلیدیهای حسی و معنوی و قلبی، پاک می دانند (آلوسی، 2 / 139). برخی نیز دلالت آیه مذکور را بر عصمت حضرت مریم علیها السلام، با سیاق آیات سازگارتر دانسته اند (طباطبائی، 3 / 188).

از دیدگاه تمام علمای شیعه، حضرت فاطمه علیها السلام معصوم است (سید مرتضی، الشافی، 6 / 95؛ طبرسی، مجمع البیان، 8 / 560؛ ابن شهر آشوب، 3 / 112؛ حسینی عبیدلی، 488). پیشینه طرح عصمت حضرت فاطمه علیها السلام به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و برخی سخنان آن حضرت صلی الله علیه و آله در خصوص فاطمه علیها السلام (مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله) و همچنین برخی آیات قرآن (آل عمران، 61؛ احزاب، 33) باز می گردد. روایات راجع به شأن نزول این آیات را صحابه و اطرافیان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند (ترمذی، 5 / 31؛ حاکم نیشابوری، 2 / 416؛ ابن اثیر جزری، 5 / 66؛ سیوطی، 5 / 198). پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، استناد فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام بر معصوم بودن خود، در برابر ابوبکر در ماجرای مصادره فدک، از جمله اولین گزارشهای تاریخی دالّ بر عصمت فاطمه علیها السلام است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 190 - 192؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 122 - 123). روایات تفسیری و غیر

آن - که در منابع شیعه و اهل سنت، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد - از منابع مهم برای اثبات عصمت حضرت فاطمه علیها السلام هستند (ر.ک: بحرانی، غایة المرام، 3/ 176؛ طباطبائی، 16 / 311، 318 - 319). بحث از عصمت ایشان عمدتاً و به طور مشخص در کتابهای تفسیر و در ذیل برخی از آیات قرآن مطرح شده و از آنجا به کتابهای کلامی (ر.ک: سیدمرتضی، الشافی، 3 / 134 - 136؛ 4 / 95؛ علامه حلی، الالفین، 110؛ بحرانی، غایة المرام، 3 / 176) و حتی اصول فقه (ر.ک: فخر رازی، المحصول، 4 / 171 - 172) راه یافته است.

بحث از عصمت حضرت علیها السلام، از آن حیث اهمیت دارد که در صورت اثبات، ایشان نیز از برخی شئون انبیا و امامان علیها السلام (همچون حجیت قول و فعل و تقریر) برخوردار می شود و مرجعیت دینی و صلاحیت تفسیر و تبیین دین، برای ایشان نیز ثابت می گردد، چرا که این دو امر، از آثار و پیامدهای عصمت است. علاوه بر این، سیره عملی ایشان و موضع گیریهای حضرت علیها السلام در مسائل مختلف، مدار تشخیص حق و باطل به شمار خواهد آمد. بنابراین، یکی دیگر از پیامدهای عصمت آن است که حضرت فاطمه علیها السلام ملاک و معیار دستیابی به حق است و لذا مواضع ایشان در تحولات پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و اعتراض ایشان به غصب خلافت از علی علیه السلام، نشانه حقانیت خلافت علی علیه السلام است و اعتراض ایشان به مصادره فدک و ناخرسندی ایشان از خلیفه اول و دوم نیز دلیلی بر غصب فدک و ظلم در حق خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. از دیگر پیامدهای عصمت ایشان، آن است که حضرت علیها السلام می تواند الگویی کامل در تمام عرصه های زندگی بشر به شمار آید، چنان که خداوند در خصوص انبیا علیهم السلام به این مطلب تصریح نموده است (ر.ک: احزاب، 21، ممتحنه، 4). به همین دلیل است که عده ای از

اهل سنت، کوشیده اند با نفی عصمت آن حضرت علیها السلام، معیار بودن رفتارهای ایشان را انکار کنند (ر.ک: جرجانی، 8 / 355 - 356).

دلایل عصمت حضرت فاطمه علیها السلام

متکلمان برای اثبات عصمت انبیا و امامان علیها السلام و فرشتگان، از دلایل عقلی و نقلی، و در خصوص عصمت حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام، فقط از دلایل نقلی استفاده کرده اند.

دلیل قرآنی

مهم ترین آیه ای که برای اثبات عصمت اهل بیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام به آن تمسک شده، آیه 33 سوره احزاب (آیه تطهیر) است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد).

حضرت علی علیه السلام در ماجرای فدک با مخاطب قرار دادن یکی از مخالفان و خواندن آیه تطهیر و گرفتن اقرار از وی مبنی بر نزول این آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام، از او پرسید: «اگر عده ای شهادت دهند که فاطمه علیها السلام گناهی مرتکب شده است با او چگونه برخورد خواهی کرد؟» وی پاسخ داد: «مانند زنان دیگر با او برخورد می کنم و بر او حد جاری می سازم.» امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی به سبب رد شهادت خداوند بر طهارت فاطمه علیها السلام کافر خواهی شد.» در این هنگام، شاهدان این گفتگو، سخن علی علیه السلام را تصدیق کردند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 190 - 192؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 122 - 123). امیر المؤمنین علی علیه السلام عصمت حضرت فاطمه علیها السلام را در این ماجرا با استناد به آیه تطهیر، اثبات کرده و با استفاده از شهادت خداوند به پاکی اهل بیت علیهم السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را از هر گناهی مبرا و معصوم دانسته است.

مفسران شیعه (طبرسی، مجمع البیان، 8 / 559 - 560؛ طباطبائی، 16 / 312 - 313) و برخی علمای اهل سنت (ر.ک: سورآبادی، 3 / 1967)، با بهره گیری از تعبیر این آیه، آن را دالّ

بر عصمت و پاک بودن اهل بیت علیهم السلام از گناه می دانند. عمده ترین تعابیر مرتبط با عصمت در این آیه، که محل بحث مفسران بوده، «اهل بیت»، «إذهابِ رجس» و «اراده خداوند» است. اندیشمندان با بهره گیری از روایات و تبیین معانی و مصادیق این تعابیر، عصمت اهل بیت علیهم السلام، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، را با چند مقدمه ثابت نموده اند:

1. اکثر قریب به اتفاق اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، تابعین، محدثان، مفسران اهل سنت و عموم مفسران شیعه بر آن اند که این آیه، شامل امام علی، حضرت فاطمه، و حسنین علیهم السلام می شود (طبرسی، مجمع البیان، 8 / 559 - 560؛ طباطبائی، 16 / 311 - 312؛ ر.ک: زحیلی، 22 / 11). تنها بحث اختلافی، آن است که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز شامل می شود یا خیر. بر اساس گزارشهای صحیح و فراوان در شأن نزول آیه (واحدی، 368 - 369؛ طبرسی، مجمع البیان، 8 / 559 - 560؛ طباطبائی، 16 / 316 - 319)، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مشمول این آیه و فضیلت عصمت نیستند. در خصوص أم سلمه، که بافضیلت ترین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، آورده اند که وقتی این آیه در خانه او نازل شد، وی درخواست کرد با علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام همراهی کند و تحت کساء قرار گیرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن ستایش او، درخواستش را نپذیرفت و او را شایسته این موقعیت ندانست (ر.ک: حاکم نیشابوری، 2 / 416). در صحیح مسلم نیز، در روایتی از زید بن ارقم، نقل شده است که از او پرسیدند: «آیا همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مشمول این آیه هستند؟» پاسخ داد: «نه! به خدا سوگند همسر مدتی با شوهرش همراه است، بعد شوهر او را طلاق می دهد و او نزد پدر و قومش بر می گردد؛ بلکه اهل بیت آن حضرت صلی الله علیه و آله، نسب و خویشان او هستند که بعد از او، صدقه بر آنان حرام شد» (ر.ک: مسلم نیشابوری، 7 / 123؛ طبرانی، 5 / 183).

2. رجس به معنای پلیدی و حالتی است که باعث پرهیز و تنفر از دارنده آن می‌گردد. از این واژه، هم برای آلودگیهای ظاهری و جسمی و هم برای آلودگیهای معنوی و باطنی استفاده می‌شود (ابن منظور، 6 / 94 - 95). از نظر قرآن، علاوه بر چیزهای نجس همچون مردار، خون و خوک (ر.ک: انعام، 145)، آلودگیهای باطنی و معنوی (ر.ک: انعام، 125؛ توبه، 125) نیز رجس به شمار می‌آیند. در قرآن، رجس بیشتر برای بیان آلودگیهای باطنی و اعتقادی به کار رفته است (ر.ک: مائده، 90؛ انعام، 125؛ توبه، 95، 125؛ یونس، 100؛ حج، 30). در آیه تطهیر، رجس امری نفسانی است و مقصود از آن، وابستگی قلب انسان به اعتقاد باطل یا عمل زشت است. اذهاب رجس، دورکردن هرگونه پلیدی از نفس است. بنابراین، اذهاب رجس مطابق است با عصمت الهی که صورت علمی نفسانی است که انسان را از عقیده باطل و عمل زشت حفظ می‌کند. «ال» در «الرجس» برای جنس است و از آن معنای عموم فهمیده می‌شود، بنابراین این واژه همه پلیدیها را در بر می‌گیرد (ر.ک: طباطبائی، 16 / 312). افزون بر آنکه در آیه دو حصر آورده شده است: «إثما» در صدر آیه، بر حصر اراده الهی در اذهاب رجس و تطهیر دلالت دارد؛ و «اهل البیت» بر حصر آن تطهیر در مخاطبان (عنکم)، یعنی اهل بیت علیهم السلام، دلالت دارد (طباطبائی، 16 / 309).

3. عصاره نظر عالمان شیعی تا قرن ششم هجری درباره آیه تطهیر، به بیان طبرسی، چنین است: به باور پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام، آیه تطهیر، ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام است، زیرا واژه «إثما» مفید حصر و برای اثبات مطلب پس از خود است. اراده الهی در این آیه، خواست تشریحی خدا نیست، چرا که چنین اراده ای شامل همه انسانها می‌شود و

خدا برای همه، درست اندیشی و شایسته کرداری را خواسته است و این خواست به اهل بیت علیهم السلام اختصاص ندارد و چون این بیان برای ستایش و مدح آنان است، تردیدی نمی ماند که خواست و اراده خدا در آیه، خواست تکوینی است برای مصون داشتن آنان از هر گونه پلیدی و گناه و لغزش، و این موهبت، ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان اوست که البته وجه اعطای آن، «شایستگیهای اختیاری» آنان است (مجمع البیان، 8 / 560). دیگر عالمان شیعه نیز این نظر را پذیرفته اند (ر.ک: مجلسی، 35 / 233 - 235؛ طباطبائی، 16 / 311 - 313).

این مطلب در روایاتی که در تفسیر و تبیین این آیه آمده، تأیید گردیده است. از ابوحمراء نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه تطهیر، چند ماه هر صبح بر در منزل امام علی و فاطمه علیها السلام می ایستاد و به آنان درود می فرستاد و آنان را با این آیه مخاطب می ساخت و به نماز دعوت می کرد (ابن اثیر جزری، 5 / 66). همین مطلب در روایت دیگری از حضرت علی علیه السلام نیز آمده (مفید، الامالی، 318؛ طوسی، 89؛ طبری، بشارة المصطفی، 404) و این مضمون در کتابهای دیگر نیز نقل شده است (ر.ک: بلاذری، 2 / 104؛ قمی، 2 / 67؛ طبری، جامع البیان، 22 / 9؛ سیوطی، 5 / 199). در حدیث دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از استشهاد به این آیه، تصریح کرده است که من و اهل بیتم از گناهان پاکیم (ابن مردویه اصفهانی، 305؛ اربلی، 1 / 12 - 13؛ ابن کثیر، 2 / 316؛ سیوطی، 5 / 199). حضرت علی علیه السلام نیز با تمسک به این آیه، فرموده است که خداوند ما اهل بیت علیهم السلام را از پلیدیهای پنهان و پیدا پاک کرده است، پس ما راه حق را می پوییم (حسینی استرآبادی، 2 / 458). شبیه این معنا در روایات دیگری از اهل بیت علیهم السلام نیز نقل شده است (ر.ک: طبری، جامع البیان، 22 / 8؛ طوسی، 562). افزون بر این، بسیاری از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله - از جمله ابوسعید خدری (ر.ک: طبری، جامع البیان، 22 / 9؛ سیوطی، 5 / 198)

و عبدالله بن عباس احمد بن حنبل، 1 / 331؛ حاکم نیشابوری، 3 / 133) - تصریح کرده اند که این آیه در شأن آن پنج تن نازل شده و بنابراین، حضرت فاطمه علیها السلام نیز مشمول این آیه است.

بررسی چند اشکال

برخی از مسلمانان (ر.ک: امین، 3 / 163 - 165) و مستشرقان (ر.ک: رونلدسن، 329 - 331) با جبری دانستن عصمت و ناسازگاری با طبیعت انسان، قائل به امکان نداشتن آن شده اند. آنان تأکید دارند که انسان موجودی است دارای اختیار و امیال و غرایز متضاد، و اگر امیال نفسانی و شهوانی را - که در بسیاری از مواقع به بدیها و زشتیها دعوت می کنند - از او بگیریم، به معنای آن است که انسانیش را از او گرفته و طبیعت انسانی را به طبیعتی دیگر بدل کرده ایم (امین، 3 / 229 - 230). از نظر مخالفان عصمت، همه انسانها شهوتشان سابق بر عقلشان و غرایز شیطانیشان مقدم بر غرایز رحمانیشان است و این امر موجب بروز نقصان و گناه می گردد و هیچ بشری بدون آن یافت نمی شود و اگر از این حیث تفاوتی در انسانها باشد، در مقدار نقصان است، نه در اصل آن. به همین دلیل، توبه و بازگشت از اموری که به سبب غرایز شهوانی انجام گرفته، امری ضروری برای تمامی انسانهاست، پیامبر باشد یا غیر آن (غزالی، 4 / 9 - 11).

این شبیهه به سبب درست نشناختن طبیعت و تواناییهای بشر است. بشر بودن هیچ ملازمه ای با ارتکاب گناه ندارد و عصمت نیز فقط امتیاز و برتری است و از معصوم، انسانی برتر می سازد، مانند برتری پیامبران علیهم السلام بر مردم در برخورداری از امتیاز دریافت وحی. همان گونه که ممتاز بودن به سبب دریافت وحی، طبیعت انسانی و بشر بودن آنان را نفی نمی کند، برخورداری از عصمت و خودداری از گناه و خطا نیز با طبیعت انسانی و بشر بودن منافاتی ندارد.

درباره دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت علیهم السلام، دو اشکال مطرح شده است:

اشکال نخست: در آیه تطهیر، سخن از اراده خدا در تطهیر اهل بیت علیهم السلام از گناه است. در این صورت، اگر اراده را تکوینی بدانیم، عصمت اهل بیت علیهم السلام هیچ فضیلتی برای آنان نخواهد بود، زیرا ترک گناه به اختیار و اراده خود آنان نبوده است، بلکه در تکوین و از روی جبر الهی از این موقعیت ممتاز بهره مند شده اند مغنیه، 193 - 194؛ ر.ک: مصباح یزدی، 210 - 212).

در پاسخ به این شبهه، گفته شده که در بیانات قرآنی، اموری دیگر، همچون هدایت و ضلالت هم به اراده خدا نسبت داده شده است (ر.ک: نحل، 93)، اما این به معنای اجبار بر هدایت و ضلالت نیست، به طوری که از آدمیان در انتخاب سرنوشت خویش، اراده و اختیار سلب شود (یوسفیان، 47). قائلان به امکان عصمت و فضیلت بودن آن، با تبیین صحیح ماهیت عصمت و نیز بیان رابطه عصمت با اختیار انسان، جبری بودن آن را نفی نموده اند. متکلمان شیعه، که عصمت را لطف الهی دانسته اند، بر آن اند که انسانها با داشتن قدرت و اختیار، به انجام دادن گناه یا ترک واجبات تمایل ندارند (سید مرتضی، رسائل، 3 / 325 - 326؛ خواجه نصیر طوسی، 369؛ فاضل مقداد، 301 - 302). به نظر فلاسفه اسلامی هم، عصمت با اختیار منافاتی ندارد. آنان منشأ عصمت معصومان علیهم السلام را توان بالای قوه عاقله ایشان دانسته اند، به گونه ای که دیگر قوای نفسانی در انقیاد و اطاعت آن قوه است (لاهیجی، 379؛ ر.ک: نراقی، 99؛ حسینی تهرانی، 1 / 79). برخی از عصمت به ملکه یا ملکه علمی تعبیر کرده اند. به گفته علامه طباطبائی، این ملکه، محبت الهی را در پی دارد که انسان را وامی دارد فقط آنچه را که خدا می خواهد اراده کند و از معصیت اجتناب نماید، هر چند که قدرت انجام دادن آن را دارد. بنابراین، عصمت قدرت

بالای علمی است که فقط باعث تقویت اراده می شود، ولی اختیار انسان را از بین نمی برد (11 / 162 - 163). بنابراین، تطهیر اهل بیت علیهم السلام، مجهز نمودن آنان به نیروی ادراک حق، در اعتقاد و عمل است (16 / 313).

به باور برخی از اندیشمندان معاصر، عصمت معلول علم و اراده معصوم است؛ بنابراین، عصمت معصومان علیهم السلام بدین معنی نیست که قدرت انجام دادن گناه از آنان سلب شده است و اختیاری ندارند، بلکه از نظر شناخت، چنان توانمند هستند که زشتی هر بدی را می بینند و از نظر اراده، چنان قدرتی دارند که مغلوب جاذبه های شیطانی و خلاف واقع نمی شوند (مصباح یزدی، 157).

البته این تحلیلها فقط عصمت به مفهوم دوری از گناه و معصیت را تبیین می کنند و شامل عصمت از سهو و نسیان نمی شوند، زیرا سهو و نسیان در ذات خویش همراه با ناآگاهی و فراموشی غیراختیاری است و با آگاهی اختیاری جمع نمی شود.

درباره اسباب پدید آمدن عصمت از سهو و نسیان می توان گفت: علم الهی به ویژگیهای معصومان علیهم السلام و پرهیز اختیاری آنان از گناه، سبب افزوده شدن موهبت و تفضل الهی بر آنان می گردد و به ایشان مصونیت از خطا (در همه امور) و سهو و نسیان را عطا می کند. این مرحله از عصمت، تجلی لطف بی انتهای الهی است که برآمده از ویژگیها و شخصیت خاص معصومان علیهما السلام در دستیابی به مراحل والای معرفت، عبودیت و اطاعت است.

اشکال دوم: گفته شده است که این آیه نه تنها بر عصمت دلالت ندارد، بلکه دلیل بر عصمت نداشتن اهل بیت علیهم السلام است، چون در حق کسی که معصوم و پاک باشد، صحیح نیست گفته شود: «می خواهم او را پاک گردانم»، زیرا

تحصیل حاصل و محال است. نهایت چیزی که می توان گفت، این است که اهل بیت علیهم السلام پس از تعلق اراده الهی به پیراستن رجس از آنان، معصوم شده اند، نه پیش از آن (آلوسی، 18/22).

در پاسخ گفته شده است که به اتفاق جمیع مفسران و محدثان، آیه شریفه شامل شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می شود. از این رو، لازمه سخن مذکور این است که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نزول آیه تطهیر، معصوم نبوده و این چیزی است که هیچ مسلمانی به آن ملتزم نمی شود (حیدری، 226). اگر منظور از اشکال، این است که اذهاب در لغت به معنای «بردن» است و لذا برای رفع و برداشتن امر موجود به کار می رود، نه دفع و پیشگیری امری که نیامده است، پاسخ داده اند که اذهاب و مشتقات آن، هم در معنای برداشتن (رفع) به کار می روند، هم در معنای پیشگیری (دفع) (ر.ک: مفید، مصنفات، 6/26 - 27؛ همو، المسائل العکبریه، 26 - 27؛ مجلسی، 35/236). بهترین شاهد برای این مدعا، حدیثی است که از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَنْ أَطْعَمَ أَحَاةَ حَلَاوَةَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ مَرَاةَ الْمَوْقِفِ» (هرکس شیرینی ای به برادرش بخوراند، خداوند تلخی مرگ را از او دور می کند) (قطب راوندی، 141؛ ر.ک: مجلسی، 63/288؛ 72/456). روشن است که مراد از واژه «اذهب» در این حدیث، این نیست که ابتدا تلخی موقف مرگ را به او می چشاند، آنگاه آن را برطرف می سازد، بلکه از ابتدا، مرگ برای چنین شخصی تلخ نخواهد بود. از این رو، معنای «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» این نیست که خداوند آلودگیهای موجود را رفع می کند، بلکه آن است که اسباب و شرایط حصول رجس و آلودگی را از بین برده است.

دلیل روایی بر عصمت

اشاره

بر اساس اینکه عصمت انبیا و امامان علیهم السلام، با بهره گیری از ادله عقلی و نقلی، ثابت است، با بهره گیری از سخنان آنان، عصمت دیگران را

ص: 80

می توان اثبات نمود. بر این اساس، درباره عصمت حضرت فاطمه علیها السلام به چند دسته روایت استدلال شده است:

دسته اول

روایاتی که با صراحت بر عصمت ایشان با معنای آن دلالت دارند، مانند آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج، پس از دیدن انوار معصومان علیهم السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از خداوند پرسید: «این کیست و آنان چه کسانی هستند؟» و به ایشان خطاب شد: «ای محمد! این نور علی و فاطمه و این نور دو نوه تو حسن و حسین است و اینها نورهای امامان بعد از تو از فرزندان حسین هستند، پاک و معصوم اند و این حجت است که دنیا را از عدل و داد پر خواهد کرد» (خزاز قمی، 185 - 186؛ بحرانی، مدینه معاجز، 2 / 380). این روایت به صراحت بیان می کند که همه اینها، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، معصوم اند. همچنین در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، که مانند آن از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده، آمده است ملائکه بر فاطمه علیها السلام نازل می شدند و بر ایشان، مانند حضرت مریم علیها السلام، سلام می دادند و از سوی خدا تطهیر و برتری او را بر دیگر زنان، به وی ابلاغ می کردند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ مجلسی، 43 / 78). در روایاتی نیز امام صادق علیه السلام، با تشبیه فاطمه علیها السلام به حضرت مریم علیها السلام و اشاره به اینکه مریم علیها السلام را عیسی علیه السلام غسل داد، لزوم غسل داده شدن فاطمه علیها السلام به دست معصوم، یعنی امام علی علیه السلام، را چنین بیان فرموده است: «او صدیقه بود و انسان صدیق را فقط صدیق غسل می دهد» (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 142؛ ابن شهر آشوب، 3 / 138؛ مجلسی، 43 / 184). همچنین آن حضرت علیه السلام در روایاتی، شرف و بدی را از وجود فاطمه علیها السلام نفی نموده است (صدوق، الخصال، 414؛ فتال نیشابوری، 148؛ اربلی، 2 / 91). مجموع این روایات، بر معنای عصمت، یعنی طهارت کامل، دلالت دارند.

احادیثی که در آنها فاطمه علیها السلام جزو اهل بیت علیهم السلام و یکی از آنان معرفی شده است (احمد بن حنبل، 1 / 331؛ ترمذی، 5 / 30 - 31؛ ابن اثیر جزری، 5 / 66؛ سیوطی، 5 / 198 - 199). این احادیث - که عمدتاً در ذیل آیه تطهیر آورده شده اند. تمام اهل بیت علیهم السلام را معصوم و به تبع آن، فاطمه علیها السلام را یکی از معصومان علیهم السلام معرفی کرده اند.

احادیثی که از مدلول التزامی آنها عصمت حضرت فاطمه علیها السلام استفاده شده است:

و جوب اطاعت از آن حضرت علیها السلام: از روایاتی که بر وجوب اطاعت از حضرت علیها السلام دلالت دارند (طبری امامی، 106)، عصمت برداشت شده است. در روایتی به نقل از محمد بن سنان، از امام محمد تقی علیه السلام درباره اختلاف شیعه سؤال شده و آن حضرت علیه السلام، پس از اشاره به خلقت پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و خلقت دیگر موجودات پس از آنان، فرموده است که خداوند اطاعت از ایشان را برای مخلوقات واجب کرد و کارهای مخلوقات را به ایشان واگذاشت (کلینی، 1 / 441 مجلسی، 15 / 19). بنا بر این روایت، همه بندگان ملزم شدند که از فاطمه علیها السلام نیز اطاعت کنند و این الزام اطاعت، جز برای معصوم صحیح نخواهد بود.

حجت بودن: حضرت فاطمه علیها السلام در تعدادی از روایات، حجت الهی معرفی گردیده و لذا اطاعت از سخن و دستور ایشان بر همه خلق واجب شده است و تا کسی معصوم نباشد، به مقام حجت بودن بین خدا و خلقتش دست نمی یابد، از این رو اگر امام، معصوم نباشد، از خطا مصون نیست و خود به دیگری نیازمند خواهد بود تا او را از خطایش آگاه سازد (ر.ک: مفید، النکت الاعتقادیه، 10 / 40). در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین، حجت‌های خدا بر خلقتش هستیم. دشمنان ما دشمنان خدا

و دوستان ما دوستان خدا هستند» (صدوق، الامالی، 194؛ طبری، بشارة المصطفی، 50 ابن طاووس، 536؛ عاملی نباطی، 2/ 137). آشکار است کسی که به طور مطلق دوستی او دوستی با خدا و دشمنی او دشمنی با خدا باشد، مخالفت او با فرمانهای الهی محال است و چنین شخصی جز معصوم نمی تواند باشد.

معیار بودن غضب و رضای فاطمه علیها السلام: از جمله احادیث مهم در این باره، حدیثی در منابع شیعه است که در آن به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، غضب فاطمه علیها السلام، غضب خدا و رضای او، رضای خداست (صدوق، معانی الاخبار، 303؛ مفید، الامالی، 95؛ ابن شهر آشوب، 3/ 106). روشن است کسی که غضب و رضای او مدار و سبب غضب و رضای الهی باشد، معصوم است. این حدیث، داشتن علم لدنی و عصمت ایشان را در قول و عمل اثبات می کند، زیرا اگر کسی علم نداشته باشد، جاهلانه مرتکب خطا می گردد و اگر عصمت عملی نداشته باشد، از مخالفت خدا و ترک رضای او مصون نیست. در روایات اهل سنت نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به فاطمه علیها السلام فرمود: «خداوند با غضب تو غضب می کند و با خشنودی تو خشنود می گردد» (طبرانی، 1/ 108؛ حاکم نیشابوری، 3/ 154؛ ابن اثیر جزری، 7/ 552). در روایاتی دیگر، که اگر متواتر نباشند قطعاً مستفیض اند، خشمناک کردن و آزار ایشان، خشمناکی و آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده شده است (ر.ک: احمد بن حنبل، 4/ 5، بخاری، 4/ 210، 219؛ مسلم نیشابوری، 7/ 141؛ ترمذی، 5/ 360) و چنین مرتبتی جز برای معصوم متصور نیست. برخی از علمای اهل سنت، پس از اعتراف به دلالت آیه تطهیر (احزاب، 33) بر عصمت فاطمه علیها السلام، این حدیث را نیز دلیل بر عصمت فاطمه علیها السلام دانسته اند، زیرا اگر فاطمه علیها السلام غیر معصوم بود، اذیت او در تمام حالات، اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب

نمی شد (ابن ابی الحدید، 16 / 273). این حدیث چنان در میان صحابه، معروف بود که موجب گردید برخی از ایشان که در حوادث پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله موجب آزردهی شدید حضرت فاطمه علیها السلام شده بودند، در صدد دلجویی و عذرخواهی از آن حضرت علیها السلام برآیند و ایشان نیز با استشهاد به همین حدیث، نارضایی خود را از آنان با تأکید کامل ابراز داشت (ابن قتیبه دینوری، 1 / 20؛ عاملی نباطی، 2 / 293؛ مجلسی، 28 / 357، 29 / 627 - 628).

برتری بر فرشتگان و مریم علیها السلام: در برخی از احادیث، فاطمه علیها السلام برتر از مریم علیها السلام معرفی شده (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 152؛ مجلسی، 14 / 206؛ 43 / 78)، و حضرت مریم علیها السلام از معصومان است (طباطبائی، 3 / 188). در حدیث ابوسعید خدری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، خود، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام را برتر از فرشتگان معرفی نموده است (صدوق، فضائل الشیعه، 7؛ حسینی استرآبادی، 2 / 509). بنابراین، چون فرشتگان معصوم اند و با اوامر الهی مخالفت نمی کنند (تحریم، 6)، اگر کسی برتر از آنها باشد، به طریق اولی عصمت نیز برایش ثابت می شود.

بررسی شبهات

درباره شبهات راجع به عصمت و در پاسخ به آنها، کتابهای مستقلی نوشته شده، که از جمله آنها تنزیه الانبیاء سیدمرتضی، و عصمة الانبیاء فخر رازی است. برخی از این شبهات درباره عصمت حضرت فاطمه علیها السلام بوده است.

در شبهه نخست، با تکیه بر یک روایت (ر.ک: طوسی، 683؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 145؛ ابن شهر آشوب، 2 / 50 - 51) آورده اند که پس از آنکه خلیفه اول فدک را غصب کرد، حضرت فاطمه علیها السلام به مسجد رفت و از حق خود دفاع کرد، سپس به خانه برگشت و خطاب به علی علیه السلام جملاتی گفت که شامل اعتراض به امیر المؤمنین علیه السلام و تخطئه

ایشان، به سبب ترک پی جویی امر خلافت و یاری نکردن به حضرت فاطمه علیها السلام بود. فاطمه علیها السلام به امامت علی علیه السلام و لزوم تبعیت از ایشان و عصمت آن حضرت علیه السلام، علم داشت و می دانست که امام علی علیه السلام بدون امر الهی و وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله کاری انجام نداده است، بنابراین این اعتراض با عصمت و جلالت حضرت زهرا علیها السلام منافات دارد (ر.ک: مجلسی، 29 / 324).

در پاسخ به این شبهه، برخی از علما گفته اند که بر فرض وقوع، این گونه سخن گفتن آن حضرت علیها السلام بر حسب مصالحی بوده و ایشان عملکرد امام علی علیه السلام را تخطئه نکرده، بلکه هدف ایشان بیان زشتی کار غاصبان حق امام علیه السلام بوده و اینکه سکوت امیر المؤمنین علیه السلام به معنای رضایت از عملکرد غاصبان خلافت نبوده است. این شیوه برخورد، برای نشان دادن زشتی یک عمل، معمول بوده است، نظیر برخورد حضرت موسی علیه السلام با برادرش هارون. موسی علیه السلام پس از بازگشت از کوه طور و مشاهده گوساله پرست شدن قوم خود، الواح را به سویی افکند و خشمگینانه سر برادر را به سوی خود کشید و به ملامت او پرداخت، با اینکه می دانست هارون علیه السلام مقصر نیست، اما با این کار، شدت زشتی کار گوساله پرستان را به ایشان نمایاند (ر.ک: مجلسی، 29 / 324).
تظلمها و ناله های حضرت فاطمه علیها السلام نیز گویای شدت انحراف و گمراهی امت اسلامی در آن برهه بوده و این برخورد به ظاهر معترضان، بهانه ای بوده است تا اعلام کند امیر المؤمنین علیه السلام برای مصلحت جامعه نوپای اسلامی و حفظ وحدت و بقای اسلام، سکوت کرده است.

اشکال دیگری که مطرح شده، آن است که طلب حق و پافشاری بر آن، گرچه با عصمت منافات ندارد، اما زهد و ترک دنیا و بی اعتنایی به چرب و

شیرین آن، کمال عرفان و یقین به فنای دنیا و اهتمام به لذات معنوی و درجات اخروی - که در ایشان در حد اعلی بود - با اهتمام به امر فدک و رفتن به جمع مردم و نزاع با مخالفان برای به دست آوردن آن، مناسبت ندارد (ر.ک: مجلسی، 325 / 29).

در پاسخ به این اشکال می توان گفت که فدک نه مزرعه و بوستان، بلکه نماد امامت بود، که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به اهل بیت علیهم السلام واگذار کرده بود. علامه مجلسی در یکی از پاسخهایش به این اشکال، گفته است که هدف از تلاش فراوان حضرت فاطمه علیها السلام، نشان دادن ظلم و نفاق غاصبان فدک بوده است (325 / 29). مخالفان هم در اختیار داشتن فدک را مظهر امامت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله می دانستند. پافشاری امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام نیز بدین سبب بود؛ از همین رو، هنگامی که مهدی عباسی تصمیم گرفت فدک را به امام کاظم علیه السلام بازگرداند، از حضرت علیه السلام درخواست نمود تا حد و مرز فدک را تعیین کند. امام علیه السلامدر پاسخ، تمامی حدود خلافت اسلامی را حد فدک تعیین کرد (ر.ک: کلینی، 1 / 543)؛ یعنی فدک، نماد امامت و خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله است. دیگر آنکه فدک حق اختصاصی حضرت فاطمه علیها السلام نبود و فرزندان بزرگوار ایشان نیز در آن سهیم بودند؛ از این رو، کوتاهی و بی اعتنایی در این کار، حقوق امامان علیهم السلام را ضایع می کرد. افزون بر این، تلاشهای فاطمه علیها السلام در این راه، به دلیل علاقه به فدک و مال دنیا نبود، زیرا خود، بنا بر آنچه در خطبه فدکیه به آن تصریح کرده است، می دانست که در این راه موفق نمی شود و کسی او را یاری نمی کند، اما هدف ایشان، آشکار کردن ظلم غاصبان بود که از مهم ترین امور دین و بزرگ ترین وظایفی است که مسلمانان موظف به انجام دادن آن هستند (ر.ک: مجلسی، 325 / 29، مقاله فدک).

ألوسى، سيد محمود (م. 1270 ق.)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق على عطية، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ ابن ابي الحديد، عزالدين (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، دار احياء الكتب العربية، 1378 ق؛ ابن اثير جزرى، على بن محمد (م. 630 ق.)، اسدالغابة في معرفة الصحابه، تهران، انتشارات اسماعيليان؛ ابن تيميه، احمد بن عبد الحلیم (م. 728 ق.)، منهاج السنة النبويه، تحقيق محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، 1406 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن على (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهى از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن طاووس، سيد على بن موسى (م. 664 ق.)، التحصين لاسرار مازاد من اخبار كتاب اليقين، تحقيق انصارى، قم، دار الكتاب، 1413 ق؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1404 ق؛ ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة والسياسة، تحقيق طه محمد الزيني، مؤسسة الحلبي و شركاه؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهاية، تحقيق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1408 ق؛ ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى (م. 410 ق.)، مناقب على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين، قم، انتشارات دار الحديث، 1424 ق؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ اربلى، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امين، احمد، ضحى الاسلام، بيروت، المكتبة العصرية، 1427 ق؛ ايجى، عبدالرحمن بن احمد (م. 756 ق.)، المواقف في علم الكلام تحقيق عبدالرحمن عميرة، بيروت، دار الجيل، 1417 ق؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، غاية المرام و حجة الخصام، تحقيق سيدعلى عاشور؛ همو، مدينة معاجز الائمة الاثنى عشر و دلائل الحجج على البشر، تحقيق عزت الله مولائى، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، 1413 ق؛ بخارى،

محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر، 1401 ق؛ بلاذرى، د احمد بن يحيى (م. 279 ق.)، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار، رياض زرکلى، بيروت، دار الفكر، 1417 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ تفتازانى، سعدالدين (م. 793 ق.)، شرح العقائد النسفيه، القاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، 1407 ق؛ همو، شرح المقاصد في علم الكلام، تحقيق عبدالرحمن عميرة، قم، الشريف الرضى، 1409 ق؛ تيسن، هنرى، الهيات مسيحي، ترجمه ميكائيليان، انتشارات حيات ابدى؛ جرجانى، على بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر، مطبعة السعادة، 1325 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ حسيني استر آبادى، سيد شرف الدين على (م. 965 ق.)، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ حسيني تهرانى، سيد محمد حسين، امام شناسى، مشهد، انتشارات علامه طباطبائى، 1426 ق؛ حسيني عبيدلى، سيد عميدالدين بن محمد (م. 754 ق.)، اشراق اللاهوت فى نقد شرح الياقوت، تحقيق على اكبر ضيائى، تهران، نشر ميراث مكتوب، 1381 ش؛ حمصى، محمود (م. قرن 7)، المنقذ من التقليد، قم، نشر اسلامى، 1412 ق؛ حيدرى، سيدكمال، العصمه، تحقيق محمد قاضى، بيروت، مؤسسة الثققلين الثقافية، 1418 ق، خزاز قمى، على بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خواجه نصير طوسى، محمد بن محمد (م. 672 ق.)، تلخيص المحصل (نقد المحصل)، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ راغب اصفهانى، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ رونلدىسن، دوايت م، عقيدة الشيعة، القاهرة، مكتبة الخانجى، 1365 ق؛ زبيدى، سيد محمد مرتضى حسيني (م. 1205 ق.)، تاج العروس من

جواهر القاموس، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الفكر، 1414 ق؛ زحيلي، وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة و المنهج، دمشق، دار الفكر المعاصر، 1418 ق؛ زيبائى نژاد، محمدرضا، مسيحيت مقايسه اى، تهران، انتشارات سروش، 1384 ش؛ سورآبادى، عتيق بن محمد (م. 494 ق.)، تفسير سورآبادى، تحقيق سعيدى سىرجانى، تهران، فرهنگ نشر نو، 1380 ش؛ سيد مرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، الشافي في الامامه، تحقيق سيد عبدالزهرا حسيني، قم، انتشارات اسماعيليان، 1410 ق؛ همو، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيداحمد حسيني، سيد مهدي رجائي، قم، دار القرآن الكريم، 1405 ق؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في تفسير بالمأثور، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، 1404 ق؛ صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. 942 ق.)، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1414 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، النخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، فضائل الشيعة، تهران، انتشارات عابدى؛ همو، كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1405 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طباطبائى، سيدمحمدحسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1372 ش؛ طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه و آله لشيعة المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومى، قم، نشر اسلامى، 1420 ق؛ طبرى، محمدبن جرير

(م. 310 ق.)، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق گروهی از دانشمندان، بيروت، مؤسسة الاعلمی، 1403 ق؛ همو، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقي جميل عطار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ طبری امامی، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسی، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالی، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ عاملی نباطی، علی بن یونس (م. 877 ق.)، الصراط المستقیم الی مستحقي التقديم، تحقيق محمدباقر بهبودی، المكتبة المرتضوية، 1384 ق؛ علامه حلی، حسن بن یوسف (م. 726 ق.)، الألفین فی امامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، کویت، مكتبة الالفین، 1405 ق؛ همو، الباب الحادي عشر، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامي، 1365 ش؛ غزالی، محمد بن محمد (م. 505 ق.)، احیاء علوم الدین، بيروت، دار المعرفة، 1406 ق؛ فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (م. 826 ق.)، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، كتابخانه مرعشی نجفی، 1405 ق؛ فتال نیشابوری، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظین، قم، الشریف الرضی؛ فخر رازی، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)، بيروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق؛ همو، المحصول فی علم اصول الفقه، تحقيق طه جابر فیاض، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1412 ق؛ همو، عصمة الانبياء، بيروت، دارالکتب العلمیة، 1409 ق؛ فراهیدی، خلیل بن احمد (م. 175 ق.)، العین، تحقيق مهدي مخزومي، ابراهيم سامرائي، قم، مؤسسة دار الهجرة، 1410 ق؛ قطب راوندی، سعید بن هبة الله (م. 573 ق.)، الدعوات، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ قمی، علی بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسیر القمی، تحقيق سيد طيب موسى جزائري، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، 1380 ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م. 329 ق.)، الکافی، تحقيق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1363 ش؛ گونگ، هانس، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1384 ش؛ لاهیجی، عبدالرزاق

(م. 1051 ق.)، گوهر مراد، تحقیق زین العابدین قربانی، تهران، نشر سایه، 1383 ش؛ لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسوریان، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، 1380 ش؛ مجلسی، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحارالانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق؛ مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر؛ مصباح یزدی، محمد تقی، راه و راهنما شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1376 ش؛ مغنیه، محمدجواد (م. 1400 ق.)، الجوامع و الفوارق بین السنة و الشیعه، بیروت، مؤسسة عزالدین، 1414 ق؛ مفید، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالی، تحقیق حسین استادولی، علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، 1414 ق؛ همو، المسائل العکبریه، تحقیق علی اکبر الهی خراسانی، بیروت، دار المفید، 1414 ق؛ همو، النکت الاعتقادیه، تحقیق رضا مختاری، بیروت، دار المفید، 1414 ق؛ همو، تصحیح اعتقادات الامامیه، تحقیق حسین درگاهی، بیروت، دار المفید، 1414 ق؛ همو، مصنفات الشیخ المفید، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، 1413 ق؛ نراقی، محمد مهدی (م. 1209 ق.)، انیس الموحدین، تحقیق قاضی طباطبائی، تهران، انتشارات الزهراء علیها السلام، 1369 ش؛ واحدی، علی بن احمد (م. 468 ق.)، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411 ق؛ وان وورست، رابرت ای، مسیحیت از لایه لای متون، ترجمه جواد باغبانی، عباس رسول زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1384 ش؛ یوسفیان، حسن، شریفی، احمد حسین، پژوهشی در عصمت معصومان علیهم السلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1377 ش.

عبدالحسین کافی و جواد شفیعیان

در اسلام، دانش و دانشمندان جایگاه والایی دارند (کلینی، 30/1، 32) و تحصیل علم بر همگان فرض دانسته شده است (کلینی، 30/1 - 31؛ کراجکی، 239؛ ابن ابی جمهور احسائی، 70/4). اهمیت این امر تا بدانجاست که خداوند در پاسخ خواستگاری حضرت آدم علیه السلام از حوا، شرط ازدواج با او را آموختن معالم دین به وی قرار داد (صدوق، علل الشرایع، 18/1؛ همو، من لا یحضره الفقیه، 3/380). مبارزه با جهل و بی سوادی و آموزش زنان در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز دیده می شود (ابن سعد، 196/8)، حتی نقل شده است که برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، از جمله حفصه (احمد بن حنبل، 268/6؛ بلاذری، 580/3)، سواد می آموخته اند و پیامبر صلی الله علیه و آله روزی را به وعظ و ارشاد زنان اختصاص داده بوده است (احمد بن حنبل، 34/3؛ بخاری، 1/34؛ عینی، 134/2). ایشان به حضرت علی علیه السلام نیز توصیه می کرد که مطالب را بیاموزد و به خانواده و دوستان خود یاد بدهد (طوسی، مصباح المتعجد، 16، حر عاملی، 261/19). در مواردی نیز آموزش قرآن را مهر زنان کرده بود (کلینی، 380/5؛ حر عاملی، 20/262). از این رو، در تاریخ اسلام نام زنان بسیاری در زمره دانشمندان به ثبت رسیده است (ر.ک: ابن اثیر جزری، 389/5 - 642؛ ابن حجر عسقلانی، 219/8 - 483).

درباره جایگاه علمی حضرت فاطمه علیها السلام، روایات متعددی وجود دارد (کلینی، 460/1؛ صدوق، الخصال، 65). ایشان افزون بر برخوردار از علم الهی (ادامه مقاله)، به کسب دانش و معارف دینی از پدرش نیز اهتمام داشته است (ر.ک: کلینی، 64/1 ابن طاووس، 22؛ محدث نوری، 24/3).

شأن علم و معارف نبوی نزد فاطمه علیها السلام چنان بود که ارزش پوست شاخه

خرمایی را که حدیثی بر آن نوشته شده بود، معادل دو فرزندش، حسن و حسین علیهم السلام، می دانست: «فَإِنَّهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا» (طبری امامی، 66؛ هیثمی، 8 / 169). با وجود عمر کوتاه حضرت فاطمه علیها السلام، به ویژه کم بودن مدت حیات ایشان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اغراض سیاسی حاکم بر آن دوران، احادیث و دعاهای متعددی از ایشان به یادگار مانده است (مقاله دعاهای فاطمه علیها السلام). جایگاه علمی و اهمیت احادیث ایشان از مضامین و معارف ژرف آن و روایت تعداد زیادی از زنان و مردان از صحابه (مقاله احادیث فاطمه علیها السلام) دانسته می شود (ابن ابی شیبہ کوفی، 8 / 353؛ طبرانی، 22 / 413 - 424؛ خزاز قمی، 193 - 200). در منابع اهل سنت تصریح شده که فاطمه علیها السلام از فضیلتی صحابه و از شاعران بلیغ بوده است (مناوی، 1 / 138). او و علی علیه السلام، از حیث علم و معرفت، هم شأن یکدیگر معرفی شده اند (مجلسی، 43 / 58، ادامه مقاله).

منابع علم حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

برای شناخت مقام علمی حضرت علیها السلام و گستره دانش ایشان، باید منابع علم آن حضرت علیها السلام را مطالعه کرد.

1. علم لدنی

دانش عموم انسانها با آموختن از دیگران و از راه تحصیل کسب می شود، اما دانش انبیاء و حجتهای الهی مستقیماً از مبدأ فیض خداوند گرفته می شود و علم الهی است که به آن علم لدنی می گویند. چنان که در قرآن درباره حضرت خضر علیه السلام آمده است: «مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»، (علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم) (کهف، 65). درباره حضرت فاطمه علیها السلام نیز امام باقر علیه السلام فرموده است: «فَطَمَّهَا اللَّهُ بِالْعِلْمِ» (کلینی، 1 / 460؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 179)؛ یعنی، آن حضرت علیها السلام از آغاز خلقتش، به سبب کثرت علم، از جهل بریده و از علوم ربّانی برخوردار شده است. در روایت دیگری نیز نقل شده که نور وجودی فاطمه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله یکی

است و به واسطه این نور، از آنچه بوده است و خواهد بود، آگاه است ابن عبدالوهاب، 46 - 47؛ مجلسی، 43 / 8). روایات دیگری نیز در این باره وجود دارد (کلینی، 1 / 440).

2. محدّثه بودن

عظمت معنوی و روحی حضرت فاطمه علیها السلام تا بدانجاست که فرشتگان الهی و حتی جبرئیل بر او نازل می شد و ایشان را از مطالب گوناگون آگاه می ساخت و علی علیه السلام نیز آنها را می نوشت (صفار، 173 - 174؛ کلینی، 1 / 240)، که مجموعه آن، مصحف فاطمه علیها السلام نام گرفت (کلینی، 1 / 241). بنا بر برخی از روایات، حجم این کتاب سه برابر قرآن است (صفار، 172؛ کلینی، 1 / 239) و بنا بر روایات متعددی، امامان معصوم علیهم السلام برخی سخنان خود را به این مصحف، مستند می کردند (ر.ک: کلینی، 1 / 239 - 241؛ به مقاله محدّثه بودن فاطمه علیها السلام). این نیز یکی از منابع دانش آن حضرت علیها السلام است، چنان که در زیارت نامه ایشان نیز آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ؛ سلام بر تو ای محدّثه دانا» (طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 10). دانایی ایشان، به نوعی، با محدّثه بودن پیوند خورده است. نزول جبرئیل، که روح اعظم است، جز برای برخی از انبیاء ممکن نبوده و لازمه آن تناسب روحی میان شخص و جبرئیل است و حتی برای امامان معصوم علیهم السلام گزارش نشده، اما پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، برای حضرت فاطمه علیها السلام بارها رخ داده (امام خمینی قدس سره، صحیفه، 20 / 4 - 5)، که حاکی از عظمت معنوی و تعالی روحی ایشان است. با نزول جبرئیل، حضرت علیها السلام از حوادث گذشته و آینده و دیگر امور، باخبر می شد (کلینی، 1 / 241 - 242؛ طبری امامی، 105، مقاله های محدّثه بودن فاطمه علیها السلام؛ مصحف فاطمه علیها السلام).

3. مقام انسان کامل

کسانی که مراتب کمال و تعالی معنوی را طی می کنند و به مقام انسان کامل دست می یابند، به منبع علم لایزال الهی متصل می شوند، بر امور

غیب اطلاع می یابند و حقایق امور و اسرار هستی بر آنان کشف می شود (ر.ک: امام خمینی قدس سره التعلیقة علی الفوائد الرضویه، 60 - 61). دست یافتن اولیای الهی به مراتب بالای یقین و ایمان و اطمینان تام ایشان بر اثر مشاهده حضوری، آنان را به درجه عصمت رسانده است (امام خمینی قدس سره، جهاد اکبر، 49؛ همو، شرح چهل حدیث، 539 - 540). از این رو، حقیقت عصمت نیز مقامی معرفتی است که انسان به سبب دارا بودن آن، از روی اختیار، انگیزه ای بر ارتکاب گناه ندارد (جرجانی، 8 / 281؛ فاضل مقداد، 243). این مقام، خاص انبیاء و اولیای الهی است. جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که علم انبیاء و اوصیای الهی به واسطه افاضه روح القدس است که با آن از آنچه تحت عرش الهی تا زیر خاک است، آگاهند (کلینی، 1 / 272) و کسی جز انسان کامل، توان شناخت حقیقت وجودی خداوند را ندارد (ر.ک: حسن زاده آملی، 293 - 295). حضرت فاطمه علیها السلام نیز دارای این مقام بود (سید مرتضی، الشافی، 4 / 95؛ طبرسی، مجمع البیان، 8 / 560؛ امام خمینی قدس سره، صحیفه، 7 / 337 - 338) و آیات (ر.ک: آل عمران، 61؛ احزاب، 33) و روایات (ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1 / 190 - 192؛ بحرانی، 3 / 176) بسیاری نیز گواه آن اند (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام). به سبب مقام عصمت، حجیت فعل و قول و تقریر حضرت علیها السلام (حسن زاده آملی، 155 - 174) و مرجعیت دینی و صلاحیت تفسیر و تبیین دین نیز برای ایشان ثابت می شود و کلام و سیره ایشان مدار تشخیص حق و باطل می گردد.

4. استفاده از قرآن

قرآن خود را نور (مائده، 15)، برهان (نساء، 174)، هادی (بقره، 2) و بیان آشکار هر چیز (نحل، 89) معرفی کرده است. آیات قرآن در بردارنده برترین معارف در معرفت خدا و اسماء و صفات و افعال او (ر.ک: کلینی، 1 / 59 - 62) و مشتمل بر احکام و حجتها و فضایل است (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 429؛ بحرانی، 3 / 127، 313)

و از این رو، آنها را خزانه علم خوانده اند (کلینی، 2/ 609؛ مجلسی، 89/ 216)، اما فقط اوصیا و اولیای الهی، به سبب دارا بودن مراتب کمال، بر ظاهر و باطن و حقیقت قرآن آگاهی دارند (ر.ک: کلینی، 1/ 228؛ امام خمینی قدس سره، آداب الصلاة، 181) و تمام دانش قرآن نزد آنان است (کلینی، 1/ 229). باطن و حقیقت قرآن یکی از منابع علم اولیای الهی است و حضرت فاطمه علیها السلام نیز، به سبب وصول به مراتب کمال و بهره مندی از علم الهی، بر اسرار و حقیقت همه امور، از جمله قرآن، آگاهی داشته و از آن استفاده و به آن استناد می کرده است.

ایشان در خطبه فدکیه خود از آیات استفاده عالمانه کرده است: آیاتی حاوی نکات توحیدی و بیان اسماء و صفات الهی و امداد او (مانده، 64؛ توبه، 16؛ ابراهیم، 8)؛ آیاتی درباره شأن و مقام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و رئوف بودن او با مؤمنان (آل عمران، 144؛ توبه، 128) و مقام انداز او (سبأ، 46)؛ آیاتی درباره اهمیت و جایگاه اسلام و تمسک به احکام و معارف آن و پرهیز از فرهنگ جاهلی (آل عمران، 85، 102؛ مانده، 50)؛ و آیاتی در یادآوری قیامت (زمر، 39 - 40) و عذاب آن (توبه، 49؛ کهف، 50؛ شعراء، 227). همچنین برای دفاع از حق خویش، به آیات متعددی درباره ارث استناد نموده (بقره، 180؛ انفال، 75؛ نحل، 16؛ مریم، 6) و در پایان، به گمراهی حاکمان وقت (زمر، 47) اشاره کرده و فرمان الهی را برای صبر و شکیبایی (یوسف، 18) یادآور شده است (ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، 1/ 132 - 142؛ مقاله قرآن شناسی). در دعاهای حضرت علیها السلام نیز از آیات (بقره، 201، 286؛ آل عمران، 194 - 195؛ اعراف، 89؛ فرقان، 65 - 66، ممتحنه، 4 - 5) استفاده شده است (ر.ک: ابن طاووس، 250 - 254؛ مجلسی، 83/ 115).

5. آموزشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین مخلوق الهی است (طبرسی، جوامع الجامع، 1/ 233) و حضرت آدم علیه السلام و هر کس که غیر اوست، زیر لوای ایشان

قرار دارد (مجلسی، 16 / 402). از این رو، تمام انبیا و اولیای الهی در سیر کمال خود، از ایشان مدد می‌گیرند (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 204؛ ر.ک: امام خمینی قدس سره، مصباح الهدایه، 55 - 56). حضرت فاطمه علیها السلام نیز از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله معارفی را درباره اسلام و قرآن فراگرفته و پیامبر صلی الله علیه و آله در هر فرصتی، مطالبی را برای ایشان بیان می‌کرده است (کلینی، 1 / 64؛ مجلسی، 36 / 275). امام سجاد علیه السلام در سخنی خطاب به فرزند خود، امام باقر علیه السلام، به ذخایر گران بهایی از علوم پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده که به آنان ارث رسیده و در توضیح این ذخایر فرموده است: «اسراری است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه کرد و آن حضرت به علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام تعلیم داد» (مجلسی، 83 / 172).

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که هر روز و شب با پیامبر صلی الله علیه و آله خلوتی داشته که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله از آیات و تفسیر و تأویل و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عام و خاص قرآن، برایش سخن می‌گفته است و هیچ کس، حتی اصحاب و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، اجازه حضور در این خلوت را نداشته‌اند، اما هرگاه که این جلسه در منزل علی علیه السلام برگزار می‌شده، حضرت فاطمه علیها السلام در آن حضور می‌یافته است (کلینی، 1 / 64؛ صدوق، الخصال، 257).

حضرت فاطمه علیها السلام دعاهایی از پیامبر صلی الله علیه و آله آموخته که مشتمل است بر معارف توحیدی و معرفتی (ر.ک: طبری امامی، 72 - 74؛ مجلسی، 83 / 171). وی مشتاق آگاهی از آخرین آیات نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و یادگیری درباره آنها بوده است (ابن شهر آشوب، 3 / 175؛ مجلسی، 43 / 338).

دلایل علم حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

افزون بر آنچه گفته شد، موارد دیگری نیز بر علم آن حضرت علیها السلام دلالت دارد:

1. سیده النساء بودن

روایات متعددی از منابع شیعه (ر.ک: صدوق، الامالی، 77 - 78، 112؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 195، 319) و اهل سنت (ر.ک: طیالسی، 197؛ ابن سعد، 8 / 27؛ نسائی، 4 / 252؛ 5 / 147)، بر برتری مطلق ایشان بر همه زنان عالم، از اول تا آخر، دلالت دارد و علما درباره آن اجماع دارند (سیدمرتضی، رسائل، 3 / 147 - 148). از این رو، فاطمه علیها السلام در همه فضایل، از جمله علم و کمال، نیز از همه زنان عالم برتر است (ر.ک: صدوق، الامالی، 175، 575).

در برخی منابع اهل سنت آمده است که چهار زن، زنان برتر عالم هستند:

مریم علیها السلام دختر عمران، آسیه دختر مُزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خُوَیَلد، و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله که افضل آنان از حیث دانش است (سیوطی، 2 / 23؛ متقی هندی، 12 / 145). همچنین در برخی منابع اهل سنت بر فضل علم حضرت فاطمه علیها السلام تصریح، و گفته شده است که اگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از رحلت زود هنگام فاطمه علیها السلام آگاه نمی بود، بی شک مردم را به فراگیری همه دین از فاطمه علیها السلام فرامی خواند (آلوسی، 3 / 155 - 156).

2. کفو بودن با علی علیها السلام

روایات دالّ بر کفو بودن فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام (ر.ک: مجلسی، 40 / 77؛ قندوزی، 2 / 67، 80، 244) و اینکه اگر علی علیه السلام نبود، از حضرت آدم علیه السلام و پس از او، هیچ کس بر روی زمین، شایستگی همسری فاطمه علیها السلام را نداشت (کلینی، 1 / 461؛ مجلسی، 43 / 107)، حاکی از علم و فضل فاطمه علیها السلام است. بنا بر روایات، علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در علم او شریک بوده (کلینی، 1 / 263) و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هزار باب علم را به علی علیه السلام آموخته است (صفار، 172؛ کلینی، 1 / 239، 296). همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن است» (صدوق، الامالی، 425؛ همو، الخصال، 574؛ ذهبی، 18 / 368) و خود حضرت علی علیه السلام تصریح کرده که

سینه من انباشته از علوم است (نهج البلاغه، حکمت 147 (36/4)؛ ر.ک: صفار، 325) و من به راههای آسمان آشناترم تا راههای زمین (شاذان قمی، 33؛ قمی شیرازی، 441). با توجه به این موارد و کفو بودن فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام، همین مقام علمی و معنوی برای حضرت فاطمه علیها السلام نیز ثابت می شود.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام دو دریای عمیق از علم هستند که هیچ یک بر دیگری طغیان نمی کند: «عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةٌ بَحْرَانِ مِنَ الْعِلْمِ عَمِيقَانِ لَا يَبْغِي أَحَدُهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ» (صدوق، النخصال، 65؛ فتال نیشابوری، 148؛ مجلسی، 98/24). این حدیث نیز بر کثرت علم علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام دلالت دارد.

3. ثقل اصغر بودن

در حدیث متواتر ثقلین (ر.ک: صفار، 232 - 434)، پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن را ثقل اکبر و عترت و اهل بیت علیهم السلام خود را ثقل اصغر معرفی کرده، که فاطمه علیها السلام نیز جزو آنان است. پیامبر صلی الله علیه و آله، در ادامه، اصحاب خود را به پیروی از اهل بیت علیهم السلام فرا خوانده و تصریح کرده است: «فَاتَّهَمُ أَعْلَمُ مِنْكُمْ» (آنان از شما آگاه ترند) صفار، 69؛ کلینی، 1/294؛ طبرانی، 5/167).

4. آگاهیهای غیبی

از جمله دلایل علم حضرت فاطمه علیها السلام، آگاهیهای ایشان از امور غیبی و حوادث آینده است. افزون بر آنچه ذکر شد، آن حضرت علیها السلام از حوادث و مصائب آینده نیز آگاهیهایی داشته (طبرسی، الامالی، 188)، از جمله از زمان ارتحال خویش آگاه بوده است (اربلی، 2/123؛ مجلسی، 43/186). این امور نیز حکایت از علم غیب داشتن ایشان دارد.

5. میراث حضرت فاطمه علیها السلام

مضامین و معارف ژرفی که در احادیث و دعاها و خطبه های حضرت فاطمه علیها السلام بر جای مانده، حاکی از مقام والای علمی ایشان است. خطبه فدکیه مشتمل بر معارف توحیدی و بیان فلسفه احکام است (طبری

امامی، 32 - 33؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 131 - 141) که تا آن روز، به این جامعیت، در روایتی ذکر نشده بود. ابن ابی الحدید درباره خطبه های حضرت علی علیه السلام گفته که حقیقت توحید و عدل و مباحث شریف الهی، جز در کلام این مرد شناخته نشده است و بی شک در کلام غیر او، از بزرگان صحابه، چیزی از اینها وجود ندارد و آنان تصورش را هم نمی کردند (شرح نهج البلاغه، 6 / 346). گفتنی است که این مضامین در خطبه حضرت فاطمه علیها السلام نیز وجود دارد (مقاله های خطبه های فاطمه علیها السلام فلسفه احکام).

در مجموعه دعاها و احادیث آن حضرت علیها السلام نیز مضامین ژرف معرفتی و عرفانی (ر.ک: ابن طاووس، 238، 250؛ مجلسی، 83 / 102 - 112، 94 / 225) و مسائل اعتقادی وجود دارد (ابن طاووس، 173، 203، مقاله های خداشناسی؛ نبوت؛ مرگ و برزخ؛ معاد؛ دعا). از ایشان احادیثی نیز در احکام شرعی بر جای مانده است که فقیهان به آنها استناد می کنند (احمد بن حنبل، 6 / 283؛ کلینی، 3 / 104 - 105؛ طبری امامی، 69 - مقاله فاطمه علیها السلام در فقه اسلامی).

6 مرجعیت علمی

از جمله شواهد دال بر مقام علمی حضرت فاطمه علیها السلام، گزارشهایی است از رجوع دیگران به ایشان و پاسخهای عالمانه آن حضرت علیها السلام.

الف) پاسخ به احکام شرعی: در روایتی آمده است زنی از سوی مادرش به محضر فاطمه علیها السلام آمد تا درباره نماز مادرش، کسب تکلیف کند. این زن ده پرسش کرد و زمانی که از پرسشهای زیاد خود، شرمسار گردید، آن حضرت علیها السلام از ارزش و ثواب عظیم آموزش معارف به دیگران سخن گفت (شهید ثانی، 115؛ مجلسی، 2 / 3؛ ر.ک: فاضل هندی، 11 / 538).

ب) آموزش استدلال برای عقاید: بنا بر روایتی، روزی آن حضرت علیها السلام ناظر بحثی بود میان زنی از مخالفان اعتقادات اسلامی و زن مؤمنی که به سبب ضعف

در استدلال، از پاسخ زن مخالف در مانده بود. حضرت علیها السلام شیوه دقیق استدلال را به زن مؤمن آموخت و این بار او در بحث پیروز شد (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 346 - 347؛ طبرسی، الاحتجاج، 1/ 11؛ مجلسی، 8/ 180).

ج) پاسخ به پرسش پیامبر صلی الله علیه و آله و برتری بر صحابه: در این باره دو گزارش وجود دارد. در گزارشی آمده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب خود پرسید: «چه زمانی زن به خدا نزدیک تر است؟» کسی پاسخی نداشت. زمانی که علی علیه السلام با اندوه به منزل رفت و فاطمه علیها السلام از علت آن آگاه شد، پاسخ داد: «هنگامی که زن در داخل خانه بنشیند.» پیامبر صلی الله علیه و آله چون این جواب را شنید، فرمود: «فاطمه پاره تن من است» (راوندی، 119؛ مجلسی، 43/ 92؛ 100/ 250). در گزارشی دیگر، از علی علیه السلام نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب پرسید: «چه چیزی برای زنان از همه بهتر است؟» کسی پاسخ آن را نمی دانست و اصحاب متفرق شدند. علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام رفت و پرسش پیامبر صلی الله علیه و آله را بازگو کرد و فاطمه علیها السلام گفت: «من پاسخ آن را می دانم؛ برای زنان، از همه بهتر این است که نه آنان مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آنان را». زمانی که علی علیه السلام این پاسخ را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» «علی علیه السلام پاسخ داد: «فاطمه.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه پاره تن من است» (اربلی، 2/ 94؛ حر عاملی، 14/ 43، 172؛ مجلسی، 43/ 54: 37، 69). این دو روایت بر برتری علمی فاطمه علیها السلام بر صحابه دلالت دارد و در آن، به نوعی، به فضیلت ایشان بر امام علی علیه السلام نیز اشاره شده است. اما به سبب کفو بودن آن دو با یکدیگر و برخی روایات، این مطالب پذیرفته نیست.

7. حجت و باب علم

در روایتی، جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل

کرده که خداوند، علی علیه السلام و همسر و فرزندان را حجت بر خلق قرار داده است و آنان درهای علم در میان امت اند و هر کس از آنان پیروی کند، به راه راست هدایت یافته است (صدوق، الامالی، 73 - 74؛ مجلسی، 12 / 38).

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام خیر و سعادت همگان را بر معرفت او متوقف دانسته (کجوری حسینی، 1 / 224) و در جای دیگر گفته است: «و هِيَ الصِّدِّيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلِيٌّ مَعْرِفَتُهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى؛ فاطمه آن بانوی بسیار راستگوی بزرگ است که پیشینیان بر اساس شناخت او روزگار می گذرانند» (طوسی، الامالی، 668 مجلسی، 43 / 105).

ابعاد علمی حضرت فاطمه علیها السلام

با توجه به آنچه در منابع علم حضرت علیها السلام ذکر شد، وجود او با علم سرشته شده و او به سبب مقام معنوی خود، از علم الهی برخوردار است؛ از این رو، علم حضرت علیها السلام، به سبب اتصال به منبع علم و فیض الهی، محدودیت نمی پذیرد. در تأیید این امر، عمار یاسر از سلمان گزارش داده است که روزی او و علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام رفتند و هنگامی که نگاه فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام افتاد، گفت: «أَدْنُ لِأَحَدِكُمْ بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ وَبِمَا لَمْ يَكُنْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حِينَ تَقُومُ السَّاعَةُ؛ نزدیک بیا تا تو را از آنچه در گذشته اتفاق افتاده و آنچه در حال به قوع پیوستن است و آنچه به وقوع پیوسته [و در آینده رخ می دهد]، تا روز قیامت و زمانی که محشر برپا شود، آگاه کنم». علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و ایشان این امر را تصدیق کرد و اذعان داشت که نور فاطمه علیها السلام از نور وجود من است. با بازگشت علی علیه السلام به همراه سلمان به خانه، فاطمه علیها السلام فرمود: «من از همان نور خلق شده ام و به واسطه آن، گذشته و آینده و حال را می دانم» (ابن عبد الوهاب، 46 - 47؛ مجلسی، 43 / 8).

دانش حضرت علیها السلام نیز، با توجه به گستره آیات قرآن و حقایق و اسرار نهفته در آن، دامنه ای وسیع دارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده است: «اطلاع از اول و آخر قرآن و حقایق نهفته در آن برای اطلاع از همه امور کافی است، زیرا در آن، خبر از آسمان و زمین و آنچه بوده است و خواهد بود، وجود دارد» (کلینی، 1 / 229).

جامعیت مصحف فاطمه علیها السلام نیز بر گستره علم آن حضرت علیها السلام دلالت دارد، چنان که اشاره شد، جبرئیل و دیگر فرشتگان، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام نازل می شدند و با او سخن می گفتند. روایات راجع به مضامین این سخنها، گستردگی و تنوع مطالبی را که بر آن حضرت علیها السلام عرضه شده است، نشان می دهند. در این روایات، از پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه وی در بهشت (کلینی، 1 / 241)، پیامبران و اوصیای آنان و مؤمنان و کافران گذشته و آینده و سرگذشت آنان (طبری امامی، 105)، فرمانروایان مسلمانان با نام و نام پدرشان (کلینی، 1 / 242؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 207 - 208) و اخبار و حوادث آینده (ر.ک: صفار، 177؛ کلینی، 1 / 240 - 241) سخن گفته شده است (مقاله مصحف فاطمه علیها السلام).

به دلیل اهمیت و گستردگی دانش اندوخته در مصحف فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام با افتخار بیان کرده که به همسرش کتابی عطا شده که جز خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، هرگز کسی از این میزان دانش بهره مند نبوده است (صفار، 220؛ مجلسی، 39 / 343). این مصحف، منبع علم امامان علیهم السلام به شمار آمده و دست به دست به امام بعدی رسیده است (صفار، 161؛ طبری امامی، 27). همچنین دعاها و خطبه ها و احادیثی از حضرت فاطمه علیها السلام بر جای مانده که مشتمل است بر: مسائل اعتقادی مانند خداشناسی (ابن طیفور، 15) و ازلی بودن خدا و ناتوانی انسان از درک صفات الهی (ر.ک: ابن طاووس، 202 - 205، 238، مقاله خداشناسی) و اشاره به عدل طاووس، 238؛ مقاله عدل الهی)؛

نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و علم او به مقدّرات (بخاری، 4 / 183) و مقام و منزلت ایشان (ابن طیفور، 15؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 133؛ مقاله نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله)؛ امامت و خلافت امامان و اولی به تصرف بودن آنان و ذکر نام دوازده امام علیهم السلام (کلینی، 1 / 527 - 528؛ طوسی، الامالی، 291 - 292) و ظهور مهدی و اینکه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل اوست (ابوالفرج اصفهانی، 98؛ مقاله های امامت؛ مهدویت)؛ مرگ و سكرات آن و عالم برزخ (ابن طاووس، 173 - 174، 240)؛ و معاد و روز قیامت و ذکر مواقف آن و جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت و شفاعت او (صدوق، الامالی، 350؛ مجلسی، 8 / 35؛ مقاله های مرگ و برزخ؛ معاد، شفاعت و فاطمه علیها السلام).

از فاطمه علیها السلام احادیث متعددی در فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام (اربلی، 2 / 122) و فضایل حسنین علیهما السلام (احمد بن حنبل، 6 / 283؛ یعقوبی، 2 / 117) و ذکر اوصاف و فضایل شیعیان (طبری امامی، 68) و نیز احادیثی درباره آموزه های اخلاقی و اجتماعی (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 354؛ مجلسی، 72 / 401) بر جای مانده است که حاکی از گستره معرفت آن حضرت علیها السلام هستند.

منابع

آلوسی، سید محمود (م. 1270 ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1415 ق؛ ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (م. 880 ق.)، عوالی الثالی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مطبعة سیدالشهداء، 1403 ق؛ ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق سعید لحام، بیروت، دار الفکر، 1409 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، الاصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1415 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، فلاح السائل،

قم، مكتب الاعلام الاسلامي؛ ابن طيفور، احمد بن ابي طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتي؛ ابن عبدالوهاب، حسين (م. قرن 5)، عيون المعجزات، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1369 ق؛ ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين (م. 356 ق.)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم مظفر، قم، مؤسسة دار الكتاب، 1385 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امام خميني قدس سره، سيد روح الله موسوي (م. 1409 ق.)، التعليقة على الفوائد الرضوية، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره؛ همو، شرح چهل حديث، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره؛ همو، جهاد اكبر، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره؛ همو، مصباح الهدايه الى الخلافة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره؛ همو، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره؛ همو؛ صحيفه امام، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني قدس سره 1378 ش؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ بحراني، سيد هاشم حسيني (م. 1107 ق.)، غاية المرام و حجة الخصام، تحقيق سيد علي عاشور؛ بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخاري، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بلاذري، احمد بن يحيى (م. 279 ق.)، فتوح البلدان، تحقيق صلاح الدين منجد، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، 1956 م، تفسير منسوب به امام عسكري عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ جرجاني، علي بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر، مطبعة السعادة، 1325 ق؛ حر عاملي، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعه، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ حسن زاده آملی، حسن، شرح فص حكمة عصمتية في كلمة فاطمية، تهران، نشر طويبي، 1379 ش؛ خزاز قمي، علي بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر عليهما السلام، تحقيق سيد عبد اللطيف حسيني كوه كمری، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ ذهبی، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق؛ راوندي، سيد فضل الله بن علي (م. 571 ق.)، النوادر، تحقيق سيدرضا علي عسكري،

قم، انتشارات دار الحديث، 1377 ش؛ سيدمرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، الشافي في الامامة، تحقيق سيدعبدالزهره حسيني، قم، انتشارات اسماعيليان، 1410 ق؛ همو، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيداحمد حسيني، سيدمهدي رجائي، قم، دارالقرآن الكريم، 1405 ق؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار المعرفة؛ همو، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية 1413 ق؛ شاذان قمي، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الروضة في فضائل امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق على شكرچي، 1423 ق؛ شهيد ثاني، زين الدين بن على عاملي (م. 965 ق.)، منية المريد في ادب المفيد و المستفيد، تحقيق رضا مختاري، قم، دفتر نشر اسلامي، 1415 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، التوحيد، تحقيق سيد هاشم حسيني تهراني، قم، نشر اسلامي؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1404 ق؛ صفار، محمد بن حسن (م. 290 ق.)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقيق ميرزا محسن كوچه باغي، تهران، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبرسي، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق سيدمحمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، تفسير جوامع الجامع، تحقيق ابوالقاسم گرجي، تهران، انتشارات دانشگاه، 1377 ش؛ همو، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق عده اي از محققين، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1415 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيدحسن موسوي خراسان، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1364 ش؛ همو، مصباح المتعجد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، 1411 ق؛ طيالسي، سليمان بن داوود (م. 204 ق.)، مسند ابي داوود الطيالسي، بيروت، دار المعرفة؛ عيني، محمود بن احمد

(م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربى، فاضل هندی، محمدبن حسن (م. 1137 ق.)، كشف اللثام عن قواعد الاحكام، قم، نشر اسلامى، 1420 ق؛ فتال نيشابورى، محمدبن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ قمى شيرازى، محمد طاهر بن محمد حسين (م 1098 ق.)، الاربعين في امامة الائمة الطاهرين، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مطبعة الامير، 1418 ق؛ قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. 1294 ق.)، ينابيع المودة لذوي القربى، تحقيق سيدعلى جمال اشرف حسيني، دارالاسوة، 1416 ق؛ كجورى حسيني، محمدباقر (م. 1313 ق.)، الخصائص الفاطمية، تحقيق سيدعلى جمال اشرف حسيني، الشريف الرضى، 1380 ش؛ كراجكى، محمد بن على (م. 449 ق.)، كنز الفوائد، قم، مكتبة المصطفوى، 1369 ش؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ متقى هندی، على (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1403 ق؛ محدث نورى، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ مناوى، محمد بن على (م. 1031 ق.)، فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، السنن الكبرى، تحقيق سليمان بندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، 1411 ق؛ نهج البلاغه، الامام على بن ابى طالب عليه السلام، الشريف الرضى، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1408 ق؛ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (م. 292 ق.)، تاريخ يعقوبى، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بيت عليهم السلام.

ابوالقاسم مقيمى حاجى

اذکار معروف منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام مشتمل بر تکبیر، حمد و تسبیح.

تسبیح، واژه ای عربی و برگرفته از ریشه «سبح»، به معنای تنزیه، تقدیس و تبرئه از نقایص است (جوهری، 1 / 372؛ ابن اثیر، 2 / 331؛ طریحی، 2 / 333). این کلمه در اصطلاح، منزّه و پاک دانستن خداوند از هر گونه بدی و ویژگی های ناشایست (طوسی، التبیان، 8 / 529؛ 9 / 517؛ طبرسی، مجمع البیان، 10 / 328) و ثنا گفتن اوست به آنچه که شایسته آن است (طبرسی، مجمع البیان، 9 / 382). تسبیح در زبان فارسی، به معنی دانه های به رشته کشیده شده نیز آمده است که برای شمارشِ ذکرها از آن استفاده می شود (دهخدا، 5 / 6716؛ معین، 1 / 1079).

تسبیح در منابع حدیثی و تفسیر، معمولاً در کنار مفهومی مانند تحمید، تهلیل و تکبیر به کار رفته است (ر.ک: کلینی، 2 / 505؛ 3 / 463؛ طبرسی، مجمع البیان، 4 / 420). تحمید، ستودن خداوند به ویژگیهای کمال و جمال است (ابن منظور، 3 / 156)؛ اما تسبیح، تنزیه خداوند، از صفات سلبی و هر نوع عیب و نقص به شمار می رود؛ تهلیل نیز، شهادت به وحدانیت خداوند با کلمه «لا إله إلا الله» (فراهیدی، 3 / 353؛ ابن منظور، 11 / 705) و تکبیر، تعظیم پروردگار و گفتن «الله اکبر» است (ابن منظور، 5 / 127)؛ البته گاه از باب غلبه در ذکر به تحمید، تهلیل و تکبیر نیز، تسبیح اطلاق می شود؛ چنان که در تسبیحات اربعه و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام چنین است.

پیشینه تسبیح پروردگار، به آغاز آفرینش باز می گردد خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسراء، 44). به تصریح قرآن،

فرشتگان الهی، پیوسته تسبیح گوی خداوند بوده اند (انبیاء، 20: فصلت، 38). قرآن کریم همچنین تسبیح انبیای پیشین، مانند موسی، عیسی و زکریا علیهم السلام را یادآور می شود (ر.ک: آل عمران، 41؛ مائده، 116؛ اعراف، 143)؛ از وصیت زکریا علیه السلام یاد می کند که از قوم خویش می خواست تا صبح و شام تسبیح گوی خدا باشند (مریم، 11)؛ همچنین به تسبیح یونس علیه السلام اشاره می کند که او را از تاریکی اعماق دریاها نجات بخشید صافات، 143 - 144). بی شک در ادیان پیشین نیز، برای تسبیح خداوند ذکرهای خاصی وجود داشته است که قرآن کریم به برخی از آنها اشاره می کند؛ مانند تسبیح حضرت یونس علیه السلام: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء، 87) که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن به عنوان دعایی یاد می کند که اگر هر انسان گرفتاری به وسیله آن، خدا را بخواند، دعای وی مستجاب خواهد شد (زمخشری، 3/ 132؛ فیض کاشانی، 3/ 353). ادامه آیه: «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» نیز، اشاره به همین نکته است که مؤمنان گرفتار، با این تسبیح و اعتراف به اشتباه خود، مشمول توجه پروردگار شده و نجات می یابند.

قرآن کریم، دامنه تسبیح را از ذکرهای آدمی و ملائک فراتر برده و از تسبیح همه موجودات آسمانها و زمین (حدید، 1؛ حشر، 1) و تسبیح کوهها (انبیاء، 79) و پرندگان در هوا (نور، 41) یاد می کند و در نهایت، با صراحت می گوید که هیچ موجودی نیست، جز آنکه همواره خداوند را به پاکی می ستاید (اسراء، 24). افزون بر تسبیح، حمد (اسراء، 44)، نماز یا نیایش (نور، 41)، سجود (نحل، 49)، قنوت (بقره، 116) و خشوع (بقره، 74) نیز به همه موجودات عالم نسبت داده شده است.

در برخی از دعاهای حضرت فاطمه علیها السلام نیز، به خضوع و تواضع همه اشیای عالم در پیشگاه خداوند و تسبیح جانوران وحشی و پرندگان تصریح شده است؛

برای مثال: در دعای پس از نماز عشا می فرماید: «سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ... وَبِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَّاتُ وَسَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْمَلَاوَاتِ وَالطَّيْرُ فِي الْوُكْدَاتِ» (پاک و منزّه است کسی که همه چیز، در برابر عظمت او تواضع می کنند... و به عزت او کوههای استوار، استقرار یافته و حیوانات وحشی در بیابانها و پرندگان در لانه هایشان تسبیح می گویند) (ابن طاووس، 251؛ مجلسی، 83 / 115).

چیستی و حقیقت چنین تسبیحی - که شامل همه موجودات عاقل، غیر عاقل، جاندار و بی جان است - پیوسته مورد سؤال، بحث و نظر دانشمندان و مفسران بوده است.

طبری، از مفسران اهل سنت در قرن سوم و چهارم در تفسیر آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ» (اسراء، 44) به نقل از برخی صاحب نظران می گوید: مقصود این آیه، موجوداتی است که دارای روح هستند (15 / 117). نحاس، مفسر دیگر اهل سنت نیز، این برداشت را دیدگاه بیشتر مفسران زمان خود دانسته است (4 / 159). علی بن ابراهیم قمی، از اولین مفسران شیعه، عمومیت آیه را پذیرفته و در توضیح ماهیت این تسبیح، حرکت هر شیء را تسبیح خدا دانسته است (2 / 20). پس از وی، شیخ طوسی در قرن پنجم، دلالت آسمانها و زمین و همه موجودات بر توحید و عدالت و نفی شریک از خداوند را به منزله تسبیح دانسته است (التبیان، 6 / 482 - 483). طبرسی، مفسر قرن ششم نیز، همین دیدگاه را پذیرفته و این نوع تسبیح تکوینی موجودات را جایگزین تسبیح قولی، بلکه قوی تر از آن می داند؛ زیرا چنین تسبیحی منجر به علم می شود (مجمع البیان، 6 / 254 - 255)، البته به کارگیری تسبیح در این معنا، مجازی است. در میان مفسران غیر امامیه نیز، برخی تسبیح موجودات را عام دانسته و قائل به عدم تخصیص آیه شده اند و

تسبیح در آیه را تسبیح دلالی دانسته اند؛ یعنی موجودات دلالت می کنند که خداوند، خالقِ قادر و مبراً از نقص است (قرطبی، 302/9؛ شوکانی، 230/3)؛ و این گونه از تسبیح، همان تسبیح تکوینی است.

قرطبی، به برخی از اهل سنت نسبت داده است که تسبیح در آیه، تسبیح حقیقی است و همه اشیا تسبیح می گویند؛ هر چند انسانهای عادی آن را نمی فهمند. این برداشتی، از ادامه آیه 44 سوره اسراء است که می فرماید: «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»؛ در این آیه بر اینکه انسانها تسبیح موجودات را نمی فهمند تصریح شده است (10/266). قرطبی، خود نیز، این دیدگاه پیرامون تسبیح را دیدگاهی صحیح تر دانسته است (15/159). پس از وی در منابع دیگر اهل سنت نیز، چنین دیدگاهی ارائه شده است (ابن عربی، 1/381، 398؛ شوکانی، 3/231). برخی از مفسران شیعه نیز، این دیدگاه را پذیرفته اند؛ برای مثال صدر المتألهین از نخستین مفسران شیعه است که این نظریه را به طور کامل بیان و مستدل نمود. وی ضمن اشاره به ماجرای تسبیح سنگ ریزه ها در دست پیامبر صلی الله علیه و آله، و سلام کردن سنگ و درخت بر آن حضرت صلی الله علیه و آله و نیز، روایاتی این گونه، دلیلی برای عدول از معنای ظاهری آیه نمی بیند؛ سپس برای از بین بردن این شبهه که تسبیح زبانی، نیازمند ادراک است و جمادات ادراک ندارند، می گوید: هیچ دلیلی برای نفی مطلق شعور از جمادات وجود ندارد (تفسیر، 6/147 - 148)؛ زیرا وجود، حقیقتِ مشککی است که در همه موجودات با اختلاف مراتب جاری است؛ بنابراین صفات حقیقی وجود، یعنی علم، قدرت، اراده و حیات نیز، به تناسب میزان بهره مندی اشیا از وجود، در آنها جاری است. بدین ترتیب همه موجودات - حتی جمادات - زنده، دانا و تسبیح گوی آفریننده خود هستند (الاسفار، 6/117). علامه طباطبائی نیز، بر

این باور است که با توجه به کلام خداوند، هر موجودی به میزان بهره مندی از وجود، از علم نیز بهره مند است و هر موجودی احتیاج و نقص خود و غنا و کمال آفریننده اش را درک نموده، او را تسبیح می گوید و تسبیحش حقیقی و قولی (گفتاری است) (13/ 110 - 111؛ 19/ 144)، نه حالی؛ بنابراین، ریشه در علم و اراده آنها دارد (17/ 381). وی استدراک ذکر شده در ادامه آیه 44 سوره اسراء «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» را دلیل بر تسبیح حقیقی و قولی دانسته است؛ زیرا تسبیح حالی و دلّالی موجودات، برای انسانها قابل فهم است؛ بنابراین نمی تواند مقصود آیه قرار گیرد (19/ 144). امام خمینی قدس سره نیز، تسبیح موجودات را تسبیح نطقی، شعوری و ارادی می داند (ر.ک: آداب الصلاة، 256؛ شرح چهل حدیث، 654).

به هر حال، کسانی که در مراتب عالی وجودی و کمال انسانی قرار داشته باشند، از علم و معرفت بیشتری نسبت به خدای سبحان برخوردار بوده و ستایشها و تسبیحات بسیار پر محتوا و نورانی را بر زبان جاری می کنند که تسبیح پیامبران و اوصیای ایشان، مصداق روشن چنین ستایشی است.

در منابع حدیثی و دعاها، ذکرهای گوناگونی را می توان یافت که از جمله مصداق های تسبیح خداوند است؛ مانند تسبیحات اربعه، ذکرها و تسبیحات در حال رکوع و سجده و یا تسبیحاتی که در دعاها و دیگر وارد شده است (ر.ک: کلینی، 2/ 505؛ 3/ 319 - 330، 465؛ حر عاملی، 4/ 165؛ 6/ 441 - 446، 7/ 182، 8/ 185؛ 8/ 12). یکی از مشهورترین این تسبیحات، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام است که در احادیث، تأکید فراوانی بر آن شده است. این تسبیح، شامل سه ذکر «الله اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» است که با ترتیب ویژه ای خوانده می شود (ادامه مقاله).

به جز تسبیح معروف و منسوب به حضرت فاطمه علیها السلام، تسبیح دیگری نیز وجود

دارد که در برخی از روایتهای، از آن به «تسبیح فاطمه علیها السلام» نام برده اند. چنان که در کامل الزیارات، آمده است امام صادق علیه السلام از ابی سعید مدائنی می خواهد که هنگام زیارت امام حسین علیه السلام در پایین پای حضرت علیه السلام، هزار بار تسبیح امیر مؤمنان علی و هزار بار تسبیح فاطمه علیها السلام را بخواند؛ سپس تسبیح فاطمه علیها السلام را این گونه بیان می فرماید: «سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُئِنِّفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّخْرَةِ وَوَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ» (ر.ک: ابن قولویه قمی، 384 - 385). شیخ صدوق نیز، برای وداع با حرم امیرالمؤمنین علیه السلام زیارتی را نقل کرده است که با همین تسبیح به پایان می رسد (ر.ک: من لا یحضره الفقیه، 2 / 591). ولی همان گونه که اشاره شد، تسبیحی که به نام آن حضرت علیها السلام بسیار معروف است، تسبیح اول می باشد.

منشأ پیدایش تسبیح

در برخی از روایتهای ماجرای تسبیح حضرت زهرا علیها السلام، این گونه گزارش شده است که کار سخت و طاقت فرسای خانه، موجب زحمت و مشقت فراوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله گردیده و از شدت آن، بسیار رنجور شده بود. با پیشنهاد علی علیه السلام و موافقت فاطمه علیها السلام، بنا شد که از پیامبر صلی الله علیه و آله خدمتگزاری درخواست کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله، در مقابل این خواسته، پیشنهاد نمود تا چیزی به ایشان بیاموزد که بهتر از خدمتکار است و سپس تسبیحی را به ایشان آموخت که به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام معروف شد (ر.ک: بخاری، 4 / 48، 208؛ 6 / 193؛ ابوداؤد سجستانی، 2 / 489؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 320 - 321؛ مجلسی، 82 / 328 - 329). علامه حلی، معتقد است که چون سبب تشریح این تسبیح، حضرت فاطمه علیها السلام بوده این تسبیح به آن حضرت علیها السلام منسوب شد (تذکر الفقهاء، 3 / 265). سخن علامه، بیانگر آن

است که جایگاه بلند و عظمتِ وجودی حضرت فاطمه علیها السلام موجب گردیده که تسبیحی این چنین که مصداق ذکر کثیر و دارای فضایی بسیار است (ادامه مقاله) تشریح شود.

در برخی از روایات مربوط به تسبیح آن حضرت علیها السلام، آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آموختن آن، به دخترش فرمود: «این تسبیح بهتر از دنیا و هر آن چیزی است که در دنیا وجود دارد» (مغربی، 1 / 168) و حضرت فاطمه علیها السلام به پاس آن، سه بار فرمود: «از خدا و رسولش خشنودم» (صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 281). در بسیاری از منابع روایی اهل سنت آمده است که امیر المؤمنین علی علیه السلام پس از آن، هرگز و در هیچ شرایطی این تسبیح را ترک نکرد (احمد بن حنبل، 1 / 107؛ بخاری، 6 / 193؛ مسلم نیشابوری، 8 / 84).

روایتی است از امام صادق علیه السلام که حضرت فاطمه علیها السلام برای شمارش ذکر، از تسبیحی به جنس پشم تاییده شده استفاده می کرد که به اندازه شماره تکبیرها، 34 گره داشت؛ اما پس از شهادت حضرت حمزه، تسبیحی از خاک قبر او ساخت و دیگران نیز در ساختن تسبیح از تربت، از ایشان پیروی کردند تا هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید و تربت کربلا تقدس ویژه ای یافت (مفید، 150؛ حر عاملی، 6 / 455).

مضمون تسبیح

اشاره

این تسبیح، از سه ذکر تشکیل شده است که هر یک از آنها جداگانه در قرآن و حدیث مورد تأکید و تبیین قرار گرفته است.

1. الله اکبر

تکبیر در لغت به معنای تعظیم است (جوهری، 2 / 802) و در اصطلاح، توصیف خداوند به کبریایی و عظمت در اعتقاد، گفتار و عمل است (طباطبائی، 20 / 80).

خداوند در قرآن کریم به پیامبرش دستور می دهد که او را به بزرگی یاد کند: «وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ» (مدثر، 3). «رَبِّ» انسان همان «الله» است که همه صفات جمالیه و جلالیه را داراست. روایتی است از امام صادق علیه السلام که هرگاه تکبیر گفتی، هر آنچه را که مابین آسمان و زمین است در مقابل عظمت خداوند کوچک بشمار (مجلسی، 81 / 230). همچنین آن حضرت علیها السلام، در حضور یکی از اصحاب خویش - که تکبیر را به «بزرگی خداوند از همه چیز» معنا کرده بود - این پرسش را مطرح می سازد که آیا اساساً در مقابل خداوند، وجودی هست که او برتر از آن باشد؟ این مطلب کنایه از این است که هیچ وجودی مستقل و بریده از خداوند در برابر او وجود ندارد؛ سپس تفسیر درست تکبیر را، خود این گونه بیان فرمودند که خداوند بزرگ تر از آن است که قابل توصیف باشد (صدوق، التوحید، 313؛ حر عاملی، 7 / 191؛ حویزی، 3 / 239). به گفته علامه طباطبائی، در تفسیر آیه مزبور، تکبیر، منسوب دانستن خداوند به کبریا و عظمت از جهت اعتقاد و عمل و قول و فعل است؛ به این ترتیب که خداوند را از اینکه چیزی برابر با او یا بالاتر از او باشد منزه بدانیم؛ بنابراین چیزی نیست که شریک یا غالب بر او باشد و هیچ نقصی وجود ندارد که بر او عارض شده و هیچ وصفی نیست که او را محدود سازد (20 / 80).

صدرالمتألهین در تبیین فلسفه تکرار تکبیر، وظیفه گوینده تکبیر می داند که با گفتن این ذکر به سوی خدا بازگشته و هر آنچه غیر اوست را رها کند؛ اما نفس به خاطر مشغول شدن به دنیا، نیازمند تکرار این ذکر است تا معنای الوهیتی که جامع همه اسماء و صفات است در آینه جان آدمی نقش بسته و تثبیت شود تفسیر، 7 / 231 - 232). در تبیین برتری تکبیر بر تحمید و تسبیح، در سخنی از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است که تسبیح، نیمی از میزان، و حمد، تمام میزان را پر

خواهد کرد؛ و تکبیر، مابین آسمان و زمین را پُر خواهد ساخت (کلینی، 2 / 506). از امام سجاد علیه السلام روایتی است که گفتن صد بار تکبیر، پیش از پنهان شدن قرص خورشید، از آزاد کردن صد بنده بهتر است (ابن طاووس، 222).

2. الحمد لله

واژه شناسان، حمد را نقیضِ ذم و اعم از شکر دانسته اند (فراهیدی، 3 / 188؛ جوهری، 2 / 266؛ ابن منظور، 3 / 155). آنان همچنین تحمید را ستایش و حمد مکرر خداوند معنا کرده اند (فیروزآبادی، 1 / 289). «حمد»، ثنا و ستایش کسی است که از روی اختیار، کاری زیبا و قابل ستایش انجام داده باشد؛ اما «مدح» شامل ثنا بر عمل غیر اختیاری نیز می شود؛ مانند مدح کردن کسی به خاطر زیبایی و حُسن وی (عسکری، 202 - 203؛ طباطبائی، 1 / 19). افزون بر این، برخلاف حمد، مدح، شامل موجودات بی جان نیز می شود؛ مانند مدح جواهری زیبا (عسکری، 202). در تفاوت حمد و شکر نیز، گفته شده است که حمد، فقط با زبان و در مقابل نعمت و غیر نعمت است و شکر، فقط در مقابل نعمت است و به صورت غیرزبانی نیز انجام می شود (عسکری، 201 - 202، 301؛ طبرسی، مجمع البیان، 1 / 55)؛ حمد، اختصاص به خداوند دارد اما شکر، درباره غیر خدا نیز به کار می رود (میبدی، 1 / 10). برخی نیز حمد و شکر (طوسی، التبیان، 1 / 31) و حمد و مدح را به یک معنا دانسته اند (زمخشری، 1 / 46؛ عاملی، 1 / 51).

«ال» در الحمد، دربردارنده مفهوم عموم و استغراق است؛ یعنی تمام افراد و انواع حمد، همیشه از آن خداوند است (ر.ک: میبدی، 1 / 10؛ امام خمینی قدس سره آداب الصلاة، 251؛ جوادی آملی، 1 / 330).

خداوند در قرآن کریم، حمد و ستایش را در دنیا و آخرت، مخصوص خود دانسته (قصص، 70) و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می دهد که «الحمد لله» بگوید (نمل، 93)

و ابراهیم علیه السلام به این دلیل که خداوند در هنگام پیری، اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام را به وی عطا نموده است، او را ستایش می کند (ابراهیم، 39). بر اساس برخی از آیه ها، آخرین کلام اهل بهشت که در کمال علم و معرفت، بر زبان جاری می کنند، حمد خداوند خواهد بود (یونس، 10؛ طباطبائی، 18/ 10). امام صادق علیه السلام نیز، تمام شکر را گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» دانسته است (کلینی، 95/ 2) و برای به جا آوردن حق شکر خداوند، از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بهره جسته است (کلینی، 97/ 2).

3. سبحان الله

ترکیب کلمه «سبحان الله»، نه بار در قرآن کریم آمده است (یوسف، 108؛ انبیاء، 22؛ مؤمنون، 91؛ نمل، 18 قصص، 68؛ روم، 17؛ صافات، 159؛ طور، 43؛ حشر، 23). برخی از مفسران «سبحان» را اسم مصدر (طوسی، التبیان، 6 / 444؛ فخررازی، 28 / 267؛ طباطبائی، 13 / 7) و برخی دیگر آن را مصدر دانسته اند (راغب اصفهانی، 2393؛ ابوالفتوح رازی، 18 / 246؛ طریحی، 2 / 321). «سبحان الله» یعنی منزه میدانم خداوند را از هر آن چیزی که شایسته ساحت قدسی او نباشد (طباطبائی، 13 / 7؛ سبزواری، مواهب الرحمن، 1 / 406). از حضرت علی علیه السلام در تفسیر آن نقل شده است که «سبحان الله» بزرگداشت خداوند و منزه دانستن اوست از آنچه که مشرکان درباره او می گویند و هر کس این ذکر را بگوید، تمام فرشتگان بر او درود می فرستند صدوق، التوحید، 312؛ مجلسی، 40 / 121). امام صادق علیه السلام نیز، آن را سبک ترین ذکر بر زبان و بلیغ ترین آن دانسته است (کلینی، 3 / 329). در خصوص ارتباط این سه ذکر با یکدیگر، نکاتی از سوی دین پژوهان ارائه شده است. برخی معتقدند که تحمید و تسبیح را می توان به جای یکدیگر به کار برد؛ زیرا صفات ثبوتیه و سلبيه در خارج، لازم و ملزوم یکدیگرند؛ برای مثال: نفي جهل همراه با اثبات علم و اثبات علم همراه با نفي جهل است؛ بنابراین گاهی به تناسب لازم، وصفی با تسبیح

سازگار می شود و گاه همان وصف به تناسب ملزوم، با تحمید سازگاری می یابد (مکارم شیرازی، 12 / 332)؛ ولی علامه طباطبائی، در تبیین مقارن بودن تسبیح و تحمید، بر این باور است که هر موجودی، فقط می تواند خداوند را به اندازه وسعت فهم و ادراک خود و میزان احاطه بر صفات او ستایش کند؛ بنابراین با چنین حمدی، خداوند را محدود به حدود آن وصف هایی نموده است که خود ادراک می کند؛ در حالی که خداوند محدود به هیچ حدی نیست؛ و چنین تحمیدی نیازمند تسبیح است. بنابراین خداوند ستایش هر ستایشگری را به تسبیح باز می گرداند: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ»؛ از این رو ادب بندگی اقتضا می کند که پروردگار با ثنائی ستوده شود که خود را با آن ستوده است (1 / 20 - 21). همچنین علامه طباطبائی در تفسیر آیه 3 سوره مدثر، در بیان فرقی تکبیر با تسبیح، به این نکته اشاره می کند که تسبیح، تنزیه خداوند از هر وصف عدمی مانند عجز و جهل است که بیانگر نقص می باشد؛ ولی تکبیر، تنزیه مطلق خداوند از هر توصیفی، خواه وجودی و خواه عدمی است؛ زیرا هر وصف وجودی که به خداوند نسبت داده می شود، دارای مفهوم خاص خود بوده و به حدود مفاهیم دیگر وارد نمی شود؛ در حالی که هیچ حدی بر خداوند احاطه نمی کند؛ بنابراین با تکبیر، خداوند از هر توصیفی تنزیه می شود (20 / 180 ر.ک: مکارم شیرازی، 25 / 211 - 212). این مبنای، با توجه به مفاد برخی از روایتهای نیز مورد تأیید قرار می گیرد؛ در این روایات تکبیر، به فراتر بودن خداوند از هرگونه توصیف تفسیر شده است (ر.ک: کلینی، 1 / 117 - 118). در نگاهی کلی به نظر می رسد که بازگشت تکبیر و تحمید به تسبیح - به معنای عام آن - موجب شده است که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام با وجود در برداشتن سه ذکر تکبیر، تحمید و تسبیح، تنها به نام تسبیح خوانده شود.

ترتیب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در منابع شیعه و اهل سنت، به شکل‌های مختلفی گزارش شده است. احمد بن حنبل، از نخستین روایان اهل سنت، گزارش کاملی را از این تسبیح نقل کرده است. در نقل او ترتیب تسبیح، این گونه است: 33 بار «سبحان الله»، 33 بار «الحمد لله» و 34 بار «الله اکبر» (1 / 107، 153). بخاری نیز، پس از وی با همین ترتیب و شمارش، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را ذکر کرده است (ر.ک: 6 / 192 - 193) که در منابع مختلف دیگر نیز، به آن تصریح شده است (ر.ک: ابوداؤد سجستانی، 2 / 489؛ حاکم نیشابوری، 3 / 152؛ بیهقی، 7 / 293). مسلم نیشابوری، ترتیب دیگری را بازگو کرده است که در آن تکبیر بر تسبیح و تحمید مقدم شده (8 / 84) و در برخی منابع دیگر به آن تصریح شده است (ر.ک: عینی، 22 / 288؛ سیوطی، 6 / 74). طبرانی ترتیب دیگری را نیز گزارش کرده است که در آن، تکبیر را بر تحمید و تسبیح مقدم نموده است؛ اما برخلاف دیگران، به جای تکبیر، تحمید را 34 بار نقل کرده (3 / 296؛ ر.ک: هیشمی، 10 / 121) و در گزارش دیگری، ترتیب 33 بار تسبیح، 33 بار تکبیر و 34 بار تحمید نقل شده است (زرنندی، 193؛ هیشمی، 10 / 122). عینی، به نقلی اشاره کرده است که در آن، هر سه ذکر 33 بار تکرار می شود (22 / 288). ابن حجر عسقلانی نیز، ضمن جمع بندی این بحث، گزارش جامعی را از نقل‌های مختلف تسبیح و اختلافات آنها بیان کرده است (ر.ک: 11 / 103 - 107).

از جمله نخستین منابع شیعی که در آن، به ترتیب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام تصریح شده، الکافی، اثر کلینی، از محدثین قرن چهارم است که به نقل از امام صادق علیه السلام، تسبیح حضرت علیها السلام را با 34 بار تکبیر، 33 بار حمد و 33 مرتبه تسبیح گزارش نموده است (2 / 536). علامه حلی نیز، این ترتیب را نظر مشهور در نزد شیعه

دانسته است (تذکره الفقهاء، 3 / 266؛ مختلف الشیعه، 2 / 182 - 183). همچنین وسائل الشیعه باب مستقلی را با عنوان «چگونگی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام» ارائه و احادیثی را در آن بازگو کرده و بر نظر مشهور تأکید می کند (ر.ک: حر عاملی، 6 / 443 - 447). در برخی از منابع شیعی مانند علل الشرایع، گزارشی وجود دارد که موافق دیدگاه مشهور اهل سنت است و در آن تسبیح بر تحمید، و آن دو بر تکبیر، مقدم گردیده اند (صدوق، 2 / 366)، گرچه شیخ صدوق در اثر دیگر خود، تکبیر را مقدم ذکر کرده است؛ اما در عین حال باز تسبیح را پیش از تحمید، دانسته است که مطابق دیدگاه اهل سنت است (من لا یحضره الفقیه، 1 / 321). دیدگاه دوم صدوق، به پدر وی و ابن جنید نیز نسبت داده شده است (مازندرانی، 10 / 355 - 356). البته این ترتیب در تسبیح، مورد پذیرش دانشمندان شیعه قرار نگرفته و در توجیه روایت نقل شده در من لا یحضره الفقیه، از دیرباز مطالب مختلفی از دانشمندان و محدثان شیعی گزارش شده است؛ از جمله اولین منابع شیعی که در این خصوص مطالبی در آن ذکر شده، مختلف الشیعه، علامه حلی است؛ از نگاه وی در این روایت، هیچ تصریحی مبنی بر تقدیم تسبیح بر تحمید وجود ندارد و تنها دلیل، تقدیم در ذکر و عطف به «واو» است که هیچ کدام دلالت بر ترتیب نمی کنند (2 / 185). شیخ بهائی نیز، در مفتاح الفلاح به این نکات اشاره کرده و بر این باور است که اگرچه ظاهر تقدیم لفظی تسبیح بر تحمید در این روایت، اقتضای ترتیب دارد؛ ولی روایتهای معارض - که تحمید را مقدم بر تسبیح نموده اند - از نظر سند، بر این روایت ترجیح دارند. وی در ادامه، احتمال تفصیل در تسبیح پس از نماز و تسبیح هنگام خواب را رد کرده و مدعی است که کسی را که قائل به تفصیل در تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام باشد نیافته است؛ یعنی بعد از نمازهای واجب، تحمید را بر تسبیح مقدم داشته و در تسبیح هنگام خواب، تسبیح را بر تحمید مقدم دارد. افزون بر این

وی وجود چنین تفصیلی را مخالف اجماع مرگب برشمرده و آن را تأسیس قول سوم دانسته است (217 - 218).

محدث بحرانی، در تکمیل استدلال پیشینان، روایتهایی را که در آن تسبیح بر تحمید مقدم است بر تقیه حمل نموده است (8 / 522 - 523)؛ همچنان که محقق نراقی نیز با استناد به صحیح ابن عذافر و ذکر واژه «ثم» بین تحمید و تسبیح، این حدیث را صریح در مقدم بودن تحمید بر تسبیح دانسته است (5 / 395).

برخی نیز، ضمن نپذیرفتن دلیل های یادشده، برای جمع بین این دو دسته از روایت، راهکار تغییر را ارائه کرده اند (ر.ک: نجفی، 10 / 403 - 404)، مبنی بر اینکه بین تحمید و تسبیح، ترتیبی مطرح نیست و هریک را می توان بر دیگری مقدم داشت؛ گرچه بهتر است تحمید مقدم شود (همدانی، 2 / 397؛ طباطبائی یزدی، 2 / 616؛ خوئی، 4 / 420 - 421). حتی برخی از فقیهان، تأخیر تکبیر را نیز احتمال داده اند (ر.ک: امام خمینی قدس سره آداب الصلاة، 378).

فضیلت و آثار تسبیح

تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در منابع روایی (کلینی، 2 / 500؛ صدوق، معانی الاخبار، 193 - 194؛ حر عاملی، 6 / 441) به عنوان مصداق ذکر کثیر معرفی شده که خداوند، این گونه به آن امر فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» (احزاب، 41)؛ و نیز گزارش شده است که هر کس، یک بار در روز و یک بار در هنگام شب این تسبیح را بخواند، خداوند را به ذکر کثیر یاد کرده است (محدث نوری، 5 / 37). در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که ذکر کثیر موجب دوری از آتش و نفاق است و گوینده چنین ذکری محبوب خداوند خواهد بود (کلینی، 2 / 499 - 500). در برخی از احادیث نیز آمده است که خداوند با هیچ ستایشی برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام، عبادت نشده است و اگر برتر از این ذکری وجود داشت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به دخترش عطا می فرمود (کلینی، 3 / 343؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 2 / 105). امام صادق علیه السلام، تسبیح فاطمه علیها السلام را پس از هر نماز واجب، محبوب تر از هزار رکعت نماز مستحب در هر روز دانسته است (صدوق، ثواب الاعمال، 163).

با توجه به آنکه حقیقت تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بیانگر شناخت عمیق انسان به خداوند، جهان و خود انسان و برتر دانستن خداوند از هر چیز و هیچ دانستن پدیده های دیگر در برابر اوست، اعتقاد و پابندی قلبی و عملی به چنین شناخت و بینشی، به پیدایی سعادت و عبودیتی می انجامد که بنیان آن ربوبیت جهان است (مصباح الشریعه، 7؛ ری شهری، 3 / 1798). در برخی از روایتها نیز بر این امر تأکید شده که چنانچه انسان خداوند را آن گونه که شایسته است بشناسد، کوهها در برابر او متلاشی می شوند (ابن ابی جمهور احسانی، 4 / 132؛ مناوی، 4 / 685)؛ از این رو می توان به فهم روشن تری از فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله دست یافت که این تسبیح را برتر از خادم و یا بنا بر روایتی، برتر از همه دنیا معرفی نمود؛ بنابراین همان گونه که در روایتهای فراوانی آمده است باید گفت که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام، موجب تسهیل در زندگی دنیوی و اخروی و رفع مشکلات خواهد بود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که گفتن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام، پس از نمازهای واجب موجب می شود که خداوند، بهشت را بر گوینده تسبیح واجب نموده (ابن طاووس، 165؛ مجلسی، 82 / 332)، و او را مورد بخشش قرار دهد (کلینی، 3 / 342) و چنین شخصی هیچ گاه دچار شقاوت نخواهد شد. حضرت علیها السلام در کلامی دیگر توصیه فرمود که به کودکان - مانند یاد دادن نماز - تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام نیز آموخته شده و آنها به ذکر تسبیح تشویق شوند (کلینی، 3 / 343؛ صدوق، ثواب الاعمال، 163). در گفتاری از امام باقر علیه السلام نیز آمده است که هرکس پس از این تسبیح استغفار نماید

بخشیده شده و موجب دوری شیطان و رضایت خداوند رحمان خواهد بود (صدوق، ثواب الاعمال، 163). به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله، گوینده چنین تسبیحی هرگز ناامید نخواهد شد (ترمذی، 5 / 144؛ طوسی، الامالی، 402)؛ همچنین ذکر تسبیح فاطمه علیها السلام در هنگام خواب، به همراه دعایی دیگر، موجب پیشگیری از ترس در زمان خواب خواهد شد (کلینی، 2 / 536 - 537). در روایتی آمده است که مداومت بر این تسبیح نیز، باعث پیشگیری و رفع سنگینی گوش می شود (طبرسی، مشکاة الانوار، 483؛ همدانی 2 / 397)؛ همچنین اگر کسی تسبیح را به همراه آیه الكرسي بخواند، دارایی او تا صبح، از هر آسیبی در امان خواهد ماند (طبرسی، مکارم الاخلاق، 255؛ حر عاملی، 11 / 395).

موارد استحباب تسبیح

چنان که اشاره شد از جمله موارد استحباب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام که بر آن تأکید شده، هنگام خواب (احمدبن حنبل، 1 / 136؛ مسلم نیشابوری، 8 / 84؛ کلینی، 2 / 536)، و پس از نمازهای واجب است (کلینی، 3 / 342؛ صدوق، ثواب الاعمال، 163 - 164؛ بحرانی، 8 / 508). طبق نظر برخی از فقیهان، به ویژه طباطبائی یزدی در العروة الوثقی و نیز بسیاری از فقیهان معاصر که به آن حاشیه زده اند، استحباب تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام اختصاصی به نمازهای واجب نداشته و پس از هر نمازی استحباب دارد و حتی گفتن آن به تنهایی و بدون آنکه در تعقیب نماز باشد نیز، مستحب است (2 / 616). در تأیید این دیدگاه می توان به برخی از روایتها اشاره نمود که در آن به، مستحب بودن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در بعضی از نمازهای مستحبی و زیارت نامه ها تأکید شده است (ر.ک: طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 63، حر عاملی، 8 / 29؛ مجلسی، 99 / 266).

احکام و شرایط تسبیح

تسبیحی که پس از نماز واجب خوانده شده و فضیلت بسیار دارد، باید به نماز متصل بوده و نمازگزار از حالت نماز خارج نشده باشد

(ر.ک: صدوق، الهدایه، 141؛ علامه حلی، تذکر الفقهاء، 3 / 267)؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام تسبیحش را به نماز متصل نموده (کلینی، 3 / 342؛ محقق حلی، 2 / 250) و سفارش می فرمود که تحمید به تکبیر و تسبیح به تحمید متصل شده و در میان آنها فاصله ای ایجاد نشود (مغربی، 1 / 168؛ ابن طاووس، 135؛ مجلسی، 83 / 6). همچنین مستحب است که پس از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام یک بار ذکر «لا اله الا الله» گفته شود (سبزواری، ذخیره المعاد، 1 / 296؛ نجفی، 10 / 396). از جمله احکام فقهی مربوط به تسبیح حضرت زهرا علیها السلام این است که چنانچه کسی در تعداد تکبیر یا تسبیح یا تحمید گفته شده، شک کند، در صورتی که شک وی بعد از محل نباشد، بنا را بر اقل می گذارد و در غیر این صورت به شک خود اعتنا نمی کند (همدانی، 2 / 397؛ طباطبائی یزدی، 2 / 616 - 617)؛ همچنین مستحب است که با تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام، این ذکرها شمارش شوند (سبزواری، ذخیره المعاد، 1 / 296؛ نجفی، 10 / 404 - 405؛ طباطبائی یزدی، 2 / 616)؛ زیرا در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که هرکس تسبیحی از تربت حرم امام حسین علیه السلام به همراه داشته باشد از تسبیح کنندگان به شمار می آید؛ هرچند ذکر هم بر زبان جاری نسازد صدوق، (من لا یحضره الفقیه، 1 / 286؛ سبزواری، ذخیره المعاد، 1 / 296؛ بحرانی، 7 / 260). همچنین پاداش تسبیح گفتن با تربت آن حضرت علیه السلام، بالا رفتن چهارصد درجه و برآورده شدن چهارصد حاجت است و به همین تعداد برای گوینده کار نیک نوشته می شود و گناه از نامه اعمال وی پاک خواهد شد (مجلسی، 82 / 341).

شیخ صدوق با استناد به اینکه انگشتان دست، در روز قیامت مورد سؤال قرار می گیرند، شمارش تسبیح با انگشتها را بافضیلت تر از شمارش با تسبیح ساخته شده از غیر تربت امام حسین علیها السلام دانسته است (من لا یحضره الفقیه، 1 / 268)؛ ولی برخی از فقیهان این سخن را نپذیرفته اند (نجفی، 10 / 405).

ابن ابى جمهور احسائي، محمد بن على (م. 940 ق.)، عوالى اللئالى العزيزية في الاحاديث الدينية، تحقيق مجتبى عراقى، قم، مطبعة سيدالشهداء، 1403 ق؛ ابن اثير، مبارك بن محمد (م. 606 ق.)، النهاية في غريب الحديث و الاثر، تحقيق احمد الزاوي، محمود طناحى، قم، انتشارات اسماعيليان، 1364 ش؛ ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. 852 ق.)، فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دارالمعرفة؛ ابن طاووس، سيد على بن موسى (م. 664 ق.)، فلاح السائل، قم، مكتب الاعلام الاسلامى؛ ابن عربى، محمد بن على (م. 638 ق.)، الفتوحات المكية، بيروت، دار صادر؛ ابن قولويه قمى، جعفر بن محمد (م. 368 ق.)، كامل الزيارات، تحقيق جواد قيومى، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ ابوالفتوح رازى، حسين بن على (م. 554 ق.)، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، تحقيق ياحقى، ناصح، مشهد، آستان قدس رضوى، 1375 ش؛ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابى داود، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دار الفكر، 1410 ق؛ احمد بن حنبل، شيبانى (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ امام خمينى قدس سره، سيد روح الله موسوى (م. 1409 ق.)، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره 1370 ش؛ همو، شرح جهل حديث، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى قدس سره؛ بحراني، يوسف بن احمد (م. 1186 ق.)، الحدائق الناضرة، قم، نشر اسلامى؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بهائى، محمد بن حسين (م. 1031 ق.)، مفتاح الفلاح، بيروت، مؤسسة الاعلمى؛ بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ جوادى آملى، عبدالله، تسنيم (تفسير قرآن كريم)، قم، نشر اسراء، 1378 ش؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربيه، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ حر عاملى، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعه، قم، مؤسسة

آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ حویزی، عبدعلی بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيدهاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1412 ق؛ خونى، سيد ابوالقاسم موسوی (م. 1413 ق.)، الصلاة، تحقيق على غروى تبریزی، قم، دار الهادی، 1410 ق؛ دهخدا، على اكبر (م. 1334 ش.) و دیگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، 1373 ش؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، تحقيق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار العلم، 1412 ق؛ ری شهري، محمد، میزان الحکمه، قم، انتشارات دار الحديث، 1375 ش؛ زرندی، محمد بن یوسف (م. 750 ق.)، نظم درر السمطين فى فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطین عليهم السلام، مكتبة الامام اميرالمؤمنین عليه السلام العامة، 1377 ق؛ زمخشری، محمودبن عمر (م. 538 ق.)، الکشاف، بیروت، دارالكتاب العربی، 1407 ق؛ سبزواری، سيدعبدالاعلی (م. 1414 ق.)، مواهب الرحمن في تفسير القرآن، بیروت، مؤسسة اهل البيت عليهم السلام، 1409 ق؛ سبزواری، محمداقرا بن محمد (م. 1090 ق.)، ذخيرة المعاد فى شرح الارشاد، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث؛ سیوطی، جلال الدین (م. 911 ق.)، الדיباج على صحیح مسلم بن الحجاج، تحقيق ابواسحاق جوينی، عربستان، دار ابن عفان، 1416 ق؛ شوکانی، محمد بن علی (م. 1250 ق.)، فتح القدير، عالم الكتب؛ صدرالمتألهين، صدر الدين محمد شیرازی (م. 1050 ق.)، الحکمة المتعالیة في الاسفار العقلية الاربعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1410 ق؛ همو، تفسير القرآن الکریم (تفسير صدرالمتألهين)، تحقيق محمد خواجوى، قم، انتشارات بيدار، 1366 ش؛ صدوق، محمد بن علی (م. 381 ق.)، التوحيد، سيد هاشم حسینی تهرانی، قم، نشر اسلامى؛ همو، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقيق سيد محمد مهدي خراسان، قم، الشريف الرضى، 1368 ش؛ همو، عقلی علل الشرايع، تحقيق سيد محمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، معانی الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ همو، الهدايه، قم، مؤسسه امام هادي عليه السلام، 1418 ق؛ طباطبائی، سيدمحمدحسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طباطبائی يزدي،

سيد محمد كاظم (م. 1337 ق.)، العروة الوثقى، قم، نشر اسلامي، 1423 ق؛ طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبرسي، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضي، 1392 ق؛ طبرسي، علي (م. قرن 7)، مشكاة الانوار في غرر الاخبار، تحقيق مهدي هوشمند، قم، انتشارات دار الحديث، 1418 ق؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق عده ای از محققين، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1415 ق؛ طبري، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقي جميل عطار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، نشر فرهنگ اسلامي، 1408 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق احمد قصير عاملي، مكتب الاعلام الاسلامي، 1409 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1364 ش؛ عاملي، علي بن حسين (م. 1135 ق.)، الوجيز في تفسير القرآن العزيز، تحقيق مالك محمودي، قم، دار القرآن الكريم، 1413 ق؛ عسكري، ابوهلال (م. 395 ق.)، الفروق اللغويه، قم، نشر اسلامي، 1412 ق؛ علامه حلي، حسن بن يوسف (م. 726 ق.)، تذكّر الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ همو، مختلف الشيعة في احكام الشريعة، قم، نشر اسلامي، 1418 ق؛ عيني، محمود بن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القاري، بيروت، دار احياء التراث العربي، فخر رازي، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1420 ق، فراهيدي، خليل بن احمد (م. 175 ق.)، العين، تحقيق مهدي مخزومي، ابراهيم سامرائي، قم، مؤسسة دار الهجرة، 1410 ق؛ فيروز آبادي، محمد بن يعقوب (م. 817 ق.)، القاموس المحيط، تحقيق مرعشلي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1417 ق؛ فيض كاشاني، محسن (م. 1091 ق.)، تفسير الصافي، تهران، انتشارات صدر، 1415 ق؛ قرطبي، محمد بن احمد (م. 671 ق.)، الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي)، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1405 ق؛ قمي، علي بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمي، تحقيق سيد طيب موسوي

جزائري، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1363 ش؛ مازندراني، محمد صالح (م. 1081 ق.)، شرح اصول الكافي، تحقيق سيدعلي عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1421 ق؛ مجلسي، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ محدث نوري، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ محقق حلي، جعفر بن حسن (م. 676 ق.)، المعتبر في شرح المختصر، قم، مؤسسه سيدالشهداء عليه السلام، 1364 ش؛ مسلم نيشابوري، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مصباح الشريعه، المنسوب للامام الصادق عليه السلام، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1400 ق؛ معين، محمد (م. 1350 ش.)، فرهنگ فارسي، تهران، انتشارات اميركبير، 1376 ش؛ مغربي، قاضي نعمان بن محمد تميمي (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضي، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، المزار (مناسك المزار)، تحقيق سيد محمد باقر ابطحي، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ مكارم شيرازي، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1374 ش؛ مناوي، محمد بن علي (م. 1031 ق.)، فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ ميدي، رشيدالدين احمد بن ابى سعد (م. 520 ق.)، كشف الاسرار و عدة الابار (تفسير خواجه عبدالله انصاري)، تحقيق علي اصغر حكمت، تهران، انتشارات اميركبير، 1371 ش؛ نجفي، محمد حسن (م. 1266 ق.)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تحقيق قوچاني، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1366 ش؛ نحاس، احمد بن محمد (م. 338 ق.)، اعراب القرآن، تحقيق خليل ابراهيم، بيروت، دارالكتب العلمية، 1421 ق؛ نراقي، احمد بن محمد مهدي (م. 1245 ق.)، مستند الشيعة في احكام الشريعه، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1419 ق؛ همداني، حاج آقا رضا (م. 1322 ق.)، مصباح الفقيه، تهران، مكتبة الصدر؛ هيثمي، علي بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1408 ق.

اكبر زراعتيان

ص: 128

وساطت فاطمه علیها السلام در نزد خداوند برای نجات محبتانش.

شفاعت از ریشه «شفع» (فراهیدی، 1/ 260)، در لغت به معنای پیوستن به دیگری به منظور کمک به اوست (زبیدی، 11/ 248؛ قرشی، 1/ 132). شفاعت بیشتر در مواردی به کار می رود که کسی برای کمک به شخصی، از فردی دیگر حاجتی درخواست کند (ر.ک: ابن فارس، 3/ 201؛ سیدمرتضی، 2/ 273؛ راغب اصفهانی، 263؛ ابن منظور، 8/ 184). شفاعت در اصطلاح، وساطت شفاعت کننده نزد خداوند است، برای رساندن رحمتش به برخی بندگان (ر.ک: طباطبائی، المیزان، 1/ 159). درباره اینکه رحمت خواسته شده، بخشایش گناه شفاعت شونده است یا ترفیع مقام او، تفسیرهای مختلفی وجود دارد (ر.ک: سیدمرتضی، 1/ 150، 3/ 17؛ طوسی، الاقتصاد الهادی، 126 - 129؛ تفتازانی، 2/ 239 - 240).

از واژه های مرتبط با شفاعت، واژه توسل است که در لغت به معنای وسیله جستن و نزدیک شدن است (فراهیدی، 7/ 298؛ جوهری، 5/ 1841؛ ابن منظور، 11/ 724؛ مصطفوی، 13/ 108). در شفاعت، شفاعتگر ممکن است بدون درخواست شفاعت شونده یا در پی درخواست و ابراز نیاز وی، شفاعت کند، اما در توسل، همواره حرکت از سوی شخص توسل کننده آغاز می شود و او، فرد یا چیزی را که به آن توسل جسته است، در آستان الهی واسطه قرار می دهد.

در ادیان توحیدی، در فرایند نجات، علاوه بر توبه و ایمان و عمل صالح، از وساطت اشخاص و اشیایی بهره برده می شود که نزد خدا منزلتی ویژه دارند. از این جریان، در متون دینی با عنوان شفاعت یاد شده است.

در آموزه مسیحی رایج در کلیساها، سرشت انسان به سبب گناه پدر (آدم) آلوده است (کتاب مقدس، رومیان 12/5 - 19؛ افسسیان 2/3) و این آلودگی آن چنان عظیم است که انسان خود قادر به نجات و رهایی از آثار گناه نیست و چاره ای جز دخالت مستقیم خدا وجود ندارد. خداوند برای نجات انسان، فرزند خویش را به شکل بشری فرستاد تا با مرگ خویش، انسان را از آثار گناه ذاتی نجات دهد و شفاعت و فرونشاندن خشم خدا و مصالحه انسان با او را فراهم آورد (کتاب مقدس، عبرانیان 12/9؛ دوم قرنتیان 19/5؛ رومیان 23/3 - 25؛ 8/11 - 10/6 - 1/2؛ نامه اول یوحنا 2/1 - 2/4؛ اعمال 12/4؛ عبدالملک، 513). انسان فقط با کمک روح القدس می تواند مشمول این رستگاری شود و آسان ترین راه، واسطه گری کلیسا و مراسم بخشش است که در آن، روح القدس شفا و بخشش مسیح را از طریق کلیسا و بخشش کشیش، پس از اعتراف گناهکار و توبه او، به وی منتقل می کند (ر.ک: کتاب مقدس، یوحنا 20/22 - 23؛ نامه یعقوب 14/5 - 16؛ محمدیان، 456 - 459). چنین باوری برای بسیاری از ارباب کلیسا زمینه سوء استفاده های فراوان و کسب منافع غیرقانونی را فراهم کرد. کلیسای رسمی کاتولیک در برابر این استفاده های نابجا، تنها به اظهار تأسف بسنده کرده است، اما همچنان بر عقیده واسطه گری خویش پافشاری می کند (محمدیان، 460).

در قرآن کریم به شفاعت، به عنوان یکی از راههای نجات، توجه ویژه شده و حدود سی بار ماده شفاعت و کلمات مترادف با آن به کار رفته که بیانگر اهمیت این موضوع در قرآن است. بسیاری از مطالب مطرح شده در قرآن درباره نجات، نوعی پاسخ به عقاید و افکار انحرافی درباره شفاعت کننده و شفاعت شونده و شرایط شفاعت است (ر.ک: مریم، 87؛ انبیاء، 28؛ زخرف، 186 ر.ک: سبحانی، منشور جاوید، 48/8). مخاطب این پاسخهای قرآنی چند دسته اند: مشرکان و بت پرستان، که

بتهایشان را شفیع خود نزد خدا می پنداشتند (ر.ک: انعام، 94؛ یونس، 18)؛ بنی اسرائیل (مسیحیان و یهودیان)، که خود را چون فرزندان خدا، گروهی ممتاز می دانستند و برخورداری از نجات را برای خود تضمین شده می دیدند (ر.ک: بقره، 47 - 48؛ مائده، 18؛ ثعالبی، 1 / 234؛ طباطبائی، المیزان، 5 / 249)؛ مسیحیانی که فدیه شدن مسیح را اقدامی از جانب خدا برای نجات انسانها می دانستند (ر.ک: طباطبائی، المیزان، 3 / 291 - 304)؛ و یهودیانی که برای کفاره گناه، قربانی کردن را کافی می پنداشتند (بقره، 48؛ ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر، 1 / 221 - 222).

در روایات اهل بیت علیهم السلام، درباره شفاعت، به طور گسترده بحث، و آموزه های فراوانی در این باره مطرح شده است، از جمله زمان شفاعت، گناهان مشمول شفاعت، و ویژگیهای شفاعت شونده و شفاعت کننده (ر.ک: مجلسی، 8 / 29 - 63). آنچه در روایات اهل بیت علیهم السلام بیش از همه برجسته شده، جایگاه اهل بیت و ائمه علیهم السلام در شفاعت و نقش ارتباط با ایشان و محبت داشتن به آنان در شفاعت است، که با تفکر شیعی درباره امامت و حاکمیت کاملاً هماهنگ است؛ از این رو، در برخی روایات، اعتقاد به شفاعت اهل بیت علیهم السلام از نشانه های شیعه شمرده شده است (صدوق، الامالی، 370؛ مجلسی، 8 / 37).

شفاعت کنندگی حضرت فاطمه علیها السلام

در روایات فراوانی آمده که حضرت فاطمه علیها السلام، همچون دیگر اهل بیت علیهم السلام، از مقام شفاعت برخوردار است و در قیامت برای بسیاری از افراد شفاعت می کند. در روایتی، نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به فاطمه علیها السلام فرموده است: «مژده باد تو را که نزد خداوند مقام محمود (جایگاه ستوده) داری که با آن برای دوستان و شیعیان شفاعت می کنی» (کراجکی، 63 - 64؛ مجلسی، 73 / 355). در روایتی از امام باقر علیه السلام، به نقل از جابر بن عبدالله انصاری، آمده است که

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «روز قیامت بعد از آنکه خدای متعال به فاطمه علیها السلام می فرماید: از من بخواه تا عطا شود و شفاعت کن تا شفاعتت پذیرفته شود. فاطمه علیها السلام می گوید: ای خدا و سرورم! ذریه ام و شیعیانم و شیعیان ذریه ام و دوستانان من و ذریه ام. در این هنگام ندایی از جانب خداوند می آید که کجایند ذریه فاطمه و شیعیان و دوستانان او و ذریه اش؟ در این هنگام آنان روی می آورند، در حالی که فرشتگان رحمت، ایشان را در بر گرفته اند و فاطمه علیها السلام در پیشاپیش به راه می افتد تا آنان را به بهشت وارد کند» (صدوق، الامالی، 69 - 70؛ مجلسی، 219 / 43 - 220).

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت، مقابل در جهنم می ایستد و فردی را مشاهده می کند که محب اهل بیت علیهم السلام است و به سوی جهنم می رود. به خداوند عرض می کند: «مرا فاطمه نام نهادی و به واسطه من دوستانان من و فرزندانم را از آتش گرفتی و وعده تو حق است و هیچ گاه خلف وعده نمی کنی.» خداوند متعال نیز سخن او را تأیید می کند و می فرماید: «من به این بنده دستور دادم به سوی جهنم بروم تا تو در حقش شفاعت کنی و من شفاعتت را بپذیرم تا برای ملائکه و انبیا و رسولان و اهل قیامت، مقام و جایگاهت نزد من آشکار شود. پس هرکس که بر پیشانی اش خواندی که مؤمن است، دستش را می گیرم و او را به بهشت می برم» (صدوق، علل الشرایع، 179 / 1؛ اربلی، 91 / 2 - 92؛ مجلسی، 50 / 8 - 51: 14 / 43 - 15).

تفسیرهای شفاعت

همه فرقه های اسلامی درباره اصل شفاعت متفق اند (ر.ک: مفید، اوائل المقالات، 47؛ قاضی عبدالجبار اسدآبادی، 6، 88؛ فخر رازی، 3 / 55 - 56؛ علامه حلی، 564؛ جرجانی، 312 / 8)، اما در تفسیر و تبیین آن و نیز ویژگیهای شفاعت کنندگان و شفاعت شوندگان و غیر آن اختلاف نظر دارند.

آنان شفاعت را به دو گونه اصلی تقسیم می کنند: شفاعت به معنای وساطت در قیامت برای تفضل الهی و بخشش گناهان و به حداکثر رساندن ثواب در آخرت، بدون بالابردن درجه معنوی شخص؛ و شفاعت به معنای رهبری انسانها در دنیا برای پیمودن مسیر کمال و سعادت یا شقاوت و گمراهی، که در آخرت همین نوع از شفاعت در قالب راهبری پیروان به سوی بهشت یا جهنم تجسم می یابد (مطهری، 1/ 250).

بیشتر مباحث و اختلاف دیدگاهها و اشکالات، در نوع اول است، ولی نوع دوم اشکال جدی ندارد (مطهری، 1/ 254)، حتی برخی به سبب ناتوانی در پاسخ به اشکالات مطرح شده درباره شفاعت به معنای تفضل و مغفرت، آن را تنها وجه صحیح شفاعت دانسته اند (طنطاوی، 1/ 64). به هر حال، با استفاده از برخی آیات، شفاعت به معنای رهبری و وساطت در گمراهی با هدایت را می توان اثبات کرد (ر.ک: مطهری، 1/ 251). از آن جمله است آیه 71 سوره اسراء که در آن از خواننده شدن همه انسانها با پیشوایانشان در قیامت سخن گفته شده است، و طبق آن، قوم فرعون توسط او به جهنم برده می شوند (هود، 98)، ولی باید توجه داشت که همه آیات و روایات راجع به شفاعت، منحصر به شفاعت به معنای رهبری نیستند (ر.ک: نجم، 26؛ ابن ماجه قزوینی، 2/ 1441؛ ترمذی، 4/ 45؛ 5/ 238؛ طباطبائی، المیزان، 1/ 168).

در روایات راجع به مقام شفاعت حضرت زهرا علیها السلام، شفاعت به معنای در خواست مغفرت به روشنی پیداست، همچنان که بر اساس آنچه در خطبه آن حضرت علیها السلام آمده است، اهل بیت علیهم السلام وسیله ای برای هدایت و رسیدن به خداوندند (طبری امامی، 113 - 114؛ ابن ابی الحدید، 16/ 211).

از این رو، همه علمای شیعه (مفید، اوائل المقالات، 47؛ طوسی، الاقتصاد الهادی، 126؛

علامه حلی، 564 - 566) و بیشتر علمای اهل سنت (اشعری، 274؛ نسفی، 1 / 42؛ تفتازانی، 2 / 239)، در کنار شفاعت به معنای رهبری، شفاعت به معنای درخواست مغفرت و تفضل را نیز مطرح کرده اند. آنان معتقدند که در قیامت، پیامبران و اولیای الهی برای آمرزش افراد گناهکار، شفاعت می کنند و خداوند نیز شفاعت آنان را، در صورتی که گناهکاران شایستگی آن را داشته باشند، می پذیرد. تعدادی از اهل سنت، با برخی استدلالهای نقلی و عقلی، شفاعت به معنای مغفرت و تفضل را، آن گونه که امامیه تفسیر می کنند، نمی پذیرند (تفتازانی، 2 / 239). به باور وعیدیه (از معتزله و خوارج)، شفاعتی که در قیامت رخ می دهد، به معنای درخواست عفو برای گناهکارانی که بدون توبه از دنیا رفته اند، نیست، بلکه به معنای درخواست ترفیع درجه برای مؤمنانی است که یا گناهی نکرده یا پیش از مرگ توبه کرده اند، در غیر این صورت انسان هیچ گاه از جهنم رهایی نمی یابد (قاضی عبدالجبار اسدآبادی، 463 - 466). از همان آغاز، بسیاری از اندیشمندان شیعی و اشعری، این نظر را نقد کرده اند. یکی از بیشترین انتقادات و پاسخ به دلایل معتزله، در التفسیر الکبیر فخر رازی آمده است (ر.ک: 3 / 56 - 66).

فلسفه و آثار شفاعت

فلسفه و آثار شفاعت از یک سو به فرد شفاعت شده و از سوی دیگر به محل و زمان شفاعت بستگی دارد. با توجه به دو معنای شفاعت (رهبری و مغفرت)، آثار آن نیز متفاوت است.

در دنیا انسان به اولیای الهی توسل می جوید و آنان را شفیع قرار می دهد و با وساطت و شفاعت ایشان، حاجات مادی و معنوی او برآورده می شود و بر رشد و تکامل و تقرب وی افزوده می گردد. شفاعت برای مغفرت، امید را در گناهکاران زنده نگه می دارد و آنان را از ناامیدی و ارتکاب گناهان بزرگتر باز می دارد، بدون

در سیره حضرت فاطمه علیها السلام به همین بُعد تربیتی شفاعت توجه شده است. در برخی روایات آمده است که آن حضرت علیها السلام به فردی که به سبب سرپیچی از برخی دستوره‌های اهل بیت علیهم السلام خود را خارج از گروه شیعیان و مستحق خلود در آتش جهنم می‌دید، نوید داد که دوستان اهل بیت علیهم السلام - که پیروی کامل از ایشان ندارند - سرانجام، با کمک اهل بیت علیهم السلام از عذاب جهنم رهایی می‌یابند (ر.ک: تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 308؛ مجلسی، 65 / 155). چنین نویدی طبیعتاً خطاکاران را از نومی‌دی خارج می‌کند. از دیگر آثار مهم آن، این است که امید به شفاعت، رابطه معنوی با اولیای الهی را پایدار می‌سازد؛ رابطه‌ای که مستلزم به دست آوردن صفات نیکو و انجام دادن واجبات و ترک محرمات و دوری از رذایل است (روحانی، 31).

در مواقع قیامت نیز شفاعت مایه بخشایش گناهان، جلوگیری از عذاب، و ورود به بهشت می‌گردد، از جمله برای کمک به گذر فرد گنهکار از پل صراط؛ سنگین شدن کفه نیکیه‌ها در میزان، برای کسانی که بدون شفاعت نه مستحق دوزخند نه بهشت؛ آسان شدن حسابرسی در مرحله محاسبه اعمال؛ و سرانجام، پس از ورود به جهنم، برای رهایی از عذاب آن. برای کسانی که در بهشت جای دارند، ولی مرتبه یا پاداش آنان محدود است، شفاعت باعث افزایش مقام و منزلت و پاداش ایشان می‌شود (ربانی گلپایگانی، 377). حدیثی از حضرت زهرا علیها السلام نیز شاهد این مطلب است. آن حضرت علیها السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: «روز هولناک قیامت، شما را کجا ملاقات کنم؟» رسول اعظم صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود: «جلوی در بهشت، در حالی که "لوی حمد" با من است و من شفیع امتم به درگاه پروردگار هستم.» فاطمه علیها السلام پرسید: «پدر جان اگر آنجا تو را ندیدم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کنار حوض

ملاقات کن، در حالی که من اتم را سیراب می کنم.» فاطمه علیها السلام گفت: «اگر آنجا تو را ندیدم؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بر صراط به دیدارم بیا که من ایستاده ام و می گویم: پروردگار من! اتم را به سلامت دار.» فاطمه علیها السلام گفت: «اگر آنجا تو را ندیدم چه؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کنار پرتگاه جهنم به دیدارم بیا، در حالی که زبانه و شعله آن را از اتم باز می دارم.» فاطمه علیها السلام چون این را شنید، خوشحال شد (صدوق، الامالی، 350؛ مجلسی، 8/ 35: 21/ 43).

حکمت دیگر شفاعت، اظهار کرامت و آشکار شدن مقام ارجمند شفاعت کنندگان در آستان الهی برای انسانهاست (سبحانی، منشور جاوید، 8/ 75 - 76)، چنان که درباره شفاعت حضرت فاطمه علیها السلام آمده است که خداوند متعال در روز قیامت خطاب به آن حضرت علیها السلام می فرماید: «من به این بنده ام فرمان رفتن به سوی آتش داده ام تا تو شفاعت کنی و شفاعت را بپذیرم، تا برای فرشتگان و پیامبران و رسولانم و اهل قیامت، جایگاهت نزد من آشکار گردد» (صدوق، علل الشرایع، 1/ 179). در حدیثی دیگر آمده است که پس از شفاعت حضرت زهرا علیها السلام برای شیعیان، آنان خواهند گفت: «پروردگارا، دوست داریم که ارزش ما در چنین روزی شناخته شود.» خداوند می فرماید: «ای دوستان من، برگردید و بنگرید چه کسی شما را برای محبت فاطمه دوست داشته، چه کسی برای محبت فاطمه اطعام کرده است ... دستش را بگیرد و او را به بهشت در آورد» (فرات کوفی، 298 - 299؛ مجلسی، 8/ 52).

زمان شفاعت

از مجموع آیات و روایات، چنین برداشت می شود که شفاعت به معنای درخواست برای ترفیع درجات با هدایت و رهبری و اجابت دعا، در دنیا نیز وجود دارد. چنان که در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام، از خداوند متعال

درخواست شده که اولیای خدا در درگاه الهی برای برآورده شدن حاجت شفاعت کنند (مجلسی، 97 / 201) و حضرت علیها السلام در تعقیبات نماز عصر از خدا خواسته که به حق آنان، از او رونگرداند و توبه اش را بپذیرد و گناهانش را بیامرزد ابن طاووس، 204؛ مجلسی، 83 / 86). اما شفاعت به معنای مغفرت، مربوط به آخرت و موافق آن است (طباطبائی، المیزان، 1 / 173). در حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام از موافق گوناگون شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله (مانند هنگام میزان و محاسبه اعمال، بر پل صراط، باب بهشت و کنار جهنم) نام برده شده است (صدوق، الامالی، 350). بر اساس احادیث دیگر، از جمله آنچه از حضرت زهرا علیها السلام درباره دوستان اهل بیت علیهم السلام گفته شد، گروههایی حتی پس از ورود به جهنم، مشمول شفاعت می شوند و از جهنم بیرون می آیند (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 308؛ مجلسی، 65 / 155). به باور برخی اندیشمندان، تأثیر شفاعت به معنای مغفرت، در آخرین مرحله قیامت رخ می دهد که از ورود به آتش جلوگیری می کند یا باعث خروج از آن می شود، ولی معلوم نیست که شفاعت درباره دیگر مشکلات، روز قیامت یا هنگام مرگ اثری داشته باشد (طباطبائی، المیزان، 1 / 173). بنابراین، حاضر شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بر بالین مؤمنان هنگام مرگ و سؤال قبر و کمک به آنان در سختیها، مربوط به شفاعت نیست، بلکه از قبیل تصرفاتی است که به اذن خدا انجام میدهند (طباطبائی، المیزان، 1 / 174).

شفاعت کنندگان

با توجه به اینکه شفاعت حقیقی از آن خداوند متعال است (ر.ک: زمر، 44) و این جریان فیض برای دیگران از طریق نظام خاصی انجام می گیرد (ر.ک: مائده، 35)، شفاعت کنندگان کسانی هستند که خداوند به آنان اذن داده است تا برای دیگران شفاعت کنند (طه، 109) و شناخت آنان تنها از راه مراجعه به آیات و

روایات امکان پذیر است (ر.ک: مطهری، 1 / 259). بر اساس آموزه های قرآنی، بخشی از اذن یافتگان در شفاعت، کسانی هستند که از شایستگی در ذات و گفتار و کردار برخوردارند و خداوند از آنان راضی است (طه، 109؛ ر.ک: طباطبائی، انسان، 175). در برخی آیات، از آنان با عنوان «عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ» یاد شده است (ر.ک: انبیاء، 26 - 28). به گفته مفسران، قرآن از برخی شفاعت کنندگان دنیوی و اخروی نام برده است (ر.ک: طباطبائی، المیزان، 1 / 171 - 173؛ همو، انسان، 183 - 186؛ مکارم شیرازی، پیام قرآن، 6 / 520). در معارف اهل بیت علیهم السلام نیز از بسیاری از شفاعت کنندگان یاد شده است، از جمله در دعاهای حضرت فاطمه علیها السلام.

اسمای الهی، به ویژه اسم اعظم، یکی از وسایل ارتباط با خداست که به واسطه آنها می توان با خدا به راز و نیاز پرداخت و درخواستهای خود را در میان گذاشت. در قرآن کریم آمده است که خداوند اسمای حُسنایی دارد و از مردم خواسته شده است که خدا را با این اسمی بخوانند (اعراف، 180). در احادیث نیز از این موضوع سخن رفته است. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده که خداوند، ذات خود را به نامهایی وصف کرده است و زمانی که مردمان را آفرید و به بندگی گرفت و آزمود، از ایشان خواست که او را با آن نامها بخوانند (کلینی، 1 / 120؛ صدوق، التوحید، 187؛ مجلسی، 4 / 177). در دعای نمازی که حضرت زهرا علیها السلام می خوانده، بعد از توسل به حق و اهل بیت و اسمای حُسنی و عظیم و کتابهای الهی، آمده است: «يَا مَنْ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي يَقْضِي حَاجَةَ كُلِّ طَالِبٍ يَدْعُوهُ بِهِ وَ أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الْإِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ» (ای کسی که بهترین اسم را برای خود برگزیده ای، ای کسی که خود را به نامی نامیده ای که با آن حاجت کسی را که تو را می خواند، برآورده می کنی. به این نام از تو درخواست

می کنم، که شفاعت کننده ای قوی تر از آن وجود ندارد) (طوسی، مصباح المتهجد، 303 - 304). همچنین در دعایی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای برآورده شدن حاجات به فاطمه علیها السلام تعلیم داده، به اسمای الهی توسل شده است: اسمهایی که تمام خلق، عرش و کرسی، ملائکه، جن و انس و تدبیر جهان با آنها انجام شده است؛ اسمهایی که حاملان عرش الهی، خدا را با آن می خوانند؛ اسمی که خداوند با آن استخوانهای پوسیده را زنده می کند؛ اسمی که با خواندن آن، ابراهیم علیه السلام از آتش نجات یافت؛ اسمی که با آن، موسی علیه السلام خدا را خواند و دعایش مستجاب شد؛ اسمی که با آن، سختیها از ایوب علیه السلام برطرف شد؛ اسمی که با آن، جن و باد در اختیار سلیمان علیه السلام قرار گرفت و به واسطه آن، خداوند یحیی علیه السلام را به زکریا علیه السلام عطا کرد و عیسی علیه السلام را بدون پدر آفرید (مجلسی، 92 / 405). خود حضرت زهرا علیها السلام در دعای پس از نماز عشا گفته است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَأَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمُ وَسَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ وَوَجِلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَأُحْيِيَتْ بِهِ الْمَوْتَى» (خداوند! به حرمت نامهای پوشیده، پاک و پاکیزه ات که آسمانها و زمین بدانها استوار شده؛ تاریکیها بدان درخشان گردیده و فرشتگان بدان تسبیح گو شده؛ و قلبها از آنها در هراس بوده و گردنها به سبب آنها خاضع شده و مردگان را به آنها زنده می کنی) (ابن طاووس، 252).

تورات، انجیل، زبور و قرآن، از دیگر شفاعت کنندگانی هستند که حضرت زهرا علیها السلام به آنها تمسک می جست (مجلسی، 88 / 183؛ 97 / 201).

از دیگر شفاعت کنندگان بسیار مهم، که در حکمت فاطمی از آنها نام برده شده، پیامبران و اولیای الهی و در رأس آنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او هستند که با تعبیر گوناگون از آنان یاد شده است. در دعای تعقیبات نماز عصر، حضرت

فاطمه علیها السلام از خداوند می خواهد که به حق ابراهیم خلیل و موسای کلیم و عیسیای روح الله علیهم السلام و محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، رویش را برنگرداند و توبه اش را بپذیرد و گناهانش را ببخشد: «فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ عِيسَى رُوحِكَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَفِيكَ وَ نَبِيِّكَ إِلَّا تَصْرِفَ وَ جَهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ تَرْحَمَ عِبْرَتِي وَ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ» (ابن طاووس، 204؛ مجلسی، 83 / 86). در دعایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام تعلیم داده، آمده است: «[خدایا] من به درگاه تو، نه با عمل صالحی که آن را از پیش فرستاده باشم آمده ام و نه با شفاعت آفریده ای که به او امید بسته باشم تا با شفاعت او به تو نزدیکی جویم؛ مگر به محمد و اهل بیت او که درودهای تو بر او و آنان باد» (طوسی، مصباح المتعجد، 319؛ مجلسی، 86 / 369). در دعای تعقیب نماز ظهر حضرت زهرا علیها السلام از خدا خواسته شده که نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به مقام محمودی که وعده اش را داده است مبعوث کند و او را میان انبیا و مرسلین، برترین وسیله به سوی خود قرار دهد: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ ... وَافْسَحْ لَهُ حَتَّى يَرْضَى وَبَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَوَسِيلَةً» (ابن طاووس، 175؛ مجلسی، 83 / 68). مقام محمود که در این دعا آمده است، به آیه 79 سوره اسراء اشاره دارد که مفسران آن را به مقام شفاعت تفسیر کرده اند (طبرسی، 6 / 284؛ فخر رازی، 3 / 55؛ حویزی، 3 / 211؛ طباطبائی، المیزان، 1 / 175). در روایات آمده که افتتاح شفاعت با نبی اکرم صلی الله علیه و آله است (دارمی، 1 / 26، ترمذی، 5 / 248) و ایشان دارای مقام اذن در شفاعت است (ر.ک: طباطبائی، انسان، 180، 182). او شفاعت کننده همه شفاعت کنندگان است، زیرا گواه همه گواههاست و از کاری که انجام می دهد همه عالمیان بهره مند می شوند (بقره، 143؛ طباطبائی، المیزان، 1 / 176 - 179)

و

بنا بر برخی روایات، همه در آن روز به شفاعت ایشان نیاز دارند (قمی، 202 / 2). او آن قدر شفاعت می کند تا خود راضی شود (ضحی، 5؛ طبرسی، 10 / 382). در روایاتی که گذشت، به مقام شفاعت حضرت زهرا علیها السلام نیز تصریح شده است.

شفاعت شوندهگان

با توجه به اینکه شفاعت در بخشش، همان مغفرت الهی است که از راه وسایط فیض به انسانهای دیگر می رسد و شفاعت، تکمیل سبب است نه سبب مستقل (طباطبائی، المیزان، 1 / 158)، گفته شده که هر شرطی که برای شمول مغفرت لازم است برای شفاعت نیز وجود دارد. از نظر عقلی، شرط مغفرت چیزی جز قابلیت داشتن شخص نیست (مطهری، 1 / 259 - 260). این قابلیت در شفاعت، علاوه بر اینکه مستلزم وجود رابطه ای با خدا، از راه ایمان و دوری از شک و شرک و کفر است (بقره، 39، 217؛ نساء، 116؛ توبه، 17؛ غافر، 7؛ صدوق، الاعتقادات، 66؛ مطهری، 1 / 260)، به وجود رابطه ای میان انسان و شفیع نیز نیاز دارد که همان پیروی از راهنمایان اهل حق است. چنین پیوندی باعث می شود انسان در گروه اصحاب یمین قرار بگیرد (اسراء، 71؛ مدثر، 39 - 48؛ طباطبائی، المیزان، 1 / 169 - 170).

حضرت فاطمه علیها السلام در دعای تعقیب نماز ظهر - بعد از آنکه از خدا درخواست می کند که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را به مقام محمودی که همان مقام شفاعت است مبعوث کند - می خواهد که تمام توانمان را در راه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به کار بندیم و در این راه هیچ شکی به خود راه ندهیم و پشیمان و گمراه نگردیم و آیین خود را تغییر ندهیم: «وَأَقْضُصْ بِنَا أَثْرَهُ وَأَسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَىٰ مِلَّتِهِ وَأَسْأَلُكَ بِنَا سُبُلَهُ وَأَسْأَلُكَ تَعْمَلْنَا بِسُنَّتِهِ، غَيْرَ خَزَايَا وَلَا نَادِمِينَ، وَلَا شَاكِينَ، وَلَا مُبَدِّلِينَ [وَلَا مُضِلِّينَ]» (ابن طاووس، 175؛ مجلسی، 83 / 68). تقارن بین این دو موضوع، نشان می دهد

که شرط برخورداری از شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله، این است که به درستی راه ایشان کاملاً اعتقاد داشته باشیم. در آیات و روایات بر این مطلب تأکید شده است.

بنا بر روایات، شفاعت شونندگان باید از حیث ارکان دین کامل باشند و با خدا و رهبران الهی ارتباط شایسته ای داشته باشند. به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، شفاعت مخصوص انجام دهندگان گناه کبیره از امت ایشان است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 574). آنان چون از انجام دادن گناه پشیمان اند، دین و ایمانشان محفوظ است (مجلسی، 8 / 351)، اهل شک و شرک و کفر نیستند و موحدند (صدوق، الاعتقادات، 66 مجلسی، 8 / 58)، به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام ایمان دارند، از ایشان پیروی می کنند و با آنان دشمنی نمی ورزند، و گرنه شفاعت هیچ کس برای آنان فایده ندارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به فاطمه علیها السلام فرمود: «يَا فَاطِمَةُ لَوْ أَنَّ كُلَّ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَكُلَّ مَلَكٍ قَرَّبَهُ شَفَعُوا فِي كُلِّ مُبْغِضٍ لَكَ غَاصِبٍ لَكَ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ أَبَدًا» (ای فاطمه، اگر همه پیامبرانی که خداوند آنان را مبعوث کرده و همه فرشتگانی که خداوند آنان را مقرب ساخته است، درباره کسی که به تو بغض بورزد و حق تو را غضب کند، شفاعت کنند، خداوند هرگز او را از آتش جهنم خارج نمی کند) (کراجکی، 63 - 64؛ مجلسی، 29 / 1346).

در احادیث فراوانی، از جمله روایات حضرت فاطمه علیها السلام، به تعدادی از گروههایی که شفاعت می شوند، تصریح شده است: آنان به سبب عمل خاصی، مشمول شفاعت شده اند، که آن، ارتباط ویژه با اهل بیت علیهم السلام است، مانند ولایت، محبت و نصرت اهل بیت علیهم السلام.

یکی از این گروهها، شیعیان اهل بیت علیهم السلام هستند، بر اساس مژده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام داده است، فاطمه علیها السلام نزد خدا جایگاه ستوده ای دارد که در آن

برای دوستان و شیعیانش شفاعت می کند: «يَا فَاطِمَةُ الْبُشَيْرَى فَلِكِ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ تَشْفَعُ فِيهِ لِمُحِبِّكَ وَشَيْعَتِكَ فَتَشْفَعُ فِيهِ» (کراچکی، 63 - 64؛ مجلسی، 355/73). این موضوع، به بیانهای گوناگون، در روایات فراوانی آمده است (ر.ک: صدوق، الامالی، 70؛ مجلسی، 52/8).

گروه دیگر، کسانی هستند که اگرچه شیعه کامل نیستند، از دوستان اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان هستند. بر اساس روایتی از حضرت فاطمه علیها السلام، آنان پس از آنکه با بلاها و مشکلات دنیا و سختیهای قیامت در عرصات آن، یا با عذاب کشیدن در طبقه بالاتر جهنم، از گناهان پاکیزه شدند، اهل بیت علیهم السلام، آنان را به سبب دوستی با خود، نجات می دهند و به حضور خویش منتقل می کنند (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 308؛ مجلسی، 155/65). بر طبق حدیثی دیگر، در روز قیامت، خدا به حضرت فاطمه علیها السلام وحی می کند: «ای فاطمه، از من بخواه تا به تو عطا کنم و در پیشگاه من آرزو کن تا تو را راضی کنم.» آنگاه حضرت علیها السلام به خدا می گوید: «دوستان من و عترتم را در آتش، عذاب مکن» (حسینی استرآبادی، 485/2؛ مجلسی، 140/27).

از دیگر گروههایی که به طور ویژه شفاعت حضرت زهرا علیها السلام برای آنان در روایات مطرح شده است، دوستان و یاوران فرزندان فاطمه علیها السلام (مجلسی، 275/24) و گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام (قندوزی، 323/2) هستند.

شبهات شفاعت

مخالفان شفاعت به معنای مغفرت و تفضل، اشکالاتی مطرح کرده اند. بخشی از این شبهات راجع به اصل شفاعت است، که از همان قرون اولیه مطرح بوده است، مانند تشکیک در دلالت قرآن، و نیز منافات شفاعت با اصل قرآنی وابستگی سعادت و شقاوت به عمل اختیاری خود

انسان (ر.ک: نجم، 39؛ زلزله، 7 - 8). بعدها اشکالات فلسفی نیز مطرح شده است، از جمله انفعال پذیری خداوند، تغییر اراده و علم او، مخدوش شدن توحید ذاتی و رحمت واسعه خدا به سبب وجود شفاعت کننده ای دلسوزتر، و نیز تردید به وجود آمدن در عدالت خداوند برای مجازات یا رفع آن و در تبعیض ناشی از شفاعت برای افرادی خاص (رشیدرضا، 1 / 307). برخی نیز اشکالات تربیتی و اجتماعی را به آن افزودند (ر.ک: مطهری، 1 / 244). بخش دیگری از شبهات، درباره درخواست شفاعت است که برخی سلفیها، مانند ابن تیمیه و پیروانش، آن را مطرح کرده اند (ادامه مقاله).

به نظر بیشتر اندیشمندان مسلمان، به ویژه شیعه، همه ایرادها بر اثر برداشت نادرست از شفاعت است، از این رو در تبیین فلسفی از شفاعت، گفته شده که خداوند آفریده ها را با جهت میل به کمالات ممکن و جلب رحمت واسعه خود آفریده و همه امکانات و امدادهای غیبی را در این راه در اختیار آنان قرار داده و بنابراین، انسانها را فطرتاً پاک آفریده است و اگر انحرافی در آنان پدید آید، عَرَضی است و در سرشت آنان کششی وجود دارد که آنان را به سوی حالت اولیه باز می گرداند (طباطبائی، المیزان، 1 / 183) و چون رحمت خدا گسترده است (انعام، 147؛ غافر، 7) و بر غضبش پیشی دارد (صحیفه سجادیه، دعا 149 (345))، کسانی که مرتکب خلاف و انحراف می شوند، اگر قابلیت پاک شدن را از دست نداده باشند، مشمول مغفرت و رحمتش خواهند شد و به پاکی و سلامتشان باز می گردند.

از سوی دیگر، چون خدا کارها را (چه در نظام تکوینی، چه در نظام تشریحی و معنوی) از راه اسباب و مسببات انجام می دهد، رحمت نیز بدون نظام انجام (ر.ک: فخر رازی، 3 / 66؛ مطهری، 1 / 259؛ طباطبائی، المیزان، 1 / 160). به همین دلیل،

رحمت و مغفرت پروردگار نیز باید از طریق واسطه های فیض، همچون نفوس انسانهای کامل و ارواح بزرگ انبیا و اولیا، به گناهکاران برسد. از همین روست که خداوند از مؤمنان می خواهد که وسیله ای به سویش برگزینند (مانده، 35) و به گناهکاران می گوید که علاوه بر اینکه خود آمرزش می خواهند، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز بخواهند که برایشان طلب آمرزش کند (ر.ک: نساء، 64؛ مطهری، 1 / 264).

بنابراین، شفاعت حقیقی با توحید ذاتی منافاتی ندارد، زیرا رحمت شفیع، پرتوی از رحمت خداوند متعال است (مطهری، 1 / 264) و با توحید افعالی نیز کاملاً سازگار است (ر.ک: طباطبائی، المیزان، 1 / 158 - 159)، چراکه شفاعت حقیقی فقط از آن خداست (زمر، 44) و هیچ شفاعتگری بدون اذن او نمی تواند انسان را به سعادت برساند و این گونه نیست که رضایت الهی غیر از رضای شفیعان باشد و هر یک جداگانه سعادت انسان را تأمین کنند (ر.ک: مطهری، 1 / 249).

در فرایند شفاعت، شفیع از خدا تقاضا نمی کند که از مقام مولویت خود یا از حکم و تکلیف یا از مجازات مخالف دست بردارد، بلکه با قبول این جهات سه گانه، به برخی از صفات مولا (مانند بزرگی، کرم، بخشش و بی نیازی او) یا ضعف، زبونی، فقر و کوچکی فرد خطاکار که مقتضی ترحم است، یا به صفات خود و آبرویی که نزد خدا دارد، تمسک می کند و از او می خواهد از مجازات گناهکار چشم پوشی کند و بدین وسیله عوامل مقتضی رحمت و عفو، بر عوامل مقتضی غضب و عقوبت، غلبه می یابد و فرد از دایره موضوع آن خارج می شود (طباطبائی، المیزان، 1 / 159). در این هنگام، به سبب تغییری که در حالت گناهکار پدید می آید و از سرکشی به اطاعت و از طغیان به ندامت می گراید، خداوند نیز حکم جدیدی (مغفرت)، بر خلاف حکم قبلی (کیفر)، برای او در نظر می گیرد.

درست است که سنت الهی تغییر نمی پذیرد، اما خداوند با تمام موجودات، یک گونه ارتباط ندارد، و گرنه اصل سببیت و ارتباط از بین می رود و هر چیزی سبب چیزی دیگر می شود. همان گونه که خداوند، از آن حیث که منتقم است، مریض را شفا نمی دهد، بلکه این امر ریشه در رحمت خداوندی دارد، در شفاعت نیز برطرف شدن عقاب، نتیجه اسباب متعددی است، مانند رحمت، مغفرت، حکم، قضا و مانند آن (طباطبائی، المیزان، 1/ 163 - 164). از این رو، شفاعت نقض حکم اصلی نیست، همچنان که مستلزم تغییر حالت در خداوند یا بی خبری او از آینده نیست و نیز هیچ یک از حکم اول بر عذاب و حکم دوم مبنی بر رفع آن، مصداق ظلم و خلاف عدالت نخواهد بود (طباطبائی، المیزان، 1/ 162 - 165؛ سبحانی، منشور جاوید، 8/ 97 - 98). بنابراین، حقیقت شفاعت به معنای مشهور، با آنچه در جوامع خودکامه کنونی رایج است، فرق بسیار دارد. در جوامع کنونی، جریان شفاعت از گناهکار شروع می شود، گناهکاران بر واسطه ها (شفیع) فشار وارد می کنند تا از مصادر امر بخواهند قانون را در حق آنان اعمال نکنند، و چون مصادر امر مدیون واسطه ها هستند، ناگزیر، وساطت آنان را می پذیرند، چرا که تحت تأثیرشان قرار دارند. در این نوع شفاعتها قابلیت اصلاح خلافکار و کمالش در نظر گرفته نمی شود، ولی در شفاعت دینی، شفاعت از خود خدا شروع می شود و به گناهکار ختم می گردد. در شفاعت صحیح، شفیع تحت تأثیر خدا قرار دارد نه تحت تأثیر گناهکاران (مطهری، 1/ 247 - 262).

در پاسخ به بی نیازی از شفاعت و وابسته بودن سعادت و شقاوت به عمل انسان، گفته شده که آنچه از آیات و روایات به دست می آید این است که خود عمل به تنهایی برای سعادت کافی نیست و به رحمتی خاص از طرف خداوند نیاز

هست که به منزله علت فاعلی است (مطهری، 1 / 265). از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز خود را نیازمند آن می دانستند و از اسمای حسناى الهی و صفات کمال او هدایت می جستند (ر.ک: مطهری، 1 / 258). در دعای حضرت زهرا علیها السلام، توسل به اسم خاص خدا و شفاعت خواهی از آن کاملاً مشهود است (طوسی، مصباح المتعجب، 304؛ مجلسی، 86 / 319). بنابراین، مغفرت به واسطه شفاعت - که همان رحمت خاص پروردگار است - با اصل عمل منافاتی ندارد، بلکه برای تتمیم علیت و جبران کمبود عمل برای تأمین سعادت است (مطهری، 1 / 255، 257، 265).

همچنین، در شفاعت و مغفرت هیچ گونه بی عدالتی و استثنایی وجود ندارد، چرا که رحمت پروردگار نامحدود است و اگر نصیب کسی نشود، تنها به سبب قابلیت نداشتن اوست (مطهری، 1 / 265).

در پاسخ به اشکال مطرح شده مبنی بر دلالت قرآن بر عدم شفاعت، گفته شده که منظور از نفی شفاعت به طور مطلق (ر.ک: بقره، 48، 254) این است که کسی بدون اذن خدا قادر به شفاعت نیست یا کسی استحقاق شفاعت و بخشیده شدن گناهانش را ندارد (طباطبائی، المیزان، 1 / 167) و هدف قرآن از نفی مطلق، این است که اذهان را از شفاعت باطل - که درباره اشخاص یا بتها وجود داشته است - متوجه شفاعت صحیح نماید (مطهری، 1 / 265).

برخی پنداشته اند که از آیات شفاعت، تنها امکان آن فهمیده می شود نه وقوع آن، زیرا قسمتی از آیات، شفاعت را در قیامت به طور کلی نفی می کنند و آیاتی دیگر، آن را بدون اذن پروردگار نفی می سازند (بقره، 255؛ یونس، 3؛ طه، 109؛ نجم، 26)، ولی بر صدور اذن الهی برای شفاعت دلالتی ندارند و بنابراین، جزء آیات متشابه اند که نمی شود به آنها استدلال کرد (رشیدرضا، 1 / 307).

در پاسخ، گفته شده است که آیات شفاعت، منحصر به آیات یاد شده نیستند و آیات دیگری نیز، به نوعی، اصل وقوع شفاعت را می‌رسانند (ر.ک: مدثر، 48). در آیاتی (ر.ک: اسراء، 79؛ ضحی، 5) نیز خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله مقام شفاعت را وعده داده، و بدیهی است که وعده خدا تخلف بردار نیست (سبحانی، شفاعت، 197). بنابراین، آیات شفاعت، متشابه نیستند، بلکه مطلق و مقیدند و بر فرض که متشابه باشند، با کمک آیات محکم، می‌توان آنها را تفسیر کرد (طباطبائی، المیزان، 1 / 168).

مهم‌ترین اشکال مطرح شده در بُعد تربیتی و اجتماعی شفاعت، این است که شفاعت باعث جرأت یافتن انسانها بر ارتکاب گناه و گسترش مفاسد اجتماعی می‌شود. در پاسخ به این شبهه، بر چند نکته تأکید شده است: اول آنکه شفاعت به معنای مغفرت، درست مانند وعده خود خداست مبنی بر بخشش همه گناهان (به جز شرک) حتی بدون توبه (نساء، 48)، و بخشش همه گناهان با توبه و آوردن ایمان (شوری، 25؛ ر.ک: طباطبائی، المیزان، 1 / 161، 165)، که برای تربیت انسان است. از این گذشته، خداوند به طور قطعی و درباره همه کس و همه زمان و درباره همه گناهان، وعده پذیرش شفاعت نداده و شرایط و ویژگیهای آن را به طور دقیق مشخص نکرده است تا موجب دلیری و گستاخی بر ارتکاب گناه نشود، بلکه آن را به «مشیت»، «اذن» و «رضایت» (از دین و ایمان مشروط نموده (نساء، 28، 116؛ طه، 109؛ انبیاء، 28) و روشن است که اصرار بر گناه، ایمان را تضعیف می‌کند (طباطبائی، المیزان، 1 / 165 - 166). بنابراین، اثر اعتقاد به شفاعت، فقط تا اندازه ای است که دلها را از یأس و نومیدی نجات دهد و همواره بین خوف و رجا ننگه دارد

(مطهری، 1 / 265). در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز شفاعت به گونه ای تبیین نشده که تشویق به گناه و تضمین سعادت را در پی داشته باشد، بلکه همیشه بانوعی ترس و اضطراب همراه است. بر اساس روایتی، بعضی در قیامت پس از هفتاد سال تحمل عذاب در جهنم، با توسل به حق اهل بیت علیهم السلام از جهنم رهایی می یابند مفید، الامالی، 218؛ مجلسی، 8 / 282؛ 27 / 312).

درباره شفاعت خواهی، برخی سلفیها (مانند ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب) به رغم اعتراف به اینکه نبی اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیا و صدیقان و غیر آنان در قیامت حق شفاعت دارند (ابن تیمیه، 1 / 239)، بر آن اند که دیگر بندگان خدا حق چنین درخواستی از آنان ندارند، زیرا درخواست شفاعت از ایشان، مستلزم شرک در افعال خدا و عبادت اوست (ابن تیمیه، 1 / 242). به باور آنان، شفاعت خواهی و درخواست هر نوع واسطه گری برای حاجت خواستن از خدا و اعتقاد به اینکه دیگران از خود انسان به خدا نزدیک ترند که می توانند واسطه شوند، همانند اعتقاد و عمل بت پرستان است که بتها را نزد خدا شفیع قرار می دادند (یونس، 18). این گونه شفاعت خواهی از غیر خدا، همان خواندن غیر خداست، که قرآن صریحاً از آن نهی کرده است (جن، 18). چون اصل شفاعت در قرآن و حدیث آمده است و نمی شود منکر آن شد، برای درخواست آن باید از خود خدا خواسته شود آنان را شفیع ما قرار دهد یا آنکه معنای شفاعت خواهی، توسل به عمل خود انسان است، یعنی ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و اطاعت از او و محبت داشتن به او و موالاتش یا توسل به دعای ایشان برای نجات یافتن (ابن تیمیه، 1 / 239، 242؛ ر.ک: آلوسی، 6 / 125 - 129).

دیگران این نظریه افراطی را نقد کرده اند. در پاسخ این شبهه، تأکید شده است که چون خداوند دنیا را بر اساس نظام اسباب و مسببات آفریده و از ما خواسته است که برای رسیدن به او، به آنها تمسک جوئیم (مائده، 35)، توسل به این اسباب و وسایط فیض، نه تنها شرک نیست، که عین توحید است. نکته دیگری که در شفاعت خواهی از آن غفلت شده، این است که هیچ گاه شفاعت خواهان، به پیامبران و اولیای الهی به عنوان اینکه آنان مستقل اند نمی نگرند، بلکه از شفیعان می خواهند تا از خدا بخواهند که گناهشان را ببخشد یا نیازهایشان را برآورد. در اینجا توجه اصلی به خداست نه شفیع (مطهری، 1 / 263 - 264)، و حقیقت در خواست شفاعت، چیزی جز همان درخواست «دعا» نیست (ر.ک: ربانی گلپایگانی، 381). در قرآن کریم نیز نمونه هایی از درخواست گناهکاران از امت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام آمده است (ر.ک: نساء، 64؛ یوسف، 97).

بنابراین، شفاعت خواهی از انبیا و اولیای الهی با درخواست شفاعت بت پرستان از بتها ارتباطی ندارد، زیرا بت پرستان برای بتها استقلال قائل بودند و آنها را در رحمت و نعمت مؤثر می دانستند (مکارم شیرازی، پیام قرآن، 6 / 538 - 543؛ سبحانی، منشور جاوید، 8 / 132 - 137). از این گذشته، خداوند به سبب اینکه بتها عقل و شعور ندارند، واسطه قراردادن و توسل به آنها را لغو و بیهوده و توجه به آنها را مصداق روشن بت پرستی و شرک دانسته و از آن نهی فرموده است، در صورتی که انبیا و اولیا در بارگاه الهی، از وجاهت و کرامت برخوردارند (ر.ک: آل عمران، 45؛ نساء، 69).

اهل بیت علیهم السلام نیز در احادیث و دعاهای فراوانی، خود را وسیله و واسطه فیض معرفی نموده اند. حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدکیه - در جمع مهاجرین، انصار

خلیفه اول - فرموده است: «ستایش کنید خدایی را که به سبب عظمت و نورش، کسانی که در آسمانها و زمین هستند به سوی او وسیله می جویند و ما وسیله او میان خلقش هستیم» (طبری امامی، 113 - 114؛ ابن ابی الحدید، 16 / 211).

در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام - که امام جواد علیه السلام آن را تعلیم داده است - از حضرت زهرا علیها السلام می خواهیم که به سبب اعتقاد ما به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینش و صبر ما در راه آنان، ما را به خودشان ملحق کنند تا به خود بشارت دهیم که به سبب ولایت و دوستی با آنان پاک شده ایم (طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 9 - 10؛ مجلسی، 97 / 194 - 195). البته در حکمت فاطمی نیز به این نکته مهم تصریح شده است که هیچ کس جز خدای متعال، توان بخشایش و برآوردن حاجات انسان را ندارد (مجلسی، 83 / 85 - 86).

اشکال دیگری که سلفیها درباره شفاعت خواهی از اولیای الهی مطرح کرده اند، این است که می پندارند انسان بعد از مرگ، توان هیچ کاری را ندارد، بنابراین شفاعت خواهی از آنان بیهوده است، علاوه بر آنکه شرک است و گوینده آن باید توبه کند وگرنه کشته می شود (ابن تیمیه، 1 / 241، 247 - 248؛ ابن عبدالوهاب، 385، 399، ر.ک: امین عاملی، 213 - 214). این نظر بر خلاف نظر بسیاری دیگر از اهل سنت است که درخواست شفاعت از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و توسل به ایشان را، چه در حیات چه بعد آن، جایز دانسته اند (سبکی، 291 - 294، سمهودی، 2 / 421؛ 3 / 371؛ قسطلانی، 3 / 417؛ نبهانی، 159، 169). در رد این نظر، به این اصل مهم استناد شده است که آدمی با مرگ از بین نمی رود و حقیقت او که همان روح اوست، باقی و زنده است و در عالم برزخ به زندگی ادامه می دهد (ر.ک: سبکی، 321؛ شوکانی، 3 / 305؛ نبهانی، 169).

از این گذشته، روایاتی وجود دارد که ائمه شیعه علیهم السلام و خلفا و دیگر

اهل سنت، بعد از رحلت رسول اعظم صلى الله عليه وآله به آن حضرت صلى الله عليه وآله توسل می جستند یا از ایشان می خواستند که از آنان نزد خدا یاد کند یا برای برآورده شدن حاجاتشان دعا کند (نهج البلاغه، خطبه 235 (2 / 228)؛ ابن ابی الحدید، 13 / 42؛ سبکی، 303 - 304، 312؛ مجلسی، 22 / 542).

منابع

آلوسی، سید محمود (م. 1270 ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (م. 728 ق.)، مجموع الفتاوی (کتب و رسائل و فتاوی)، تحقیق عبدالرحمن عاصمی، مکتبة ابن تیمیہ؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ابن عبد الوهاب، محمد (م. 1206 م.)، مجموعه رسائل فی التوحید و الایمان، تحقیق اسماعیل انصاری، الرياض، مطابع الرياض؛ ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا (م. 395 ق.)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1404 ق؛ ابن ماجة قزوینی، محمد بن یزید (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار الفکر؛ ابن منظور، محمد بن مکرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ اشعری، علی بن اسماعیل (م. 330 ق.)، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، تحقیق محی الدین عبدالحمید، بیروت، المکتبة العصریة، 1419 ق؛ امین عاملی، سید محسن (م. 1371 ق.)، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب، تحقیق سید حسن امین، قم، مکتبة الحرمین، 1382 ق؛ ترمذی، محمد بن عیسی (م. 279 ق.)، سنن الترمذی، تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، 1403 ق؛ تفتازانی، سعدالدین (م. 793 ق.)، شرح المقاصد فی علم الکلام، پاکستان، دار المعارف النعمانیة، 1401 ق؛ تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، قم، مدرسه

الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ ثعالبي، عبدالرحمن بن محمد (م. 875 ق.)، الجواهر الحسان في تفسير القرآن (تفسير ثعالبي)، تحقيق عبدالفتاح، علي محمد، عادل احمد، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1418 ق؛ جرجاني، علي بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر، مطبعة السعادة، 1325 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ حسيني استر آبادي، سيد شرف الدين علي (م. 965 ق.)، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق، حويزي، عبدعلي بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيدهاشم رسولی محلاتي، قم، انتشارات اسماعيليان، 1412 ق؛ دارمي، عبدالله بن رحمن (م. 255 ق.)، سنن الدارمي، دمشق، مطبعة الاعتدال، 1349 ق؛ راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ رباني گلپايگاني، علي، كلام تطبيقي، قم، مركز جهاني علوم اسلامي، 1385 ش؛ رشيدرضا، محمد (م. 1354 ق.)، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، القاهرة، دار المنار، 1373 ق؛ روحاني، سيدمحمدكاظم، شفاعت و توسل، قم، نشر معارف، 1385 ش؛ زبيدي، سيد محمد مرتضى حسيني (م. 1205 ق.)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق علي شيري، بيروت، دارالفكر، 1414 ق؛ سبحاني، جعفر، شفاعت در قلمرو عقل و قرآن و حديث، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1354 ش؛ همو، منشور جاويد (تفسير موضوعي)، قم، دارالقرآن الكريم، 1369 ش؛ سبكي، علي بن عبدالكافي (م. 756 ق.)، شفاء السقام في زيارة خير الانام صلى الله عليه وآله، تحقيق سيد محمدرضا جلالى حسيني، 1419 ق؛ سمهودي، علي بن احمد (م. 911 ق.)، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى صلى الله عليه وآله، تحقيق محمد عبدالحميد، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ سيدمرتضى، علي بن حسين (م. 436 ق.)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيداحمد حسيني، سيدمهدي رجائي، قم، دار القرآن الكريم، 1405 ق؛ شوكاني، محمد بن علي (م. 1250 ق.)، نيل الاوطار من احاديث سيدالاخيار، بيروت، دار الجيل، 1973 م، صحيفه سجاديه، الامام علي بن الحسين عليه السلام، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف،

1411 ق؛ صدوق، محمد بن علی (م. 381 ق.)، الاعتقادات، في دين الاماميه، تحقيق عصام عبد السيد، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، التوحيد، سيدهاشم حسيني تهراني، قم، نشر اسلامي؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي 1404 ق؛ طباطبائي، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ همو، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه صادق لاريجاني، قم، مؤسسه بوستان كتاب، 1387 ش؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق عده اي از محققين، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1415 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طنطاوي، جوهرى (م. 1358 ق.)، الجواهر في تفسير القرآن الكريم، تحقيق احمد سعد على، بيروت، دار الفكر، 1355 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، مصباح المتعجد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، 1411 ق؛ همو، الاقتصاد الهادي الى طريق الرشاد، تهران، مكتبة جامع چهل ستون، 1400 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1364 ش؛ عبدالملك، بطرس، مطر، ابراهيم، طمس، جون الكساندر، قاموس الكتاب المقدس، القاهرة، دار الثقافية 1994 م؛ علامه حلي، حسن بن يوسف (م. 726 ق.)، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تحقيق حسن حسن زاده آملی، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ فخر رازی، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1420 ق؛ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1410 ق؛ فراهيدي، خليل بن احمد (م. 175 ق.)، العين، تحقيق مهدي مخزومي، ابراهيم سامرايي، قم، مؤسسة دار الهجرة، 1410 ق، قاضى عبدالجبار اسد آبادي، عبدالجبار بن احمد (م. 415 ق.)، شرح الاصول الخمسه، تحقيق مصطفى رباب، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1412 ق؛ قرشي، سيد على اكبر، تفسير

احسن الحديث، تحقيق محمدحسن بكائي، تهران، بنياد بعثت، 1377 ش؛ قسطلاني، احمد بن محمد (م. 923 ق.)، المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، تحقيق مأمون الجنان، بيروت، دارالكتب العلمية، 1416 ق؛ قمي، علي بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمي، تحقيق سيدطيب موسوي جزائري، قم، دارالكتاب، 1404 ق، قندوزي، سليمان بن ابراهيم (م. 1294 ق.)، ينابيع المودة لذوي القربى، تحقيق سيدعلي جمال اشرف حسيني، دارالاسوة، 1416 ق؛ كتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همداني، ويليام گلن، هنري مرتن، تهران، انتشارات اساطير، 1380 ش؛ كراچكي، محمدبن علي (م. 449 ق.)، كنز الفوائد، قم، مكتبة المصطفوي، 1369 ش؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ مجلسي، محمدباقر (م. 1110 ق.)، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ محمديان، بهرام وديگران، دائرة المعارف كتاب مقدس، تهران، انتشارات سرخدار، 1381 ش؛ مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، 1360 ش؛ مطهري، مرتضى (م. 1358 ش.)، مجموعه آثار استاد شهيد مطهري، تهران، انتشارات صدرا، 1377 ش؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالي، تحقيق حسين استادولي، علي اكبر غفاري، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، اوائل المقالات، تحقيق ابراهيم انصاري زنجاني، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ مكارم شيرازي، ناصر وديگران، تفسير نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1374 ش؛ مكارم شيرازي، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه امام علي بن ابی طالب عليه السلام، 1374 ش؛ نبهاني، يوسف بن اسماعيل (م. 1350 ق.)، شواهد الحق في الاستغاثة بسيد الخلق، استانبول، فاتح، 1984 م؛ نسفي، نجم الدين عمر بن محمد (م. 537 ق.)، العقائد النسفيه، بغداد، مكتبة المثنى؛ نهج البلاغه، الامام علي بن ابی طالب عليه السلام، الشريف الرضي، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق.

زين العابدين قرباني

ص: 155

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام در عالم پس از مرگ.

آخرت در مقابل دنیا، مؤنث آخر در مقابل اول، و به معنای پایان و پسین است (فراهیدی، 4 / 303؛ راغب اصفهانی، 13؛ ابن منظور، 4 / 12) و به عوالم پس از مرگ اطلاق می شود (ر.ک: صدرالمتألهین، شرح اصول کافی، 1 / 307) و بیشتر به معنای جهان ابدی است که با معاد شروع، و به بهشت و دوزخ ختم می گردد (ر.ک: قصص، 83 عنکبوت، 20؛ غافر، 39؛ طبرسی، 8 / 443؛ ر.ک: طباطبائی، المیزان، 3 / 265: 16 / 118).

همه فرق اسلامی، بلکه همه ادیان الهی، درباره اصل وقوع معاد و وجود جهان پس از دنیا اتفاق نظر دارند (علامه حلی، نهج الحق، 376)، گرچه درباره چگونگی وقوع آن، به ویژه در چگونه زنده شدن انسانها، اختلاف نظر هست (علامه حلی، کشف المراد، 548 - 549؛ صدرالمتألهین، الاسفار، 9 / 165 - 166، مقاله معاد). طبق باورهای اسلامی، انسانها پس از مرگ، مدتی در عالم برزخ می مانند تا قیامت و حسابرسی فرا برسد و هرکس، بنا بر کارنامه اش، به بهشت یا جهنم برده شود تا در آن، حیات ابدی یابد (ر.ک: صدوق، الاعتقادات، 47 - 51). هرچند پس از مردن، ارتباط انسان به طور کامل از جهان مادی قطع نمی شود و گاه از دنیا باخبر می گردد یا در دنیای زندگان حضور می یابد (محدث قمی، 107 - 108؛ طباطبائی، شیعه در اسلام، 100).

بر اساس برخی احادیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در عالم برزخ مقامی ویژه، و بر احوال دنیا را اشراف دارند و در روز قیامت نیز به شیعیان خود توجه خاص می کنند (ر.ک: مفید، اوائل المقالات، 72 - 73).

درباره زندگی برزخی حضرت فاطمه علیها السلام، روایات بسیاری وارد شده که حاکی از شأن و جایگاه ایشان در برزخ است:

همجواری با پیامبر صلی الله علیه و آله: از طریق شیعه و اهل سنت، چندین روایت نقل شده که برخی از آنها دارای سندهای متعدد است و طبق آنها، فاطمه علیها السلام کمی پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار بستر ایشان بی تاب می کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله به وی مژده داد که تو اولین نفر از اهل بیت من هستی که به من محلق خواهی شد (بخاری، 4 / 183؛ صدوق، کمال الدین، 263؛ طبری امامی، 131).

آگاهی از حال زندگان: طبق باورهای دینی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و حتی اولیای خدا، در عالم برزخ از احوال زندگان آگاهی دارند. از آیه 169 و 170 سوره آل عمران بر می آید که شهیدان راه خدا، پس از قطع زندگی جسمانی، از حیاتی دیگر در منزلی عالی تر برخوردارند و از وضع نیکوی مؤمنان دنیا آگاهانند (طباطبائی، المیزان، 4 / 61). شیخ مفید نیز، به استناد همین آیات، معتقد است بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، چیزی از احوال شیعیانشان در دنیا بر ایشان مخفی نمی ماند، زیرا خداوند پی در پی آنان را از احوال شیعیان آگاه می سازد. آنان صدای کسانی را که در مشاهد گرامیشان یا از راه دور با ایشان مناجات می کنند، می شنوند و این توانایی به واسطه حقیقتی لطیف و غیبی از جانب خداوند است (اوائل المقالات، 72 - 13).

شیخ مفید به حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله استشهاد کرده است که هرکس کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بر وی سلام کند، حضرت صلی الله علیه و آله سلام او را می شنود. حتی کسانی که از راه دور بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام می کنند، سلامشان به ایشان ابلاغ می شود (اوائل المقالات، 73). وی در روایتی دیگر یادآور شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از رحلت درودهایی

را که نثارش می شود، می شنود، که نشان دهنده حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد خدای تعالی است. ائمه هدی علیهم السلام نیز سلام سلام کنندگان از نزدیک را می شنوند و سلامهای از دور به ایشان ابلاغ می شود (تصحیح اعتقادات، 91 - 93). حضرت فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که سلام کردن سه روز پیاپی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، چه در زمان حیات آنان چه بعد از وفاتشان، موجب واجب شدن بهشت بر انسان می شود (مفید، المزار، 177؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 9؛ ابن شهر آشوب، 3 / 140). بر این اساس، علما زیارت حضرت فاطمه علیها السلام را، همچون دیگر معصومان علیهم السلام پس از شهادت ایشان، و سلام بر ایشان و توسل به ایشان را مستحب میدانند و بر آن اند که ایشان از آن آگاه می شوند.

یکی از موضوعاتی که بر حیات برزخی حضرت فاطمه علیها السلام و اشراف ایشان بر وقایع دنیا دلالت می کند، عنایت ایشان به زائران امام حسین علیه السلام است. بر اساس روایات، حضرت فاطمه علیها السلام به زائران حرم امام حسین علیه السلام نظر دارد، نزد آنان حاضر می شود و برای ایشان دعا و طلب آمرزش می کند (ر.ک: ابن قولویه قمی، 231).

حضور بر بالین محتضر: بسیاری از روایات، گویای این حقیقت است که حضرت فاطمه علیها السلام، به همراه پدر و همسر و دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهم السلام و فرشتگان مقرب، بر بالین مؤمنان محتضر، حاضر می گردد و مؤمنان نیز، به محض آنکه حجاب دنیا از جلوی چشمانشان کنار می رود، آنان را بر بالین خود حاضر می یابند و غرق سرور می گردند (فرات کوفی، 553؛ کلینی، 3 / 127 - 128؛ مجلسی، 6 / 162، 269 - 270). از برخی روایات نیز بر می آید که این دیدار تنها مخصوص مؤمنان نیست، بلکه همه انسانها چنین تجربه ای را در لحظه مرگ خواهند داشت، اما با توجه به ایمان و عملکردشان در دنیا، نتایج مختلفی از این

دیدار نصیب آنان می‌گردد؛ به گونه‌ای که بر اثر این دیدار، در چشمشان احساس خنکی یا داغی و سوزش می‌کنند (مجلسی، 6/ 184).

سرپرستی اطفال مؤمنان: یکی از شئونی که در اخبار به حضرت فاطمه علیها السلام نسبت داده شده و بیانگر گستردگی سایه محبت ایشان به شیعیان خویش است، سرپرستی و تربیت اطفال متوفای مؤمنان شیعه در عالم برزخ است (قمی، 2/ 332). آیه 21 سوره طور بیانگر این است که فرزندان مؤمنان که در ایمان از پدر و مادر خویش پیروی کرده‌اند، به آنان خواهند پیوست. روایاتی که در ذیل این آیه آمده است، نشان می‌دهد خداوند متعال، برای خوشحال کردن مؤمنانی که کودکان خود را از دست می‌دهند، آن کودکان را بدون آزمایش به والدین مؤمنشان ملحق می‌سازد، اما در مورد دیگر اطفال، آنان را در عرصه قیامت آزمایش می‌کند و تنها در صورت توفیق در امتحان، وارد بهشت می‌گرداند (ر.ک: مجلسی، 5/ 289). بر اساس نقل شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام، هنگامی که کودکی از مؤمنان از دنیا می‌رود، اگر پدر یا مادر یا مؤمنی از خویشاوندانش مُرده باشد، او را برای پرستاری به وی می‌سپارند. در غیر این صورت، تا زمانی که پدر یا مادر یا یکی از خویشاوندان مؤمنش به او ملحق گردد، حضرت فاطمه علیها السلام از او پرستاری می‌کند (التوحید، 394).

حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت

بنا بر آیات قرآن، برپایی قیامت و زنده شدن انسانها در جهان آخرت، تردیدناپذیر (کهف، 21) و وعده‌ای راستین و تخلف‌ناپذیر (نحل، 38) است. برپایی قیامت، تنها به زنده شدن مجدد انسانها نیست، بلکه اساساً نظام این جهان، دگرگون می‌شود و جهانی دیگر، با ویژگیهای دیگری برپا می‌گردد که قابل پیش‌بینی نیست. آنگاه همه انسانها، از آغاز تا پایان خلقت، با هم

زنده می شوند و به نتایج اعمالشان می رسند (صدرالمتألهین، مفاتیح الغیب، 639 - 640؛ همو، تفسیر، 5 / 181؛ طباطبائی، المیزان، 12 / 88 - 90؛ ر.ک: مصباح یزدی، 3 / 86 - 89). درباره حضور فاطمه علیها السلام در صحرای محشر مطالب متعددی گزارش شده است:

ورود حضرت فاطمه علیها السلام به محشر: درباره نحوه ورود حضرت علیها السلام به صحرای محشر و عرصه قیامت و جایگاه او در روز رستاخیز و نحوه برخورد با شیعیان و دشمنانش، روایاتی نقل شده است، که از شکوه و جلال آن حضرت علیها السلام هنگام ورود به صحرای محشر، حکایت دارند. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، تصریح شده است که فاطمه علیها السلام سوار بر یکی از ناقه های بهشتی، وارد محشر می شود. از دو پهلوی آن ناقه، حریرهای بهشتی آویزان است، مهار آن از مروارید تازه، پاهایش از زمرد، دم آن از مُشک ناب و دیدگانش از درّ و یاقوت سرخ است. قبه ای از نور، بر پشت آن ناقه است که درونش آشکار است. درون آن حاوی عفو پروردگار، و بیرون آن رحمت خداوند است. فاطمه علیها السلام تاجی از نور بر سر دارد که دارای هفتاد پایه است و هرکدام با مروارید، مزین شده و همانند ستاره ای درخشان است (صدوق، الامالی، 69 - 70). در روز قیامت، انبیا سوار بر مرکب، مبعوث می شوند تا مؤمنان قوم خود را در محشر ملاقات کنند؛ چنان که صالح سوار بر ناقه اش، و رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر براق مبعوث خواهد شد که با هر قدم تا نهایت دیدش را طی می کند. فاطمه علیها السلام نیز پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود (حاکم نیشابوری، 3 / 152 - 153؛ مرعشی نجفی، 10 / 154).

در روایت دیگری، رسول خدا صلی الله علیه و آله سواران روز قیامت را چهار نفر دانسته است: خود حضرت صلی الله علیه و آله، سوار بر براق؛ حضرت زهرا علیها السلام، سوار بر عضباء (ناقه پیامبر صلی الله علیه و آله)؛ صالح، سوار بر شتری که پی شد؛ و امام علی علیه السلام، سوار بر شتری از بهشت که مهار

آن از یاقوت است و زیور سبزگون بر آن آویزان است (صدوق، الخصال، 204 - 205؛ همو، الامالی، 275؛ حویزی، 1/ 715). برخی با استفاده از روایات، بر آن اند که حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت، به تناسب مواقع متعدد، سوار بر مرکبهای متفاوت خواهد بود. تفاوت روایات در ذکر نام مرکبها نیز به همین سبب است (مجلسی، 7/ 236). بنا بر روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره رسیده، فاطمه علیها السلام دارای مرکبهای متعدد مخصوص به خود است که گاهی از نور، گاهی از یاقوت و گاهی از زمرد است و یکی از مرکبهای آن حضرت علیها السلام، عضباء (غضباء) می باشد. همچنین، به تصریح برخی روایات (ر.ک: صدوق، الخصال، 204؛ طوسی، الامالی، 258؛ مجلسی، 7/ 232 - 234)، منحصر شدن سواران به این چهار تن، در بعضی از مواقع روز قیامت است، و گرنه با بسیاری روایات دیگر درباره سواران روز قیامت منافات دارد (مجلسی، 7/ 232 - 234). حاکم نیشابوری در حدیثی از حضرت علی علیه السلام، با سندی که از نظر مسلم و بخاری صحیح است، به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش کرده است که روز قیامت، منادی از پشت پرده غیب ندا می دهد: «ای اهل محشر! چشمان خود را از فاطمه علیها السلام، دخت پیامبر صلی الله علیه و آله، فروگیرید تا عبور کند» (3/ 153). خطیب بغدادی نیز، با دو سند، از عایشه نظیر این حدیث را نقل کرده است (8/ 136؛ ر.ک: طبری، ذخائر العقبی، 48). بر اساس گزارشی دیگر، فاطمه علیها السلام در حالی که دو لباس سبز بر تن دارد، عبور خواهد کرد (طبرانی، 1/ 108؛ ذهبی، 2/ 538، هیشمی، 9/ 212).

این احادیث در منابع شیعی مفصل تر و با جزئیات بیشتر آمده، چنان که بر اساس گزارشی، رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته است: «در روز قیامت دخترم فاطمه علیها السلام بر شتری از شتران بهشت سوار می شود و جبرئیل مهار شتر را می گیرد و با صدای بلند ندا می دهد: "بندگان چشمان خود را فرو فکنید تا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله

عبور کند، حتی پیامبران، صدیقان و شهدا نیز چشمان خود را فرو می‌گیرند تا حضرت فاطمه علیها السلام عبور کند» (صدوق، الامالی، 69 - 70؛ فتال نیشابوری، 148 - 149؛ ابن شهر آشوب، 3 / 107 - 108؛ مجلسی، 43 / 219).

عبور از پل صراط: محدثان و متکلمان مسلمان، با استناد به احادیث، یکی از مراحل بسیار حساس آخرت را عبور از پل صراط دانسته‌اند. صراط پلی است بر روی جهنم، که تا کسی از آن نگذرد، وارد بهشت نمی‌شود (علامه حلی، کشف المراد، 576؛ ایجی، 3 / 523، 525؛ جرجانی، 8 / 321). بر اساس احادیث، صراط از موباریک تر، از شمشیر بُرنده تر و از آتش داغ تر است؛ مؤمنان خالص به سرعت و بدون ترس از آن عبور می‌کنند، اما برخی با دشواری و نگرانی از آن می‌گذرند، گروهی نیز از روی آن به جهنم سقوط می‌کنند (صدوق، الامالی، 242؛ فتال نیشابوری، 499). به گفته برخی از صاحب نظران، صراط مثال و تجسم گذرگاهی است که در دنیا وجود دارد و نتیجه عبور از آن، عبور آسان از صراط در آخرت است. این گذرگاه دنیوی، همان دین حق، راه ولایت و پیروی از امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر معصومان علیهم السلام است که عدول از آن باعث لغزیدن و سقوط در جهنم می‌شود (ر.ک: مجلسی، 8 / 66 محدث قمی، 234 - 235). بنا بر تصریح روایات، حضرت زهرا علیها السلام به همراه شیعیان و محبان خود به سرعت از پل صراط عبور می‌کند و کنار بهشت قرار می‌گیرد (صدوق، ثواب الاعمال، 220؛ مجلسی، 43 / 223).

شفاعت در حق محبان: به باور شیعه، در عرصه قیامت، شفاعت اتفاق می‌افتد (علامه حلی، کشف المراد، 564 - 565؛ جرجانی، 8 / 312؛ فاضل مقداد، 126). شفاعت در نظر شیعه، وساطت برای آمرزش گناهان کسانی است که ارکان دین و ایمانشان کامل است و با خدا و اولیای او، که واسطه فیض اند، ارتباط شایسته‌ای دارند (انبیاء، 28؛

طباطبائی، المیزان، 1 / 169 - 170). به باور شیعیان، کسانی حق شفاعت دارند که در ذات و قول و فعل، شایستگی داشته و مورد رضایت الهی باشند (طه، 109؛ ر.ک: طباطبائی، انسان، 175). از مهم ترین این اشخاص، اهل بیت عصمت و طهارت اند، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، که بنا بر حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دارای مقام محمود نزد خداوند است و برای محبان و شیعیانش شفاعت می کند (کراجکی، 63 - 64؛ ابن حاتم عاملی، 641؛ حلی، 225؛ مجلسی، 29 / 346؛ مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام).

کیفر قاتلان امام حسین علیه السلام: با آنکه حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت برای بسیاری شفاعت می کند، با عده ای دیگر در کمال غضب و خشم برخورد می کند و از خداوند خواستار عذاب آنان می شود. از برخی روایات بر می آید که نخستین پرونده ای که در روز قیامت به آن رسیدگی می شود، پرونده محسن علیه السلام، فرزند فاطمه علیها السلام، است (حر عاملی، 291 - 292؛ مجلسی، 28 / 63 - 64)، اما روایات بسیاری بر دادخواهی حضرت علیها السلام از قاتلان امام حسین علیه السلام دلالت دارد، چنان که بر اساس گزارش، فاطمه علیها السلام در یکی از مواقف قیامت می ایستد و پیراهن آغشته به خون امام حسین علیه السلام را در دست می گیرد و از خداوند دادخواهی می کند. آنگاه به امر خدا، آتش آنان را، همچون پرندۀ ای که دانه بر می چیند، جدا می کند و با خود به جهنم می برد و به انواع عذابها گرفتار می کند (مفید، الامالی، 130). در احادیث دیگری نیز به این مضمون اشاره شده است (ر.ک: صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 12؛ مجلسی، 43 / 220).

ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله: درباره همراهی حضرت فاطمه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت و مراحل متفاوت آن، روایاتی وجود دارد. بر اساس حدیثی از حضرت علی علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به فاطمه علیها السلام درباره جایگاه ملاقاتش با پیامبر صلی الله علیه و آله

چند موضع را نام برد، از جمله کنار در بهشت در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم حمد در دست دارد و برای امت خویش در پیشگاه خدا شفاعت می کند؛ در کنار حوض کوثر، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله به پیروان خویش آب می دهد؛ کنار صراط، در حالی که سلامت پیروان خویش را از خدا می خواهد؛ و کنار میزان، لب پرتگاه جهنم، در حالی که پیروانش را از شراره آتش حفظ می نماید (صدوق، الامالی، 350؛ مجلسی، 8 / 35، 43 / 21؛ ر.ک: شیخ الاسلامی، 393). روایات دیگری نیز این مضمون را تأیید می کنند (مجلسی، 7 / 111؛ 36 / 288؛ ر.ک: شیخ الاسلامی، 416).

حضرت فاطمه علیها السلام در بهشت

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که خداوند، به سبب پاک دامنی فاطمه علیها السلام، آتش را بر فرزندان او حرام ساخت (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 68؛ حاکم نیشابوری، 3 / 152؛ ابن شهر آشوب، 3 / 107) و او را به همراه ذریه اش وارد بهشت خواهد کرد (طبرانی، 3 / 42).

طبق احادیث موجود در منابع شیعه و اهل سنت، حضرت فاطمه علیها السلام نخستین کسی است که وارد بهشت می شود (ابن شهر آشوب، 3 / 110؛ ذهبی، 2 / 618؛ متقی هندی، 12 / 110) و نام او در میان اسامی پنج تن است که بر در بهشت نوشته شده است (طوسی، الامالی، 355، خطیب بغدادی، 1 / 274؛ اربلی، 1 / 93). از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فاطمه علیها السلام در روز قیامت در حالی که لباس کرامت بر تن دارد و با آب حیات آمیخته شده است محشور می شود و مردم از مشاهده او تعجب می کنند. آنگاه هزار لباس از لباسهای بهشت بر وی پوشانده می شود که بر هر یک از آنها با خط سبز نوشته شده است: «دختر محمد صلی الله علیه و آله را به بهترین صورت و کامل ترین هیبت و تمام ترین کرامت و بیشترین بهره، وارد بهشت سازید.» سپس فاطمه علیها السلام در کمال عظمت و شکوه، در حالی که پیرامونش هفتاد هزار حوریه قرار گرفته

وارد بهشت می شود (طبری، ذخائر العقبی، 48؛ مجلسی، 221 / 43) و با مشاهده نعمتهای الهی، آیه 34 و 35 سوره فاطر را تلاوت می کند (حسینی استرآبادی، 2 / 484 - 285؛ مجلسی، 140 / 27).

پیامبر صلی الله علیه و آله، ضمن برشمردن منزلت و جایگاه فاطمه علیها السلام در بهشت و قیامت، یادآوری می کند که بر در بهشت دوازده هزار حوریه با فاطمه علیها السلام ملاقات می کنند که قبلاً با هیچ کس ملاقات نکرده اند و بعد از وی نیز با هیچ کس ملاقات نخواهند کرد. در دست هر کدام از آنها سلاحی از نور است و بر ناقه هایی از نور سوارند که جهاز و پوشش آنها از طلای زرد و یاقوت سرخ و مهار آنها از مروارید است و بر هر ناقه ای بساطی از سندس است، مزین به جواهر آبدار. هنگامی که فاطمه علیها السلام وارد بهشت می شود، بهشتیان از قدوم وی شادمان می گردند. در بهشت برای شیعیان وی مائده های مخصوصی حاضر می کنند که بر کرسی نور قرار دارند، در حالی که سایر مردم هنوز گرفتار حساب خود هستند. برای شیعیان حضرت علیها السلام، هر چه میل داشته باشند، همیشه آماده و مهیاست. هنگامی که اولیای خدا در بهشت استقرار می یابند، حضرت آدم علیه السلام و همه پیامبران پس از او، به زیارت فاطمه علیها السلام می آیند (فرات کوفی، 445 - 446؛ مجلسی، 43 / 225 - 227).

اگر چه سلیمان بن محمد در سند این روایت، مجهول است، اما با توجه به اینکه مضمون روایت با کتاب و سنت، اختلافی ندارد و روایات دیگری نیز این مضمون را تأیید می کنند، نیازی به بحث سندی نیست.

نور حضرت فاطمه علیها السلام در بهشت: ابن شهر آشوب در تفسیر آیه «لَا يَرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا» (انسان، 13) - که بر اساس آن، بهشتیان نه خورشید را می بینند و نه سرمایی احساس می کنند - از منابع بسیاری گزارش می کند که بر اساس نقل

ابن عباس، بهشتیان نوری در بهشت می بینند که باغهای بهشت را نورانی می کند. می پرسند این نور چیست؟ ندایی غیبی پاسخ می دهد: «این نور از خنده حضرت فاطمه علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام است» (ابن شهر آشوب، 109/3).

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام در بهشت: بر اساس روایات بسیاری، حضرت فاطمه علیها السلام برترین زن از آغاز تا فرجام جهان و سرور زنان بهشت است. از آن جمله، رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این فضیلت بشارت داده است (بخاری، 4/183؛ ترمذی، 5/326؛ نسائی، 58؛ عینی، 16/153؛ مقاله سیده نساء العالمین). همچنین فاطمه علیها السلام در بهشت همراه و همنشین پدرش است (ر.ک: احمد بن حنبل، 1/101؛ هیثمی، 9/169؛ مرعشی نجفی، 25/209). بر اساس نقلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فرزندان آن دو، در روز قیامت در مرتبه ای یکسان قرار دارند و هر کس به آنان اقتدا کند، هدایت می یابد (ر.ک: صدوق، الامالی، 74، 194؛ حاکم حسکانی، 1/76؛ مجلسی، 38/92). در روایت دیگری نیز فرموده که جایگاه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در قصر من است (طوسی، الامالی، 552؛ طبری، ذخائر العقبی، 89؛ ابن دمشقی، 1/227). رسول اکرم صلی الله علیه و آله از درجه ای در بهشت به نام «وسیله» خبر داده و گفته است که در آن، فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام همنشین من اند (خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، 1/67؛ متقی هندی، 12/103، 13/639).

پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر آسمانی خویش، هنگامی که وارد بهشت شد، قصرهای فاطمه علیها السلام را مشاهده نمود: هفتاد قصر از مرجانهای سرخ که درها و دیوارهای پوشیده از دُرهای درخشان بود (زرنندی، 183؛ مجلسی، 33/176). همچنین بر اساس گزارشی، فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام در جایگاهی بهشتی به نام «حظیرة القدس»، زیر گنبدی سفید، به سر می برند که سقف آن، عرش پروردگار است (متقی هندی، 12/98؛ مجلسی، 43/76؛ مرعشی نجفی، 25/212). به گفته برخی از

صاحب نظران، این مکان، والاترین جایگاه در بهشت است (خوارزمی، المناقب، 303؛ ابن عساکر، 13 / 229؛ اربلی، 2 / 149). بر اساس گزارش برخی سیره نویسان، «تسنیم»، چشمه ای بهشتی است که خداوند آن را به فاطمه علیها السلام بخشیده است و از پای ستون اقامتگاه فاطمه علیها السلام جاری می شود. آب این چشمه بسیار گواراست و به سردی کافور و طعم زنجبیل و عطر مشک شباهت دارد. این چشمه - برخلاف دیگر چشمه های بهشتی که به طرف پایین بهشت جریان دارند - به سمت علیین جاری است و تنها شیعیان و محبّان حضرت فاطمه علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام، که از خاصان درگاه خداوند هستند، از آن می نوشند (طبری، بشارة المصطفی، 90 - 91).

منابع

ابن حاتم عاملی، یوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظیم، قم، نشر اسلامی؛ ابن دمشقی، محمد بن احمد دمشقی (م. 871 ق.)، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1415 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن عساکر، علی بن حسن (م. 571 ق.)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، 1415 ق؛ ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (م. 368 ق.)، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، قم، نشر اسلامی، 1417 ق؛ ابن منظور، محمد بن مکرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة فی معرفة الائمہ علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ ایجی، عبدالرحمن بن احمد (م. 756 ق.)، المواقف فی علم الکلام، تحقیق عبدالرحمن عمیرة، بیروت، دار الجیل، 1417 ق؛ بخاری، محمد بن اسماعیل (م. 256 ق.)، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، 1401 ق؛ ترمذی، محمد بن عیسی (م. 279 ق.)، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبد اللطیف، بیروت، دار الفکر، 1403 ق؛ جرجانی، علی بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر،

مطبعة السعادة، 1325 ق؛ حاكم حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمد باقر محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق؛ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلي، بيروت، دارالمعرفة؛ حر عاملي، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، الجواهر السنوية في الاحاديث القدسية، قم، مكتبة المفيد، 1384 ق؛ حسيني استرآبادي، سيد شرف الدين علي (م. 965 ق.)، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ حلي، علي بن يوسف (م. 705 ق.)، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، 1408 ق؛ حوزي، عبد علي بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيدهاشم رسولي محلاتي، قم، انتشارات اسماعيليان، 1412 ق، خطيب بغدادي، احمد بن علي (م. 463 ق.)، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1417 ق؛ خوارزمي، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقيق مالك محمودي، قم، نشر اسلامي، 1414 ق؛ همو، مقتل الحسين عليه السلام، تحقيق محمد سماوي، قم، مكتبة المفيد؛ ذهبى، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق علي محمد بجاوي، بيروت، دار المعرفة، دار احياء الكتب العربيه؛ راغب اصفهاني، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ زرندی، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، نظم درر السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين عليهم السلام، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة، 1377 ق؛ شيخ الاسلامي، سيد حسين، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1419 ق؛ صدر المتألهين، صدر الدين محمد شيرازي (م. 1050 ق.)، الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الاربعه، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1410 ق؛ همو، تفسير القرآن الكريم (تفسير صدر المتألهين)، تحقيق محمد خواجوي، قم، انتشارات بيدار، 1366 ش؛ همو، شرح اصول الكافي، تحقيق محمد خواجوي، تهران، مؤسسه تحقيقات فرهنگي، 1366 ش؛ همو، مفاتيح الغيب، تهران، مؤسسه تحقيقات فرهنگي، 1363 ش؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)،

الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الاعتقادات في دين الاماميه، تحقيق عصام عبد السيد، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، التوحيد، سيدهاشم حسيني تهراني، قم، نشر اسلامي؛ همو، الخصال، تحقيق على اكر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1403 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ همو، كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق على اكر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1405 ق؛ همو، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تحقيق سيد محمد مهدي خراسان، قم، الشريف الرضى، 1368 ش؛ طباطبائي، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.) شيعه در اسلام، قم، بنياد علمي و فكري علامه طباطبائي، 1360 ش؛ همو، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ همو، انسان از آغاز تا انجام، ترجمه صادق لاريجاني، قم، مؤسسه بوستان كتاب، 1387 ش؛ طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق عده اى از محققين، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1415 ق؛ طبري، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسي، 1356 ق؛ طبري، محمد بن ابي القاسم (م. 525 ق.)، بشار المصطفى صلى الله عليه و آله لشيعه المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق، طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1408 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1364 ش؛ علامه حلي، حسن بن يوسف (م. 726 ق.)، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تحقيق حسن حسن زاده آملی، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ همو، نهج الحق و كشف الصدق، تحقيق سيدرضا صدر، عين الله حسني، قم، دار الهجرة، 1421 ق؛ عيني، محمود بن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربي، فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سيورى (م. 826 ق.)، النافع يوم الحشر في

شرح

الباب الحادي عشر، بيروت، دارالاضواء، 1417 ق؛ فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضي؛ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1410 ق؛ فراهيدي، خليل بن احمد (م. 175 ق.)، العين، تحقيق مهدي مخزومي، ابراهيم سامرائي، قم، مؤسسة دار الهجرة، 1410 ق؛ قمي، علي بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمي، تحقيق سيدطيب موسوي جزائري، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كراچكي، محمد بن علي (م. 449 ق.)، كنز الفوائد، قم، مكتبة المصطفوي، 1369 ش؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ متقي هندی، علي (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حياني، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسي، محمد باقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ محدث قمي، عباس (م. 1359 ق.)، منازل الآخرة و المطالب الفاخره، تحقيق سيد ياسين موسوي، قم، نشر اسلامي، 1419 ق؛ مرعشي نجفي، سيد شهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشي نجفي؛ مصباح يزدي، محمد تقی، آموزش عقايد، قم، سازمان تبليغات اسلامي، 1370 ش؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالي، تحقيق حسين استادولي، علي اكبر غفاري، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، المزار (مناسك المزار)، تحقيق سيد محمدباقر ابطحي، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، اوائل المقالات، تحقيق ابراهيم انصاري زنجاني، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، تصحيح اعتقادات الاماميه، تحقيق حسين درگاهي، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ نسائي، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، فضائل الصحابه، بيروت، دارالكتب العلميه؛ هيثمي، علي بن ابي بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1408 ق.

نجم الدين طبسي

ص: 170

مناقب، جمع مَنَقَبَة است، به معنای کردار برجسته، اوصاف حمیده، و سجایای پسندیده، در مقابل مثالب به معنای عیبها و زشتیها (فراهیدی، 5/ 180؛ ابن منظور، 1/ 768، 770؛ زبیدی، 2/ 448). در عرف محدّثان، به خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته شده، منقبت یا فضیلت گفته می‌شود. کرامت واژه‌ای است عربی که معنای اسم مصدری دارد (فراهیدی، 5/ 368؛ جوهری، 5/ 2021؛ ابن منظور، 12/ 511) و در اصطلاح، به امر غیر طبیعی و خارق العاده‌ای گفته می‌شود که از ایشان سر می‌زند (جوینی، 129؛ جرجانی، 8/ 224 - 225). به نظر گروهی از اهل سنّت، تفاوت کرامت با معجزه در این است که معجزه امری خارق العاده و الهی است که مقارن با ادعای نبوت واقع می‌گردد، اما وقوع کرامت بدون ادعای پیامبری است (ر.ک: تفتازانی، 5/ 72؛ عینی، 16/ 117).

به نظر شیعه، معجزه به ادعای پیامبری اختصاص ندارد و به کرامت معصومان علیهم السلام نیز معجزه گفته می‌شود (مفید، النکت الاعتقادیه، 44؛ خواجه نصیر طوسی، 231؛ فاضل مقداد 117). برخی از اهل سنّت نیز این رأی را پذیرفته‌اند (بغدادی، اصول الدین، 175)، هر چند معمولاً معجزه را در مورد انبیا به کار می‌برند.

به گفته برخی پژوهشگران، در پنج قرن نخست اسلامی، بیش از 220 عنوان کتاب درباره مناقب اهل بیت علیهم السلام نوشته شده است (ر.ک: اصغرپور، 276). پاره‌ای از آنها با عنوان کلی مناقب، فضایل، تفضیل، فضل و خصایص، نوشته شده و نویسندگان کوشیده‌اند با بهره‌گیری از آیات قرآن، احادیث نبوی، روایات اهل بیت علیهم السلام، سخنان صحابه و تابعان، شواهد تاریخی، و تحلیلهای عقلی، به اثبات برتری اهل بیت علیهم السلام بپردازند.

برخی محدثان اهل سنت نیز بخشی از جوامع حدیثی خود را به بیان مناقب اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده اند (ر.ک: بخاری، 4 / 209؛ مسلم نیشابوری، 7 / 119 - 120، 141 - 144؛ ترمذی، 5 / 243، 359 - 362).

در این میان، بخش درخور توجهی از کتابها به بیان فضائل و مناقب حضرت زهرا علیها السلام اختصاص یافته، که از جمله آنهاست: الاربعین فی فضائل الزهراء علیها السلام، ابوصالح نیشابوری (م. 470 ق.) و الکلمة الغراء فی تفضیل الزهراء علیها السلام، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی. بخشی دیگر از کتابها به طور کلی در بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام و از جمله حضرت فاطمه علیها السلام است، مانند مناقب الامام امیر المؤمنین علیه السلام، محمد بن سلیمان کوفی (م. قرن 3)؛ فضائل الصحابه، احمد بن شعیب نسائی؛ مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب؛ ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، احمد بن عبدالله طبری؛ و مناقب علی و الحسنین و امهما فاطمة الزهراء علیهم السلام، محمد فؤاد عبدالباقی (مقاله کتابشناسی فاطمه علیها السلام).

مناقب حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

دانشمندان مسلمان، بر اساس آیات و روایات بسیار، فضائل و مناقب حضرت فاطمه علیها السلام را بیان نموده اند. مهم ترین فضایل حضرت علیها السلام، منشأ قرآنی دارد و دیگر فضایل ایشان، به گونه ای، منبعت از فضایل قرآنی ایشان است. آیه تطهیر (احزاب، 33)، مباحله (آل عمران، 61)، مودت (شوری، 23) و اطعام (انسان، 5 - 10)، از مهم ترین آیات دال بر فضیلت و منقبت حضرت فاطمه علیها السلام هستند (مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). برخی از مناقب حضرت علیها السلام عبارت اند از:

1. عصمت

مفسران و متکلمان شیعه، با تکیه بر دلالت آیه تطهیر بر عصمت، حضرت فاطمه علیها السلام را معصوم دانسته اند. علاوه بر قرآن، برخی روایات نیز بر این ویژگی حضرت علیها السلام دلالت دارند (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

2. محوریت خشم و خشنودی خدا

بر پایه روایات متعددی از فریقین، رسول اکرم صلی الله علیه و آله خشم فاطمه علیها السلام را خشم خدا و رضای او را رضای الهی معرفی کرده است (صدوق، معانی الاخبار، 303، حاکم نیشابوری، 3/ 153 - 154). در برخی روایات امامان معصوم علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. برای نمونه، امام صادق علیه السلام ایمان کامل فاطمه علیها السلام را دلیل محور قرار گرفتن خشم وی برای خشم خدا بیان نموده اند مغربی، شرح الاخبار، 3/ 29 - 30؛ طبرسی، 2/ 103؛ مجلسی، 43/ 20 - 21). در تبیین این روایت، گفتنی است چون معصومان جز به خواست و رضای خدا عمل نمی کنند و فقط برای او خشمگین یا شادمان می گردند، خشم و خشنودیشان همان خشم و خشنودی خداست. لذا، حضرت زهرا علیها السلام، به عنوان با ایمان ترین زن، با همان چیزی وصف شده است که معصومان وصف می شوند. در نتیجه، خشم و خشنودی وی نیز میزانی برای خشم و رضایت خدا بیان شده است. این منقبت، علاوه بر اثبات عصمت که برخی بر آن تأکید دارند (ابن ابی الحدید، 16/ 273)، بیان کننده آبروی عظیم فاطمه علیها السلام نزد خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله است.

3. ایمان و عبادت

علاوه بر نماز و تهجد شبانه حضرت فاطمه علیها السلام، که فرزندش امام حسن علیه السلام آن را بیان کرده است (صدوق، علل الشرایع، 1/ 182؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 152)، نمازهای ویژه ای به آن حضرت علیها السلام منسوب است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان تعلیم داده است (ابن طاووس، جمال الاسبوع، 70). حضرت فاطمه علیها السلام بسیار قرآن می خواند و تعقیبات و تسبیحات و دعاها را گوناگونی در کتابهای دعا و متون روایی از ایشان گزارش گردیده است (مقاله های سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام؛ دعاء تسبیح فاطمه علیها السلام).

سلام گفتن هفتاد هزار فرشته بر فاطمه علیها السلام در محراب عبادت، که در برخی

روایات بدان اشاره شده، گویای مقام والای ایشان در عبودیت و پرستش خدای متعال است (صدوق، الامالی، 575؛ فتال نیشابوری، 149؛ طبری، 274).

از نمودهای ویژه سیره عبادی و معنوی حضرت زهرا علیها السلام، توجه فراوان به روز قیامت است که در دعاها و تعقیبات و برخی روایات آن حضرت علیها السلام بازتاب یافته است (مقاله های دنیا و آخرت، معاد).

4. محدّثه بودن

از دیگر مناقب حضرت زهرا علیها السلام سخن گفتن فرشتگان با ایشان است که بر اساس روایات، همین امر سبب شده است ایشان را محدّثه بنامند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182). این گفتگوها - که عمدتاً پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفته - برای آرام نمودن حضرت علیها السلام در عزای پدر، و تسلیت گفتن و خبر دادن از سرنوشت فرزندانش بوده است (صفار، 173 - 174؛ کلینی، 1 / 241؛ به مقاله محدّثه بودن فاطمه علیها السلام).

5. جایگاه والای اخروی

بر پایه روایات، خدای متعال به حضرت زهرا علیها السلام در قیامت جایگاه ویژه ای بخشیده است. در روایاتی، از ورود شکوهمندانه فاطمه علیها السلام به محشر سخن گفته شده است. ایشان یکی از چهار تنی است که سوار بر مرکب به قیامت وارد می شود (مفید، الامالی، 272؛ طوسی، الامالی، 35؛ طبری، 107). بنا بر روایاتی دیگر، ایشان در میان استقبال گسترده فرشتگان و حوریان، به همراهی مریم علیها السلام و خدیجه علیها السلام و حوا و آسیه به صحرای محشر می آید (فرات کوفی، 445؛ مجلسی، 43 / 225 - 226). به همگان ندا داده می شود چشمها را ببندید تا فاطمه، دختر محمد صلی الله علیه و آله، عبور کند (طبرانی، 22 / 400؛ صدوق، الامالی، 70 حاکم نیشابوری، 3 / 153). برخی این حالت ویژه را دالّ بر فضل و شرافت حضرت علیها السلام دانسته اند (مناوی، 1 / 549؛ مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت).

روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام گویای آن است که در آن روز، حضرت زهرا علیها السلام برای دوستداران خویش، شفاعت ویژه دارد (فوات کوفی، 299، 446؛ مجلسی، 8 / 54؛ 43 / 64 - 65، مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام).

مناقب اختصاصی

اشاره

بخشی دیگر از مناقب مختص حضرت زهرا علیها السلام بدین شرح است:

1. کنیه أم ایها

از کنیه های مشهور و ویژه حضرت زهرا علیها السلام، که در روایات فریقین آمده، ام ایهاست (ابوالفرج اصفهانی، 29؛ ابن شهر آشوب، 140 / 1؛ ابن اثیر جزری، 5 / 520؛ ذهبی، 2 / 119). فرزندان آن حضرت علیها السلام، از جمله امام باقر علیه السلام، نیز به کنیه أم ایها برای ایشان تصریح کرده اند (ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، 29؛ مجلسی، 43 / 19). مهربانی و خدمت حضرت زهرا علیها السلام به پدر، به ویژه پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام، با وجود آزار فراوان مشرکان، دلیل این تعبیر بوده است. این کنیه همچنین بیانگر نهایت علاقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام است. در فرهنگ عرب، هنگامی که کسی فرزند خود یا شخص دیگری را بیش از حد دوست داشته باشد، او را «ام» یا «اب» خطاب می کند، یعنی از شدت دوستی به منزله پدر یا مادر است (تبریزی انصاری، 123).

2. محبوبیت ویژه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه فرزندان را دوست داشت، اما این دوستی و محبت در مورد حضرت زهرا علیها السلام فراتر از محبت عادی پدر و فرزند بود، به گونه ای که اعجاب و اعتراض برخی همسران پیامبر را برانگیخت. این محبت پیامبر صلی الله علیه و آله - که بر اساس هوای نفسانی نبود (ر.ک: نجم، 3) - در حد شیفتگی بود و پیام خاصی داشت تا همگان را از برتریهای فاطمه علیها السلام آگاه کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در حق فاطمه علیها السلام تعابیری به کار برده است که برخی از آنها عبارت اند از:

ص: 175

«بَضْعَةٌ مِّنِّي» (پاره تن من) (بخاری، 210/4؛ مغربی، دعائم الاسلام، 214/2 - 215)، «مُضْعَةٌ مِّنِّي» (پاره تن من) (کوفی، 211/2؛ نسائی، 148/5)، و «شَجَنَةٌ مِّنِّي» (شاخه ای از من) (طبرانی، 405/22؛ صدوق، معانی الاخبار، 303). این تعابیر - که در مصادر فریقین از آنها یاد شده است - بر این ارتباط عاطفی ویژه دلالت دارند (ر.ک: مرعشی نجفی، 10/187 - 232؛ مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله).

3. سروری بر زنان جهان

بر پایه روایاتی از فریقین، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را سرور زنان جهان نامیده است. این عنوان، تشریفاتی و فقط از روی احساسات و عواطف نبوده، بلکه بدین معنی است که تمام فضیلتها و ویژگیهای ایمانی زنان مؤمن در ایشان جمع شده و حتی سرآمد تمام آنان گردیده است. پیامبر صلی الله علیه و آله، با آگاهی از دانش، پاکي، معنویت و ارزشهای فاطمه علیها السلام، به برتری او بر زنان جهان تصریح کرده است (فضل الله، 131 - 132). در این باره، روایات بر دو دسته اند: روایاتی که در آنها حضرت زهرا علیها السلام سرور زنان دو جهان معرفی شده است (کوفی، 2/197، خزاز قمی، 37)؛ و روایاتی که حضرت مریم علیها السلام سرور زنان جهان در زمان خود و فاطمه علیها السلام سرور زنان عالم و اهل بهشت، از آغاز تا پایان، است (صدوق، الامالی، 575؛ همو، معانی الاخبار، 107؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 149). در روایاتی نیز مریم علیها السلام، خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام زنان برگزیده معرفی شده اند (صدوق، النخصال، 225؛ مجلسی، 2/16، 43/19؛ 96/383)، ولی با در نظر گرفتن روایات پیشین، برتری حضرت زهرا علیها السلام بر آنان نفی نمی شود (مقاله سیده نساء العالمین).

4. لقب بتول

یکی از اوصاف و مناقب حضرت زهرا علیها السلام، وصف بتول است که از ریشه بتل، به معنای جدا شدن و بریدن، گرفته شده است (طریحی، 1/151 - 152). روایات فراوانی حاکی از آن است که فاطمه علیها السلام را بتول خواندند، زیرا هیچ گاه

خون حیض و نفاس ندید و گویا از آن بریده و قطع شده بود (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181؛ همو، معانی الاخبار، 64؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 150). برخی این لقب را به سبب گسستن ایشان از غیر و پیوستن به عبادت الهی دانسته اند (طریحی، 1 / 152). وجه مشترک میان برخی دیدگاهها، بُریدن فاطمه علیها السلام از دنیا و تعلق نداشتن به مادیات است که سبب شده است از همه بگسلد و به خدا بیوندد و این ویژگی ارزنده، او را از دیگر زنان، از حیث دین، فضل و حَسَب، ممتاز گردانده است (ابن شهر آشوب، 3 / 110؛ ابن اثیر، 1 / 94؛ طریحی، 1 / 152). در کتابهای روایی، نمونه های فراوانی از زهد و پارسایی ایشان گزارش شده است. بستر و لباس ساده (فتال نیشابوری، 1 / 146؛ ابن طاووس، الدرر الوقیه، 275) و نیز بخشیدن گردن بند خود به فقیر (مجلسی، 43 / 56 - 57)، نمونه هایی از این فضیلت اند (مقاله اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام).

5. حضرت علی علیه السلام هم شأن حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام خواستگاران بسیاری داشت، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را نپذیرفت و انتخاب همسر را برای وی به خداوند واگذار نمود. با آمدن حضرت علی علیه السلام به خواستگاری فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله خشنود شد و جبرئیل از سوی خدای متعال پیام آورد که فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی علیه السلام در آورد (طوسی، الامالی، 39؛ م، جلسی، 43 / 93). در حدیث دیگری نیز آمده است: «اگر خدای تعالی علی علیه السلام را نیافریده بود، برای فاطمه علیها السلام هیچ همتا و نظیری از آدم تا دیگران نبود» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 2 / 203؛ ابن شهر آشوب، 2 / 29). پذیرفتن علی علیه السلام به سبب جایگاه والای انسانی و معنوی او، و رد کردن دیگر خواستگاران، دلیلی روشن بر برتری و فضیلت فاطمه علیها السلام است (مقاله های ازدواج فاطمه علیها السلام، فاطمه علیها السلام در کنار امام علی علیه السلام).

6. تقدم در دفاع از ولایت

یکی از مناقب حضرت زهرا علیها السلام، دفاع او از مقام

امامت و ولایت امام علی علیه السلام است. در زمانی که بیشتر یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از حمایت علی علیه السلام و دفاع از حق خلافتش دست کشیدند، زهرا علیها السلام به عنوان نخستین مدافع، وارد صحنه شد و جان خود را در این راه تقدیم نمود. این دفاع، در خطبه های حضرت زهرا علیها السلام در مسجد و در جمع زنان مهاجر و انصار متجلی است. در آن خطبه ها، فاطمه علیها السلام در پاسخ به این سؤال که «چرا اصحاب از ابوالحسن دوری کردند؟» فرمود: «دوری نکردند، مگر به سبب شمشیر او و شدت غضبش در راه خدا» (صدوق، معانی الاخبار، 355؛ طوسی، الامالی، 375؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 126؛ ابن ابی الحدید، 16 / 233). بر پایه گزارشی، زهرا علیها السلام سوار بر مرکبی، برای دعوت یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به یاری علی علیه السلام و دفاع از حق ایشان، شبانه به در خانه آنها رفته است (هلالی عامری، 146، 148، 302، 436 - 437؛ ابن قتیبه دینوری، 1 / 29، مقاله سیره سیاسی فاطمه علیها السلام).

کرامات حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

همان گونه که گفته شد، دانشمندان شیعه، از محدثان و متکلمان و غیر آنها (ر.ک: خواجه نصیر طوسی، 214، 231؛ صدرالمتألهین، 288 - 489؛ استرآبادی، 3 / 31 - 32)، و بسیاری از اهل سنت به جز معتزله (بغدادی، اصول الایمان، 141؛ جوینی، 129؛ فخر رازی، 2 / 199 - 205)، امکان و وقوع کرامت را برای پیامبران علیهم السلام و دیگر معصومان علیهم السلام و برخی اولیای الهی اثبات کرده اند. برخی از این کرامات صرفاً با دعای معصوم، دسته ای مقارن با درخواست مردم از آنان، و بخشی نیز با نفوذ معنوی ایشان صورت می گرفته است (ر.ک: مکارم شیرازی، 9 / 161 - 163).

فاطمه علیها السلام، افزون بر برخورداری از لطف ویژه خداوند، در محیط مناسب و دامن پاک پیامبر صلی الله علیه و آله تربیت شد و به تعالی معنوی و روحی دست یافت. این امر سبب بروز کرامتهایی گردید که حضرت علیها السلام را از دیگر زنان متمایز می نمود (فضل الله، 149). از زندگی حضرت زهرا علیها السلام رویدادهایی گزارش شده که نشان دهنده

جایگاه و منزلت والای ایشان نزد خداست (ر.ک: بحرانی اصفهانی، 11). گرچه هریک از این موارد، مستند به خبر واحد است و حتی برخی مستند قوی ندارد، ولی پس از اثبات امکان وقوع آنها، از کنار هم نهادن آنها، به تواتری معنوی به اصل وقوع کرامات در زندگانی حضرت زهرا علیها السلام می‌رسیم.

1. خبر دادن از غیب

بر اساس روایات، یکی از منابع علم امام علیه السلام به اخبار آینده، مصحف حضرت فاطمه علیها السلام است. چون در این مصحف اخباری از پیشامدهای آینده ثبت شده است، نحوه دریافت آن (یعنی ارتباط حضرت علیها السلام با عالم غیب و سخن گفتن جبرئیل با ایشان) کرامتی کم نظیر و والا است. در برخی از روایات، نحوه آگاهی یافتن ایشان از این اخبار غیبی، بیان شده است (صفار، 173 - 174، 177؛ کلینی، 1 / 240 - 241؛ مقاله محدثه بودن فاطمه علیها السلام).

2. گردش خود به خودی سنگ آسیاب

سلمان فارسی گفته است: «فاطمه علیها السلام را در منزل دیدم که مشغول قرائت قرآن بود و آسیابی در پیش او به خودی خود می‌چرخید. آن را برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله گزارش کردم و آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قلب و جوارح فاطمه علیها السلام را از ایمان سرشار نموده و فرشته ای برای کمک او فرستاده است» (ابن حمزه طوسی، 291؛ ابن شهر آشوب، 3 / 116). در گزارشی از ابوذر غفاری آمده است که فاطمه علیها السلام در کنار آسیاب به خواب رفته بود و آسیاب به خودی خود می‌گشت (ابن حمزه طوسی، 290). در ماجرای دیگر، که سلمان نقل کرده، آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش داد که فاطمه علیها السلام به پشت خوابیده و امام حسن علیه السلام بر روی سینه اش خوابیده بود و پیش فاطمه علیها السلام آسیاب در حال گردش بود (طبری امامی، دلائل الامامه، 141). بنا بر نقلی دیگر، امام حسین علیه السلام بر روی سینه اش به خواب رفته بود (قطب راوندی، 2 / 531).

3. حاضر شدن غذا از سوی خداوند

در روایتی، به نقل از حذیفه بن یمان، آمده است که وقتی جعفر بن ابی طالب از حبشه بازگشت، در خیبر مقداری عطر مرغوب و پارچه زربافت به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این پارچه را به کسی خواهم داد که خدا و رسول را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند»، سپس جویای علی علیه السلام شد و آن پارچه را به وی داد. علی علیه السلام، پس از بازگشت به مدینه، آن را به هزار دینار فروخت و همه پولش را به فقرا داد و هیچ برای خود نگذاشت. روز بعد پیامبر صلی الله علیه و آله، به همراه تنی چند از اصحاب، او را دید و فرمود: «هزار دینار به شما رسیده است، امروز ما را مهمان کن.» حضرت علی علیه السلام با اینکه پول و آذوقه ای در منزل نداشت، از روی حیا و برای تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت. همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله پنج تن بودند: حذیفه، عمار، سلمان، ابوذر و مقداد. حضرت علی علیه السلام ظرف غذا را نزد همسرش رفت، بدین امید که نزد او چیزی باشد. در خانه، ظرف آبگوشتی را در حال جوشیدن دید که گوشت فراوانی دارد. علی علیه السلام ظرف غذا را نزد مهمانها برد و همگی از آن خوردند، اما از حجم غذا کاسته نشد. پیامبر صلی الله علیه و آله نزد دخترش رفت و پرسید: «این غذا از کجا برای شما آمده است؟» ایشان پاسخ داد: «از نزد خدا. خداوند به هر کس که بخواهد، بدون حساب، روزی می دهد» (آل عمران، 37). پیامبر صلی الله علیه و آله با چشمانی اشک بار نزد اصحاب و میهمانان بازگشت و فرمود: «حمد و سپاس خدای را که نمردم تا اینکه در زندگی دخترم دیدم آنچه را که زکریا علیه السلام در مریم علیها السلام دید. هرگاه وارد محراب میشد نزد او رزقی می دید. می پرسید ای مریم! این از کجا آمده است؟ جواب می شنید: از نزد خدا، خداوند به هر کس که بخواهد، بدون حساب، روزی می دهد» (طوسی، الامالی، 614 - او 615؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 143 - 145).

4. ملاقات با حوریان بهشتی

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امیر مؤمنان علیه السلام به سلمان فرمود: «نزد فاطمه علیها السلام برو و بگو از تحفه های بهشتی به تو هدیه کند.» سلمان رفت و دید سه سبد (خرما) پیش روی فاطمه علیها السلام است. گفت: «ای دخت پیامبر صلی الله علیه و آله (از این خرماها چیزی) به من هدیه می کنی؟» فاطمه علیها السلام فرمود: «این سه سبد را سه حوری به بهشتی برایم آورده اند. نام آنها را پرسیدم، یکی گفت من سلمی هستم برای سلمان، دیگری گفت ذره هستم برای ابوذر، دیگری گفت مقدوده هستم برای مقداد.» سپس یکی از سبدها را به سلمان هدیه کرد (طوسی، اختیار معرفة الرجال، 1 / 39؛ فتال نیشابوری، 282). طبری امامی نیز نزدیک به همین مضمون را از خود سلمان نقل کرده است (دلایل الامامه، 107 - 108).

5. تابش نور از لباس حضرت علیها السلام

روایت شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام از یک یهودی مقداری جو قرض گرفت. یهودی برای تضمین، چیزی خواست. حضرت علیه السلام روپوشی پشمی از لباسهای حضرت فاطمه علیها السلام را به او داد. او لباس را به منزل برد و در اتاقی گذاشت. هنگام شب همسرش برای کاری وارد آن اتاق شد و دید نوری خانه را روشن کرده است. نزد شوهرش برگشت و او را آگاه کرد. شوهرش وارد آن اتاق شد و دید که نوری در اتاق پخش شده است؛ گویی ماه از نزدیک می درخشید. پس متوجه جای لباس شدند و فهمیدند که نور از لباس حضرت فاطمه علیها السلام است. آنگاه بستگان خویش را آگاه کردند و آنان با دیدن این صحنه، مسلمان شدند (ابن حمزه طوسی، 301 - 302؛ قطب راوندی، 2 / 537 - 538؛ مجلسی، 43 / 30). بر اساس نقل ابن شهر آشوب، خود حضرت فاطمه علیها السلام لباسی را به زنی یهودی رهن داد و مقداری جو قرض کرد. هنگامی که شوهر او، زید، به خانه آمد از همسرش پرسید: «این همه نور در خانه ما چیست؟» و همسرش گفت: «از لباس فاطمه علیها السلام است.» با دیدن این کرامت، او و

6. استشمام بوی بهشت از فاطمه علیها السلام

بر پایه روایتی از جابر بن عبدالله انصاری، پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش کسانی که از دلیل توجه ویژه ایشان به فاطمه علیها السلام پرسیدند، یادآور شد نطفه فاطمه علیها السلام از سیبی بهشتی بسته شده است و او بوی بهشت می دهد. از این رو، هرگاه مشتاق بهشت شوم، او را می بویم (صدوق، علل الشرایع، 1 / 183؛ طبری امامی، نوادر المعجزات، 99؛ همو، دلائل الامامه، 146).

افزون بر کرامات حضرت زهرا علیها السلام در زندگی، پاره ای از منابع، مطالبی نقل کرده اند که گویای تداوم کرامتهای ایشان پس از شهادت است (ر.ک: میرخلف زاده؛ عزیزی؛ فقیه، 501 - 681).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن اثیر، مبارک بن محمد (م. 606 ق.)، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق احمد الزاوی، محمود طناحی، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1364 ش؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، الدرر الوقیة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414 ق؛ همو، جمال الاسبوع، تحقیق جواد قیومی، مؤسسه الآفاق، 1371 ش؛ ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة و السیاسة، تحقیق علی شیری، قم، الشریف الرضی، 1413 ق؛ ابن منظور، محمد بن مکرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (م. 356 ق.)، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم مظفر، قم، مؤسسه دار الکتب، 1385 ق؛ استرآبادی، محمد جعفر (م. 1263 ق.)، البراهین القاطعة فی شرح تجرید

العقائد الساطعة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، 1382 ش؛ اصغرپور، حسن، درآمدی بر مناقب نگاری اهل بيت عليهم السلام، علوم حديث (فصلنامه)، ش 45 - 46، 1386 ش؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دارالفكر، 1401 ق؛ بغدادى، عبدالقاهر (م. 429 ق.)، اصول الايمان، تحقيق ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دار و مكتبة الهلال، 2003 م؛ همو، اصول الدين، بيروت، دارالكتب العميه، 1401 ق؛ تيريزى انصارى، محمدعلى بن احمد (م. 1310 ق.)، اللعنة البيضاء في شرح خطبة الزهراء عليها السلام، تحقيق سيد هاشم ميلانى، قم، نشر الهادى، 1418 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ تفتازانى، سعدالدين (م. 793 ق.)، شرح المقاصد فى علم الكلام، تحقيق عبدالرحمن عميره، قم، الشريف الرضى، 1409 ق؛ جرجانى، على بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر، مطبعة السعادة 1325 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ جوينى، عبدالملك بن عبدالله (م. 478 ق.)، الارشاد إلى قواطع الادلة فى اصول الاعتقاد، تحقيق زكريات عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، 1416 ق؛ حاكم نيشابورى، محمدبن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفه؛ خزاز قمى، على بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر فى النص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيدعبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خواجه نصير طوسى، محمد بن محمد (م. 672 ق.)، تجريد الاعتقاد، تحقيق سيد محمد حسيني جلالى، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1407 ق؛ ذهبى، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق؛ زبيدى، سيد محمد مرتضى حسيني (م. 1205 ق.)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر، 1414 ق؛ صدرالمتألهين، صدرالدين محمد شيرازى (م. 1050 ق.)، مفاتيح الغيب، تحقيق محمد خواجهوى، تهران، مؤسسه تحقيقات فرهنگى،

1363 ش؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمداصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمي، بيروت، مؤسسة الأعلمي، 1404 ق؛ همو، معاني الاخبار، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1361 ش؛ صفار، محمد بن حسن (م. 290 ق.)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقيق ميرزا محسن كوچه باغي، تهران، مؤسسة الأعلمي، 1404 ق، طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبرسي، احمد بن علي (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقبر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبري، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعه المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ همو، نوادر المعجزات في مناقب الائمة الهداة عليهم السلام، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1410 ق؛ طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1408 ق؛ طوسي، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، اختيار معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1404 ق؛ عزيزي، عباس، سيصدوشصت داستان از فضائل، مصائب و كرامات فاطمه زهرا عليها السلام، قم، انتشارات سلسله، 1378 ش؛ عيني، محمودبن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربي، فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله سيوري (م. 826 ق.)، النافع يوم الحشر في شرح الباب الحادي عشر، بيروت، دارالاضواء، 1417 ق؛ فتال نيشابوري، محمدبن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى، فخر رازي، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، الاربعين في اصول الدين، قاهرة، مكتبة الكليات الازهرية، 1986 م؛ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1410 ق؛ فراهيدي، خليل بن احمد (م. 175 ق.)، العين، تحقيق مهدي مخزومي، ابراهيم سامرائي، قم، مؤسسة دار الهجرة،

1410 ق، فضل الله، سيد محمد حسين (م. 1431 ق.)، فاطمة الزهراء عليها السلام، ترجمه على معمورى، دار الملاك، 1381 ش؛ فقيه، فارس، قصص فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، دارالمحجة البيضاء، 1429 ق؛ قطب راوندى، سعيدبن هبة الله (م. 573 ق.)، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ كلينى، محمدبن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحارالانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مرعشى نجفى، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضى، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ همو، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق سيد محمد حسيني جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكبر غفارى، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، النكت الاعتقادية، تحقيق رضا مختارى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ مكارم شيرازى، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه امام على بن ابى طالب عليه السلام، 1374 ش؛ مناوى، محمد بن على (م. 1031 ق.)، فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ ميرخلف زاده، على، كرامات الفاطمية (معجزات فاطمه زهراء عليها السلام بعد از شهادت به ضميمه سوگنامه فاطمه زهراء عليها السلام)، قم، نشر مهدي يار، 1379 ش؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، السنن الكبرى، تحقيق سليمان بندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، 1411 ق، هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمد باقر انصارى، قم، نشر الهادى، 1420 ق.

ناصر رفيعى محمدى و محمد حسين صالح آبادى

مفهوم‌شناسی، منابع، حجیت و کارکردهای سیره معصومان علیها السلام.

سیره در لغت به معنای طریقه، روش، و حالتِ انسان یا غیرِ او، به صورتِ غریزی یا اکتسابی است (ابن فارس، 3/ 120 - 121؛ راغب اصفهانی، 247؛ طریحی، 2/ 467). واژه سیره با سنّت قرابت دارد. سنّت در لغت به معنای سیره و طریقه است ابن فارس، 3/ 61؛ راغب اصفهانی، 245؛ طریحی، 2/ 436).

سیره در اصطلاح تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، و بنا بر کتابهای سیره (مانند سیره ابن اسحاق، سیره ابن هشام، سیر ابن کثیر، و سیره حلبی)، به معنای شرحِ زندگی افراد و رفتارها و سخنان آنان در سیر حوادث تاریخی است و فرق آن با تاریخ، این است که سیره به مسائل تاریخی راجع به یک شخص یا یک گروه اختصاص دارد. بر این اساس، سیره اعم از سنّت است، یعنی هر نوع فعل و قول را شامل می‌شود، گرچه در فقه نتوان به آن استناد کرد. البته در موارد متعددی، در متون روایی و تاریخی، سیره در معنای لغوی خود به کار رفته و بر چیزی متمایز از اصل یک چیز یا فعل، دلالت داشته است (ر.ک: طوسی، 6/ 154، 155؛ ابن شهر آشوب، 3/ 21؛ ابن طاووس، 2/ 253).

در اصول فقه، سیره به معنای رفتار، شیوه و بنای عملی با رویکرد مشترکِ گروهی خاص از متشرعه یا عقلا و غیره است و حجیت آن مشروط است به وجود و استمرار آن در زمان معصومان علیهم السلام و بازداشته نشدن از آن (ر.ک: نراقی، 691 - 692، 829؛ خراسانی، 303، 449؛ حکیم، 199).

برخی بر آن اند که سیره، اصول و معیارها و قواعد کلی ثابت و حاکم بر

مجموعه عملکردهای یک فرد است و بدین لحاظ می توان آن را منطق عملی نامید، همچنان که علم منطق، بیانگر اصول و قواعد درست اندیشیدن است مطهری، 16 / 59 - 60). در این مقاله، سیره به معنای وقایع تاریخی و اصول و قواعد حاکم بر رفتار است.

پیشینه سیره نگاری در دنیای اسلام به تلاشهای مسلمانان قرون اولیه باز می گردد که در صدد بودند رفتارهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام را در امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ثبت و نقل کنند. از اواخر قرن اول هجری به بعد، کتابهایی درباره سیره نوشته شد که قدیم ترین آنها، سیره ابن اسحاق (م. 151 ق.) است، که سپس آن را ابن هشام (م. 8 - 213 ق.) تهذیب کرد. در این گونه کتابها، عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اقوال و زندگی او و دیگران، بدون هیچ گونه تحلیل و ارزیابی، ثبت شده است.

آنچه درباره معصومان علیهم السلام و بزرگان دین اهمیت دارد، رفتار آنان است که ارزش الگوبرداری دارد. قرآن کریم به سرمشق قرار دادن رسول اکرم صلی الله علیه و آله (ر.ک: احزاب، 21) و حضرت ابراهیم علیه السلام و کسانی که با او هستند (ر.ک: ممتحنه، 4) توصیه کرده است و خود اهل بیت علیهم السلام نیز بر آن تأکید کرده اند (نهج البلاغه، خطبه 97 (1 / 187)، 110 (1 / 215)، 160 (2 / 57)؛ نامه 45 (3 / 70)).

درباره تحلیل فعل معصومان علیهما السلام و میزان اعتبار آن، جدّی ترین کار در اصول فقه شیعه انجام پذیرفت که بیشتر معطوف به حجیت و میزان دلالت فعل و تقریر معصومان علیهم السلام، به عنوان دلیل غیر لفظی در اثبات حکم شرعی، بود (ر.ک: میرزای قمی، 490؛ صدر، 1 / 97، 171، 231 - 233؛ توحیدی، 1 / 522؛ 4 / 188). اهل سنت نیز برای استنباط احکام از سیره نبوی، کتابهایی نوشته اند، که از جمله آنهاست:

زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ابن قیم جوزی؛ فقه السیره، محمد غزالی؛ و فقه السیره، محمد سعید رمضان بوطی. به نظر می رسد که سیره پژوهی، نخست نیازمند تبیین منابع و راههای اثبات اصل یک سیره، و سپس کشف منطق حاکم بر رفتار است. همچنین در کارکردها و دلالتهای سیره، باید اهدافی گسترده تر از اثبات یکی از احکام خمسة شرعی در نظر گرفته شود.

منابع و راههای اثبات سیره

کتابهای تاریخ و سیره و گاه منابع روایی، از مهم ترین منابع دستیابی به سیره معصومان اند، اما کشف سیره، به معنای روش و منطق عملی در رفتار معصومان علیهم السلام، با کمک عقل و نقل انجام می پذیرد. لازمه عقلی معصومیت و الگو بودن برخی اشخاص از نظر دین، آن است که اصول حاکم بر همه رفتارهای آنان، کاملاً بر اهداف و آرمانها و روشهای مطلوب از منظر دین منطبق باشد. در مواردی ممکن است از نظر گزارش تاریخی، مستند معتبر در دسترس نباشد.

برای کشف سیره معصومان علیهم السلام، سه نوع منبع نقلی وجود دارد: قرآن کریم، احادیث معصومان علیهم السلام و گزارشهای تاریخی.

1. قرآن کریم، اولین و مهم ترین منبع در سیره پژوهی است. قرآن کریم گاه به وقایع تاریخی دوره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و افعال و گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده (ر.ک: اسراء، 1: فتح، 18، 29) و گاه مطالبی را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده یا برخی از ویژگیهای آن حضرت صلی الله علیه و آله را یادآور شده است (ر.ک: آل عمران، 159؛ توبه، 88، 128؛ قلم، 4) که از آنها می توان به سیره آن حضرت صلی الله علیه و آله پی برد. در مورد بعضی دیگر از معصومان علیهم السلام، هرچند قرآن مستقیم از آنان نام نبرده، ولی طبق ادله معتبر، برخی از آیات (مانند آیات 8 و 9 سوره انسان در شأن آنان نازل شده

است که از این طریق نیز می توان سیره ایشان را به دست آورد. از این گذشته، قرآن کریم در آیات فراوانی، به صورت کلی، ویژگیها و اصول حاکم بر رفتارهای متقین، ابرار، صابران، و بندگان شایسته و مقرب درگاه الهی را ذکر کرده است (ر.ک: بقره، 5، 156؛ آل عمران، 114؛ انفال، 3 - 4؛ مؤمنون، 1 - 6، 8 - 9). با توجه به دلایل قطعی از اینکه معصومان علیهم السلام برترین مخلوقات هستند، یقین حاصل می شود که این اصول و ویژگیهای قرآنی، در رفتار آنان به عالی ترین صورت وجود داشته است، هر چند که درباره همه رفتارهای آنان گزارشهای تاریخی معتبر موجود نباشد.

2. احادیث معصومان علیهم السلام، نیز از منابع و راههای اثبات سیره، هم به معنای اصطلاحی آن، هم به معنای منطق عملی و رفتار است. در پاره ای از روایات، وقایع تاریخی در زندگی معصوم و نحوه رفتار او گزارش شده است. گاه روایتی حکایت از استمرار و تکرار یک رفتار در زندگی معصوم دارد. مثلاً نقل شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانَ» (حمیری قمی، 93)، یعنی عادت همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله تغییر نامهای زشت انسانها و شهرها بود. گاه خود معصوم سیره خود را بیان کرده است. مثلاً در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است که خداوند مرا امام و پیشوای خلقش قرار داد، پس بر من واجب ساخت که درباره خود، خوراک، نوشیدنی و پوشاک بر خود سخت گیرم و مانند افراد ضعیف باشم تا فقیر به فقیرم اقتدا کند و توانگر با ثروت خود سرکشی نکند (کلینی، 1 / 410). در برخی موارد، امام معصوم علیه السلام به سیره معصومی دیگر تصریح کرده است. مثلاً در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که سیره امیر مؤمنان علیه السلام در برخورد با اهل بصره، همانند سیره

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه بود (ر.ک؛ طوسی، 6 / 155). گاه درباره یک رفتار مستمر، روایتی وجود ندارد، ولی درباره لزوم یا استحباب انجام دادن آن یا ترک رفتار دیگر در اوضاع خاص، روایت یا روایت‌هایی هست. چنین آموزه‌هایی در سخن معصومان علیه السلام - با توجه به اصول کلامی راجع به اسوه بودن و عصمت و جایگاهشان در هدایت - بیانگر منطق حاکم بر رفتار آنان است و طبیعتاً اطمینان حاصل می‌شود که سیره عملی آنان نیز چنین بوده است، مگر آنکه قراین قطعی داشته باشیم که برای آن معصوم، امکان عمل به گزاره‌های بدیل وجود نداشته یا اوضاع و مصالح ویژه‌ای در میان بوده است.

3. گزارشهای تاریخی. از دیگر منابع دریافت سیره، کتابهای سیره و تاریخ است که در آنها، ضمن نقل حوادث تاریخی، بسیاری از رفتارها و گفتارهای معصومان علیهم السلام در بستر حوادث تاریخی گزارش شده است. گاه رفتارهای گزارش شده، امری مستمر بوده اند، که نحوه بیان، این استمرار را نشان می‌دهد. مثلاً گفته شده است: «كَانَ يُصَلِّي» (نماز می‌گزارد) (اربلی، 3 / 20؛ ذهبی، 4 / 392، 403؛ صالحی شامی، 8 / 28). در موارد بسیاری نیز گزارشها راجع به روش مستمر نیست. چون در این منابع، اصول حاکم بر رفتارها تحلیل و تبیین نمی‌شوند، مستقیماً سیره به معنای منطق رفتار را بیان نمی‌کنند، ولی اگر این منابع با تکیه بر برخی مباحث عقلی - که در علم کلام بیشتر مورد توجه است - و آیات قرآن و نیز روایات معصومان علیهم السلام، در کنار حقایق علمی که امروزه آشکار شده است، بررسی شوند، بسیاری از اصول حاکم بر رفتارهای معصومان علیهم السلام روشن می‌گردد.

در منابع تاریخی، گاه فقط گزارش معتبری از یک رفتار برای یک بار وجود دارد،

ولی با توجه به آنکه معصومان علیهم السلام کامل اند و در همه امور، اسوه و مقتدای دیگر انسانها هستند، همه رفتار و گفتارشان حکیمانه و بر اساس اصولی خاص است، بنابراین، اگر در جایی، رفتاری خاص داشته باشند و برای موردی بودن آن رفتار، قرآینی نباشد، انتظار می رود که در موقعیتهای کاملاً مشابه، همان رفتار را داشته باشند. البته آنچه گفته شد، با برخی تفاوت‌های جزئی منافاتی ندارد. مثلاً در بسیاری از منابع حدیثی و روایی آمده است که معصومان علیهم السلام، پس از نماز، به تسیحات و تعقیبات می پرداختند، ولی دعاها و تعقیباتشان متفاوت بوده است، که این موضوع با اصل سیره و الگوپذیری از آن منافاتی ندارد.

این نکته (ثبات منطبق رفتار) یکی از مهم ترین موارد اختلاف منطبق رفتار معصومان علیهم السلام با دیگر انسانهاست. برای کشف منطبق رفتار انسانهای غیر معصوم، به گزارشهای فراوان دالّ بر استمرار یک فعل نیاز داریم و همین معناست که از مفهوم لغوی سیره گرفته شده است (ر.ک: فیومی، 299). در علم فقه و اصول نیز وقتی از حجیت سیره عقلا یا سیره متشرعه سخن به میان می آید، همین معنای استمرار در رفتار و رویکرد منظور است که باید با گزارشها و دلایل قطعی ثابت شده باشد (ر.ک: نراقی، 691 - 692، 692، 829؛ خراسانی، 235، 303، 449؛ حکیم، 199)، ولی در مورد معصومان علیهم السلام، با توجه به نقش و جایگاهشان، برای اثبات استمرار، در همه موارد، به چنین گزارشهایی نیاز نداریم.

حجیت سیره

حجیت و اعتبار سیره از مهم ترین مباحث درباره سیره است. برای اثبات حجیت سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، با توجه به شأن و جایگاه رهبری آنان، ادله گوناگونی از عقل، قرآن و روایات عرضه شده است (ر.ک: میرزای قمی، 491 - 492؛ مظفر، 3 / 66 - 68، صدر، 1 / 232)، مانند دلایل وجوب اطاعت از

(آل عمران، 31: نساء، 59)، دلایل اسوه بودن آنان (احزاب، 21) و دلایل عصمت ایشان (احزاب، 33؛ حر عاملی، 18 / 19 - 20). درباره سیره حضرت فاطمه علیها السلام نمی توان به ادله ای تمسک کرد که به لحاظ منصب رهبری، لزوم تبعیت از سیره معصوم را اثبات می کنند، اما با در نظر گرفتن جایگاه و موقعیت خاص معنوی حضرت علیها السلام، حجیت سیره ایشان را می توان اثبات کرد. این جایگاه خاص، با عصمت حضرت فاطمه علیها السلام ارتباط مستقیم دارد، که با دلایل متعدد از قرآن و روایات اثبات شده است (ر.ک: احزاب، 33، ترمذی، 5 / 30 - 31؛ صدوق، 1 / 182؛ 190 - 192، خزاز قمی، 185 - 186؛ طبرسی، مجمع البیان، 8 / 559 - 560؛ مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

مصونیت فرد از گناه و خطا، حجت بودن سخن و رفتار او را در پی دارد، زیرا به درستی آن رفتار اطمینان کامل پدید می آید، و معنای حجیت سیره معصوم همین است که انسان بتواند آن را سند و پشتوانه رفتار خود قرار دهد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توقیعی، به این موضوع درباره حضرت فاطمه علیها السلام تصریح کرده است: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من الگویی نیکوست) (طبرسی، الاحتجاج، 2 / 279؛ مجلسی، 53 / 180). حضرت فاطمه علیها السلام از جنبه های گوناگون (همسر داری، خانه داری، تربیت فرزند، و امور سیاسی و عبادی و معنوی و فرهنگی و اجتماعی) برای پیروانش الگوست.

دلالتها و کارکردهای سیره

دلالتها و کارکردهای سیره از منظر فقهی و اصولی برای اثبات یکی از احکام در حق دیگر مکلفان، و نیز از منظر علوم اجتماعی و سیاسی و تربیتی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. از دیدگاه فقهی و اصولی، استخراج احکام شرعی از اقوال و افعال و سیره معصومان علیهم السلام، بر دو بحث مبتنی است:

ص: 195

1. کشف حکم فعل صادر شده از معصوم علیه السلام. معمولاً گفته می شود کاری که معصوم انجام می دهد، بر چیزی بیش از اباحه فعل، دلالت ندارد، زیرا معصوم مرتکب فعل حرام نمی شود. ترک فعلی از ناحیه ایشان نیز، چون معصوم فعل واجبی را ترک نمی کند، بر بیش از واجب نبودن فعل، دلالت نمی کند و استفاده بیش از آن، به قرینه و دلیل نیاز دارد، مانند اینکه آن فعل، عبادی یا اخلاقی باشد؛ یا معصوم افعالی را که طبیعی و عادی نباشد، به طور مستمر انجام دهد؛ یا آنکه معصومی سیره یک معصوم دیگر را نقل کند تا دیگران به انجام دادن آن عمل، ترغیب شوند (این گونه قراین، بر رجحان و استحباب عمل دلالت دارد)؛ یا آنکه معصوم در مقام تبیین احکام و شرایط یک عمل واجب یا مستحب باشد، که به تبع آن، فعل معصوم بر وجوب یا استحباب آن عمل، دلالت دارد (ر.ک: وحید بهبهانی، 316؛ مظفر، 66/3، صدر، 97/1، 231 - 232؛ توحیدی، 522/1).

2. پس از روشن شدن حکم فعلی که معصوم انجام داده است، این سؤال مطرح می شود که آیا آن حکم، به معصوم اختصاص دارد یا شامل همه مکلفان می شود؟ بنا بر آرای، برخی احکام شریعت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علت اختصاص دارد، همچون وجوب تهجد بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

برخی از معتقدان به تعمیم، بر اساس قاعدة اشتراک در تکالیف، چنین استدلال کرده اند که معصومان علیهم السلام نیز همچون دیگر انسانها بوده و به همان چیزی مکلف بوده اند که دیگر انسانها بدان مکلف اند، مگر آنکه با دلیل خاصی، اختصاص یک حکم به آنان ثابت شود (ر.ک: مظفر، 68/3 - 69) یا گفته شده است که از آیات و روایات استفاده می شود که شارع مقدس، با بیان لزوم

اقتدا به معصومان علیهم السلام، در بیشتر موارد، احتمال دخالت مقام نبوت یا امامت را در اختصاص احکام به آنان، رد کرده است، مگر جایی که به دلیل قطعی ثابت شود انجام دادن یا ترک فعلی، به آن بزرگواران اختصاص داشته است (ر.ک: صدر، 1 / 232 - 233). سیر خود ائمه علیهم السلام و برداشت راویان، در نقل افعال معصومان علیهم السلام، نیز بیانگر این است که آنان در مقام بیان احکام و عرضه الگو بوده اند و دیگران را دارای حکمی مشابه می دانستند.

سیره و به طور کلی رفتار معصومان علیهم السلام، علاوه بر تأثیر گذاری در استنباط احکام شرعی، از منظر علوم اجتماعی، تربیتی، سیاسی و غیره نیز اهمیت ویژه ای دارد. سیره در تربیت رفتار انسانها، دارای نقشی تردیدناپذیر است، چنان که در قرآن، بر اسوه گیری از سیره و رفتار برترین شخصیت عالم هستی، یعنی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تأکید شده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» (احزاب، 21).

مهم ترین نقش تربیتی سیره، نقش آموزشی و تأکیدی آن است؛ شیوه صحیح یک رفتار را معصوم (به عنوان الگوی برتر) ارائه می کند (نقش آموزشی)، و بر اساس آن، باور افراد به درستی آن رفتار و لزوم اهتمام و پایبندی به آن تقویت می گردد (نقش تأکیدی).

توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام، در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و غیره، در عصر کنونی، از آن حیث دارای اهمیت مضاعف است که بسیاری از مکاتب و اندیشه ها، وجود انسان را متغیر، سیال، و مقهور عوامل محیطی و تاریخی می دانند و بر آن اند که فکر، عقیده و عمل انسان، تابع محیط، اجتماع، اقتصاد، تاریخ و فرهنگ عمومی جامعه است. از این رو، حاکمیت هر گونه قانون ماندگار را، در

امور مربوط به انسان، نفی می کنند. در صورتی که سنت و سیره عملی معصومان علیهم السلام، بیانگر منطق اندیشه و منطق عملی ثابت ایشان است. آن بزرگواران در موقعیتهای گوناگون اجتماعی، بر اساس یک منطق عمل می کردند و بر اندیشه و رفتارشان، اصولی مشترک حاکم بود (مطهری، 16 / 63).

منابع

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی، مکتب الاعلام الاسلامی، 1414 ق؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ ترمذی، محمد بن عیسی (م. 279 ق.)، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبد اللطیف، بیروت، دار الفکر، 1403 ق؛ توحیدی، محمد علی، مصباح الفقاهه، تقریرات درس سید ابوالقاسم موسوی خوئی، قم، انتشارات انصاریان، 1417 ق؛ حر عاملی، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشیعه، تحقیق ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق؛ حکیم، سید محمد تقی، الاصول العامة للفقه المقارن، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1979 م؛ حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (م. 300 ق.)، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1413 ق؛ خراسانی، محمد کاظم (م. 1329 ق.)، کفایة الاصول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1409 ق؛ خزاز قمی، علی بن محمد (م. 400 ق.)، کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات بیدار، 1401 ق؛ ذهبی، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرسالة، 1413 ق؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار العلم، 1412 ق؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف

(م. 942 ق.)، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، سلام دار الكتب العلمية، 1414 ق، صدر، سيد محمد باقر (م. 1402 ق.)، دروس في علم الاصول، قم، نشر اسلامي، 1410 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ طبرسي، احمد بن علي (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمد باقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1372 ش؛ طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، المكتبة المرتضوية، 1375 ش؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1364 ش؛ فيومي، احمد بن محمد (م. 770 ق.)، المصباح المنير، قم، دار الهجرة، 1405 ق؛ مجلسي، محمد باقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمد باقر بهبودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ مطهري، مرتضى (م. 1358 ش.)، مجموعه آثار استاد شهيد مطهري، تهران، انتشارات صدرا، 1377 ش؛ مظفر، محمدرضا (م. 1388 ق.)، اصول الفقه، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1370 ش؛ ميرزاي قمي، ابوالقاسم (م. 1231 ق.)، قوانين الاصول، چاپ سنگي؛ نراقي، احمد بن محمد مهدي (م. 1245 ق.)، عوائد الايام، مكتب الاعلام الاسلامي، 1417 ق؛ نهج البلاغه، الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضي، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق؛ وحيد بهبهاني، محمد باقر (م. 1205 ق.)، الفوائد الحائريه، قم، مجمع الفكر الاسلامي، 1415 ق.

سيد علي حسيني زاده و احمد مهدي زاده

اخلاق و آداب و روش حضرت فاطمه علیها السلام در زندگی فردی و اجتماعی.

اخلاق، جمع خُلُق یا خُلُق است، به معنای سَجَّیَه و طبع و عادت، که با خَلْق از یک ریشه اند، با این تفاوت که خَلْق، صفات و صورتهای ظاهری و جسمانی است که با قوه بینایی درک می شود و خُلُق، صورت و سیرت باطنی و نفسانی انسان است (طریحی، 1 / 692 - 964؛ زبیدی، 13 / 124). در قرآن کریم نیز واژه خُلُق در همین معنا به کار رفته است (ر.ک: شعراء، 137؛ قلم، 4).

در اصطلاح، اخلاق به آن دسته از ویژگیها و ملکات نفسانی اطلاق می شود که با آنها، افعال انسان به آسانی از او سر می زنند (خواجه نصیر طوسی، 64). این ملکات بر اثر عواملی همچون تکرار فعل، حصول معرفت و بصیرت لازم، تأمل و تفکر یا عنایات الهی، نوعی ثبات و رسوخ در نفس می یابند که به آسانی زوال نمی پذیرند. برخی از معاصران، اخلاق را بر هر کاری اطلاق نموده اند که متصف به حُسن یا قُبْح، و صاحبش مستحق مدح یا ذم باشد، حتی اگر هنوز به صورت صفتی راسخ در نفس در نیامده باشد (مصباح یزدی، 9 - 10). علامه طباطبائی در فرق بین آداب و اخلاق، آداب را جمع ادب، و ادب را حالت نیکویی دانسته که سزاوار است فعل انسان مطابق آن باشد (خواه به لحاظ دینی و شرعی، خواه به لحاظ عقلی و اجتماعی)، و اخلاق را ملکات روحی و راسخه ای تعریف کرده است که نفوس انسانی به آنها متلبس می شود و در نهایت، اخلاق را منشأ آداب، و تعیین کننده نحوه و حالات عمل انسان شمرده است (المیزان، 6 / 256 - 257؛ سنن النبی صلی الله علیه و آله، 36).

بنابراین، آداب بیانگر صفات خارجی و اخلاق بیانگر صفات نفسانی و باطنی است و از نظر او، این دو با هم متلازم اند و اطلاق آداب بر کارهای ناپسند، از نظر عقل و دین صحیح نیست (سن النبی صلی الله علیه و آله، 7).

سیره به معنای عادت فرد، از صحیح و ناصحیح (جرجانی، 163؛ مناوی، 420)، و روش و کردار و چگونگی رفتار با مردم (بستانی، 507)، اعم از غریزی و اکتسابی، است (راغب اصفهانی، 247؛ مناوی، 420)، ولی سیره اخلاقی معصومان علیهم السلام، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، مجموعه رفتارهایی است که از خصلتها و ملکات اخلاقی ایشان ناشی شده که از مبدأ وحی سرچشمه گرفته و از نظام و معیار و منطق ثابتی برخوردار است (مقاله سیره شناسی). سیره اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام از رفتارها و آداب فردی و اجتماعی حضرت علیها السلام جدا نیست و بنابراین، در دو حوزه بحث می شود: اخلاق فردی که از ملکات و آداب و مجموعه رفتارهای فرد در زندگی شخصی خودش حکایت دارد؛ اخلاق اجتماعی، که بیانگر تعامل شخص با دیگران در اجتماعات خُرد و کلان است.

اخلاق فردی

اشاره

در نگاه دینی و سیره معصومان علیهم السلام، توجه به نیازهای طبیعی در حد اعتدال، وسیله ای برای قوّت گرفتن در جهت سلوک معنوی و رسیدن به کمال و قرب الهی است. در زندگی حضرت فاطمه علیها السلام درباره نیازهای مادی و معنوی، ویژگیهای برجسته ای وجود دارد که به آنها پرداخته خواهد شد.

1. اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی

حضرت فاطمه علیها السلام، با وجود جایگاهش، همچون دیگر زنان خانه دار، امور خانه (مانند پخت و پز و تهیه آرد) را شخصاً بر عهده داشت (کلینی، 8/165؛ صدوق، علل الشرایع، 2/366) و در صورت امکان، غذاهای متنوعی چون گوشت طبخ شده (احمد بن حنبل، 6/282؛ حمیری قمی، 325) حلوا و کاجی

ص: 201

می پخت (طبری، جامع البیان، 22 / 11). سیره آن حضرت علیها السلام در تهیه غذای مورد نیاز، رعایت جنبه اقتصادی خانواده بود، دچار تکلف نمی شد و چیزی بر همسرش تحمیل نمی کرد (عیاشی، 1 / 171؛ مجلسی، 43 / 31).

2. پوشاک

حضرت فاطمه علیها السلام دو ویژگی سادگی و پوشانندگی را در پوشیدن لباس مراعات می کرد. وصله های چادر فاطمه علیها السلام که سبب اظهار شگفتی سلمان فارسی شد (ابن طاووس، الدرر الوقیه، 275) و بلندی و پوشاننده بودن چادر حضرت علیها السلام هنگام رفتن به مسجد برای احتجاج با ابوبکر (مغربی، شرح الاخبار، 3 / 34؛ ابن طیفور، 12، 15؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 111)، نمونه هایی از سیره حضرت علیها السلام در پوشش و لباس است. سادگی و زاهدانه بودن لباس فاطمه علیها السلام، به سیره آن حضرت علیها السلام در مراعات حال فقیرترین مسلمانان برمی گردد.

3. بهداشت

حضرت فاطمه علیها السلام در امور بهداشتی، به سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و دستور اسلام عمل می کرد که نظافت را از ایمان شمرده است (مجلسی، 59 / 291). روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق صدیقه کبری علیها السلام نقل شده است، حاکی از اینکه کسی که بخوابد در حالی که دستانش آلوده به چربی باشد، [در صورت آسیب دیدن] جز خودش را ملامت نکند (دولابی، 138؛ اربلی، 2 / 176، 204). سخن امیر المؤمنین علیه السلام در وصف فاطمه علیها السلام، مبنی بر جارو زدن خانه (ابو داوود سجستانی، 2 / 489؛ صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ همو، من لا یحضره الفقیه، 1 / 321)، بیانگر پایبندی حضرت علیها السلام بر بهداشت و اقدام مستقیم ایشان برای نظافت خانه است.

4. زینت

حضرت فاطمه علیها السلام، همانند دیگران، به آراستن خانه و زندگی خود توجه داشت. استفاده از گردن بند (صدوق، الامالی، 552؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 95؛ اربلی، 2 / 99) و دستبند و نیز آویختن پرده از در خانه (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94)،

از نمونه های آن است. اما حضرت علیها السلام در میزان زینت، مصالح اجتماعی را از نگاه رسول الله صلی الله علیه و آله رعایت می کرد. لذا، هنگامی که گردن بندی آویخته بود، به محض احساس نارضایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن را به فقیری بخشید، که موجب خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله شد (صدوق، الامالی، 552؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 95؛ ابن شهر آشوب، 3 / 121). همچنین در استفاده از پرده و دست بندی که از سهم غنایم امیر المؤمنین علیه السلام بود، فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله، ناخشنودی وی را احساس کرد و آنها را به دست حسن و حسین علیهما السلام داد که به پیامبر صلی الله علیه و آله بدهند و آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز آنها را بین اصحاب صفّه، که بسیار فقیر بودند، تقسیم کرد و فاطمه علیها السلام را دعا نمود و از برخوردار وی از زینتهای بهشتی خبر داد (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94 - 95). در حدیثی، حضرت فاطمه علیها السلام گفته است که به انگشت کردن انگشتری عقیق، سبب مواجهه با خیر می شود (طبرانی، المعجم الاوسط، 1 / 39؛ طوسی، الامالی، 311)، که نوعی تشویق به تزئین است.

5. رضا و تسلیم

سیره خاص حضرت فاطمه علیها السلام، صبر در برابر ناملایمات و واگذاری امور به خدا بود، که نتیجه آن رضایت و تسلیم بود. لذا، همه سختیهای زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی خود را، چون خواست الهی و در مسیر نیل به قرب او می دید، بدون اعتراض و شکوه، تحمل می کرد و حتی اظهار رضایت می نمود. از این رو، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش از به دنیا آمدن حسین علیه السلام، خبر شهادت او را داد، فاطمه علیها السلام صبر پیشه کرد و از این طریق، رضای خود را به قضای الهی نمایان ساخت (کلینی، 1 / 464؛ ابن قولویه قمی، 124). آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را دید که لباسی از پشم شتر پوشیده و مشغول آسیاب کردن است و فرزندش را نیز شیر می دهد، با چشمان اشک بار به وی توصیه

فرمود که تلخی دنیا را برای نیل به شیرینی آخرت بچشد، فاطمه علیها السلام با شکر و سپاس، تسلیم بودن و رضای خود را در مقابل تقدیر الهی اظهار کرد (اسکافی، 6 طبرسی، مکارم الاخلاق، 117، 235؛ ابن شهر آشوب، 3/120).

6. خوف از خدا و یاد مرگ

صدیقه کبری علیها السلام درباره معاد به مراتب یقین رسیده بود و سیره او در این خصوص، بر اظهار خوف و ترس از روز قیامت و نیز امیدواری به فضل الهی استوار بود، که در قالب مناجات و دعابه پیشگاه الهی عرضه شده است. حضور حضرت علیها السلام بر مزار درگذشتگان و اقامه نماز و عزاداری و گریه بر آنان، علاوه بر اینکه سیره حضرت علیها السلام را در زیارت اهل قبور نشان می دهد، حاکی از اعتقاد راسخ آن حضرت علیها السلام به معاد است. نوشتن وصیت و مهیای مرگ بودن نیز مؤید آن است. بنا بر نقل سیره نویسان، فاطمه علیها السلام پس از شهادت حمزه، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، در هر جمعه (حاکم نیشابوری، 1/377؛ بیهقی، السنن الکبری، 4/78؛ سمهودی، 3/111) و بنا بر روایت امام صادق علیه السلام، پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، روزهای دوشنبه و پنجشنبه (کلینی، 3/228؛ 4/561)، به زیارت قبر حمزه و دیگر شهدا می رفت و نماز می گزارد و می گریست. شدت این امر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و ظلم بر اهل بیت علیهم السلام بیانگر نارضایی از وضع موجود و اعتراض به حاکمان بود. به فرموده حضرت علیها السلام، علت اقدام غاصبان خلافت، فریفته شدن آنان به آرزوهای دنیوی و فراموشی مرگ و جهان آخرت است (خزاز قمی، 198 - 200). وصیتنامه آن حضرت علیها السلام، نمونه دیگری از یاد مرگ و جهان آخرت است (فتال نیشابوری، 151؛ مجلسی، 43/191 - 192). از نکاتی که در وصایای حضرت علیها السلام بر آن تأکید شده، سفارش به همسرش مبنی بر کثرت تلاوت قرآن و دعا بر سر مدفن وی است (مجلسی، 79/27)، که بیانگر سیره حضرت علیها السلام و بازماندگان وی در یادکردن

درگذشتگان، و یادآور نیاز آنان به احسان زندگان است (مقاله وصایای فاطمه علیها السلام).

7. طاعت

سیره حضرت فاطمه علیها السلام اطاعت محض از دستوره‌های خدا و رسول صلی الله علیه و آله بود (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94 - 95)، تاحدی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور، 63) نازل شد. فاطمه علیها السلام برای اطاعت از آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله را «یا رسول الله» خطاب کرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله وی را از این کار منع نمود و خطاب الهی را متوجه وی و فرزندانش ندانست و گفت اینکه مرا پدر خطاب کنی، مایه شادی قلب من و رضایت خداست (ابن شهر آشوب، 3 / 12). هنگامی که خداوند دستور داد در خانه‌هایی را که به مسجد باز می‌شود، ببندند، فاطمه علیها السلام به همراه فرزندانش، حسن و حسین علیهما السلام، بیرون خانه منتظر دستور پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان گفت که شما جان پیامبرید و از این دستور مستثنا هستید (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 17؛ مجلسی، 39 / 23).

در سفر حجة الوداع، در سال دهم هجرت، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آموزش عملی حج ابراهیمی به مردم، بدان اقدام کرد و فاطمه علیها السلام نیز در این سفر همراه پدر بود، هنگامی که مسلمانان از اعمال عمره فارغ شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد از احرام خارج شوند و محرّمات احرام را بر آنان حلال اعلام کرد. فاطمه علیها السلام نیز چنین کرد. امیر المؤمنین علیه السلام، که برای مأموریت به یمن رفته بود، در مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله پیوست و هنگامی که فاطمه علیها السلام را آراسته و با لباس رنگین مشاهده کرد، با شگفتی علت را جویا شد و فاطمه علیها السلام دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را دلیل خروج از احرام بیان کرد (دارمی، 2 / 47؛ مسلم نیشابوری، 4 / 40؛ طوسی، الامالی، 401 - 402). هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام از یمن بازگشت، فاطمه علیها السلام مقداری از گوشت قربانی را برای همسرش آورد و گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله خوردن آن را مجاز کرده است (احمدبن حنبل، 6 / 282؛ هیثمی، 4 / 27).

8. زهد و دنیاگریزی

زندگی فردی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام، حاکی از سیره زاهدانه و وابستگی نداشتن وی به دنیاست. جای جای زندگی فاطمه علیها السلام گواه آن است که وی تنها خواستار کسب رضایت خدا بود، هرچند که به محرومیت او از مظاهر مادی می انجامید. زندگی دشوار فاطمه علیها السلام در دوره فقر اقتصادی مسلمانان، همراه با ایثار و انفاق بود. وی از دنیاگرایی دوری می جست و از وابستگی به مظاهر دنیوی بیزار بود (ابن عقده کوفی، 62؛ ابن طیفور، 19؛ صدوق، معانی الاخبار، 354، 356).

9. صبر و استقامت

صبر از فضایل اخلاقی است که در متون دینی بر آن تأکید بسیار شده و بندگان صالح الهی، به ویژه پیامبران علیهم السلام، به داشتن آن وصف شده اند (ر.ک: آل عمران، 146). در بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این فضیلت اخلاقی، جزئی از ایمان است (احمد بن حنبل، 4 / 385؛ بخاری، التاريخ الكبير، 5 / 25؛ ابن ابی الدنيا، 31). در سیره حضرت فاطمه علیها السلام، صبر جایگاهی خاص دارد. عمر کوتاه آن حضرت علیها السلام پر از سختیها و مصائبی بود که جز با صبر فوق العاده، نمی توانست بر آنها فائق آید و همچنان مسیر هدایت را بپیماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز، با توجه به مشکلاتی که در آینده متوجه خاندانش می شد، حضرت فاطمه علیها السلام را به صبوری سفارش می کرد و به نقل از جبرئیل، به او خبر داد که مصائبی فراتر از همه زنان مسلمان خواهی داشت، پس صبر تو نیز باید فراتر از صبر همه آنان باشد (صالحی شامی، 12 / 251). لذا، در یکی از زیارتنامه های حضرت فاطمه علیها السلام، به حضرت علیها السلام «سربلند بیرون آمده از امتحان صبر» خطاب شده است (مفید، المزار، 178). این آزمون مربوط بود به مشکلات اقتصادی و مصائبی که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پدید آمد. فاطمه علیها السلام، پایه پای رسول خدا صلی الله علیه و آله، زندگی خویش را متناسب با فقیرترین افراد جامعه کرده

بود و گاه گرسنگی چندروزه را تحمل می کرد، اما سخنی نمی گفت که نشان از نارضایتی و شکوه از همسر یا پدرش باشد (طوسی، الامالی، 185). در بُعد سیاسی نیز او، همپای علی علیه السلام، فقط برای مصالح اسلام، اقدام می کرد. در یک مورد، فاطمه علیها السلام قیام مسلحانه را با همسرش مطرح کرد و هنگام اذان شد و علی علیه السلام با اشاره به شهادت مؤذن بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، بقای این ندا را منوط به صبر دانست، فاطمه علیها السلام نیز سکوت کرد و پذیرفت (ابن ابی الحدید، 113 / 11؛ مجلسی، 625 / 29).

10. سکوت و صداقت

سکوت و بجا سخن گفتن، از فضایی است که پیامبران و اولیای الهی، هم به آن عمل و هم بر آن تأکید کرده اند. در روایات، این ویژگی، دری از درهای حکمت، موجب کسب محبت، دلیل و راهنمایی بر خیر، و دلیل تفکر خواننده شده است (حمیری قمی، 369؛ کلینی، 1 / 16؛ 113 / 2؛ صدوق، الخصال، 158). همچنین در سیره حضرت فاطمه علیها السلام تأکید شده است که اگر فرد بخواهد سخن نیک بگوید، صداقت از مهم ترین ویژگیهای سخن نیکوست. به گفته عایشه، فاطمه علیها السلام نمونه آشکار راست گویی است (مغربی، شرح الاخبار، 65 / 3؛ حاکم نیشابوری، 160 / 3 - 161؛ زرندی، 182؛ مجلسی، 53 / 43، 68).

11. عفت و حیا

این ویژگی حضرت فاطمه علیها السلام در طول زندگانش نموده‌های بسیاری داشته است که برای زنان هر عصری آموزنده و الگوست. او بهترین زنان را کسانی می دانست که کمترین ارتباط را با مردان نامحرم داشته باشند (طبرسی، مکارم الاخلاق، 233؛ اربلی، 2 / 94؛ هیثمی، 4 / 255؛ 202 / 9 - 203). حجاب فاطمه علیها السلام، در عین زاهدانه بودن و سادگی، کامل بود، به گونه ای که سرتاپای او را می پوشاند. سادگی آن، چنان بود که سلمان با شگفتی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت که پوشش و لباس دختران کسری و قیصر از سُنْدُس و حریر است، اما دختر محمد صلی الله علیه و آله چادر پشمین

کهنه ای با دوازده وصله دارد (ابن طاووس، الدرر الوقیه، 275). بلندی چادر فاطمه علیها السلام تا پاهای او را می پوشاند. در روایات آمده است که آن حضرت علیها السلام، برای ایراد خطبه فدکیه، با مقنعه و چادری که گاه به زیر پایش می آمد، به مسجد رفت و بر ابوبکر وارد شد و پرده ای آویختند و او در پس پرده نشست (طبری امامی، دلائل الامامه، 110 - 111؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 131 - 132). از این روایت (که در آن به آویختن پردهای حائل میان او و مردان تصریح شده است) و روایات مشابه، پرهیز او از همنشینی با مردان نامحرم آشکار می گردد. نیز آمدن مردی نابینا همراه پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیها السلام (مغربی، دعائم الاسلام، 2 / 214؛ راوندی، 119)، شاهد دیگری بر حفظ پوشش و حریم خود با نامحرم است. طبرسی، ضمن نقل روایاتی که بر اساس آنها زنان باید مقنعه هایی به سر کنند که پوشش لازم را ایجاد کند، به روایتی از امام باقر علیه السلام اشاره کرده که گفته است بلندی مقنعه فاطمه علیها السلام تا وسط بازوانش بود (مکارم الاخلاق، 93)، و طبعاً گردن و سینه نیز با چنین مقنعه ای پوشانده می شود. حیای فاطمه علیها السلام چنان بود که از عریانی قیامت می هراسید (اربلی، 2 / 118 - 119) و هنگام رحلت، توصیه کرد تابوتی برایش بسازند تا حجم بدنش آشکار نشود (دولابی، 153 - 154؛ اربلی، 2 / 126).

اخلاق اجتماعی

اشاره

رفتارهای انسان در محیط خانواده با والدین و همسر و فرزندان و در جامعه با دیگر مردم، در محدوده اخلاق اجتماعی جای می گیرد.

1. خانواده

در زندگی خانوادگی، انسان با پدر، مادر، همسر، فرزندان، و خویشان نسبی و سببی در ارتباط است. چون عصمت حضرت فاطمه علیها السلام از اصول پذیرفته شده و برگرفته از کتاب و سنت است، چگونگی رفتار او با خانواده برای همه نسلها آموزنده و الگوست. در این بخش، به طور گذرا، سیره حضرت علیها السلام را

ص: 208

در رفتار او با والدین، همسر و فرزندان بررسی خواهیم کرد.

والدین: حضرت فاطمه علیها السلام از نعمت وجود پدری همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و مادری همچون خدیجه علیها السلام برخوردار بود. هر چند دوره درک زندگانی مادر برای فاطمه علیها السلام بسیار کوتاه بود و در حدود پنج سالگی، مادرش را از دست داد، اما حتی سالها پس از رحلت خدیجه علیها السلام نیز از فضایل او یاد و از وی دفاع می کرد. سالها پس از رحلت خدیجه علیها السلام، عایشه از ازدواج خدیجه علیها السلام، در سن بالا با پیامبر صلی الله علیه و آله، سخن گفت و فاطمه علیها السلام را آزرده. فاطمه علیها السلام، برای شکر، نزد پدر رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله با دلجویی از او، خدیجه علیها السلام را ظرف امامت خواند (ابن شهر آشوب، 3 / 114؛ مجلسی، 43 / 43). فاطمه علیها السلام منزلت مادر را بسی والا، و خدمت به او را لازمه رسیدن به بهشت می دانست (متقی هندی، 16 / 462). نحوه برخورد فاطمه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله با یکدیگر و ابراز محبتشان به هم، بی نظیر بود. محبت خاص بین آن دو، ریشه در محبت الهی داشت؛ فاطمه علیها السلام در وجود پدر، به عنوان آخرین سفیر الهی، سیمای محبوب ترین بنده خدا را می دید و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از فاطمه علیها السلام بوی بهشت را استشمام می کرد (صدوق، علل الشرایع، 1 / 183) و در میان دخترانش، او را بهترین معرفی می نمود و مصیبت‌هایی را که وی در راه دین و پیامبر صلی الله علیه و آله محتمل خواهد شد، یادآوری می کرد (حلی، 2 / 454). وقتی فاطمه علیها السلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله دست او را می بوسید و او را به جای خود می نشاند (حاکم نیشابوری، 3 / 154؛ طوسی، الامالی، 400؛ طبری، بشارة المصطفی، 389). این محبت قلبی، متقابل بود. فاطمه علیها السلام، به هیچ وجه طاقت ناراحتی و حزن پدر را نداشت. در دوران سخت مکه، هنگامی که مشرکان، محتویات شکم شتر را بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله ریختند، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می گزارد، فاطمه علیها السلام با وجود سن کم،

به پاک کردن آلودگی از دوش پدر و ملامت مشرکان پرداخت و ابوطالب را باخبر کرد. در نوبتی دیگر، هنگامی که در حجر اسماعیل بود، سخن مشرکان را شنید که تصمیم به ضرب و شتم رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند، بلافاصله پدر را باخبر ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله به او آرامش داد (ر.ک: بیهقی، دلائل النبوه، 2 / 277 - 280). پیامبر صلی الله علیه و آله طبق معمول، پس از بازگشت از جنگها ابتدا به مسجد می رفت و دو رکعت نماز می گزارد و سپس، قبل از هر جای دیگر، به خانه فاطمه علیها السلام می رفت. در بازگشت از یکی از جنگها، فاطمه علیها السلام به محض دیدن پدر، شروع به بوسیدن چهره او و چشمانش کرد و گریست، و سبب گریه خود را مشاهده چهره غبار آلود و خسته و لباس پاره پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله، برای آرام کردن او، گفت که رسالت من اتمام حجت بر مردم است که با آن، گروندگان به عزت، و مخالفان به ذلت خواهند افتاد (حاکم نیشابوری، 3 / 155؛ سیدرضی، 420؛ ابن عساکر، 40 / 537). فاطمه علیها السلام در سختیها همراه پدر بود. در غزوه احد، هنگامی که جراحت صورت پدر را دید، ناله سرداد و خواستار شدت غضب خدا بر کسانی شد که چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله را خونین کرده اند (طبرسی، اعلام الوری، 1 / 179)، و به شستن خون و درمان جراحت با خاکستر حصیر پرداخت (بخاری، صحیح، 5 / 38). هنگام حفر خندق در جنگ احزاب، فقر شدیدی بر مسلمانان حاکم بود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سه روز غذا نخورده بود. فاطمه علیها السلام مقداری از نانی را که برای حسن و حسین علیهما السلام پخته بود، به کنار خندق برای پدر برد (زید بن علی، 461؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 43؛ طبری، ذخائر العقبی، 47). هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام با یک درهم، مقداری گوشت و ذرت تهیه کرده بود، فاطمه علیها السلام گفت کاش پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز فرامی خواندی. علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و او را دید که خوابیده است و از

خواهیدن با حالت گرسنگی به خدا استعاذه می کند. آن غذا به اعجاز نبوی صلی الله علیه و آله چنان بابرکت شد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسایگان نیز با خوردن آن سیر شدند (ابن سعد، 1 / 187؛ حمیری قمی، 325 - 326؛ قطب راوندی، 1 / 108). بر اساس روایت ام سلمه، فاطمه علیها السلام با ظرفی حاوی کاجی نزد پدر رفت و آن را تقدیم او کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله سراغ علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام را گرفت و با آمدن آنان، دعا کرد. در پی آن، آیه تطهیر (احزاب، 33) نازل شد (کوفی، 2 / 151 - 152؛ ابن بطریق، 35 - 36). در موردی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله میهمان فاطمه علیها السلام شد. در خانه فاطمه علیها السلام غذایی نبود، اما او از پدر به گرمی استقبال کرد، سپس به گوشه ای از خانه رفت و به نماز ایستاد و با دعای او، مائده ای آسمانی نازل شد (ابن حمزه طوسی، 221 - 222؛ ابن حاتم عاملی، 140). به وقت احتضار پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام نگران ترین و محزون ترین کس بود. از شدت گریه او، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گریست و او را در بر گرفت و بشارت داد: «تو اولین کس از اهل بیت علیهم السلام هستی که به من محلق میشوی.» با این بشارت، فاطمه علیها السلام آرام گرفت (خزاز قمی، 36 - 37؛ مجلسی، 36 / 288). هنگامی که معاذبن جبل از عایشه حال پیامبر صلی الله علیه و آله را پرسید، عایشه او را به فاطمه علیها السلام ارجاع داد، زیرا فاطمه علیها السلام همواره کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (ابن حجر عسقلانی، 8 / 253؛ مرعشی نجفی، 10 / 437). فاطمه علیها السلام در روزهای بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله، از همسران آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز غافل نبود و نزد آنان می رفت و اظهار می داشت برای پیامبر، آمدن نزد شما سخت و دشوار است (ابن سعد، 8 / 168؛ مرعشی نجفی، 10 / 437). شدت محبت او به پیامبر صلی الله علیه و آله به حدی بود که پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله، هنگامی که پیراهن پدر را بویید، بیهوش شد و از این رو، علی علیه السلام آن پیراهن را مخفی نمود (ابن مردویه اصفهانی، 196؛ مجلسی، 43 / 157، مقاله فاطمه علیها السلام همراه پیامبر صلی الله علیه و آله).

همسر: حضرت فاطمه علیها السلام هرگاه همسرش را غمگین می دید، از او دلجویی می کرد (ابن بطریق، 169؛ ابن طاووس، الطرائف، 149؛ اربلی، 1 / 335)، از دوری او اظهار بی تابی و نگرانی می نمود و ابراز می کرد که مشتاق دیدار اوست (مفید، الارشاد، 1 / 115). فراتر از توان همسرش، از او چیزی نمی خواست (کوفی، 1 / 201؛ عیاشی، 1 / 171؛ مغربی، شرح الاخبار، 2 / 401) و سختیها، مانع مزاح کردن او با همسرش نمی شد (شاذان قمی، 80). وی اصل ایثار به همسر و فرزندان را سرلوحه رفتارش قرار داده بود؛ از این رو، هنگام سختی معیشت، با وجود گرسنگی، اندک غذای موجود را تقدیم فرزندان و همسرش می کرد (کوفی، 1 / 201؛ مغربی، شرح الاخبار، 2 / 401، مقاله سیره همسررداری فاطمه علیها السلام). فاطمه علیها السلام حتی هنگام مرگ نیز نگران حال همسر و فرزندانش بود؛ از این رو، وصیت کرد علی علیه السلام با خواهرزاده اش (امامه) ازدواج کند و افزود: «او با فرزندانم همچون من است» (هلالی عامری، 392؛ فتال نیشابوری، 151؛ ابن شهر آشوب، 3 / 137). وی در واپسین لحظات عمر، خطاب به همسرش، دروغ گویی و خیانت پیشگی و مخالفت با شوهر را از خود نفی کرد و علی علیه السلام نیز او را تصدیق نمود و فاطمه علیها السلام را برتر از آن شمرد که به علت مخالفتش با همسر، توبیخ گردد و رنج و داغ فراق او را بسیار عظیم دانست (فتال نیشابوری، 151؛ مقاله های فاطمه علیها السلام در کنار امام علی علیه السلام؛ وصایای فاطمه علیها السلام).

فرزندان: حضرت فاطمه علیها السلام با فرزندانش بازی می کرد و برای آنان اشعار کودکانه می خواند (ابن شهر آشوب، 3 / 159) و خانه را کانونی گرم و محبت آمیز برای همسر و فرزندان کرده بود (احمدبن حنبل، 3 / 150 - 151؛ طبری، ذخائر العقبی، 51، مقاله سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام) و چون از نیاز فرزندان به مهر و محبت مادر کاملاً آگاه بود، به عنوان اولین وصیت به علی علیه السلام، از ایشان خواست که پس از او با دختر

خواهرش، امامه، ازدواج کند، زیرا او را همانند خود (فاطمه علیها السلام) به فرزندانش مهربان می دانست (فتال نیشابوری، 151، مقاله سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام).

2. جامعه

در عرصه رفتار، انسانها به الگو گرفتن از کسانی نیاز دارند که رفتارشان از حجیت و درستی برخوردار باشد و بتوان از آنان پیروی کرد. از این رو، کشف اصول اخلاقی حاکم بر رفتار معصومان علیهم السلام در اجتماع، مهم و مؤثر است. هرچند غلبه روح عفاف و حُجُب و حیا بر صدیقه کبری علیها السلام مانع حضور زیاد او در جامعه بود، اما وی در حدی که با اصل عفاف در تنافی نبود، حضور مؤثری داشت. اخلاق اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام را می توان در این موارد بررسی کرد:

الف. رعایت آداب دینی در برخوردهای اجتماعی: اسلام درباره رفتار فرد در اجتماع، تعالیم و دستورهایی دارد که رعایت آنها، همزیستی درست را امکان پذیر و پدید آمدن روح محبت و نوع دوستی را در جامعه فراهم می کند. خوشخویی، سلام کردن، چهره گشاده داشتن، رعایت ادب در کلام، رعایت حقوق افراد، به ویژه همسایگان و نزدیکان، از جمله این دستورهاست.

در کلمات نقل شده از فاطمه علیها السلام، سه روز سلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، چه در زمان حیات و چه پس از رحلت ایشان، مایه برکت است (مفید، المزار، 177؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 6/9؛ ابن شهر آشوب، 3/140).

رعایت حقوق دیگران، نیاززدن آنان و تلاش برای نیکی به مردم، در سیره فاطمه علیها السلام به روشنی دیده می شود. بنا بر روایت ابن مسعود، فاطمه علیها السلام در پاسخ فردی که درخواست آموزه ای از تعالیم نبوی کرد، از خادمه اش خواست نوشته ای را که در بردارنده فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص اکرام به همسایگان است بیاورد

گفت که ارزش این نوشته به اندازه حسن و حسین علیهما السلام است (طبرانی، المعجم الکبیر، 10 / 196؛ 22 / 413 - 414؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 65 - 66؛ همو، المسترشد، 16). بنا بر روایت امام حسن علیه السلام، فاطمه علیها السلام در عمل به این توصیه پیامبر صلی الله علیه و آله، شب جمعه ای را تا سحر به عبادت و دعا ایستاد و همواره برای دیگران، به ویژه همسایگان، دعا می کرد و در جواب امام حسن علیه السلام که پرسید: «چرا همواره برای دیگران دعا می کنی، نه برای خودت؟» اهمیت همسایه را یادآور شد (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181 - 182؛ طبری امامی، دلائل الامامه، 152؛ مقاله سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام). در خصوص برخورد با میهمان و پذیرایی از او نیز فاطمه علیها السلام سرآمد بود. مرد فقیری نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از گرسنگی شکوه کرد، حضرت صلی الله علیه و آله او را به خانه همسران خود راهنمایی کرد، اما چیزی برای پذیرایی یافت نشد. حضرت صلی الله علیه و آله به یاران متوسل شد، طبق معمول علی علیه السلام از دیگران پیشی گرفت و میهمان را به خانه برد و قضیه را به فاطمه علیها السلام گفت. حضرت فاطمه علیها السلام گفت که در خانه چیزی برای خوردن نداریم، به جز غذای بچه ها، و چاره را در این دیدند که بچه ها را گرسنه بخوابانند و غذای آنان را به میهمان بدهند. صبح وقتی امیر مومنان علیه السلام داستان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد، آیه ایثار (حشر، 9) نازل شد (طوسی، الامالی، 185؛ ابن شهر آشوب، 1 / 347).

ب. دیگرگرایی و پرهیز از خودمحوری: یکی از مؤلفه های اخلاق اجتماعی، توجه به مشکلات و نیازهای هموعان و پرهیز از خودمحوری است. در قرآن، بر انفاق (ر.ک: بقره، 3، 254، 261 - 262، 265، 267؛ ابراهیم، 31)، کمک به محرومان (ر.ک: ذاریات، 19؛ معارج، 24 - 25) و مقدم داشتن نیازهای دیگران بر نیاز خود (ر.ک: حشر، 9) تأکید شده است. در سیره حضرت فاطمه علیها السلام نیز عمل به این توصیه های قرآنی آشکار است و در شأن نزول برخی آیات، ایثار و انفاق (حشر، 19

انسان 8) حضرت علیها السلام حضور دارد (حاکم حسکانی، 2 / 331 - 332؛ سیوطی، الدر المنثور، 6 / 299).

در سیره حضرت علیها السلام، زبردستان و خدمتکاران نباید فراتر از طاقت و توانشان مکلف به کاری شوند و مالکان و اربابان آنان باید در انجام دادن امور، مشارکت کنند. حضرت علیها السلام بر آن بود که استخدام خدمتکار به معنای ایجاد فاصله طبقاتی نیست و در مقام صاحب کار، امتیازی برای خود قائل نبود؛ از این رو، کارهای خانه را میان خود و خادمه اش، فضّه، تقسیم کرده بود (طبری امامی، دلائل الامامه، 140 - 141؛ قطب راوندی، 2 / 530 - 531). علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در سه نوبت پیاپی، افطاری خود را به مسکین، یتیم و اسیر انفاق کردند، که موجب نزول سوره انسان در شأن آنان شد (کوفی، 1 / 177 - 183؛ صدوق، الامالی، 329 - 333؛ حاکم حسکانی، 2 / 394 - 397؛ به مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). نکته در خور توجه در این باره، همسویی کامل علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، که ارکان آن خانواده بودند، در رسیدن به فضایل پسندیده اخلاقی بود؛ به محض آمدن مسکین به در خانه، با اشاره امیر مؤمنان علیها السلام، فاطمه علیها السلام قرص نان را به او بخشید (ابن مردویه اصفهانی، 341 - 342؛ خوارزمی، 272). نمونه دیگر ایثار در سیره حضرت علیها السلام و همراهی فاطمه علیها السلام با همسر خود در ایثارگری، آن بود که فقیری نزد امیر مؤمنان علیه السلام رفت. آن حضرت علیه السلام یکی از فرزندان را نزد فاطمه علیها السلام فرستاد تا یک درهم از شش درهمی را که در خانه داشتند، برای آن فقیر بدهد و فاطمه علیها السلام نیز با آنکه آن پول را برای تهیه آرد کنار گذاشته بود، با توکل بر خدا، تمام شش درهم را در اختیار علی علیه السلام و همه، صدقه داده شد. همان روز، امیر مؤمنان علیها السلام شتری را 140 درهم خرید و دوپست درهم فروخت و شصت درهم سود برد و چون فاطمه علیها السلام درباره آن درهمها پرسید، فرمود این همان چیزی است که خداوند وعده داده است که هرکس نیکی کند، ده برابر آن به وی پاداش می دهد: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»

ص: 215

(انعام، 160؛ زمخشری، 5/2؛ سیوطی، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، 39 - 40؛ متقی هندی، 6/572 - 573).

در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام هر سال درآمد فدک را - که به 24'000 دینار (و بنا بر نقلی، به 70,000 دینار) می رسید (قطب راوندی، 1/113؛ ابن طاووس، کشف المحجبه، 124) - میان فقراى بنی هاشم و مهاجران و انصار تقسیم می کرد ابن شهر آشوب، 1/133). بنا بر روایتی دیگر، هنگامی که فقیری در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله از فقر و غربت خود سخن گفت و خواست که سیرش کنند، امیرالمؤمنین علیه السلام او را به منزل برد و فاطمه علیها السلام غذایی را که از گندم برای فرزندانش و امیر مؤمنان علیه السلام - که روزه بود - فراهم کرده بود، تقدیم میهمان کرد و چون غذا اندک بود، علی علیه السلام به بهانه اصلاح چراغ، آن را خاموش کرد تا میهمان راحت تر غذا بخورد. پس از سیر شدن میهمان، آن غذا چنان برکت یافت که علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، فرزندانشان و برخی همسایگان نیز از آن خوردند (ابوالفتوح رازی، 19/124 - 125؛ معزی ملایری، 8/374). در روایت مفصل دیگری، به نقل از جابر بن عبدالله انصاری، فاطمه (دختر حمزه) به صدیقه کبری علیها السلام گردن بندی هدیه داده بود. فقیری به در خانه فاطمه علیها السلام آمد. حضرت علیها السلام ابتدا پوستی را که فرش زیر پایشان و نیز زیرانداز خواب حسنین علیها السلام بود به فقیر داد، اما فقیر آن را نپذیرفت. حضرت علیها السلام چیزی پیدا نکرد و گردن بند را به فقیر داد. عمار گردن بند را از فقیر خرید و فقیر را سیر کرد و لباس و دیناری به وی عطا نمود تا نزد خانواده اش باز گردد. سپس عمار گردن بند و غلام خود را به فاطمه علیها السلام اهدا کرد و فاطمه علیه السلام گردن بند را پذیرفت، اما غلام را آزاد کرد. غلام که چنین دید خندید و از برکت این گردن بند که گرسنه ای را سیر کرد و برهنه ای را پوشاند و فقیری را بی نیاز و غلامی را آزاد کرد و سرانجام، نصیب صاحبش شد، اظهار شگفتی نمود (طبری، بشارة المصطفی، 217 - 221).

ص: 216

ج. خدامحوری در دوستیها و دشمنیها: بنا بر روایات، حبّ فی الله و بغض فی الله از لوازم کمال ایمان است (ابوداؤد سجستانی، 2 / 408؛ کلینی، 2 / 124؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 8 / 135، 177). اولیای الهی در دوستیها و دشمنیها این ملاک را در نظر دارند؛ از این رو، با صرف نظر از قرابت و رابطه نسبی، در سیره حضرت فاطمه علیها السلام، محبت شدید به پدر و همسر و فرزندان، ناشی از عبودیت آنان به خدا بود و این سیره در مورد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جاری بود. فاطمه علیها السلام به سلمان فارسی - که یکی از بهترین اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله عهد امامت را فراموش نکرد و بدان پایبند بود - اظهار اشتیاق و محبت می کرد. بر اساس روایتی، امیر مؤمنان علیه السلام، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، به سلمان اظهار کرد که فاطمه علیها السلام مشتاق دیدار توست. در این دیدار، فاطمه علیها السلام با اعطای تحفه ای بهشتی، دعای نور را به وی آموخت (طبری امامی، دلائل الامامه، 107 - 108؛ ابن حمزه طوسی، 297 - 300). در مقابل، فاطمه علیها السلام با کسانی که عهد الهی را زیر پا نهادند و حقوق اهل بیت علیهم السلام را پایمال کردند، با قهر و غضب برخورد می نمود. حضرت علیها السلام ملاقات با خلیفه اول و دوم را به اکراه پذیرفت، حتی سلام آنان را با اکراه و زیر لب پاسخ داد و پس از اقرار گرفتن از آنان مبنی بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را پاره تن خود خوانده و آزار وی را آزار خود دانسته است، خدا را شاهد گرفت که آنان وی را آزرده اند و از آنان راضی نیست و نزد پدر، از آنان شکایت خواهد کرد (ابن قتیبہ دینوری، 1 / 31).

د. عدالت گرایی و پرهیز از ستم کردن و ستم پذیرفتن: عدالت دوستی و به تبع آن، پرهیز از ستم کردن و ستم پذیرفتن، در سیره حضرت فاطمه علیها السلام خصلتی برجسته است. حضرت علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که ستیز دو گروه ظالم موجب روی گردانی خدا از آنان می شود و فلاکت و بدبختی دامن گیر ظالم ترین

آنان می‌گردد (دولابی، 149؛ اربلی، 3/176). در سلوک اجتماعی فاطمه علیها السلام، نمونه‌های بسیاری از تلاش برای احقاق حق، جلوگیری از انحراف جامعه از جاده حقیقت و افتادن در سراشیبهی هلاک، و ظلم ستیزی و عدالت‌گرایی به چشم می‌خورد. در عرصه سیاسی، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام به دفاع از همسرش، امیر مؤمنان علیه السلام، در برابر تضییع حقوق ایشان برخاست. در آغازین روزهای پس از سقیفه نیز، با ایراد خطبه‌هایی، تمام تلاش خویش را برای بیان حق و یادآوری سفارش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد حقوق اهل بیت علیهم السلام به کار بست (مقاله خطبه‌های فاطمه علیها السلام).

ه. خدمات علمی و فرهنگی: جلوه دیگر اخلاق اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام، نقش علمی و فرهنگی آن حضرت علیها السلام و شیوه رفتار او در مسیر تعلیم و تربیت آحاد جامعه بود. مهم‌ترین نقش صدیقه کبری علیها السلام در این مسیر، برجای نهادن رفتارهای اصیل و منطبق با حقایق بود که انبیای الهی، به ویژه رسول خاتم صلی الله علیه و آله، ترسیم کرده بودند تا الگوگیران (به ویژه زنان) در طول تاریخ، اسوه‌ای راستین داشته باشند. به عبارت دیگر، سنت قولی و فعلی او، به عنوان برترین زن هستی، فرهنگ فاطمی را تشکیل می‌دهد. فاطمه علیها السلام آموخته‌های خود را از رسول خدا صلی الله علیه و آله، به صورت خصوصی و عمومی، به دیگران منتقل می‌کرد (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 308، 340؛ مجلسی، 2/3: 65/155؛ مقاله احادیث فاطمه علیها السلام).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی الدنیا، عبدالله بن محمد (م. 281 ق.)، مکارم الاخلاق، تحقیق مجدی السید ابراهیم، القاهرة، مکتبة القرآن؛ ابن بطریق، یحیی بن حسن (م. 600 ق.)، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم، نشر اسلامی، 1407 ق؛

ابن حاتم عاملي، يوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظيم، قم، نشر اسلامي؛ ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد، علي محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ ابن حمزه طوسي، محمد بن علي (م. 560 ق.)، الثاقب في المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، قم، انتشارات انصاريان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر، ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. 664 ق.)، الدرود الواقيه، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ همو، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم، مطبعة الخيام، 1399 ق؛ همو، كشف المحجة لثمره المهجه، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1370 ق؛ ابن طيفور، احمد بن ابي طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتي؛ ابن عساكر، علي بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن عقده كوفي، احمد بن محمد (م. 333 ق.)، فضائل اميرالمؤمنين عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين فيض الدين؛ ابن قتيبه دينوري، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة و السياسة، تحقيق علي شيري، قم، الشريف الرضي، 1413 ق؛ ابن قولويه قمي، جعفر بن محمد (م. 368 ق.)، كامل الزيارات، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى (م. 410 ق.)، مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين، قم، انتشارات دار الحديث، 1424 ق؛ ابوالفتوح رازي، حسين بن علي (م. 554 ق.)، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، تحقيق ياحقي، ناصح، مشهد، آستان قدس رضوي، 1408 ق؛ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. 275 ق.)، سنن ابي داود، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دار الفكر، 1410 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دارصادر؛ اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ ص: 219

اسكافى، محمدبن همام (م. 336 ق.)، التمهيد، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، التاريخ الكبير، تركيه، المكتبة الاسلاميه؛ همو، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بستانى، فواد افرام، المنجد الابجدى (فرهنگ ابجدى عربى - فارسى)، ترجمه رضا مهيار، تهران، 1376 ش؛ بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ همو، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة، تحقيق عبدالمعطي قلعيبي بيروت، دارالكتب العلمية، 1405 ق؛ تفسير منسوب به امام عسكرى عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ جرجانى، على بن محمد (م. 816 ق.)، التعريفات، تحقيق ابراهيم الايبارى، بيروت، دار الكتاب العربى، 1405 ق؛ حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمدباقر محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1411 ق؛ حاكم نيشابورى، محمدبن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ حلبى، على بن برهان (م. 1044 ق.)، السيرة الحلبيه، بيروت، دار المعرفة، 1400 ق؛ حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (م. 300 ق.)، قرب الاسناد، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1413 ق، خزاز قمى، على بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر فى النص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خواجه نصير طوسى، محمد بن محمد (م. 672 ق.)، اخلاق ناصرى، تحقيق مينوبى، حيدرى، تهران، 1360 ش؛ خوارزمى، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقيق مالك محمودى، قم، نشر اسلامى، 1411 ق؛ دارمى، عبدالله بن رحمن (م. 255 ق.)، سنن الدارمى، دمشق، مطبعة الاعتدال، 1349 ق؛ دولابى، محمد بن احمد (م. 310 ق.)، الذرية الطاهرة النبويه، تحقيق سيد محمد جواد حسيني، قم، نشر اسلامى، 1407 ق؛ راغب اصفهانى، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ راوندى، سيد فضل الله بن على (م. 571 ق.)، النوادر، تحقيق سيدرضا على عسكرى،

قم، انتشارات دار الحديث، 1377 ش؛ زبيدي، سيد محمد مرتضى حسيني (م. 1205 ق.)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق على شيري، بيروت، دار الفكر، 1414 ق؛ زرندي، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، نظم درالسمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين عليهم السلام، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة، 1377 ق؛ زمخشري، محمود بن عمر (م. 538 ق.)، ربيع الابار و نصوص الاخبار، تحقيق عبدالامير مهتّا، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1412 ق؛ زيد بن علي (م. 122 ق.)، مسند زيد بن علي، بيروت، دار مكتبة الحياة؛ سمهودي، علي بن احمد (م. 911 ق.)، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى، بيروت، دارالكتب العلمية، 2006 م؛ سيدرضي، محمد بن حسين (م. 406 ق.)، المجازات النبويه، تحقيق طه محمد زيني، قم، مكتبه بصيرتي؛ سيد مرتضى، علي بن حسين (م. 436 ق.)، امالي، تحقيق سيد محمد نعساني، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، 1403 ق؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1413 ق؛ همو، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار المعرفه؛ شاذان قمي، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الفضائل، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق؛ صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. 942 ق.)، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد، علي محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1414 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمي، 1404 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طباطبائي، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ همو، سنن النبي صلى الله عليه و آله، تحقيق محمد هادي فقهى، قم، نشر اسلامى، 1419 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)،

دالمعجم الاوسط، دار الحرمين، 1415 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبرسي، احمد بن علي (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسي، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضي، 1392 ق؛ طبرسي، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، اعلام الوري، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق؛ طبري، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسي، 1356 ق؛ طبري، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعه المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420 ق؛ طبري، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقي جميل عطار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، المسترشد في امامة امير المؤمنين علي بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق احمد محمودي، مؤسسه فرهنگ اسلامي كوشانپور، 1415 ق؛ همو، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق، طريحي، فخرالدين (م. 1085 ق.)، مجمع البحرين، تحقيق سيد احمد حسيني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1408 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوي خراسان، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1364 ش؛ عاملي نباطي، علي بن يونس (م. 877 ق.)، الصراط المستقيم الى مستحقي التقديم، تحقيق محمداقر بهبودي، المكتبة المرتضوية، 1384 ق؛ عياشي، محمد بن مسعود (م. 320 ق.)، تفسير العياشي، تحقيق سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران، المكتبة العلميه الاسلاميه؛ فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضي؛ قطب راوندي، سعيد بن هبة الله (م. 573 ق.)، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ كوفي، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين علي بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمداقر محمودي، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، 1412 ق؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر

غفارى، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1363 ش؛ متقى هندی، على (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمداقبر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمداقبر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مرعشى نجفى، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى. مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مصباح يزدى، محمد تقى، دروس فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات اطلاعات، 1367 ش؛ معزى ملايىرى، اسماعيل، جامع احاديث الشيعة، قم، المطبعة العلمية، 1399 ق؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضى، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ همو، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق سيد محمد حسيني جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، المزار (مناسك المزار)، تحقيق سيد محمد باقر ابطحي، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ مناوى، محمد بن على (م. 1031 ق.)، التعاريف، تحقيق محمد رضوان الداية، بيروت، دارالفكر، 1410 ق؛ هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمداقبر انصارى، قم، نشر الهادى، 1420 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1408 ق.

محمدرضا جبارى

ص: 223

مؤلفه ها و ویژگیهای برنامه های عبادی حضرت فاطمه علیها السلام.

عبادی به معنای چیزی منتسب به عبادت است. برای عبادت، معانی لغوی متعددی برشمرده شده است، از جمله شعایر دینی، خدمت، کرنش، پرستش، بندگی و طاعت خداوند (جوهری، 2 / 503؛ ابن فارس، 4 / 205؛ ابن منظور، 3 / 272؛ مصطفی، 579)، که از نظر ماهوی تفاوت چندانی ندارند. عبادت دارای دو کاربرد عام و خاص است. در کاربرد عام، شامل همه انواع خیرات، حسنات و کارهای صالح می شود (ر.ک: کلینی، 2 / 183 مطهری، 16 / 413 - 414). مثلاً، در روایات اسلامی، تلاش برای کسب روزی حلال، نگاه به چهره پدر و مادر از روی مهربانی، نگاه به عالم و کعبه، عبادت اند (ادامه مقاله، عبادتهای عام). در کاربرد خاص، گاه به رفتاری اختیاری گفته شده که بیانگر انقیاد و کرنش و تذلل در برابر معبود، همراه با گونه ای تکریم و تقدیس است که برخاسته از اعتقاد انسان به عظمت و سلطه و احاطه مطلق معبود است (ر.ک: سیدمرتضی، 2 / 277؛ رشید رضا، 1 / 48؛ طباطبائی، 1 / 122 - 123) و گاه درباره انقیاد جبری و اطاعت تکوینی همه موجودات از خداوند به کار می رود (ر.ک: مریم، 93). در اصول و فقه، اعمالی که ارکان و اجزا و هیئتهای خاص شرعی دارند و قصد قربت نیز برای انجام دادن آنها ضروری است، به تعبیری (در مقابل توصیلی) معروف اند، مانند نماز و حج و روزه خراسانی، 72؛ عراقی، 1 / 183).

معنوی به معنای منسوب بودن به معناست که بیانگر روح و جان لفظ و کلام

یا جنبه مجرد و درونی اشیاست، در مقابل جنبه لفظی با ظاهری و مادی اشیا (دهخدا، 14 / 21190). معنویت در انسان به آن بخش یا حالت غیر جسمانی اطلاق شده است که انسان را به نوعی آرامش و شادمانی و روحانیت می‌رساند، که در روان‌شناسی جدید الزاماً به ارتباط با حقایق ماورای ماده نیازی ندارد، بلکه هر نوع هیجان شدید و تجربه عاطفی، خیالی و احساسی سرشار در مورد امور مادی، معنویت به شمار می‌آید (ر.ک: جهانگیرزاده، 31 - 34)، ولی معنویت دینی بانوعی هدفمندی و غایت‌گرایی و مبدأشناختی همراه است. به بیان دیگر، معنویت، درک عوامل روحانی و گرایش به آنها در زندگی این جهانی است. به این ترتیب، معنویت در نگاه دینی، همان عبادت است، با این تفاوت که در معنویت، آثار پدید آمده در فرد بر اثر بندگی، مورد توجه است و در عبادت، نفس ارتباط بندگی با معبود و چگونگی آن.

معنویت و عبادت از قدیم‌ترین و مهم‌ترین تجلیات نیازهای روحی بشر است. در طول تاریخ، جلوه‌های عبادی و معنوی بسیاری، حتی در مکاتب غیرتوحیدی، وجود داشته است. بسیاری، بنا بر مقتضای حال خویش، اعمالی خودساخته انجام می‌دادند و افراط و تفریط‌هایی می‌کردند. بسیاری دچار شرک می‌شدند و بتها و مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند (ر.ک: ناس، 19 - 21). عده‌ای نیز عبادت را فقط خلوت و عزلت می‌دانستند. از این رو، یکی از تلاش‌های انبیای الهی، در کنار تصحیح نگرش، تصحیح روش انجام دادن عبادات و زدودن پیرایه‌های ناشایست از آنها بوده، که نتیجه آن، تشریح عبادت‌هایی است که جوهره آنها مشترک، اما برخی آیینهای آنها متفاوت است. بنا بر قرآن کریم، برای مسلمانان شریعت و احکام مستقلی در عبادات تشریح شده است (مانده، 48؛ ر.ک: طباطبائی، 5 / 350 - 353).

بخشی از احکام عبادی، در قرآن و بسیاری از آنها در روایات اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است. مسلمانان، به ویژه پیروان اهل بیت علیهم السلام، افزون بر قرآن و روایات، به بسیاری از احکام شرعی (به ویژه عبادات) توجه زیادی دارند، چرا که سیره عبادی و معنوی معصومان علیهم السلام در کمال اعتدال و در مسیر هدایت و رستگاری بوده است (ر.ک: سیدمرتضی، 3 / 147 - 148). در این میان، سیره حضرت فاطمه علیها السلام دارای ویژگیهایی است که می تواند الگویی برای همگان باشد.

فلسفه عبادت و معنویت

به گفته قرآن کریم، عبادت هدف خلقت است (ر.ک: ذاریات، 56) و اثر آن تقوا و احساس مسئولیتی است (ر.ک: بقره، 21) که معیار ارزش انسان و میزان شخصیت اوست (مکارم شیرازی، تفسیر، 1 / 118). از این گونه تأثیرات معنوی و روحانی، با عنوان قرب به خدا یاد شده است (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت 136 (4 / 34)؛ کلینی، 3 / 265) و منظور از آن، بنا بر قرآن کریم، رنگ خدایی گرفتن و خداگونه شدن است: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ» (بقره، 138). نورانیت حاصل از بندگی خدای متعال، احساس استقلال نداشتن موجودات و وابستگی آنها به خدای متعال را در پی دارد: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، 156). این معناگرایی، در زندگی اجتماعی و مادی تأثیرات شگرفی می گذارد که یکی از مهم ترین آنها دلبسته نبودن به لذتها هنگام برخورداری از رحمت خداوند، و افسوس نخوردن و مأیوس نشدن به هنگام از دست دادن آنهاست (روم، 36 - 37؛ شوری، 48). عبادت از نظر اسلام، علاوه بر داشتن ارزش ذاتی، ضمانتی است برای دیگر آموزه های دینی. عبادت، هم پشتوانه اخلاق است که هدف بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده (بیهقی، 10 / 192) و هم پشتوانه قانون و عدالت است که مناسبات اجتماعی را سامان می دهد (مطهری، 23 / 516). حضرت زهرا علیها السلام در

خطبه فدکیه به فلسفه آفرینش اشاره، و تعبد انسانها را یکی از اهداف خلقت معرفی کرده است که در نهایت، سعادت ابدی انسان را تأمین می‌کند. حضرت علیها السلام در این خطبه فرموده است: «[خداوند] اشیا را آفرید نه از چیزی که پیش از آنها باشد، در ایجادشان از هیچ الگو و نمونه ای اقتباس نکرد، آنها را به قدرت خود تکوین و به اراده خود خلق کرد، و این نه برای نیاز خداوند به تکوین مخلوقات یا به دست آوردن فایده ای در صورتگریشان بود، بلکه برای تثبیت حکمت و توجه دادن به اطاعت و اظهار قدرتش بوده است، تا مخلوقات تعبد پیشه کنند و دعوتش گرامی داشته شود، سپس خداوند بر اطاعتش ثواب و بر عصیانش، عقاب مقرر کرد تا بندگان را از خشم و عذاب خود برهاند و آنان را، به سوی بهشتش سوق دهد» (ر.ک: طبری امامی، 111 - 112؛ طبرسی، 1/ 133).

حضرت فاطمه علیها السلام در این قسمت از خطبه، سیری جامع و پیوسته، از آغاز تا فرجام حیات، را بیان کرده و نقش بندگی را در سیر تکامل انسان به تصویر کشیده است. چون بر اساس قرآن، بندگی اختیاری خدا هدف خلقت انسان و جن است (ذاریات، 56)، بدیهی است که چنین امری با تعقل و گزینش همراه است و این نیازمند دلایل و نشانه های درست و هدایتگر است تا انسان بتواند با تفکر در آنها به راه صحیح رهنمون شود. حضرت زهرا علیها السلام توجه مردم را به مهمترین نشانه جلب کرده که همان جریان آفرینش و هدف خلقت است. ایشان در آغاز به این نکته اشاره نموده که خداوند، جهان را بدون هیچ ماده اولیه و حتی طرح قبلی آفریده؛ چیزی که تصور آن برای بسیاری مشکل است. سپس فرمود که هدف خداوند از چنین آفرینش شگفتی آوری، تأمین نیاز و جبران نقصی در ذات اقدس نبوده، چرا که او کمال مطلق است. چون خداوند فیاض است، حکمت او

اقتضا می کند که به هر چیزی که برای وجود و کمال، لیاقت داشته باشد، هستی و کمال ببخشد. چنین تنوعی در آفرینش، علاوه بر اینکه مقتضای حکمت الهی است، باعث هدایت انسانها می شود، زیرا وقتی بندگان در آثار قدرت و حکمت پروردگار در عالم هستی بیندیشند، مجذوب اطاعت او می شوند و به عبودیتش روی می آورند. از سوی دیگر، هنگامی که پیامبران علیهم السلام در سخنان خود بر نظام آفرینش عالم تکیه کنند، هم در ابلاغ دعوت الهی و نفوذ در قلوب انسانها و هم در مبارزه با مخالفان جریان توحیدی، توان بیشتری می یابند (حسینی زنجانی، 1 / 297 - 298)، چنان که حضرت علیها السلام می فرماید: «وَإِعْزَازًا لِأَهْلِ دَعْوَتِهِ [لِدَعْوَتِهِ]» (طبری امامی، 112؛ طبرسی، 1 / 133).

بر اساس قسمت پایانی این بخش از خطبه، خداوند تنها به وجوب عبادت و اطاعت اکتفا نکرده، بلکه به لطف خویش، برای ایجاد انگیزه در مردم، ثوابی بر اطاعت و عقابی برای عصیان مقرر نموده است تا بندگان از خشم و غضب الهی دور گردند و به بهشت و سعادت جاودان نائل شوند.

ارکان و ویژگیهای عبادت

اشاره

عبادت کامل و شایسته مؤلفه هایی دارد که با بررسی سخنان و سیره حضرت فاطمه علیها السلام می توان به آنها دست یافت.

1. شناخت شایسته معبود

ارزش عبادت هر انسان به میزان شناخت اوست و عبادت و تأثیرات آن در پرتو معرفت به سامان می رسد. همان گونه که امام حسین علیه السلام نیز تأکید کرده است، تا معرفت توحیدی در زندگی انسان جایی نداشته باشد، نوبت به اطاعت حقیقی و پذیرش و انقیاد نمی رسد (صدوق، علل الشرایع، 1 / 9؛ مجلسی، 5 / 312). حد بندگی، تابعی از میزان معرفت است؛ هرچه معرفت بیشتر شود، بندگی عمیق تر و پایدارتر می گردد و چون معرفت به

حضرت حق پایانی ندارد، نمی توان برای بندگی، حد ثابتی تعیین کرد. از این رو، اولیای الهی، به رغم به جا آوردن بهترین عبادات، به نقص بندگی خویش اعتراف می نمایند، چنان که در حدیثی آمده است: «مَا عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» (مفید، 353؛ مجلسی، 66 / 292). در قرآن کریم تأکید شده است که آفریده ها از شناخت کرانه و حد و اندازه خداوند عاجزند: «ما قدروا الله حق قدره» (حج، 74؛ زمر، 67). حتی توصیف بسیاری از انسانها از خدا کاملاً شایسته نیست و به شرک، آلوده است: «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف، 106). از این حیث، خداوند خود را منزله از آن گفته ها می داند، مگر آنچه را که بندگان با اخلاص او می گویند (صافات، 159 - 160). حضرت زهرا علیها السلام نیز در دعای پس از نماز مغرب، ضمن بیان تعدادی از اوصاف جمالیه و جلالیه خداوند، بر ناتوانی انسانها در شمارش اوصاف الهی و نعمتهایش تأکید ورزیده (مقاله خداشناسی) و خدا را به سبب همین ناتوانی بشر در برابر شناخت او و ادای حقش و نیز بی کران بودنش، ستوده و به عبادتش پرداخته و با وجود این، اعتراف کرده است که انسانها هرچند بکوشند، نمی توانند حق بندگی را ادا کنند (ابن طاووس، فلاح السائل، 238؛ مجلسی، 83 / 102)، زیرا وقتی نتوان کمال و جمال و نعمتهای الهی را برشمرد، نمی توان همه گستره حقوق الهی بر بندگان را دریافت، تا چه رسد به انجام دادن وظیفه شایسته در برابر آنها. حقوق الهی گستره وسیعی از امور انسانی و جهان پیرامون او را در بر می گیرد (مانند آفرینش حیات؛ آفرینش لحظه به لحظه همه موجودات، از جمله انسان، از علق تا انسان کامل؛ تسویه و هماهنگی اجزای موجودات هستی و ایجاد ارتباط میان آنها؛ رازقیت؛ هدایت و تشریح)، به طوری که هیچ کس نمی تواند اوج آنها را دریابد و وظیفه خود را به درستی انجام دهد.

اشاره

عبادت کامل، تحقق عینی و خارجی توحید در عمل، فکر و جان موحدان است. توحید جلوه های گوناگون و درجاتی دارد (مطهری، 2 / 100 - 103)، که مهم ترین آنها، توحید در عبادت است (ر.ک: اسراء، 23). در این باره، بسیاری از انسانها گرفتار شرک اند (ر.ک: اعراف، 138؛ یونس، 18؛ زمر، 3) و از این رو، یکی از رسالتهای پیامبران الهی مبارزه با این نوع شرک بوده است (آل عمران، 664 نحل، 36: انبیاء، 25). تأمل در عبارات آغازین خطبه فدکیه نشان می دهد که حضرت فاطمه علیها السلام به این امر توجه کامل داشته اند. آن حضرت علیها السلام، ضمن شهادت به وحدانیت خدای متعال، در طاعت و پرستش و نفی شریک از او، به گستره تحقق این شهادت توجه داده اند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَابَانَ فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولَهَا» (طبری امامی، 111 - 112؛ مجلسی، 29 / 220 - 221). بنابراین سخن، شهادت به وحدانیت خدا و نداشتن شریک در پرستش و اطاعت، در سه مقام ظهور و تجلی می یابد

الف) در عمل

داشتن اخلاص در بندگی و اینکه در اعمال بنده موحد هیچ شائبه ای از اطاعت دیگران وجود نداشته باشد و جز اطاعت از خدا، هیچ چیزی انگیزه عمل او قرار نگیرد. آن حضرت علیها السلام، خود، نیز در دعای روز جمعه، از خدای متعال درخواست کرده است: «اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ أَخْلَصَ لَكَ بِعَمَلِهِ» (مجلسی، 87 / 339) و در قسمتی از دعای پس از نماز ظهر، از خدا برای تحقق این خواست بزرگ سپاسگزاری نموده است (ابن طاووس، فلاح السائل، 173؛ مجلسی، 95 / 259).

ب) در قلب و جان آدمی

قلب کانون همه عواطف، احساسات، ادراکات و حقیقت وجودی انسان است (مطهری، 33 / 171). بنا بر سخن پیشین حضرت زهرا علیها السلام، خدای متعال جانها را به اتصال به کلمه توحید ملتزم نموده است. قلب و

روح آدمی باید همواره دغدغه اطاعت از خدای متعال را داشته باشد و از هر گونه گرایش به اطاعت از خواست و هوس خود، یا کسانی که اطاعتشان در برابر اطاعت خدا قرار می گیرد، فاصله بگیرد.

ج) در فکر

خدای متعال موحدان را موظف کرده تا فکر خود را با تعقل در کلمه توحید روشن سازند. تعقل و سنجشهای غیر موحدانه، برگرفته از گرایش به غیر خدا و سنجش در فضای تاریک است. حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه تأکید کرده اند که تجلی توحید در فکر، آن است که هیچ چیز، جز بندگی و اطاعت خدا، معیار سنجش امور قرار نگیرد و خرد اسیر میل‌های غیرخدایی نباشد. بنابراین، از منظر حضرت زهرا علیها السلام حقیقت توحید در پرستش خداوند و اطاعت از او و نفی شرک، آنگاه تحقق می یابد که همه ابعاد وجودی انسان (از فکر، عواطف، احساسات و عمل) از کلمه توحید مایه بگیرند و توحید در همه آنها تجلی یابد، چنان که در قرآن (ر.ک: بقره، 138) از این حقیقت، با تعبیر «صِبْغَةَ اللَّهِ» یاد شده است.

3. محبت به معبود یکتا

حضرت علیها السلام در مناجاتش می فرماید: «جز پروردگار هیچ کس نیست که سینه ام را خنک و جانم را شادمان سازد و چشمم را روشن و چهره ام را تابناک کند و به رنگ رخسارم درخشندگی دهد و قلبم را مطمئن سازد و به من بشارتی دهد که سبب آسودگی همه وجودم گردد» (ابن طاووس، فلاح السائل، 173 - 174). از این رو، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان فرمود: «از خداوند چیزی بخواه، که جبرئیل از جانب خداوند، وعده اجابت داده است.» چنین پاسخ داد: «لذتی که از خدمت پروردگار می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است و حاجتی جز این ندارم که نظاره گر جمال او باشم» (کجوری حسینی، 2 / 385؛ دشتی، 99). حضرت فاطمه علیها السلام در دعای روز جمعه از خداوند خواسته است: «ما را از کسانی

قرار ده که فقط تو را دوست داشته باشیم و از نزدیک ترین و گرامی ترین مقربان درگاه الهی باشیم» (مجلسی، 87 / 339).

از مجموع اعمال و گفتار حضرت زهرا علیها السلام استفاده می شود که محبت به حق تعالی، در عبادات آن حضرت علیها السلام تجلی کاملی داشته است. حضرت زهرا علیها السلام در کنار خشیت فوق العاده از باری تعالی، با درکی که از زیباییها و الطاف و رحمانیت و عنایات پیوسته و فراوان پروردگار داشت، خدا را از صمیم دل می پرستید و به مناجات و خلوت با او علاقه مند بود. عبادت برنامه ای است که بسیاری از مسلمانان و مؤمنان، بنا بر تفاوت درجات ایمان و فراغت و شرایط خود، در متن زندگی شان گنجانده اند، ولی حبّ به عبادت، گوهری است که فقط افراد خاصی از آن بهره مندند. امام صادق علیها السلام فرموده است: «بافضیلت ترین مردم، کسی است که مُحِبّ عبادت باشد و با آن معانقه کند، با قلبش آن را دوست بدارد و با جسمش به آن مبادرت ورزد و وقت خود را برای عبادت فارغ نماید، در حالی که هیچ اعتنایی ندارد به اینکه دنیا به سختی یا به آسانی بر او می گذرد» (کلینی، 2 / 83). در نگاه چنین انسانهایی، عبادت فقط وظیفه، و ابزاری برای رسیدن به نعمت نیست، بلکه خود نعمتی است که ابتهاج و سرور از آن حاصل می شود. در روایتی از امام صادق علیها السلام، این حدیث قدسی نقل شده است: «ای بندگان صدیق من، در دنیا به عبادت من متنعم شوید، زیرا در آخرت به آن متنعم خواهید شد» (کلینی، 2 / 83). در روایات اهل بیت علیهم السلام، بر وجود چنین ویژگیهایی در عبادت حضرت زهرا علیها السلام تأکید شده است. در قسمتی از روایتی که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبادت دخترش، فاطمه علیها السلام، را وصف کرده، آمده است: «آنگاه که فاطمه علیها السلام در محراب عبادت بایستد، نورش برای فرشتگان آسمان می درخشد و خداوند به فرشتگان

خطاب می کند که کنیزم فاطمه، برترین کنیزانم، را ببینید که چگونه در مقابل من [به نماز] ایستاده است و از خوف من می لرزد. او با قلبش به عبادت من روی آورده است» (صدوق، الامالی، 175 - 176؛ مجلسی، 43 / 172). در گزارشهایی نیز آمده است که ایشان در نماز، از ترس خداوند نفس نفس می زد (ابن فهد حلی، 139؛ مجلسی، 81 / 258).

از نکات مهم در سیره عبادی و معنوی آن حضرت علیها السلام، مناجات با خدا برای رفع حاجتهای مردم و اصلاح امور ایشان بود. در روایتی از امام حسن مجتبی علیها السلام آمده است: «مادرم را دیدم که در شب جمعه ای در محراب تا سپیده صبح به نماز ایستاده بود و برای مردان و زنان مؤمن، با ذکر نام آنان، دعا می کرد. پرسیدم: "مادر چرا برای خود ما دعا نمی کنی؟" فرمود: "پسر جان! اول همسایه، سپس اهل و خانه خود"» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ حر عاملی، 7 / 113).

نکته در خور توجه دیگر، برنامه ریزی آن حضرت علیها السلام برای عبادت است. در برخی از منابع روایی آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل را بین خود و خادمه اش، فضّه، تقسیم می کرد (ر.ک: قطب راوندی، 2 / 530؛ مجلسی، 43 / 28، مقاله سیره خانه داری فاطمه علیها السلام). بنابراین، در روزهایی که نوبت فضّه بود، برنامه مفصل تری برای عبادات ترتیب می داد. همچنین برای اعمال مخصوص و دعا هنگام غروب جمعه، غلام خود را مأمور کرده بود که هرگاه نیمی از قرص خورشید در آسمان پنهان شود به او اطلاع دهد، زیرا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده بود: «هر مسلمانی که چیزی در آن زمان، از خدا بخواهد به او عطا می کند» (صدوق، معانی الاخبار، 399 - 400؛ مجلسی، 86 / 269). نیز گزارش شده است که ایشان برای بهره مندی همه اعضای خانواده (حتی فرزندان خردسالش) از فضیلت شب قدر، غذا را کم کرده بود تا در آن شب بیدار باشند (مجلسی، 94 / 10).

اشاره

امور عبادی و معنوی، دارای تقسیمات متفاوتی هستند. عبادت به معنای خاص آن، به لحاظ تأثیرات فردی با جمعی یا به لحاظ قائم به فرد بودن یا قائم به جمع بودن، به فردی و جمعی تقسیم می شود. در عباداتی همچون نماز مستحب یا روزه، جنبه های فردی قوی تر است، و در عباداتی مانند حج، جنبه های اجتماعی. در کنار این عبادات - که جنبه نمادین آشکاری دارند - عباداتی هم هستند که غیرنمادین اند و تمرین و ریاضتی برای تربیت نفس به شمار می آیند. اذکار و تسبیحات از آن جمله اند. ذاکر، توحید همه جانبه پروردگار را به نفس خود القا می کند و تکرار آن باعث می شود قلب و زبان، و کلاً همه وجود او، هماهنگ به خضوع و انقیاد برسند. در عبادات بدنی، انسان بدنش را به شکیبایی در برابر خواسته های نفس وامی دارد و مقاومت خود را در برابر موانع بندگی زیاد می کند.

همه انواع این عبادات، با جلوه های بسیار عالی و نورانی، در سیره عبادی اهل بیت علیهم السلام، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، وجود دارد.

1. تلاوت قرآن

قرآن ارتباط کلامی خدای متعال با انسانهاست. انسانها با دریافت سخن و پیام الهی به شناخت صحیح از هستی خود و خدای هستی و راه سعادت دست می یابند و با عمل به آموزه های آن، وظیفه بندگی را به درستی انجام می دهند. در سیره عبادی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، توجه همه جانبه به قرآن و تأمل در آن و خواندن آیات، بسیار چشمگیر است. خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به تلاوت قرآن سفارش کرده است (ر.ک: مزمل، 4). امام علی علیه السلام در اوصاف پرهیزکاران فرموده است: «در شب به پا می خیزند و قرآن را شمرده و با تدبیر تلاوت می کنند و جان خویش را با آن محزون می سازند و دواى درد خود را از آن می گیرند. هرگاه به آیه ای برسند که در آن تشویق باشد، با علاقه و امید به آن روی می آورند

و هر گاه به آیه ای برسند که در آن بیم باشد، گوشه‌های دل خود را برای شنیدن آن باز می‌کنند و صدای ناله و برخورد زبانه‌های آتش در گوششان طنین انداز است» (نهج البلاغه، خطبه 193 (2 / 161 - 162)). یکی از ویژگیهای برجسته در زندگی معنوی حضرت فاطمه علیها السلام تلاوت قرآن است. ایشان در لحظاتی که از فرایض و دیگر طاعات فراغت می‌یافت، به تلاوت قرآن می‌پرداخت. خود آن حضرت علیها السلام در این باره فرموده است: «از دنیای شما سه چیز نزد من محبوب است: تلاوت قرآن، نگاه در سیمای رسول خدا صلی الله علیه و آله و بخشش در راه خدا» (قیومی، 276). بسیاری از مراجعان و ملازمان، بارها آن حضرت علیها السلام را در حین تلاوت قرآن دیده بودند (طبری امامی، 139؛ ابن حمزه طوسی، 291؛ مجلسی، 43 / 46) و حتی گزارشهایی وجود دارد که امدادهای غیبی پروردگار، توفیق فاطمه علیها السلام را برای تلاوت قرآن بیشتر کرده بود. در روایتی آمده است که سلمان فارسی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله رفت و با شگفتی حکایت کرد که فاطمه علیها السلام قرآن می‌خواند و آسیاب خود می‌چرخید. پیامبر صلی الله علیه و آله لبخند زد و فرمود: «همانا خداوند قلب و اعضا و وجود دخترم، فاطمه، را از ایمان سرشار نموده و ایمان تا درون استخوانهای او نفوذ کرده است. او برای عبادت، فارغ شده و خداوند، جبرئیل را فرستاده است تا آسیاب را برای او بگرداند و نمونه دنیا و آخرت او را کفایت نماید» (ابن شهر آشوب، 3 / 116 - 117). فاطمه علیها السلام چنان به قرآن علاقه مند بود که به علی علیه السلام وصیت نمود بر مزارش قرآن تلاوت کند (مجلسی، 79 / 27).

2. نمازها

نماز رابطه انسان با خدا، و مهم ترین عبادتی است که در آیات (ر.ک: نساء، 103؛ ابراهیم، 31) و روایات (ر.ک: کلینی، 2 / 18؛ متقی هندی، 7 / 282؛ ر.ک: مجلسی، 79 / 188 - 236) بر آن تأکید فراوان شده و عامل یادآوری خدا (ر.ک: طه، 14)،

ص: 235

بازدارنده از فحشا و منکر (ر.ک: عنکبوت، 45) و ستون دین معرفی گردیده است (طوسی، الامالی، 529؛ همو، تهذیب الاحکام، 2 / 237). بنا بر خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام نماز برای دوری از تکبر، واجب شده است (طبری امامی، 113؛ مجلسی، 29 / 223). تکبر نخستین گناه در برابر خدای متعال بود (ر.ک: بقره، 34) و عامل اصلی بسیاری از انحرافها و انحطاط جوامع و پدیدار شدن رذایل اخلاقی است (ر.ک: بقره، 87؛ اعراف، 165؛ نوح، 7). از این رو در قرآن کریم، در موارد بسیاری، گزاردن نماز در کنار دادن زکات، نماد وارستگی از دنیا و وابستگی به خدا، و صفت انسانهای باتقوا و مؤمن است (ر.ک: نساء، 162؛ مائده، 55؛ انفال، 3؛ مریم، 31). در مقابل، ملتزم نبودن به این دو فرمان، از عوامل شقاوت و ورود به جهنم است (ر.ک: نمل، 3 - 5). رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، از جمله فاطمه علیها السلام، نماز را بسیار دوست داشتند، دائم به نماز پناه می بردند (طوسی، الامالی، 528؛ مجلسی، 233 / 79) و اوج حالات معنوی ایشان به هنگام نماز بود (ابن طاووس، فلاح السائل، 101، 161؛ مجلسی، 194 / 84 - 195). آنان، علاوه بر نمازهای واجب، نمازهای مستحب فراوانی می گزاردند که در این باره روایتهایی وجود دارد. اسناد تاریخی ای که به جزئیات نمازهای فاطمه علیها السلام پرداخته باشند، فراوان نیستند، ولی بنا بر شواهد، حضرت فاطمه علیها السلام بسیاری از اوقات خود را به نماز، که از بهترین حالت های تقرب به خداست، می گذرانده است.

طولانی بودن نمازها و شب زنده داری از ویژگیهای حضرت فاطمه علیها السلام است که در سخنان اهل بیت علیهم السلام بر آن تأکید شده است. در روایت نبوی آمده است که خدای متعال، فاطمه علیها السلام را مشمول رحمت خویش کرد، به علت ضعف فاطمه علیها السلام که بر اثر طول قنوت در نمازهای شبانه بود (ابن حمزه طوسی، 292). از امام حسن علیه السلام روایت شده است که مادرم فاطمه علیها السلام را در شب جمعه دیدم که در محراب

نمازش، پیوسته در رکوع و سجود بود تا زمانی که سپیده صبح دمید (صدوق، علل الشرایع، 1/ 182). حسن بصری درباره حضرت فاطمه علیها السلام گفته است: «در این امت عابدتر از فاطمه نیست، آن قدر [به نماز و عبادت] می ایستاد که پاهایش ورم می کرد» (ابن شهر آشوب، 3/ 119؛ مجلسی، 84/ 43).

حضرت فاطمه علیها السلام نمازهای ویژه ای نیز می گزارد که آنها را از پیامبر صلی الله علیه و آله یا به واسطه جبرئیل فراگرفته بود. بعضی از آنها به نماز حضرت فاطمه علیها السلام شهرت دارند و در کتابهای ادعیه و متون روایی گزارش شده اند، مانند این روایت امام صادق علیه السلام: «پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام آموخت که بهترین کار صبح جمعه آن است که انسان خالصانه و با قصد قربت غسل کند و در برابر خدا بایستد و چهار رکعت نماز بخواند. در رکعت اول حمد و پنجاه مرتبه اخلاص، در رکعت دوم حمد و پنجاه مرتبه عادیات، در رکعت سوم حمد و پنجاه مرتبه زلال، و در رکعت چهارم حمد و پنجاه مرتبه نصر را تلاوت کند و پس از پایان نماز، دعای مخصوصی را که وارد شده است بخواند» (ابن طاووس، جمال الأسبوع، 93). در شبهای چهارشنبه نیز آن حضرت علیها السلام نماز مخصوصی به جای می آورد که بنا بر روایتی از خود حضرت علیها السلام، آن را از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد گرفته بود. این نماز شش رکعت دارد که در هر رکعت آن، پس از حمد، آیه 26 و 27 سوره آل عمران تلاوت می شود (ابن طاووس، جمال الاسبوع، 70).

3. تعقیبات نماز

یکی از اعمال عبادی است که در اسلام بر آن تأکید بسیار شده است و شامل ادعیه و مناجات و تسبیحات می شود. فاطمه علیها السلام پس از اتمام نماز، به راز و نیاز و گونه هایی از تعقیبات می پرداخت (ابن طاووس، فلاح السائل، 173، 202، 238، 250). به التزام و مداومت بر آنچه حضرت علیها السلام انجام می داد، در روایات و

دستورهای دینی توصیه شده است. آن حضرت علیها السلام در تعقیبات نماز، معارفی را در قالب دعا و تسبیح بیان می کرد. مثلاً، در تعقیب نماز ظهر، دعای ویژه ای میخواند؛ پس از تسبیح و تحمید، با یادآوری موضوعاتی چون سكرات موت، قبض روح، دفن، تنهایی، وحشت در قبر و قیامت، از خداوند می خواست که در مواقعی نظیر بعث، قبر و قیامت، مشمول لطف و نجات و بشارت آمرزش الهی قرار گیرد. این اصلی ترین نکته ای است که در تعقیب نماز ظهر، با مضامین گوناگون، بر آن تأکید شده است. در اواسط دعا نیز چند فقره رازونیز وجود دارد، که از منتهای محبت و شیدایی و عشق به لقاءالله حکایت می کند. بخشهای پایانی این تعقیب نیز مشتمل است بر چندین فقره صلوات و درخواست علو درجات برای پیامبر صلی الله علیه و آله، ذکر اسمای الهی و دعاهایی نظیر ختم امور به سعادت (ر.ک: ابن طاووس، فلاح السائل، 173 - 175).

در تعقیب نماز عصر نیز - که در بعضی منابع معتبر، به حضرت فاطمه علیها السلام منسوب شده است * ویژگی هایی وجود دارد. آن بانوی بزرگ پس از تسبیح و تحمید خدا و شاهد گرفتن او بر حال درون و ابراز فقر و مسکنت و بیان حاجاتی نظیر برطرف شدن عجز و کربت و خوف و عسر، طی چند جمله، بیماریهای نفسانی و خواهی ناپسند را ذکر کرده و از شر آنها به خداوند پناه برده و پس از صلوات و بیان چند حاجت دیگر، نظیر اصلاح امر دنیا و دین و آخرت، ملکات فاضله و حمیده و خصایص نیکو را به تفصیل بیان کرده و توفیق داشتن همه آنها را از خداوند خواسته است. هدایت خاصه و باز شدن مناهج سیر و سلوک، از دعاهای زیبای دیگری است که آن حضرت علیها السلام در این تعقیب، با خدا در میان گذاشته است. حدود یک سوم از فقرات پایانی این نیایش نیز به حمد و

ستایش خدا و صلوات و سلام بر ملائک و انبیا علیهم السلام اختصاص دارد (ر.ک: ابن طاووس، فلاح السائل، 202 - 206).

در تعقیب نماز صبح حضرت علیها السلام نیز، نیایش بلند و بسیار ویژه ای وجود دارد که به دعای حریق معروف است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به ایشان و امیر مؤمنان علیه السلام آموخت. در طلوعه این دعا، پس از حمد و ثنای الهی، دو فقره تسبیح و تهلیل بلند وجود دارد، که توصیه شده است یازده مرتبه تکرار شود. پس از ابراز محبت و توحید، بیش از دو سوم دعا درودهای بسیار خاصی به همه انبیا علیهم السلام و ملائک، و محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام است و پس از چند جمله تحمید و شکر در قسمت پایانی، حدود یک چهارم از دعا به استعاذه از دشمنان درونی و بیرونی اختصاص دارد (ر.ک: طوسی، مصباح المتهجد، 220 - 227؛ مجلسی، 83 / 165 - 170).

4. تسبیحات

در بین نیایشها و تعقیبات و حتی نمازهای حضرت فاطمه علیها السلام، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او آموخت (برقی، 1 / 36؛ طبری، 49)، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، خداوند با هیچ حمدی بافضیلت تر از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام عبادت نشده است و اگر چیزی بافضیلت تر از این تسبیح وجود داشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به فاطمه علیها السلام می بخشید (کلینی، 3 / 343؛ حر عاملی، 6 / 443). بر اساس روایتهای فراوان، خواندن این تسبیح پس از نمازهای واجب روزانه، استحباب بسیار دارد (حر عاملی، 6 / 443 - 444). بنا بر پاره ای دیگر از روایات، گفتن این تسبیح در موارد زیادی، سفارش شده است، از جمله پیش از خواب (حر عاملی، 6 / 446) و پس از تعدادی از نمازهای مستحب (مقاله تسبیح فاطمه علیها السلام).

ص: 239

یکی از مهم ترین جلوه های سیره عبادی اهل بیت علیهم السلام، دعاهاى ایشان است که در مجامع روایی فراوانی گردآوری شده اند، از جمله در مصباح المتعجل، فلاح السائل و عدة الداعی. این دعاها، با مضامین بلند عرفانی و توحید اخلاقی و اجتماعی و سیاسی، هدایتگر انسانها هستند. در سیره عبادی حضرت فاطمه علیها السلام دعاها جایگاه ویژه ای دارند. بعضی از آنها، مانند دعای خواب، تعلیم پدر بزرگوار ایشان است (متقی هندی، 15 / 513؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 858) و بعضی از آنها برای حاجات خاص اند (مجلسی، 43 / 73 - 74؛ محدث نوری، 6 / 311؛ معزی ملایری، 7 / 268). تعدادی نیز مختص مکانی خاص و اوقات معین اند، مانند آنچه از ایشان در تعقیبات نماز گزارش شد. برخی نیز جنبه عمومی دارند. به طور کلی، دعاهاى آن حضرت علیها السلام، گاهی برای رفع حاجات خاص دنیوی یا آخروی، و گاهی صرفاً به قصد ستایش حق تعالی و أسما و صفات او بوده است. در همه این دعاها، ترکیب و ترتیب ویژه ای میان فقرات دعا وجود دارد (مقاله دعا).

6. روزه ها

روزه از عبادتهایی است که در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته (هر چند با تفاوتی در آداب آن) و در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است (ر.ک: بقره، 183). در قرآن و روایات، آثار متعددی برای روزه برشمرده شده، از جمله آنکه عاملی برای پرورش روح تقوا و پرهیزکاری است (بقره، 183) و روی شیطان را سیاه می کند (کلینی، 4 / 62؛ مجلسی، 60 / 261). حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه، وجوب روزه را عاملی برای تثبیت اخلاص دانسته است (طبری امامی، 113). در سیره عملی نیز گزارشهایی از روزه داریهای فراوان اهل بیت علیهم السلام وجود دارد (ابن طاووس، الطرائف، 107؛ مجلسی، 35 / 245). حضرت فاطمه علیها السلام، علاوه بر روزه های واجب، به قدر وسع و امکان، روزه های مستحبی و نذری نیز می گرفت. درباره

دائم الصوم بودن آن حضرت علیها السلام، در اسناد تاریخی مطلبی یافته نشده، ولی بنا بر قرآنی، ظاهراً ایشان نیز، مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ایام ویژه ای به این ریاضت شرعی التزام داشته است. شاهد صدق آن، روزهای نذری است که آن حضرت علیها السلام به همراه خانواده، به شکرانه شفای فرزندانش، به جای آورد و همه آنان هنگام افطار، غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند (ابن طاووس، الطرائف، 107 - 109؛ ر.ک: مجلسی، 35 / 245 - 247). شأن نزول آیات 8 تا 10 سوره انسان نیز همین ایثار عظیم بوده است.

7. حج و عمره

حج یکی از فروع مهم دین اسلام، و عبادتی است که در آن، جنبه های تکامل فردی و اجتماعی در هم می آمیزد. در قرآن کریم به برخی ویژگیها و آثار سیاسی، عبادی، اخلاقی و اقتصادی آن اشاره شده است (ر.ک: حج، 27 - 28). در روایات معصومان علیها السلام، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، حج عبادتی است که سبب استحکام پایه های دین در جوامع می شود و خداوند متعال به همین دلیل آن را تشریح نموده است (طبری امامی، 113؛ طبرسی، 1 / 134). از این رو، نبی اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر معصومان علیهم السلام به حج گزاردن اهتمام داشتند و حتی نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این باره با مشرکان مکه پیمان صلح بست (یعقوبی، 2 / 54 - 56). بنا بر بعضی اسناد تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به حج مشرف شد. در روایتی که بشر بن زید گزارش کرده، آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر حج، به فاطمه علیها السلام سفارش فرمود که هنگام مراسم قربانی، منظره ذبح را نگاه کند، زیرا اولین قطره خونی که از قربانی بر زمین می ریزد، سبب آمرزش گناهان و خطاها می شود» (برقی، 1 / 67)، البته باید توجه داشت که اهل بیت علیهم السلام کاملاً معصوم بوده اند و چنین سخنانی دلیل گناهکار بودن آنان نیست (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

در روایات دیگری نیز جزئیاتی از حج گزاردن حضرت فاطمه علیها السلام ذکر شده است. بنا بر یکی از آنها، در حجة الوداع، هنگامی که علی علیه السلام از یمن به مکه رسید، فاطمه علیها السلام از احرام خارج شده و خود را آراسته بود و لباس رنگین بر تن داشت. علی علیه السلام با شگفتی علت را جویا شد و آن حضرت به پاسخ داد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را به این عمل، امر فرموده است» (دارمی، 47/2؛ کلینی، 246/4).

8. زیارتها

یکی از جلوه های معنوی، که در همه ادیان به نوعی وجود دارد، زیارت مکانها یا اشیای مقدّس است. در اسلام، بر زیارت مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله اهل بیت علیهم السلام، اهل قبور و مزار شهدا و علما تأکید شده است. نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است که هر کس مرا با قصد و توجه زیارت کند، روز قیامت کنار من خواهد بود (طوسی، تهذیب الاحکام، 6/3 - 4) و هرکس پس از مرگم مرا زیارت کند، همانند کسی است که در زمان زندگی ام به سوی من هجرت کرده باشد (طوسی، تهذیب الاحکام، 6/3؛ شعیری، 20). رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت دیگر قبور نیز سفارش فرموده و آن را مایه بی اعتنایی به دنیا و یادآوری آخرت معرفی نموده است (مسلم نیشابوری، 3/65؛ ابن ماجه قزوینی، 1/501). این عبادت، افزون بر فواید روحی و آثار مثبت فردی، تأثیرات بسیار مثبت سیاسی و اجتماعی نیز دارد، که از آن جمله است: بالا بردن توان در برابر مشکلات؛ زنده نگه داشتن روحیه دلاوری و شجاعت؛ ترویج حق طلبی؛ توجه به جامعه و حکومت آرمانی؛ و از همه مهم تر، زنده نگه داشتن ارتباط با مکتب و رهبران و پیروان آن (ر.ک: سبحانی، 83 - 84). از این رو، اهل بیت علیهم السلام و دیگر مسلمانان، از صدر اسلام تاکنون، به انجام دادن آن اهتمام داشته اند. حضرت فاطمه علیها السلام نیز به زیارت، به عنوان عبادتی معنوی و سیاسی، توجه داشت و آن را به صورت سیرهای مستمر در زندگی خویش در آورده بود. از امام صادق علیها السلام

نقل شده است که فاطمه علیها السلام هر صبح شنبه، کنار قبور شهدا، و سپس بر مزار حمزه (سیدالشهداء) می رفت و برایش رحمت و آمرزش می خواست (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 180؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 1 / 465). در بعضی از روایات آمده است که ایشان پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، هر صبح به همراه حسن و حسین علیهما السلام، علاوه بر زیارت مرقد پدر بزرگوارشان، اهل قبور را زیارت، و در بین قبور گریه می کرد و حضرت علی علیه السلام پس از مدتی نزدشان می رفت و آنان را به منزل می رساند (مجلسی، 43 / 177 - 178؛ تبریزی انصاری، 858).

9. عبادتهای عام

هرچند عبادت به معنای عام آن، یعنی انجام دادن طاعات و حسنات به قصد نزدیکی به خدا، در زندگی همه مؤمنان وجود دارد، ولی شکل کامل آن فقط در راه و روش اولیای خاص الهی مشهود است، که برترین نمونه آن در میان زنان، عبادات حضرت فاطمه علیها السلام است. زندگی آن حضرت علیها السلام سرشار از عبادت و معنویت، و همه رفتارها و گفتارهای آن حضرت علیها السلام، لله، فی الله، بالله و فی سبیل الله بود (ر.ک: سیدمرتضی، 3 / 147 - 148). بر اساس آموزه های اسلام، مصادیق عبادت به معنای عام آن، بسیار است، مانند شناخت خدا، پارسایی و تقوا، انفاق و ایثار در راه خدا (لیثی واسطی، 19؛ تجلیل تبریزی، 193؛ ر.ک: ری شهری، 1 / 16، 4 / 3350)، سیراب کردن مسلمان و کمک و خدمت به دیگران (ورام بن ابی فراس، 1 / 39؛ ری شهری، 3 / 1800)، نرم خوئی با دیگران (کلینی، 8 / 24) و نگاه محبت آمیز به پدر و مادر (اربلی، 3 / 9). حضرت زهرا علیها السلام همه این موارد را به بهترین شکل انجام می داد، چرا که از معصومان علیهم السلام بود و همه کارهایش مورد رضایت الهی (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام). آن حضرت علیها السلام و خانواده اش در انفاق پیشتاز بودند و با وجود نیازهای خود، دیگران را مقدم می داشتند، به گونه ای که آیات 8 تا 10 سوره انسان در شأن آنان نازل شد

(مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). نگاههای فاطمه علیها السلام نیز عبادی بود؛ به چهره پدرش بسیار می نگریست و آن را یکی از سه چیز محبوبش در دنیا معرفی می کرد (قیومی، 276).

حضرت علی علیها السلام درباره یگانه دختر شخص اول اسلام و خدماتش فرمود: «آن قدر فاطمه علیها السلام در خانه ام آب آورد که آثار مشک بر بدنش دیده می شد» (صدوق، علل الشرایع، 2/ 366؛ مجلسی، 43/ 82). بنا بر روایتی دیگر، روزی فاطمه علیها السلام به پدرش عرض کرد: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، دستهای من با آسیاب تاول زده و خشن شده است» (احمدبن حنبل، 6/ 298؛ طبری، 50؛ مقاله سیره خانه داری فاطمه علیها السلام).

در مناسبات اجتماعی، حسن معاشرت حضرت فاطمه علیها السلام با مردم، جلوه ای دیگر از عبادت بود. حضرت فاطمه علیها السلام با گفتار نرم و تواضع و ادب خود در روابط با مردم، به این نوع از عبادت پروردگار پایبند بود. از آن حضرت علیها السلام نقل شده است: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم، نرم تر و مهربان تر باشد» (قیومی، 288).

در روایات، عبادتهای دیگری هم مطرح شده است، از جمله تفکر در نعمتهای الهی، حسن ظن به خدا، عفاف و حیا، قناعت، و زهد (کلینی، 2/ 79؛ ابن شعبه حرانی، 442؛ ر.ک: ری شهری، 3/ 1800 - 1802)، که همه آنها به کمال در سیره حضرت زهرا علیها السلام وجود داشته است (مقاله های سیره همسر داری فاطمه علیها السلام؛ سیره خانه داری فاطمه علیها السلام). مهم ترین جنبه عبادی عام آن حضرت علیها السلام، حضور ایشان در امور سیاسی و دفاع از حاکمیت اسلام در عصر نبوی و پس از آن، دفاع از ولایت بود، به گونه ای که سرانجام جان خویش را در این راه فدا کرد (مقاله سیره سیاسی فاطمه علیها السلام).

منابع

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن 4)، تحف العقول عن

آل الرسول صلى الله عليه وآله، تحقيق على اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1404 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. 664 ق.)، جمال الاسبوع، تحقيق جواد قيومي، مؤسسة الآفاق، 1371 ش؛ همو، اقبال الاعمال، تحقيق جواد قيومي، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، 1414 ق؛ همو، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم، مطبعة الخيام، 1399 ق؛ همو، فلاح السائل، قم، مكتب الاعلام الاسلامي؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، 1404 ق؛ ابن فهد حلي، احمد بن محمد (م. 841 ق.)، عدة الداعي و نجاح الساعي، تحقيق احمد موحدى قمى، قم، مكتبة وجداني؛ ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفكر؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ برقي، احمد بن محمد (م. 274 ق.)، المحاسن، تحقيق جلال الدين حسيني، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1370 ش؛ بيهقي، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر، 1416 ق؛ تبريزي انصاري، محمد علي بن احمد (م. 1310 ق.)، اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء عليها السلام، تحقيق سيد هاشم ميلاني، قم، نشر الهادي، 1418 ق؛ تجليل تبريزي، ابوطالب، معجم المحاسن و المساري، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ جهان گيرزاده، محمدرضا، انسان و دين و معنويت نوين، حديث زندگي (دوماهنامه)، ش 12، 1382 ش؛ حر عاملي، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعه، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ حسيني زنجاني، سيد عز الدين، شرح خطبه حضرت زهرا عليها السلام، قم، بوستان كتاب، 1380 ش؛ خراساني، محمد كاظم

(م. 1329 ق.)، كفاية الاصول، قم، مؤسسة آل البيت عليها السلام لاحياء التراث، 1409 ق؛ دارمي، عبدالله بن رحمن (م. 255 ق.)، سنن الدارمي، دمشق، مطبعة الاعتدال، 1349 ق؛ دشتي، محمد (م. 1380 ش.)، نهج الحياة (فرهنگ سخنان فاطمه عليها السلام)، قم، مؤسسه تحقيقاتى اميرالمؤمنين عليها السلام، 1372 ش؛ دهخدا، على اكبر (م. 1334 ش.) وديگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، 1373 ش؛ رشيد رضا، محمد (م. 1354 ق.)، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، بيروت، دار المعرفة، 1414 ق؛ رى شهرى، محمد، ميزان الحكمه، قم، انتشارات دار الحديث، 1375 ش؛ سبحانى، جعفر، الزيارة في الكتاب و السنه، مركز اطلاعات و مدارك اسلامى؛ سيدمرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيداحمد حسيني، سيدمهدي رجائي، قم، دارالقرآن الكريم، 1405 ق؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، بيروت، دار المعرفة؛ شعيري، محمد بن محمد (م. قرن 6) جامع الاخبار، قم، الشريف الرضى، 1405 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمداصدق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طباطبائى، سيد محمدحسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقبر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، مصباح المتهجد، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، 1411 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1364 ش؛ عراقى، ضياء الدين (م. 1361 ق.)، نهاية الافكار، قم، نشر اسلامى، 1405 ق؛ قطب راوندى، سعيد بن هبة الله (م. 573 ق.)، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ قمى،

علی بن ابراهیم (م. 307 ق.)، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، 1404 ق؛ قیومی، جواد، صحیفه الزهراء علیها السلام، قم، نشر اسلامی، 1373 ش؛ کجوری حسینی، محمدباقر (م. 1313 ق.)، الخصائص الفاطمیة، تحقیق سیدعلی جمال اشرف، الشریف الرضی، 1380 ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م. 329 ق.)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1363 ش؛ لیثی واسطی، علی بن محمد (م. قرن 6)، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی، قم، انتشارات دار الحدیث، 1376 ش؛ متقی هندی، علی (م. 975 ق.)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی، صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسی، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقیق محمدباقر بهبودی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق؛ محدث نوری، میرزا حسین (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1408 ق؛ مسلم نیشابوری، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر؛ مصطفی، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، دارالدعوه؛ مطهری، مرتضی (م. 1358 ش.)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا، 1377 ش؛ معزی ملایری، اسماعیل، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعة العلمیة، 1399 ق؛ مفید، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1414 ق؛ مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1374 ش؛ مکارم شیرازی، ناصر، زهرا علیها السلام برترین بانوی جهان، 1388 ش؛ ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1387 ش؛ نهج البلاغه، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام الشریف الرضی، تحقیق و شرح محمد عبده، بیروت، دار المعرفة، 1412 ق؛ ورام بن ابی فراس، مسعود بن ورام (م. 605 ق.)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم، مکتبة الفقیه؛ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (م. 292 ق.)، تاریخ الیعقوبی، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بیت علیهم السلام.

مهدیه سادات مستقیمی و فاطمه سادات دریاباری

چگونگی رفتار حضرت فاطمه علیها السلام با همسرش علی علیه السلام در زندگی مشترک.

با توجه به جایگاه بلند و مقام عصمت حضرت فاطمه علیها السلام، که از وی شخصیتی ممتاز و منحصر به فرد ساخته است، شیوه همسر داری آن بانوی بزرگ، الگویی مناسب برای زنان عالم، به ویژه مسلمانان است.

از نگاه قرآن کریم، فلسفه آفرینش همسران، رسیدن به سکون و آرامش است و خداوند در میان ایشان مودت و مهربانی قرار داده است (ر.ک: روم، 21) تا از کاستیها و لغزشهای همدیگر چشم پوشی کنند و همسران را لباس (عفت) همدیگر قرار داده است (بقره، 187). اسلام توجه ویژه ای به همسر داری کرده است. روایات اسلامی برای زن، همسر داری نیکو را جهاد دانسته (کلینی، 5/ 507؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3/ 439: 4/ 416) و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را جزء ایمان خوانده (ابن حجر عسقلانی، 10/ 250) است. سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه علیهم السلام نیز در همسر داری بر این مهم استوار بود. بدین ترتیب، شناخت چگونگی تعامل آنان در زندگی روزمره، برای الگو گرفتن از ایشان، اهمیت ویژه ای دارد.

از جمله ویژگیهای فاطمه علیها السلام در زندگی مشترکش با علی علیه السلام، شناخت همه جانبه علی علیه السلام است. این شناخت در انتخاب همسر نیز وجود داشت (ر.ک: ابن سعد، 8/ 19 - 22)، چنان که از ویژگیهای بارز علی علیه السلام (مانند ایمان استوار، پایمردی، اصالت خانوادگی و تنگ دستی) به خوبی آگاه بود و با وجود تنگدستی علی علیه السلام علم به مشکلات اقتصادی پیش رو، همسر او گردید (حاکم نیشابوری، 3/ 129).

با نگاهی اجمالی به ویژگیهای همسررداری حضرت زهرا علیها السلام، دو اصل مهم همسررداری، یعنی محبت، گذشت و ایثار، در زندگی مشترک ایشان هویداست.

محبت در همسررداری

اشاره

اساس زندگی مشترک، دوستی و محبت است. خداوند متعال انسانها را طوری آفریده است که با تأمین نیازهای یکدیگر، به تدریج میانشان رابطه عاطفی ایجاد می شود و این محبت نقش مهمی در دوام و رشد خانواده دارد (ر.ک: مصباح یزدی، 3 / 74 - 77). محبت از منظر قرآن، از زیربنایی ترین اصول دوام و پویایی هر خانواده است (ر.ک: روم، 21). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آن تأکید بسیاری داشت (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 555؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 216). زندگی مشترک دو همسر آنگاه زیبا و متعالی است که با خشنودی و محبت آغاز شود و همان گونه ادامه یابد. محبت دارای جلوه های گوناگون است، از جمله:

1. اظهار محبت

ازدواج در اسلام صرفاً برای برآوردن نیازهای جسمی یا تداوم نسل نیست، بلکه نوعی پیمان دوستی و محبت است. اما تعمق و استمرار محبت و الفت در خانواده، علاوه بر مهرورزی، بر بیان و اظهار محبت، به عنوان مؤلفه ای بسیار مهم، نیز بستگی دارد. اظهار محبت باعث گرمی و نشاط زندگی و استحکام خانواده در جنبه های گوناگون می گردد (ر.ک: کلینی، 5 / 320 - 321؛ حر عاملی، 14 / 10 - 14).

حضرت زهرا علیها السلام گشاده رویی را برای مؤمن، دروازه ورود به بهشت خوانده است (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 354؛ مجلسی، 72 / 401). وی با شناخت و آگاهی از این اصل مهم و حیاتی، به گونه های متفاوت، محبت خود را به همسرش ابراز می داشت و حتی در محضر پدرش، محبت خود را بیان می کرد و علی علیه السلام را بهترین یاور و بهترین همسر می خواند (ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 117)، که

علی علیه السلام همیشه از آن یاد می کرد و می فرمود: «هروقت به فاطمه علیها السلام نگاه می کردم، همه ناراحتیها، رنجها و غصه هایم را از یاد می بردم» (خوارزمی، 353 - 354؛ اربلی، 373 / 1). این محبت و تقاهم و خرسندی، از آغاز زندگی مشترک ایشان تا پایان آن، در تمام سختیها و شادیها ادامه یافت، چنان که علی علیه السلام در آخرین لحظه ها گواهی داد که خدایا من از دختر پیامبرت راضی هستم (صدوق، الخصال، 588؛ مجلسی، 345 / 78؛ 256 / 100).

2. احترام به همسر و تکریم او

احترام به همسر و بزرگداشت او، یکی از ویژگیهای بارز همسررداری حضرت زهرا علیها السلام، در عرصه های گوناگون بود. وی حضرت علی علیه السلام را در خانه بیشتر با کلمات محبت آمیز مانند پسرعمو (فتال نیشابوری، 151؛ مجلسی، 43 / 192، 199) و علی علیه السلام (مجلسی، 43 / 214، 240)، و در میان مردم او را با کنیه ابا الحسن (فرات کوفی، 83؛ جوهری بصری، 64؛ ابن ابی الحدید، 6 / 13) و صفت «مؤتمن» (امین مردم) (مجلسی، 43 / 176) خطاب می کرد و هنگامی که با پدرش سخن می گفت از شوهرش با ذکر نام او، یاد می نمود (صدوق، معانی الاخبار، 57؛ همو، علل الشرایع، 1 / 138؛ مجلسی، 43 / 240).

برشمردن ویژگیهای منحصر به فرد حضرت علی علیه السلام، نظیر دوست و برادر و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله (مجلسی، 43 / 176؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 487)، و بهترین همسر نامیدن علی علیه السلام در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله (ر.ک: ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 117)، از احترام فوق العاده حضرت فاطمه علیها السلام به همسرش حکایت دارد. از علی علیه السلام نیز اشعاری گزارش شده است که آنها را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواند و در آنها به همسری فاطمه علیها السلام مفاخر می کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز او را تصدیق می نمود (طوسی، الامالی، 211؛ اربلی، 2 / 22؛ سیوطی، 64). علی علیه السلام در موارد گوناگون، همسرش را

ستوده و به زندگی مشترک با ایشان افتخار کرده و او را سرور زنان امت اسلام و جهانیان خوانده است (هلالی عامری، 430؛ کوفی، 1 / 392، 395). حضرت علی علیه السلام همسرش فاطمه علیها السلام را بهترین یاور در جهت اطاعت از خدا و متقابلاً، حضرت زهرا علیها السلام همسرش علی علیه السلام را بهترین همسر دانسته است (ر.ک: ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 117؛ مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام).

3. آراستگی در برابر همسر

از منظر پژوهشگران امور خانواده، آراستگی زن در برابر همسرش نقش مهمی در استمرار محبت در کانون خانواده دارد. آراستگی از منظر اسلام، عبادت است (کلینی، 5 / 327؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 389). بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام، زن باید در برابر همسرش با شکل و هیئتی زیبا ظاهر شود تا محبت میان آنان بیشتر شود (ابن شعبه حرانی، 323؛ مجلسی، 75 / 237). سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر این امر استوار بود، لذا آن حضرت صلی الله علیه و آله دستور داد تا بخشی از آنچه را که علی علیه السلام برای مخارج عروسی اختصاص داده بود، عطر تهیه کنند ابن سعد، 8 / 19). بنا بر برخی روایات، فاطمه علیها السلام از نوع خاصی عطر و مشک استفاده می کرد (طوسی، الامالی، 41 - 42؛ ابن شهر آشوب، 3 / 130).

از نکات ظریفی که باعث استمرار محبت بین زوجین و گرمی کانون خانواده می گردد، آن است که زن، خود را تنها برای همسرش آراسته و خوشبو نماید. پابندی به این مهم، آثار ارزشمندی در زندگی زناشویی دارد. در روایات اسلامی نیز بر این امر تأکید شده است (کلینی، 5 / 324؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 389؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 7 / 400). حضرت زهرا علیها السلام نیز به این مهم توجه ویژه داشت تا جایی که تحسین رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر می انگیخت. هنگامی که مردی نابینا با رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه فاطمه ع شد، فاطمه علیها السلام خود را از او پوشاند. وقتی با پرسش

رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه شد و پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید کرد که او نابیناست، فاطمه علیها السلام گفت: «اگر چه او نمی بیند، ولی بورا استشمام می کند» (مغربی، 2/ 214؛ راوندی، 119).

بنا بر برخی گزارشها، فاطمه علیها السلام از زینت آلاتی چون گردنبند و گوشواره استفاده می کرد. هرچند این زینت آلات قیمتی نبودند، نشان می دهند که آن حضرت علیها السلام به آراستن خود برای همسر، اهمیت می داده است (صدوق، الامالی، 552؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 95؛ مجلسی، 27/ 43، 81).

نظر خواهی در خصوص همسررداری: از ویژگیهای بارز حضرت فاطمه علیها السلام، نظر خواهی از چگونگی همسررداری خویش از همسرش بود. این امر از نظر روانی و روحی، فوق العاده هوشمندانه و سازنده است. او حتی در واپسین لحظات حیاتش در این خصوص با علی علیه السلام صحبت کرد و از وفاداری به همسر و کیفیت صداقت در زندگی مشترکشان نظر خواهی نمود. همسرش نیز بر خداشناسی، نیکوکاری، پرهیزکاری، بزرگی و خداترسی فاطمه علیها السلام تأکید کرد (ر.ک: فتال نیشابوری، 151؛ مجلسی، 43/ 191 - 192). این گزارش به روشنی از وجود صداقت دائم در همسررداری آن حضرت علیها السلام - که از مؤلفه های اساسی زندگی مطلوب است - حکایت دارد.

ایثار و گذشت در همسررداری

اشاره

حضرت فاطمه علیها السلام الگویی کامل در عرصه ایثار و گذشت بود، زیرا با آنکه کار سخت منزل موجب زحمت فراوان او شده بود، با از خودگذشتگی، اعتراض نمی کرد تا اینکه رنجور شد و علی علیه السلام با مشاهده دستهای پینه بسته و پیکر رنجور او، به وی پیشنهاد کرد خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برود و خدمتگزاری در خواست نماید (بخاری، صحیح، 4/ 48، 208؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1/ 320 - 321؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 280).

ص: 252

1. همراهی با همسر و اطاعت از او

همراهی با همسر از شناخت جایگاه شوهر در خانواده نشئت می‌گیرد. این امر به اندازه‌های مهم است که اگر به خوبی فهم نگردد، مشکلات زیادی برای خانواده به وجود می‌آورد. این شناخت حیاتی از جایگاه مرد در خانواده، در همسرداری حضرت زهرا علیها السلام نمود دارد. به همین دلیل، علی علیه السلام اظهار می‌داشت که هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام او را ناراحت و خشمگین نساخته و از درخواستش سرپیچی ننموده و او نیز هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را خشمگین و ناراحت و وادار به کاری نکرده است (خوارزمی، 353؛ اربلی، 1 / 373). بنابر گزارشهای تاریخی، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله - که فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر به شدت ناراحت بود، به دلیل نادیده گرفتن جانشینی علی علیه السلام و مصادره فدک و منع حضرت فاطمه علیها السلام از ارث - در حالی که فاطمه علیها السلام در بستر بیماری بود، ابوبکر و عمر درخواست ملاقات کردند. حضرت علیها السلام نپذیرفت، اما وقتی آنان علی علیه السلام را واسطه قرار دادند، حضرت فاطمه علیها السلام گفت: «خانه، خانه توست و من تابع تو هستم و در هیچ کاری با تو مخالفت نمی‌کنم، به هرکس دوست داری اذن بده» صدوق، علل الشرایع، 1 / 186 - 187؛ مجلسی، 43 / 202 - 203). این رفتار حضرت فاطمه علیها السلام، با وجود ناراحتی شدید از آن دو نفر، بیانگر علاقه او به همسرش و توجه به اصل ضرورت همراهی با اوست.

2. تناسب درخواستها با تواناییهای همسر

یکی از مؤلفه‌های اساسی در تعامل خانواده، آن است که توقعات مادی زن فراتر از تواناییهای همسرش نباشد، در غیر این صورت مشکلات زیادی به وجود می‌آید. حضرت فاطمه علیها السلام توقعات و درخواستهای مادی خود را با توان مالی همسرش متناسب ساخته بود. با آنکه تأمین تمام نیازهای مادی همسر و خانواده، وظیفه مرد است، روایتی وجود دارد

که حضرت فاطمه علیها السلام حتی ابتدایی ترین امور مادی زندگی را - با توجه به توانایی مادی همسرش، که پیوسته در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در حال رسیدگی به امور مسلمانان بود - با ایثارگری (مرتبه ای بالاتر از قناعت)، مطرح نمی ساخت و به گونه ای رفتار می کرد که همسرش متوجه کمبود نشود. گزارش شده است که روزی امام علی علیه السلام به منزل آمد و مقداری غذا خواست. حضرت فاطمه علیها السلام گفت: «دوروز است چیزی نخورده ام و غذای کمی را که در خانه بوده برای تو و حسن و حسین علیهما السلام گذاشته ام.» وقتی علی علیه السلام پرسید که چرا کمبود غذا را به من اطلاع ندادی، گفت: «از پروردگار خود حیا می کنم که چیزی از همسرم بخواهم که توان بر آوردن آن را نداشته باشد» (ابن شاهین، 25؛ طوسی، الامالی، 616). بنا بر گزارشی دیگر، سلمان در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله از سادگی لباس و بی آلاچی حضرت زهرا علیها السلام اظهار تعجب کرده است (ابن طاووس، 375؛ مجلسی، 43 / 88). این رفتار حضرت فاطمه علیها السلام تمام مشکلات پیش روی خانواده را آسان می کرد و روابطی فوق العاده صمیمانه و سرشار از محبت بین او و همسرش برقرار می ساخت.

3. تحمل مشکلات اقتصادی

کمبود امکانات رفاهی از ویژگیهای بارز زندگی فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام بود (ر.ک: ابن سعد، 8 / 25؛ احمد بن حنبل، 1 / 104؛ ابن کثیر، 6 / 366؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام). بدیهی است که وسایل اندک زندگی، تنگناهایی برای فاطمه علیها السلام در پی داشت، به همین دلیل برخی زنان قریش به او طعنه می زدند که همسرش فقیر است (صدوق، الامالی، 524؛ مفید، 1 / 36). حضرت زهرا علیها السلام با خانه داری شایسته و کمک گرفتن از همسرش در کار خانه، سختیهای خانه داری و فرزندداری را برطرف می کرد (مقاله سیره خانه داری فاطمه علیها السلام) و گاه، در حالی که طعام کافی در خانه نداشت، به درخواست همسرش آن را به گرسنه ای که به در خانه ایشان آمده بود می داد و

بخشنده‌گی و سخاوت همسرش را در عین فقر می ستود و او را بی نظیر می دانست (ر.ک: صدوق، الامالی، 332؛ ابن شهر آشوب، 3 / 148). گاه خود نیز در تأمین مایحتاج خانه، یاریگر همسرش بود. طبق برخی گزارشها، آن حضرت علیها السلام با نخ ریسی برای دیگران، به اقتصاد خانواده کمک می کرد (کوفی، 1 / 178 - 179؛ صدوق، الامالی، 329 - 330؛ حاکم حسکانی، 2 / 404؛ خوارزمی، 268). همراهی آن دو در تحمل مشکلات اقتصادی، از نیکویی روش همسررداری هریک حکایت دارد.

4. سازگاری با همسر

از نتایج طبیعی همراهی حضرت فاطمه علیها السلام با همسرش علی علیه السلام، در کنار قناعت و تحمل مشکلات اقتصادی، اختلاف نداشتن و سازگاری در زندگی خانوادگی ایشان است. حضرت زهرا علیها السلام میزان نیازهای مادی زندگی اش را خود تعریف می کرد و در مسائل روحی و معنوی نیز، بنابر اصل محبت به همسر، از منظری الهی رفتار می نمود. لذا تمام عرصه های همسررداری را به خوبی مدیریت می کرد و به گواهی همسرش، بهترین وضع را در زندگی مشترکشان برای اطاعت از خدا و یاری رساندن به یکدیگر مهیا می ساخت (ر.ک: ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 117). بنابراین، کاملاً منطقی است که در زندگی ایشان، اختلاف و ناسازگاری وجود نداشته باشد. با وجود این، گزارشهایی جعلی در برخی منابع تاریخی وجود دارد، نظیر اینکه روزی میان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام سخنی واقع شد و پیامبر صلی الله علیه و آله برای مصالحه به منزل ایشان رفت (ابن سعد، 8 / 26؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 155 - 156)، یا اینکه حضرت زهرا علیها السلام از اینکه علی علیه السلام تمام روزی خود را بین مسکینان تقسیم می کند و چیزی برای منزل باقی نمی گذارد، به پدرش گلایه کرد (اربلی، 2 / 101).

ص: 255

ویژگی مشترک همه این گزارشها آن است که از نظر سند مشکل دارند، زیرا یا روایت مرسل اند و راویان آنها مشخص نیست (اربلی، 2 / 101) یا راویان آنها افراد مجهولی اند نظیر احمد بن حسن قطان (خوئی، 2 / 93). در مورد روایت اول مشاجرہ علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، این نکته مهم است که روایات معتبری وجود دارد که علی ه در آن اذعان کرده است هیچ گاه با همسرش فاطمه به اختلافی نداشته اند و هرگز او را ناراحت نکرده است (خوارزمی، 353؛ اربلی، 1 / 373). در مورد روایت دوم (شکایت فاطمه علیها السلام از علی لا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل سخاوتمندش)، باید گفت که فاطمه علیها السلام خود از کسانی بود که در حال گرسنگی، به مسکین اتفاق می کرد (طوسی، الامالی، 185؛ مجلسی، 41 / 28، 43 / 72).

در برخی کتابهای حدیث و سیره و تراجم اهل سنت گزارش شده است که روزی علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام خشمناک شد و به مسجد رفت و روی خاک خوابید. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در مسجد دید، علی علیه السلام را ابوتراب خواند (بخاری، صحیح، 7 / 119؛ همو، الادب المفرد، 183؛ طبرانی، 6 / 149). این گزارش به طور جدی نقد شده و نادرستی آن واضح است، زیرا با توجه به عصمت حضرت فاطمه علیها السلام (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام) و امیر مؤمنان علیه السلام، و با توجه به قسم علی علیه السلام، مبنی بر اینکه فاطمه علیها السلام هرگز او را به خشم نیاورده و او نیز هرگز همسرش را خشمگین نساخته است، مشخص می شود که این روایت و برخی روایات مشابه، جعلی و ثمره کینه جویی برخی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است، چنان که ابن ابی الحدید احتمال داده است که این روایات در زمان بنی امیه جعل و به علی علیه السلام نسبت داده شده باشد (4 / 63؛ ر.ک: عاملی، 4 / 338 - 344؛ 5 / 315 - 327). علاوه بر این، بنابر گفته عمار یاسر، کتبه ابوتراب در غزوة ذات عشیره، به علی علیه السلام داده شده

(احمد بن حنبل، 4 / 263؛ حاکم نیشابوری، 3 / 140 - 141) که قبل از ازدواج حضرت علیه السلام رخ داده است (ر.ک: واقدی، 1 / 12؛ طبری، 2 / 122، مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

5. حمایت بی دریغ از همسر

حمایت بی دریغ حضرت فاطمه علیها السلام از همسرش، در تمام شئون زندگی مشترک ایشان مشهود بود. همان گونه که علی علیه السلام در کارهای منزل به فاطمه علیها السلام یاری می رساند (مقاله سیره خانه داری فاطمه علیها السلام)، فاطمه علیها السلام نیز در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و پس از آن، در گفتار و عمل، از همسرش حمایت می کرد. آن حضرت علیها السلام حمایت از علی علیه السلام و پاس داشتن منزلت وی را در حضور پدرش نیز ابراز می کرد (ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 117) و آن را باعث سعادت می دانست (طبرانی، 22 / 415؛ هیثمی، 9 / 132؛ قندوزی، 2 / 180).

حضرت فاطمه علیها السلام در برخی از غزوات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز یاریگر همسر و پدرش، و در فتح مکه در کنار همسرش بود (ر.ک: ابن هشام، 4 / 869). حمایت فاطمه علیها السلام از همسرش بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در منابع تاریخی مندرج است. وقتی عمر بن خطاب و گروهی برای بیعت گرفتن برای ابوبکر به در خانه علی علیه السلام آمدند، فاطمه علیها السلام آنان را سرزنش کرد و سرسختانه خواستار احقاق حق همسرش گردید (ابن قتیبہ دینوری، 1 / 18 - 20؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 105). وی بلافاصله، در مقام شیعه ای مصمم، مخالفت خود را علنی کرد و طی خطبه ای در مسجد مدینه در جمع مهاجر و انصار و سران حکومت - که منابع اهل سنت و شیعه، متن آن را نقل کرده اند - به شکل گیری حکومت و محروم نمودن همسرش علی علیه السلام از حقوق سیاسی اش، به صورت مستدل، اعتراض نمود (جوهری بصری، 142 - 143، ابن طیفور، 13 - 14؛ اربلی، 2 / 113 - 114). حضرت فاطمه علیها السلام بدان اکتفا نکرد و در مراحل دیگر نیز برای مردم مدینه از جایگاه و سابقه همسرش در اسلام و

ولایتش بر مسلمانان سخن گفت (ر.ک: ابن طیفور، 13) و در این خصوص، توجه ویژه ای به یاد آوری غدیر داشت (خزاز قمی، 199؛ عاملی نباطی، 2 / 133). حضور آن حضرت علیها السلام بر سر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله (صدوق، الامالی، 204؛ مجلسی، 12 / 264) و سخنان او در جمع زنان مهاجر و انصار و بیان جملاتی که حاکی از نارضایتی شدید آن حضرت علیها السلام از وضع موجود و عهدشکنی مردان ایشان بود (جوهری بصری، 120 - 121؛ ابن طیفور، 19 - 20؛ صدوق، معانی الاخبار، 354 - 355)، شاهد موثقی بر حمایت بی دریغ آن حضرت علیها السلام از حقوق سیاسی اهل بیت علیهم السلام و مشخصاً همسرش علی علیه السلام است. حمایت آن حضرت علیها السلام از حق امامت و خلافت همسرش، تا زمانی که خود به شهادت رسید، ادامه یافت و حتی اعتراض به مصادرة حق همسرش، در وصیت آن حضرت علیها السلام نیز تبلور یافت. حضرت فاطمه علیها السلام وصیت کرد او را شبانه دفن کنند تا کسانی که از آنان ناراضی بود، در خاک سپاری و نماز او حاضر نشوند (صدوق، معانی الاخبار، 356؛ مجلسی، 33 / 159). همسرش علی علیه السلام نیز چنین کرد (ابن سعد، 8 / 29). اعلان نارضایتی آن حضرت علیها السلام از ابوبکر و عمر و گزارش گسترده آن در متون تاریخی، نشان می دهد که آن حضرت علیها السلام اصرار بسیاری بر ابراز نارضایتی خود از آن دو نفر داشته است. این نارضایتی اگر بارها اعلان نمی شد، با توجه به حمایت مورخان و محدثان از حکومت، در کتابهای روایی و تاریخی انعکاس نمی یافت. گرچه گزارشگران قادر به حذف این گزارشها نبودند، کوشیدند با گزارش روایاتی که نشان از گذشت فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر و بخشیدن آنان دارد، از شدت این اعتراض بکاهند (ر.ک: ابن سعد، 8 / 27؛ مقاله سیره سیاسی فاطم علیها السلام).

از منظر حمایت از خانواده نیز آن حضرت علیها السلام به همسرش علی علیه السلام توصیه کرد

با توجه به شناختی که از خواهرزاده اش، امامه، دارد با او ازدواج کند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 188؛ ابن شهر آشوب، 3 / 137). حضرت علی علیه السلام نیز، بنا بر وصیت ایشان، پس از شهادت فاطمه علیها السلام با امامه ازدواج کرد (ر.ک: ابن سعد، 8 / 31، 233).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفه؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر؛ ابن شاهین، عمر بن شاهین (م. 385 ق.)، فضائل سیده النساء علیها السلام، تحقیق الحوینی الاثري، القاهرة، مكتبة التربية الاسلامية، 1411 ق؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م. قرن 4)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1404 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، الدرر الوقیة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414 ق؛ ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصیرتی؛ ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة و السياسة، تحقیق طه محمد الزینی، مؤسسه الحلبي و شرکاه؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهایة، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408 ق؛ ابن هشام، عبدالملک حمیری (م. 8 - 213 ق.)، السیرة النبویة، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، القاهرة، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده، 1383 ق؛ احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1425 ق؛ بخاری، محمد بن اسماعیل (م. 256 ق.)، الادب المفرد، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیة، 1406 ق؛ همو، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، 1401 ق؛ تفسیر منسوب

به امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ جوهری بصری، احمد بن عبدالعزيز (م. 323 ق.)، السقیفة و فدک، تحقیق محمدهادی امینی، بیروت، شركة الکتبی، 1413 ق؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزیل، تحقیق محمداقصر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411 ق؛ حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشلی، بیروت، دار المعرفة؛ حر عاملی، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشیعة، تحقیق ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق؛ خزاز قمی، علی بن محمد (م. 400 ق.)، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر علیهم السلام، تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم، انتشارات بیدار، 1401 ق؛ خوئی، سیدابوالقاسم موسوی (م. 1413 ق.)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، 1413 ق؛ خواری، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقیق مالک محمودی، قم، نشر اسلامی، 1411 ق؛ راوندی، سید فضل الله بن علی (م. 571 ق.)، النوادر، تحقیق سیدرضا علی عسکری، قم، انتشارات دار الحدیث، 1377 ش؛ سیوطی، جلال الدین (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، 1413 ق؛ صدوق، محمد بن علی (م. 381 ق.)، الامالی، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1403 ق؛ همو، علل الشرایع، تحقیق سید محمداقصر بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1385 ق؛ همو، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1361 ش؛ همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1404 ق، طبرانی، سلیمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1404 ق؛ طبرسی، احمد بن علی (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقیق محمداقصر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسی، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، 1392 ق؛ طبری، محمد بن جریر (م. 310 ق.)، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق گروهی از دانشمندان، بیروت، مؤسسة الأعلمی، 1403 ق؛ طوسی،

محمد بن حسن (م. 460 ق.)، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1364 ش؛ همو، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ عاملى، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه و آله، بيروت، دارالهادى، 1415 ق؛ عاملى نباطى، على بن يونس (م. 877 ق.)، الصراط المستقيم الى مستحقي التقديم، تحقيق محمدباقر بهبودى، المكتبة المرتضوية، 1384 ق؛ فتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ فرات كوفى، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفى، تحقيق محمد كاظم محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1410 ق؛ قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. 1294 ق.)، ينابيع المودة لذوي القربى، تحقيق سيدعلى جمال اشرف حسينى، دارالاسوة، 1416 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الإمام امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مصباح يزدى، محمد تقى، اخلاق در قرآن، تحقيق محمد حسين اسكندرى، قم، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى قدس سره، 1388 ش؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمي (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضى، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ واقدى، محمد بن عمر (م. 207 ق.)، المغازى، تحقيق مارسدن جونز، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، 1405 ق؛ هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمدباقر انصارى، قم، نشر الهادى، 1420 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1408 ق.

صديقه شاكرى

ص: 261

ابعاد و روشهای تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام در مورد فرزندان.

سیره در لغت به معنای راه و روش (ابن منظور، 4 / 389؛ فیروزآبادی، 2 / 54) و در اصطلاح، به معنای شرح زندگی افراد و سخنان آنها در سیر حوادث تاریخی است (مقاله سیره شناسی). تربیت نیز در لغت به معنای پروراندن و تهذیب ابن فارس، 2 / 381 - 382؛ ابن منظور، 1 / 401) و در اصطلاح، فعالیت هدفمند و دو سویه میان مربی و متربی است که بر اساس نظام ارزشی خاصی، برای ایجاد تغییر در شناخت و نگرش و اخلاق و رفتار، انجام می شود به مقاله تربیت).

در فرهنگ اسلامی، در کنار عامل اراده و فطرت (روم، 30)، به نقش وراثت و محیط نیز در تربیت فرزندان توجه شده است و از این حیث، میان زنان و مردان (پدران و مادران) فرقی وجود ندارد، چنان که در قرآن کریم از زبان نوح علیه السلام درباره کافران زمانه اش گفته شده است کافران جز نسلی فاجر و کافر پدید نمی آورند (نوح، 27). در روایات نیز اگر نگوئیم نقش مادر برجسته تر است، دست کم نقش پدر و مادر به طور متعادل مورد توجه قرار گرفته است و مادران، همچون پدران، مسئول گمراهی کودکان از مسیر فطرت توحیدی و الهی اند سیدمرتضی، 4 / 2؛ ابن ابی جمهور احسانی، 1 / 35؛ مجلسی، 3 / 281). با گسترش فرهنگ اسلامی، اهمیت نقش تربیتی زنان آشکارتر شد. در نگاه اهل بیت علیهم السلام و خاندانشان، زنان جایگاه بسیار والایی در تعلیم و تربیت دارند. بنا بر گزارشهای تاریخی، تعدادی از زنان و دختران اهل بیت علیهم السلام و حتی زنان و دختران صحابه و

تابعان، مرجع علمی و دینی بوده اند (ر.ک: ابن اثیر جزری، 5/ 389 - 642؛ ابن حجر عسقلانی، 8/ 3 - 492).

در این میان، رفتارهای فاطمه زهرا علیها السلام در تربیت فرزند - چون ایشان از عصمت برخوردار بود (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام) - الگویی عملی برای دیگر مسلمانان، به ویژه برای زنان است. پرورش دو امام بزرگوار، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، و دخترانی چون زینب و ام کلثوم نیز شاهدی بر الگو بودن این مربی الهی است. امروزه محققان، با توجه به رشد فزاینده علوم تربیتی و نیازهای فراوان جامعه، به جمع آوری روایات و تدوین کتابهایی درباره سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام روی آورده اند، اما چون عمر حضرت زهرا علیها السلام کوتاه بود و نیز زنان در فرهنگ اسلامی، به ویژه در صدر اسلام و بالاخص حضرت زهرا علیها السلام، در مجامع عمومی حضور کمتری داشتند، رفتارهای آن حضرت علیها السلام در تربیت فرزندان کمتر دیده می شد. از این رو، در این باره روایات کمی وجود دارد که بیشتر سلمان، بلال، ابن عباس و برخی از نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را گزارش کرده اند. همین مسئله، پژوهش درباره سیره حضرت زهرا علیها السلام را دشوار ساخته است. در بررسی سیره حضرت فاطمه علیها السلام در تربیت فرزند، موضوعاتی در خور توجه است.

زمینه های مناسب در تربیت

از جمله عوامل مؤثر در تربیت فرزندان، فراهم آوردن محیط و زمینه های مساعد در تربیت آنان است. برخی از این زمینه ها به قبل از تولد فرزندان و حتی به انتخاب همسر باز می گردد. اگر والدین، درست تربیت نشده باشند، تربیت فرزند برای آنان بسیار دشوار خواهد بود. از این رو، اولین گام در تربیت فرزند، انتخاب همسری صالح و شایسته و مسئول نسبت به همسر و فرزندان است.

ص: 263

در سیره حضرت زهرا علیها السلامی بینیم که با وجود خواستگاران متعدد (ابن سعد، 8 / 19 - 20)، به حضرت علی علیه السلام که جوانی فقیر اما وارسته بود، پاسخ مثبت داد (طوسی، الامالی، 39 - 40؛ ابن شهر آشوب، 3 / 127؛ مجلسی، 43 / 93)، چرا که علی علیه السلام را همتای مؤمن خود می شناخت و در برخی روایات از نبی اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که اگر امیر مؤمنان علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج نمی کرد، برای فاطمه علیها السلام تا روز قیامت، همتایی نبود (صدوق، الخصال، 414؛ مجلسی، 43 / 10؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام). از جمله زمینه هایی که در تربیت صحیح فرزندان مؤثر دانسته شده، رعایت نکات بهداشتی و روانی هنگام تشکیل نطفه است. در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آدابی را که خود از جبرئیل آموخته بود برای علی علیه السلام بیان کرد و از او خواست که آنها را رعایت کند (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 551 - 554؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 209 - 211؛ ر.ک: مجلسی، 100 / 280 - 282). افزون بر این، در بدو تولد فرزند نیز آداب و سنتهای خاصی در اسلام مطرح شده که در تأمین سلامت روحی و جسمی فرزند مؤثر است، هر چند ممکن است برخی از این تأثیرات از دید مردم پنهان باشد، مانند اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد (ر.ک: کلینی، 6 / 24؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 7 / 437) یا عقیقه کردن (قربانی) برای او (ابن بابویه، 239؛ علامه حلی، 3 / 98). در منابع تاریخی گزارش شده که حضرت زهرا علیها السلام کاملاً به این آداب توجه داشته است. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام روز هفتم ولادت هر دو پسرش، امام حسن و امام حسین علیهما السلام، برای آنها عقیقه کرد و موی سر آنها را تراشید و به وزن مویشان، نقره صدقه داد (کلینی، 6 / 33؛ ابن ابی الحدید، 16 / 10؛ طبری، 119).

ابعاد تربیت

اشاره

تربیت فرزندان ابعاد گوناگونی دارد، از جمله ابعاد جسمانی، روحی و عاطفی، عقلانی، دینی و اخلاقی، و سیاسی و اجتماعی. هدف و شیوه

تربیت فرزندان در هر بخش، با توجه به مبانی مکاتب و نگرش آنها به خدا و جهان و انسان و محیط اجتماعی، متفاوت است.

در تربیت اسلامی - که در سیره معصومان علیها السلام و از جمله حضرت زهرا علیها السلام بازتاب یافته - هدف نهایی از آفرینش انسان، بندگی خدا و رهایی از اسارت غیر خداست (ذاریات، 56؛ طبرسی، الاحتجاج، 1/ 133؛ شیخ الاسلامی، 117؛ مقاله تربیت). از این رو، در نگاه دینی، فرزندان امانتهای الهی نزد والدین هستند و پدر و مادر و کل جامعه در حفظ و رشد همه جانبه آنان در مسیر توحیدی مسئول اند (ر.ک: قائمی، 124).

1. تربیت جسمانی

در نگاه دینی، انسان از دو بعد مادی و غیرمادی تشکیل شده (ر.ک: دیوانی، 65 - 88) که تربیت هر دو الزامی است. گرچه حقیقت انسان به روح اوست (مصباح یزدی، 437، 444)، ولی این روح از نظر وجودی متأخر از جسم است (مؤمنون، 14؛ ر.ک: طباطبائی، 12 / 154؛ 13 / 195) و در این دنیا وابسته به آن است و بدون آن نمی تواند رشد و تکامل یابد. معصومان علیهم السلام، از جمله فاطمه زهرا علیها السلام، نیز در پرورش جسم فرزندان خویش و سلامت و بهداشت و تغذیه آنان، از هیچ کوششی دریغ نمی ورزیدند. حضرت فاطمه علیها السلام، با وجود سختیهای فراوان در انجام دادن کارهای خانه، خود فرزندانش را شیر می داد (طبرسی، مکارم الاخلاق، 117؛ فیض کاشانی، 5 / 341؛ مرعشی نجفی، 25 / 271)، در بسیاری مواقع غذا نمی خورد و گرسنه می ماند تا فرزندانش و شوهرش غذا بخورند (کوفی، 1 / 201؛ اربلی، 2 / 97؛ مجلسی، 43 / 59) و گاهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوسل می شد و فرزندانش را نزد ایشان می فرستاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، که خود چیزی نداشت، از خدا مائده آسمانی طلب می کرد (ابن شاذان قمی، 162؛ قطب راوندی، الخرائج، 2 / 536 - 537؛ مجلسی، 43 / 308).

حضرت فاطمه علیها السلام برای شفای فرزندان، علاوه بر بهره گیری از اسباب مادی، به

عوامل معنوی نیز توسل می جست. بر اساس گزارشهای تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام و کنیزشان، فضّه، برای بهبود حسنین علیهما السلام نذر کردند که روزه بگیرند (کوفی، 1 / 178؛ فرات کوفی، 520 - 521؛ صدوق، الامالی، 329؛ حاکم حسکانی، 2 / 394؛ خوارزمی، 267). حضرت علیها السلام گاهی دست فرزند بیمارش را می گرفت و نزد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می برد تا از خدا بخواهد فرزندش را شفا دهد (مغربی، 2 / 146؛ قطب راوندی، الدعوات، 188؛ مجلسی، 59 / 104). حضرت زهرا علیها السلام، با آنکه خود می توانست دعا کند، فرزندان را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می برد تا درس احترام به بزرگان و اولیای الهی و نقش آنان را در زندگی انسان، به دیگر انسانها بیاموزد.

2. تربیت روحی و عاطفی

به نظر اندیشمندان علوم تربیتی، نیازهای روحی و روانی از نیازهای مادی مهم تر است. یکی از این نیازهای روانی، نیاز به محبت است که در همه سنین وجود دارد، اما در کودکان از بزرگسالان شدیدتر است. تأمین این نیاز در کودکان موجب آرامش روانی آنان، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و دیگر انسانها، یادگیری شیوه محبت به دیگران و حتی سلامت جسمی آنان می شود و تأمین نشدن آن در کودکان، علاوه بر برخی مشکلات جسمی، سبب بیماریهای روحی و روانی بسیار می گردد و حتی به انحرافات اجتماعی می انجامد (امینی، 2 / 193 - 194؛ شامبیانی، 195 - 196). یکی از نکات مهم این است که محبت وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که ابراز گردد و کودک از محبت به خود آگاه شود، وگرنه اصل محبت داشتن، فقط برای محبت کننده مفید است. تأمین این نیاز کودکان، بیشتر بر عهده والدین (به ویژه مادر) و اهل خانواده است.

در منابع تاریخی و روایی، از اهل بیت علیهما السلام درباره ابراز محبت و شیوه های آن مطالب فراوانی گزارش شده است (کلینی، 6 / 49 - 50 حر عاملی، 21 / 483).

بنا بر برخی از آنها، محبت به کودکان، عبادت (محدث نوری، 15 / 170) و بهترین اعمال (محدث نوری، 15 / 114) است. در سیره تربیتی حضرت فاطمه علیها السلام نیز توجه کامل به این نیاز فرزندان دیده می شود. ایشان می کوشید مهر مادری را از فرزندانش دریغ نرزد و به رغم سختیها، امور آنان را به دیگری واگذار نکند. بر اساس گزارشهای تاریخی، وقتی بلال حضرت فاطمه علیها السلام را دید که مشغول آسیاب کردن است و فرزندش گریه می کند، از ایشان پرسید: «دوست داری فرزندت را نگه دارم یا آسیاب کنم؟» حضرت علیها السلام پاسخ داد: «من به فرزندم مهربان ترم» احمد بن حنبل، 3 / 150؛ ورام بن ابی فراس، 2 / 230؛ طبری، 51).

یکی از روشهای ابراز محبت - که در تأمین امنیت روانی کودکان، علاوه بر اجتماعی کردنشان، تأثیر فراوانی دارد. اجازه بازی دادن به کودکان و بازی کردن با آنان است. این روش بسیار مورد توجه و تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده است (مجلسی، 43 / 285). حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز از روش بازی کردن بسیار بهره می برد و گاه آن را با شعر خواندن و سرودن اشعار کودکانه، با قافیه های کوتاه و جذاب و وزنهای شاد و فرح بخش، ترکیب می کرد و عالی ترین مفاهیم عمیق سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی را برای فرزندانش بیان می نمود، که در واقع برای همه مردم جنبه تعلیمی دارد. در برخی گزارشهای تاریخی آمده است که فاطمه علیها السلام هنگام بازی دادن فرزندش، حسن علیه السلام، این اشعار را می خواند: «أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ / وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ // وَ اعْبُدِ إِلَهًا ذَا مَنِّنٍ / وَلَا تُوَالِ ذَا الْإِخْنِ» (تو ای حسن به پدرت شبیه شو و حق را آزاد کن و خدای مَنّان را عبادت کن و با کینه توز دوستی مکن) (ابن شهر آشوب، 3 / 159؛ مجلسی، 43 / 286). آن حضرت علیها السلام با این شعر، علاوه بر تأمین نیاز طبیعی فرزند به بازی و محبت، به او اخلاق و دفاع از

حق و عبادت خدا و دوری از کینه توزان را تعلیم می داد.

بی اعتنا نبودن والدین به رشد صحیح و سرنوشت فرزندان، از امور بسیار ضروری در تربیت آنان است. در کنار آن، آگاه نمودن فرزندان از این نگرانی پدر و مادر، در پایداری امنیت روانی فرزندان نقش فراوانی دارد. حضرت زهرا علیها السلام همواره به این موضوع توجه داشت و در مواقع لزوم آن را به زبان می آورد. در منابع تاریخی، در مواردی همچون هنگام احتضار نبی اکرم صلی الله علیه و آله (مجلسی، 22 / 484)، هجوم به خانه آن حضرت علیها السلام (مجلسی، 28 / 227 - 228، 252) و غصب فدک (ر.ک: صنعانی، 5 / 472؛ مجلسی، 28 / 353 - 354)، نگرانی از وضع فرزندان و ستمی که بر آنان می رود، از زبان حضرت فاطمه علیها السلام گزارش شده است.

ایشان که با فرزندان بسیار دلسوز و مهربان و برای آینده شان نگران بود، حتی به حضرت علی علیه السلام درباره امور فرزندان وصیت کرد (مجلسی، 79 / 27؛ محدث قمی، بیت الاحزان، 177) و چون از نیاز فرزندان به مهر و محبت مادر کاملاً آگاه بود، به عنوان اولین وصیت به امیر مؤمنان علیه السلام، از ایشان خواست که پس از او با دختر خواهرش، امامه، ازدواج کند، زیرا او را همانند خود (فاطمه علیه السلام) به فرزندان مهربان می دانست (فتال نیشابوری، 151؛ مجلسی، 43 / 192).

یکی دیگر از نیازهای روانی و عاطفی همه انسانها، به ویژه کودکان، نیاز به تکریم و احترام است. این نیاز ریشه در خلقت انسان دارد، چرا که خداوند انسان را بزرگ داشته و او را بر بسیاری از موجودات برتری داده است (ر.ک: اسراء، 70). این برتری غیر اکتسابی مربوط به همه انسانهاست، که در آن قوم، نژاد، جنسیت، سن، دین، مذهب و حتی ایمان و غیر آن دخالت ندارد و

ص: 268

کودکان در این نوع از برتری با دیگر انسانها مساوی اند. از این گذشته، آنان دارای فطرتی الهی، پاک و دست نخورده اند (مجلسی، 3 / 281) که ایشان را بر برخی انسانها برتری می بخشد. پاسداشت احترام و شخصیت کودکان تأثیر بسزایی در تربیت آنان دارد و رعایت نکردن آن، دارای پیامدهای زیان بار تربیتی (از جمله ایجاد تکبر و نفاق) است. از این رو، اهل بیت علیهم السلام به بزرگداشت فرزندان خود و حتی دیگران اهتمام ویژه ای داشتند. در منابع روایی و تاریخی، نمونه های فراوانی از این موضوع در سیره ایشان گزارش شده است؛ از جمله سلام کردن، انتخاب نام نیکو، احترام گذاشتن و هدیه دادن (ابن ابی الحدید، 9 / 193؛ ر.ک: حر عاملی، 21 / 476 - 479؛ مجلسی، 43 / 285 - 286، 101 / 92).

حضرت فاطمه علیها السلام نیز برای فرزندانش احترام و شخصیت خاصی قائل بود. بر اساس برخی روایات، امام حسن علیه السلام در هفت سالگی به مسجد می رفت و کلام وحی را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله می شنید. حضرت فاطمه علیها السلام او را تشویق می کرد هر بار که از مسجد باز می گردد، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را برایش گزارش کند و زمانی که او به منزل می آمد، بالای بلندی می نشست و آنچه را شنیده بود به حالت سخنرانی برای فاطمه علیها السلام باز می گفت (ابن شهر آشوب، 3 / 175؛ مجلسی، 43 / 338؛ محدث قمی، الانوار البهیة، 88).

از دیگر جنبه های نیاز روحی و عاطفی فرزندان، رعایت عدالت و مساوات است که باید در تربیت فرزندان، به نحو شایسته ای از این دو اصل بهره برد. رفتار به عدالت، یعنی باید با هر یک از فرزندان به اقتضای لیاقت و شایستگی ای که از خود نشان می دهد، رفتار کرد، ولی چون کودکان هنوز قدرت درک واقعیات غیر محسوس و تجزیه و تحلیل واقعیات محسوس را ندارند و نمی توانند تفاوت های واقعی بین خود و دیگران را درک کنند، ممکن است دچار سوء برداشت شوند و برای خود و والدین،

یا برادران و خواهرانشان مشکلاتی ایجاد کنند. از این رو، رعایت مساوات بین آنان، به ویژه در مواردی که تفاوت‌هایشان ذاتی و غیر اکتسابی است، شایسته تر است (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، 1 / 484). اهل بیت علیهم السلام، و از جمله فاطمه علیها السلام نیز در رفتار خود با فرزندان این گونه عمل می کردند و دیگران را به رعایت عدالت و گاه مساوات میان فرزندان سفارش می نمودند (طبرسی، مکارم الاخلاق، 220؛ مجلسی، 101 / 92). بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، به نقل از پدر گرامیشان امام باقر علیه السلام، روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حسنین علیهما السلام خواست برخیزند تا با هم کشتی بگیرند. آنان نیز برخاستند و با هم کشتی گرفتند. فاطمه علیها السلام که برای کاری به بیرون از منزل رفته بود، هنگامی که بازگشت، مشاهده کرد پیامبر صلی الله علیه و آله در حال تشویق امام حسن علیه السلام است، علت را جویا شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ داد زیرا حسین علیه السلام را جبرئیل تشویق می کند (صدوق، الامالی، 530 - 531، مجلسی، 43 / 268). این جریان گویای لزوم رعایت عدالت میان فرزندان است که برای حضرت فاطمه علیها السلام بسیار اهمیت داشت، لذا آن را پیگیری می نمود و درباره برخی رفتارها سؤال می کرد. از منظر حضرت زهرا علیها السلام، اقتضای عدالت میان فرزندان در وضع عادی این بود که به فرزند کوچک تر بیشتر توجه شود و رفتار نبی اکرم صلی الله علیه و آله نیز گویای این مطلب است که اگر برخلاف انتظار عمل شده، علتش این است که شرایط دیگری وجود داشته است. بر اساس گزارشی از امیر مؤمنان علی علیه السلام، روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدارشان رفت و شب نزدشان خوابید. لحظاتی بعد، حسن و حسین علیهما السلام از خواب بیدار شدند و آب خواستند. پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و در کاسه ای آب ریخت و ابتدا به حسن علیه السلام نوشاند. فاطمه علیها السلام گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل اینکه حسن علیه السلام را بیشتر دوست می داری؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه این طور نیست، بلکه چون اول او از من آب خواست، او را مقدم داشتم» (احمد بن حنبل، 1 / 101؛ طبرانی، 3 / 41؛ متقی هندی، 13 / 638 - 639).

این رفتار نبوی گویای جنبه دیگر عدالت، یعنی رعایت حق تقدم دیگران و آموزش عملی آن به کودکان است.

3. تربیت دینی و اخلاقی

تربیت دینی و معنوی کودکان به مراتب مهم تر از دیگر جنبه های تربیت است، چرا که از منظر مکاتب الهی و آسمانی، اصالت در حیات انسانی از آن روح است و حرکت معنوی آن به سوی هدف نهایی اش، یعنی عبودیت است. در تربیت فرزند نیز هدف اصلی همین است، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «من از خداوند فرزندان زیبا و نیکو قامت نخواستم، بلکه خواستم فرزندانم مطیع او باشند و از او بترسند تا وقتی به آنان نگاه می کنم، مایه روشنی چشم من باشند» (مجلسی، 101 / 98). بخشی از تربیت دینی از طریق آموزش اعمال عبادی و تشویق به آن و اجرای برنامه های عبادی همراه با فرزندان انجام می شود. اهل بیت علیهم السلام به این روش بسیار توجه داشتند و روایات فراوانی از آنان درباره لزوم و آثار تعلیم و تشویق فرزندان، و حتی میزان و مراحل آموزش اعمال عبادی، با توجه به سن فرزندان، گزارش شده است (صدوق، الخصال، 626؛ ر.ک: حر عاملی، 4 / 18 - 21؛ مجلسی، 85 / 131). طبیعتاً در سیره فاطمی نیز تربیت دینی و تشویق فرزندان به کارهای عبادی، اهمیت ویژه ای داشته است. بر اساس برخی گزارشهای تاریخی درباره شب قدر، فاطمه زهرا علیها السلام افزون بر آنکه خود به شب زنده داری در این شب، اهتمام ویژه داشت، با تمهیداتی می کوشید فرزندان را نیز به احیاء در این شب ترغیب کند. از این رو، با آماده کردن آنان از روز قبل و نیز با کم کردن غذا، آنان را در شب قدر بیدار نگه می داشت و می فرمود: «محروم کسی است که از خیر چنین شبی بازماند» (مغربی، 1 / 282؛ مجلسی، 94 / 10؛ طباطبائی، 6 / 337).

در تربیت فرزندان، بیش از تأکیدها و امر و نهی های گفتاری، رفتار خود والدین

الگوی عملی برای فرزندان است. فرزندان فاطمه علیها السلام، در کنار تأکیدهای آن حضرت علیها السلام بر عبادت، خود شاهد عبادتهای طولانی مادرشان بودند که در آنها از سویی با خدا ارتباط داشت و از سوی دیگر از یاد مردم غافل نبود و برای آنان دعا می کرد، بی آنکه برای خود دعایی بکند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ حر عاملی، 7 / 113؛ مقاله سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام). این رفتار فاطمه علیها السلام پیامهای مهمی برای فرزندان داشت: اهتمام به عبادت، و روحیه ایثار و توجه به دیگران و پرهیز از خودخواهی، حتی در مقام دعا. از دیگر موضوعاتی که حضرت زهرا علیها السلام به آن توجه داشت، آشنا کردن کودکان با اصول خدامحوری در همه کارها و توکل بود. بر اساس برخی روایات، در ایام عید یکی از سالها، حسن و حسین علیهما السلام که می دیدند همسالانشان لباسهای نو پوشیده اند، از حضرت زهرا علیها السلام لباس عیدی خواستند. آن حضرت علیها السلام با آنکه می دانست پولی برای تهیه لباس نو ندارند، به فرزندانش گفت: «اگر خدا بخواهد برای شما دوخته خواهد شد» (مجلسی، 43 / 75؛ مرعشی نجفی، 10 / 647). ایشان وعده لباس عیدی را با «إن شاء الله» همراه کرد تا در صورت تحقق نیافتن، هم خلف وعده ای صورت نگیرد، و هم آنان را متوجه نقش پروردگار در زندگی انسان نماید.

4. تربیت سیاسی و اجتماعی

یکی از مهم ترین جنبه های تربیتی فرزندان، تربیت در امور سیاسی و اجتماعی است، به گونه ای که پس از ورود به عرصه اجتماعی، با بینش صحیح، کارهای شایسته انجام دهند (امام خمینی قدس سره 6 / 203). اهل بیت علیهمالسلام به این جنبه از تربیت توجه داشتند که نمونه بسیار عالی آن در رفتار حضرت فاطمه علیها السلام مشهود است. آن حضرت علیها السلام در حالی که فرزندانش بیش از شش سال نداشتند، هنگام دفاع از ولایت، آنان را به همراه می برد و از این طریق آنان را با مسائل

سیاسی و اجتماعی آشنا می ساخت. نمونه هایی از آن در منابع تاریخی گزارش شده است (ر.ک: ابن ابی الحدید، 47/2؛ مجلسی، 28 / 227 - 228، 313، 30 / 348، مقاله سیره سیاسی فاطمه علیها السلام). با چنین تربیتی است که امام حسن علیه السلام هنگام جلوس ابوبکر بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان خلیفه، به او خطاب کرد: «از منبر پدرم پایین بیا» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 188؛ ابن ابی الحدید، 6 / 42؛ متقی هندی، 5 / 616) و امام حسین علیه السلام نیز شبیه این سخن را به خلیفه دوم گفت (ر.ک: کوفی، 2 / 256؛ طوسی، الامالی، 703؛ ابن عساکر، 14 / 175 - 176).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن علی (م. 880 ق.)، عوالی اللئالی العزیزية في الاحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی عراقی، قم، مطبعة سيدالشهداء، 1403 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسدالغابة في معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن بابویه، علی بن حسین (م. 329 ق.)، فقه الرضا علیه السلام، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، مشهد، المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، 1406 ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابة، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، 1415 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بیروت، دارصادر، ابن شاذان قمی، محمد بن احمد (م. 412 ق.)، مائة منقبة، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1407 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن عساکر، علی بن حسن (م. 571 ق.)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، 1415 ق؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1404 ق؛ ابن منظور، محمد بن مکرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الاثمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امام خمینی قدس سره

سید روح الله موسوی (م. 1409 ق.)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، 1378 ش؛ امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیا و مربیان، 1381 ش؛ حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1411 ق؛ حر عاملی، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414 ق؛ خوارزمی، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقیق مالک محمودی، قم، نشر اسلامی، 1411 ق؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان شناسی رشد، تهران، انتشارات سمت، 1379 ش؛ دیوانی، امیر، حیات جاودانه (پژوهشی در قلمرو معادشناسی)، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، 1376 ش؛ سید مرتضی، علی بن حسین (م. 436 ق.)، امالی، تحقیق سید محمد نعسانی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، 1403 ق؛ شامیبانی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات ژوبین، 1378 ش؛ شیخ الاسلامی، سیدحسین، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1419 ق؛ صدوق، محمد بن علی (م. 381 ق.)، الامالی، قم، مؤسسه البعثه، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1403 ق؛ همو، علل الشرایع، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1385 ق؛ همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، 1404 ق؛ صنعانی، عبدالرزاق بن همام (م. 211 ق.)، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، منشورات المجلس العلمي؛ طباطبائی، سیدمحمدحسین (م. 1402 ق.)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر اسلامی، 1417 ق؛ طبرانی، سلیمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی سلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1404 ق؛ طبرسی، احمد بن علی (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسی، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، 1392 ق؛ طبری، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، القاهرة، مكتبة القدسی، 1356 ق؛ طوسی، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیة، 1364 ش؛ علامه حلی، حسن بن یوسف (م. 726 ق.)،

قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم، نشر اسلامي، 1413 ق؛ فتال نيشابوري، محمدبن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1410 ق؛ فيروز آبادي، محمد بن يعقوب (م. 817 ق.)، القاموس المحيط، تحقيق مرعشلي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1417 ق؛ فيض كاشاني، محسن (م. 1091 ق.)، تفسير الصافي، تهران، انتشارات صدر، 1415 ق؛ قائمي، علي، در مكتب فاطمه عليها السلام، قم، انتشارات اميري، 1377 ش؛ قطب راوندي، سعيدبن هبة الله (م. 573 ق.)، الدعوات، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ همو، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفي، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودي، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ متقي هندی، علي (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حياني، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسي، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ محدث قمی، عباس (م. 1359 ق.)، الانوار البهية في تواريخ الحجج الالهية، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ همو، بيت الاحزان في ذكر احوالات سيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، دار الحكمة، 1412 ق؛ محدث نوري، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ مرعشي نجفی، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشي نجفی؛ مصباح يزدي، محمد تقی، معارف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني قدس سره، 1386 ش؛ مغربي، قاضي نعمان بن محمد تميمي (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضي، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ ورام بن ابي فراس، مسعودبن ورام (م. 605 ق.)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم، مكتبة الفقيه.

سيدعلی حسینی زاده

تدابیر حضرت فاطمه علیها السلام در چگونگی اداره امور منزل و انجام دادن کارهای روزانه.

خانه داری، انجام دادن امور داخلی منزل است، مانند نظافت، پخت و پز، آراستن خانه، مهمان داری و غیره. در جامعه شناسی، خانه داری به کار بدون دستمزدی اطلاق می شود که به منظور حفظ اعضای خانواده یا منزل انجام می شود (Shelton, 229). این تعریف از خانه داری، بر اساس کار صنعتی و رواج کارهای مزدی و تقسیم زندگی بشر به سپهر عمومی و خصوصی، متداول گشت (هام، 309). معادل عربی خانه دار «ربة المنزل» است (آذرنوش، 223). در انگلیسی، تعابیر «domestic labor» و «domestic roles» به معنای نقشها یا کارهای داخلی است (حسینی، 367) و مراد از آن تمام کارهایی است که در منزل انجام می شود. بنابراین، مراقبت از کودک و رسیدگی به همسر نیز در محدوده خانه داری است. در این مقاله، با توجه به دیگر مقالات و نیز جایگاه و احکام متفاوت نقشها، درباره خانه داری منهای همسری و مادری بحث می شود.

شواهد تاریخی نشان می دهند زنان همواره نقشهای مربوط به خانه را بر عهده داشته اند. وابستگی کودکان به مادر منشأ مهمی در التزام زنان به خانه و انجام دادن امور خانه بوده است. خانه داری در عصرهای گوناگون، گاهی بیشتر و متنوع تر و گاهی کمتر بوده است، جز در دوره شکارورزی که منهای تعقیب شکار، همه کارهای خانه را زنان بر عهده داشتند (دورانت، 1 / 42). در یونان باستان تعلیمات زنان منحصر به خانه داری بود و حتی در طبقاتی که زنان، خدمتکار

داشتند، باز هم به نشان کدبانویی، برخی کارهای خانه (مانند ریسندگی) را خود انجام می‌داند (دورانت، 68 / 3، 340).

تعبیر کلی تدبیر منزل، در فرهنگ اسلامی در کتابهایی مانند المنطق (ابن مقفع، 3)، قابوسنامه (ر.ک: عنصر المعالی، 103 - 138)، السیاسة (ر.ک: ابن سینا، 73) و اخلاق ناصری (ر.ک: خواجه نصیر طوسی، 205 - 244) مطرح شده، اما این تعبیر اعم از خانه داری است و درباره خانه داری با تعریف سنت اسلامی، پژوهش‌چندانی نشده است. در سالهای اخیر کتابهایی با موضوع نقشهای جنسیتی منتشر شده است که برخی از آنها در صدد تبیین دیدگاه دینی در این باره اند. مجموعه مقالات هویت و نقشهای جنسیتی، اثر محمدرضا زیبایی نژاد، از آن جمله است.

در خصوص سیره خانه داری حضرت فاطمه علیها السلام پژوهش مستقل و درخور توجهی صورت نگرفته و صرفاً برخی و گزارشهای پراکنده در کتابهای روایی شیعه (ر.ک: مجلسی، 146 / 43 - 154) و اهل سنت (ر.ک: ابن سعد، 19 / 8 - 22؛ بخاری، 48 / 4) آمده است.

خانه داری حضرت فاطمه علیها السلام

بنا بر گزارشهای تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام در زندگی مشترکشان، کمترین امکانات و وسایل را داشتند که از سطح معمول زندگی در جزیره العرب آن زمان نازل تر بود (ر.ک: ابن سعد، 19 / 8 - 22؛ صدوق، الامالی، 524؛ مفید، 1 / 36؛ مجلسی، 117 / 43). حضرت فاطمه علیها السلام در ابتدا در خانه ای استیجاری، در یکی از محله های مدینه زندگی می کرد که فاصله زیادی تا مسجد مدینه داشت، ولی بعداً به نزدیکی خانه پدرش نقل مکان کرد (ر.ک: ابن سعد، 8 / 22 - 23؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 264؛ سمهودی، 2 / 669 - 688). بنا بر نقلی دیگر، همان ابتدا شخصی به نام حارثة بن نعمان یکی از خانه های خود را در کنار خانه

پیامبر صلی الله علیه و آله، در اختیار این زوج نهاد (طبرسی، اعلام الوری، 161).

امکانات خانه آن حضرت علیها السلام در آغاز زندگی مشترک، چند وسیله ساده و کم قیمت بود، مانند ظروف گلین، بالشهایی پُر شده از لیف خرما، و پوست گوسفندی به عنوان زیرانداز (مجلسی، 43 / 94، 117؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 467 - 276؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام). طبیعتاً کمبود امکانات، بر سختی خانه داری می افزود.

بنا بر گزارشهای تاریخی، کارهای آن حضرت علیها السلام در خانه عبارت بود از آماده کردن طعام و مواد اولیه آن (مانند آسیاب کردن جو و گندم)، تهیه برخی مایحتاج منزل از بیرون، جارو کردن، آب کشیدن از چاه، رسیدگی به امور بهداشتی، و نیز پذیرایی از مهمانان. حتی در برخی منابع گزارش شده است که ایشان برای کمک به درآمد خانواده، گاهی پشم ریسی می کرد (کوفی، 1 / 178؛ صدوق، الامالی، 329 - 330). گزارش اهتمام آن حضرت علیها السلام به کار خانه، در منابع روایی وجود دارد (ر.ک: بخاری، 4 / 48؛ صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ اربلی، 1 / 373).

تسهیل خانه داری

اشاره

کار زیاد خانه، در کنار برخی ملاحظات دیگر، باعث شد تا آن حضرت علیها السلام و همسرش علی علیه السلام از همان آغاز برای تسهیل خانه داری چاره ای بیندیشند.

در اسلام خانه داری بر زنان واجب نیست (نجفی، 31 / 201؛ امام خمینی قدس سره، 2 / 305) و آنان می توانند در ازای کار منزل از همسر خود مزد بگیرند (مراجع، 2 / 407)، همچنان که می توانند قصد تبرع کنند و به کارهای منزل جهت قریبی و الهی بدهند و مزد آن را، به عنوان عبادت، از پروردگار بخواهند. چنین کاری افزون بر آنکه زن را از تنگنای کار برای بشر و مادیات خارج و به فراخنای کار برای خدا گسیل می کند و از آثار روان شناختی کار توحیدی بهره مند می سازد، باعث

ص: 278

می‌گردد که زن همواره مورد تقدیر و احترام همسرش قرار گیرد (ر.ک: فضل‌الله، 156). در دین اسلام، راههای دیگری نیز در نظر گرفته شده است، از جمله تقسیم کار، استخدام خدمتکار و مشارکت و همیاری خانواده.

1. تقسیم کار

امروزه جامعه‌شناسان درباره تقسیم کار بر اساس جنسیت و نقش آن در تولید و بازخورد های اجتماعی، به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند (ر.ک: ریتزر، 470 - 474). در خصوص تقسیم کار بر اساس جنسیت، دو رویکرد کلی در میان دانشمندان غربی وجود دارد: رویکرد فمینیستی، که به تقسیم بندی کار بر اساس جنسیت دید منفی دارد (ر.ک: آبوت، 171)؛ و رویکرد کارکردگرایی که پیروان آن معتقدند تقسیم کار بر اساس جنسیت در خانواده، رضایت خاطر افراد و کارآمدی و ثبات نهاد خانواده را تأمین می‌کند. این تقسیم کار، هم به نفع زن و مرد است و هم به نفع جامعه، از دید اینان، تقسیم کار در خانواده، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است (ر.ک: گرت، 56 - 62).

در دیدگاه دینی، تقسیم کار بر اساس جنسیت مبتنی بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و بر پایه اهمیت حفظ خانواده و تحکیم روابط در آن است. در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله تفاوت‌های جنسیتی در نقش آفرینیهای اجتماعی، از جمله تقسیم کار، مورد توجه بوده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که آن حضرت صلی الله علیه و آله تمایل داشت زنان عهده دار امور درون منزل باشند. روایاتی وجود دارد که ایشان از زنانی که امور خانه را نیکو انجام می‌دادند تمجید کرده است (ر.ک: حر عاملی، 20 / 32).

در حدیثی، فاطمه زهرا علیها السلام بر ملازمت زن با خانه تأکید کرده و زن را در این حالت به خداوند نزدیک تر دانسته است (اشعث کوفی، 95؛ مجلسی، 43 / 92). این روایت، به طور تلویحی، اهمیت نقش‌های خانگی، از جمله خانه داری، را بیان می‌دارد.

بنا بر همین رهیافت، وقتی حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در خصوص کار منزل با رسول خدا صلی الله علیه و آله مشورت کردند، آن حضرت صلی الله علیه و آله پیشنهاد داد کارها و فعالیتهای درون خانه بر عهده فاطمه علیها السلام باشد و آن دسته از کارهای خانه که مستلزم خروج از خانه است، به علی علیه السلام واگذار گردد. این پیشنهاد با استقبال و شادمانی فاطمه علیها السلام مواجه شد (حمیری قمی، 52؛ مجلسی، 81 / 43). برخی، از عبارتی که حاکی از سرور حضرت علیها السلام است، در برداشت کرده اند: اول آنکه خوشحالی حضرت علیها السلام به سبب آن بوده که از حضور در میان مردان معاف شده، و دوم آنکه تحمل کارهای سخت مردان از ایشان برداشته شده است (مجلسی، 81 / 43). بر اساس همین تقسیم کار، حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل را انجام می داد، هر چند امام علی علیه السلام نیز، افزون بر کارهای بیرون، در کار منزل (مانند نظافت و آسیاب کردن) مشارکت می کرد (مجلسی، 50 / 43 - 51). در گزارشی دیگر آمده است که معمولاً حضرت علی علیه السلام هیزم و آب می آورد و خانه را جارو می کرد و فاطمه علیها السلام آسیاب می کرد و خمیر تهیه می نمود و نان می پخت (مجلسی، 151 / 43).

پیروی حضرت فاطمه علیها السلام از چنین تقسیم کاری، حکم و جویی نبوده است، زیرا بر اساس احکام اسلامی، کار منزل بر عهده زن نیست (ر.ک: امام خمینی قدس سره 2 / 305)، ولی بیانگر این مطلب است که در آموزه های دینی، تناسب نوع کار با جنسیت در نظر گرفته شده است و انجام دادن کارهای ناهماهنگ با ویژگیها و تواناییهای روحی و جنسیتی زن شایسته نیست. شادمانی آن حضرت علیها السلام نیز به همین سبب بود، نه برای آنکه این تقسیم کار باعث آسانی خانه داری می گردید، چرا که شواهد فراوانی وجود دارد دال بر سختیهای زیاد کار خانه برای آن حضرت علیها السلام، پس از این تقسیم کار (احمدبن حنبل، 1 / 136؛ طبری، ذخائر العقبی، 49).

از جمله اینکه دستهای آن حضرت علیها السلام بر اثر کار با آسیاب دستی یا کشیدن آب از چاه، تاول زده بود (بخاری، 48 / 4؛ مرعشی نجفی، 10 / 266) و گاه آثار تمیز کردن و جارو کردن خانه، بر روی لباسهای حضرت علیها السلام ظاهر بود. بنا بر فرمایش حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام آن قدر از چاه آب کشید که اثر مشک آب بر سینه اش ماند و آن قدر آسیاب چرخاند که دستهایش ورم کرد و ساییده گشت و بر اثر جارو کردن منزل، لباسهایش غبار آلود می شد و از افروختن آتش زیر دیگ، تن پوشهایش کثیف و دود آلود می گردید (احمدین حنبل، 1 / 153؛ صدوق، علل الشرایع، 2 / 366). روزی نبی اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را دید که عبابی از پوست شتر به سر دارد، با دستهای خود آرد درست می کند و در همان حال به فرزند خود شیر می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله به حالش گریست و فرمود: «زود باشد تلخی دنیا را با شیرینی آخرت عوض کنی» (طبرسی، مکارم الاخلاق، 117). حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ پدر، خدا را برای همه نعمتهای بی کرانش ستود و از او سپاسگزاری کرد (ابن شهر آشوب، 3 / 120). بنا بر برخی گزارشها، فاطمه بنت اسد (مادر امام علی علیه السلام) پس از ازدواج حضرت علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام، نزد آنان زندگی می کرد. علی علیه السلام کار منزل را بین مادر و همسرش فاطمه علیها السلام تقسیم کرد؛ آب آوردن و کارهای بیرون بر عهده مادر و کارهای داخل منزل، چون آسیاب کردن و نان پختن، بر عهده فاطمه علیها السلام قرار گرفت (ابن ابی شیبه کوفی، 8 / 156؛ مزی، 35 / 248).

2. مشارکت اعضای خانواده

مشارکت اعضای خانواده در انجام دادن کارهای خانه، یکی دیگر از روشهای تسهیل خانه داری برای زنان است. این روش، علاوه بر اینکه از سختی کارهای خانه می کاهد، از منظر تربیتی و عاطفی باعث می گردد صمیمیت و مهربانی در خانه افزایش یابد. حضرت فاطمه علیها السلام در انجام دادن

کارهای خانه، از همیاری دیگر اعضای خانه و حتی گاهی پدر خویش بهره مند می شد، چنان که از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده است که در کنار فاطمه علیها السلام مشغول پاک کردن عدس بودم و پیامبر صلی الله علیه و آله، با مشاهده این رفتار، برخی فضایل کمک به همسر را بیان نمود (شعیری، 102؛ مجلسی، 101 / 132). حضرت علی علیه السلام، آنگاه که در خانه بود، هیزم و آب می آورد و منزل را جارو می کرد (کلینی، 5 / 86؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 169؛ طوسی، الامالی، 660 - 661) و حتی برای کم کردن بار سنگین خانه داری از دوش حضرت زهرا علیها السلام، مسئولیت فرزندداری را نیز با آن حضرت علیها السلام تقسیم می کرد. گاهی فاطمه علیها السلام در طول شب آسیاب را می چرخاند و علی علیه السلام حسنین علیهما السلام را به دوش می کشید و مشغول می کرد (ر.ک: طبرانی، الدعاء، 90؛ متقی هندی، 15 / 507؛ مرعشی نجفی، 25 / 319). روایت شده است گاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد کردن دانه های گندم را برعهده می گرفت (ورام بن ابی فراس، 2 / 230؛ شاذان قمی، 112؛ مجلسی، 43 / 50 - 51)، چنان که روزی وارد خانه فاطمه علیها السلام شد و دید علی علیه السلام در کنار فاطمه علیها السلام نشسته است و در آمد کردن گندم به او کمک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «کدام یک خسته ترید تا من جای او بنشینم؟» علی علیه السلام پاسخ داد: «دخترتان فاطمه خسته است.» پیامبر صلی الله علیه و آله به جای او نشست و با علی علیه السلام به آمد کردن پرداخت (مجلسی، 43 / 51).

هنگام تنگدستی، فاطمه علیها السلام بسیار تلاش می کرد با تدابیر ویژه و مادرانه، همچون بازی و مانند آن، بچه های گرسنه را آرام کند و بخواباند. کوششهای حضرت علیها السلام، هم منزلت علی علیه السلام را در چنین وضعی حفظ می کرد و هم باعث می گردید آرامش و صفای خانه در میان شکوه ها و گریه ها از بین نرود (مجلسی، 41 / 258). گاهی نیز علی علیه السلام، برای کمک به فاطمه علیها السلام، فرزندان را به محل کار خود در نخلستانها می برد تا هم فاطمه علیها السلام آزرده نشود و هم بچه ها به بازی مشغول

شوند و از گریه باز ایستند (طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 422؛ اربلی، 2 / 272؛ طبری، ذخائر العقبی، 49). طبیعی است با توجه به مشغله فراوان علی علیه السلام، از جمله شرکت در غزوات و سرایا، آن حضرت علیه السلام نمی توانست مدام در کارهای خانه با همسرش مشارکت کند و فاطمه علیها السلام به تنهایی کارهای خانه را انجام می داد.

3. استخدام خدمتکار

یکی از راههای تسهیل خانه داری، استفاده از خدمتکار است. از نظر اسلام، در صورتی که شأن زن اقتضا کند، جزو نفقه واجب مرد است (امام خمینی قدس سره 2 / 316). در زندگی مشترک علی و فاطمه علیهما السلام، به سبب اشتغالات فراوان حضرت علی علیه السلام و شأن والای حضرت فاطمه علیها السلام و نیز وجود کودکان متعدد، استفاده از خدمتکار امری طبیعی، بلکه لازم بود، اما رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل وضع زندگی مسلمانان در سالهای اولیه هجرت، استفاده از خدمتکار را برایشان مصلحت ندید (ابن شهر آشوب، 3 / 120)، ولی بعدها کنیزی را به نام فضّه به خانه فاطمه زهرا علیها السلام فرستاد (ابن شهر آشوب، 3 / 120). فاطمه علیها السلام بر اساس عدالت و انصاف، کارهای خانه را بین خود و فضّه تقسیم کرد (ر.ک: طبری امامی، 140 - 142؛ قطب راوندی، 2 / 530). بدیهی است که حضور فضّه باعث می شد حضرت فاطمه علیها السلام وقت بیشتری را به عبادت و رسیدگی به فرزندان و تربیت آنان اختصاص دهد.

ویژگیهای خانه داری

اشاره

خانه محل امن و آسایش برای خانواده است و همه افراد باید در به وجود آوردن چنین فضایی تلاش کنند. رسیدن به امنیت و آرامش وابسته به احساس رضایت افراد است. آنچه در هر حال این احساس را به آدمی می دهد، انجام دادن کار برای رضای خداست. کار برای خدا ویژگی مهم خانه ای بود که فاطمه علیها السلام مدیریت امور داخلی آن را بر عهده داشت (ر.ک: انسان، 8 - 9). علاوه بر این، در خانه داری حضرت علیها السلام، اصولی وجود داشت،

1. تدبیر اقتصادی

اقتصاد منزل بر دورکن تولید ثروت و چگونگی مصرف استوار است. بنابراین، خانواده ای موفق است که میزان مصرفش با میزان درآمد و امکانات آن، همخوانی داشته باشد. در اسلام هرچند تأمین اقتصادی خانوار بر عهده سرپرست خانواده (شوهر) است (امام خمینی قدس سره 2/ 313؛ خوئی، 2/ 287) و هیچ مسئولیتی بر عهده زن نیست، اما او در نحوه مصرف و اداره و تدبیر خانواده نقش اساسی دارد. در این باره روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام، به ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله، رسیده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3/ 167). مصرف مبتنی است بر اصل اسراف و تبذیر نکردن (ر.ک: ری شهری، 127 - 128)، بخل نورزیدن و در عین حال قناعت کردن (ر.ک: ری شهری، 121 - 122).

در اسلام، زن به دلیل نقشش در امور اقتصادی منزل و یاری به همسر، یکی از دو پیشه ور و کاسب در زندگی مرد خوانده شده است (طوسی، الامالی، 614؛ مجلسی، 60/ 73). حضرت فاطمه علیها السلام نیز در منزل پشم ریزی می کرد و از این طریق به همسرش در تأمین مایحتاج منزل یاری می رساند (کوفی، 1/ 178؛ صدوق، الامالی، 329 - 330). همچنین چگونگی مصرف را در منزل به نحوی شایسته تدبیر می کرد.

سیره حضرت علیها السلام را در میزان مصرف، باید با سختیهای همسرش علی علیه السلام در تأمین درآمد به دلیل مشغله فراوان او در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله، درک جایگاه خویش به عنوان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، الگوپذیری مسلمانان از ایشان، و وضع نامناسب اقتصادی مسلمانان در آن مقطع زمانی، در نظر گرفت. به رغم تمام تلاش امیر مؤمنان علیه السلام، مشکلات اقتصادی گاهی باعث می شد در خانه فاطمه علیها السلام طعامی برای سیر کردن حسنین علیه السلام یافت نشود (مجلسی، 43/ 72؛ مرعشی نجفی، 10/ 320).

با وجود این، حضرت فاطمه علیها السلام به تدبیر خانه همت می گماشت، به گونه ای که گاهی حضرت علی علیه السلام متوجه نمی شد در خانه مواد غذایی نیست و وقتی حضرت علی علیه السلام می پرسید: «چرا اطلاع ندادی؟» پاسخ می داد: «یا ابا الحسن، از خدا حیا کردم از تو چیزی بخواهم که توان انجام دادن آن را نداری» (کوفی، 1 / 201؛ مغربی، 2 / 402 - 401؛ طبری، ذخائر العقبی، 45).

2. ساده زیستی

سیره پیامبر (ر.ک: ابن سعد، 1 / 379 - 384) و سایر معصومان علیهم السلام، ساده زیستی بود (ری شهری، 125). امیر مؤمنان علی علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را الگوی کامل ساده زیستی معرفی کرده و گفته است که او با ساده زیستی محبت انسانها را جلب می کرد (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 160 (2 / 58 - 61)). حضرت فاطمه علیها السلام نیز پیرو رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. آن بانوی گرامی در مقاطع گوناگون، رضایت خود را از زندگی در خانه همسر و اوضاع خانه و مشقات خانه داری به پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز میداشت (ابن شهر آشوب، 3 / 122؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 483). مستند ترین نشانه ساده زیستی این خاندان، جهیزیه آن بزرگوار است. گزارشهای منابع شیعه و اهل سنت تأکید دارند که زندگی فاطمه علیها السلام وسایلی بسیار ساده شروع شد، نظیر یک کوزه آب و کاسه و متکایی که از گیاه اذخر پر شده بود (احمد بن حنبل، 1 / 106؛ نسائی، 6 / 135؛ مجلسی، 43 / 121). به فرموده فاطمه علیها السلام، او و پسرعمویش زندگی خود را در حالی آغاز کردند که فرششان تکه ای پوست گوسفند (ابن ماجه قزوینی، 2 / 1391؛ طبری، ذخائر العقبی، 34 - 35؛ ر.ک: بحرانی اصفهانی، 11 / 467 - 476) و بالشهایشان با لیف خرما پُر شده بود (مجلسی، 43 / 130). پرهیز از تجملات و زهد و ساده زیستی فاطمه علیها السلام، نه تنها به سبب هماهنگی با وضع اقتصادی همسرش بود، بلکه ایشان انفاق و کمک به محرومان و همدردی با آنان را نیز در نظر

داشت؛ اتفاقی که یکی از سه چیز بسیار محبوب نزد او بود (ر.ک: دشتی، 130 - 132). از این رو، آنگاه که حضرت علی علیه السلام از سهم غنایم خود پارچه ای بلند و کم عرض و دو النگو به فاطمه علیها السلام تقدیم کرد و فاطمه علیها السلام هم پارچه را به درگاه آویخت و دو النگورا در دست مبارک کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله روال معمول - که پس از بازگشت از سفر یا غزوات با اولین کسی که دیدار می فرمود، فاطمه علیها السلام بود - به دیدار حضرت علیها السلام رفت، ولی با دیدن خانه و اشیای جدید بازگشت. فاطمه علیها السلام متوجه ناراحتی پدر شد و به سرعت پرده و النگوها را، برای انفاق به نیازمندان، به محضر وی فرستاد (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94 - 95؛ مجلسی، 33 / 83). اهدای لباس نو در شب عروسی به فرد محتاج نیز نشانه ای از زهد و ساده زیستی، و میل حضرت علیها السلام به کسب رضای الهی و انفاق بر مستمندان است (مرعشی نجفی، 19 / 114). حضرت علیها السلام در هیچ وضعی از انفاق در راه خدا فرو گذاری نمی کرد و حتی وقتی خود و فرزندانش سه روز چیزی نخورده و از گرسنگی رنجور گشته بودند، از کمک به فقیر دریغ نورزید، چرا که آن را مصداق خیری می دانست که هرگاه به خانه اش روی می آورد، از آن روی بر نمی گرداند (مجلسی، 43 / 72).

3. مهمان نوازی

درباره اهمیت مهمان نوازی، روایات بسیاری از معصومان علیهم السلام نقل شده است (بخاری، 7 / 104 - 105؛ ر.ک: برقی، 2 / 387 - 396؛ کلینی، 6 / 283). برخی از این روایات در خصوص مهمان نوازی حضرت فاطمه علیها السلام است (مرعشی نجفی، 9 / 144). بنا بر گزارشهای تاریخی، پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب، عزم خانه علی علیه السلام می کردند و حضرت فاطمه علیها السلام همواره پذیرای آنان بود، حتی هنگامی که علی علیه السلام، گرسنه ای را به خانه می برد، با آنکه در منزل غذایی برای بیش از یک نفر نداشتند و خود حضرت فاطمه علیها السلام روزه دار بود و بچه ها بدان غذا نیاز داشتند، باز فاطمه علیها السلام

همان غذا را نزد مهمان می نهاد و او را بر خود مقدّم می داشت (طوسی، الامالی، 185؛ ابن شهر آشوب، 1 / 347؛ مجلسی، 36 / 59؛ 41 / 34). بدین گونه آن حضرت علیها السلام در همه حال و در هر کاری برای کسب رضای الهی گام بر می داشت؛ از این رو، کارهایی که به طور متعارف در هر خانه ای اتفاق می افتد، وقتی در خانه فاطمه علیها السلام رخ می دهد، تبدیل به یک رخداد مهم معنوی می شود. اتفاق گردن بند به مرد اعرابی و پوشاندن و سیر کردن و صاحب توشه کردن او (طبری، بشارة المصطفی، 218 - 219؛ مجلسی، 43 / 56 - 57) و دادن همه غذای خود به مسکین، یتیم و اسیر - که سبب نزول سوره انسان در شأن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و اهل خانه شان گردید (قمی، 2 / 398؛ اربلی، 1 / 169، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن) - بیانگر نیات الهی فاطمه علیها السلام در خانه داری است و آیات سوره انسان گواهی روشن و مهر تأییدی بر مقاصد الهی و معنوی فاطمه علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام اوست.

4. نظافت و بهداشت

اسلام به نظافت، از جمله نظافت منزل، توجه ویژه ای نشان داده است. بنا بر فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله، اسلام بر نظافت بنا شده است و جز افراد نظیف، کسی به بهشت نمی رود (متقی هندی، 9 / 277). در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله - که علی علیه السلام آن را نقل کرده است - تارهای عنکبوت در منازل، که از نظافت نکردن محل سکونت حکایت می کند، لانه های شیطان است (کلینی، 6 / 532). بنا بر گزارشهای تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام کارهای منزل، از جمله نظافت و حفظ بهداشت، را شخصاً انجام می داد و همان گونه که در توصیف امیر المؤمنین علیه السلام از تلاشهای حضرت فاطمه علیها السلام در منزل گذشت، ایشان آن قدر خانه را جارو می کرد که لباسهایش غبار آلود می شد (احمد بن حنبل، 1 / 153؛ ابوداؤد سجستانی، 2 / 29؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 320 - 321)، ولی هنگام عبادت، در

مصلاهی خود، از عطر و لباس مخصوص استفاده می نمود (اربلی، 2 / 122). ایشان بر رعایت نظافت شخصی و نیز بهداشت در تغذیه تأکید داشت. یکی از مطالب معروف در این باره، روایتی است که ایشان از پدر بزرگوارش نقل کرده است که کسی که با دستهای آلوده به چربی و آلودگی به جامانده از غذا بخوابد (و بیمار شود)، فقط خود را ملامت کند (ابویعلی موصلی، 12 / 116؛ اربلی، 2 / 176، 204). در آداب غذا خوردن نیز به رعایت نکاتی سفارش کرده است، مانند کوچک بودن لقمه غذا و خوب جویدن، که در سلامت بدن نقش بسیار دارد. در خصوص آداب غذا خوردن و بر سفره نشستن، احادیثی از آن حضرت علیها السلام نقل شده است (بحرانی اصفهانی، 11 / 920).

خانه داری و اهتمام به مادری و همسری

اشاره

امروزه یکی از علل فروپاشی برخی خانواده ها کم توجهی همسران به یکدیگر است. زنان گاهی آن قدر به کارهای بیرون خانه یا حتی به نظافت منزل و رسیدگی به امور خانه مشغول می گردند که از رسیدگی به همسر و اظهار محبت و ملاحظت به او با توجه به فرزندان باز می مانند، ولی جمع بین هر سه کار از ویژگیهای سیره حضرت فاطمه علیها السلام است. ایشان در کنار رسیدگی به کارهای خانه، به همسر خویش نیز توجه داشت و به علی علیه السلام بسیار عشق می ورزید و با جملاتی پر از ملاحظت ایشان را خطاب می فرمود (مرندی، 18؛ دشتی، 147). او و همسرش در مواقعی با زبان شعر با هم سخن می گفتند (مجلسی، 35 / 238؛ مرعشی نجفی، 9 / 118 - 119). طبیعی است گفت و گو با زبان شعر در خانواده، محبت و علاقه را افزون تر می سازد. او با فرزندان خود بازی می کرد و در خصوص ویژگیهای شخصیتی آنان و تربیت اخلاقی آنان شعر می سرود (احمد بن حنبل، 6 / 283؛ مجلسی، 43 / 286). به دلیل همین شدت محبت و

دلسوزی به همسر و فرزندان، حضرت زهرا علیها السلام نامیده می شد (مجلسی، 43 / 16 - 17، مقاله های سیره همسر داری فاطمه علیها السلام؛ سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام).

خانه داری و حضور اجتماعی

حضرت فاطمه علیها السلام اگر چه بیشتر در خانه بود و به خانه داری اشتغال داشت، ولی وقتی احساس وظیفه می نمود، در صحنه اجتماعی و حتی در جنگ حضور می یافت. در جنگ اُحد، ایشان و سیزده زن دیگر، نان و آب و خوراک بر پشت خود حمل می کردند و مجروحان را مداوا می کردند و به آنان آب می دادند. فاطمه زهرا علیها السلام در همین غزوه، پیامبر صلی الله علیه و آله را مداوا کرد که از وقایع مهم تاریخی است و شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده اند. (ابن سعد، 2 / 48؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 244). همچنین در غزوه خندق او برای پیامبر صلی الله علیه و آله نان برد ابن سعد، 1 / 400؛ مجلسی، 20 / 245؛ مقاله سیره سیاسی فاطمه علیها السلام). ایشان پس از جنگ اُحد، برای تکریم شهدا، هر چند روز یک بار به اُحد می رفت و بر مزار شهیدان حاضر می شد و برای آنان دعا می کرد (واقعی، 1 / 313 - 314؛ ابن کثیر، 4 / 51). از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فاطمه زهرا علیها السلام صبحهای شنبه هر هفته، به زیارت قبور شهدا می رفت (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 180؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 1 / 465). بر اساس روایت دیگری از امام صادق علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوشنبه و پنجشنبه هر هفته به زیارت قبور شهدا می رفت (حر عاملی، 3 / 224).

زنان مدینه در خصوص موضوعات مادی، معنوی و علمی به منزل آن حضرت علیها السلام مراجعه می کردند. آنها درباره مسائل شرعی خود از فاطمه علیها السلام سؤال می کردند و آن حضرت علیها السلام با خوشرویی و حلم به آنان پاسخ می داد. گزارش شده است زنی از ایشان ده سؤال کرد تا اینکه خود شرمگین شد، اما فاطمه علیها السلام هر بار با توجه و علاقه بیشتری به وی پاسخ داد. حضرت علیها السلام برای رفع شرمساری از

آن زن، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اجر عظیم پاسخ به پرسشهای دینی و مقام عالمان دینی در قیامت نقل کرد (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 340؛ شهید ثانی، 115؛ مجلسی، 2/3). برای حضرت فاطمه علیها السلام ارتقای آگاهی مردم، به خصوص کسانی که به خانه اش مراجعه می کردند، اصل بود و کارهای منزل، او را از اجرای آن منع نمی کرد. از این رو، ایشان به زنان مؤمن در تقویت ایمانشان کمک می کرد و استدلالهای درست به آنان آموزش می داد تا بتوانند از ایمانشان در برابر غیر مؤمنان دفاع کنند (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 346 - 347؛ طبرسی، الاحتجاج، 1/11؛ مجلسی، 2/8). مشارکت در ارتقای علمی جامعه آن روز آنقدر برای فاطمه علیها السلام اهمیت داشت که وقتی کسی به ایشان مراجعه کرد تا حدیثی نبوی را از زبان ایشان بشنود، آن حضرت علیها السلام به فضّنه فرمود: «حدیثی را که بر پارچه حریری نوشته بودم پیدا کن، که نزد من با فرزندانم برابری می کند» (کلینی، 1/6؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 10/196؛ طبری امامی، 65 - 66، مقاله سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه علیها السلام).

خانه داری و عبادت

هرچند ممکن است در هر خانه ای هر زنی همانند حضرت فاطمه علیها السلام تلاش بکند و چه بسا در برخی موارد با دشواریهای بیشتر، لکن تلاشهای حضرت علیها السلام در این میان ارزش ویژه ای دارد و سرّ آن در تفاوت انگیزه و نیت ایشان با دیگر زنان است. چون نگرش و هدف حضرت فاطمه علیها السلام تنها جلب رضایت خدا و تقرب به او بود. بر این اساس، تمام تلاشهای ایشان و جلب رضایت دیگران، مانند همسر و فرزندان و افراد جامعه، نیز برای جلب رضایت خدا صورت می گرفت. از همین رو، اعمال ایشان از نظر معنوی و تأثیر اخلاقی و انسانی، در کمال بود. علاوه بر این، بر حسب عادت، اشتغال انسان به کارهای روزمره، به خصوص زمانی که با مشقت همراه باشد، توجه انسان را به خدا و

اهتمام به مسائل معنوی کاهش می دهد، اما حضرت فاطمه علیها السلام، با توجه به رویکرد و انگیزه خود، همواره در حین کارهای خویش از عبادت و ذکر غافل نبود و به اموری همچون تلاوت قرآن و ذکر می پرداخت (طبری امامی، 139؛ ابن شهر آشوب، 3/ 116). نمازهای طولانی و نیایشها و شب زنده داریهای حضرت علیها السلام، در روایات متعددی گزارش شده است (ابن حمزه طوسی، 292؛ مقاله سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام).

منابع

آبوت، پاملات والاس، کلر، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، 1380 ش؛ آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی به فارسی، تهران، نشر نی، 1379 ش؛ ابن ابی شیبیه کوفی، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید لحام، بیروت، دارالفکر، 1409 ق؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر؛ ابن سینا، حسین بن عبدالله (م. 428 ق.)، السیاسة، تحقیق علی محمد اسبر، سوریه، 2007 م؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. 774 ق.)، البدایة و النهایة، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1408 ق؛ ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار الفکر؛ ابن مقفع، عبدالله بن دادویه (م. 145 ق.)، المنطق، تحقیق محمد تقی دانش پژوه، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، 1357 ش؛ ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دار الفکر، 1410 ق؛ ابویعلی موصلی، اسماعیل بن محمد (م. 307 ق.)، مسند ابویعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث؛ احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر، ارلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق، اشعث کوفی، محمد بن محمد (م. قرن 4)، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران،

مكتبة النينوى الحديثيه؛ امام خمينى قدس سره سيدروح الله موسوى (م. 1409 ق.)، تحريرالوسيله، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، 1390 ق؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ برقى، احمد بن محمد (م. 274 ق.)، المحاسن، تحقيق سيدجلال الدين حسيني، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1370 ش؛ تفسير منسوب به امام عسكرى عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ حر عاملى، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعه، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ حسيني، سيدناصر، فرهنگ كار و تأمين اجتماعى، تهران، مؤسسه كار و تأمين اجتماعى، 1381 ش؛ حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (م. 300 ق.)، قرب الاسناد، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1413 ق؛ خوئى، سيدابوالقاسم موسوى (م. 1413 ق.)، منهاج الصالحين، قم، نشر مدينة العلم، 1410 ق؛ خواجه نصير طوسى، محمد بن محمد (م. 672 ق.)، اخلاق ناصرى، تحقيق مينوى، حيدرى، تهران، 1360 ش؛ دشتى، محمد (م. 1380 ش.)، نهج الحياه (فرهنگ سخنان فاطمه عليها السلام)، قم، مؤسسه تحقيقاتى امير المؤمنين عليه السلام، 1372 ش؛ دورانت، ويليام جيمز (م. 1981 م.)، تاريخ تمدن، ترجمه احمد آرام و ديگران، تهران، شركت انتشارات علمى و فرهنگى، 1378 ش؛ رى شهرى، محمد، الكوى مصرف از نگاه قرآن و حديث، قم، انتشارات دار الحديث، 1388 ش؛ ريتزر، جرج، نظريه هاى جامعه شناسى در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثى، تهران، انتشارات علمى، 1381 ش؛ سگالن، مارتين، جامعه شناسى تاريخى خانواده، ترجمه حميد الياسى، تهران، نشر مركز، 1370 ش؛ سمهودى، على بن احمد (م. 911 ق.)، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفى صلى الله عليه و آله، تحقيق محمد عبدالحميد، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ شاذان قمى، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الفضائل، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق، شعيرى، محمد بن محمد (م. قرن 6)، جامع الاخبار، قم، الشريف الرضى، 1405 ق؛ شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى (م. 965 ق.)، منية المرید في ادب المفيد و المستفيد، تحقيق رضا مختارى، قم، دفتر نشر اسلامى، 1415 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)،

الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، الدعاء، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1413 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضى، 1392 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، اعلام الورى، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعة المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قىومى، قم، نشر اسلامى، 1420 ق، طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1364 ش؛ عنصر المعالى، كيكاووس بن اسكندر (م. قرن 5)، قابوس نامه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، 1352 ش؛ فضل الله، سيد محمد حسين (م. 1431 ق.)، اسلام، زن و جستارى تازة، ترجمه مجيد مرادى، قم، بوستان كتاب، 1383 ش؛ قطب راوندى، سعيد بن هبة الله (م. 573 ق.)، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ قمى، على بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمى، تحقيق سيد طيب موسى جزائرى، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ گرت، استفانى، جامعه شناسى جنسيت، ترجمه كتيون بقائى، تهران، نشر ديگر، 1380 ش؛ متقى هندی، على (م. 975 ق.)، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت،

مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسي، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ مراجع، مراجع تقليد، توضيح المسائل مراجع، تحقيق سيد محمدحسن بنى هاشمي، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1387 ش؛ مرعشي نجفي، سيد شهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشي نجفي؛ مرندي، ابوالحسن (م. 1349 ق.)، مجمع النورين و ملتقى البحرين، چاپ سنگي؛ مزي، جمال الدين يوسف (م. 742 ق.)، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، تحقيق بشار عواد، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1406 ق؛ مغربي، قاضي نعمان بن محمد تميمي (م. 363 ق.)، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق، سيد محمد حسيني جلالى، قم، نشر اسلامي، 1414 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ نجفي، محمدحسن (م. 1266 ق.)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، تحقيق قوچاني، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1366 ش؛ نسائي، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، سنن النسائي، بيروت، دار الفكر، 1348 ق؛ نهج البلاغه، الامام على بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضي، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دارالمعرفة، 1412 ق؛ واقدى، محمدبن عمر (م. 207 ق.)، المغازي، تحقيق مارسون جونس، نشر دانش اسلامي، 1405 ق؛ ورام بن ابي فراس، مسعودبن ورام (م. 605 ق.)، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم، مكتبة الفقيه؛ هام، مكي، كمبل، سارا، فرهنگ نظريه هاي فمنيستي، ترجمه فيروزه مهاجر و ديگران، تهران، نشر توسعه، 1382 ش.

Shelton, Beth Anne and Daphne John, "The division of Household labor", Annual Review of Sociology, 22, 1996.

فريبا علاسوند

ص: 294

اشاره

روش حضرت فاطمه علیها السلام در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی زمان خود، با توجه به بُعد الگویی آن.

فرهنگ مجموعه ای از سرمایه ها و دستاوردهای نرم یک جامعه (مانند اندیشه ها، باورها، ارزشها، گرایشها، آداب و رسوم، آیینها و نظامهای نمادین) است، و اجتماع، بخشهایی از امور جامعه است (ترنر، 121). در این مقاله، نه مفهوم محدود اجتماع (community)، که جامعه (society) به معنایی فراخ تر مورد نظر است.

رفتارهای فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام در شبکه های گوناگونی بروز می یافت که مهم ترین آنها عبارت بودند از: اعضای خانواده، زنان مدینه، متنفذان مدینه، پیروان خاص پیامبر صلی الله علیه و آله، پیوندهای غیر مستقیم (شامل سائلان و مراجعه کنندگان) و توده مردم.

ابعاد سیره فرهنگی و اجتماعی

اشاره

صرف نظر از سیره آن حضرت علیها السلام در خانواده، مجموعه رفتارهای فرهنگی و اجتماعی ایشان را در چهار محور می توان دسته بندی کرد: فرهنگ سازی و زنده نگه داشتن ارزشها، ترویج معارف و پاسخ به پرسشهای دینی، مقدم داشتن دیگران بر خود و اهتمام به رفع نیازهای محرومان، و ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم.

بررسی این ابعاد در پرتو محورهای چهارگانه مذکور، و با توجه به دو نکته صورت پذیرفته است: اول، با توجه به شخصیت فردی فاطمه علیها السلام، هدایت و سوق دادن انسانها به سوی خدای متعال و نشان دادن زیباییهای حق و فراخواندن

انسانها به سوی آن، وجه غالب همه محورهای چهارگانه سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت علیها السلام و غایت و کارکرد اصلی آن است. به عبارت دیگر، رویکرد کلی حاکم بر سیره فرهنگی و اجتماعی آن حضرت علیها السلام، نقش هدایتگری است. دوم، سخن گفتن از سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام، با وجود عمر کوتاه ایشان، گزاره ای معنی دار و توجیه پذیر است، زیرا ایشان از سویی معصوم بودند (مفید، الفصول المختاره، 88؛ مجلسی، 29 / 335) و رفتارهای ایشان عین صواب و به دور از اشتباه بوده و بر این اساس، در محدودیتهای زمان و زمین زیستشان شایسته بازخوانی و الگوبرداری است. از سوی دیگر، فراوانی آثاری که در طول تاریخ درباره ایشان پدید آمده (ر.ک: انصاری زنجانی، فاطمه علیها السلام، 11 - 16)، نشان از وجود ظرفیت و توان سرشاری است که همواره فهم هایی نو و متناسب با بایستگیهای زمانه را بر می تابد.

1. فرهنگ سازی و زنده نگه داشتن ارزشها

ارتباط انسانها گاه با استفاده از الفاظ صورت می گیرد که به آن ارتباط کلامی می گویند و گاه بدون استفاده از الفاظ (مانند استفاده از حرکات دست، سر و مانند آن) که به آن ارتباط غیر کلامی گفته می شود (ر.ک: محسنیان راد، 187 - 282؛ فرهنگی، 1 / 271 - 338). یکی از نکات مهم در سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام، بهره گیری سنجیده از انواع شیوه های ارتباطی کلامی و غیر کلامی برای فرهنگ سازی و زنده نگه داشتن ارزشهاست.

از نمونه های بسیار شاخص ارتباط کلامی حضرت علیها السلام، خطبه های ایشان است. خطبه مشهور لُمه یا فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام، احتمالاً نخستین نمونه خطبه در بین زنان سخنور، و حتی در میان مردان، در دوره اسلامی است. خطبه فدکیه مدت کمی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ایراد شده است. مؤلف بلاغات النساء نیز، که

بخش نخست کتاب خود را به سخنان عایشه اختصاص داده، از او هیچ خطبه و سخنرانی طولانی ای نقل نکرده (ر.ک: ابن طیفور، 3 - 12)، اما خطبه فدکیه حضرت فاطمه علیها السلام را، با دو نقل متفاوت، به تفصیل نقل کرده است (ر.ک: ابن طیفور، 12-20؛ مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام).

اشعاری درباره مدح همسرش، درد ورنجهای پس از رحلت پیامبر علیها السلام و نیز اشعار کودکانه ای که هنگام بازی با فرزندانش می خواند، به آن حضرت علیها السلام نسبت داده شده است (مقاله اشعار فاطمه علیها السلام).

از نمونه های مهم در بهره گیری حضرت علیها السلام از ارتباط غیرکلامی، رفتن به در منزل سران مهاجر و انصار بوده است، برای اقرارگرفتن از آنان در خصوص شایستگی و احقیّت امیرالمؤمنین علیه السلام برای خلافت (ر.ک: ابن ابی الحدید، 6 / 13). این اقدام، صرف نظر از سخنانی که در این دیدارها ردو بدل می شد، اهمیت و ضرورتِ دفاع از حق را نشان می دهد. دفن شبانه (مجلسی، 43 / 201) و مجهول ماندن مرقد مطهر حضرت علیها السلام نیز - که به وصیت خود ایشان صورت گرفت - نمونه ای دیگر از رساندن پیام به صورت غیر کلامی برای مانایی پیام حق خواهی است.

پاره ای از رفتارهای حضرت فاطمه علیها السلام، در ارتباطهای گوناگون ایشان، برای ماندگار کردن ارزشها و به یاد آوردن آنها در میان مردم و یادآوری نام و اندیشه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. افزون بر جایگاه محوری یاد پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه فدکیه، در گزارشی در الکافی آمده است که فاطمه علیها السلام به کنار ستونی در مسجد النبی صلی الله علیه و آله رفت و پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داد و دو یا چند بیت درباره رویدادهای پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و حسرت از دست دادن پدر سرود (کلینی، 8 / 375 - 376؛ مغربی، 3 / 39؛ مجلسی، 23 / 195 - 196). طوافِ مرقد پیامبر صلی الله علیه و آله، به ویژه در مواقع حساس و مهم، نشانه ای

دیگر از تلاش آن حضرت علیها السلام برای زنده نگه داشتن یاد پیامبر صلی الله علیه و آله بود (طبرسی، الاحتجاج، 1 / 123، 145؛ مجلسی، 29 / 130). گریه مدام فاطمه علیها السلام بر رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به همین منظور بود. ایشان در سخنی فرمود که من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم و نگاه کردن به چهره رسول الله صلی الله علیه و آله را یکی از آنها نام برد (شیخ الاسلامی، 161). به نظر می رسد هدف حضرت زهرا علیها السلام، در رفتارهای مربوط به پیامبر صلی الله علیه و آله، توجه دادن جامعه به انحراف از خط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. فاطمه علیها السلام در تکریم شهدای احد، به ویژه حمزه سیدالشهداء، نیز همین گونه رفتار می کرد. در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام، فاطمه علیها السلام هر صبح شنبه کنار مزار شهدا و سپس کنار قبر حمزه می رفت و برایش آموزش می خواست (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 180؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 1 / 465؛ حر عاملی، 2 / 879). بنا بر روایتی دیگر، آن حضرت علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوشنبه ها و پنجشنبه ها کنار قبور شهدا می رفت و می گفت: «اینجا پیامبر صلی الله علیه و آله بود و اینجا مشرکان» (کلینی، 3 / 228؛ 4 / 561). در گزارشی دیگر آمده است که حضرت علیها السلام در کنار مزار شهدا نماز و دعا می خواند (کلینی، 4 / 561؛ مجلسی، 97 / 216). این تکریمها ارزش شهدا و مجاهدتهای آنان را گوشزد می کرد و به ماندگاری فرهنگ ایثار و شهادت می انجامید. کثرت ارجاع به آیات قرآن و بیان آثار و برکات قرآن و رسالت و فلسفه احکام الهی در مقدمه و متن خطبه فدکیه نیز شاهدی بر تلاش حضرت علیها السلام برای زنده نگه داشتن نشانه های حق و یاد کردن ارزشهای الهی به یادگار رسیده از اسلام است (ر.ک: ابن طیفور، 13 - 19؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 132 - 145؛ مقاله سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام).

2. ترویج معارف و پاسخ به پرسشهای دینی

حضرت فاطمه علیها السلام به تعلیم آموزه های دینی و ترویج معارف دینی و پاسخ به پرسشها اهتمام داشت.

صرف نظر از علم لدنی آن حضرت علیها السلام، این منابع را سر چشمه های دانش ایشان دانسته اند: جعفر (انبانی از پوست گاو و آکنده از دانش) (کلینی، 1 / 241؛ مجلسی، 43 / 79، 195)، جامعه (صحیفه ای به طول هفتاد ذراع و عرض پوست دباغی شده که وقتی پیچیده می شود مانند ران شتر دو کوهانه بزرگ است) (صفار، 162؛ کلینی، 1 / 241) لوح (ر.ک: ابن بابویه، 103 - 106؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 2 / 48 - 50؛ مفید، الاختصاص، 210 - 212)، مجموعه ای که به نام مصحف فاطمه علیها السلام شناخته می شود (کلینی، 1 / 241؛ مفید، الارشاد، 2 / 186؛ مجلسی، 43 / 195؛ مقاله مصحف فاطمه علیها السلام)، و آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله (ر.ک: فضل الله، 186 - 188) و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل (طبری امامی، 105) و نیز از همسر خویش (مفید، الاختصاص، 183؛ مجلسی، 29 / 189) آموخت. در این روایت، استناد به قرآن را برای اثبات ارث بردن از پیامبران، علی علیه السلام به فاطمه علیها السلام آموخت و عمر نیز وقتی فاطمه علیها السلام به آیه «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ» (نمل، 16) استناد کرد، گفت: «أَنْتِ مُعَلِّمَةٌ» (به تو یاد داده اند)، و حضرت علیها السلام هم فرمود: «اگر چنین باشد، پسر عمو و شوهرم به من آموخته است».

عمار بن یاسر روایتی نقل کرده است که طبق آن، فاطمه علیها السلام به آنچه بوده و نبوده و آنچه تا روز قیامت هست، آگاهی دارد (مجلسی، 43 / 8). در گزارشی دیگر چنین آمده است که مردی به آن حضرت علیها السلام مراجعه کرد و گفت: «آیا سخنی تازه برای من داری؟» و حضرت علیها السلام خادمه خویش را به آوردن حریر یا جریده ای خواند. کنیز از یافتن آن در ماند و حضرت علیها السلام با تأکید فرمود: «آن را بیاب، زیرا ارزش آن نزد من با حسن و حسین علیهما السلام برابر است. بر این حریر یا جریده، پنجهایی درباره تکریم همسایه، سخن نیکو گفتن و اموری از این دست نوشته شده بود (طبرانی، 10 / 196؛ 22 / 413 - 414؛ طبری امامی، 65 - 66). بنابراین این گزارش، مردم برای کسب

آگاهی‌های دینی بیشتر، به حضور آن حضرت علیها السلام می‌رفتند (فضل الله، 188). امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل کرده است که روزی زنی نزد فاطمه علیها السلام آمد و عرضه داشت: «من مادری ناتوان دارم که درباره نمازش ابهامها و پرسشهایی دارد و مرا نزد شما فرستاده است تا پاسخ آنها را بیابم.» فاطمه علیها السلام به همه ده پرسش او پاسخ گفت. آن زن از زیادی پرسشها خجالت زده شده و گفت: «بیش از این در دسر نمی‌دهم.» و حضرت علیها السلام فرمود: «بیا و از آنچه برایت پیش می‌آید بپرس» و در ادامه، با تشبیهی زیبا، از فضیلت این گونه پرسشها و پاسخها سخن گفت (تفسیر منسوب به امام عسکری علیها السلام، 340؛ ر.ک: مجلسی، 2/ 3؛ محدث نوری، 17/ 317 - 318). گاه حضرت علیها السلام از فرصت بهره می‌برد و به کسانی هم که به انگیزه‌ای غیر از فراگیری نزدشان می‌رفتند، آگاهی می‌بخشید. هنگامی که زنان مهاجران و انصار به عیادت حضرت علیها السلام رفتند و از وضع جسمانی ایشان پرسیدند، فاطمه علیها السلام پس از حمد خدا و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله، سخنانی گفت که افزون بر زیبایی بیان و دلالت‌های سیاسی ناظر بر آنچه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد، از نظر چگونگی استناد به قرآن، مهم است (صدوق، معانی الاخبار، 354 - 355؛ ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، 1/ 146 - 149). سلمان فارسی نقل کرده است که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، روزی به سفارش علی علیه السلام نزد فاطمه علیها السلام رفتم و سخنی از او آموختم که آن را به بیش از هزار تن از اهالی مدینه یاد دادم (ر.ک: طبری امامی، 107 - 108؛ ر.ک: ابن حمزه طوسی، 297 - 300؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، 6 - 8). روایات متعددی که در موضوعات گوناگون از آن حضرت علیها السلام نقل شده است و راویان متعدد حدیث از ایشان (ر.ک: طبرانی، 22/ 413 - 423؛ عطاردی قوچانی، 471 - 602)، گواه دیگری بر اهتمام فاطمه علیها السلام به ترویج معارف دینی است. دعا‌های منقول از آن حضرت علیها السلام در موضوعات گوناگون نیز موجود است (ر.ک: موحد

ابطحی، 15 - 80، مقاله دعا از دیدگاه حضرت فاطمه علیها السلام). محمد روحانی علی آبادی در جامع احادیث فاطمة الزهراء علیها السلام (چاپ نشده)، همه احادیث حضرت فاطمه علیها السلام را از منابع شیعه و اهل سنت گرد آورده و اسناد آنها را بررسی کرده است (انصاری زنجانی، فاطمه علیها السلام، 223). واعظ قلقشندی نیز از روایات منقول از حضرت علیها السلام در منابع اهل سنت، گزارشی فراهم آورده است (ر.ک: 119 - 123؛ مقاله احادیث فاطمه علیها السلام).

3. ایثار و توجه به محرومان

مقدم داشتنِ رفعِ نیازِ دیگران بر نیازهای خود و خانواده خود و توجه به محرومان، یکی از ویژگیهای برجسته زندگی اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام بود. فاطمه در دعاهای خود، دیگران، به ویژه همسایگان، را بر اعضای خانواده خود مقدم می داشت (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181 - 182؛ اربلی، 2 / 96). یکی از پرآوازه ترین نمونه های مقدم داشتن دیگران بر خود، ماجرای است که بسیاری از مفسران، با تفاوت‌های جزئی، در شأن نزول سوره انسان بیان کرده و گفته اند که درباره اهل بیت علیهم السلام، به ویژه حضرت زهرا علیها السلام، بوده است (ر.ک: قمی، 2 / 398 - 399؛ طبرسی، جوامع الجامع، 4 / 409). بر اساس آن، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام افطاری خود را سه روز متوالی به دیگران (فقیر، یتیم و اسیر) دادند. بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، در یک روز و به ترتیب، به فقیر، یتیم و مسکین دادند (قمی، 2 / 398 - 399؛ طبرسی، مجمع البیان، 10 / 612، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). در گزارشی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله فقیری را که در مسجد به ایشان مراجعه کرده بود به منزل فاطمه علیها السلام فرستاد و آن حضرت علیها السلام زیرانداز منزل و گردنبندهای خود را به او بخشید (طبری، بشارة المصطفی، 218 - 219؛ مجلسی، 43 / 56 - 57). روایات متعدد دیگری نیز گویای آن است که فاطمه علیها السلام مستمندان و سائلان را بر خود ترجیح می داد (ر.ک: طوسی، الامالی، 185؛

ابن شهر آشوب، 1 / 347؛ سیوطی، 39 - 20؛ شیخ الاسلامی، 29 - 70). همچنین نقل شده است که فاطمه علیها السلام عایدات مزرعه بزرگ فدک را - هنگامی که هنوز فدک در اختیارش بود - بین مردم توزیع می کرد، به گونه ای که فقط نفقه ای برای خود و فرزندانش باقی می ماند (ابن شهر آشوب، 1 / 123). علامه مجلسی در بحار الانوار، باب دهم از ابواب تاریخ سیده نساء العالمین را به اوقاف و صدقات فاطمه علیها السلام اختصاص داده است (23 / 235 - 236؛ مقاله وصایای فاطمه علیها السلام).

4. ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم

وجه دیگر سیره حضرت فاطمه علیها السلام، به ویژه از منظر اجتماعی، ارائه الگویی از زندگی اجتماعی همسان با زندگی توده مردم بود. حضرت علیها السلام به گونه ای میزیست که با زندگی عموم مردم فاصله ای نداشته باشد و اگر گاه رفتاری می کرد که امکان داشت از آن برداشتی جز این شود، در کوتاه ترین زمان، رفتار خود را تغییر می داد. بنابر مجموع گزارشهای مرتبط با این موضوع، فاطمه علیها السلام به پیروی از پدرش، نه تجمل گرا بود و نه زهدفروش، و از هر گونه آسایش طلبی و تجمل گرایی دوری می جست. نخستین گواه آن، جهیزیه و مراسم ازدواج آن حضرت علیها السلام است که در همه گزارشهای راجع به آن، از سادگی و نازل بودن آن سخن گفته شده است (ابن شهر آشوب، 3 / 129؛ اربلی، 1 / 368 - 369؛ مجلسی، 43 / 94، مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام). بدرقه حضرت علیها السلام از منزل پدر به منزل همسر هم به سادگی و در عین حال با شکوه برگزار شد (ابن شهر آشوب، 3 / 129 - 130؛ مجلسی، 43 / 114 - 115). در این مراسم، برای فاطمه علیها السلام هودج عروس ساخته نشد، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهانش به دنبال عروس به راه افتادند و تکبیر گفتند (ابن عقده کوفی، 106 - 107؛ طوسی، الامالی، 258؛ اربلی، 1 / 378)، ولی این سادگی مانع از گرفتن

جشن عروسی نبود و به مردم ولیمه داده شد (ابن سعد، 21/8؛ طبرانی، 20/2؛ اربلی، 371/1، 375؛ هیشمی، 209/9؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام). ساده زیستی و همسان سازی زندگی خود با توده مردم، در زندگی فاطمه علیها السلام با امیر المؤمنین علی علیه السلام هم ادامه یافت. ماجرای بر گرفتن پرده خانه و فرستادن آن نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برای صدقه دادن، با تفاوت‌های اندک، در منابع ذکر شده است (ر.ک: صدوق، الامالی، 305؛ فتال نیشابوری، 443 - 444؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، 94؛ ابن شهر آشوب، 3/121؛ اربلی 2/78 - 79؛ طبری، ذخائر العقبی، 51). فاطمه علیها السلام با آسیاب دستی گندم و جورا آرد می کرد و به قدری این کار را انجام داده بود که دستهایش آسیب دیده بود (ابن سعد، 25/8؛ زرندی، 189؛ مجلسی، 85/43).

تن پوش آن حضرت علیها السلام نیز متناسب با پایین ترین مردمان آن روزگار بود (ر.ک: ابن حمزه طوسی، 301 - 302؛ قطب راوندی، 537/2). روزی سلمان از لباس دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، در مقایسه با لباس دختران قیصر و کسری، اظهار شگفتی کرد و فاطمه علیها السلام به پدرش گفت: «ای فرستاده خدا، سلمان از لباس من شگفتی زده شده است. قسم به کسی که تو را به حق برانگیخت، من و علی پنج سال است که فقط پوست گوسفندی داریم که روزها روی آن به شترمان علف می دهیم و شبها آن را بستر خود می سازیم و بالشهای ما از پوستی است که با لیف خرما پر شده است» (ابن طاووس، الدرر الوقیه، 275؛ مجلسی، 88/43).

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در برخورد با زندگی پر مشقت و طاقت فرسای دخترش، با چشمانی گریان، به وی فرمود: «دنیا را برای شیرینی آخرت تحمل کن» (اسکافی، 6؛ ثعلبی، 10/225؛ حاکم حسکانی، 2:445؛ طبرسی، مکارم الاخلاق 117، 235؛ ابن شهر آشوب 3/120). این موارد، همگی، بر زندگی ساده و بی آرایش

حضرت زهرا علیها السلام، در حد زبردستان جامعه و بلکه پایین تر از آنان، دلالت دارد تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز متأثر می ساخت.

میراث سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام

سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام با دیگر ساحت‌های سیره او در پیوند است و نمی توان آنها را جدا از هم دانست. هدایتگری نیز روح حاکم بر سیره فرهنگی و اجتماعی ایشان است. فاطمه علیها السلام به اندیشه های نوین فرهنگی و اجتماعی هویت بخشید، که در مکتب اهل بیت علیهم السلام تداوم یافت. ایشان در اجتماع تحولاتی پدید آورد و از همه امکانات بهره گرفت و آن را به فراهم آمدن همه شرایط موکول نساخت. فاطمه علیها السلام با فرا زمانی و فرا مکانی رفتار کردن، الگویی برای آیندگان به یادگار گذاشت.

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن بابویه، علی بن حسین (م. 329 ق.)، الامامة و التبصرة من الحیره، قم، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1404 ق؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دارصادر، ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طاووس، سید علی بن موسی (م. 664 ق.)، الدرر الواقیه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1414 ق؛ همو، مهج الدعوات و منهج العبادات، تحقیق حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1414 ق؛ ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مکتبه بصیرتی؛ ابن عقده یه کوفی، احمد بن محمد (م. 333 ق.)، فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، تحقیق عبدالرزاق محمدحسین

فيض الدين؛ اربلي، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الاثمه نا، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ اسكافي، محمد بن همام (م. 336 ق.)، التمهيد، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف؛ انصاري زنجاني، اسماعيل، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، انتشارات دليل ما، 1429 ق؛ همو، فاطمه عليها السلام در آئينه كتاب، قم، انتشارات دليل ما، 1380 ش؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، 1416 ق؛ ترنر، جانانان اج، مفاهيم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمه محمد فولادی، محمد عزيز بختياری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خميني قدس سره، 1378 ش؛ تفسير منسوب به امام عسكري عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ ثعلبي، احمد بن محمد (م. 427 ق.)، الكشف و البيان في تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)، تحقيق ابن عاشور، ساعدي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1422 ق؛ حاكم حسكاني، عبيد الله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمدباقر محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق؛ حر عاملي، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعه، تحقيق رباني شيرازي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ دشتي، محمد (م. 1380 ش.)، نهج الحياة (فرهنگ سخنان فاطمه عليها السلام)، قم، مؤسسه تحقيقاتي امير المؤمنين عليه السلام، 1372 ش؛ زرندي، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، نظم درر السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين عليهم السلام، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة، 1377 ق؛ سورآبادي، عتيق بن محمد (م. 494 ق.)، تفسير سورآبادي، تحقيق سعيدي سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو، 1380 ش؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1413 ق؛ شيخ الاسلامي، سيد حسين، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1419 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية،

1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1404 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ صفار، محمد بن حسن (م. 290 ق.)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقيق ميرزا محسن كوچه باغى، تهران، مؤسسة الأعلمى، 1404 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضى، 1392 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، تفسير جوامع الجامع، تحقيق ابوالقاسم گرجى، تهران، دانشگاه تهران، 1377 ش؛ همو، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1372 ش؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعة المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومى، قم، نشر اسلامى، 1420 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1364 ش؛ عطاردى قوجانى، عزيزالله، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، تهران، انتشارات عطارد، 1412 ق؛ قتال نيشابورى، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ فرهنگى، على اكبر، ارتباطات انسانى، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگى رسا، 1386 ش؛ فضل الله، سيد محمد حسين (م. 1431 ق.)، الزهراء عليها السلام القدوه، تحقيق حسين احمد الخشن، بيروت، دارالملاك، 1422 ق؛ قرطبي، محمد بن احمد (م. 671 ق.)، الجامع لاحكام القرآن (تفسير قرطبي)، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1405 ق؛ قطب راوندى، سعيد بن هبة الله (م. 573 ق.)، الخرائج و الجرائح، قم،

مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ قمى، على بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمى، تحقيق سيد طيب موسى جزائرى، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق على اكير غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ محدث نورى، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ محسنیان راد، مهدى، ارتباط شناسى (ارتباطات انسانى میان فردى، گروهى، جمعى)، تهران، انتشارات سروش، 1378 ش؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق، سيد محمد حسينى جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الاختصاص، تحقيق على اكير غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ همو، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقيق التراث، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ همو، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكير غفارى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ همو، الفصول المختاره، تحقيق سيدعلى ميرشريفى، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ موحد ابطحي، سيد محمد باقر، الصحيفة الجامعة لادعية سيده نساء العالمين فاطمة الزهراء و شبليلها عليهم السلام، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1421 ق؛ واعظ قلقشندى، محمد بن عبدالله (م. 1035 ق.)، اتحاف السائل بما لفاطمة عليها السلام من الفضائل و المناقب، تحقيق محمد كاظم موسى، تهران، المجمع العالمى للتقريب بين المذاهب الاسلامية، 1427 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد بيروت، دار الكتب العلمية، 1408 ق.

محسن الويرى

حضور و فعالیتهای حضرت فاطمه علیها السلام در امور سیاسی.

سیاست، از ریشه «سوس»، به معنای ریاست، خلق و خو، تدبیر و اقدام طبق مصلحت چیزی است (جوهری، 3 / 938؛ عسکری، 288؛ ابن اثیر، 2 / 221؛ ابن منظور، 6 / 108). در قدیم ترین تعریف آن در فلسفه و منطق، در فلسفه عملی به معنای تدبیر بوده است و برای آنچه امروزه کشورداری نامیده می شود، عنوان سیاست عامه به کار می رفته است؛ در برابر سیاست خاصه، به معنای تدبیر منزل، و سیاست خاصة الخاصة به معنای تدبیر امور اخلاقی و رفتاری (ر.ک: فارابی، 35؛ ابن سینا، 14؛ ابن بهرزی، 112). امروزه، آن را علم قدرت (ر.ک: دوورژه، 118)، علمی که رفتار دولت را بررسی می کند (وینسنت، 20)، و مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسانها در مسیر زندگی معقول (جعفری، 47) تعریف کرده اند.

مقصود از سیره سیاسی اشخاص، چیزی گسترده تر از سیاست اصطلاحی، و شامل سلسله رفتارهایی در حکومت یا در رویارویی با آن یا برای ایجاد اصلاحات و تغییراتی در رفتار نهادهای سیاسی است.

آمیختگی دین و سیاست در اسلام، و نیز تأکید اسلام بر حقوق، وظایف و مسئولیتهای اجتماعی زنان، موقعیت را برای مشارکت زنان مسلمان صدر اسلام در فعالیتهای اجتماعی و مناسبات سیاسی، هموار ساخته بود (ر.ک: مسلم نیشابوری، 5 / 196 - 200؛ نسائی، 5 / 278؛ مجلسی، 41 / 3). مهاجرت زنان به حبشه و یثرب، حضورشان در بیعتها و مشارکت آنان در مراحل شکل گیری حکومت اسلامی، بیانگر این همراهی و مشارکت است (ابن سعد، 1 / 207؛ ر.ک: حسون، 412 - 415).

حضور مؤثر حضرت فاطمه علیها السلام در عرصه های دینی و اجتماعی و سیاسی نیز نمونه برجسته ای از این مشارکت است. حضرت فاطمه علیها السلام از کودکی در بسیاری از حوادث و مخاطرات صدر اسلام حضور داشت و شاهد فشارهای سیاسی و اجتماعی کفار قریش بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان در مکه، و تلاشهای پیامبر صلی الله علیه و آله برای مقابله با این فشارها بود.

پس از رحلت ابوطالب، کفار قریش بر آزدن پیامبر صلی الله علیه و آله افزودند، بر سر و صورت پیامبر صلی الله علیه و آله خار و خاشاک پاشیدند (ابن اثیر جزری، 2 / 91)، وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حال نماز بود، محتویات شکم شتر را بر دوش ایشان ریختند. در همه این احوال، فاطمه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله بود و با دست خود صورت پیامبر صلی الله علیه و آله را از این آلودگیها پاک می کرد (بخاری، 1 / 131 - 132؛ ابن ابی الحدید، 6 / 282 - 283).

با شدت گرفتن این فشارها بر پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر مسلمانان، و هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، حضرت فاطمه علیها السلام نیز با چند تن از زنان، به کمک حضرت علی علیه السلام، به مدینه مهاجرت کرد (یعقوبی، 2 / 41) و در جریان نوپای اسلامی و مسیر ساختن جامعه آرمانی، گام به گام با پیامبر صلی الله علیه و آله همراهی نمود (ر.ک: مسلم نیشابوری، 5 / 178؛ طبری، 2 / 210 - 211؛ ابن اثیر جزری، 2 / 157 - 158). ایشان در جنگهای بسیاری، از جمله احد (طبرسی، مجمع البیان، 2 / 417؛ ابن کثیر، 3 / 58؛ امین عاملی، 1 / 310) و خندق (طبرسی، مجمع البیان، 8 / 125 - 135)، حضور داشت. همچنین هنگام فتح مکه در سال هشتم هجرت، با آنکه دارای چهار فرزند بود، مسافت هشتاد فرسنگی مدینه تا مکه را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرش، علی علیه السلام، پیمود (طبرسی، اعلام الوری، 1 / 216 - 217؛ ابن اثیر جزری، 2 / 241؛ مجلسی، 21 / 125 - 126).

اساسی ترین نقش آفرینی حضرت فاطمه علیها السلام در عرصه سیاست، اجتماع و

فرهنگ جامعه اسلامی، در دوران کوتاه حیاتش پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آن زمان از پُر مخاطره ترین دوران زندگی ایشان و از جمله سرنوشت سازترین مقاطع تاریخ اسلام بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در نخستین فرصت فراهم آمده پس از هجرت، و برای اجرای همه جانبه احکام و قوانین اسلام، حکومت اسلامی تشکیل داد و چون این مهم را منحصر به زمان خود نمی دانست، جانشینان خود را نیز معرفی نمود (ر.ک):

احمد بن حنبل، 5 / 86 - 89، 92، 106، 107؛ مسلم نیشابوری، 6 / 3 - 2؛ خزاز قمی، 428، 146، 154، 194 - 198). اما پس از رحلت ایشان و به رغم سفارشهای مکررشان به جانشینی امام علی علیه السلام، دیگران به قدرت سیاسی رسیدند و مردم حمایت مؤثر خویش را از امام علی علیه السلام دریغ کردند (ابن ابی الحدید، 2 / 47، 6 / 12 - 13). این مسئله و عوامل دیگر، موجب شد امیر مؤمنان علیه السلام از درگیری آشکار با دستگاه حکومت صرف نظر کند، اما اساسی ترین واکنش را حضرت فاطمه علیها السلام نشان داد. ایشان به عنوان یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله و کسی که بنا بر روایات شیعه (صدوق، الامالی، 575؛ مفید، الامالی، 95، 260؛ طوسی، 24) و اهل سنت (بخاری، 4 / 210، 219؛ طبرانی، 1 / 108؛ متقی هندی، 12 / 112)، خشم و رضایش، معادل خشم و رضای خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله بود، با اعلام موضع صریح خود، در واقع موضع پیامبر صلی الله علیه و آله و خداوند را در مخالفت با حاکمیت جدید سیاسی و اندیشه ها و اقدامات آن نشان داد و با مخاطبانش اتمام حجت کرد. آن حضرت علیها السلام برای تبیین جایگاه حاکمیت در اسلام، الهی بودن منصب امامت، و اثبات شایسته نبودن مدعیان حکومت، اقدامات مهمی نمود.

روشنگری عمومی

حضرت فاطمه علیها السلام برای مقابله با حرکت شتاب زده برخی صحابه در جریان سقیفه، برای به دست گرفتن خلافت، شبانه به همراه همسر و فرزندان، برای جلب حمایت مهاجر و انصار، به خانه آنان می رفت (جوهری

بصری، 63؛ ابن ابی الحدید، 47/2، 13/6؛ بحرانی، 315/5)، که پاسخ مؤثری در پی نداشت.

پس از آنکه دستگاه خلافت، فدک را مصادره کرد، برای رویارویی جدی آن حضرت علیها السلام با نظام حاکم، زمینه مناسب فراهم شد. به تصریح منابع تاریخی، به ویژه منابع اهل سنت (ر.ک: حاکم حسکانی، 438/1 - 441؛ هیثمی، 49/7؛ سیوطی، 177/4)، فدک در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و بر اساس دستور الهی به اعطای حقوق نزدیکان (ذی القربی) (ر.ک: اسراء، 26)، به فاطمه علیها السلام واگذار، و ملک مسلم او شد (ر.ک: کلینی، 543/1؛ صدوق، الامالی، 619)، ولی دستگاه خلافت، به بهانه نفی ارث گذاری انبیا علیهم السلام، آن را مصادره کرد و با وجود دلایل منطقی و روشن آن حضرت علیها السلام، از بازگرداندن آن خودداری ورزید (احمدبن حنبل، 6/1؛ کلینی، 543/1؛ مفید، الاختصاص، 185؛ ر.ک: طبری امامی، 109 - 111؛ مقاله فدک). حضرت فاطمه علیها السلام اعتراض کرد و در مسجد به ایراد خطبه و روشننگری سیاسی پرداخت (ر.ک: ابن طیفور، 12 - 19؛ سید مرتضی، 4/70 - 76؛ طبرسی، الاحتجاج، 1/131 - 145) و تا پایان عمر کوتاهش با خلیفه سازش نکرد (احمد بن حنبل، 6/1؛ بخاری، 4/42؛ 82/5 - 83؛ مسلم نیشابوری، 154/5).

ویژگیهای خطبه

این خطبه، که به خطبه فدکیه مشهور شده است، با توجه به اوضاع آن زمان و عملکرد حضرت علیها السلام، از جهات گوناگون اهمیت دارد (ر.ک: تبریزی انصاری، 316 - 317؛ جوادی آملی، 87/2)، از جمله:

شهامت و اقتدار روحی: آن حضرت علیها السلام هنگامی در مسجد سخنرانی کرد که مسئله حکومت از نظر بسیاری از افراد تمام شده بود. سرکوب جدی مخالفان اولیه، جرئت مخالفت را از دیگران گرفته بود و همین، عامل بسیار مهمی بود برای حمایت نکردن مردم از علی علیه السلام. بنابراین، سخنان بسیار صریح و بی باکانه حضرت فاطمه علیها السلام - که با وجود تألمات روحی ناشی از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در

ص: 311

نهایت صلابت ایراد شد - نشان دهنده اقتدار روحی ایشان و شهامت در برابر خطر انحراف در حکومت اسلامی است.

دانش و بصیرت: توجه به مسائل بنیادین درباره توحید، نبوت، امامت و فلسفه احکام، بیانگر قدرت علمی آن حضرت علیها السلام است. شیوه سخن گفتن آن حضرت علیها السلام و مطرح ساختن مسائل تاریخی و اجتماعی نیز گویای بصیرت ایشان در شناخت مخاطب، اشراف بر فراز و نشیبهای تاریخی و سیاسی در آستانه بعثت و پس از آن، و شناخت گروههای اجتماعی است. از این رو، در هر بند از خطبه، با مخاطب قرار دادن برخی از این گروهها و اتخاذ روشی متناسب و لحنی خاص، بیشترین تأثیر را بر مخاطب خود گذاشته است (مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام).

توجه به مسائل بنیادین: مهم ترین بخش خطبه حضرت علیها السلام، تبیین جایگاه امامت و آگاه کردن مردم از آن بود. آن حضرت علیها السلام در دفاع از علی علیه السلام، هرچند شخصیت و جایگاه ایشان را به زیبایی ترسیم کرده و تلویحاً مقایسه دیگران را با او بی معنا دانسته است، اما در این راه، به جای نگرش فردی و شخصی که ممکن بود حمایت زنی از همسرش تلقی شود، تعبیر عام تری به کار برده و اصل امامت اهل بیت علیهم السلام و لزوم اطاعت از آنان را مطرح کرده و فرموده است: «اطاعت از ما موجب انتظام جامعه می شود و امامت ما موجب مصونیت از پراکندگی است» (طبری امامی، 113؛ اربلی، 2 / 110). به این ترتیب، ایشان امامت را نه تلاشی برای رقابت و دستیابی به قدرت، که به عنوان مهم ترین نیاز بشر، پس از خاتمیت، مطرح نمود. خلیفه در همان مجلس، در پاسخ به حضرت فاطمه علیها السلام، همه سخنان و دعاوی اصلی ایشان را، که درباره امامت و خلافت بود، نشنیده گرفت و کوشید قضیه را شخصی وانمود کند و توجه مردم را از خلافت، به مسئله فدک معطوف سازد.

وی در پایان مجلس، به نوعی، حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام را تهدید و به ایشان اهانت کرد و کوشید مجلس و مخاطبانش را مدیریت کند، اما موفق نشد (ر.ک: ابن ابی الحدید، 16 / 214 - 215).

واکنشها در برابر خطبه و تأثیرات آن

خلیفه مصمم بود از همه معارضان، به هر نحو ممکن، بیعت بگیرد (ابن قتیبہ دینوری، 17 / 1 - 19؛ طبری، 2 / 459 - 460؛ جوهری بصری، 52 - 53، 73 - 74) و موقعیت خویش را تثبیت کند، و در این راه، حتی از هجوم به خانه فاطمه علیها السلام و تهدید اهل خانه او نیز ابا نداشت (ابن ابی شیبہ کوفی، 8 / 572؛ یعقوبی، 2 / 126؛ متقی هندی، 5 / 651). بنابراین، از هر اقدامی که در تأیید حق اهل بیت علیهم السلام مؤثر بود اجتناب می کرد و به قول ابن فارقی (مدرّس مدرسه بغداد)، دقیقاً متوجه بود که مسئله فدک نه دعوی شخصی و حقوقی، که نماد و زمینه طرح یک مسئله سیاسی بسیار مهم، یعنی ولایت و امامت، بود. از این رو، از واگذاری فدک به حضرت علیها السلام خودداری کرد تا مبادا تأیید صحت این ادعای حضرت فاطمه علیها السلام، زمینه را برای طرح ادعای بزرگ تروی فراهم آورد (ر.ک: ابن ابی الحدید، 16 / 284). ایراد این خطبه نیز خلیفه را به تغییر مشی و انداشت و تحول اساسی فوری در روند انحرافی جامعه آن روزگار پدید نیاورد. با این حال، نباید از آثار بلندمدت این سخنرانی در ساختار اندیشه دینی و نگرش سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی غفلت نمود. اهمیت آن، هنگامی آشکارتر می شود که بسیاری از عالمان اهل سنت - که متوجه بحران مشروعیت خلافت در تقابل با حضرت فاطمه علیها السلام و اندیشه های ایشان بودند - بسیار کوشیدند از یک سو در ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی، این تنشها را بسیار کوچک و جزئی نشان دهند؛ از این رو، بسیاری به نقل دقیق حوادثی چون ماجرای فدک، حمله به خانه

حضرت فاطمه علیها السلام و آسیب رساندن به ایشان و قهر بانوی اسلام با خلیفه، و ماجرای شهادت و دفن شبانه او نپرداختند (مقاله فاطمه علیها السلام در گزارشهای تاریخی اهل سنت) و از سوی دیگر، با انکار عصمت حضرت فاطمه علیها السلام (ر.ک: فخر رازی، المحصول، 4 / 171 - 173؛ جرجانی، 8 / 355 - 356)، و به طور کلی با نهادینه کردن نظریه عصمت جماعت به جای عصمت فرد (فخر رازی، تفسیر، 10 / 144؛ ر.ک: حمصی، 2 / 281؛ ابن تیمیه، 6 / 466)، سعی کردند برای خلافت، اعتبار و مشروعیت جعل کنند (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

مبارزه منفی

حرکت بعدی حضرت فاطمه علیها السلام در برابر جریان انحرافی خلافت، آشکار کردن ماتم و سوک و اشک، برای بیان نارضایی و خشم بود. ایشان از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عزادار بود و حوادث بعدی نیز بر اندوهشان افزود؛ حوادثی چون هجوم به خانه حضرت علیها السلام برای بیعت اجباری گرفتن از حضرت علی علیه السلام (ابن ابی شیبه کوفی، 8 / 572؛ یعقوبی، 2 / 123 - 127؛ جوهری بصری، 72 - 73؛ ابن ابی الحدید، 2 / 45، 56) و گشودن اجباری در خانه و جراحت حضرت فاطمه علیها السلام و سقط فرزندش (طبرسی، الاحتجاج، 1 / 109؛ مجلسی، 28 / 270 - 271، 283؛ مقاله شهادت فاطمه علیها السلام). در پی این رخدادها، گریه ها و شیوه های ایشان به طور معناداری شدت یافت (مسعودی، 146). در لایه لای این شیوه ها، جملاتی از ایشان نقل شده (مجلسی، 23 / 175) که حاکی از نارضایی آن حضرت علیها السلام - که نارضایی اش معادل نارضایی و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا بود - از رویدادهای آن روز جامعه و خطر از دست رفتن دستاوردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نادیده گرفتن وصایای ایشان است (مفید، الامالی، 40 - 41؛ ابن اثیر، 5 / 277؛ مجلسی، 43 / 207). این ناله ها به حدی بود که نگرانی دستگاه حاکم و اعتراض برخی از مردم را در پی داشت (صدوق، النخصال، 272 - 273؛ همو، الامالی، 204؛ ابن شهر آشوب، 3 / 104)

و حضرت علیها السلام را ناگزیر کرد روزها از شهر خارج شود و بیرون از مدینه، از جمله کنار مزار شهدای احد، به ابراز اندوه و شکوه پردازد (صدوق، الخصال، 273، ابن شهر آشوب، 3 / 104؛ مجلسی، 43 / 155). واکنش جامعه آن روز به این گریه ها، روشن می سازد که مردم به خوبی متوجه معنای روشن اقدام آن حضرت علیها السلام شدند.

آخرین تلاش

حضرت فاطمه علیها السلام پس از گذران دوران محنت و جراحت، در بستر بیماری افتاد، اما از اعتراض دست برنداشت. لذا، هنگام عیادت زنان مدینه از حضرت علیها السلام، به شکوه از شوهران آنان پرداخت و آن مردان را نکوهش کرد (ابن طیفور، 19 - 20، مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام). همچنین تقاضای ملاقات خلیفه و همراه او را، که برای دلجویی آمده بودند، رد کرد و فقط با خواست حضرت علی علیه السلام آن دورا به حضور پذیرفت و نارضایی خود را بیان داشت (هلالی عامری، 391؛ ابن قتیبه دینوری، 1 / 20). آخرین تلاش هدفمند فاطمه علیها السلام، وصیتش به حضرت علی علیه السلام بود. او وصیت کرد که شب هنگام دفن شود و مدفنش پنهان بماند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 185؛ طوسی، 109؛ ابن عبدالبر، 4 / 1898؛ ابن شهر آشوب، 3 / 137؛ ر.ک: ابن ابی الحدید، 6 / 49 - 50؛ 16 / 214 - 218). منابع روایی و تاریخی به دفن شبانه حضرت فاطمه علیها السلام و نبودن خلیفه در این مراسم تصریح کرده اند (بخاری، 5 / 82 - 183 مسلم نیشابوری، 5 / 154؛ طبری، 2 / 448؛ مقاله خاکسپاری فاطمه علیها السلام). این حرکت، واکنشهایی میان مردم آن زمان (طبری امامی، 136؛ مجلسی، 43 / 171) و حتی در دوره های بعد در پی داشت، به گونه ای که برخی علت آن را از امامان علیهم السلام جو یا می شدند (ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1 / 185). تردید در محل قبر حضرت فاطمه علیها السلام، عامل القای سؤالی بزرگ درباره چرایی این وصیت است و کسانی که در پی پاسخ اند، در می یابند که او نمی خواست کسانی که در زمان حیاتش به وی ستم کردند و اسباب خشم و قهرش را - که برابر خشم و قهر خدا

و پیامبرش بود - فراهم آوردند، بر جنازه اش حاضر شوند. آنان می خواستند با حضور بر جنازه او، به آنچه روی داده بود، فیصله دهند. اهمیت این موضوع وقتی آشکارتر می شود که برخی از تاریخ نویسان، برخلاف حقایق مسلم تاریخی، مدعی شده اند حضرت علی علیه السلام چنین کاری را نه به دلیل وصیت فاطمه علیها السلام، که بنا بر نظر شخصی خود انجام داده است (بخاری، 5 / 82، عینی، 17 / 258) یا حتی ادعا کرده اند خلیفه شخصاً بر پیکر حضرت فاطمه علیها السلام نماز گزارد (ابن سعد، 8 / 29). برخی علمای اهل سنت نیز در دوره های بعد، برای معتبر نمایاندن این نقل نادرست، در احکام فقهی به همین قول نادر استناد کرده اند (ر.ک: قاضی عبدالجبار اسدآبادی، 20 / 335)، که البته اندیشمندان شیعه به آن پاسخ داده اند (ر.ک: سیدمرتضی، 4 / 110 - 114).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی شیبة کوفی، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق سعید لحام، بیروت، دار الفکر، 1409 ق؛ ابن اثیر، مبارک بن محمد (م. 606 ق.)، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق احمد الزاوی، محمود طناحی، قم، انتشارات اسماعیلیان، 1364 ش؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، 1386 ق؛ ابن بهرئز، حبیب بن بهرئز (م. 860 ق.)، حدودالمنطق، تهران، انجمن فلسفه ایران، 1357 ش؛ ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم (م. 728 ق.)، منهاج السنة النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم مؤسسه قرطبة، 1406 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر؛ ابن سینا، حسین بن عبدالله (م. 428 ق.)، الشفاء (الهیات)، تحقیق سعید زاید و دیگران، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، 1404 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (م. 380 ق.)،

بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتي؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. 463 ق.)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق على محمد بجاوي، بيروت، دار الجيل، 1412 ق؛ ابن قتيبة دينوري، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة والسياسة، تحقيق طه محمد الزيني، مؤسسة الحلبي وشركاه؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى عبد الواحد، بيروت، دار المعرفة 1396 ق؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزة، 1405 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امين عاملي، سيد محسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، غاية المرام و حجة الخصام، تحقيق سيد علي عاشور؛ بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخاري، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ تبريزي انصاري، محمد علي بن احمد (م. 1310 ق.)، اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء عليها السلام، تحقيق سيدهاشم ميلاني، قم، نشر الهادي، 1418 ق؛ جرجاني، علي بن محمد (م. 816 ق.)، شرح المواقف، مصر، مطبعة السعادة، 1325 ق، جعفري، محمد تقي، حكمت اصول سياسي اسلام، تهران، بنياد نهج البلاغه، 1373 ش؛ جوادى آملی، عبدالله، سرچشمه های انديشه، قم، نشر اسراء، 1382 ش؛ جوهری، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربي، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ جوهری بصري، احمد بن عبدالعزيز (م. 323 ق.)، السقيفة وفدك، تحقيق محمد هادي اميني، بيروت، شركة الكتبي، 1413 ق؛ حاكم حسانى، عبيد الله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمد باقر محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق؛ حسون، محمد، مشكور، ام علي، اعلام النساء المؤمنات، تهران، انتشارات اسوه، 1421 ق؛ حمصي، محمود (م. قرن 7)، المنقذ من التقليد، قم، نشر اسلامي، 1412 ق؛ خزاز قمی، علي بن محمد (م. 400 ق.)،

كفاية الاثر في النص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبد اللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ دوورژه، موريس، اصول علم سياست، ترجمه ابوالفضل قاضى، تهران، انتشارات اميركبير، 1369 ش؛ سيد مرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، الشافي في الامامه، تحقيق سيد عبدالزهرا حسيني، قم، انتشارات اسماعيليان، 1410 ق؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، 1404 ق؛ صدوق، محمدبن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيدمحمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمداقبر خراسان، النجف الاشرف، دارالنعمان، 1386 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، اعلام الورى، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق؛ همو، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تحقيق عده اى از محققين، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1415 ق؛ طبرى، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق گروهى از دانشمندان، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1403 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ عسكرى، ابوهلال (م. 395 ق.)، الفروق اللغويه، قم، نشر اسلامى، 1412 ق؛ عينى، محمودبن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربى، فارابى، ابونصر (م. 339 ق.)، الجمع بين رأى الحكيمين، تهران، انتشارات الزهراء عليها السلام، 1405 ق، فخر رازى، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، التفسير الكبير، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، 1413 ق؛ همو، المحصول في علم اصول الفقه، تحقيق طه جابر فياض، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1412 ق؛ قاضى عبدالجبار اسد آبادى، عبدالجبار بن احمد (م. 415 ق.)،

لمغنى فى ابواب التوحيد و العدل، تحقيق جورج قنوانى، قاهرة، الدار المصرية، 1965 م؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1363 ش؛ متقى هندی، على (م. 975 ق.)، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مسعودى، على بن حسين (م. 345 ق.)، اثبات الوصية للامام على بن ابى طالب عليه السلام، قم، انتشارات انصاريان، 1417 ق؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الاختصاص، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ همو، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكبر غفارى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، السنن الكبرى، تحقيق سليمان بندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411 ق؛ وينسنت، اندرو، نظريه هاى دولت، ترجمه حسين بشيريه، تهران، نشر نى، 1387 ش؛ هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمدباقر انصارى، قم، نشر الهادى، 1420 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، 1408 ق؛ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (م. 292 ق.)، تاريخ اليعقوبى، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بيت عليهم السلام.

فهيمه فرهمندپور

ص: 319

بخش سوم: فاطمه علیها السلام در دیدگاه ها

اشاره

ص: 321

بررسی آیات راجع به شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام.

به گفته مفسران، آیات فراوانی از قرآن بر شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام دلالت می‌کند. هرچند نام فاطمه علیها السلام، همچون نام امامان معصوم علیهم السلام، در قرآن کریم نیامده، چرا که قرآن در صدد نام بردن از صحابیان و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است، مگر در موارد استثنایی مانند زید (احزاب، 37) و ابولهب (مسد، 1). در موارد متعددی نیز درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و منافقان مشهور، در قرآن مطالبی آمده (ر.ک: تحریم، منافقون)، ولی از آنان نام برده نشده است. روش قرآن بیشتر این است که شاخصه و کلیات را بیان کند، و تطبیق بر افراد با استفاده از آن معیارها صورت می‌گیرد یا روایاتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر و توضیح آن وارد می‌شود. در برخی احادیث، امام صادق علیه السلام درباره نام نبردن از علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام در آیه اولوالامر (نساء، 59)، به رغم آنکه نزول آن را در شأن علی علیه السلام و فرزندانش دانسته‌اند، به نماز اشاره نموده که حکم آن در قرآن نازل شده ولی از سه یا چهار رکعت بودن آن سخنی به میان نیامده است تا خود رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را برای مردم تفسیر کند (کلینی، 1 / 286 - 287؛ فیض کاشانی، الوافی، 2 / 269). افزون بر این، احتمال داشته است نام بردن افراد معاصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، موجب حبّ و بغضهای متعدد و زمینه ساز تحریف قرآن شود.

کتابهای حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت، از کهن ترین منابعی اند که درباره آیات در شأن فاطمه علیها السلام مطالبی بیان کرده اند که غالباً از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و صحابیانش گزارش شده است. درباره این موضوع کتابهای مستقلی

با شیوه های متفاوت نوشته شده است: برخی از نویسندگان به بررسی آیات و روایات و دسته بندی آنها بر اساس مقامات آن حضرت علیها السلام پرداخته اند، مانند محمد سند که در مقامات فاطمة الزهراء علیها السلام في الكتاب والسنه، ده مقام از مقامات معنوی فاطمه علیها السلام از نظر قرآن و حدیث را محور قرار داده و فضایل آن حضرت علیها السلام را در بیش از 60 آیه از 41 سوره قرآن بررسی کرده است. علی حیدر مؤید در فضایل فاطمة الزهراء علیها السلام في الذكر الحكيم، به شرح و تفسیر 135 آیه پرداخته که در شأن فاطمه علیها السلام نازل شده یا تفسیر و تأویل آنها راجع به حضرت علیها السلام است. انگیزه وی از انتخاب عدد 135، آن است که نام فاطمه علیها السلام بر اساس حروف ابجد 135 می شود. وی آیات را به ترتیب سوره های قرآن آورده و از جوامع روایی شیعه و اهل سنت استفاده کرده است.

برخی، آیات راجع به آن حضرت علیها السلام را به ترتیب سوره ها بررسی کرده اند؛ سیدصادق شیرازی در فاطمة الزهراء علیها السلام في القرآن، آیات در شأن حضرت علیها السلام را به ترتیب سوره ها، از 67 سوره، گرد آورده است. او در این کتاب، بیشتر از منابع روایی اهل سنت بهره گرفته است. تعدادی نسخه خطی فارسی و عربی، و کتابهایی نیز درباره آیات در شأن فاطمه علیها السلام به زبانهای دیگر وجود دارد (ر.ک: انصاری زنجانی، 216، 778؛ مقاله کتاب شناسی فاطمه علیها السلام).

درباره شمار آیات راجع به حضرت علیها السلام اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از مستشرقان (ر.ک: جین دمن، 192 / 2 - 193) کوشیده اند شمار این آیات را اندک نشان دهند و آن را محدود به چند آیه، مانند آیه مباحله (آل عمران، 61) و آیه تطهیر (احزاب، 33) کنند. ولی با توجه به کتابهای نوشته شده در این باره و نیز آنچه در پی خواهد آمد، شمار آیات بسیار بیشتر است و مفسران قرآن بر آیات دیگری،

همچون آیات اطعام (ر.ک: انسان، 7 - 10) و سوره کوثر، تأکید کرده اند که از حیث شأن نزول یا جری و تطبیق و تأویل، درباره آن حضرت اند.

اختلاف درباره شمارگان آیات در شأن فاطمه علیها السلام به چند سبب است: نوع ارتباط معنای آیات با حضرت علیها السلام، از باب تفسیر و شأن نزول و تأویل و تطبیق است؛ برخی کلمات و عبارات آیات مخصوص ایشان است، مثل واژه «نِسَاءَنَا» در آیه مباحله (آل عمران، 61)، و برخی آیات درباره اهل بیت علیهم السلام است که فاطمه علیها السلام از جمله آنهاست، مانند آیه تطهیر (احزاب، 33) و آیات اطعام (ر.ک: انسان، 7 - 10). با بررسی آیات مربوط روشن می شود که دلالت بیشتر این آیات، بر اساس احادیثی است که از نظر درستی سند در مراتب گوناگونی قرار دارند و برخی از آنها را همگان نپذیرفته اند. همچنین برخی به روشنی بر ارتباط آیات نام برده با آن حضرت علیها السلام دلالت می کنند (ادامه مقاله)، ولی در برخی روایات، میان مضمون آیات با فاطمه علیها السلام ارتباط مستقیمی وجود ندارد و آن آیات فقط از باب تناسب آیه با مطالب احادیث راجع به فاطمه علیها السلام آمده اند (ر.ک: مؤید، 47 - 48).

پژوهشگران، مقامات و ویژگیهای فراوانی برای آن حضرت علیها السلام از منظر قرآن مطرح کرده اند که بسیاری از آنها با دیگر اهل بیت علیهم السلام مشترک است، ولی برخی از آنها، از اختصاصات فاطمه علیها السلام است، مانند چشمه کوثر بودن بنا بر برخی تفاسیر. از مجموع مطالبی که راجع به آن حضرت علیها السلام گفته شده است، برخی به جنبه شخصیت ذاتی و جایگاه آن حضرت علیها السلام در عالم تکوین اشاره دارد، مانند آنکه تجسم نور خداست (نور، 35) و مصداقی از امانت الهی (احزاب، 72) و کلمات الهی است (بقره، 37) که توسل به آنها تعالی معنوی در پی دارد، به گونه ای که حضرت آدم علیه السلام به آنها توسل جست و توبه اش پذیرفته شد (بقره، 37). برخی دیگر راجع به

جنبه های شناختی، رفتاری و گفتاری و اندیشه ای آن حضرت علیها السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام است، مانند اخلاص، جهان بینی درست، نگرش عمیق به معاد و تنظیم رفتار بر اساس آن، مهربانی، کرامت انسانی، ایثار، صبر و استقامت، الگوی ابرار و نیکان بودن انسان، 5)، و حجیت رفتار و گفتار به دلیل عصمت (احزاب، 33). برخی دیگر به چگونگی تنظیم رفتار دیگر مؤمنان با اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد، مانند لزوم مودت با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (ذوی القربی) به عنوان ادای وظیفه در برابر رسالت (شوری، 23) و محروم نکردن آنان از حقشان به عنوان ذوی القربی (اسراء، 26).

همان گونه که اشاره شد ارتباط آیات با آن حضرت علیها السلام به چند طریق است: شأن نزول آیات درباره فاطمه علیها السلام، جری و تطبیق آیات بر فاطمه علیها السلام، و تأویل آیات به فاطمه علیها السلام.

شأن نزول آیات درباره حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

مفسران قرآن، آیات و سوره های متعددی را برشمرده اند که شأن نزول آنها یا اختصاصاً فاطمه علیها السلام است، یا آن حضرت علیها السلام یکی از مصادیق مورد توجه در آیه است. مهم ترین آنها - که بیشتر مفسران پذیرفته اند - بدین قرار است:

1. سوره کوثر

این سوره در مکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد (دروزه، 2 / 11؛ مکارم شیرازی، 27 / 368). عاص بن وائل، از سران مشرکان، به هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام، با او صحبت کرد، سپس وارد مسجد الحرام شد و هنگامی که مشرکان از او پرسیدند: «با چه کسی صحبت می کردی؟» گفت: «با این مرد ابتر.» ابتر به معنای دم بریده است، یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است. سوره کوثر بدین مناسبت فرود آمد (واحدی، 306 - 307؛ طبرسی، مجمع البیان، 10 / 459؛ سیوطی، 4 / 401، 404). ابو جهل، عقبه بن ابی معیط، کعب بن اشرف، و ابولهب (فخر رازی،

32 / 320: آلوسی، 30 / 248) نیز از واژه ابتر بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کرده بودند؛ از این رو، گفته شده که این سوره در پاسخ به همه آنان، به ویژه عاص بن وائل، نازل شده است (سیوطی، 6 / 401، 404؛ آلوسی، 30 / 248). خداوند در سوره کوثر به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآوری می کند که ما به تو کوثر (خیر فراوان) دادیم، پس برای پروردگارت نماز بگزار و قربانی کن، چرا که فقط نسل دشمن کینه توز تو بریده است.

واژه کوثر در اصل به معنای کثیر، عدد زیاد و خیر کثیر است (جوهری، 2 / 802 - 803؛ ابن فارس، 5 / 160 - 161؛ مصطفوی، 10 / 27، 29). در احادیث تفسیری، به معنای نهری در بهشت است (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 459؛ ر.ک: سیوطی، 6 / 402؛ فیض کاشانی، تفسیر، 7 / 565)، که همان حوض کوثر است (ابن ابی شیبیه کوفی، 8 / 602؛ طبرسی، مجمع البیان، 10 / 459؛ ر.ک: مجلسی، 8 / 16 - 28؛ مشهدی، 14 / 459 - 464). به معنای شفاعت (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 460؛ فیض کاشانی، تفسیر، 7 / 566) نیز آمده است. مفسران، 26 معنای دیگر را نیز ذکر کرده اند، از جمله: اسلام، توحید، نور قلب پیامبر صلی الله علیه و آله، معجزات پروردگار، قرآن، نبوت، کثرت اصحاب، پیروزیهای پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگها، علمای امت، و مقام محمود (ابن عطیه اندلسی، 5 / 529؛ ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، 10 / 459 - 460؛ فخر رازی، 32 / 312 - 316؛ فیض کاشانی، تفسیر، 7 / 565 - 566؛ طباطبائی، 20 / 370)، اما دلیل و قرینه ای معتبر برای آن معانی نیاورده اند. بعضی از این معانی با سیاق آیات سوره تناسب ندارد و به باور برخی، این اقوال، نوعی تحکم بر آیه است (طباطبائی، 20 / 370).

برخی از مفسران، کوثر را فقط بر فاطمه علیها السلام و نسل او تطبیق کرده و برخی دیگر آن را یکی از احتمالات ذکر کرده اند. از مفسران شیعه، علامه طباطبائی (20 / 370 - 371) و مکارم شیرازی (27 / 371)، و از مفسران اهل سنت، فخر رازی (32 / 313)، بیضاوی (5 / 342) و نیشابوری (6 / 576)، از نسل و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که از

فرزندان فاطمه علیها السلام هستند، یاد کرده اند. ابوالسعود (205 / 9) و آلوسی (245 / 30)، تطبیق کوثر بر اولاد و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله را یکی از معانی دانسته اند.

برخی از مفسران قرآن برای ترجیح معنای اول کوثر و تطبیق آن بر اولاد فاطمه علیها السلام، دلایل و قراینی ذکر کرده اند، از جمله شأن نزولی که گفته شد (ر.ک: ابوالفتح رازی، 20 / 428؛ طباطبائی، 20 / 372؛ صادقی تهرانی، 30 / 474؛ مکارم شیرازی، 27 / 375 - 376). مقابله کوثر با ذیل آیه - که در آن سخن از ابتر و مقطوع النسل بودن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله است - نیز نشان می دهد که کوثر چیزی در برابر قطع نسل است (ر.ک: راغب اصفهانی، 36؛ مصطفوی، 1 / 208 - 209) و آن، ادامه نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است که جز از طریق فاطمه علیها السلام محقق نشد (ر.ک: طباطبائی، 20 / 370 - 371). علامه طباطبائی، با توجه به واژه «إِنَّ» در آیه «إِنَّ شَأْنَيْكَ هُوَ الْاَبْتَرُ»، که برای تعلیل است، اشاره کرده است که اگر مراد، ذریه به صورت استقلالی یا به طور ضمنی نبود، آوردن «إِنَّ»، فایده ای نداشت، زیرا «إِنَّ»، تعلیل را می رساند و معنا ندارد که مثلاً بگوییم: ما به تو حوض کوثر دادیم چون دشمن تو مقطوع النسل است (20 / 370 - 371). به نظر می رسد با توجه به معنای وسیع کوثر (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 460)، مانعی ندارد که شامل مصادیقی باشد که مفسران بیان کرده اند و حتی معانی دیگر، به نوعی، با نسل حضرت فاطمه علیها السلام قابل جمع است، بدین گونه که فاطمه علیها السلام و فرزندان او همچون نهری بهشتی در میان بشریت جاری شده اند و همگان را از حوض کوثر آل محمد علیها السلام در این دنیا سیراب می کنند و فاطمه علیها السلام مایه شفاعت امت است و نسل او موجب حفظ قرآن و تداوم نبوت می شود، وی یاران بی شماری برای دین اسلام به ارمغان آورده است که با رهبری آنان، مسلمانان به پیروزیهای بزرگ علمی و معنوی می رسند و علمای امت نیز

فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام به شمار می آیند. نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فاطمه علیها السلام ادامه یافته و اکنون به میلیونها تن رسیده، در صورتی که به گفته برخی از مفسران اهل سنت، از نسل دشمنان شناخته شده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مانند بنی امیه، هیچ نام و نشانی باقی نمانده (فخر رازی، 32 / 321) و به این صورت، پیشگویی اعجاز آمیز سوره کوثر تحقق یافته است (معرفت، التمهید، 4 / 64).

2. آیه مباحله

خداوند در آیه 61 سوره آل عمران می فرماید: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: بیاید پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم).

به باور بیشتر مفسران (ابن کثیر، 1 / 379؛ بلاغی، 1 / 268؛ سبزواری، 6 / 22 - 23) و محدثان (مسلم نیشابوری، 7 / 120 - 121؛ ترمذی، 4 / 293 - 294)، که روایات نیز آن را تأیید می کنند، شأن نزول این آیه، ماجرای است که حضرت فاطمه علیها السلام نیز در آن نقش داشت. بنا بر روایات تفسیری، در پی دعوت جهانی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسلام، گروهی از علمای مسیحی نجران خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و درباره عیسی علیه السلام و الوهیتش گفتگو کردند و در پی لجاجت آنان قرار شد که با مباحله و نفرین یکدیگر، از خدا بخواهند دروغگو را با عذابش رسوا کند، ولی مسیحیان حاضر نشدند و در صحنه مباحله فقط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام حاضر شدند. آیه مباحله که بدین مناسبت فرود آمده، از امام حسن و امام حسین علیهما السلام به عنوان فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله، از علی علیه السلام به عنوان جان و نفس پیامبر صلی الله علیه و آله،

و از فاطمه علیها السلام به عنوان مصداق «نِسَاءَنَا»، یعنی زنان و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، یاد کرده است (ر.ک: حاکم حسکانی، 158 / 1 - 159؛ سیوطی، 2 / 39). با آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن زمان همسرانی داشت، ولی هیچ کدام را برای مباحله نبرد و فقط دخترش فاطمه علیها السلام را همراه خود برد و در نتیجه، واژه «نِسَاءَنَا» در آیه مباحله هیچ تفسیر دیگری جز فاطمه علیها السلام ندارد و این همراهی و مشارکت در امر خطیر مباحله، نشان دهنده عظمت و شایستگی اوست. آیه به درجه بالای ایمان فاطمه علیها السلام اشاره دارد، چرا که پذیرفت در جریان خطیر مباحله و نفرین مخالفان شرکت کند. زمخشری آیه مذکور را قوی ترین دلیل بر فضیلت علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام دانسته است (ر.ک: 1 / 368 - 370) و به تصریح آلوسی، در دلالت آیه بر فضیلت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله تردیدی نیست (3 / 189).

اصل شأن نزول آیه با بیش از 51 طریق و از 39 تن از اهل بیت علیهم السلام و صحابیان و تابعان (همچون علی بن ابی طالب، حسن بن علی، حسین بن علی، محمد بن علی باقر، جعفر بن محمد صادق، موسی بن جعفر کاظم علیهم السلام، ابن عباس، جابر بن عبدالله، سعد ابی وقاص، حذیفه بن یمان، ابورافع غلام پیامبر صلی الله علیه و آله، عثمان بن عفان، طلحة بن عبید الله، زبیر بن عوام، عبدالرحمن بن عوف) و دهها تن دیگر روایت شده است (طبری، 3 / 408 - 409؛ عیاشی، 1 / 177؛ ابن ابی حاتم، تفسیر، 2 / 667؛ ابن جوزی، زادالمسیر، 1 / 339؛ ابن کثیر، 1 / 379؛ سیوطی، 2 / 39 - 40؛ فیض کاشانی، تفسیر، 1 / 343؛ آلوسی، 3 / 188؛ ر.ک: مرعشی نجفی، 3 / 46 - 62، 9 / 70 - 92، 14 / 131 - 148). حتی جصاص گفته است که راویان تاریخ و آثار، درباره آن هیچ اختلافی ندارند (2 / 18). بسیاری از علمای اهل سنت این روایات را صحیح دانسته اند (ترمذی، 5 / 302؛ حاکم نیشابوری، 3 / 150؛ ر.ک: شوکانی، 1 / 347 - 348). با این همه، برخی، روایات وارده در شأن نزول آیه مباحله

را جعلی، و مضمون آنها را با آیه ناسازگار دانسته و استدلال کرده اند که واژه «نِسَاءَنَا» جمع است و عرب آن را درباره دختر خود به کار نمی برد، به ویژه هنگامی که همسرانی داشته باشد. از این گذشته، روایتی را از ابن عساکر به عنوان معارض مطرح کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مباحله، ابوبکر و پسر او، عمر و پسر او، و عثمان و پسر او را به همراه برد (ابن عساکر، 39 / 177؛ ر.ک: شوکانی، 1 / 348؛ رشید رضا، 3 / 322). اما با دقت در مطالب گفته شده، روشن می شود که ادعای جعلی بودن روایات، بدون دلیل است، زیرا بیشترین راویان حدیث شأن نزول آیه مباحله، اهل سنت اند. محققان در پاسخ به ناسازگاری روایات با آیه مباحله در کاربرد واژه «نساء»، گفته اند که در قرآن کریم، این واژه بر دختران نیز اطلاق شده است، مانند «وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ» (نساء، 47 ر.ک: طبری، 4 / 349) و «يَذَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره، 49). همچنین در قرآن گاهی واژه جمع به کار رفته، ولی مقصود یک تن است، همچون آیه «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ» (آل عمران، 39)، آیه «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ» (آل عمران، 45)، که منظور از ملائکه، جبرئیل است (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، 1 / 276؛ طبری، 3 / 339؛ سیوطی، 2 / 24؛ آلوسی، 2 / 153 - 154)؛ و آیه «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ» (منافقون، 8)، که فاعل فعل جمع «يقولون»، عبدالله بن ابی است (ر.ک: مجاهد، 2 / 677 - 668؛ طبری، 28 / 142 - 144). همچنین محققان، سند روایت ابن عساکر را، با توجه به تصریح رجال اهل سنت، مخدوش دانسته اند، چرا که ابن عساکر این حدیث را از طریق سعید بن عبسبه و هیثم بن عدی از امام صادق علیه السلام حکایت کرده است و در کتابهای رجال اهل سنت، آن دورا دروغگو و متروک الحدیث معرفی کرده اند (ابن ابی حاتم، الجرح و التعديل، 4 / 52 - 53؛ 9 / 85؛ ذهبی،

3. آیات اطعام در سوره انسان

سوره انسان (دهر)، به باور بسیاری از مفسران (ادامه مقاله) در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و به گفته آنان کل سوره، یا آیات 5 تا 22 آن، درباره فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام است. در این آیات، ویژگیهایی برای آنان برشمرده شده است، که عبارت اند از:

آنان نیکانی هستند که وفای به نذر می کنند و از رستاخیز و پروردگار ترسانند و غذای خود را به سبب دوستی خدا، با وجود نیاز به غذا (حقی بروسوی، 10/ 265؛ طباطبائی، 20/ 126)، به بینویان، یتیمان و اسیران می بخشند و پاداش و تشکری از مردم نمی خواهند، خدا آنان را از شرّ روز قیامت حفظ می نماید و سرور و پاداش شکیباییشان را عطا می کند و نعمتهای بهشتی متنوعی نصیبشان می سازد و از شراب طهور به آنان می نوشاند و از تلاششان سپاسگزاری می کند. برخی از مفسران از اینکه در پاداشهای یادشده در آیه، از حورالعین نام برده نشده است، نتیجه گرفته اند که در میان کسانی که آیه درباره آنان است، زنی وجود داشته که حضرت فاطمه علیها السلام بوده است (آلوسی، 29/ 158؛ طباطبائی، 20/ 131).

شان نزول این آیات به دو گونه گزارش شده است. برخی از مفسران گفته اند که علی بن ابی طالب علیه السلام مقداری جو (واحدی، 296؛ ابن جوزی، زادالمسیر، 8/ 145) به خانه برد و فاطمه علیها السلام با آن غذایی آماده کرد، ولی در همان روز بینوا و یتیم و اسیری به آنان مراجعه کردند و علی و فاطمه علیها السلام هر بار ثلث غذای خود را به آنان بخشیدند (قمی، 2/ 398 - 399؛ بحرانی، 5/ 546 - 547)، اما بسیاری از مفسران شیعه (طوسی، التبیان، 10/ 211؛ طبرسی، مجمع البیان، 10/ 209 - 210) و اهل سنت (زمخشری، 4/ 670؛ فخر رازی، 30/ 746 - 747؛ قرطبی، 19/ 130 - 131) شان نزول این آیات را چنین حکایت کرده اند که

حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و علی و فاطمه علیهما السلام و فضّه (کنیز حضرت فاطمه علیها السلام) برای بهبود آن دو نذر کردند که سه روز، روزه بگیرند. بعد از بهبود آنان، همگی روزه گرفتند و هر سه روز، هنگام افطار، بینوا و یتیم و اسیری تقاضای کمک کردند و آنان غذای خود را به ایشان دادند (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 209 - 210؛ آلوسی، 29 / 157). روز بعد خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و پیک وحی بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و پیام داد: «ای محمد! بگیر این را که خدا مبارک کرده است برای تو و اهل بیت تو»، سپس جبرئیل سوره انسان را تلاوت کرد. در برخی احادیث آمده است که سه روز روزه گرفتند و هر روز یک نیازمند آمد و آنان غذای خود را به او دادند (طبرسی، مجمع البیان، 10 / 209؛ فیض کاشانی، تفسیر، 5 / 261).

حاکم حسکانی این شأن نزول را از نوزده طریق نقل کرده، که یک طریق آن از عبدالله بن مبارک از یعقوب بن قعقاع از مجاهد از ابن عباس است (ر.ک: 2 / 393 - 408)، که همه این افراد در رجال اهل سنت توثیق شده اند (ر.ک: مزی، 16 / 5 - 6؛ 27 / 228، 32 / 357) و در نتیجه، طریق حدیث صحیح است. سبط ابن جوزی (283 - 284) در جواب جدش و حکیم ترمذی و نیز اسماعیل حقی بروسوی (10 / 269) و محمدعلی خالدی (6 / 813) این حدیث را صحیح دانسته اند و آلوسی آن را مشهور دانسته است (29 / 157). ابن جوزی (الموضوعات، 1 / 390 - 392) این حدیث را فقط از اصبع بن نباته نقل کرده است و آن را - که به گفته نوه اش، کسانی به جز اصبع بن نباته نیز آن را گزارش کرده اند (سبط ابن جوزی، 284) - جعلی دانسته است. ابن تیمیه نیز این حدیث را دروغ و ساختگی خوانده و مدعی شده است که ائمه اهل تفسیر، آن را در کتابهایشان نیاورده اند و در تأیید ادعایش گفته که به اتفاق اهل تفسیر، این سوره در مکه نازل شده است، در حالی که علی و

فاطمه علیها السلام در مدینه ازدواج کرده و حسن و حسین علیهما السلام در آنجا به دنیا آمده اند (ابن تیمیه، 4 / 20). اما سخن ابن تیمیه درست نیست، زیرا این حدیث با سندهای متعدد و در کتابهای گوناگون حکایت شده است که برخی از مؤلفان آن، متقدم تر از ابن تیمیه اند.

درباره مکان نزول، بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت این سوره را مدنی دانسته (ر.ک: طبری، 29 / 251؛ زمخشری، 4 / 665؛ سیوطی، 6 / 297) و حتی برخی در این باره ادعای اجماع کرده اند (حجازی، 3 / 792) و برخی مفسران، مدنی بودن آن را صحیح تر دانسته اند (زحیلی، 29 / 280).

درباره شأن نزول آیات مذکور، احادیث دیگری نیز گزارش شده است، مانند روایت ابن عساکر از مجاهد، مبنی بر نزول سوره درباره انفاق تعدادی از صحابه به اسیران بدر (قرطبی، 19 / 130؛ سیوطی، 6 / 298 - 299) یا روایاتی درباره وفای به نذر برخی از انصار (مقاتل بن سلیمان، 4 / 252؛ ابن جوزی، زادالمسیر، 8 / 145؛ قرطبی، 19 / 130). اما به باور بعضی محققان، این گونه روایات، به سبب مرسله بودن و نیز منفرد بودن برخی از آنها (مانند روایت مجاهد)، ناشناخته بودن روایان (ر.ک: آلوسی، 29 / 155)، یا دروغگو بودن برخی روایان، مانند مقاتل (ر.ک: مزی، 28 / 445) ضعیف هستند. از این گذشته، برخی از این شأن نزولها، مانند انفاق به اسیران مشرک (ابن کثیر، 4 / 485)، با شأن نزول مشهور جمع شدنی است.

4. آیه تطهیر

یکی دیگر از آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم السلام، از جمله فاطمه علیها السلام، نازل شده، آیه 33 سوره احزاب است که به آیه تطهیر معروف است (کوفی، 1 / 132؛ صدوق، النخصال، 561). خدای متعال در این آیه می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (همانا خدا می خواهد از شما اهل بیت هر گونه

پلیدی را دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.) این آیه روشن ترین آیه ای است که برای عصمت اهل بیت علیهم السلام به آن استناد شده است (مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

درباره شأن نزول این آیه، در تعدادی از منابع شیعه (خزاز قمی، 66؛ طبرسی، الاحتجاج، 1/ 215؛ مجلسی، 25/ 213) و اهل سنت (طبری، 22/ 9-10؛ حاکم نیشابوری، 3/ 148؛ سیوطی، 5/ 198) آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را فراخواند و عبای خویش را بر آنان انداخت و دستهای خود را بلند کرد و گفت: «خدایا اینها خاندان من هستند.» حتی ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، خواست به آنان ملحق شود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت (طبری، 22/ 11؛ حاکم حسکانی، 2/ 85؛ سیوطی، 5/ 198). در منابع اهل سنت، این شأن نزول، با الفاظ مختلف، از خود اهل بیت علیهم السلام همچون پیامبر صلی الله علیه و آله (طبری، 22/ 9-10)، علی بن ابی طالب علیه السلام (هیشمی، 9/ 169)، فاطمه علیها السلام (حاکم حسکانی، 2/ 84)، حسن بن علی علیهما السلام (ابن ابی حاتم، تفسیر، 9/ 3132؛ حاکم حسکانی، 2/ 30)، علی بن حسین علیهما السلام (ابن کثیر، 3/ 495)، و بسیاری از صحابه همچون ابن عباس (مراغی، 22/ 7)، انس بن مالک (ر.ک: طبری، 22/ 9)، ابوسعید خدری (ابن مردویه اصفهانی، 304؛ هیشمی، 9/ 169)، ابوداود (ابن عساکر، 4/ 290)، ابوهریره (ابن کثیر، 3/ 492-493)، انس بن مالک (حاکم حسکانی، 2/ 18)، صفیه (حاکم نیشابوری، 3/ 148)، ام سلمه ابن ابی حاتم، تفسیر، 9/ 3132-3133) و زینب (ام المؤمنین) (جوینی، 2/ 19) نقل شده است. حاکم نیشابوری نیز این حدیث را صحیح دانسته (3/ 148) و حاکم حسکانی آن را با سندهای متعدد، در ضمن 138 حدیث، آورده است (ر.ک: 2/ 18-139). فخر رازی (8/ 247) و نیشابوری (2/ 178) ادعا کرده اند که اهل تفسیر و حدیث بر صحت این حدیث اتفاق دارند. علمای شیعه نیز احادیث بسیاری در این باره گزارش کرده اند (ر.ک: عیاشی، 1/ 250؛ کلینی، 1/ 287؛ صدوق، الخصال، 403؛ فیض کاشانی، تفسیر، 4/ 187)،

که مجموعه این روایات، از طریق پنجاه تن از صحابه و سیزده تن از تابعین و امامان علیهم السلام و فاطمه علیها السلام جمع آوری شده است (ر.ک: موحد ابطحی، 79 - 400).

گذشته از شأن نزول، آیه تطهیر در میان مجموعه ای از آیات واقع شده که همگی درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است و تمام ضمائر آیات قبل و بعد از آیه تطهیر مؤنث است، اما همه ضمائری که در آیه تطهیر به کار رفته، مذکر است، چون بیشتر اصحاب کساء مرد بودند. از این رو، گفته شده که آیه تطهیر (احزاب، 33) مانند جمله معترضه ای است که در میان مجموعه آیات راجع به پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته است (ر.ک: مکارم شیرازی، 17 / 293 - 295)؛ لحن آیات قبل و بعد از آن، سرزنش آمیز و تهدید کننده، اما لحن آیه تطهیر، مژده و ستایش است.

با توجه به مجموعه دلایل و قراین (شأن نزول و سیاق آیه)، علمای شیعه (ر.ک: طوسی، التبیان، 8 / 340 - 341؛ طبرسی، مجمع البیان، 8 / 157؛ مغنیه، 6 / 216 - 217؛ طباطبائی، 16 / 309 - 310) و نیز بسیاری از علمای اهل سنت (ترمذی، 5 / 328؛ ابن مردویه اصفهانی، 301؛ ثعلبی، 8 / 39 - 40)، آیه تطهیر را منحصر به اصحاب کساء دانسته اند و حتی ابوبکر حضرمی، آن را نظر جمهور علما و بزرگان امت خوانده است (ر.ک: ثعلبی، 8 / 37 - 41 «پانوشت»).

از این رو، به نظر این مفسران، دیدگاه کسانی که آیه تطهیر را شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند (ر.ک: بغوی، 3 / 637؛ قرطبی، 14 / 182 - 183؛ ثعالبی، 4 / 346؛ زحیلی، 22 / 14)، مردود است. هرچند در این باره از طریق عکرمه از ابن عباس، و نیز از خود عکرمه روایتی نقل شده که آیه تطهیر در خصوص زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است (سیوطی، 5 / 198؛ شوکانی، 4 / 279). در دایرةالمعارف قرآنی لیدن نیز مک اولیف جین دمن، در مقاله فاطمه، روایت عکرمه را درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، از برخی منابع اهل سنت (ابن جوزی، زادالمسیر، 6 / 198) گزارش کرده است (جین دمن، 2 / 192 - 193).

درباره شخصیت عکرمه دو احتمال مطرح شده است: اول اینکه او کذاب و متهم به هواداری از خوارج بوده و بر ابن عباس دروغ می بسته است (ر.ک: مزى، 20 / 280 - 282؛ ذهبى، میزان الاعتدال، 3 / 93 - 95؛ ابن حجر عسقلانى، 7 / 235 - 239)؛ دوم اینکه وی شاگرد خاص ابن عباس بوده که خود از دوستان اهل بیت علیهم السلام است و مخالفان، مطالبی مثل روایت اخیر را به دروغ به عکرمه نسبت داده اند (ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون، 1 / 348 - 362). در هر صورت، این روایت عکرمه معتبر نیست. روایات دیگری نیز با مضمون روایت عکرمه، از اشخاصی مانند عروة بن زبیر (سیوطی، 5 / 198) و سعید بن جبیر (واحدی، 239 - 240)، و مقاتل بن سلیمان (3 / 489)، نقل شده است که به نظر برخی از محققان اهل سنت، ضعیف و بی اعتبارند (ر.ک: ابن ابی الحدید، 4 / 63 - 69، مزى، 28 / 437 - 450).

5. آیه مودت

بر اساس احادیث متعددی که در تفاسیر شیعه (ر.ک: ابوالفتوح رازی، 17 / 122؛ بحرانی، 4 / 815)، از اهل بیت علیهم السلام (از جمله امام حسن مجتبی، امام باقر و امام صادق علیهم السلام) و نیز از صحابه و تابعین، همچون جابر بن عبدالله (ابونعیم اصفهانی، 3 / 210) و سعید بن جبیر از ابن عباس (ر.ک: حاکم حسکانی، 2 / 191 - 193، 196 - 197؛ سیوطی، 6 / 7؛ ابو السعود، 8 / 30) نقل شده، آیه 23 سوره شوری «قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى» در خصوص حضرت فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

بنا بر گزارشهایی از ابن عباس، گروهی از انصار خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: «اموال ما، در اختیار شماست، هر اندازه که خواستید، بدون هیچ زحمتی، بر گیرید.» آیه مذکور نازل شد که پیامبر صلی الله علیه و آله به انصار بگوید: «از شما مزدی برای رسالت

نمی‌خواهم جز دوستی خویشاوندانم» (فرات کوفی، 391؛ واحدی، 251؛ مجلسی، 23 / 248). در بسیاری از احادیث اهل سنت، در بیان مصداق آیه، آمده است که وقتی آیه 23 سوره شوری نازل شد، مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: «خویشاوندان تو چه کسانی هستند که مودتشان بر امت واجب شده است؟» و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی، فاطمه و دو پسر آنها» (کوفی، 1 / 117؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 3 / 47؛ 11 / 351؛ زمخشری، 4 / 220؛ ابن بطریق، 47؛ فخر رازی، 27 / 595). حاکم حسکانی این حدیث را با هشت سند آورده است (ر.ک: 2 / 191 - 198). احمد بن حنبل (2 / 699)، ابن ابی حاتم (تفسیر، 10 / 3276) و طبرانی (المعجم الکبیر، 3 / 47) نیز این حدیث را نقل کرده‌اند. در برخی احادیث، از ابن عباس نقل شده که این آیه مربوط به محیط مکه است که با نزول آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ» (سبأ، 27) نسخ شده است (سیوطی، 6 / 6)، ولی بسیاری از علمای اهل سنت، این سخن را تضعیف کرده‌اند، از جمله ثعلبی (8 / 313)، بغوی (4 / 144 - 125)، ابن جوزی (زادالمسیر، 7 / 78 - 80) و شنیطی (7 / 71).

جری و تطبیق آیات بر فاطمه علیها السلام

آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که بنا بر برخی احادیث، فاطمه علیها السلام یکی از مصادیق یا بارزترین مصداق آنهاست. در حالی که مطالب آیات، منحصر به ایشان نیست.

1. آیات 38 و 39 سوره عبس «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ * ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ»، که بیانگر حال گروهی از مردم در رستاخیز است که رخسارشان درخشان است و شادمان و خندان‌اند. حاکم حسکانی از قول انس بن مالک نقل کرده است که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره این آیه پرسیدم و ایشان در پاسخ، مراد از آن را فرزندان عبدالمطلب، یعنی خود ایشان، علی، حمزه، جعفر، حسن، حسین و فاطمه علیهم السلام،

ذکر کرد که از قبرهایشان بیرون می آیند و نور چهره هایشان چون آفتاب تابناک است (2 / 423).

. درباره آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (فاتحه، 6) نیز در احادیث متعددی آمده که مقصود از راه مستقیم، محبت اهل بیت علیهم السلام و راه محمد صلی الله علیه و آله و خاندان اوست (ابن مردویه اصفهانی، 221؛ حاکم حسکانی، 1 / 75؛ ابن شهر آشوب، 2 / 271). حاکم حسکانی در حدیثی، با ذکر اسناد، از جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که خدا، علی و همسر و فرزندانش را حجت‌های الهی برای مردم قرار داده است و در امت من، آنان درهای علم هستند، هر کس به وسیله آنان هدایت شود، به راه مستقیم هدایت شده است (1 / 76). قندوزی نیز مشابه این حدیث را گزارش کرده است (1 / 63).

. در خصوص آیه 47 سوره حجر «إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»، در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که مقصود، علی، حسن، حسین، فاطمه، عقیل و جعفر در بهشت اند. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «آن چنان رویه روی هم هستید که به پشت سر یکدیگر نمی نگرید» (طبرانی، المعجم الاوسط، 7 / 343؛ ابن مردویه اصفهانی، 271؛ مجلسی، 36 / 72).

4. در مورد آیه 36 سوره نور «فِي نُيُوتٍ أَدْنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا سَمُّهُ»، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت شده که مقصود، خانه های پیامبران علیهم السلام است و در پاسخ به این پرسش که «آیا خانه علی و فاطمه علیهما السلام هم از آنهاست؟» فرمود: «خانه آن دو از برترین آنهاست» (فرات کوفی، 286 - 287؛ ابن مردویه اصفهانی، 284؛ حاکم حسکانی، 1 / 533).

5. درباره آیه «وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (لیل، 3) - که در آن به آفریننده نر و ماده سوگند یاد شده - از امام باقر علیه السلام نقل شده که مذکر، امیر المؤمنین علیه السلام است و مؤنث، فاطمه علیها السلام است (ابن شهر آشوب، 3 / 102؛ مجلسی، 43 / 32). درباره سوگند در

آیه «وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ (3)» (فجر، 3)، از امام صادق علیه السلام روایت شده است که مقصود از شفع (زوج)، امیر المؤمنین و فاطمه علیهما السلام هستند (کفعمی، 343؛ حسینی استرآبادی، 2/ 792؛ مجلسی، 24/ 78). البته روشن است که زوج و مؤنث منحصر به علی و فاطمه علیهما السلام نیست، اما هنگامی که خدا می خواهد به زوج و مذکر و مؤنث سوگند یاد کند، به مصداق مهم آنها سوگند یاد می کند و علی و فاطمه علیها السلام از مهم ترین مصداق آنها هستند.

درباره آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره، 31)، از امام صادق علیها السلام روایت شده که مقصود، نام محمد صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام است (تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، 217؛ فرات کوفی، 56؛ مجلسی، 11/ 117). البته مفسران درباره نامهایی که خدا به آدم علیه السلام آموزش داد، تفاسیر متعددی دارند (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، 1/ 152؛ طباطبائی، 1/ 116 - 120؛ مکارم شیرازی، 1/ 176)، اما با توجه به واژه «کُلَّهَا»، می توان گفت که خدا نامهای همه موجودات را به آدم علیه السلام آموزش داد، که از جمله آنها نامهای پنج تن علیهم السلام است، اما چون نام آنان از مصداق مهم نامها بوده و اهمیت ویژه ای داشته، در این حدیث ذکر شده است.

6. در ذیل آیه «فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره، 37)، از ابن عباس روایتی آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره «کلمات» فرمود: «آدم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین از خدا درخواست کرد که توبه اش را بپذیرد و خدا توبه اش را پذیرفت» (صدوق، الخصال، 270؛ مجلسی، 11/ 176). همین مضمون از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است (مغربی، 3/ 6؛ صدوق، کمال الدین، 358 - 359؛ همو، معانی الاخبار، 126).

7. منابع حدیثی و تفسیری شیعه و اهل سنت درباره آیه «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ

مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم، 24) گزارش کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من شجره ام و فاطمه فرع آن است» (حاکم نیشابوری، 3 / 160؛ مفید، 245؛ طوسی، الامالی، 19). از امام باقر علیه السلام حکایت شده که آن شجره، محمد صلی الله علیه و آله است و فرع آن علی امیر المؤمنین علیه السلام و نتیجه آن حسن و حسین علیهما السلام و شاخه آن فاطمه علیها السلام است (حاکم حسکانی، 1 / 406 - 407).

تأویل آیات به فاطمه علیها السلام

تأویل آیه، رهیافتی به باطن آیه است که به قرینه نقلی، همچون حدیث معصوم، حاصل می شود (طباطبائی، 3 / 74؛ نصیری، 60). در تأویل، ظاهر و باطن آیه، هر دو، به قوت خود باقی است و همدیگر را نفی نمی کنند، چرا که مربوط به ساحتها و لایه های گوناگون قرآن کریم هستند. اندیشمندان و مفسران قرآن، آیات متعددی را برشمرده اند که به حضرت فاطمه علیها السلام تأویل می شوند.

1. آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان، 3). کلینی این روایت را نقل کرده است که شخصی از ابوالحسن علیه السلام درباره معنای باطنی این آیه پرسید و حضرت علیها السلام پاسخ داد: «مقصود از شب مبارک، فاطمه است» (479 / 1؛ ر.ک: حسینی استرآبادی، 2 / 573؛ مجلسی، 24 / 319 - 320).

2. آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِثْلِهَا فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» (نور، 35) نیز به فاطمه علیها السلام تأویل شده است. در احادیث شیعه و اهل سنت، گزارش شده که مقصود از «مشکاة»، فاطمه علیها السلام است و «مصباح» امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند (بحرانی، 4 / 67). این حدیث را علوی حضرمی از علی بن جعفر از ابوالحسن (64)، و نیز سمهودی (244) و ابن مغزلی (377 - 378) نقل کرده اند. البته در برخی منابع،

اضافه شده که فاطمه علیها السلام همچون «کوکب درّی» در بین زنان جهان است و مقصود از درخت مبارک، ابراهیم است (مجلسی، 23 / 316؛ علوی حصرمی، 64). این گونه احادیث، به باطن آیه اشاره دارند، که با توجه به احادیثی که می فرماید: «خداوند اهل بیت علیهم السلام را از نور عظمت و جلال خود آفرید» (ر.ک: کلینی، 1 / 440؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 2 / 337؛ مجلسی، 25 / 17)، معنا می شوند. بنابراین، آیه مذکور بدین معناست که آل محمد صلی الله علیه و آله، از جمله فاطمه علیها السلام، پرتوی از نور الهی اند و فاطمه علیها السلام همچون چراغدانی است که در آن چراغی نورانی هست که اطراف آن را حبابی همچون ستاره درخشان فراگرفته است.

3. ظاهر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» (نحل، 90) درباره دادگری، نیکوکاری و صله رحم است، ولی برخی از مفسران شیعه از امام باقر علیه السلام نقل کرده اند که مقصود از «عدل» پیامبر صلی الله علیه و آله و «احسان» علی علیه السلام و «وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ» فاطمه علیها السلام است (فرات کوفی، 236؛ مجلسی، 24 / 190). این مطلب، نوعی تأویل آیه و رهیافتی به باطن است، هرچند که ظاهر آیه به عنوان دستور الهی به قوت خود باقی است، اما با کمک احادیث، در معنای آیه توسعه داده می شود، به طوری که شامل عدل مجسم و احسان مجسم شود. بنابراین، گرچه صله رحم و محبت به همه خویشاوندان لازم است، ولی چون فاطمه علیها السلام نزدیک ترین خویشاوند به پیامبر صلی الله علیه و آله است، همه امت موظف به نیکی و محبت به وی و به جا آوردن صله رحم در خصوص او هستند.

4. ظاهر آیه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ» (بقره، 238) نیز مواظبت بر نمازهای روزانه است، ولی در روایتی از امام صادق علیه السلام گزارش شده است که مقصود از نمازها در این آیه، پیامبر و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

هستند و مقصود از نماز وسط، أمير المؤمنين عليه السلام است (عیاشی، 1 / 128؛ حویزی، 1 / 238). با توجه به این روایت، آیه تأویل، و باطن آن روشن می گردد. بنابراین، می توان گفت که نماز وسیله ارتباط با خداست که مصادیق متعددی دارد؛ یکی نمازهای روزانه است که باید مواظب باشیم ترک نشود و یکی هم پیامبر و فاطمه و ائمه علیهم السلام هستند که لازم است بر ولایت آنان مواظبت کنیم و از رهنمودهای آنان و با شفاعت و توسل به آنان، برای پیوند با خدا استفاده کنیم.

منابع

آلوسی، سید محمود (م. 1270 ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (م. 327 ق.)، الجرح و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1371 ق؛ همو، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)، تحقیق اسعد محمد الطیب، الرياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، 1419 ق؛ ابن ابی شیبة کوفی، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف فی الاحادیث و الآثار، تحقیق سعید لحام، بیروت، دار الفکر، 1409 ق؛ ابن بطریق، یحیی بن حسن (م. 600 ق.)، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم، نشر اسلامی، 1407 ق؛ ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (م. 728 ق.)، منهاج السنة النبویہ، تحقیق محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، 1406 ق؛ ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (م. 597 ق.)، زادالمسیر فی علم التفسیر، تحقیق محمد بن عبدالرحمن، بیروت، دار الفکر، 1407 ق؛ همو، الموضوعات، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، المدینة المنورة، المكتبة السلفية، 1386 ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، تهذیب التهذیب، بیروت، دارالفکر، 1404 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن عساکر، علی بن حسن (م. 571 ق.)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، 1415 ق؛ ابن عطیة اندلسی، عبد الحق بن غالب (م. 546 ق.)، المحرر الوجیز فی

تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبدالسلام محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1422 ق؛ ابن فارس، احمد بن فارس (م. 395 ق.)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، 1404 ق؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق؛ ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى (م. 410 ق.)، مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين، قم، انتشارات دار الحديث، 1424 ق؛ ابن مغزلي، علي بن محمد (م. 483 ق.)، مناقب اهل البيت عليهم السلام، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، مجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية، 1427 ق؛ ابو السعود، محمد بن محمد عمادى (م. 951 ق.)، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم (تفسير ابي السعود)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ ابوالفتوح رازي، حسين بن علي (م. 554 ق.)، روض الجنان وروح الجنان في تفسير القرآن، تحقيق ياحقى، ناصح، مشهد، آستان قدس رضوى، 1375 ش؛ ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله (م. 430 ق.)، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، بيروت، دار الكتاب العربي، 1987 م؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، فضائل الصحابة، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1983 م؛ انصارى زنجاني، اسماعيل، فاطمه عليها السلام در آئينه كتاب، قم، انتشارات دليل ما، 1380 ش؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، 1416 ق؛ بغوي، حسين بن مسعود (م. 510 ق.)، معالم التنزيل (تفسير بغوي)، تحقيق عبدالرزاق مهدي بيروت، دار احياء التراث العربي، 1420 ق؛ بلاغي، سيدعبدالحجة، حجة التفاسير و بلاغ الاكسير، قم، انتشارات حكمت، 1386 ق؛ بيضاوى، عبدالله بن عمر (م. 685 ق.)، انوار التنزيل و اسرار التأويل (تفسير بيضاوى)، تحقيق محمد عبدالرحمن مرعشلى بيروت، دار احياء التراث العربي، 1418 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبد اللطيف، بيروت، دارالفكر، 1403 ق؛ تفسير منسوب به امام عسكري عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكري عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد (م. 875 ق.)، الجواهر الحسان في

تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)، تحقيق عبدالفتاح، علي محمد، عادل احمد، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1418 ق؛ ثعلبي، احمد بن محمد (م. 427 ق.)، الكشف و البيان في تفسير القرآن (تفسير ثعلبي)، تحقيق ابن عاشور، ساعدى، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1422 ق؛ جصاص، احمد بن علي (م. 370 ق.) احكام القرآن، تحقيق عبدالسلام محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ جوهرى، اسماعيل بن حماد (م. 393 ق.)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق احمد عبدالغفور عطار، بيروت، دار العلم للملايين، 1407 ق؛ جوينى، ابراهيم بن محمد خراسانى (م. 730 ق.)، فرائد السمطين، تحقيق محمدباقر محمودى، بيروت، 1398 ق؛ جين دمن، مك اوليف، فاطمه عليها السلام، دايرة المعارف قرآن (اليدن) (Encyclopedia of the quran)، حاكم حسكاني، عبيد الله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمدباقر محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1411 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ حجازى، محمد محمود، التفسير الواضح، بيروت، دار الجيل، 1413 ق؛ حسيني استر آبادى، سيد شرف الدين على (م. 965 ق.)، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ حقى بروسوى، اسماعيل (م. 1137 ق.)، تفسير روح البيان، بيروت، دار الفكر؛ حويزى، عبدعلى بن جمعه (م. 1112 ق.)، تفسير نورالثقلين، تحقيق سيدهاشم رسولى محلاتى، قم، انتشارات اسماعيليان، 1412 ق؛ خالدى، محمدعلى، صفوة العرفان في تفسير القرآن، تهران، نشر احسان، 1385 ش؛ خزاز قمى، على بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبد اللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ دروزه، محمد عزة (م. 1404 ق.)، التفسير الحديث (ترتيب السور حسب النزول)، القاهرة، دار احياء الكتب العربية، 1383 ق؛ ذهبى، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، المغني في الضفعا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1977 م؛ همو، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دار المعرفة؛ راغب

اصفهانى، حسين بن محمد (م. 502 ق.)، مفردات الفاظ القرآن، نشر الكتاب، 1404 ق؛ رشيد رضا، محمد (م. 1354 ق.)، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، بيروت، دار المعرفة، 1414 ق؛ زحيلي، وهبة بن مصطفى، تفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دمشق، دار الفكر المعاصر، 1418 ق؛ زمخشري، محمود بن عمر (م. 538 ق.)، الكشاف، بيروت، دار الكتاب العربي، 1407 ق؛ سبزواري، سيد عبدالاعلى (م. 1414 ق.)، مواهب الرحمن في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة اهل البيت عليهم السلام 1409 ق؛ سبط ابن جوزي، يوسف بن حسام (م. 654 ق.)، تذكرة الخواص، بيروت، مؤسسة اهل البيت عليهم السلام، 1410 ق؛ سمهودي، على بن احمد (م. 911 ق.)، جواهر العقدين في فضل الشرفين، بيروت، دارالكتب العلمية، 1995 م؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، 1404 ق؛ مقاتل بن سليمان (م. 150 ق.)، تفسير مقاتل بن سليمان، عبدالله محمود شحاته، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1423 ق؛ شنقيطى، محمد امين (م. 1393 ق.)، اضواء البيان في ايضاح القرآن بالقرآن، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ شوكانى، محمد بن على (م. 1250 ق.)، فتح القدير، عالم الكتب؛ صادقى تهرانى، محمد (م. 1390 ش.)، الفرقان في تفسير القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامى، 1365 ش؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1404 ق؛ همو، كمال الدين و تمام النعمه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1405 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ طباطبائى، سيد محمد حسين (م. 1402 ق.)، الميزان في تفسير القرآن، قم، نشر اسلامى، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الاوسط، دار الحرمين، 1415 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق عده اى از محققين،

بيروت، مؤسسة الأعلمی، 1415 ق؛ طبری، محمد بن جریر (م. 310 ق.)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق صدقی جمیل عطار، بیروت، دار الفکر، 1415 ق؛ طوسی، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، 1409 ق؛ علوی حضرمی، سیدابی بکر بن شهاب الدین (م. 1303 ق.)، رشفة الصادی من بحر فضائل بن النبی الهادی، تحقیق علی عاشور، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1418 ق؛ عیاشی، محمد بن مسعود (م. 320 ق.)، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیة؛ فخر رازی، محمد بن عمر (م. 606 ق.)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1420 ق؛ فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (م. 307 ق.)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1410 ق؛ فیض کاشانی، محسن (م. 1091 ق.)، الوافی، تحقیق ضیاء الدین حسینی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، 1406 ق؛ همو، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، مکتبة الصدر، 1416 ق؛ قرطبی، محمد بن احمد (م. 671 ق.)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1405 ق؛ قمی، علی بن ابراهیم (م. 307 ق.)، تفسیر القمی، تحقیق سیدطیب موسوی جزائری، قم، دار الکتب، 1404 ق؛ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (م. 1294 ق.)، ینابیع المودة لذوی القربی، تحقیق سیدعلی جمال اشرف حسینی، دارالاسوة، 1416 ق؛ کفعمی، ابراهیم بن علی (م. 905 ق.)، المصباح، بیروت، مؤسسة الاعلمی، 1403 ق؛ کلینی، محمد بن یعقوب (م. 329 ق.)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1363 ش؛ کوفی، محمد بن سلیمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1412 ق؛ مؤید، علی حیدر، فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام فی الذکر الحکیم، المکتبة الحیدریة، 1380 ق؛ مجاهد، مجاهد بن جبر (م. 102 ق.)، تفسیر مجاهد، تحقیق عبدالرحمن سورتی، اسلام آباد، مجمع البحوث الاسلامیة؛ مجلسی، محمدباقر

(م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مراغى، احمد بن مصطفى (م. 1371 ق.)، تفسير المراغى، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ مرعشى نجفى، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى؛ مزى، جمال الدين يوسف (م. 742 ق.)، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، تحقيق بشار عواد، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1406 ق؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مشهدى، محمد بن محمدرضا (م. 1125 ق.)، تفسير كنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، 1368 ش؛ مصطفوى، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، 1360 ش؛ معرفت، محمدهادى (م. 1385 ش.)، التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، مشهد، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامية، 1418 ق؛ همو، التمهيد في علوم القرآن، قم، نشر اسلامى، 1411 ق؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق سيدمحمد حسينى جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مغنيه، محمدجواد (م. 1400 ق.)، التفسير الكاشف، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1424 ق؛ مفيد، محمدبن محمد (م. 413 ق.)، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكبر غفارى، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ مكارم شيرازى، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1374 ش؛ موحد ابطحى، سيدعلى، آية التطهير فى احاديث الفرقين، قم، 1405 ق؛ نصيرى، على، تأويل از نگاه تحقيق، بينات (فصلنامه)، قم، مؤسسه معارف اسلامى امام رضا عليه السلام، ش 18، 1377 ش؛ نيشابورى، حسن بن محمد (م. 728 ق.)، تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقيق زكريا عميرات، بيروت، دارالكتب العلمية، 1416 ق؛ واحدى، على بن احمد (م. 468 ق.)، اسباب النزول، القاهرة، مؤسسة الحلبي، 1388 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1408 ق.

محمدعلى رضايى اصفهانى

جایگاه و فضیلت‌های فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله.

دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اشخاص، از آن نظر اهمیت دارد که گفتار و سیره آن حضرت صلی الله علیه و آله معیار حق و باطل و درستی و نادرستی افراد و اندیشه هاست. در منابع روایی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص امامان معصوم علیهم السلام احادیث بسیاری نقل شده که گویای ابعاد شخصیتی آنان است. در این میان، فرمایشها و دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا برخی تعابیر و رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص فاطمه زهرا علیها السلام، در مورد شخص دیگری به کار نرفته است. این رفتار خاص، از محبت پدرانه یا شفقت نسبی و فطری فراتر است، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرزندان دیگری نیز داشت، ولی با آنان این گونه برخورد نکرد. نوع نگرش رسول خدا صلی الله علیه و آله به جایگاه و شخصیت فاطمه علیها السلام به گونه ای بیان شده است که در قالب اظهار محبت و دوستی متقابل والدین و فرزندان نمی گنجد (ر.ک: ابن ابی الحدید، 9 / 193). شواهد نشان می دهد در رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله با فاطمه علیها السلام حکمتی وجود داشته است که مسلمانان به خوبی آن را درک می کردند و در تاریخ، صحابه بارها آن را روایت کرده اند احمد بن حنبل، 5 / 275؛ حاکم نیشابوری، 3 / 154؛ ر.ک: ابن عبدالبر، 4 / 1894 - 1897). عمرین خطاب گفته است که هرگز کسی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله محبوب تر از فاطمه علیها السلام ندیدم (حاکم نیشابوری، 3 / 155). از امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و حذیفه بن یمان نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی خوابید مگر اینکه بر صورت و بین سینه فاطمه علیها السلام بوسه می زد (ابن شهر آشوب، 3 / 114؛ اربلی، 2 / 95؛ مرعشی نجفی، 10 / 185).

نحوه نگرش رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام در منابع تاریخی و حدیثی متقدم شیعه و اهل سنت بیان شده است. از قرن چهارم درباره فضایل، شخصیت و زندگی حضرت فاطمه علیها السلام کتابهای مستقلی نوشته شده است، از جمله فضایل سیده النساء، عمر بن شاهین، در بین اهل سنت؛ و اخبار فاطمه علیها السلام، ابوعلی صولی، عالم شیعی (ر.ک: نجاشی، 84؛ طوسی، الفهرست، 78). در قرن حاضر، درباره جایگاه و فضیلت فاطمه علیها السلام از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله کتابهایی نوشته شده است که برخی از آنها عبارت اند از: مناقب و مصائب حضرت زهرا علیها السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، ام نرجس؛ بانوی مینوی، سید محمدصادق موسوی گرمارودی؛ پرتوی از فضایل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در کلام معصومین علیهم السلام، میر علی محمدنژاد؛ سیره و سیمای ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله، علیرضا کرمی؛ فاطمة الزهراء علیها السلام الحوراء الانسیه، ضیاء جواهری؛ و صحیفه الزهراء علیها السلام، اسعد عبود. مقاله «ابعاد شخصیت فاطمه زهرا علیها السلام از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»، نعمت الله یوسفیان نیز در این باره است.

فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله

دسته ای از گزارشها از چنان موقعیت و جایگاه والایی برای فاطمه علیها السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حکایت می کند که کسی را یارای وصول به آن جایگاه نیست. این مهم در گفتار و رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله انعکاس یافته است.

بنا بر منابع معتبر شیعه و اهل سنت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندش را با کنیه «أُمُّ أَبِیْهَا» (مادر پدر) خطاب می کرد (ابوالفرج اصفهانی، 29؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 397؛ ابن اثیر جزری، 5 / 520؛ مزی، 35 / 247). اعطای این کنیه، از شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و چگونگی رفتار او با پدرش حکایت دارد (عاملی، 1 / 60).

منابع معتبر شیعه و اهل سنت در روایتی صحیح نقل کرده اند که بارها

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را پاره تن خود (فَاطِمَةُ بَضْعَةً مِنِّي) خطاب کرده است (بخاری، 210 / 4؛ مسلم نیشابوری، 141 / 7؛ صدوق، الامالی، 575؛ حاکم نیشابوری، 159 / 3).

محدثان متقدم شیعه و اهل سنت گزارش کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته جمله «اللَّهُمَّ إِنِّي وَ أُنَا مِنْهَا» (خداوندا او از من است و من از اویم) را در مورد فاطمه علیها السلام به کار می برد (طبرانی، الاحادیث الطوال، 140؛ هیثمی، 208 / 9؛ مجلسی، 43 / 122). از فاطمه علیها السلام روایت شده است زمانی که آیه 63 سوره نور نازل شد و در آن خداوند از مؤمنان خواسته بود آن گونه که همدیگر را خطاب می کنید، رسول خدا صلی الله علیه و آله را خطاب نکنید، ترسیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را پدر بخوانم، لذا او را «یا رسول الله» صدا کردم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که این آیه در مورد تو و دودمانت نازل نشده است، تو از من هستی و من از تو هستم (ابن مغزلی، 427؛ مرندی، 27). همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها درباره فاطمه علیها السلام می گفت: «فِداها ابوها» (پدرش فدایش باد) (صدوق، الامالی، 305؛ فتال نیشابوری، 444؛ ابن شهر آشوب، 3 / 121) و «فِداک أبوک» (پدرت فدای تو باد) (ابن شهر آشوب، 3 / 132؛ مجلسی، 43 / 117، 139، 142، 302).

آن حضرت صلی الله علیه و آله مکرر فاطمه علیها السلام را «حَبِيبَةَ أَبِيهَا» (محبوبه پدرش) (طبری امامی، 69) خطاب می کرد. مورخان و محدثان، نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در بستر بیماری، خطاب به فاطمه علیها السلام گفت: «حَبِيبَتِي فَاطِمَةُ» (طبرانی، المعجم الاوسط، 6 / 327؛ خزاز قمی، 63؛ ابن اثیر جزری، 4 / 42، مقاله اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام). این جملات، به روشنی، رابطه مستحکم معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله را با فاطمه علیها السلام و حرمت و عظمت حضرت زهرا علیها السلام را نشان می دهد.

بنا بر گزارش ابن سعد، رسول خدا صلی الله علیه و آله دوری فاطمه علیها السلام را تحمل نمی کرد. پس از ازدواج امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، خانه فاطمه ای با خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله کمی فاصله

پیدا کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این اندک دوری نیز بی تاب شد، به گونه ای که حارثة بن نعمان، پس از احساس ناراحتی آن حضرت صلی الله علیه و آله، خانه خود را به آن حضرت صلی الله علیه و آله سپرد تا فاطمه علیها السلام در آن خانه، که نزدیک خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، ساکن شود (8 / 22، 166، مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

همچنین نقل شده است که هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به سفر می رفت، فاطمه علیها السلام آخرین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله از او خداحافظی می کرد و هرگاه از سفر باز می گشت، از نخستین شخصی که دیدار می کرد، فاطمه علیها السلام بود (احمد بن حنبل، 5 / 275؛ حاکم نیشابوری، 3 / 156؛ بیهقی، 1 / 26). بنا بر نقل عایشه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را می بوسید و می فرمود: «بوی بهشت را از او استشمام می کنم» (اربلی، 2 / 86 - 87 مجلسی، 8 / 190؛ مرعشی نجفی، 10 / 186). به گفته وی، هرگاه فاطمه علیها السلام در مجلس رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و به او خوشامد می گفت و او را می بوسید، و فاطمه علیها السلام نیز وقتی پدرش نزد او می آمد، این گونه رفتار می کرد (حاکم نیشابوری، 3 / 160).

علامه مجلسی بعد از نقل این گزارش از چند تن از صحابه، نوشته است که اگر فاطمه علیها السلام نزد خداوند ارزش والایی نداشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با او چنین رفتار نمی کرد، چرا که او فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و خداوند به فرزندان دستور داده است پدران خود را گرامی بدارند (43 / 40). بنابراین، محبت ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام، صرفاً محبت پدر به فرزند نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله خود بر جایگاه والا و مقام معنوی فاطمه علیها السلام تأکید نموده اند و در بیانی از ایشان آمده که خداوند قلب و جوارح و وجود دخترم فاطمه علیها السلام را از ایمان سرشار نموده و ایمان تا درون استخوانهای او نفوذ کرده است (ابن حمزه طوسی، 291؛ ابن شهر آشوب، 3 / 116).

ابن ابی الحدید تأکید کرده است که احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فراتر از گمان مردم و فراتر از محبت پدر به فرزند بود (9 / 193). آورده اند که امام علی علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «کدام یک از ما را بیشتر دوست داری؟» حضرت صلی الله علیه و آله پاسخ داد: «فاطمه نزد من از تو محبوب تر (أَحَبُّ) است و تو نزد من عزیز تر (أَعَزُّ) از فاطمه ای» (کوفی، 2 / 187، 212، 541؛ نسائی، 125؛ زرندی، 183 - 184).

تبیین شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام

گزارشهای تاریخی مؤید آن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به معرفی ابعاد وجودی حضرت فاطمه علیها السلام و تبیین شخصیت ایشان توجه داشته است. به فرموده ایشان، انعقاد نطفه فاطمه علیها السلام از میوه های بهشتی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیوسته حضرت زهرا علیها السلام را می بویید و می گفت که بوی بهشت را از او استشمام می کنم (صدوق، التوحید، 118؛ ابن شهر آشوب، 3 / 114؛ اربلی، 2 / 86 - 87). روایاتی وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را حوریه ای در سیمای آدیان خوانده است (طبری امامی، 146؛ سیوطی، 56). اهل بیت علیهم السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را دریافت کننده الهام و هم سخن فرشتگان خوانده اند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 80 - 81 / 152؛ مجلسی، 43 / 78).

نگاه ویژه رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام، از زمان تولد و نام گذاری او وجود داشته است. به روایت علمای شیعه و اهل سنت، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده وجه نام گذاری او به فاطمه علیها السلام، آن است که وی جداسازنده و بازدارنده ذریه و محبانش از آتش جهنم است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 178؛ همو، معانی الاخبار، 64؛ طبری امامی، 148؛ طبری، بشارة المصطفی، 198) و خداوند آتش جهنم را بر ذریه او حرام کرده است (حاکم نیشابوری، 3 / 152؛ ابن شهر آشوب، 3 / 107). در روایت امام صادق علیه السلام، فاطمه نامیدن او به سبب جدایی وی از بدیهاست (صدوق، الخصال، 414؛ همو، علل الشرایع، 1 / 178؛

فتال نیشابوری، 148). رسول خدا صلی الله علیه و آله القابی به او اعطا کرده که بیانگر صفات برجسته ظاهر و باطن آن حضرت علیها السلام است، القابی مانند صدیقه (مجلسی، 43 / 226)، بتول (صدوق، علل الشرایع، 1 / 181؛ طبری امامی، 150)، حوریه انسیه (طبری امامی، 150؛ مجلسی، 78 / 112)، و زهره (درخشنده) (طوسی، الامالی، 517؛ امینی، 3 / 18؛ مقاله اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام). در برخی روایات به تمایزهای فاطمه علیها السلام با دیگر زنان اشاره شده است. به بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام برخلاف دیگر زنان، عادت ماهیانه نمی شد. روایات پاکی فاطمه علیها السلام را شیعه و اهل سنت از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. اسماء بنت عمیس (طبری، ذخائر العقبی، 44؛ مجلسی، 43 / 7)، علی بن ابی طالب علیه السلام (طبری امامی، 146؛ ابن حاتم عاملی، 457) و عایشه (ابن شهر آشوب، 3 / 110) از ناقلان این حدیث اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله شخصیت فاطمه علیها السلام را فقط با افراد معدود و مشخصی در خور مقایسه دانسته است. از این منظر نیز جایگاه فاطمه علیها السلام شناخته می شود. در روایات بسیاری، شخصیت او در کنار همسرش علی علیه السلام جای گرفته و هم سنگ و همتای ایشان در نظر گرفته شده است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که اگر علی علیه السلام نبود، همتایی برای فاطمه علیها السلام یافت نمی شد (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 393؛ طبری، بشار المصطفی، 220). به نقل از منابع شیعه و اهل سنت، پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام از بی بدیل بودن فاطمه علیها السلام سخن گفته و شایستگی همسری فاطمه علیها السلام را یکی از فضایل علی علیه السلام خوانده است (زیدبن علی، 458؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 52؛ فتال نیشابوری، 128؛ ابن شهر آشوب، 3 / 55؛ زرندی، 1 / 113). گزارشهای دیگری در منابع شیعه و اهل سنت آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بهترین مرد و فاطمه علیهما السلام را بهترین زن مسلمان معرفی کرده (ابن شهر آشوب، 2 / 268؛ عاملی نباطی، 2 / 69؛ مجلسی، 38 / 9) و بر این ویژگی

علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، نزد فاطمه علیها السلام تأکید نموده و فرموده است: «همان گونه که تو سرور زنان هستی، تو را به همسری کسی در آوردم که سرور مردان در دو جهان است» (ابن شاهین، 25؛ طبری، ذخائر العقبی، 23). همین گونه، تعبیر مشابهی را درباره آن دو به کار برده و درباره فاطمه علیها السلام فرموده است: «اگر کسی فاطمه علیها السلام را خشمگین کند، من و خدا را خشمگین کرده است» (ابن شاذان قمی، 127؛ مجلسی، 116/27). با توجه به این حدیث و آیه 57 سوره احزاب - که آزاردهندگان خدا و رسول را در دنیا و آخرت لعنت کرده است - آزاردهندگان حضرت فاطمه علیها السلام نیز مشمول لعن خداوند خواهند بود. درباره علی علیه السلام نیز فرموده است که جز منافق کسی او را غضبناک نمی کند (ابن شاهین، 25). روایات دیگری وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام مشاهده غذای بهشتی نزد فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام را به مریم علیها السلام و علی علیه السلام را به زکریای پیامبر علیه السلام، در خوردن از غذاهای بهشتی، تشبیه کرد (کوفی، 1/204؛ ابن شاهین، 27).

رسول خدا صلی الله علیه و آله آفرینش فاطمه علیها السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام را از نور واحد دانسته است (اربلی، 1/86؛ حلی، المحتضر، 225؛ مجلسی، 131/27). آن حضرت صلی الله علیه و آله تعبیر مشابهی را در مورد ایشان و حسن و حسین علیهما السلام به کار برده و همان گونه که فاطمه علیها السلام را بهترین زنان عالم معرفی کرده، فرزندان او را بهترین جوانان عالم خوانده است (ترمذی، 321/5، 326؛ حاکم نیشابوری، 3/167؛ ر.ک: ابن بلبان فارسی، 15/211 - 413). ترمذی نقل کرده است که فرشته ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و به او بشارت داد که فاطمه سرور زنان بهشت است و دو فرزند او، حسن و حسین، سرور جوانان بهشت اند (ترمذی، 5/326). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر فرموده است: «فاطمه مایه شادمانی قلب من است و دو فرزندش، حسن و حسین، میوه دل من اند و همسرش نور

دیدگان من است» (ابن شاذان قمی، 76؛ ابن طاووس، 118؛ عاملی نباطی، 2/ 32). امام رضا علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «حسن و حسین پس از من و پدرشان، بهترین مردان روی زمین اند و مادرشان بهترین زنان اهل زمین است» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1/ 67؛ حلی، المحتضر، 165).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها در مکانها و موقعیتهای گوناگون، در حضور خاص و عام، فرموده است: «فاطمه سرور زنان جهان و همتای مریم، دختر عمران، است» (ابن ابی الحدید، 9/ 193؛ مقاله سیده نساء العالمین). رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در دسته ای دیگر از روایات، شخصیت آن بزرگوار را در کنار برخی زنان برگزیده، مانند خدیجه علیها السلام دختر خویلد، مریم علیها السلام دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، تبیین کرده است (احمد بن حنبل، 1/ 316؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 22/ 407؛ 23/ 7؛ ابن عساکر، 70/ 109؛ ابن کثیر، 2/ 72).

در روایات بسیاری آمده که حضرت مریم علیها السلام سرور زنان جهان در عصر خویش و حضرت فاطمه علیها السلام سرور زنان همه اعصار است (مغربی، 3/ 520؛ صدوق، الامالی، 575؛ همو، معانی الاخبار، 107؛ مجلسی، 14/ 206؛ 42/ 26، 78). به بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام بانوی زنان جهانیان از پیشینیان و آیندگان است. او در محراب خود می ایستاد و هفتاد هزار فرشته، همان گونه که با مریم علیها السلام سخن می گفتند (آل عمران، 42)، او را صدا می زدند و می گفتند: «همانا خداوند تو را برگزید و پاک ساخت و بر زنان جهانیان برتری داد» (صدوق، الامالی، 575؛ مجلسی، 43/ 24، 49). بنا بر گزارش منابع معتبر شیعه و اهل سنت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، او را سرور زنان دو عالم معرفی کرده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 4/ 179؛ همو، الامالی، 78؛ حاکم نیشابوری، 3/ 156). همچنین در بستر بیماری فرموده است:

«دخترم، هیچ زنی از زنان دنیا در مقام و منزلت تو نیست» (ابن ابی عاصم، 5/ 369 - 370؛ دولابی، 147؛ طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 418؛ هیشمی، 9 / 23). عایشه نیز راوی این حدیث بوده است (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 417 - 418؛ هیشمی، 9 / 23؛ مقاله سیده النساء العالمین).

احادیث دیگری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که از شخصیت و جایگاه بلند فاطمه علیها السلام در آخرت حکایت می کند (ر.ک: حاکم نیشابوری، 3 / 153). طبق نقل منابع شیعی، رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره ورود حضرت زهرا علیها السلام به بهشت فرموده است که در روز قیامت، دخترم فاطمه علیها السلام بر شتری از شتران بهشت سوار می شود، در حالی که جبرئیل مهار شتر را گرفته است و با صدای بلند ندا می کند که چشمان خود را فرود افکنید تا فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله عبور کند. در آن روز هیچ پیامبر، صدیق و شهیدی نمی ماند، مگر آنکه چشمان خود را فرو می بندد تا فاطمه علیها السلام عبور کند (صدوق، الامالی، 69 - 70؛ فتال نیشابوری، 149؛ ابن شهر آشوب، 3 / 108). منابع اهل سنت هم در روایت صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، با تفصیل کمتر، این خبر را نقل کرده اند (طبری، بشارة المصطفی، 43). در روایتی آمده است که هنگام عبور حضرت زهراء علیها السلام از پل صراط، هفتاد هزار حوریه او را همراهی می کنند (نقاش، 77؛ طبری امامی، 142؛ مجلسی، 43 / 53، مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام).

رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه بهشتی فاطمه علیها السلام را نیز وصف کرده است. گزارشهای بسیاری در این باره وجود دارد (سیوطی، 54 - 55). پیامبر صلی الله علیه و آله او را نخستین زنی معرفی کرده است که وارد بهشت می شود (حاکم نیشابوری، 3 / 151؛ سیوطی، 52). طبق گزارش صحیحی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام در کنار حسن علیه السلام و حسین علیه السلام اولین کسانی هستند که وارد بهشت می شوند (حاکم نیشابوری، 3 / 151). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بهشت نیز فاطمه علیها السلام را به همراه خود و علی علیه السلام در کنار هم و دارای مرتبه

یکسان دانسته است (طیالسی، 26؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 3 / 41؛ ابن عساکر، 14 / 163؛ ابن اثیر جزری، 5 / 269، 523).

طبق برخی گزارشها، رسول خدا صلی الله علیه و آله از چگونگی قصرهای فاطمه علیها السلام در بهشت سخن گفته است (زرنندی، 183؛ ابن صباغ مالکی، 1 / 666؛ مجلسی، 43 / 76). بنا بر روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع شیعی، بر در بهشت، نام فاطمه علیها السلام در کنار نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام درج است (صدوق، الخصال، 334؛ ابن مردویه اصفهانی، 67؛ ابن شاذان قمی، 87، مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت).

از دیگر مقامات فاطمه علیها السلام، شفیع بودن او در روز قیامت است. در خصوص شفاعت (وساطت برای بخشوده شدن گناهان) (مطهری، 1 / 254؛ 3 / 103) فاطمه علیها السلام، روایات متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده (کراجکی، 63 - 64؛ حلی، العدد القویه، 225؛ مجلسی، 29 / 346) که در برخی از آنها، به فاطمه علیها السلام بشارت داده است تو مقام شفاعت خواهی داشت (صدوق، الامالی، 350؛ مجلسی، 8 / 35؛ 43 / 21؛ مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام).

حضرت فاطمه علیها السلام در جامعه اسلامی

بخش مهمی از روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تبیین ملاک و معیار بودن گفتار و رفتار حضرت فاطمه علیها السلام در نزد مسلمانان است تا حرمت و جایگاه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان پاس داشته شود. سلمان فارسی نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست داشته باشد، در بهشت با من است و هر که با او دشمنی کند، در آتش است. محبت فاطمه علیها السلام در یک صد مورد سود می دهد که کمترین آنها مرگ، قبر، میزان، محشر، حساب و صراط است. دخترم فاطمه علیها السلام از هر کس خشنود باشد، من از او خشنود هستم و از هر که خشمگین باشد، من از او

خشمگینم و از هرکه من خشمگین باشم، خدا از او خشمگین است» (ر.ک: ابن شاذان قمی، 127؛ بحرانی، 1 / 71 - 72؛ مجلسی، 27 / 116). همچنین فرمود: «در شب معراج شاهد بودم که بر در بهشت نوشته شده بود فاطمه علیها السلام از بهترین بندگان خداست و خداوند بر دشمنان او لعنت می کند» (خطیب بغدادی، 1 / 274). رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره محبت به فاطمه علیها السلام و صلوات بر او، به خود آن حضرت فرمود: «هرکس بر تو درود بفرستد، خداوند او را می آمرزد و در هر مکانی از بهشت باشم، او را به من ملحق می سازد» (اربلی، 2 / 100؛ مجلسی، 43 / 55).

(194 / 97).

پس از نزول آیه تطهیر (احزاب، 33)، رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را به همراه همسر و فرزندان، مصادیق آیه تطهیر دانست (ابن راهویه، 3 / 678؛ مسلم نیشابوری، 7 / 130؛ ابن عساکر، 13 / 202) و بدین وسیله جایگاه او را در جامعه اسلامی مشخص کرد. به نقل ابوسعید خدری، رسول خدا صلی الله علیه و آله چهل صبح بر در خانه فاطمه علیها السلام می رفت و بعد از آنکه بر فاطمه علیها السلام وارد می شد می فرمود: «سلام بر شما اهل بیت و رحمت و برکات خداوند بر شما باد» (طبرانی، المعجم الاوسط، 8 / 112؛ حاکم حسکانی، 2 / 46؛ هیثمی، 9 / 169). ابوحمرام مدت زمانی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر در خانه سلام می کرد، هفت ماه دانسته و گفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از سلام، آیه تطهیر را می خواند (طبری، تفسیر، 22 / 10؛ مغربی، 3 / 4؛ حاکم حسکانی، 2 / 78، 138؛ ابن عساکر، 4 / 290). هنگامی که آیه مباحله (آل عمران، 61) نیز نازل شد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه علیها السلام را مصداق آیه معرفی کرد (احمد بن حنبل، 1 / 185؛ مسلم نیشابوری، 7 / 121؛ ترمذی، 4 / 293 - 294؛ 5 / 302؛ حاکم نیشابوری، 3 / 150) و او را در جریان مباحله با مسیحیان نجران، به عنوان دلیل و شاهد حقانیت رسالت خود، شرکت داد. این گزارشها و روایات، مؤید آن

ص: 359

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را معیار حق در جامعه معرفی می کرده است (مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن).

رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر موقعیتی برای معرفی آن حضرت علیها السلام استفاده می کرد.

جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که فقیری به مسجد آمد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله کمک خواست. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «نزد من چیزی نیست، ولی شما را به خانه ای راهنمایی می کنم که خدا و رسولش، اهل آن خانه را دوست دارند و اهل آن خانه نیز خدا و رسولش را دوست دارند. به فقیر می بخشند در حالی که خود بدان نیاز دارند». سپس به بلال دستور داد تا او را به خانه فاطمه علیها السلام رهنمون سازد (ر.ک: طبری، بشارة المصطفی، 217 - 221؛ مجلسی، 43 / 56 - 58).

فردی به نام مجاهد نقل کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمد در حالی که دست فاطمه علیها السلام در دست او بود و به حاضران فرمود: «هر کس فاطمه را می شناسد، که می شناسد و هر کس نمی شناسد، او پاره تن من است، او قلب و روح من است» (اریلی، 2 / 94 - 95؛ ابن صباغ مالکی، 1 / 664؛ حلی، المحتضر، 234) و در لحظات آخر حیاتش فرمود: «از کسانی از امتم که بر او ستم کنند، به خداوند شکایت خواهم کرد» (اریلی، 2 / 120)، «خداوند به سبب غضب فاطمه، غضبناک و به سبب خشنودی و رضایت او خشنود می گردد» (حاکم نیشابوری، 3 / 154؛ فتال نیشابوری، 149؛ سیوطی، 58). یکی از شایع ترین احادیث در بین محدثان متقدم شیعه (مفید، 260؛ طوسی، الامالی، 24) و اهل سنت (احمد بن حنبل، 4 / 5، مسلم نیشابوری، 7 / 141؛ ترمذی، 5 / 360) از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فاطمه علیها السلام، با تفاوتی اندک، آن است که فاطمه پاره تن من است و هر کس او را بیازارد مرا آزرده است.

ابن حجر عسقلانی، ضمن صحیح دانستن این اخبار، معتقد است که اگر آزار

کسی آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، آزار او حرام است. پس، از هرکس رفتاری سرزند که فاطمه علیها السلام را آزار دهد، به گواهی این احادیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله را آزرده است و چیزی سهمناک تر از این وجود ندارد (9/ 287 - 288).

به نقل مناوی، سهیلی (از حافظان بزرگ اهل سنت و شارح سیره ابن هشام) این جمله رسول خدا صلی الله علیه و آله را دلیل و حجت فاطمه علیها السلام در مقابل عملکرد مخالفان دانسته و دشنام به حضرت زهرا علیها السلام را موجب خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله و کفر دشنام دهنده دانسته است (4/ 554). به عقیده سمهودی، فرزندان فاطمه علیها السلام پاره تن او هستند و به واسطه او، پاره تن پیامبر صلی الله علیه و آله نیز می شوند. از این رو بود که وقتی ام الفضل خواب دید پاره ای از تن پیامبر صلی الله علیه و آله در دامن او قرار گرفته است، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین تعبیر کرد فاطمه علیها السلام پسری می آورد که او را در دامن تو می گذارند. پس، حسن علیه السلام زاده شد و در دامن او قرار گرفت (ر.ک: مناوی، 4/ 554). در حدیث مهمی که در منابع متقدم اهل سنت آمده، پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام به فرموده است: «با دشمنان تو دشمن و با دوستان تو دوست هستم» (ر.ک: ابن ماجه قزوینی، 1/ 52؛ طبرانی، المعجم الكبير، 3/ 40؛ ابن بلبان فارسی، 15/ 434؛ مجلسی، 43/ 306، 132). حبّ و بغض از مسائل مهم اعتقادی است و اهمیت آن به حدی است که از امام صادق علیه السلام وارد شده است که دین به غیر از حبّ و بغض نیست (صدوق، الخصال، 21؛ فتال نیشابوری، 416).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن ابی عاصم، احمد بن عمرو (م. 287 ق.)، الاحاد و المثانی، تحقیق فیصل احمد، دار الدراية، 1411 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسد الغابة في معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن بلبان فارسی، علاء الدین علی

(م. 739 ق.)، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة، 1414 ق؛ ابن حاتم عاملي، يوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظيم، قم، نشر اسلامي؛ ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م. 852 ق.)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، دار المعرفة؛ ابن حمزه طوسي، محمد بن علي (م. 560 ق.)، الثاقب في المناقب، تحقيق نبيل رضا علوان، قم، انتشارات انصاريان، 1412 ق؛ ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم (م. 238 ق.)، مسند اسحاق بن راهويه، تحقيق عبد الغفور عبدالحق، المدينة المنورة، مكتبة الايمان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر؛ ابن شاذان قمي، محمد بن احمد (م. 412 ق.)، مائة منقبه، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1407 ق؛ ابن شاهين، عمر بن شاهين (م. 385 ق.)، فضائل سيدة النساء عليهم السلام، تحقيق الحويني الاثري، القاهرة، مكتبة التربية الاسلامية، 1411 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علي (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن صباغ مالكي، علي بن محمد (م. 855 ق.)، الفصول المهمة في معرفة الائمة عليهم السلام، تحقيق سامي الغريري، قم، انتشارات دار الحديث، 1422 ق؛ ابن طاووس، سيد علي بن موسى (م. 664 ق.)، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، قم، مطبعة الخيام، 1399 ق؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. 463 ق.)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق علي محمد بجاوي، بيروت، دار الجيل، 1412 ق؛ ابن عساكر، علي بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق علي شيري، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهاية، تحقيق علي شيري، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1408 ق؛ ابن ماجه قزويني، محمد بن يزيد (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفكر؛ ابن مردويه اصفهاني، احمد بن موسى (م. 410 ق.)، مناقب علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين، قم، انتشارات دار الحديث، 1424 ق؛ ابن مغازلي، علي بن محمد (م. 483 ق.)، مناقب اهل البيت عليهم السلام، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران،

المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية، 1427 ق؛ ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين (م. 356 ق.)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم مظفر، قم، مؤسسة دار الكتاب، 1385 ق؛ احمد بن حنبل، شيباني (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، اربلي، علي بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الاثمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ اميني، عبدالحسين (م. 1392 ق.)، الغدير في الكتاب والسنة والادب، بيروت، دار الكتاب العربي، 1397 ق؛ بحراني، سيدهاشم حسيني (م. 1107 ق.)، غاية المرام و حجة الخصام، تحقيق سيدعلي عاشور؛ بخاري، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخاري، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بيهقي، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ ترمذي، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذي، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ حاكم حسكاني، عبيد الله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمدباقر محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق؛ حاكم نيشابوري، محمدبن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلي، بيروت، دار المعرفة، حلي، حسن بن سليمان (م. قرن 9)، المحتضر، تحقيق سيد علي اشرف، المكتبة الحيدرية، 1424 ق؛ حلي، علي بن يوسف (م. 705 ق.)، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، تحقيق سيدمهدى رجائي، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، 1408 ق؛ خزاز قمي، علي بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الأئمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خطيب بغدادى، احمد بن علي (م. 463 ق.)، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية 1417 ق؛ دولابي، محمد بن احمد (م. 310 ق.)، الذرية الطاهرة النبوية، تحقيق سيدمحمدجواد حسيني، قم، نشر اسلامي، 1407 ق؛ زرندى، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، نظم درالسمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين عليهم السلام، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام العامة، 1377 ق؛ زيد بن علي (م. 122 ق.)، مسند زيد بن علي، بيروت، دار مكتبة الحياة؛ سيوطي،

جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1413 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، التوحيد، تحقيق سيدهاشم حسيني تهراني، قم، نشر اسلامي؛ همو، الخصال، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الأعلمي، 1404 ق؛ همو، معاني الاخبار، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق علي اكبر غفاري، قم، نشر اسلامي، 1404 ق؛ طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، الاحاديث الطوال، تحقيق مصطفى عبدالقادر، بيروت، دارالكتب العلمية، 1412 ق؛ همو، المعجم الاوسط، دار الحرمين، 1415 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدي سلفي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1404 ق؛ طبري، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبي في مناقب ذوي القربى، القاهرة، مكتبة القدسي، 1356 ق؛ طبري، محمد بن ابي القاسم (م. 525 ق.)، بشار المصطفى صلى الله عليه وآله لشيعه المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420 ق؛ طبري، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، تحقيق صدقي جميل عطار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، الفهرست، تحقيق جواد قيومي، قم، مؤسسة نشر الفقاهة، 1417 ق؛ طيالسي، سليمان بن داوود (م. 204 ق.)، مسند ابي داوود الطيالسي، بيروت، دار المعرفه؛ عاملي، سيد جعفر مرتضى، مأساة الزهراء عليها السلام (شبهات وردود)، بيروت، دارالسيرة، 1418 ق؛ عاملي نباطي، علي بن يونس (م. 877 ق.)، الصراط المستقيم الى مستحقي التقديم، تحقيق محمداقرب بهبودي، المكتبة المرتضوية، 1384 ق؛ فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضي؛ كراچكي، محمد بن علي (م. 449 ق.)، كنز الفوائد، قم، مكتبة المصطفوي، 1369 ش؛

كوفى، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق محمدباقر محمودى، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى؛ مرندى، ابوالحسن (م. 1349 ق.)، مجمع النورين و ملتقى البحرين، چاپ سنگى؛ مزى، جمال الدين يوسف (م. 742 ق.)، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، تحقيق بشار عواد، بيروت، مؤسسة الرسالة 1406 ق؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مطهرى، مرتضى (م. 1358 ش.)، مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى، تهران، انتشارات صدرا، 1377 ش؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق، سيد محمد حسيني جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالى، تحقيق حسين استادولى، على اكبر غفارى، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ مناوى، محمد بن على (م. 1031 ق.)، فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير النذير، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ نجاشى، احمد بن على (م. 450 ق.)، رجال النجاشى، قم، نشر اسلامى، 1416 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، خصائص اميرالمؤمنين على بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق هادى امينى، تهران، مكتبة نينوى الحديثه؛ نقاش، محمدبن على (م. 414 ق.)، فوائد العراقيين، تحقيق مجدى السيد ابراهيم، القاهرة، مكتبة القرآن؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1408 ق.

رمضان محمدى

ص: 365

ویژگیهای حضرت فاطمه علیها السلام در کلام امام علی علیه السلام.

شناخت ابعاد وجودی حضرت فاطمه علیها السلام کاری دشوار، بلکه ناممکن است و تنها از نگاه معصومی هم شأن خود او می شود با گوشه ای از کمال و شخصیت معنوی و عظمت ایشان آشنا گردید. در این بین، شخصیت والای امام علی علیه السلام و عصمت و امامت ایشان و همسری و ارتباط ویژه آن حضرت علیه السلام با فاطمه علیها السلام، او را از آگاه ترین افراد درباره جایگاه و شأن حضرت فاطمه علیها السلام قرار داده است.

وجود بهشتی

امیرالمؤمنین علیه السلام فاطمه علیها السلام را دارای وجودی آسمانی و بهشتی معرفی کرده و خدا را گواه گرفته که فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت است (طبرسی، 1 / 195). چنان که در گفتگوی حضرت فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام نیز منشأ علم فاطمه علیها السلام، تکوّن نطفه وی از میوه بهشتی دانسته شده است (ابن عبدالوهاب، 46 - 47؛ مجلسی، 8 / 43). وجود بهشتی فاطمه علیها السلام، او را شایسته نزول تحفه بهشتی نمود. بنابر گزارش سلمان از علی علیه السلام، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب مداومت حضرت فاطمه علیها السلام بر خواندن دعای نور، که دارای مضامین بسیار بلند است، حوریانی از بهشت بر او نازل شدند و تحفه ای از بهشت به وی تقدیم کردند که نقل شده است رطبی خوش بوتر از مشک، سفیدتر از برف و بدون هسته بود (طبری امامی، 107 - 108؛ ر.ک: ابن حمزه طوسی، 297 - 299؛ مجلسی، 43 / 66 - 67؛ 91 / 226 - 227).

علم، معرفت و عصمت

از منظر امیر مؤمنان علیه السلام، فاطمه علیها السلام دارای علم الهی است که ریشه در منزلت والای معنوی آن حضرت علیها السلام دارد. در حدیثی از حضرت زهرا علیها السلام نقل شده که از علی علیه السلام خواسته است نزدیک بیاید تا او را از اخبار گذشته

و حال و آنچه در آینده تا قیامت رخ خواهد داد، آگاه سازد. این سخن موجب شگفتی امیر مؤمنان علیه السلام شد و چون نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفت، آن حضرت صلی الله علیه و آله، ضمن اشاره به سخن فاطمه علیها السلام، نور فاطمه علیها السلام را از نور خود دانست. حضرت فاطمه علیها السلام نیز در جای دیگر، با اشاره به معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و میوه بهشتی خوردن ایشان، آن را منشأ نور خود دانسته است و با این بیان، به زمینه وجودی خود که ریشه در عالم بالا دارد اشاره، و خلقت آسمانی خود را علت علم الهی خویش معرفی کرده است (ابن عبدالوهاب، 46 - 47؛ مجلسی، 8/43).

علاوه بر این، امام علی علیه السلام نویسنده مصحفی است که مضامین آن را جبرئیل برای حضرت زهرا علیها السلام بازگو کرد و مشتمل بر اخبار پیشین و پسین تا روز قیامت است. این مصحف، پس از شهادت حضرت فاطمه علیها السلام، نزد امام علی علیه السلام ماند و پس از ایشان در اختیار دیگر امامان علیهم السلام قرار گرفت که بیانگر جایگاه علمی و معنوی فاطمه علیها السلام است (مقاله مصحف فاطمه علیها السلام).

بر اساس روایات، آگاهی فاطمه علیها السلام بر عوالم غیب، گاه از طریق شهود آنها در عالم رؤیا و گاه در عالمی بین رؤیا و بیداری حاصل می شد، چنان که در حدیثی از علی علیه السلام، جریان معراج حضرت فاطمه علیها السلام و مشاهده بهشت و نعمتهای آن در عالمی بین خواب و بیداری و دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله در آن عالم و بشارت پیوستن به ایشان نقل شده است (طبری امامی، 131 - 132؛ مجلسی، 43 / 207 - 208).

به شهادت قرآن و سنت و تاریخ، فاطمه علیها السلام دارای منزلت عصمت بود. امیر مؤمنان علیه السلام شاهد بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را نیز، به همراه دو فرزندش، در کنار او در زیر عبا قرار داد و آیه تطهیر را تلاوت کرد که حاکی از عصمت پنج تن بود (احمد بن حنبل، 1 / 331؛ کلینی، 1 / 287، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن). علی علیه السلام نیز،

با استناد به آیه تطهیر (احزاب، 33) در ماجرای فدک، عصمت حضرت زهرا علیها السلام را به عنوان یکی از اهل بیت علیهم السلام اثبات کرده و با استفاده از شهادت خداوند به پاکی اهل بیت علیهم السلام، حضرت زهرا علیها السلام را از هر گناهی مبرا و معصوم دانسته است (طبرسی، 1 / 122 - 123؛ مقاله عصمت فاطمه علیها السلام).

خداترسی، محبت و عبادت

نزدیک ترین شاهد خداترسی فاطمه علیها السلام و عبادت شب و روز او، علی علیه السلام است که در برخی روایات، گوشه ای از آن گزارش شده است. به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام از روز قیامت به موقف عظیم و روز دهمت و ترس بزرگ یاد کرده و در چندین مرحله از پیامبر صلی الله علیه و آله جو یا شده است که در چنین روزی آن حضرت صلی الله علیه و آله را کجا می تواند بیابد و سرانجام، پاسخهای پیامبر صلی الله علیه و آله - که در آنها، محل های حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت ذکر گردیده - موجب خرسندی فاطمه علیها السلام شده است (صدوق، الامالی، 350؛ مجلسی، 8 / 35: 21 / 43، مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت). بنا بر حدیثی از علی علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عریانی و رسوایی مردم در قیامت خبر داد. این سخن به شدت موجب نگرانی و اندوه فاطمه علیها السلام شد تا آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از جبرئیل نقل کرد که خداوند به سبب حیای فاطمه علیها السلام، دو (یا سه) حُلّه از نور بر او خواهد پوشاند (ر.ک: فرات کوفی، 445؛ اربلی، 2 / 118 - 119؛ مجلسی، 43 / 55).

خوف و خشیت الهی فاطمه علیها السلام چنان بود که خواب شبانه را از وی می ربود و ایشان در محراب عبادت با بدن لرزان در برابر خدا می ایستاد (صدوق، الامالی، 176؛ شاذان قمی، 9). علاقه مندی فاطمه علیها السلام به ذکر و عبادت، به اندازه ای بود که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل در خواست او - که کنیزی را برای کمک در کارهای خانه از ایشان خواسته بود - به وی تسبیحی آموخت که به تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام معروف شد و فاطمه علیها السلام در مقابل آن، از خداوند و رسولش اعلام رضایت نمود و علی علیه السلام

به او گفت که برای امر دنیایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتی و خداوند به ماثواب آخرت عطا کرد (ابن شهر آشوب، 3 / 120؛ مجلسی، 43 / 85؛ مقاله تسبیح فاطمه علیها السلام).

محبوبه و امانت خدا و رسول صلی الله علیه و آله

محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام، محبتی متقابل و فراتر از محبت پدر و فرزندی بود و ریشه در شایستگیهای خاص حضرت فاطمه علیها السلام داشت. علی علیه السلام نیز در خطبه ای، خویشان را همسر بتول و سرور زنان عالم معرفی کرده و گفته است که وی پرهیزکار، پاک، نیکو، هدایت شده، محبوبه محبوب حق تعالی (پیامبر صلی الله علیه و آله) و بهترین دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلاله و ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (صدوق، معانی الاخبار، 58 - 59؛ طبری، بشارة المصطفی، 33؛ مجلسی، 33 / 283: 45/35). علی علیه السلام شاهد بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم فاطمه علیها السلام برترین زنان عالم است از پیشینیان و پسینیان. او پاره ای از وجودم، نور چشمانم، میوه دلم و جان من در کالبد من است. او حوریهای انسی است و هنگامی که در محراب می ایستد، نور او همانند ستارگان آسمان برای اهل زمین، به فرشتگان آسمان روشنایی می دهد» (صدوق، الامالی، 175؛ مجلسی، 28 / 38، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله).

محبت پیامبر صلی الله علیه و آله

بنا بر گزارش مورخان، امیر مؤمنان علیه السلام سالها (پیش از ولادت حضرت فاطمه علیها السلام) در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بود (ر.ک: ابن هشام، 1 / 162؛ بری انصاری، 10) و در طول زندگی، ایشان شاهد رابطه عاطفی و نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله با دخترش بود. در روایتی، امیر مؤمنان علیه السلام ضمن بازگویی آزارهای قریش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که در حال سجده، محتویات شکم شتر را بر دوش حضرت صلی الله علیه و آله ریختند - به دفاع فاطمه علیها السلام از حضرت صلی الله علیه و آله اشاره کرده است که نزد ابوطالب آمد و از جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله در نزد بنی هاشم سؤال کرد و او را از واقعه باخبر ساخت و ابوطالب نیز با سران

قریش برخوردار کرد و از فاطمه علیها السلام دلجویی و بر منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید نمود (ر.ک: مجلسی، 35 / 125 - 127).

در جنگ خندق نیز، بنا بر نقل امیر مؤمنان علیه السلام، هنگام حفر خندق که مسلمانان گرفتار تنگ دستی و کمبود غذا بودند، فاطمه علیها السلام بخشی از قرص نانی را که برای حسن و حسین علیهما السلام پخته بود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پس از سه روز، این اولین غذایی است که تناول می کنم» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 43؛ طبری، ذخائر العقبی، 47؛ مجلسی، 16 / 225، 20 / 245). با توجه به علاقه شدید فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله، تحمل فراق پدر برای او بسیار دشوار بود و امیر مؤمنان علیه السلام در لحظات آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، شاهد این بی تابی فاطمه علیها السلام بود (خزاز قمی، 124؛ مجلسی، 22 / 536، 36 / 328).

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام در توصیف اندوه فاطمه علیها السلام گفت که او بر سر قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و مشتی از خاک قبر برداشت و بر دیدگان نهاد و در حالی که گریه می کرد، اشعار جان سوزی خواند که کسی که یک بار تربت پاک معطر احمد صلی الله علیه و آله را ببوید، اگر تا پایان عمر عطر دیگری نبوید، زیان نکرده است؛ مصیبت‌هایی بر من فروریخت که اگر بر روزها فرود می آمد، شب تا می گشتند (زرنندی، 181؛ امینی، 5 / 147؛ 6 / 165؛ مرعشی نجفی، 10 / 431، 435).

همسر نمونه

برخی از سخنان علی علیه السلام نشان دهنده اوج رضایت او از فاطمه علیها السلام است (اربلی، 1 / 373؛ مجلسی، 43 / 134)، حضرت علیه السلام تصریح نموده است که عزیزترین فرد خانواده نزد من، فاطمه علیها السلام است (ابوداود سجستانی، 2 / 29؛ صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ مجلسی، 43 / 82، 73 / 193؛ 82 / 329). علی علیه السلام او را مایه افتخار و مباهات خویش می دانست (صدوق، النخصال، 551؛ طبرسی، 1 / 171). نمونه بودن فاطمه علیها السلام در همسری اش

ص: 370

برای علی علیه السلام، در برخی ویژگیهای او که علی علیه السلام مطرح ساخته، مشهود است.

1. اطاعت از همسر: به گزارش تاریخ، حضرت فاطمه علیها السلام هیچ گاه توصیه پدر خود درباره نافرمانی نکردن از همسر را فراموش نکرد (خوارزمی، 353؛ اربلی، 1 / 373؛ مجلسی، 23 / 133). علی علیه السلام نیز قسم یاد کرده که فاطمه علیها السلام را تا آخرین لحظه زندگی، خشمگین نساخته و بر او امر ناخوشایندی را تحمیل نکرده و او نیز هرگز علی علیه السلام را به خشم نیاورده و از او نافرمانی نکرده است (خوارزمی، 353؛ مجلسی، 43 / 134). همچنین بر اساس گزارشی، فاطمه علیها السلام در آخرین روزهای زندگی، به علی علیه السلام گفته است که تاکنون مرا دروغ گو و خائن نیافته ای و از وقتی با من بادهای باتو مخالفت نکرده ام. علی علیه السلام نیز گفته است که فاطمه علیها السلام داناترین اشخاص به خدا، نیکوکارترین، پرهیزکارترین و بزرگواریترین شخص است که در مخالفت با او از خدا می ترسد (فتال نیشابوری، 151؛ مجلسی، 43 / 191؛ امین عاملی، 1 / 321). ایشان بر سر جنازه فاطمه علیها السلام نیز به درگاه الهی گواهی داد که من از دختر پیامبرت راضی هستم (صدوق، الخصال، 588؛ مجلسی، 78 / 345، 100 / 256؛ محدث نوری، 2 / 341).

2. مایه آرامش همسر: بی شک بهترین زنان، آنان هستند که مایه آرامش همسر خویش باشند، چنانکه قرآن کریم نیز به این ویژگی اشاره کرده است (ر.ک: روم، 21). فاطمه علیها السلام این گونه بود. علی علیه السلام گفته است که با نگاه به فاطمه علیها السلام، اندوه از من زدوده می شود (خوارزمی، 353 - 354؛ مجلسی، 43 / 134، مقاله سیره همسر داری فاطمه علیها السلام). علی علیه السلام پس از شهادت فاطمه علیها السلام با او نجوا کرد: «ای دختر محمد صلی الله علیه و آله، پس از تو برای تسلای خاطر، به که پناه برم، بعد از تو با چه کسی تسلا جویم و آرام گیرم؟» (اربلی، 2 / 123؛ مجلسی، 43 / 187).

3. حیا و عفاف: در میان ویژگیهای اخلاقی زنان، حجب و حیا و حفظ عفاف،

دارای اهمیت بسیاری است و چون امری فطری است (مطهری، 19 / 421)، اهمیت دادن به آن در تمامی افراد بشر، صرف نظر از ملیت و اعتقاداتشان، به گونه ای وجود دارد. بر اساس روایات، امیر مؤمنان علیه السلام فاطمه علیها السلام را الگوی کامل این ویژگی می دانست. علی علیه السلام شاهد بود که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم امور خانه، کارهای داخل خانه را بر عهده فاطمه علیها السلام و کارهای خارج از منزل را بر عهده وی گذاشت، فاطمه علیها السلام از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله او را از کارهای مردان معاف داشته است، ابراز خرسندی فراوانی کرد (حمیری قمی، 52؛ مجلسی، 43 / 81). همچنین علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام پرسید: «بهترین زنان چه کسانی هستند؟» فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «بهترین زنان کسانی هستند که به آنان مردان را ببینند و نه مردان آنان را» (دارقطنی، 280 - 281؛ متقی هندی، 16 / 602؛ مجلسی، 37 / 69).

فاطمه علیها السلام در عمل نیز به این ویژگی التزام کامل داشت. امیر مؤمنان علیه السلام خود جریان معروف ورود نایبنا به خانه ایشان و در پس حجاب رفتن فاطمه علیها السلام را نقل کرده و گفته است هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از علت این کار پرسید، فاطمه علیها السلام گفت که اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم و او بورا استشمام می کند. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت داد که فاطمه علیها السلام پاره تن من است (راوندی، 119؛ مجلسی، 43 / 91؛ 101 / 38).

4. صبر بر سختیها: تفاوت همسران شایسته با دیگران، در لحظات سخت و طاقت فرسای زندگی آشکار می شود. تاریخ گواه آن است که در اوایل هجرت به مدینه، فاطمه علیها السلام از زندگی مادی خوبی برخوردار نبود. فقر همسرش - به تبع وضع دشوار اقتصادی مسلمانان آن عصر و نیز زهد و ایثار علی علیه السلام - موجب شده بود که فاطمه علیها السلام علاوه بر انجام دادن کارهای دشوار خانه، گاه با ریسندگی، به اقتصاد خانواده یاری رساند (فرات کوفی، 521؛ حاکم حسکانی، 2 / 395؛ محدث نوری، 13 / 187؛ 16 / 198). امیر مؤمنان علیه السلام سختیهای زندگی همسرش را این گونه گزارش کرده

است که فاطمه علیها السلام آن قدر با مشک آب می کشید که جای مشک بر روی سینه اش باقی می ماند و آن قدر آسیاب می کرد که دستهایش تا اول می زد و آنقدر خانه را جارو می زد که بر جامه اش گردوخاک می نشست و آنقدر در آتش زیر اجاق می دمید که پیراهنش خاکستر آلود می شد، و از کارهای خانه بسیار صدمه دید (احمد بن حنبل، 1 / 153؛ صدوق، علل الشرایع، 2 / 366؛ مجلسی، 43 / 82).

به گفته امیر مؤمنان علیه السلام، جز تکه پوست گوسفندی که با فاطمه علیها السلام هنگام شب بر آن آرام می گرفتیم و شتر آبکش (در روز) بر روی آن علف می خورد، فرش دیگری نداشتیم (ابن شهر آشوب، 1 / 366؛ طبری، ذخائر العقبی، 35). این امر حاکی از روح قناعت و ساده زیستی حضرت فاطمه علیها السلام است. او در تحمل سختیها صبور بود و چیزی از همسرش درخواست نمی کرد و وقتی علی علیه السلام از او می پرسید که چرا نبود آذوقه را یادآوری نمی کند، پاسخ میداد: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است از پسر عمویت چیزی نخواه، مگر آنکه او خود برایت فراهم کند» (عیاشی، 1 / 171؛ مجلسی، 14 / 197، 43 / 31).

بنا بر نقل برخی منابع، فاطمه علیها السلام گاه تا سه روز گرسنگی را تحمل می کرد، اما شکوه نمی کرد تا مبادا همسرش آزرده گردد (عیاشی، 1 / 171؛ مجلسی، 14 / 197؛ 43 / 31). اگر آذوقه ای داشتند، با اینکه گرسنه بود، ابتدا به فرزندانش غذا می داد و سپس به همسرش، و همواره ایثار می کرد (کوفی، 201؛ طوسی، 616؛ اربلی، 2 / 97). هنگامی که علی علیه السلام دریافت آذوقه ای در خانه نیست و همسرش در روز است غذایی نخورده است، پرسید: «چرا خبر ندادی تا چیزی مهیا کنم؟» فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «از خداوند حیا می کنم که چیزی فراتر از تحمل تو، بر تو تحمیل کنم (کوفی، 201؛ ابن شهر آشوب، 1 / 350؛ اربلی، 2 / 97؛ مقاله سیره خانه داری فاطمه علیها السلام).

5. مشمول تکریم همسر: فضایل وصف ناشدنی فاطمه علیها السلام موجب شده بود که امیر مؤمنان علیه السلام همواره در گفتار و کردار، با احترام و تکریم خاصی با او مواجه شود. از این رو، در تاریخ هیچ گزارشی دالّ بر بی احترامی امیر مؤمنان علیه السلام به فاطمه علیها السلام وجود ندارد (مقاله سیره همسر داری فاطمه علیها السلام). نوع خطابهای امیر مؤمنان علیه السلام به همسرش به خوبی گویای احترامی ویژه است، به گونه ای که فاطمه علیها السلام را با نام مخاطب قرار نداده و معمولاً هنگام خطاب، اوصاف و القاب یا کنیه او را به کار برده است، مانند «یا سَیِّدَتِی» (مجلسی، 218 / 43؛ محدث قمی، بیت الاحزان، 27؛ همو، الانوار البهیة، 60)، «أَيُّهَا الْحُرَّة» (هلالی عامری، 391؛ مجلسی، 303 / 28 : 198 / 23)، و «یا بِنْتَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِیَةِ النَّبُوَّة» (طوسی، 684) ابن شهر آشوب، 2 / 51). اما گفتن «فاطمه» یا «زهرا»، معمولاً هنگام خطاب مستقیم به حضرت علیها السلام نبوده، بلکه در توصیف وضع حضرت علیها السلام برای دیگران (ابوداود سجستانی، 2 / 29؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1 / 320؛ طبری، ذخائر العقبی، 50؛ متقی هندی، 15 / 508) و نیز پس از شهادت فاطمه علیها السلام (کلینی، 1 / 459؛ مفید، 282؛ طبری امامی، 138) بوده است.

مقامات اخروی

طبق حدیثی که امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، در روز قیامت، منادی ندا می دهد که ای گروه بندگان، چشمانتان را فرو افکنید و سرهایتان را به زیر افکنید تا فاطمه علیها السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله، عبور کند، و فاطمه علیها السلام اولین کسی است که لباس بهشتی می پوشد و ملائکه و حورالعین به استقبال او می آیند و در بهشت ساکن می گردند و سلام الهی به او ابلاغ می شود و او نیز در حق دوستان و ذریه اش شفاعت می کند (طبری امامی، 153 - 154؛ ر.ک: مجلسی، 24 / 274 - 275، 43 / 225 - 227، مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام). منزلت والای فاطمه علیها السلام به شخص خود او منحصر نمی شود، بلکه شامل حال پیروان و دوستداران او نیز می گردد. امام علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که هر کس بر فاطمه علیها السلام درود فرستد،

خداوند او را می‌آمرزد و او را به پیامبر صلی الله علیه و آله، در هر جای بهشت که باشد، ملحق می‌سازد (اربلی، 2/ 100؛ مجلسی، 43 / 55؛ 194/ 97؛ مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت).

مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام

مظلومیت نیز یکی از ویژگیهای فاطمه علیها السلام است که در مقابل دیدگان همسرش اتفاق افتاد. علی علیه السلام، ضمن اشاره به غضب فدک و درخواست بیّنه، در حالی که فدک تحت تصرف فاطمه علیها السلام بود و ردّ شهادت ام ایمن بر مالکیت فاطمه علیها السلام و سرانجام تصرف ناحق فدک و ردّ ادعای فاطمه علیها السلام، بر مظلومیت همسرش تأکید کرده است (هلالی عامری، 226؛ مقاله فدک). امیر مؤمنان علیه السلام، پس از دفن فاطمه علیها السلام، خطاب به قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «دخترت تو را از همیاری امت بر ضد من و برای غضب حقّ او باخبر خواهد ساخت. به اصرار از احوال فاطمه علیها السلام جو یا شو و از او سؤال کن، زیرا فاطمه علیها السلام درد دل‌هایی آتشین در سینه دارد که نتوانست در جایی دیگر آنها را بیان کند، اما آنها را برای تو بیان خواهد کرد» (نهج البلاغه، خطبه 202 (2/ 182)؛ کلینی، 1/ 459؛ مفید، 282؛ فتال نیشابوری، 152). این سخن علی علیه السلام حاکی از مظلومیت فاطمه علیها السلام و ستمهایی است که بر او رفته است.

منابع

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق، ابن عبدالوهاب، حسین (م. قرن 5)، عیون المعجزات، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، 1369 ق؛ ابن هشام، عبدالملک حمیری (م. 8 - 213 ق.)، السیرة النبویه، تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید، القاهرة، مكتبة محمد علی صبیح و اولاده، 1383 ق؛ ابو داوود سجستانی، سلیمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابی داوود، تحقیق سعید محمد الحام، بیروت، دار الفکر، 1410 ق، احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، كشف الغمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛

امين عاملى، سيدمحسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ امينى، عبدالحسين (م. 1392 ق.)، الغدير في الكتاب والسنة والادب، بيروت، دار الكتاب العربى، 1397 ق؛ برى انصارى، محمد بن ابى بكر (م. قرن 7)، الجوهرة في نسب الامام علي وآله عليهم السلام، تحقيق محمد تونجى، دمشق، مكتب النورى، 1402 ق؛ حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمدباقر محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1411 ق؛ حميرى قمى، عبدالله بن جعفر (م. 300 ق.)، قرب الاسناد، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1413 ق، خزاز قمى، على بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيد عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خوارزمى، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقيق مالك محمودى، قم، نشر اسلامى، 1411 ق؛ دارقطنى، على بن عمر (م. 385 ق.)، سؤالات حمزة بن يوسف السهمي، تحقيق موفق بن عبدالله، الرياض، مكتبة المعارف، 1404 ق؛ راوندى، سيد فضل الله بن على (م. 571 ق.)، النوادر، تحقيق سيدرضا على عسكرى، قم، انتشارات دار الحديث، 1377 ش؛ زرندى، محمد بن يوسف (م. 750 ق.)، نظم درالسمطين في فضائل المصطفى والمرضى و البتول و السبطين عليهم السلام، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام العامة، 1377 ق؛ شاذان قمى، شاذان بن جبرئيل (م. 660 ق.)، الفضائل، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمدصادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوي القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله

لشيعة المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1420 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامة، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الامالي، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ عياشي، محمد بن مسعود (م. 320 ق.)، تفسير العياشي، تحقيق سيدهاشم رسولي محلاتي، تهران، المكتبة العلمية الاسلامية؛ فتال نيشابوري، محمد بن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضي؛ فرات كوفي، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفي، تحقيق محمد كاظم محمودي، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1410 ق؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ كوفي، محمد بن سليمان (م. قرن 3)، مناقب الامام امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام، تحقيق محمد باقر محمودي، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1412 ق؛ متقي هندی، علي (م. 975 ق.)، كنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حياني، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسي، محمد باقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمد باقر بهودي، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق؛ محدث قمی، عباس (م. 1359 ق.)، الانوار البهية في تواريخ الحجج الالهية، قم، نشر اسلامي، 1417 ق؛ همو، بيت ال-حزان في ذكر احوالات سيدة نساء العالمين فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، دار الحكمة، 1412 ق؛ محدث نوري، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ مرعشي نجفی، سيد شهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشي نجفی؛ مطهری، مرتضى (م. 1358 ش.)، مجموعه آثار استاد شهيد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، 1377 ش؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الامالي، تحقيق حسين استادولي، علي اكبر غفاري، بيروت، دار المفيد، 1414 ق؛ نهج البلاغه، الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، الشريف الرضي، تحقيق و شرح محمد عبده، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق، هلالی عامری، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمد باقر انصاري، قم، نشر الهادي، 1420 ق.

نهله غروي نائيني

زندگانی، جایگاه و شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام از نگاه ائمه علیهم السلام.

درباره جایگاه و شخصیت فاطمه علیها السلام مطالب فراوانی در کتابهای روایی، تاریخی و تراجم شیعه و اهل سنت، روایت شده است که راوی بخشی از آنها ائمه علیهم السلام بوده اند. با وجود این، روایات رسیده از ائمه علیهم السلام درباره فاطمه علیها السلام محدود است. اهتمام نداشتن محدثان اهل سنت به نقل روایات ائمه علیهم السلام نیز از عوامل کم بودن این روایات است. از میان ائمه علیهم السلام، حضرت علی علیه السلام (مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام)، امام حسن، امام حسین، امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام روایات بیشتری در شأن حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده اند. روایات ائمه علیهم السلام، به ویژه درباره حوادث زندگی آن حضرت علیها السلام، مورد توجه پژوهشگران شیعه و اهل سنت بوده است. در برخی از این روایات، گزارشهای منحصر به فردی درباره آن حضرت علیها السلام وجود دارد. از محتوای روایات ائمه علیهم السلام و برخی گزارشهای ایشان از آن حضرت علیها السلام، نگاه ایشان به فاطمه علیها السلام مشخص می شود.

نگاه ائمه علیهم السلام به زندگی و سیره حضرت فاطمه علیها السلام

روایات ائمه علیهم السلام نشان می دهد که زندگی فاطمه علیها السلام برای ایشان مهم بوده است و بنابراین، در ثبت دقیق آن اهتمام بسیار داشته اند.

روایات رسیده از ائمه علیهم السلام درباره زندگانی فاطمه علیها السلام پیش از ازدواج، به تاریخ ولادت آن حضرت علیها السلام محدود می شود. بنا بر روایتی از امام باقر علیه السلام، فاطمه علیها السلام پنج سال پس از نزول وحی و زمانی که کعبه در حال بازسازی بود به دنیا آمد (اربلی، 76/2)؛

مجلسی، 43 / 7، 9). این سخن به گونه ای در کتابهای اهل سنت، از قول امام باقر علیه السلام، روایت شده است. آن حضرت علیه السلام از عباس، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله، نقل کرده است فاطمه علیها السلام زمانی به دنیا آمد که قریش در حال بازسازی کعبه بودند (ابن حجر عسقلانی، 8 / 263، 268). به فرموده امام سجاد علیه السلام، فاطمه علیها السلام تنها فرزند رسول خدا است که در دوره اسلامی و پس از بعثت متولد شده است (کلینی، 8 / 340). امام صادق علیه السلام از ولادت فاطمه زهرا علیها السلام و ویژگیهای این ولادت سخن گفته است (طبری امامی، 78؛ به مقاله ولادت فاطمه علیها السلام).

بیشتر روایات و اخبار ائمه علیهم السلام درباره فاطمه علیها السلام، راجع به پس از ازدواج آن حضرت علیها السلام با علی علیه السلام است. از مهاجرت او از مکه به مدینه نیز گزارشهایی هست. به گفته امام صادق علیه السلام، فاطمه علیها السلام با گروهی از زنان، پس از مهاجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، به همراه علی علیه السلام به مدینه مهاجرت کرد (طبری امامی، 81).

امام سجاد علیه السلام گفته است که فاطمه علیها السلام حدود یک سال بعد از هجرت و در نُه سالگی، با علی علیه السلام ازدواج کرد (کلینی، 8 / 340). بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، آنان در ماه رمضان سال دوم هجرت ازدواج کردند و زندگی مشترک خود را در ذیحجه همان سال آغاز کردند (اربلی، 1 / 374؛ مجلسی، 43 / 136). امام باقر علیه السلام (کلینی، 5 / 568)، امام صادق علیه السلام (کلینی، 5 / 378)، امام کاظم علیه السلام (طبری امامی، 93)، و امام رضا علیه السلام (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 230) از ازدواج فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام به فرمان خدا خبر داده اند. امام حسن علیه السلام به تفصیل ماجرای خواستگاری از فاطمه علیها السلام و ازدواج او را از زبان پدرش، علی علیه السلام، نقل کرده است (ر.ک: طبری امامی، 85 - 87). امام صادق علیه السلام از خواستگاری ابوبکر، عمر، عبدالرحمن بن عوف از فاطمه علیها السلام و نپذیرفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و ماجرای خواستگاری حضرت علی علیه السلام سخن گفته است (اربلی، 1 / 378؛ مجلسی، 43 / 140).

ائمه عليهم السلام درباره مهریه، عروسی، ولیمه، جهاز و وسایل خانه آن حضرت علیها السلام نیز روایاتی رسیده است (ر.ک: ابن سعد، 21/8؛ کلینی، 377/5 - 388؛ طوسی، الامالی، 41)، که نشان می دهد ائمه اطهار علیهم السلام به بیان این مهم و فرهنگ سازی در بین شیعیان اهتمام داشته اند.

ائمه علیهم السلام به گزارش علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام نیز توجه نشان داده اند. در منابع اهل سنت، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که علی علیه السلام پس از ازدواج با فاطمه علیها السلام، خانه ای تهیه کرد که اندکی از منزل رسول خدا صلی الله علیه و آله دور بود. پیامبر صلی الله علیه و آله در صدد بر آمد منزل فاطمه علیها السلام را منتقل کند. وقتی این خبر به حارثه بن نعمان رسید، او منزل خود را که به محل زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بود، در اختیار فاطمه علیها السلام قرار داد (ابن سعد، 166/8، مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

امام باقر علیه السلام از تقسیم کارهای خانه بین فاطمه و علی علیهما السلام خبر داده است (عیاشی، 171/1). در این روایات آمده است که وقتی علی علیه السلام تلاش جان کاه فاطمه علیها السلام را در تدبیر امور خانه، و دستهای پینه بسته او را به سبب کار با دستاس دید، از همسرش خواست نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برود و از او بخواهد از غنایم جنگی، کنیزی به عنوان خدمتکار در اختیار ایشان بگذارد. اما پیامبر صلی الله علیه و آله، به جای فرستادن کنیز، تسبیح ویژه ای را به آن حضرت علیها السلام آموخت که بعدها به تسبیح فاطمه علیها السلام معروف شد و در روایات بسیاری، آثار و فضیلتی برای آن شمرده شده است (بخاری، 208/4؛ برقی، 36/1؛ کلینی، 343/3). در منابع اهل سنت، خدمتکار خواستن فاطمه علیها السلام از پدرش، به نقل از امام حسین علیه السلام آمده است. طبق این خبر، پیامبر صلی الله علیه و آله به جای خادم، دعایی به آنان تعلیم داد که قبل از خواب آن را تکرار کنند. علی علیه السلام فرمود که پس از آن هرگز آن را ترک نکردم، حتی در شب صغین (سیوطی، 91 - 92).

از حوادث مهم زندگی حضرت فاطمه علیها السلام، شرکت ایشان در مباحله بود، که در منابع متعدد ذکر شده است. امام صادق علیه السلام از شرکت فاطمه علیها السلام در مباحله خبر داده است (عیاشی، 176 / 1؛ مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن).

ماجرای بخشش فدک به فاطمه علیها السلام نیز در منابع متعدد شیعه و اهل سنت آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است که پس از نزول آیه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء، 26)، رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به دخترش فاطمه عطا کرد عیاشی، 287؛ مجلسی، 121 / 29، مقاله فدک).

امام صادق علیه السلام از حضور حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام در کنار بستر بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده و گفتگوهای آنان را روایت کرده است (صدوق، الامالی، 528). وقایع زندگی فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، قسمت اعظم گزارشهای موجود در باره ایشان است، که مهم ترین آنها ماجرای فدک است؛ رویدادی که ائمه علیهم السلام فراوان از آن یاد کرده اند. به گفته امام صادق علیه السلام، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابوبکر فدک را مصادره، و کارگزاران فاطمه علیها السلام را از آنجا اخراج کرد. امام صادق علیه السلام ماجرای دادخواهی فاطمه علیها السلام و استدلالهای آن حضرت علیها السلام را شرح داده (صدوق، علل الشرایع، 191 / 1) و گفته است عمر نامه ای را که ابوبکر برای بازگرداندن فدک به فاطمه علیها السلام داده بود، پاره کرد (عیاشی، 288 / 2؛ مجلسی، 121 / 29). آن حضرت علیها السلام از اینکه ابوبکر حق طبیعی فاطمه علیها السلام را، در ارث بردن از رسول خدا صلی الله علیه و آله، گرفت و فاطمه علیها السلام در رد ادعای ابوبکر شواهد قرآنی آورد، و نیز از ناراحتی شدید فاطمه علیها السلام و پناه بردن او به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده است (ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، 1 / 119 - 123). روایت امام باقر علیه السلام درباره مطالبه میراث و استدلالهای حضرت زهرا علیها السلام در مقابل ابوبکر، در منابع اهل سنت نیز نقل شده

است (سیوطی، 33). ائمه علیهم السلام خطبه معروف فاطمه علیها السلام را در مسجد مدینه، به طور کامل روایت کرده اند. به گفته عطیه عوفی، عبدالله پسر امام حسن علیه السلام، آن را از پدرش نقل کرده است (ابن طیفور، 12؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 131). همچنین زید بن علی علیه السلام قسمتی از خطبه را از زبان پدرش، امام سجاد علیه السلام، نقل نموده است (ابن طیفور، 14). گفته شده است که ائمه علیهم السلام به روایت و تعلیم آن به فرزندان خود و حفظ این خطبه اهتمام ویژه ای داشته‌اند (ابن طیفور، 12، مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام).

درباره دفاع فاطمه علیها السلام از جایگاه وصایت همسرش، نیز از ائمه علیهم السلام روایاتی رسیده است. به فرموده امام باقر علیه السلام، فاطمه علیها السلام به همراه علی علیه السلام شبانه به در خانه انصار می رفت و از ایشان برای یاری علی علیه السلام و گرفتن حق او کمک می خواست (جوهری بصری، 63).

از ائمه علیهم السلام درباره بیماری و تاریخ شهادت و کیفیت خاک سپاری آن حضرت علیها السلام گزارشهایی رسیده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که بیماری فاطمه علیها السلام پنجاه روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله شروع شد (مجلسی، 43 / 201) و پانزده روز طول کشید (مجلسی، 43 / 200). درباره مدت زندگی فاطمه علیها السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله، روایات متفاوتی از ائمه علیهم السلام رسیده است. ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که او سه ماه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در قید حیات بود (31؛ ر.ک: مجلسی، 43 / 215). از آن حضرت علیها السلام روایت دیگری رسیده که فاطمه علیها السلام 75 روز پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وفات یافت (اربلی، 2 / 77؛ مجلسی، 43 / 7). در منابع اهل سنت، از قول امام باقر علیه السلام درباره مدت زندگی حضرت زهران علیها السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، دو گزارش رسیده است: بنا بر گزارشی، آن حضرت علیها السلام سه ماه ابن سعد، 8 / 28؛ طبرانی، 22 / 399؛ حاکم نیشابوری، 3 / 162) و بنا بر نقلی دیگر، شش ماه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله (ابن سعد، 8 / 28؛

ابن عبدالبر، 4 / 1898) درگذشت. این مدت در منابع شیعی نیز آمده است (مجلسی، 43 / 201، 100 / 184). به گفته امام باقر علیه السلام، فاطمه علیها السلام در هنگام شهادت هجده سال داشت اربلی، 2 / 76؛ مجلسی، 43 / 7؛ مقاله شهادت فاطمه علیها السلام). در یکی از منابع اهل سنت، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که طول عمر فاطمه علیها السلام 21 سال بود (حاکم نیشابوری، 3 / 163). به گفته امام صادق علیه السلام، فاطمه علیها السلام بین مغرب و عشاء از دنیا رفت. امام حسن علیه السلام روایت کرده است که حضرت زهرا علیها السلام در هنگام احتضار، به جبرئیل و رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام کرد (مجلسی، 43 / 200). به گزارش امام صادق علیه السلام، مقداد و سلمان و ابوذر و ابن مسعود و زبیر و عباس بن عبدالمطلب شاهد دفن آن حضرت علیها السلام بودند (مجلسی، 43 / 200). امام صادق علیه السلام روایت کرده است که علی علیه السلام همسرش را غسل داد (کلینی، 1 / 459؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 184؛ مجلسی، 43 / 206). امام باقر علیه السلام از وجود وصیتنامه فاطمه علیها السلام در نزد خود خبر داده و محتوای آن را گزارش کرده است که طبق آن، فاطمه علیها السلام وصیت کرده است که سرپرستی حوائط سبعة (باغهای هفت گانه) به علی علیه السلام و پس از او به حسن علیه السلام و پس از او به حسین علیه السلام و فرزندانش برسد (اربلی، 2 / 122؛ مجلسی، 43 / 185). زهرا علیها السلام به علی علیه السلام وصیت کرد تا پس از او با دختر خواهرش، امامه، ازدواج کند (کلینی، 5 / 555). امام سجاد علیه السلام، از ابن عباس نقل کرده است که فاطمه علیها السلام اولین کسی بود که برای تشییع پیکر او از تابوت استفاده شد. این تابوت را اسماء بنت عمیس - که مشابه آن را در حبشه دیده بود - ساخت (ابن سعد، 8 / 28؛ مقاله وصایای فاطمه علیها السلام).

امام سجاد علیه السلام همچنین از ابن عباس روایت کرده است که فاطمه علیها السلام شبانه دفن شد (ابن سعد، 8 / 30). از امام رضا علیه السلام درباره محل دفن حضرت فاطمه علیها السلام سؤال شد و ایشان فرمود که حضرت علیها السلام در خانه اش دفن شد و وقتی امویان مسجد را توسعه دادند،

قبر داخل مسجد قرار گرفت (کلینی، 1 / 461؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 2 / 278؛ مقاله خاکسپاری فاطمه علیها السلام).

علاوه بر ثبت وقایع و حوادث زندگی آن حضرت علیها السلام، ائمه علیهم السلام به تبیین و پاسداشت سیره فاطمه زهرا علیها السلام نیز اهتمام جدی داشته اند. بنا بر گزارش منابع شیعه و اهل سنت، امام حسن و امام حسین علیهما السلام کوشیدند روایاتی را که از مادر خود شنیده بودند، بازگو کنند (ر.ک: طبری امامی، 68 - 69، 71 - 75؛ مجلسی، 43 / 80). بنا بر برخی از منابع اهل سنت، ائمه علیهم السلام در صدد بودند احادیث راجع به فاطمه علیها السلام را بشنوند، از جمله امام سجاد علیه السلام از عروه بن زبیر خواسته بود هر چه را که از فاطمه علیها السلام می داند برایش بازگو نماید (حاکم نیشابوری، 2 / 201، مقاله احادیث فاطمه علیها السلام). ائمه علیهم السلام از مصحف فاطمه علیها السلام و محتوا و ویژگیهای آن نیز سخن گفته اند. امام صادق علیه السلام از وجود مصحف فاطمه علیها السلام در نزد خویش خبر داده (صفار، 170؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 207 - 208)، در برخی استدلالهای خود به آن استناد کرده (صدوق، علل الشرایع، 1 / 207 - 208)، محتوای آن را به صورت کلی بیان نموده (صفار، 172، 174؛ مقاله مصحف فاطمه علیها السلام) و بارها تأکید کرده است که از قرآن چیزی در آن نیست (صفار، 174، 176، 181). برخی منابع فقهی اهل سنت، از زبان امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که فاطمه علیها السلام در حج رسول خدا صلی الله علیه و آله، همراه ایشان بود. این منابع از طرح برخی مسائل فقهی در این حج خبر داده و گفته اند که مسلمانان درباره مسائل حج، به آن مسائل فقهی، به عنوان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، استناد کرده اند (ابو داوود سجستانی، 1 / 426 - 428).

به دلیل ضرورت تبیین سیره حضرت فاطمه علیها السلام در خانه داری، امام باقر علیه السلام (مجلسی، 43 / 31) و امام صادق علیه السلام (کلینی، 5 / 86، 8 / 165؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 169) از خانه داری حضرت علیها السلام و کار ایشان در منزل گزارش داده اند.

امام رضا علیه السلام در روایتی از امام سجاد علیه السلام از زبان فاطمه علیها السلام، نحوه نام گذاری حسن و حسین علیهم السلام و سیره حضرت فاطمه علیها السلام و همسرش علی علیه السلام را در مراجعه به رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نام گذاری، گزارش کرده است (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 28 - 29). همچنین از تراشیدن موی سر ایشان و به وزن آن صدقه دادن خبر داده است (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 29). از حضرت سجاد علیه السلام روایت دیگری هم در این باره رسیده است (ر.ک: صدوق، الامالی، 197). امام رضا علیه السلام در روایتی آورده است که فاطمه علیها السلام برای حسن و حسین علیهما السلام عقیقه کرد (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 50). به گفته امام صادق علیه السلام، فاطمه علیها السلام موی فرزندان را می تراشید و به مقدار وزن آن مو، نقره صدقه می داد (کلینی، 6 / 26). امام صادق علیه السلام گفته است نام گذاری، عقیقه کردن و حلق کردن برای فرزندان، هم زمان صورت می گرفت (کلینی، 6 / 33). امام سجاد علیه السلام چگونگی نام گذاری حسنین علیهما السلام را گزارش کرده و از همنامی فرزندان علی علیه السلام با فرزندان هارون علیه السلام سخن گفته است (ر.ک: صدوق، الامالی، 197؛ همو، علل الشرایع، 1 / 137).

به روایت امام صادق علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام خبر داده بود که امتش امام حسین علیه السلام را به شهادت می رسانند (صدوق، علل الشرایع، 1 / 205؛ مقاله سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام).

بیان سیره عبادی دخت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مورد توجه و اهتمام ائمه علیهم السلام بوده است. امام حسین علیه السلام از امام حسن علیه السلام روایت کرده است که شبی مادرم در محراب به نماز ایستاده بود و تا طلوع صبح مشغول رکوع و سجود بود، می شنیدم که برای دیگران دعا می کند و از آنان نام می برد، ولی برای خود چیزی نمی خواهد. وقتی علت را جویا شدم، پاسخ داد: «فرزندم، همسایه بر اهل خانه مقدم است» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 152، مقاله سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام).

بنا بر فرمایش امام باقر علیه السلام، خداوند به چیزی بالاتر از تسبیح فاطمه علیها السلام حمد و ثنا نشده است و اگر چیزی برتر از آن وجود داشت، پیامبر صلی الله علیه و آله را به فاطمه علیها السلام هدیه می داد (کلینی، 3 / 343). امام صادق علیه السلام فرموده است: «ما به فرزندانمان امر به ذکر تسبیح فاطمه علیها السلام می کنیم، همان گونه که به نماز امر می کنیم» (صدوق، الامالی 675). این روایت از الگو بودن سیره فاطمه زهرا علیها السلام برای ائمه علیهم السلام حکایت می کند.

امام حسین علیه السلام از بخشش و سخاوت مادرش سخن گفته است (صدوق، الامالی، 554 - 555). امام رضا علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است که فاطمه علیها السلام گردن بند خود را فروخت و بنده ای خرید و او را آزاد کرد (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 49). امام کاظم علیه السلام از گردن بند فاطمه علیها السلام و اهدای آن به فقیر خبر داده است (مجلسی، 43 / 22). امام رضا علیه السلام از آزاد کردن یک بنده با فروش آن گردن بند خبر داده است (ر.ک: زید بن علی، 462؛ مجلسی، 43 / 26 - 27). به گفته امام باقر علیه السلام، فاطمه علیها السلام دست بند و پرده خانه خود را توسط حسنین علیهما السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را بین اصحاب صفا تقسیم کرد (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94؛ مجلسی، 43 / 83 - 84). امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرینش نقل کرده است که فاطمه علیها السلام برای شفای حسنین علیهما السلام، نذر کرد سه روز روزه بگیرد. در هر سه روز، هنگام افطار، محتاجی به در خانه آمد و فاطمه علیها السلام غذایی را که مهیا کرده بود به وی داد و خود با آب افطار کرد. جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (انسان، 5: ر.ک: حاکم حسکانی، 2 / 394 - 397). امام صادق علیه السلام نیز این ماجرا را، به طریق دیگری، نقل کرده است (حاکم حسکانی، 2 / 398). اینکه ائمه علیهم السلام این اخبار را در دوره های متعدد روایت کرده اند، حکایت از الگوگیری و الگوسازی از سیره حضرت فاطمه علیها السلام دارد. ائمه علیهم السلام نه تنها مبلغ سیره حضرت فاطمه علیها السلام بودند،

بلکه می‌کوشیدند نام و یاد آن حضرت علیها السلام را زنده نگه دارند. امام کاظم علیه السلام به خانواده‌ها توصیه می‌کرد که نام فاطمه را بر فرزند دختر خود بگذارند، زیرا معتقد بود که وجود نام فاطمه در خانه، باعث وارد نشدن فقر می‌گردد (محدث قمی، 4/ 295). از امام رضا علیه السلام نیز روایت مشابه آن رسیده است (کلینی، 6/ 19). امام صادق علیه السلام، ضمن تأکید بر نام گذاری دختران به نام فاطمه، این حدیث را از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «اگر فرزندان را فاطمه نامیدید، او را دشنام ندهید و لعن نکنید و کتک نزنید» (کلینی، 6/ 49).

بیان سیره حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در اعتراض به وضع جامعه، در سخنان ائمه اطهار علیهم السلام مشهود است. امام صادق علیه السلام از اجداد طاهرینش نقل کرده است که فاطمه علیها السلام هر جمعه کنار قبر حمزه علیه السلام می‌رفت و در آنجا گریه و دعا می‌کرد (حاکم نیشابوری، 1/ 277؛ بیهقی، 4/ 78). حاکم نیشابوری این روایت را صحیح دانسته و با توجه به این عمل فاطمه علیها السلام و ثقه بودن راویان، از جواز زیارت قبور سخن گفته است (1/ 377). این روایت از امام باقر علیه السلام هم در منابع اهل سنت نقل شده است (ابن سعد، 3/ 19). به بیان امام باقر علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام هرگز پس از پیامبر صلی الله علیه و آله خوشحال دیده نشد (طبرانی، 22/ 399؛ هیثمی، 9/ 212). اعلان اعتراض به وضع موجود، نه تنها در رفتار معنادار اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام، بلکه در گفتار ایشان نیز انعکاس یافته است. علاوه بر خطبه‌های آن حضرت علیها السلام در مسجد و در جمع زنان مهاجر و انصار، امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده‌اند که در دوران حکومت ابوبکر، روزی فاطمه علیها السلام او را دید و به او گفت: «اگر از رسیدن بلا به بی‌گناهان بیم نداشتیم، می‌دانستی که خداوند را در مورد شما چگونه می‌خواندم» (کلینی، 1/ 260). توجه ائمه علیهم السلام به انتقال این اعتراض فاطمه علیها السلام به نسلهای بعد، در

گزارشهای خاکسپاری آن حضرت علیها السلام نیز نمود یافته است، بنابر فرمایش امام حسن علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام وصیت نمود او را شبانه دفن کنند و شیخین در مراسم خاکسپاری او حاضر نشوند (صدوق، معانی الاخبار، 356؛ مجلسی، 43 / 159؛ مقاله خاکسپاری فاطمه علیها السلام).

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا حضرت زهرا علیها السلام شبانه دفن شد؟» امام علیه السلام اظهار داشت: «این کار بنا بر وصیت فاطمه علیها السلام انجام شد تا آن دو مرد اعرابی در خاکسپاری اش حاضر نشوند» (صدوق، علل الشرایع، 1 / 185؛ مجلسی، 43 / 260 - 207). منابع اهل سنت هم از دفن شبانه فاطمه علیها السلام، به نقل از امام سجاد علیه السلام، خبر داده (حاکم نیشابوری، 3 / 162؛ ابن حجر عسقلانی، 8 / 268) و نوشته اند که علی علیه السلام بر پیکر همسرش نماز گزارد (ابن حجر عسقلانی، 8 / 268). در منابع اهل سنت از امام سجاد علیه السلام گزارش شده است که فاطمه علیها السلام با پیشنهاد اسماء بنت عمیس از او خواست تابوتی برای حمل جنازه اش بسازد. ذیل همین گزارش، نقل شده است که فاطمه علیها السلام پس از شنیدن صحبت‌های اسماء، تبسم کرد و این تنها تبسم او پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (حاکم نیشابوری، 3 / 162). طبق گزارش امام سجاد علیه السلام، عباس (عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله) از علی علیه السلام خواست تا مهاجران و انصار بر فاطمه علیها السلام نماز بخوانند. علی علیه السلام پس از یادآوری مظلومیت فاطمه علیها السلام، به عمویش گفت که این امر خلاف وصیت فاطمه علیها السلام است (طوسی، الامالی، 156؛ مجلسی، 43 / 209 - 210؛ به مقاله وصایای فاطمه علیها السلام).

شخصیت و جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام

ائمه علیهم السلام به توصیف و تبیین ویژگی‌های شخصیتی فاطمه علیها السلام از جنبه های گوناگون اهتمام داشته اند. این امر از سخن آنان درباره وجه تسمیه فاطمه علیها السلام به این نام و دیگر اسامی ایشان دیده می شود. بنابر گزارشی از امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام، دلیل نام گذاری آن حضرت علیها السلام به فاطمه آن

است که ایشان بین آتش جهنم و شیعیان و ذریه اش جدایی می اندازد (ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1/ 179؛ طبری امامی، 148). امام باقر علیه السلام فرموده که نام فاطمه علیها السلام به این معناست که خداوند، او و دوستدارانش را از آتش جهنم دور ساخته است (ر.ک: مجلسی، 8 / 51). به بیان امام صادق علیه السلام، چون او از بدی و شرّ دور است، فاطمه علیها السلام نامیده شده است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 178؛ مجلسی، 43 / 10). مشابه این روایت از امام رضا علیه السلام نیز رسیده است (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 51). به گفته امام صادق علیه السلام، او را زهرا علیها السلام خوانده اند، زیرا خداوند او را از نور عظمت خود خلق کرده است. ایشان در حدیث دیگری فرموده است که او را زهرا علیها السلام نامیده اند، زیرا وقتی در محراب عبادت قرار می گرفت نورش آسمانها را روشن می کرد، همان گونه که نور کواکب، زمین را روشن می سازد (طبری امامی، 149). امام صادق علیه السلام از دلایل محدّثه بودن آن حضرت علیها السلام نیز سخن گفته است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ طبری امامی، 181؛ مجلسی، 23 / 78). امام صادق علیه السلام، کنیه فاطمه علیها السلام را ام ایها ذکر کرده است (ابن عبدالبر، 4 / 1899؛ مجلسی، 43 / 19). این کنیه به خوبی از جایگاه فاطمه علیها السلام در نزد پدرش حکایت می کند. امام صادق علیه السلام از اسامی فاطمه علیها السلام نیز نام برده است؛ صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، رضیه، محدّثه، و زهرا (صدوق، الامالی، 688؛ همو، علل الشرایع، 1 / 178؛ مجلسی، 23 / 10).

آن دسته از فضایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام بیان کرده، مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است و ایشان با یادآوری آنها در صدد معرفی بیشتر شخصیت فاطمه علیها السلام بوده اند. از جمله، امام صادق علیه السلام گفته که سرشت فاطمه علیها السلام بهشتی است و وجود او از میوه ای بهشتی شکل گرفته است و پیامبر صلی الله علیه و آله رایحه بهشتی را از بوییدن فاطمه علیها السلام استشمام می کرد (صدوق، علل الشرایع، 1 / 184؛ مجلسی، 43 / 5). طبق گزارش ایشان، در شب معراج، جبرئیل از میوه درخت طوبی به پیامبر صلی الله علیه و آله داد

تا بخورد. پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله به زمین، خدیجه علیها السلام باردار شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله با بوسیدن و بوییدن فاطمه علیها السلام، بوی درخت طوبی را استشمام می کرد (قمی، 1 / 365؛ ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1 / 183؛ مجلسی، 8 / 120). از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله دخترش را زیاد می بوسید (صدوق، علل الشرایع، 1 / 183).

شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام در نزد پدرش نیز از موضوعات مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است و ایشان روایات رسیده در این خصوص را یادآوری می کردند. نمونه آن، روایت امام صادق علیه السلام درباره برتری رتبه سیادت حضرت زهرا علیها السلام بر حضرت مریم علیها السلام است (صدوق، الامالی، 187؛ طبری امامی، 149، مقاله سیده نساء العالمین).

امام کاظم علیه السلام از ورود نابینا همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه فاطمه علیها السلام و حجاب گرفتن حضرت فاطمه علیها السلام سخن گفته است (مغربی، 2 / 214؛ مجلسی، 43 / 91).

ائمه علیهم السلام درباره هم ترازوی شخصیت فاطمه علیها السلام و همسرش علی علیه السلام در امر ازدواج نیز سخن گفته اند. ابان بن تغلب از امام باقر علیه السلام روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که طبق آن، فرمان ازدواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام از آسمان نازل شد (کلینی، 5 / 528؛ مجلسی، 43 / 145). به فرموده امام صادق علیه السلام، اگر علی علیه السلام نبود، همتایی برای فاطمه علیها السلام وجود نداشت (صدوق، علل الشرایع، 1 / 178؛ طوسی، الامالی، 43؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

تبیین جایگاه دنیوی و اخروی فاطمه علیها السلام نیز از موضوعات مهمی بوده است که ائمه علیهم السلام اهتمام ویژه ای به انعکاس آن داشته اند. امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله به ام ایمن گفت: «هنگام عروسی فاطمه علیها السلام، خداوند طوبی را مهر فاطمه علیها السلام قرار داد» (صدوق، الامالی، 362 - 363؛ مجلسی، 43 / 98 - 99). از موسی بن جعفر علیهما السلام نیز روایتی رسیده است که طبق آن، هنگام عروسی فاطمه علیها السلام، در آسمان نیز جشنی باشکوه برگزار گردید (ر.ک؛ طوسی، الامالی، 257؛ مجلسی، 43 / 103).

امام صادق علیه السلام درباره محدّثه بودن فاطمه علیها السلام اظهار داشته است که ملائکه از آسمان هبوط می کردند و همان گونه که مریم علیها السلام را صدا می زدند، فاطمه علیها السلام را صدا می زدند و به فاطمه علیها السلام بشارت می دادند که برگزیده و پاکیزه است (صدوق، علل الشرایع، 1 / 182؛ مقاله محدّثه بودن فاطمه علیها السلام). امام باقر علیه السلام از شفیع بودن فاطمه علیها السلام در قیامت (ر.ک: صدوق، علل الشرایع، 1 / 179؛ مجلسی، 43 / 15) و درباره چگونگی و هیئت فاطمه زهرا علیها السلام هنگام ورود به محشر و از نحوه دادخواهی حضرت علیها السلام و شفاعت شیعیان و محبانش سخن گفته است (صدوق، الامالی، 69، مجلسی، 23 / 218). امام باقر و امام صادق علیهما السلام از چگونگی حضور فاطمه علیها السلام در محشر گزارش داده اند (صدوق، الامالی، 69؛ مجلسی، 43 / 62). از حسین بن علی علیهما السلام نیز حدیثی در این خصوص رسیده است (طبری امامی، 153؛ مقاله شفاعت و فاطمه علیها السلام).

ائمه علیهم السلام در تفسیر برخی از آیات، مصادیق و شأن نزول یا تطبیق برخی از آیات را فاطمه علیها السلام دانسته اند. در تفسیر فرات الکوفی، در تفسیر آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (قدر، 1)، امام صادق علیه السلام «لیلة» را فاطمه علیها السلام دانسته است (581؛ ر.ک: مجلسی، 43 / 65).

از امام باقر علیه السلام درباره آیه «كَشَّ جَرَّةً طَيِّبَةً أَصَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ» (ابراهیم، 24) سؤال شد و ایشان گوهر آن درخت پاک آسمانی را فاطمه علیها السلام معرفی کرد (صفا، 79). سلام خثعمی گفته است درباره آیه «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ» از امام باقر علیه السلام پرسیدم. حضرت علیه السلام فرمود: «درخت، پیامبر صلی الله علیه و آله است و فرع آن علی علیه السلام و میوه آن حسن و حسین علیهما السلام و شاخه آن فاطمه علیها السلام و شعب آن شاخه ائمه علیهم السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام و برگهای آن شیعیان و محبان ما هستند» (حاکم حسکانی، 1 / 406). امام صادق علیه السلام از طریق اجدادش نقل کرده است زمانی که آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء، 26) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را فراخواند و فدک را به او عطا کرد (حاکم حسکانی،

1 / 442). درباره آیه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده، 24) امام باقر علیه السلام فرموده که در مورد فرزندان فاطمه علیها السلام نازل شده است فرات کوفی، 329؛ حاکم حسکانی 1 / 583). به گفته امام حسن علیه السلام، زمانی که آیه تطهیر (احزاب، 33) نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله ما را جمع کرد و عبایی خبیثی روی ما انداخت و فرمود: «خداوند، اینان اهل بیت من هستند» (طوسی، الامالی، 559؛ حاکم حسکانی، 2 / 30). حدیث کساء را امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده است (ر.ک: عیاشی، 1 / 250 - 251، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن).

ائمه علیهم السلام از جایگاه فاطمه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز گزارشهایی داده اند. در منابع متقدم اهل سنت از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی از پیامبر صلی الله درخواستی داشتند، آن را با فاطمه علیها السلام در میان می گذاشتند تا به خواست خود دست یابند (ابن سعد، 8 / 172). این روایت از جایگاه فاطمه علیها السلام نزد زنان پیامبر نه و نزد شخص پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت دارد. امام باقر علیه السلام فرموده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی به سفر می رفت آخرین کسی را که می دید فاطمه علیها السلام بود و وقتی باز می گشت، اولین کسی را که ملاقات می کرد، فاطمه علیها السلام بود (طبرسی، مکارم الاخلاق، 94؛ مجلسی، 23 / 83).

امام صادق علیه السلام از پدرش از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند به واسطه غضب فاطمه علیها السلام غضبناک، و با رضایت او راضی می شود» (صدوق، الامالی، 467؛ طبری امامی، 146). این روایت، از طریق امام صادق علیه السلام، در منابع اهل سنت نیز آمده (طبرانی، 22 / 401؛ حاکم نیشابوری، 3 / 154) و از طریق دیگر، از امام سجاد علیه السلام نیز در منابع اهل سنت نقل شده است (حاکم نیشابوری، 3 / 154؛ ابن حجر عسقلانی، 8 / 265). امام رضا علیه السلام نیز آن را روایت کرده است (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 51).

بیان ارزش رابطه نسبی با فاطمه علیها السلام نیز مورد توجه ائمه علیهم السلام بوده است. امام حسین علیه السلام از فاطمه علیها السلام نقل کرده است که پیامبر فرمود: «هر پیامبری عَصَبَه و

خاندان پدری ای دارد که نسبشان بدو باز می‌گردد، مگر فاطمه علیها السلام که نسب فرزندانش به من باز می‌گردد» (طبری امامی، 76؛ مجلسی، 230 / 43، مقاله فرزندان فاطمه علیها السلام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله). امام صادق علیه السلام یکی از تطبیقات آیه «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس، 3) را امامان علیهم السلام از ذریه فاطمه علیها السلام دانسته است (قمی، 2 / 424؛ کلینی، 5 / 50). امام حسین علیه السلام روایتی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به فاطمه علیها السلام بشارت داده مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل اوست (سیوطی، 85؛ متقی هندی، 14 / 584).

در روایتی از زبان امام باقر علیه السلام آمده است که فاطمه علیها السلام دارای سفره ویژه ای حاوی غذا بود که، طبق بیان پیامبر صلی الله علیه و آله، اگر از غذای آن به ام ایمن نمی‌داد، غذای آن هرگز پایان نمی‌پذیرفت (کلینی، 1 / 460؛ مجلسی، 43 / 63). این روایت حاکی از کرامات فاطمه علیها السلام است، نظیر آنچه درباره مریم علیها السلام در قرآن کریم آمده است (ر.ک: آل عمران، 37).

در برخی روایات، زیبایی فاطمه علیها السلام وصف، و گفته شده است که اوزیباترین زن در عصر خود بود (کلینی، 8 / 165؛ مجلسی، 41 / 131). بنا بر روایاتی، فاطمه علیها السلام مانند همه دختران پیامبر صلی الله علیه و آله، از عادت ماهیانه پیراسته بود (علی بن جعفر، 325 / 1؛ کلینی، 1 / 458). امام صادق علیه السلام همین ویژگی فاطمه علیها السلام را دلیل حرمت ازدواج علی علیه السلام با هر زن دیگر - تا زمانی که فاطمه علیها السلام زنده بود - دانسته است (طوسی، تهذیب الاحکام، 7 / 475؛ همو، الامالی، 43 - 44؛ مجلسی، 43 / 153، به مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام). امام حسین علیه السلام نیز در یکی از خطبه هایش، در نکوهش ابن زیاد - که او را به ذلت تسلیم و بیعت فراخوانده بود - فرمود: «دامنهای پاک که مرا پرورده اند هرگز اجازه چنین ذلتی به من نمی‌دهند» (ابن ابی الحدید، 3 / 250؛ مجلسی، 45 / 83)، که به مادرش فاطمه علیها السلام و جایگاه ایشان اشاره دارد.

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابة،

تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بيروت، دارصادر؛ ابن طيفور، احمد بن ابى طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتى؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. 463 ق.)، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دار الجيل، 1412 ق؛ ابوالفرج اصفهاني، على بن حسين (م. 356 ق.)، مقاتل الطالبين، تحقيق كاظم مظفر، قم، مؤسسة دار الكتاب، 1385 ق؛ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابى داود، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دار الفكر، 1410 ق؛ اربلى، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ برقى، احمد بن محمد (م. 274 ق.)، المحاسن، تحقيق جلال الدين حسيني، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1370 ش؛ بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ جوهرى بصرى، احمد بن عبدالعزيز (م. 323 ق.)، السقيفة وفدك، تحقيق محمد هادى امينى، بيروت، شركة الكتيبى، 1413 ق؛ حاكم حسكاني، عبيد الله بن عبدالله (م. 506 ق.)، شواهد التنزيل، تحقيق محمد باقر محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1411 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دارالمعرفة؛ زيد بن على (م. 122 ق.)، مسند زيد بن على، بيروت، دار مكتبة الحياة؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة كتب الثقافية، 1413 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)، الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، 1404 ق؛ همو، معانى الاخبار، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1361 ش؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1404 ق؛ صفار، محمد بن حسن (م. 290 ق.)، بصائر الدرجات الكبرى، تحقيق ميرزا محسن كوجه باغى، تهران، مؤسسة الأعلمى، 1404 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى،

بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق، طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضى، 1392 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1364 ش؛ على بن جعفر (م. قرن 2)، مسائل على بن جعفر و مستدركاتهما، تحقيق مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، مشهد، المؤتمر العالمى للامام الرضا، 1409 ق؛ عياشى، محمدبن مسعود (م. 320 ق.)، تفسير العياشى، تحقيق سيدهاشم رسولى محلاتى، تهران، المكتبة العلمية الاسلاميه؛ فرات كوفى، فرات بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير فرات الكوفى، تحقيق محمدكاظم محمودى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1410 ق؛ قمى، على بن ابراهيم (م. 307 ق.)، تفسير القمى، تحقيق سيدطيب موسى جزائرى، قم، دار الكتاب، 1404 ق؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1363 ش؛ متقى هندى، على (م. 975 ق.)، كنز العمال فى سنن الاقوال و الافعال، تحقيق بكرى حيانى، صفوة السقا، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1409 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ محدث قمى، عباس (م. 1359 ق.)، سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، تهران، دارالاسوة، 1416 ق؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضى، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1408 ق.

على نصيرى

ص: 395

جایگاه و فضیلت‌های فاطمه علیها السلام از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.

با توجه به عصمت و جایگاه معنوی حضرت فاطمه علیها السلام، شناخت حقیقت او، برای کسی جز معصومان علیهم السلام امکان پذیر نیست، البته اشخاص دیگر نیز - به ویژه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به حضرت زهرا علیها السلام نزدیک بودند - به میزان فهم خویش، فضایی از حضرت علیها السلام را که خود شاهد آن بوده اند، گزارش کرده اند.

به نوشته برخی سیره نگاران، رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول حیاتش همسران متعددی اختیار کرد (ر.ک: ابن سعد، 8 / 52 - 149؛ ابن راهویه، 4 / - 53) که عملکرد برخی از آنان، مانند عایشه و حفصه، همسو بود و برخی دیگر با ام سلمه و زینب بنت جحش همفکر بودند. از این رو برخی، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به دو گروه تقسیم کرده (بخاری، صحیح، 3 / 132؛ ابن حجر عسقلانی، تغلیق التعلیق، 3 / 353 - 354) و برخی عایشه و حفصه را «یَدِ واحِدَه» خوانده اند (واقدی، 2 / 708؛ ابن سعد، 8 / 94) که بیانگر موضع مشترک آن دو در برابر دیگر زنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به ویژه ام سلمه، است (ر.ک: ابن راهویه، 2 / 18 - 19). با توجه به پارهای روایات، گروه دوم از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله با فاطمه علیها السلام مناسبات صمیمانه تری داشتند (عسکری، 1 / 80 - 81). با وجود این، گزارشهایی که از عایشه درباره جایگاه و شخصیت فاطمه علیها السلام رسیده است، از روایتهای نقل شده از طریق ام سلمه کمتر نیست. در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، عایشه و ام سلمه (ر.ک: احمد بن حنبل، 6 / 29 - 282، 288 - 324) بیشترین روایات و گزارشها را در خصوص فاطمه علیها السلام نقل کرده اند.

عایشه دختر ابوبکر، سومین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، که بنا بر نقلی، هشت ماه پس از هجرت به مدینه، در شوال با آن حضرت علیها السلام ازدواج کرد (ابن سعد، 8 / 58). ابن کثیر زمان ازدواج آنان را سال دوم هجرت دانسته است (3 / 161). عایشه در این دوران با حضرت فاطمه علیها السلام، که چند ماه بعد با علی علیه السلام ازدواج کرد (ر.ک: ابن سعد، 8 / 18 - 20؛ مجلسی، 43 / 92)، از نزدیک آشنا شد. فاطمه علیها السلام پس از ازدواج، نیز فراوان به خانه پدر رفت و آمد می کرد (ر.ک: ابن سعد، 8 / 22 - 23).

لذا، برای عایشه فرصتی فراهم شد تا از نزدیک با شخصیت او آشنا شود. از عایشه دو دسته گزارش نقل شده که بخشی از آن مربوط به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام، و دسته دیگر اظهارات و موضع گیریهای خود اوست.

از جمله روایان حدیث معروف «فَاطِمَةٌ بَضْعَةٌ مِنِّي مَن آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي»، عایشه است که در آن از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فاطمه پاره تن من است و هر کس او را بیازارد، مرا آزرده است (بحرانی اصفهانی، 11 / 1050؛ قندوزی، 2 / 322؛ مرعشی نجفی، 10 / 211). همچنین وی از جمله روایان حدیث کساء (ابن راهویه، 3 / 678؛ مسلم نیشابوری، 7 / 130؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 147) و روای مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله است که فاطمه علیها السلام را سرور زنان دو عالم (طیالسی، 196 - 197) و سرور زنان بهشت (بخاری، صحیح، 4 / 183، 209) معرفی کرده است (مقاله سیده النساء العالمین).

مضمون این دو روایت حاکی است که او به محتوای روایاتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام گزارش شده، توجه بسیاری نشان داده و روایاتی نزدیک بدان را از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد خویش گزارش کرده است. از این رو، عایشه روایتی را درباره فضیلت خودش در حضور حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که در آن، گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله از او پرسیده است: «آیا راضی نیستی که همسر من

در دنیا و آخرت باشی؟» (ابن راهویه، 2 / 17؛ ابن بلبان فارسی، 16 / 7). همچنین روایتی را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله از فاطمه علیها السلام خواسته است چون پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه را دوست دارد، او را اذیت نکند و آن حضرت علیها السلام نیز چنین کرده است (ابویعلی موصلی، 8 / 365). این گزارشها مؤید آن است که عایشه علاقه زیادی داشته میان روایاتی که خودش از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فضیلت خود نقل کرده، با فضایل نقل شده برای فاطمه علیها السلام، مشابهت و هم ترازوی برقرار سازد. این مهم حاکی از بزرگی جایگاه و شخصیت فاطمه علیها السلام نزد عایشه است. در منابع، گزارشهایی هست که عایشه به مادر فاطمه علیها السلام، به دلیل جایگاهش در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله، حسادت می کرده، خود عایشه نیز به آن اذعان کرده است (حاکم نیشابوری، 3 / 186).

به گفته عایشه، هرگاه فاطمه علیها السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شد، آن حضرت صلی الله علیه و آله خوش رویی از او استقبال می کرد و دست او را می گرفت و او را می بوسید و در جای خود می نشاند. فاطمه علیها السلام نیز هرگاه پدرش بر او وارد می شد، تمام قامت جلوی او بر می خاست و با خوشامد گویی از او استقبال می کرد و دستهایش را می بوسید (بخاری، الادب المفرد، 209؛ بیهقی، 7 / 101؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، 8 / 103).

بسیاری از علمای شیعه (صدوق، 332؛ ابن شهر آشوب، 3 / 111؛ مجلسی، 43 / 23، 38، بحرانی اصفهانی، 11 / 162) و اهل سنت (ترمذی، 5 / 362؛ حاکم نیشابوری، 3 / 154؛ خوارزمی، 79) نقل کرده اند که عایشه، فاطمه علیها السلام را محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می دانست. همچنین نقل کرده است که هرگاه از سفر باز می گشت، گلوی دخترش فاطمه علیها السلام را می بوسید و می فرمود که بوی بهشت را از فاطمه علیها السلام استشمام می کند (طبری، ذخائر العقبی، 36؛ قندوزی، 2 / 59 - 60؛ مرعشی نجفی، 10 / 186). وی از میوه ای بهشتی که نطفه فاطمه علیها السلام پس از خوردن آن بسته شد،

سخن گفته است (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 401؛ هیشمی، 9 / 202). در روایت دیگری، عایشه نقل کرده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله هرگاه از جنگ باز می گشت، فاطمه علیها السلام را می بوسید (ابن شهر آشوب، 3 / 112 - 113؛ مجلسی، 43 / 40). گاهی بر میان دو چشم او بوسه می زد (مجلسی، 43 / 40، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله).

عایشه از برخی ویژگیهایی که فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله به ارث برده بود نیز سخن گفته است، مانند اینکه دقیقاً مانند پدرش راه می رفت (ابویحیی کوفی، 79 - 180 طیالسی، 196؛ نسائی، الوفاة، 19). نیز اظهار کرده است که هرگز کسی را در نحوه سخن گفتن، صحبت کردن و نشستن، شبیه تر از فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله ندیدم (ابن راهویه، 5 / 8؛ ر.ک: حاکم نیشابوری، 3 / 154، 160؛ طبری، 41). درباره شباهت فاطمه علیها السلام به رسول اکرم صلی الله علیه و آله، از حیث ظاهر و وقار و رفتار و راه و رسم زندگی نیز از عایشه گزارشهایی رسیده است (ابوداود سجستانی، 2 / 522؛ نسائی، فضائل الصحابه، 77 - 78؛ حاکم نیشابوری، 4 / 272). از او نقل شده است که هرگز از فاطمه علیها السلام راستگوتر ندیده ام (ابویعلی موصلی، 8 / 153). از این رو، زمانی که عایشه مسبب اختلافی بین خود و پیامبر صلی الله علیه و آله شد، در مقام دفاع از خویش، پیشنهاد کرد که در این باره نظر فاطمه علیها السلام پرسیده شود، زیرا او هرگز دروغ نمی گوید (طبرانی، المعجم الاوسط، 3 / 137؛ هیشمی، 9 / 201؛ مجلسی، 33 / 84). همچنین معتقد بود که هرگز کسی برتر از فاطمه علیها السلام نیست، جز پدرش (طبرانی، المعجم الاوسط، 3 / 137؛ هیشمی، 9 / 201).

از عایشه در خصوص کرامات فاطمه علیها السلام روایاتی در منابع شیعی رسیده است. انس بن مالک برای حجاج بن یوسف ثقفی از قول عایشه گزارش کرده است که عایشه نزد فاطمه علیها السلام رفت، در حالی که آن حضرت علیها السلام در دیگی، با آرد و شیر و روغن، در حال پختن حریره برای حسن و حسین علیهما السلام بود. وی دید که دیگ روی

آتش می جوشد و فاطمه علیها السلام آن را با انگشتانش به هم می زند. عایشه این ماجرا را برای پدرش بازگو کرد و ابوبکر از او خواست که آن را کتمان کند. چون خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، این کرامت فاطمه علیها السلام را تأیید کرد و فرمود: «قسم به کسی که مرا به پیامبری برگزید، همانا خداوند آتش را بر گوشت، خون، مو، رگ و استخوان فاطمه علیها السلام حرام کرده و نسل و شیعیان او را از آتش باز داشته است» (ابن حمزه طوسی، 293 - 294؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 197 - 198؛ مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام).

عایشه از جمله ناقلان روایتی است که در آن فاطمه علیها السلام، در کنار مریم علیها السلام دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، و خدیجه علیها السلام دختر خُوَیَلِد، یکی از چهار زن برگزیده بهشت معرفی شده است. عایشه خود این روایت را از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام بازگو کرده و او را بدان بشارت داده است (حاکم نیشابوری، 3 / 185 - 186؛ اربلی، 2 / 77؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 119، 1050).

عایشه از علاقه فاطمه علیها السلام به همسرش نیز سخن گفته و نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از فضیلت اصحاب می گفت، اما از علی علیه السلام یاد نکرد. فاطمه علیها السلام از دلیل آن پرسید و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی نفس (خود) من است. آیا کسی را دیده ای که از خودش چیزی بگوید؟» (ابن مردویه اصفهانی، 108؛ خوارزمی، 148؛ ابن جوزی، 1 / 401).

به گزارش عایشه، هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله بیمار بود، با وجود حضور زناش، خبر رحلت خود را به فاطمه علیها السلام داد و دیگران را باخبر نکرد. فاطمه علیها السلام به شدت ناراحت شد، اما چون پیامبر صلی الله علیه و آله به او دلداری داد، خوشحال گردید (ابن ابی شیبه کوفی، 7 / 526 - 527؛ احمدبن حنبل، 6 / 240). به گفته عایشه، پیامبر به فاطمه علیها السلام اظهار کرد: «آیا خشنود نیستی که سرور بانوان عالم هستی؟» (نسائی، السنن الکبری، 4 / 251 - 252؛ ابن عبد الوهاب، 51؛ ابن شهر آشوب، 3 / 136 - 137).

گزارشهای عایشه پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد فاطمه علیها السلام مهم است. او از گزارشگران اصلی ماجرای فدک و ممانعت ابوبکر از دسترسی فاطمه علیها السلام به میراثش از پیامبر صلی الله علیه و آله است و گزارش کرده که فاطمه علیها السلام فدک، خیبر، و اموال پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه را از خلیفه مطالبه کرد. وی روایتی را نقل کرده است که ابوبکر با تمسک بدان، مانع از احقاق حق فاطمه علیها السلام گردید (احمد بن حنبل، 4/1؛ بخاری، صحیح، 42/4، 209-210) و معترف است که روایت «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةً» را تنها پدرش (ابوبکر) نقل کرده و کس دیگری مدعی صدور این روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشده است (ابن منظور، 4/291؛ سیوطی، 73، مقاله فدک). از این نظر، گزارش عایشه اهمیت بسیاری دارد. به گفته او، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام با ابوبکر صحبت نکرد تا اینکه شش ماه بعد، از دنیا رفت و علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را شبانه دفن کرد و ابوبکر را باخبر نساخت (بخاری، صحیح، 82/5؛ مسلم نیشابوری، 154/5). در گزارش دیگر، مدت حیات فاطمه علیها السلام بعد از پدر را دو ماه ذکر کرده است (حاکم نیشابوری، المستدرک، 163/3).

عایشه درباره جایگاه فاطمه علیها السلام در سرای دیگر نقل کرده است که وقتی قیامت آغاز می شود، منادی ندا می دهد: «ای گروه آدمیان، سرهایتان را فرود آورید تا فاطمه علیها السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله، عبور کند» (خطیب بغدادی، 136/8، مقاله فاطمه علیها السلام در آخرت).

از نگاه ام سلمه

هند، دختر ابوامیه بن مغیره مخزومی (ابن سعد، 8/86)، پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله، همسر ابوسلمه عبدالله بن عبدالاسد مخزومی برادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هر دو از مهاجران حبشه بودند (ابن سعد، 8/87). ابوسلمه در جنگ احد زخمی شد و در سال چهارم هجرت در گذشت. ام سلمه پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال چهارم هجرت (ابن حجر عسقلانی،

تهذیب التهذیب، 12 / 405)، در غزوات بسیاری (نظیر مُرَیْسِیْع، خیبر، خندق، فتح مکه و حُنَین) همراه ایشان بود (ر.ک: واقدی، 1 / 407؛ 2 / 454، 685، 829) و احادیث فراوانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است (ر.ک: احمد بن حنبل، 6 / 292 - 322؛ ابویعلی موصلی، 12 / 309 - 313). او از زنان همراه حضرت فاطمه علیها السلام بود و با ایشان انس فراوان داشت (مقاله زنان همراه فاطمه علیها السلام). از ام سلمه، مانند عایشه، دو گونه گزارش در خصوص فاطمه علیها السلام رسیده است: گزارش سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام، و گزارش خود ام سلمه از احوال فاطمه علیها السلام.

ماجرای حدیث کساء و نزول آیه تطهیر، در خانه ام سلمه رخ داد. بدین ترتیب، ام سلمه مهم ترین راوی حدیث کساء است و بسیاری از راویان، از طرق متعدد، آن را از وی نقل کرده اند (احمد بن حنبل، 6 / 292؛ ابویعلی موصلی، 12 / 313؛ حاکم نیشابوری، 2 / 416). از جمله عمر بن ابی سلمه (ابن مردویه اصفهانی، 303) و شهر بن حوشب (ترمذی، 5 / 361) آن را از طریق ام سلمه نقل کرده اند. او همچنین حدیثی را نقل کرده که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را سرور زنان بهشت خوانده است (ترمذی، 5 / 368 - 369؛ ابویعلی موصلی، 12 / 111).

از ام سلمه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر علی علیه السلام آفریده نمی شد، کسی هم تراز فاطمه علیها السلام نبود» (مجلسی، 40 / 77؛ قندوزی، 2 / 67؛ باقری بیدهندی، 19).

همچنین گفته است که فاطمه علیها السلام از اینکه جبرئیل از او برای علی علیه السلام خواستگاری کرده بود، در نزد دیگر زنان افتخار می کرد (اربلی، 1 / 377؛ مجلسی، 37 / 69). ام سلمه نقل کرده است حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله خدمتگزار خواست و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تورا به امر خیری راهنمایی می کنم که بهتر از خادم است و آن اینکه هنگام خوابیدن، سی و سه مرتبه الحمد لله، سی و سه مرتبه سبحان الله، و سی و چهار مرتبه

الله اکبر بگویی» (دولابی، 145؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 23 / 339؛ سیوطی، 90، مقاله تسبیح فاطمه علیها السلام). احمد بن حنبل این ماجرا را، با تفصیل بیشتری، از زبان ام سلمه نقل کرده است (6 / 298).

در روایات شیعه (مغربی، 3 / 395؛ طوسی، 186؛ اربلی، 3 / 277) و اهل سنت (ابوداود سجستانی، 2 / 310؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 23 / 267؛ حاکم نیشابوری، 4 / 557) از زبان ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل فاطمه علیها السلام است.

طبق برخی گزارشهای تاریخی، پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که ابوبکر فاطمه علیها السلام را از مطالباتش درباره فدک منع کرد و به سخنان و استدلالهای ایشان توجهی نکرد، ام سلمه در دفاع از آن حضرت علیها السلام گفت: «آیا به همچون فاطمه ای علیها السلام چنین سخنانی گفته می شود؟ او حوریهای میان آدمیان است که در دامن پیامبران علیهم السلام تربیت یافته و در دست فرشتگان دست به دست گشته و در رَحْمهای پاک رشد کرده و در بهترین جا، و با بهترین مربی تربیت یافته است. او بهترین زنان و مادر سرور جوانان و هم سنگ مریم علیها السلام دختر عمران، و همسر شجاع ترین هموردان است که با پدر او رسالت الهی خاتمه یافته است. به خدا قسم، پیامبر صلی الله علیه و آله در گرما و سرما دلسوز او بود و بالش زیر سرش می نهاد و روانداز بر روی او می انداخت» (طبری امامی، 124؛ ر.ک: ابن حاتم عاملی، 480).

از نگاه دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

از دیگر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیها السلام گزارش محدودی رسیده است. از حفصه (دختر عمر بن خطاب و همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله) اشعاری در مدح حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده که آنها را در عروسی حضرت علیها السلام خوانده است (ابن شهر آشوب، 3 / 131؛ مجلسی، 43 / 116؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 393). گرچه به نظر می رسد حفصه در آن زمان همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نبوده،

زیرا بنا بر قول مشهور، وی در سال سوم هجرت با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده است (ابن عبدالبر، 4 / 1811) و فاطمه علیها السلام قبل از او ازدواج کرده بود (مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

میمونه بنت حارث، دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، گفته است: «من دیدم فاطمه علیها السلام خواب بود، اما آسیاب دستی او خودبه خود می چرخید. رسول خدا صلی الله علیه و آله را از این ماجرا با خبر ساختم. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می داند کنیز او ناتوان شده، از این رو به آسیاب وحی کرده است که بچرخد و آن چرخیده است» طبرسی، 1 / 295؛ ابن شهر آشوب، 3 / 116؛ مجلسی، 43 / 45). مشابه این گزارش از قول سلمان، ابوذر و عمار نقل شده است (طبری امامی، 141؛ مجلسی، 43 / 28 - 29؛ بحرانی اصفهانی، 11 / 191؛ مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام).

منابع

ابن بلبان فارسی، علاء الدین علی (م. 739 ق.)، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق شعیب الأرئوط، مؤسسة الرسالة، 1414 ق؛ ابن حاتم عاملی، یوسف بن حاتم (م. 664 ق.)، الدر النظیم، قم، نشر اسلامی؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، تغلیق التعلیق، تحقیق سعید موسی قزقی، بیروت، دارعمار، 1405 ق؛ همو، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر، 1404 ق؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 560 ق.)، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم (م. 238 ق.)، مسند اسحاق بن راهویه، تحقیق عبدالغفور عبدالحق، المدینة المنورة، مكتبة الایمان، 1412 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بیروت، دارصادر؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله قرطبی (م. 463 ق.)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، 1412 ق؛ ابن عبدالوهاب، حسین (م. قرن 5.)، عیون المعجزات، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، 1369 ق؛ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهایة،

تحقيق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1408 ق؛ ابن منظور، محمد بن مكرم (م. 711 ق.)، مختصر تاريخ دمشق، تحقيق رياض مراد، دمشق، دار الفكر، 1404 ق؛ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابى داود، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دارالفكر، 1410 ق؛ ابويحيى كوفى، فراس بن يحيى (م. 129 ق.)، مسانيد ابى يحيى الكوفى، تحقيق محمد مصرى، القاهرة، مطابع ابن تيمية، 1413 ق؛ ابويعلى موصلى، اسماعيل بن محمد (م. 307 ق.)، مسند ابويعلى الموصلى، تحقيق حسين سليم اسد، بيروت، دار المأمون للتراث؛ احمد بن حنبل، شيبانى (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ اربلى، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ باقرى بيدهندي، ناصر، خاندان وحى به روايت ام سلمه وعائشه، سندج، دفتر مطبوعات و انتشارات كردى، 1373 ش؛ بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1425 ق؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، الادب المفرد، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1406 ق؛ همو، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبد اللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ خطيب بغدادى، احمد بن على (م. 463 ق.)، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، 1417 ق؛ خوارزمى، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقيق مالك محمودى، قم، نشر اسلامى، 1411 ق؛ دولابى، محمد بن احمد (م. 310 ق.)، الذرية الطاهرة النبويه، تحقيق سيد محمد جواد حسيني، قم، نشر اسلامى، 1407 ق؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، تاريخ الخلفاء، تحقيق عبد الحميد، مصر، دار النشر السعادة، 1371 ق؛ صدوق، محمد بن على (م. 381 ق.)،

الامالى، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الاوسط، دار الحرمين، 1415 ق؛ همو، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، اعلام الورى، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م. 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، القاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الغيبة، تحقيق عبادالله تهرانى، على احمد ناصح، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، 1411 ق؛ طيالىسى، سليمان بن داوود (م. 204 ق.)، مسند ابى داوود الطيالىسى، بيروت، دار المعرفه؛ عسكرى، سيد مرتضى، احاديث ام المؤمنين عائشه، التوحيد، 1414 ق؛ قندوزى، سليمان بن ابراهيم (م. 1294 ق.)، ينابيع الموده لذوى القربى، تحقيق سيدعلى جمال اشرف حسينى، دارالاسوة، 1416 ق؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحارالانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مرعشى نجفى، سيدشهاب الدين (م. 1411 ق.)، شرح احقاق الحق، قم، كتابخانه مرعشى نجفى؛ مسلم نيشابورى، مسلم بن حجاج (م. 261 ق.)، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمى (م. 363 ق.)، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، تحقيق سيد محمد حسينى جلالى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، السنن الكبرى، تحقيق سليمان بندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلميه، 1411 ق؛ همو، الوفاة، تحقيق محمد سعيد زغلول، القاهرة، مكتبة التراث الاسلامى؛ همو، فضائل الصحابه، بيروت، دارالكتب العلميه؛ واقدى، محمد بن عمر (م. 207 ق.)، المغازى، تحقيق مارسدن جونز، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1409 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منع الفوائد، بيروت، دارالكتب العلميه، 1408 ق.

على غلامى دهقى

ص: 406

بررسی نگاه صحابه و تابعان به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام.

صحابه به عنوان یاران و همراهان رسول خدا صلی الله علیه و آله و کسانی که با آن حضرت صلی الله علیه و آله مدتی مصاحبت داشته اند، راویان بلاواسطه سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله شمرده می شوند (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 1 / 7 - 10؛ مالکی، 17 - 21؛ یعقوب، 10 - 19). تابعان اولین نسلی بودند که بعد از صحابه می زیستند و دوران پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکردند، ولی گزارشهای صحابه را درباره سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده (ر.ک: ابن سعد، 2 / 378؛ حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحدیث، 41) و آن را به نسلهای بعدی انتقال داده اند. سرگذشت این دو دسته و طبقات آنان در کتابهای رجال و تراجم گرد آمده است، از جمله در الطبقات الکبری، ابن سعد، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبر؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ابن اثیر جزری، سیر اعلام النبلاء، ذهبی؛ و الاصابة فی تمیز الصحابه، ابن حجر عسقلانی.

دسته بندی این دو گروه به صحابه و تابعان، از حیث جایگاه دینی و کلامی آنان، بیشتر مورد توجه اهل سنت است. عصر صحابه و تابعان برای اهل سنت، از منظر شناخت سیره، تاریخ، تفسیر، حدیث، فقه و کلام، اهمیت ویژه ای دارد. نقش تابعان، به سبب هم زمان نبودن ایشان با دوران رسالت، در حد صحابه نیست، اما چون بیشتر آموزه ها و دیدگاههای صحابه در عصر تابعان ثبت و ضبط شده است، آنان حلقه اتصال نسلهای پسین با صحابه و پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می آیند. عموم صاحب نظران اهل سنت، برای سیره و سنت صحابه تا حد سنت پیامبر علیه صلی الله علیه و آله

اعتبار قائل اند (ر.ک: ذهبی، التفسیر و المفسرون، 1 / 50 - 60؛ معرفت، 1 / 307)، اما عالمان شیعه، به سبب معصوم نبودن صحابه، این نگرش را در مورد آنان ندارند. با این حال، گزارشهای مستقیم صحابه از دوران رسالت و مشاهده بسیاری از رخدادها، به دیدگاههای آنان جایگاهی ویژه می بخشد (ر.ک: نصیری، 144 - 149).

از منابع حدیثی متقدم شیعه و اهل سنت، دیدگاه صحابه و تابعان به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام مشخص می شود. هر چند نقل روایت، گویای دیدگاه صحابه و تابعان درباره حضرت علیها السلام نیست، اما نقل روایات متعدد و نبودن روایات مخالف، با توجه به تأثیر دیدگاه راوی در نقل روایات، گویای موافقت صحابه و تابعان با روایات درباره حضرت علیها السلام است. از قرن چهارم درباره فضایل و زندگی آن حضرت علیها السلام کتابهایی نوشته شده است که در این میان، فضایل سیده النساء، نوشته عمر بن شاهین (محدث و رجالی اهل سنت)، اهمیت بسیاری دارد. او 37 حدیث را، با سند متصل، از صحابه نقل کرده است و از این رو، در شناخت رویکرد صحابه و تابعان در نقل احادیث فاطمه علیها السلام در بین اهل سنت اهمیت دارد. در همان قرن، از میان شیعیان نیز ابوعلی صولی اخبار فاطمه علیها السلام را نوشت (نجاشی، 84؛ طوسی، 78). این کتاب به دست ما نرسیده است، ولی برخی روایات آن را محققان بعدی نقل کرده اند (ابن شهر آشوب، 3 / 166).

مسند فاطمة الزهراء علیها السلام سیوطی، از تک نگاریهای مهم درباره فاطمه علیها السلام است. این کتاب مشتمل است بر 284 روایت، که سیوطی آنها را از منابع اهل سنت گرد آورده است. وی برخی از روایات را با سلسله راویان، برخی را با ذکر نام منبع، و برخی را بدون ذکر منبع آورده است. اما چون در سلسله سند بیشتر روایات، یادآور شده که از صحابه بوده است یا از تابعان، اهمیت دارد.

واعظ قلقشندی نیز کتابی به نام اتحاف السائل بمالفاطمة علیها السلام من المناقب و الفضائل دارد که به صورت موضوعی، روایاتی را از صحابه درباره ولادت، علت نام گذاری، ازدواج، فضایل و سیره، و نیز برخی روایات آن حضرت علیها السلام را جمع آوری کرده است. مؤلف درباره محتوا و سند برخی از موضوعات، اظهار نظر کرده یا در متن توضیحاتی داده (ر.ک: 20 - 131) و در انتهای کتاب، برخی از فضایل منحصر به فرد فاطمه علیها السلام را بررسی نموده است (ر.ک: 93 - 118).

در مجامع روایی اهل سنت، از برخی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، مانند سلمان و عمار، کمتر روایتی نقل شده یا اصلاً روایتی نقل نشده است، از جمله در فضایل سیده النساء، ابن شاهین و مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، سیوطی هیچ روایتی از این دو وجود ندارد. اما در منابع شیعی، از سلمان (قطب راوندی، 2 / 527؛ اربلی، 1 / 363 - 364؛ ر.ک: مجلسی، 43 / 17 - 28 - 66 - 125)، عمار (ابن عبد الوهاب، 46؛ ابن شهر آشوب، 3 / 102، 116؛ ر.ک:

مجلسی، 43 / 8، 45، 209) و ابوذر (صدوق، علل الشرایع، 1 / 163؛ ابن عبد الوهاب، 48؛ ر.ک: مجلسی، 43 / 29، 45، 147، 215) روایات مهم و پر محتوایی رسیده است.

یکی از مجلدات بحار الانوار علامه مجلسی نیز به زندگی و مناقب و سیره آن حضرت علیها السلام، بنا بر منابع گوناگون، اختصاص دارد. در این اثر، افزون بر استفاده گسترده از منابع شیعه، از منابع اهل سنت هم استفاده شده است. مؤلف در کنار اهتمام به ذکر روایات ائمه علیهم السلام در خصوص فاطمه علیها السلام، از طریق صحابه و تابعان نیز روایاتی آورده است. وی بخش عمده ای از روایات شیعی پیش از خود را، با ذکر نام کتابها، در این بخش آورده است (ر.ک: 43 / 2 - 236).

نگاه صحابه به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام

اعتماد محدثان اهل سنت به روایات صحابه و تابعان باعث شده است تا بازساخت اقوال و آرای صحابه و

تابعان برای ایشان اهمیت یابد. لذا، نحوه گزارش دادن صحابه و تابعان، در شکل گیری اندیشه محدثان، مورخان و متکلمان مهم است. در این میان، صحابه به سبب جایگاه و تقدم زمانی، اهمیت بیشتری دارند. شیعیان گرچه سنت صحابه را حجت نمی دانند، در کتابهای تاریخی و روایی به روایات ایشان استناد کرده اند؛ از این رو، در منابع حدیثی و تاریخی شیعه، در کنار گزارشهای ائمه علیهم السلام، از صحابه نیز درباره معصومان علیهم السلام، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام، روایات بسیاری رسیده است. تعداد صحابه ای که درباره فاطمه علیها السلام روایاتی دارند زیاد نیست، ولی همان تعداد هم سرشناس و درجه اول اند، مانند عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله، سلمان فارسی، ام سلمه و عایشه.

گزارش صحابه از زندگی و جایگاه فاطمه علیها السلام، در کنار روایت کردن سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله درباره شخصیت و فضایل او، به نوعی بازگو کننده نگرش و مواضع ایشان در خصوص شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام نیز هست. روایاتی که از طریق صحابه درباره حضرت فاطمه علیها السلام رسیده، متنوع است، به طوری که می توان آنها را گونه شناسی کرد. برخی از صحابه اشکال گوناگونی از گزارشها و روایات را نقل کرده اند، از جمله عبدالله بن عباس و عایشه. این دو به گونه ای زندگی و فضایل و سیره حضرت فاطمه علیها السلام را گزارش کرده اند که می توان حضرت علیها السلام را از دیدگاه آنان جداگانه بررسی کرد، اما برخی از صحابه فقط به برخی نکات و روایات توجه نشان داده اند.

1. ابن عباس: در متون روایی، عبدالله بن عباس راوی روایات فاطمه علیها السلام خوانده شده است (طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 415). او عرصه های مهمی از زندگی، شخصیت و فضایل فاطمه علیها السلام را گزارش کرده، که از آن جمله است: علت نام گذاری ایشان

به فاطمه علیها السلام و برخی دیگر از اسامی آن حضرت علیها السلام؛ برخی ویژگیهای فاطمه علیها السلام، مانند عادت ماهیانه نشدن او (سیوطی، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، 56)؛ مراسم عروسی و مهریه حضرت فاطمه علیها السلام (ابن شاهین، 39؛ سیوطی، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، 80)؛ ویژگیهای همسرش (سیوطی، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، 50)؛ اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام اعطا کرد (ابن مردویه اصفهانی، 196؛ حاکم حسکانی، 1/ 570؛ سیوطی، الدر المنثور، 4/ 177)؛ گزارش خطبه فدک (ابن عقده کوفی، 63؛ طبری امامی، 109)؛ نارضایی حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر و وصیت آن حضرت علیها السلام که شبانه دفن شود و این دو در خاکسپاری اش حضور نیابند (ابن شهر آشوب، 3/ 137؛ مجلسی، 31/ 619؛ 43/ 182 - 183)؛ و گزارشهایی درباره هنگامه شهادت آن حضرت علیها السلام (مجلسی، 43/ 214). وی درباره فضایل فاطمه علیها السلام نیز روایت نقل کرده، از جمله گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را یکی از چهار زن برتر اعصار می داند (ابن شهر آشوب، 3/ 104؛ مجلسی، 43/ 36) و افضل این چهار تن، فاطمه علیها السلام است (ابن شهر آشوب، 3/ 104؛ سیوطی، مسند فاطمة الزهراء الله علیها السلام، 62 مجلسی، 43/ 36)؛ در شب زفاف فاطمه علیها السلام، جبرئیل و میکائیل همراه هفتاد هزار ملک تا صبح تسبیح گویان حضور داشتند (ابن مردویه اصفهانی، 199؛ ابن شهر آشوب، 3/ 130 ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، 2/ 74)؛ و فاطمه علیها السلام سرور زنان در جهان است (صدوق، الامالی، 111 - 112، 374، 560؛ مجلسی، 43/ 22). ابن عباس، از قول پیامبر صلی الله علیه و آله، از جایگاه فاطمه علیها السلام در بهشت خبر داده و گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از هفتاد قصر فاطمه علیها السلام دیدن کرده است که همگی از مرجان سرخ و درهایشان مُرَّصَع به لؤلؤ بودند (مجلسی، 43/ 76).

نحوه ورود فاطمه علیها السلام به قیامت نیز در روایات ابن عباس آمده است (فرات کوفی، 443؛ مجلسی، 43/ 224). همچنین بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام، که خدا او و

فرزندانش را عذاب نمی کند (طبرانی، المعجم الكبير، 11 / 210؛ هیشمی، 9 / 202؛ واعظ قلقشندی، 64)، و نیز دسته ای از روایات تفسیری، از ابن عباس در مورد فاطمه علیها السلام رسیده است. وی ماجرای نزول آیه 61 سوره آل عمران و تصمیم پیامبر صلی الله علیه و آله برای مباحله و همراهی فاطمه علیها السلام را گزارش کرده است (ابن مردویه اصفهانی، 227). سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده است که وقتی آیه 23 سوره شوری «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» نازل شد، اصحاب درباره کسانی که مودت با آنان در این آیه واجب شده است، پرسیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که منظور، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و دو فرزند ایشان و نوادگانشان است (ابن ابی حاتم، 10 / 3276؛ ابن مردویه اصفهانی، 316). ابن عباس گفته که آیه 8 سوره انسان «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» در شأن علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شده است، هنگامی که سه بار، موقع افطار، غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند (ر.ک: ابن مردویه اصفهانی، 341 - 343؛ خوارزمی، 272). این روایت، به خوبی تنوع گزارشهای صحابی ای مانند ابن عباس را نشان می دهد. گزارشهای ابن عباس، در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. به گفته ابن عباس، پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نماز صبح از مقابل خانه فاطمه علیها السلام می گذشت و با اهل بیت خواندن ایشان، آیه تطهیر (احزاب، 33) را می خواند (ابن مردویه اصفهانی، 305؛ سیوطی، الدر المنثور، 5 / 199).

2. انس بن مالک: از جمله اصحابی که از فاطمه علیها السلام روایت نقل کرده انس بن مالک است (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 415 - 416). نام انس در یکی از روایاتی که از فاطمه علیها السلام درباره خاک سپاری پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است، وجود دارد (احمد بن حنبل، 3 / 197؛ طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 415 - 416؛ ابن بلبان فارسی، 14 / 591). روایات انس بیشتر شامل فضایل فاطمه علیها السلام است. او جزو راویانی است که سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را در باره اینکه فاطمه علیها السلام

یکی از چهار زن برتر دو جهان است روایت کرده (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 402؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 157؛ ابن مردویه اصفهانی، 193) و نیز حدیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است که طبق آن، خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا فاطمه علیها السلام را به عقد علی علیه السلام در آورد (ابن مردویه اصفهانی، 196؛ ابن عساکر، 37 / 13؛ اربلی، 1 / 358). انس از خواستگاری ابوبکر و عمر از فاطمه علیها السلام و چگونگی خواستگاری و مراسم ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام سخن گفته است (طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 409؛ ابن بلبان فارسی، 15 / 393 - 394؛ هیشمی، 9 / 205). به روایت او، پیامبر صلی الله علیه و آله شش ماه (ابن شاهین، 28؛ طبرانی، المعجم الكبير، 22 / 402؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 158) هنگام نماز صبح به در خانه فاطمه علیها السلام می رفت و آیه تطهیر را قرائت می کرد (ابن مردویه اصفهانی، 303؛ طبری، 24؛ سیوطی، الدر المنثور، 5 / 198 - 199). انس بن مالک از مادرش نقل کرده است که فاطمه علیها السلام چهره ای چون ماه داشت و شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 161). در منابع شیعی نیز روایتی قریب بدین مضمون از انس آمده است (مغربی، 3 / 29؛ ابن شهر آشوب، 3 / 132؛ مجلسی، 43 / 6). انس بن مالک در مورد آیه 36 سوره نور «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ» گفته است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «منظور، بیت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است» (ابن عقده کوفی، 199؛ ابن مردویه اصفهانی، 284؛ ثعلبی، 7 / 107).

3. ابوسعید خدری: از جمله اصحابی که موضوعات متنوعی را درباره فاطمه علیها السلام گزارش کرده، ابوسعید خدری است. نام او در گزارشهای بخشش فدک به فاطمه علیها السلام بسیار برده شده است. وی ماجرای اعطای فدک پس از نزول آیه 26 سوره اسراء «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» را روایت کرده است (ابویعلی موصلی، 2 / 334؛ ابن مردویه اصفهانی، 196؛ حاکم حسکانی، 1 / 439). او گفته است که فاطمه علیها السلام عزیزترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (ابن شهر آشوب، 3 / 113؛ مجلسی، 43 / 40). به گفته او،

پیامبر صلی الله علیه و آله چهل روز به در خانه فاطمه علیها السلام می رفت و آیه تطهیر را تلاوت می کرد و می فرمود: «با دوستان تو دوست و با دشمنان دشمن هستم» (ابن شاهین، 28 - 29: ابن مردویه اصفهانی، 304؛ حاکم حسکانی، 2 / 46). وی برخی از روایاتی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن فاطمه علیها السلام فرموده، مانند اینکه فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشت است (ر.ک: احمد بن حنبل، 3 / 64، 80؛ مفید، الارشاد، 1 / 37)، و نیز حدیث کساء را از ام سلمه گزارش کرده است (ابن مردویه اصفهانی، 302؛ سیوطی، الدر المنثور، 5 / 198). همچنین در روایتی، از همنشینی فاطمه علیها السلام و خانواده اش با رسول خدا صلی الله علیه و آله در قیامت خبر داده است (طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 406؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 137؛ هیثمی، 9 / 171).

4. عایشه: دختر ابوبکر عایشه، نیز از روایان فاطمه علیها السلام است (طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 416). در میان زنان، وی از کسانی است که درباره زندگی و فضایل فاطمه علیها السلام گزارشهای متنوعی دارد و در مورد شخصیت فاطمه علیها السلام نیز خود اظهار نظرهایی کرده، از جمله گفته است: «من برتر از فاطمه ندیدم، جز پدرش» (طبرانی، المعجم الاوسط، 3 / 137؛ هیثمی، 9 / 201؛ واعظ فلقشندی، 91). به باور عایشه، در صداقت، جز فرزندان فاطمه علیها السلام، با او برابری نمی کنند (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 160 - 161؛ ابن عبدالبر، 4 / 1896؛ طبری، 44؛ مجلسی، 43 / 68). از طرق گوناگون از عایشه روایت شده است که در میان زنان، محبوب ترین شخص نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه بود (ترمذی، 5 / 362؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 403؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 157). به گفته او، فاطمه علیها السلام از نظر رفتار و گفتار، شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. او از احترام متقابل فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن گفته است (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 154، 160؛ بیهقی، 7 / 101؛ ابن راهویه، 5 / 8). عایشه در گزارش دیگری گفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را می بوسید و می بوسید و می فرمود که بوی بهشت را از او استشمام می کنم.

عایشه از محتوای صحیبتهای فاطمه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، پیش از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله (ابن شاهین، 18؛ طبری، 41) و اینکه آن حضرت صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را سرور زنان بهشت خوانده است (ر.ک: ابن شاهین، 17؛ ابن بلبان فارسی، 15 / 402)، گزارش داده است.

عایشه از روایان حدیث کساء (مسلم نیشابوری، 7 / 130)، خطبه فدکیه و جریان منع فاطمه علیها السلام از فدک و ارثیه آن حضرت علیها السلام و مقام اخروی اوست (ابن مردویه اصفهانی، 201 - 204؛ ابن ابی الحدید، 16 / 249؛ واعظ قلقشندی، 83، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله).

5. ام سلمه: همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ام سلمه، نیز از فاطمه علیها السلام روایت نقل کرده است (ابویعلی موصلی، 12 / 313؛ دولابی، 144 - 145؛ طبرانی، المعجم الکبیر، 22 / 421). او برخی از جنبه های زندگی و فضایل فاطمه علیها السلام را گزارش کرده و گفته است که فاطمه علیها السلام شبیه ترین شخص به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود (اربلی، 2 / 100؛ مجلسی، 43 / 55؛ کجوری حسینی، 2 / 467). گزارش او از عروسی و ازدواج فاطمه علیها السلام، و همتایی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، یکی از کامل ترین گزارشهاست (ر.ک: خوارزمی، 342 - 354؛ اربلی، 1 / 363 - 1373 مجلسی، 40 / 77). او گفته است که هرگز بهتر از عروسی فاطمه علیها السلام ندیده ام (ابن ماجه قزوینی، 1 / 616). ام سلمه ماجرای خادمه خواستن فاطمه علیها السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله را گزارش کرده و گفته است پیامبر صلی الله علیه و آله به جای دادن خادمه به آن حضرت علیها السلام، به او تسبیحی یاد داد (سیوطی، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، 90). او از ناراحتی شدید فاطمه علیها السلام و ظلمی که در حق همسرش، پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، روا داشته شده بود، خبر داده است (ابن شهر آشوب، 2 / 49؛ مجلسی، 43 / 156 - 157).

آیه تطهیر (احزاب، 33) در خانه ام سلمه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حدیث کساء را در خانه او ایراد کرد و ام سلمه مهم ترین راوی حدیث کساء است. حدیث کساء

به طرق گوناگون از ام سلمه روایت شده است (احمد بن حنبل، 292/6؛ ابویعلیٰ موصلی، 313/12؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 2/416). ام سلمه از ناقلان حدیث بسیار مهم دیگری است که در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته است: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیها السلام است» (مغربی، 395/3؛ ابوداؤد سجستانی، 310/2؛ ابن ماجه قزوینی، 1368/2، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله).

6. عبدالله بن مسعود: یکی از صحابه ای که از او روایاتی درباره فاطمه علیها السلام رسیده، عبدالله بن مسعود است، از جمله اینکه آتش جهنم بر ذریه فاطمه علیها السلام، به دلیل پاک دامنی فاطمه علیها السلام، حرام است (طبرانی، المعجم الکبیر، 407/22؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 152/3؛ هیشمی، 202/9؛ واعظ قلقشندی، 62). همچنین روایتی که طبق آن، ازدواج فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام، دستور الهی بوده است (طبرانی، المعجم الکبیر، 156/10؛ مغربی، 61/3، 521؛ ابن عساکر، 129/42؛ ابن شهر آشوب، 126/3؛ واعظ قلقشندی، 37) و این گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام که تو را به بهترین فرد به همسری داده ام (ابن عساکر، 128/42؛ اربلی، 359/1؛ واعظ قلقشندی، 75 - 76).

7. ابوهریره: ابوهریره نیز از صحابیانی است که درباره فضایل و برخی جنبه های زندگی فاطمه علیها السلام روایاتی دارد. او نقل کرده است که به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام بدان جهت فاطمه نامیده شد که دوستان آن حضرت علیها السلام از آتش جهنم مصون اند (صدوق، علل الشرایع، 178/1؛ ابن شهر آشوب، 110/3؛ اربلی، 91/2). همچنین نقل کرده است که فرشته ای به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که فاطمه علیها السلام سرور زنان اهل بهشت است (ابن مردویه اصفهانی، 193؛ ذهبی، میزان الاعتدال، 33/4).

به نقل از ابوهریره، فاطمه علیها السلام در حالی که علی علیه السلام فقیر بود، با او ازدواج کرد (اربلی، 377/1؛ مجلسی، 139/43). او جریان خدمتکار خواستن فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله

را نقل کرده است (مسلم نیشابوری، 8/ 79، 85؛ ابن ماجه قزوینی، 2/ 1259، ترمذی، 5/ 181).

ابوهریره حدیثی را روایت کرده که در آن فاطمه علیها السلام محبوب ترین و علی علیه السلام عزیز ترین فرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده شده است (ابن مردویه اصفهانی، 195؛ اربلی، 1/ 332: هیثمی، 9/ 173). به گزارش ابوهریره، رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی عزم سفر می کرد با آخرین کسی که ملاقات می کرد، فاطمه علیها السلام بود و در بازگشت نیز اولین کسی را که می دید او بود (ابن شهر آشوب، 3/ 121؛ مجلسی، 43/ 86). وی از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته است: «اولین کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه است» (ابن شهر آشوب، 3/ 110؛ ذهبی، میزان الاعتدال، 2/ 618). همچنین ناقل حدیثی است که در روز قیامت فاطمه علیها السلام جلوتر از پدرش در محشر حرکت می کند (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3/ 152 - 153؛ مرعشی نجفی، 10/ 154)، در روز قیامت منادی صدا می کند: چشمه‌ایتان را فرو فکنید که فاطمه علیها السلام عبور می کند» (مقریزی، 4/ 195؛ مجلسی، 43/ 223؛ مرعشی نجفی، 10/ 146).

8. جابر بن عبدالله انصاری: در منابع شیعی آمده که جابر بن عبدالله انصاری، از جمله صحابه ای است که فضایل علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را نقل کرده است (ابن شهر آشوب، 3/ 111؛ مجلسی، 43/ 38). ائمه علیهم السلام نیز درباره فاطمه علیها السلام از زبان او روایت نقل کرده اند (ر.ک: صدوق، الامالی، 198؛ مجلسی، 43/ 56، 173). جابر از محبت و علاقه خاص پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام سخن گفته و از میوه ای بهشتی نام برده که نطفه فاطمه علیها السلام از آن شکل گرفته است (طبری امامی، 146؛ مجلسی، 43/ 5).

جابر بن عبدالله نقل کرده است که در شب زفاف فاطمه علیها السلام، جبرئیل و میکائیل همراه هفتاد هزار ملک حاضر بودند و تا صبح تسبیح می گفتند (ابن مردویه اصفهانی، 199؛ ابن شهر آشوب، 3/ 130). همچنین روایت کرده که آیه 5 سوره ضحی «وَلَسَوْفَ

يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرَىٰ فِيهَا مَوْلَىٰ» در مورد فاطمه عليها السلام نازل شده است (ابن مردويه اصفهانی، 199 - 200؛ سیوطی، الدر المنثور، 6 / 361؛ آلوسی، 30 / 160). به گفته جابر بن عبدالله، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه عليها السلام را دید که با لباسی خشن بر تن، گندم آسیاب می کند، به فاطمه عليها السلام فرمود: «در مقابل سختیهای دنیا صبر پیشه کن» (اسکافی، 66 ثعلبی، 10 / 225؛ ابن شهر آشوب، 3 / 120؛ واعظ قلقشندی، 74). جابر روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برای فرزندان هر مادری، عَصَبَ بَه [خویشان پدری] ای هست که بدانها منسوب می شوند، جز دو فرزند فاطمه عليها السلام که من ولیّ و عَصَبَه آنان هستم» (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3 / 164؛ مجلسی، 23 / 104).

ثعلبی، ذیل آیه 37 سوره آل عمران، از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده است که فاطمه عليها السلام کاسه ای غذا برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و پیامبر صلی الله علیه و آله تمام زنانش و خانواده فاطمه عليها السلام از آن خوردند، ولی غذا تمام نشد ثعلبی، 3 / 57؛ ر.ک: ابن کثیر، 6 / 121 - 122؛ سیوطی، الدر المنثور، 2 / 20). منابع شیعی نیز آن را از جابر بن عبدالله نقل کرده اند (قطب راوندی، 2 / 528 - 529؛ مجلسی، 43 / 68). جابر درباره وضع معیشت فاطمه عليها السلام نیز گزارش داده است (مجلسی، 43 / 62). به گفته وی، وقتی آیه 61 سوره آل عمران نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه عليها السلام را همراه خود برای مباحله برد. جابر گفته است که منظور از «و نساءنا» در این آیه، فاطمه عليها السلام است (ابن مردويه اصفهانی، 226 - 227؛ ابن شهر آشوب، 3 / 142 - 143).

9. سلمان فارسی: درباره زندگی فاطمه عليها السلام سلمان فارسی نیز روایاتی دارد. او چگونگی عروسی فاطمه عليها السلام و علی علیه السلام را نقل کرده (خوارزمی، 343؛ اربلی، 1 / 363؛ مجلسی، 43 / 124) و از تقسیم کار بین فاطمه عليها السلام و خادمه اش، فضّه، خبر داده است (قطب راوندی، 2 / 530). سلمان درباره برخی کرامات فاطمه عليها السلام سخن گفته، از جمله

از وی نقل شده است: «برای کاری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده بود، به خانه فاطمه علیها السلام رفتم. دیدم که او خواب است و آسیاب خودبه خود می چرخد» (قطب راوندی، 2/ 527). همچنین ناراحتی و شکایت فاطمه علیها السلام را در روزهای پس از رحلت پدرش و نیز گفتگوی خود را با فاطمه علیها السلام گزارش داده است (ابن حمزه طوسی، 297؛ مجلسی، 43/ 66، 92/ 36 - 37).

از دیگر اصحابی که درباره فاطمه علیها السلام روایت نقل کرده اند، این اشخاص بوده اند: عمار (احمد بن حنبل، 5/ 275؛ ابن عبد الوهاب، 46؛ ابن شهر آشوب، 3/ 102؛ مجلسی، 43/ 8، 209)، ابوذر (صدوق، علل الشرایع، 1/ 163؛ ر.ک: ابن عبد الوهاب، 46 - 48؛ قطب راوندی، 2/ 531؛ مجلسی، 43/ 29، 45، 147)، حذیفه بن یمان (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3/ 151)، ثوبان احمد بن حنبل، 5/ 275؛ ابن شاهین، 13 - 14؛ بیهقی، 1/ 26؛ واعظ قلقشندی، 86؛ مجلسی، 43/ 86)، عمر بن خطاب (طبرانی، المعجم الکبیر، 3/ 45؛ ابن مردویه اصفهانی، 197؛ واعظ قلقشندی، 64؛ مجلسی، 43/ 111)، ابانعلبه (حاکم نیشابوری، المستدرک، 1/ 488؛ ابن عساکر، 40/ 230)، اسماء بنت عمیس (حاکم نیشابوری، المستدرک، 3/ 159؛ اربلی، 13/ 375/ 375؛ مجلسی، 43/ 137 - 138)، اسامه بن زید (طبرانی، المعجم الکبیر، 22/ 403؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 2/ 417؛ واعظ قلقشندی، 29)، و مسور بن مخرمه. روایات مسور بن مخرمه (م. 64 ق.). جنبه منفی دارند. مشهورترین روایت او آن است که علی علیه السلام از دختر ابوجهل خواستگاری کرده است. محتوای این روایت در برخی منابع آمده است (ر.ک: صنعانی، 7/ 301؛ بخاری، 4/ 47؛ ترمذی، 5/ 360؛ ر.ک: ابن شاهین، 33 - 35؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، 3/ 159؛ بیهقی، 7/ 308). او جزو صحابه صغار بوده و گفته شده که از نزدیکان عثمان و معاویه بوده است (ر.ک: ابن عساکر، 58/ 158 - 178) و با عبدالله بن زبیر - که این مطلب را او نیز روایت کرده (ترمذی، 5/ 360) - مصاحبت داشته است (بغدادی، 14/ 4953).

برخی فقیهان شیعه از جمله وجوه استحباب روز؛ اول ذیحجه را ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در این روز دانسته اند (محقق حلی، 710/2؛ علامه حلی، تذکر الفقهاء، 6/194؛ همو، منتهی المطلب، 2/612؛ خوانساری، 2/453).

یکی از سنتهای ازدواج، برگزاری زفاف در شب است (ابن براج طرابلسی، 2/221). برخی سبب استحباب آن را زفاف شبانه حضرت فاطمه علیها السلام دانسته اند (علامه حلی، تذکره الفقهاء، 2/575؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

کار در خانه

درباره کار و خدمت در خانه شوهر، فقیهان مسلمان سه نظر ابراز کرده اند: فقیهان شیعه کارهای خانه را وظیفه شرعی و الزامی زن ندانسته اند (ر.ک: علامه حلی، تحریر الاحکام، 3/587؛ بحرانی، الحدائق، 25/125)، عده ای از فقیهان اهل سنت آن را مطلقاً بر زن واجب شمرده، و برخی راه تفصیل پیش گرفته اند. اما همه آنان به اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده اند که در تقسیم کار میان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، کارهای خانه را بر عهده فاطمه علیها السلام نهاد و کارهای بیرون را به علی علیه السلام وا گذاشت (سرخسی، 16/55؛ ابن قدامه، المغنی، 8/130؛ نوری، المجموع، 16/427؛ ابن مفلح، 7/203؛ رحیبانی، 5/244؛ حیدر، 1/433). یحیی بن حسین، از فقیهان متقدم زیدی، نیز با همین استدلال، کارهای خانه را بر عهده زن دانسته است (1/412).

به نظر می رسد روایت یادشده بر وجوب دلالت ندارد، چرا که تقسیم کار به درخواست آن دو بزرگوار بوده است. علاوه بر آنکه تقسیم مجموعه فعالیتهای درون و بیرون، مربوط به اداره خانه است و پیامبر صلی الله علیه و آله شایسته دانستند که کارهای بیرون خانه را علی علیه السلام و کارهای درون خانه را فاطمه علیها السلام انجام دهد و این موضوع ربطی به مطلق کار زن در بیرون از خانه ندارد یا نافی امکان تقسیم کارها به گونه ای دیگر نیست. در روایات نیز اشاره شده است که فاطمه علیها السلام، با توجه به

دو کنیزی که داشت، به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، یک روز از سه روز را خود عهده دار کارها می شد (بحرانی، الانوار اللوامع، 10 / 93 - 94).

ازدواج با خویشان نزدیک

برخی فقهای اهل سنت، با استناد به روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله (که با خویشان نزدیک ازدواج نکنید، چرا که فرزند، ناتوان و ضعیف به دنیا می آید)، ازدواج فامیلی را مکروه دانسته اند (شریبینی، مغنی المحتاج، 3 / 137). در مقابل، برخی با ضعیف شمردن این روایت، در رد آن، به ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام استناد کرده اند که خویشاوند نزدیک بودند (شروانی، 7 / 189). برخی دیگر با این بیان که ازدواج با خویشان دور بهتر از خویشان نزدیک است و بیگانه از خویشان دور بهتر است، خویشان نزدیک را به فرزندان عمو، عمه، دایی و خاله محدود کرده و به این صورت تصریح کرده اند که ازدواج علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام ازدواج با خویش نزدیک نبوده است (ملیباری، 3 / 313 - 314؛ سیدبکری، 3 / 313 - 314). در منابع شیعی، علامه حلی با استناد به حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله، که ازدواج با خویشاوندان را نهی کرده، ازدواج با اجنبی را از مستحبات ازدواج شمرده است (تذکره الفقهاء، 2 / 569). برخی دیگر این نظر را با عنوان «قیل» آورده (بحرانی، الحدائق، 23 / 17) و گفته اند که مبنای آن، تبعیت از حدیثی است که اهل سنت نقل کرده اند (ر.ک: شهید اول، القواعد، 1 / 381؛ بحرانی، الحدائق، 23 / 18).

موارد دیگری نیز در احکام ازدواج وجود دارد که در آنها شاهد حضور نام حضرت فاطمه علیها السلام هستیم، مانند استحباب خطبه خواندن (طبری امامی، نوادر المعجزات، 85؛ سید بکری، 3 / 309): پرداخت چیزی پیش از زفاف به عروس (ابو داوود سجستانی، 1 / 472؛ ابن عقده کوفی، 106؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 401؛ ابن عساکر، 42 / 127): حکم دف زدن، که برخی در جواز آن گفته اند در عروسی حضرت علیها السلام دف زده شده

است (مغربی، 206 / 2؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 2 / 439)؛ رضایت دختر (میرزای قمی، 4 / 425)؛ و کیفیت اجرای صیغه عقد (محدث نوری، 14 / 311). بیشتر این موارد در منابع فریقین آمده است.

در باب اختلاف زن و شوهر درباره اثاث خانه، نظر شافعی این است که وقتی آن دو در یک خانه ساکن اند و اموال در دست هر دو است، باید هر کدام بر مدعای خود سوگند بخورد و اگر هر دو سوگند خوردند، مال میانشان قسمت می شود. از این رو، صرف تناسب مال با مرد یا زن را کافی نمی داند، چرا که ممکن است کالایی زنانه باشد، اما مرد آن را خریده یا به ارث برده باشد، یا بر عکس. شاهد این مدعا را زهری آهنی ذکر کرده اند که از آن فاطمه علیها السلام بود و علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام اجازه گرفت (5 / 103).

فرزندان فاطمه علیها السلام، علاوه بر دیدگاه فقیهان شیعه، از نظر اهل تسنن نیز احکام خاصی از حیث انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله دارند؛ فرزندان فاطمه علیها السلام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب می شوند (شرینی، مغنی المحتاج، 2 / 388؛ افندی، 1 / 268؛ رحیبانی، 14 / 415 مقاله فرزندان فاطمه علیها السلام، فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله).

احکام ولادت

در اسلام، برای تولد فرزند، آدابی ذکر شده که برخی از آنها از فاطمه علیها السلام نقل شده و برخی دیگر گرچه از آن حضرت صلی الله علیه و آله نقل نشده، ولی مربوط موجود به ایشان بوده است. از جمله:

1. استحباب عقیقه: عقیقه و قربانی کردن برای نوزاد، سنتی اسلامی و مورد اتفاق فقیهان است و کتابهای مستقلی درباره آن نوشته شده (حاجی خلیفه، 1 / 674؛ آقابزرگ تهرانی، 15 / 307) و فقط ابوحنیفه با استحباب آن مخالف است (عینی، 21 / 83؛ شوکانی، 5 / 224). دلیل استحباب آن، عقیقه کردن برای حسن و حسین علیهما السلام است که

در برخی روایات، کار پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده است (ترمذی، 37/3؛ نسائی، 166/7؛ کلینی، 32/6؛ طبرسی، 228) و در برخی دیگر، کار فاطمه علیها السلام (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 50/1):

مجلسی، بحار الانوار، 43/240: 101/112). ابن حزم اندلسی احتمال داده است در روایت باشد، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله گوسفند نرینه ای برای هر کدام از آن دو ذبح کرده باشد و فاطمه علیها السلام گوسفند مادینه (7/531). در برخی از روایات اهل سنت نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را از عقیقه کردن نهی کرده است (احمد بن حنبل، 6/392؛ بیهقی، السنن الکبری، 9/304؛ طبری، ذخائر العقبی، 118). برخی گفته اند که چون پیامبر خودش برای حسن و حسین علیهما السلام عقیقه کرده بود، به دخترش فرمود تو عقیقه نکن (ماوردی، 15/289؛ طبری، ذخائر العقبی، 118؛ شوکانی، 5/229). در فقه اسلامی، عقیقه بر عهده کسی است که خرج نوزاد را می دهد (نووی، روضة الطالبین، 2/498؛ شربینی، مغنی المحتاج، 4/293). در عقیقه کردن پیامبر صلی الله علیه و آله برای حسن و حسین علیهما السلام، با وجود علی و فاطمه علیهما السلام، فقیهان چند احتمال داده اند: نخست اینکه عقیقه به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، اما به دست علی علیه السلام انجام شده؛ دوم اینکه هزینه آن را پیامبر صلی الله علیه و آله داده؛ سوم آنکه به سبب تنگنای مالی علی و فاطمه علیهما السلام، خرج حسن و حسین علیهما السلام را پیامبر صلی الله علیه و آله می داده است (نووی، روضة الطالبین، 2/298 - 499؛ همو، المجموع، 8/432؛ شربینی، مغنی المحتاج، 4/293).

سنت دیگری که در عقیقه به فعل فاطمه علیها السلام استناد می شود، دادن بخشی از گوشت قربانی به قابله نوزاد است. در برخی منابع، مقدار آن یک چهارم گوسفند (کلینی، 6/27؛ طوسی، المبسوط، 1/395) و در برخی، یک ران کامل است (ابن ابی شیبه کوفی، 5/533؛ بیهقی، معرفة السنن، 7/240؛ نوری، المجموع، 8/430) و اگر نوزاد، قابله ندارد، به مادر کودک داده می شود تا به هر کس خواست صدقه بدهد (طوسی، المبسوط، 1/395؛ حر عاملی، 15/152). در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که اگر قابله، زنی یهودی

باشد، بهای یک چهارم گوسفند یا ران گوسفند به او داده می شود (طوسی، المبسوط، 395 / 1، حر عاملی، 15 / 152). بیشتر فقیهان اهل سنت، دادن بخشی از گوسفند را به قابله، به فعل حضرت فاطمه علیها السلام مستند کرده اند که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را انجام داد (شربینی، مغنی المحتاج، 4 / 294؛ همو، الاقناع، 2 / 246؛ بهوتی، کشف القناع، 3 / 32 - 33).

2. صدقه به اندازه وزن موی سر نوزاد: در منابع فقهی و روایی، در تراشیدن موی سر نوزاد و صدقه دادن به اندازه وزن آن، به فعل فاطمه علیها السلام استناد شده است که این کار را به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده بود (احمد بن حنبل، 6 / 392؛ طبرانی، 1 / 310 - 311، 3 / 30؛ طبرسی، 228؛ مجلسی، بحار الانوار، 44 / 136). گاه نیز به صورت کلی آمده است که فاطمه علیها السلام وقتی فرزندی به دنیا می آورد، موی سر او را می تراشید و هم وزن آن، درهم یا نقره صدقه می داد (کلینی، 6 / 26؛ ابن رشد قرطبی، 1 / 374؛ ابن قدامه، المغنی، 11 / 122). گاه تصریح شده که فاطمه علیها السلام این کار را برای حسن، حسین، زینب و ام کلثوم علیهم السلام انجام داده است. مالک بن انس این مطلب را از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است و ایشان از پدرشان نقل کرده اند (الموطأ، 2 / 501). دیگران نیز از مالک نقل کرده اند (ر.ک: بیهقی، معرفة السنن، 7 / 240؛ ابن قیم جوزی، 98؛ عبدی، 3 / 257). فقیهان شیعه (عاملی، 1 / 450 - 451؛ بحرانی، الحدائق، 25 / 65) و اهل سنت (ر.ک: ابن قدامه، الشرح الكبير، 3 / 587؛ انصاری، اسنی المطالب، 1 / 549)، به اجمال یا تفصیل، اقدام حضرت فاطمه علیها السلام را بازگو و به آن استناد کرده اند.

3. ختنه فرزندان پسر: این کار سنتی ابراهیمی و مورد تأیید اسلام است. از نظر فقیهان، پس از بلوغ، بر خود شخص واجب است (ابن براج طرابلسی، 2 / 261) و پیش از آن، بر پدر و مادر مستحب است (نووی، المجموع، 1 / 302). در اغلب منابع اهل سنت، دلیل استحباب ختنه را در روز هفتم تولد، این دانسته اند که امام باقر علیه السلام

نقل کرده است حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم، پسرانش را ختنه کرد (ابن عبدالبر، 21 / 60؛ ابن قدامه، الشرح الكبير، 1 / 110؛ نوری، المجموع، 1 / 307 - 308). در روایات شیعه، این امر به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1 / 31؛ حر عاملی، 15 / 165). بنا بر روایاتی در منابع شیعی، امامان علیهم السلام ختنه شده به دنیا می آیند و ختنه آنان، برای حفظ سنت ابراهیمی، به صورت نمادین انجام می شده است (صدوق، کمال الدین، 433؛ فتال نیشابوری، 260؛ طبرسی، 230؛ حر عاملی، 15 / 164).

4. سوراخ کردن گوش: سوراخ کردن گوش نوزاد، چه دختر چه پسر، مستحب است. منابع فقهی و روایی شیعه به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله استناد کرده اند که به فاطمه علیها السلام دستور داد گوش حسن و حسین علیهما السلام را سوراخ کند (صدوق، من لا یحضره الفقیه، 3 / 289؛ طبرسی، 228؛ بحرانی، الحدائق، 25 / 47). در منابع اهل سنت، در این باره مطلبی یافته نشده است.

5. دعای ولادت: در منابع روایی شیعه، درباره دعا برای رفع دشواری وضع حمل، روایاتی وارد شده و بایی نیز به آن اختصاص یافته، ولی هیچ کدام از حضرت فاطمه علیها السلام نقل نشده است (طبرسی، 409 - 410؛ ر.ک: مجلسی، بحار الانوار، 92 / 116 - 122). در برخی منابع اهل سنت، از آن بانوی گران قدر نقل شده است که هنگام وضع حمل ایشان، پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه و زینب (دختر جحش) دستور داد پیش فاطمه علیها السلام بروند و آیه الكرسي و آیه 54 سوره اعراف و معوذتین (سوره فلق و ناس) را بر او بخوانند (نوی، الأذکار النوویه، 285؛ ثعالبی، 2 / 36 - 37).

6. اذان گفتن در گوش نوزاد: برخی منابع اهل سنت، در استحباب سنت اذان گفتن در گوش نوزاد، یادآور شده اند که وقتی آن بانو، حسن علیه السلام را به دنیا آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش نوزاد اذان گفت (نوی، المجموع، 8 / 434؛ حطاب رعینی، 2 / 86:

بهوتی، کشف القناع، 1 / 275). در منابع شیعی نیز، طبق روایت امام رضا علیه السلام از فاطمه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله در گوش راست حسین علیه السلام اذان و در گوش چپ او اقامه گفت (صدوق، عیون اخبار الرضالیه، 1 / 28 - 29؛ حر عاملی، 15 / 139). برخی به همین امر برای استحباب گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد استناد کرده اند (بحرانی، الحدائق، 25 / 38؛ بحرانی، الانوار الوامع، 10 / 2 / 273).

احکام پوشش و نگاه

فقها در مواردی، احکام پوشش (از جمله پوشش در نماز و نیز رابطه با نامحرم) را به کردار یا گفتار حضرت فاطمه علیها السلام مستند کرده اند (مقاله پوشش زن، حقوقی).

1. پوشش چهره و دستها: از جمله دلایل کسانی که قائل به واجب نبودن پوشش چهره و بلکه جواز نگاه به آن شده اند، رفتار حضرت فاطمه علیها السلام در برابر جابر بن عبدالله انصاری است (بحرانی، الحدائق، 23 / 55؛ نراقی، 16 / 47؛ انصاری، النکاح، 49). برخی فقها، به دلیل ضعف سند و ممکن نبودن التزام به مضمون سند، این حدیث را در خور استناد ندانسته اند (خوئی، النکاح، 1 / 59؛ اشتیاردی، 12 / 486 - 487). در منابع اهل سنت به این حدیث اشاره نشده است. در مقابل، برخی منابع اهل سنت درباره جواز نگاه به دستها، به حدیث انس (که گفته است هنگام گرفتن یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام، دستهای حضرت علیها السلام را دیدم که همانند ماه درخشان بود)، استناد کرده اند، که اگر جایز نبود، حضرت فاطمه علیها السلام هرگز دستهایش را به نامحرم نشان نمی داد (سرخسی، 10 / 153؛ ابن مازہ، 5 / 176). نیز برای حرمت نگاه به نامحرم، به این سخن حضرت فاطمه علیها السلام استناد شده است که فرمود: «بهترین چیز برای زن این است که نه نامحرمی را ببیند و نه نامحرمی او را ببیند» (سرخسی، 10 / 152). برخی این استدلال را، به سبب ضعف سند و دلالت

نکردن بر لزوم پوشاندن صورت و دستها، رد کرده اند (خوئی، النکاح، 1/ 53).

در جواز تماس بدنی محارم، به سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در برخورد با فاطمه علیها السلام استناد شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علیها السلام را می بوسید و می فرمود که عطر بهشت را از او می بویم، و هنگام بازگشت از سفر، نخست به دیدار او می رفت و با او معانقه می کرد و سرش را می بوسید (سرخسی، 10/ 149؛ شروانی، 7/ 202).

در حکم پوشش داشتن زن در برابر برده خود، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. کسانی که آن را واجب نمی دانند به این حدیث استناد کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله بنده ای به فاطمه علیها السلام بخشید و او را به خانه فاطمه علیها السلام برد. آن حضرت علیها السلام بالاپوشی داشت که اگر با آن سرش را می پوشاند، پاهایش پیدا بود، و اگر پاها را می پوشاند سرش پیدا بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اشکالی بر تو نیست، جز پدرت و بنده ات کسی نیست» (طوسی، المبسوط، 4/ 161؛ ابن قدامه، المغنی، 7/ 457؛ نوری، المجموع، 16/ 134؛ بهوتی، کشاف القناع، 5/ 13). برخی در توجیه این حدیث، احتمال داده اند که غلام نابالغ بوده است (علامه حلی، تذکره الفقهاء، 2/ 574). اصل این حدیث در منابع اهل سنت نقل شده است (ابوداود سجستانی، 2/ 270؛ بیهقی، السنن الکبری، 7/ 95)، اما فقهای شیعه درباره آن بحث کرده اند. برخی آن را عامی (از روایات اهل سنت) دانسته و رد نموده یا حمل بر نابالغ بودن غلام نموده اند ابن ادریس حلی، 2/ 609؛ بحرانی، الحدائق، 23/ 70؛ نجفی، 29/ 93). ظاهر عبارت برخی نیز حاکی از پذیرش مضمون آن است (شهید ثانی، مسالک الافهام، 7/ 52؛ نراقی، 16/ 54).

در نوع پوشش زن در نماز نیز فقها به فعل فاطمه علیها السلام استناد و درباره آن بحث کرده اند (علامه حلی، منتهی المطلب، 1/ 237؛ شهید اول، البیان، 63).

از جمله احکام پوشش زنان، پوشیده بودن حجم بدن است، که این حکم پس

از مرگ و هنگام تشییع نیز جاری است. لذا، در اسلام یکی از احکام استحبابی در تشییع جنازه، به ویژه در خصوص میت زن، قرار دادن جنازه در تابوت است. هم فقهای شیعه (علامه حلی، منتهی المطلب، 1/ 443؛ بحرانی، الحدائق، 4/ 89 - 90) و هم فقهای اهل سنت (ابن قدامه، المغنی، 2/ 409؛ نوری، المجموع، 5/ 271؛ ابن مفلح، 2/ 240) این حکم را مطرح کرده اند. نخستین بار در اسلام، ساخت تابوت به خواست حضرت فاطمه علیها السلام صورت گرفت و در تشییع پیکر ایشان از آن استفاده شد. ایشان شیوه تشییع جنازه زنان را خوش نمی داشت، زیرا فقط پارچه ای روی آنان می انداختند و برجستگیهای بدنشان آشکار بود. از این رو، از اسماء بنت عمیس، خواست که برای پوشیده ماندن بیشتر، هنگام تشییع ایشان، چاره ای بیندیشد. اسماء که از زنان مهاجر به حبشه بود و گویا در آنجا دیده بود که مردگان خود را در تابوت سرپوشیده می گذارند، طبق همان الگو، با یک تخت وارونه، نمونه ای برای نشان دادن به حضرت علیها السلام ساخت. به این صورت که پایه های آن را با شاخه های درخت خرما به هم وصل کرده و پارچه ای روی آن انداخت و فضای پوشیده های به وجود آورد. حضرت علیها السلام نیز پسندید و دستور داد که اسماء مانند آن را برایش بسازد. این جریان، هم در منابع شیعی (مغربی، 1/ 232 - 233؛ ر.ک: حر عاملی، 2/ 875 - 877) و هم در منابع حدیثی و فقهی اهل سنت (بیهقی، السنن الکبری، 4/ 34) نقل شده است. حضرت علیها السلام با دیدن تابوت، تبسمی کرد و این نخستین تبسم وی پس از رحلت پدر بزرگوارش بود (یعقوبی، 2/ 115؛ حاکم نیشابوری، 3/ 162؛ اربلی، 2/ 126). برخی فقها، با اتکا بر اجماع، حکم بر کراهت تابوت کرده اند (طوسی، المبسوط، 1/ 187)، اما این مربوط به دفن مرده همراه با تابوت است (علامه حلی، تذکر الفقهاء، 2/ 29).

2. حکم صدای زن: در حرمت شنیدن صدای زن نامحرم، میان فقها

اختلاف نظر وجود دارد (فاضل هندی، 7/ 29؛ بحرانی، الحدائق، 23/ 66). برای جواز آن به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام استناد شده است که با نامحرمان گفت و گو می کردند. از آن جمله است سخن گفتن حضرت فاطمه علیها السلام با صحابه، مانند سلمان و ابوذر و مقداد (طبری امامی، دلائل الامامه، 107 - 108؛ ابن عساکر، 60/ 179؛ نراقی، 16/ 68)، حضور در مسجد در جمع گروهی از اصحاب، برای مطالبه میراث خود، و ایراد خطبه در میان مهاجران و انصار (بحرانی، الحدائق، 23/ 66).

احکام مردگان

در فقه اسلامی، درباره احکام مردگان نیز به سیره حضرت فاطمه علیها السلام استناد شده است، از جمله درباره احکام محتضر (سیدسابق، 1/ 502)، آرزوی مرگ کردن (کجوری حسینی، 2/ 529)، مقدار کفن، شرکت بانوان در تشییع جنازه، خواندن نماز میت در شب، دفن میت در شب، آداب دفن، سوگواری برای مرده، تسلیت گفتن، و زیارت قبور.

فقها نوعاً حکم به کراهت شرکت زنان در تشییع و نماز میت داده اند (ابن قدامه، المغنی، 2/ 364؛ علامه حلی، تذکره الفقهاء، 2/ 55 - 56)، حتی برخی گفته اند که با وجود مردان، نماز میت خواندن بانوان، کافی نیست (نوی، المجموع، 5/ 213). برخی شرکت زنان جوان را مکروه دانسته اند (شهید اول، ذکری الشیعه، 1/ 418؛ نجفی، 4/ 272). برای کراهت آن به روایت ام عطیه استدلال شده است (ابن قدامه، المغنی، 2/ 364؛ علامه حلی، نهایة الاحکام، 2/ 261؛ نجفی، 4/ 272). علمای اهل سنت به این روایت استناد کرده اند که فاطمه علیها السلام برای تسلیت گفتن، به خانه همسایه رفت (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، 3/ 115 - 116) و گفت که چون به قبرستان رفتن من نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خوشایند نبود، به قبرستان نیامدم (احمد بن حنبل، 2/ 169، 223؛ نسائی، 4/ 27 - 28). این حدیث در منابع شیعی نقل نشده است. برخی فقهای اهل سنت نیز در سند آن خدشه وارد

نموده اند (سید سابق، 1 / 542). برخی با عنایت به روایت ام عطیه، که کراهت را می‌رساند، سخت‌گیری پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام را نشان دهنده جایگاه والای فاطمه علیها السلام دانسته‌اند (ابن دقیق العید، 2 / 114). برخی حضور فاطمه علیها السلام را هنگام خاکسپاری خواهرش، رقیه، پذیرفته و برای اولویت داشتن مردان در تدفین زنان، حتی با حضور زنان دیگر، به حضور آن حضرت علیها السلام استدلال کرده‌اند (نووی، المجموع، 5 / 289 - 290؛ مجلسی، لوامع صاحبقرانی، 2 / 358).

در منابع شیعی نیز برای اصل جواز زنان در تشییع جنازه، به حضور فاطمه علیها السلام در تشییع جنازه و خاکسپاری خواهرش و نماز بر وی استناد کرده‌اند (علامه حلی، منتهی المطلب، 1 / 446؛ شهید اول، ذکری الشیعه، 1 / 418؛ بحرانی، الحدائق، 4 / 85). فقهای شیعه درباره اولویت داشتن زن بر دیگران برای نماز میت خواندن، در صورتی که از دیگران به مرده نزدیک تر باشد، به نماز خواندن فاطمه علیها السلام بر خواهرش، زینب، استناد کرده‌اند که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله بود (علامه حلی، تذکره الفقهاء، 2 / 46؛ شهید اول، ذکری الشیعه، 1 / 418). برخی، از این روایات علاوه بر جواز، به شرکت زنان در تشییع جنازه استدلال نموده و کراهت را سرچشمه گرفته از سخنان اهل سنت دانسته‌اند (بحرانی، الحدائق، 4 / 85). در کراهت داشتن یا نداشتن نماز بر میت و خاک سپاری جنازه در شب، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهای اهل سنت، قائل به کراهت آن شده‌اند (ابن حزم اندلسی، 5 / 114 - 115؛ سیدبکری، 2 / 135). فقهای شیعه، به طور کلی، تعجیل در انجام دادن امور مرده و خاکسپاری او را مستحب شمرده‌اند (علامه حلی، نهایت الاحکام، 2 / 217). در روایات نیز تأکید شده است که اگر کسی شب بمیرد، خاکسپاری اش به روز نیفتد و اگر روز بمیرد، به شب نیفتد (کلینی، 3 / 137؛ حر عاملی، 2 / 674 - 675). درباره کراهت نداشتن تجهیز میت در:

شب، فقهای شیعه (علامه حلی، منتهی المطلب، 1/ 458، 465؛ همو، نه‌ایة الاحکام، 2/ 286) و بیشتر فقهای اهل سنت، به نماز و خاکسپاری حضرت فاطمه علیها السلام در شب استناد کرده اند (طحاولی، 1/ 514؛ عبدری، 2/ 237؛ حطّاب رعینی، 3/ 26؛ بهوتی، شرح منتهی الارادات، 1/ 371، مقاله خاک سپاری فاطمه علیها السلام).

سوگواری بر مرده

برای جواز سوگواری، گریه، نوحه سرایی، ادای جملات حزن انگیز و رثا بر مرده، علاوه بر روایات دیگر، به سیره حضرت فاطمه علیها السلام نیز استناد شده است.

از نظر فقهای شیعه، گریه بر مرده، اگر همراه نوحه سرایی و ندبه با اشعار باطل و کذب نباشد، اشکال ندارد (محقق حلی، 1/ 344؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء، 2/ 120؛ خوئی، الطهاره، 9/ 228؛ گلپایگانی، 217). در روایتی، امام باقر علیه السلام به این نکته توجه داده است که زن در مصیبت، نیاز به نوحه سرایی دارد تا اشکهایش جاری شود (کلینی، 1/ 358؛ حر عاملی، 2/ 893). فقها در کنار دلایلی که بر جواز گریه وارد شده است، به گریه فاطمه علیها السلام بر خواهرش و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم استناد نموده اند (محقق حلی، 1/ 344؛ علامه حلی، تذکر الفقهاء، 2/ 120). در روایتی از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل شده است که هنگام خاک سپاری رقیه (دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم)، فاطمه علیها السلام کنار قبر بود و اشکهایش داخل قبر سرازیر می شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با لباسش اشکهای وی را پاک می کرد (کلینی، 3/ 241؛ مجلسی، بحار الانوار، 6/ 266؛ 22/ 164). گریه آن حضرت علیها السلام در فراق پدر، چنان شدید و جان سوز بود که نام فاطمه علیها السلام در میان زیاد گریه کنندگان عالم ثبت شده است (صدوق، الخصال، 272؛ طبرسی، 315). از این رو، برخی از فقهای شیعه گریه فاطمه علیها السلام بر پدر، و گریه امام سجاد علیه السلام بر پدرش، امام حسین علیه السلام، را خارج از بحث شمرده، چرا که از افضل عبادات است، اما گریه فاطمه علیها السلام بر خواهرش، رقیه، را

از دلایل کراهت نداشتن گریه بر مرده و جواز آن دانسته اند (آملی، 6 / 492). اهل سنت بیشتر بر تحریم (ابن قدامه، الشرح الکبیر، 2 / 430؛ نووی، شرح صحیح مسلم، 2 / 138) و کراهت گریه بر مرده فتوا داده اند و معتقدند که گریه بر مرده، موجب ناراحتی و عذاب میت می شود (شافعی، 1 / 318؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، 3 / 129). لذا، در منابع اهل سنت، بر گریه فاطمه علیها السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله استناد نشده است و منابعی هم که آن را گزارش کرده اند، گریه حضرت علیها السلام را ذکر فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده اند و آن را نوحه مصطلحی که از آن نهی شده است، ندانسته اند (ابن کثیر، 5 / 294؛ حلبی، 3 / 474).

نوحه گری بر مرده از رسوم دیرین دوره جاهلیت بوده است. زنان وقتی یکی از نزدیکانشان می مرد، یک سال برای او گریه و نوحه سرایی می کردند و همسایگان و نزدیکان نیز با آنان همراهی می کردند. در این نوحه ها حرفهای بی اساس، ستایشهای بی مورد و اغراق آمیز نیز گفته می شد. پس از اسلام کم و بیش این کار ادامه داشت، تاحدی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم چند امر از دوره جاهلی، از جمله نیاچه، را از یاد نمی برند» (احمدبن حنبل، 2 / 262، 377، 431، 455، 526، 531؛ صدوق، الخصال، 226؛ حر عاملی، 12 / 91). امام صادق علیه السلام نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان بنی هاشم نزد فاطمه علیها السلام آمدند و شروع به نوحه گری کردند، اما حضرت علیها السلام آنان را از نوحه گری نهی نمود و فرمود به جای آن دعا کنید (کلینی، 3 / 217 - 218؛ صدوق، الخصال، 618؛ ابن شهر آشوب، 1 / 204).

ندبه نیز تعبیر دیگری در نوحه گری است که با حرف ندای «وا» ادا می شود، مانند «وا مصیبتاه». به ندبه کنندگان زن، نادبه می گفتند. از نظر برخی فقها، ندبه مکروه است (علامه حلی، منتهی المطلب، 1 / 466)، لکن برخی روایات حاکی از وصیت امام باقر علیه السلام به فرزندش امام صادق علیه السلام است، مبنی بر اینکه مقداری از مال ایشان را

برای نادبه ها قرار دهد تا ده سال در مِنی، در ایام حضور حجاج، برای وی ندبه کنند (کلینی، 5 / 117؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 358). فقها بین نوحه باطل و نوحه سرایی با مضمون صحیح، تفاوت قائل شده اند (علامه حلی، نهاية الاحکام، 2 / 289؛ سبزواری، 4 / 243 - 244)، چنان که امام صادق علیه السلام نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به ام سلمه برای حضور در جلسه عزاداری پسر عمویش اجازه داد و او در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله، در قالب شعر، ندبه کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله ایرادی نگرفت (کلینی، 5 / 117؛ طوسی، تهذیب الاحکام، 6 / 358 - 359). همچنین به روایت امیر المؤمنین علیه السلام از سخنان فاطمه علیها السلام در سوک پدرش، استناد شده است (محقق حلی، 1 / 344 - 345؛ سبزواری، 4 / 244). لذا فقها، به ویژه فقهای اهل سنت، که نوحه خوانی را جایز نمی دانند، برای استثنای جواز نیاچه حق و ندبه درست، به حضرت فاطمه علیها السلام استناد کرده اند که در سوک پدر بزرگوارش اشعاری بر زبان آورد (ر.ک: محقق حلی، 1 / 344 - 345؛ ابن قدامه، المغنی، 2 / 411؛ نووی، المجموع، 5 / 308؛ علامه حلی، نهاية الاحکام، 2 / 289؛ رملی، 3 / 16 - 17؛ شروانی، 3 / 180). ابیات آن بانوی بزرگ در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است (ر.ک: فتال نیشابوری، 1 / 75 ابن شهر آشوب، 1 / 204، 208؛ شربینی، مغنی المحتاج، 1 / 356، مقاله اشعار فاطمه علیها السلام).

غُسل میت

اصل در غسل میت، این است که مرد را مرد و زن را زن بشوید. در این قاعده، استثناهایی وجود دارد. یکی از آنها رابطه همسری است؛ زن می تواند شوهرش را غسل دهد. این را فقهای اهل سنت نیز اجمالاً پذیرفته اند (ابن ابی شیبہ کوفی، 3 / 136؛ بیهقی، السنن الکبری، 3 / 397). فقهای شیعه، حکم به بقای پیوند زناشویی پس از مرگ داده و در این باره به روایتی از امام صادق علیه السلام استناد کرده اند (کلینی، 3 / 157؛ فاضل هندی، 2 / 219 - 220؛ نجفی، 4 / 52 - 53). بر اساس برخی روایات، شوهر از هر شخص دیگری به کارهای پس از مرگ زنش سزاوارتر است

(حر عاملی، 715/2) و از نظر فقها، غسل دادن شوهر مانعی ندارد (مالک بن انس، المدونة الكبرى، 185/1 - 186؛ شافعی، 311/1 - 312؛ طوسی، الخلاف، 699/1؛ ابن قدامه، الشرح الكبير، 312/2؛ نوری، المجموع، 149/5؛ علامه حلی، منتهی المطلب، 1/436؛ نجفی، 48/4). از جمله دلایل جواز، وصیت فاطمه علیها السلام این است که از علی علیه السلام خواست او را غسل دهد (صنعانی، 410/3؛ بیهقی، معرفة السنن، 131/3؛ مجلسی، بحار الانوار، 214/43 - 215) و بر اساس نقل دیگری، از علی علیه السلام و اسما بنت عمیس خواست که بدن وی را غسل دهند (بیهقی، معرفة السنن، 131/3). این موضوع در روایات شیعه (کلینی، 3/159؛ صدوق، علل الشرایع، 184/1) و اهل سنت (شافعی، 311/1 - 312، دار قطنی، 2/66) نقل شده است و فقها در مجاز شمردن آن، به آنها استناد کرده اند. برخی غسل از روی لباس را ترجیح داده اند (ر.ک: نجفی، 4/51، 53 - 54). این دیدگاه در میان شیعه و اهل سنت مخالفانی دارد. برخی حکم به مجاز نبودن داده اند، مگر اینکه غسل دهنده زن وجود نداشته باشد، که در این صورت از روی لباس انجام می شود (ر.ک: طوسی، الاستبصار، 197/1 - 199؛ ر.ک: سرخسی، 2/71؛ نووی، المجموع، 5/150). چون اصل وصیت فاطمه علیها السلام و اقدام امیر المؤمنین علیه السلام در میان شیعیان و اهل سنت، انکارناپذیر است، مخالفان جواز، چه شیعه چه اهل سنت، کوشیده اند آن را از اختصاصات حضرت فاطمه علیها السلام بشمارند و گسترش آن را به دیگران، به عنوان حکم کلی فقهی، رد کنند (کاشانی، 1/306، حصکفی، 2/214 - 215؛ ابن عابدین، 2/214 - 215). برخی روایات، دلیل اختصاص داشتن این حکم را به فاطمه علیها السلام، صدیقه بودن آن حضرت علیها السلام دانسته اند، زیرا صدیقه را باید صدیق غسل دهد، چنان که مریم علیها السلام را عیسی علیه السلام غسل داد (ر.ک: کلینی، 3/159؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1/142؛ همو، علل الشرایع، 1/184؛ طوسی، الاستبصار، 199/1 - 200). دلیل فقهای اهل سنت، فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله است که علی علیه السلام:

«فاطمه علیها السلام را به همسری تو در آوردم در دنیا و آخرت»، و نیز فرمود: «تمام حسبها و نسبها در قیامت از بین می رود، مگر حسب و نسب من» (سرخسی، 2 / 71 - 72).

غسل پیش از شهادت

در منابع شیعه (طوسی، الامالی، 400 - 401؛ ابن بطریق، 389) و اهل سنت (احمد بن حنبل، 6 / 461) روایتی نقل شده مبنی بر اینکه حضرت فاطمه علیها السلام پیش از شهادت غسل کرده است. ظاهر این روایت با روایات متعددی که بیانگر وصیت حضرت علیها السلام و اقدام علی علیه السلام در غسل دادن وی است، سازگاری ندارد (ابن حجر عسقلانی، التلخیص الحییر، 5 / 274). لذا، میان فقهای شیعه و اهل سنت بحث شده است و برخی از اهل سنت این روایت را جعلی دانسته اند (ابن جوزی، العلل المتناهیة، 1 / 261؛ همو، الموضوعات، 3 / 277). در مقابل، برخی از محدثان شیعه گفته اند که حضرت علیها السلام ساعاتی پیش از شهادت، بدن خود را شست، اما آن شستشو، غسلِ نظافتی بود نه غسلِ اصطلاحی (مجلسی، بحارالانوار، 43 / 172). برخی از علمای اهل سنت (بجیرمی، 2 / 517) با پذیرش این روایت، عمل حضرت علیها السلام را ناشی از نورانیت باطنی دانسته اند که با آن، علم به فوت خود پیدا کرد و با غسل کردن، خود را آماده شهادت نمود و فرمود: «مرا پس از مردن غسل ندهید»، اما تأکید کرده اند که نهی حضرت علیها السلام از غسل، وظیفه ما را در غسل دادن پس از فوت ساقط نمی کند (ر.ک: طوسی، الامالی، 400 - 401؛ مجلسی، بحارالانوار، 43 / 172؛ بجیرمی، 2 / 517).

آداب روزه داری

در منابع روایی شیعی، درباره روزه کامل، از فاطمه علیها السلام، حدیثی آورده اند که آن حضرت علیها السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله روح روزه و روزه داری را در حفظ گوش و چشم و زبان از گناه می دانست (مغربی، 1 / 268؛ مجلسی، بحارالانوار، 93 / 295).

این حدیث در منابع فقهی و منابع اهل سنت وارد نشده است.

آداب ورود به مسجد

فقها برای استحباب دعا هنگام ورود به مسجد و نیز

فضيلت صلوات، به اين حديث حضرت فاطمه عليها السلام استناد نموده اند كه پيامبر صلى الله عليه وآله هنگام ورود به مسجد و خروج از آن صلوات مي فرستاد و دعا مي كرد (احمد بن حنبل، 6 / 283؛ ابن ماجه قزويني، 1 / 253 - 254؛ بحراني، الحدائق، 7 / 273؛ نجفي، 14 / 81).

حرمت شراب

در روايات و برخی متون فقهي، براي حرمت مسكرات و شراب، به حديث حضرت فاطمه عليها السلام از پيامبر صلى الله عليه وآله استناد شده كه هر گونه مست كننده و شراب حرام است (طبري امامي، دلائل الامامه، 69؛ شهيد ثاني، الروضة البهيه، 7 / 367؛ محدث نوري، 17 / 58). اين حديث از طرق ديگري نيز نقل شده است.

منابع

آقابزرگ تهراني، محمد محسن (م. 1389 ق.)، الذريعة الى تصانيف الشيعة، بيروت، دارالاضواء، 1403 ق؛ آملی، محمد تقی (م. 1391 ق.)، مصباح الهدى في شرح العروة الوثقى، تهران، 1380 ق، ابن ابی جمهور احسائي، محمد بن علي (م. 940 ق.)، عوالي اللئالی العزيرية في الاحاديث الدينية، تحقيق مجتبی عراقی، قم، مطبعة سيد الشهداء، 1403 ق، ابن ابی شيبه كوفي، عبدالله بن محمد (م. 235 ق.)، المصنف في الأحاديث والآثار، تحقيق سعيد لحام، بيروت، دار الفكر، 1409 ق؛ ابن ادريس حلي، محمد بن منصور (م. 598 ق.)، السرائر، قم، نشر اسلامي، 1410 ق؛ ابن براج طرابلسي، عبدالعزيز (م. 481 ق.)، المهذب، قم، نشر اسلامي، 1406 ق؛ ابن بطريق، يحيى بن حسن (م. 600 ق.)، عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، قم، نشر اسلامي، 1407 ق؛ ابن جوزي، عبدالرحمن بن علي (م. 597 ق.)، العلل المتناهية في الأحاديث الواهية، تحقيق خليل الميس، بيروت، دار الكتب العلمية، 1403 ق؛ همو، الموضوعات، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة، المكتبة السلفية، 1386 ق؛ ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد، علي محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1415 ق؛ همو، التلخيص الحبير في تخريج الرافعي الكبير، دار الفكر؛ همو، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت، دار المعرفة؛ ابن حزم اندلسي، علي بن احمد (م. 456 ق.)، المحلي، دار الفكر؛ ابن حسين، يحيى بن حسين (م. 298 ق.)، الاحكام في الحلال

و الحرام، تحقيق على بن ابي حربصة، 1410 ق؛ ابن دقيق العيد، محمد بن على (م. 702 ق.)، احكام الاحكام ماده شرح عمدة الأحكام، ابن رشد قرطبي، محمد بن احمد (م. 595 ق.)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تحقيق خالد العطار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن شبة نميري، عمر بن شبة (م. 262 ق.)، تاريخ المدينة المنورة، تحقيق محمد فهم شلتوت، قم، دار الفكر، 1410 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن على (م. 588 ق.)، مناقب آل ابي طالب، تحقيق گروهی از اساتيد نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابن عابدين، محمدا مين (م. 1252 ق.)، حاشية ردالمحتار على الدر المختار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبي (م. 463 ق.)، التمهيد، تحقيق مصطفى علوي، محمد بكرى، مغرب، وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية، 1387 ق؛ ابن عساكر، على بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالفكر، 1415 ق؛ ابن عقده كوفي، احمد بن محمد (م. 333 ق.)، فضائل امير المؤمنين عليه السلام، تحقيق عبدالرزاق محمد حسين فيض الدين؛ ابن قدامه، عبدالله بن احمد (م. 630 ق.)، المغنى، بيروت، دار الكتاب العربى؛ ابن قدامه، محمد بن احمد (م. 682 ق.)، الشرح الكبير، بيروت، دار الكتاب العربى؛ ابن قيم جوزى، محمد بن ابي بكر (م. 751 ق.)، تحفة المودود باحكام المولود، تحقيق عبدالقادر الارنؤوط، دمشق، مكتبة دار البيان، 1391 ق؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهاية، تحقيق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1408 ق؛ ابن ماجه قزوينى، محمد بن يزيد (م. 275 ق.)، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفكر؛ ابن مازه، محمود بن احمد (م. 616 ق.)، المحيط البرهاني في الفقه النعماني، دار احياء التراث العربى؛ ابن مفلح، ابراهيم بن محمد (م. 884 ق.)، المبدع شرح المقنع، رياض، دار عالم الكتب، 1423 ق؛ ابوداود سجستاني، سليمان بن اشعث (م. 257 ق.)، سنن ابي داود، تحقيق سعيد محمد لحام، بيروت، دار الفكر، 1410 ق؛ احمد بن حنبل، شيبانى (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر، اربلى، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في معرفة الاثمه عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق، اشتها ردى، على پناه، مدارك العروه، تهران، دارالاسوة، 1417 ق؛ افندى، محمد علاء الدين (م. 1306 ق.)، حاشية قره عيون الا خيار تكملة حاشية ردالمحتار،

تحقيق مكتب البحوث و الدراسات، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ امين عاملى، سيدمحسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ انصارى، زكريا بن محمد (م. 926 ق.)، اسنى المطالب فى شرح روض الطالب، تحقيق محمد تامر، بيروت، دارالكتب العلمية، 1422 ق؛ انصارى، مرتضى (م. 1281 ق.)، النكاح، قم، المؤتمر العالمي بمناسبة المئوية الثانية لميلاد الشيخ الانصارى، 1415 ق؛ بجيرمى، سليمان بن محمد (م. 1221 ق.)، تحفة الحبيب على شرح الخطيب (حاشية البجيرمى على الخطيب)، بيروت، دارالكتب العلمية، 1417 ق؛ بحراني، حسين بن محمد (م. 1216 ق.)، الانوار اللوامع في شرح مفاتيح الشرائع، تحقيق حسن آل عصفور، قم، مجمع البحوث العلمية؛ بحراني، يوسف بن احمد (م. 1186 ق.)، الحدائق الناضرة، قم، نشر اسلامى؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بهوتى، منصور بن يوسف (م. 1051 ق.)، كشاف القناع، تحقيق محمد حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، 1418 ق؛ همو، شرح منتهى الارادات، بيروت، عالم الكتب، 1996 م؛ بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ همو، معرفة السنن و الآثار، تحقيق سيد كسروى حسن، بيروت، دارالكتب العلمية، ترمذى، محمد بن عيسى (م. 279 ق.)، سنن الترمذى، تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ تفسير منسوب به امام عسكرى عليه السلام، التفسير المنسوب الى الامام العسكرى عليه السلام، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق؛ ثعالبى، عبدالرحمن بن محمد (م. 875 ق.)، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن (تفسير ثعالبى)، تحقيق عبدالفتاح، على محمد، عادل احمد، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1418 ق؛ حاجى خليفه، مصطفى بن عبدالله (م. 1067 ق.)، كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، تحقيق سيدشهاب الدين مرعشى نجفى، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دار المعرفة؛ حر عاملى، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، وسائل الشيعة، تحقيق ربانى شيرازى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ حسنى، هاشم معروف، دراسات فى الحديث و المحدثين، بيروت، دارالتعارف، 1398 ق؛ حصكفى، محمدبن على (م. 1088 ق.)،

الدر المختار شرح تنوير الابصار، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ حطّاب رعيّني، محمد بن محمد (م. 954 ق.)، مواهب الجليل لشرح مختصر خليل، تحقيق زكريا عميرات، بيروت، دارالكتب العلمية، 1416 ق؛ حلبي، علي بن برهان (م. 1044 ق.)، السيرة الحلبيه، بيروت، دار المعرفة، 1400 ق؛ حيدر، علي (م. 1353 ق.)، دررالحكام شرح مجلة الاحكام، تحقيق محامى حسيني، بيروت، دارالكتب العلمية؛ خزاز قمي، علي بن محمد (م. 400 ق.)، كفاية الاثر في النص على الائمة الاثني عشر عليهم السلام، تحقيق سيدعبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات بيدار، 1401 ق؛ خليفات، مروان، وركبت السفينه، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه؛ خوئي، سيد ابو القاسم موسوي (م. 1413 ق.)، النكاح، تحقيق سيد محمد تقى خوئي، النجف الاشرف، مدرسة دار العلم، 1404 ق؛ همو، الطهارة، تحقيق علي غروي تبريزي، قم، دار الهادي، 1410 ق؛ خوانساري، حسين بن محمد (م. 1099 ق.)، مشارق الشمس في شرح الدروس، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، لاهياء التراث؛ دار قطني، علي بن عمر (م. 385 ق.)، سنن الدارقطني، تحقيق مجدى شوري، بيروت، دارالكتب العلمية، 1417 ق؛ رحيباني، مصطفى سيوطي (م. 1243 ق.)، مطالب اولي النهي في شرح غاية المنتهى، دمشق، منشورات المكتب الاسلامي، 1961 م؛ رملي، محمد بن احمد (م. 1004 ق.)، نهاية المحتاج الى شرح المنهاج، بيروت، دار الفكر، 1404 ق؛ سبزواري، سيدعبدالاعلى (م. 1414 ق.)، مهذب الاحكام في بيان الحلال والحرام، تحقيق مؤسسة المنار، قم، دفتر آيت الله سبزواري، 1413 ق؛ سرخسي، محمد بن احمد (م. 483 ق.)، المبسوط، بيروت، دار المعرفة، 1406 ق؛ سيدبكري، ابن سيد محمد شطادمياطي (م. 1310 ق.)، حاشية اعانة الطالبين، بيروت، دار الفكر، 1418 ق؛ سيدسابق، فقه السنه بيروت، دار الكتاب العربي؛ سيوطي، جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1413 ق؛ شافعي، محمد بن ادريس (م. 204 ق.)، الأم، بيروت، دار الفكر، 1403 ق؛ شرييني، محمد بن احمد (م. 977 ق.)، الاقناع في حل الفاظ ابى شجاع، دار المعرفة؛ همو، مغني المحتاج، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1377 ق؛ شرواني، عبدالحميد، عبادي، احمد بن قاسم، حواشى الشرواني على تحفة المحتاج، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ شوشتری، قاضی نورالله (م. 1019 ق.)،

الصوارم المهرقه، تحقيق سيد جلال الدين محدث، تهران، چاپخانه نهضت، 1367 ش؛ شوکانی، محمد بن علی (م. 1250 ق.)، نیل الاوطار من احاديث سيدالاخيار، بيروت، دار الجيل، 1973 م، شهيد اول، محمد بن مكي عاملي (م. 786 ق.)، ذكرى الشيعة فى احكام الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1419 ق؛ همو، البيان، قم، مجمع الذخائر الاسلاميه؛ همو، القواعد و الفوائد، تحقيق سيد عبدالهادى حكيم، قم، مكتبة المفيد؛ شهيد ثاني، زين الدين بن علي عاملي (م. 965 ق.)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقيه، تحقيق سيد محمد كلانتر، قم، انتشارات داوري، 1410 ق؛ همو، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، 1413 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.)، الخصال، تحقيق علي اكبر غفارى، قم، نشر اسلامي، 1403 ق؛ همو، علل الشرايع، تحقيق سيد محمد صادق بحر العلوم، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1385 ق؛ همو، عيون اخبار الرضا عليه السلام، تحقيق حسين اعلمى، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1404 ق؛ همو، كمال الدين و تمام النعمة، تحقيق علي اكبر غفارى، قم، نشر اسلامي، 1405 ق؛ همو، من لا يحضره الفقيه، تحقيق علي اكبر غفارى، قم، نشر اسلامي، 1404 ق؛ صنعاني، عبدالرزاق بن همام (م. 211 ق.)، المصنف، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، منشورات المجلس العلمي؛ طبراني، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، حسن بن فضل (م. 554 ق.)، مكارم الاخلاق، الشريف الرضى، 1392 ق؛ طبرى، احمد بن عبدالله (م: 694 ق.)، ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى، قاهرة، مكتبة القدسى، 1356 ق؛ طبرى، محمد بن ابى القاسم (م. 525 ق.)، بشارة المصطفى صلى الله عليه و آله لشيعة المرتضى عليه السلام، تحقيق جواد قيومى، قم، نشر اسلامي، 1420 ق، طبرى امامى، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ همو، نوادر المعجزات فى مناقب الائمة الهداة عليهم السلام، قم، مؤسسه امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف 1410 ق؛ طحاوى، احمد بن محمد (م. 321 ق.)، شرح معانى الآثار، تحقيق محمد زهرى النجار، بيروت، دار الكتب العلمية، 1416 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الاستبصار، تهران، دار الكتب الاسلامية 1390 ق؛ همو، الامالى، تحقيق مؤسسة البعثة، قم، دار الثقافة، 1414 ق؛ همو، الخلاف، قم، نشر اسلامي،

1414 ق؛ همو، المبسوط في فقه الاماميه، تحقيق محمدباقر بهبودى، المكتبة المرتضوية، 1388 ق؛ همو، تهذيب الاحكام، تحقيق سيد حسن موسوى خراسان، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1364 ش؛ طيالسى، سليمان بن داوود (م. 204 ق.)، مسند ابى داوود الطيالسى، بيروت، دارالمعرفه؛ عاملى، سيدمحمدبن على (م. 1009 ق.)، نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الاسلام، تحقيق عراقى، اشتهاردى، قم، نشر اسلامى، 1413 ق؛ عبدرى، محمد بن يوسف (م. 897 ق.)، التاج و الاكليل لمختصر خليل، بيروت، دار الفكر، 1398 ق؛ علامه حلى، حسن بن يوسف (م. 726 ق.)، تحرير الأحكام الشرعية، تحقيق ابراهيم بهارى، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، 1421 ق؛ همو، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1414 ق؛ همو، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، چاپ سنگى؛ همو، نهاية الاحكام فى معرفة الاحكام، تحقيق سيد مهدي رجائى، قم، انتشارات اسماعيليان، 1410 ق؛ عينى، محمود بن احمد (م. 855 ق.)، عمدة القارى، بيروت، دار احياء التراث العربى، فاضل هندی، محمد بن حسن (م. 1137 ق.)، كشف اللثام عن قواعد الاحكام، قم، نشر اسلامى، 1420 ق؛ فتال نيشابورى، محمدبن حسن (م. 508 ق.)، روضة الواعظين، قم، الشريف الرضى؛ كاشانى، ابوبكر بن مسعود (م. 587 ق.)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، باكستان، المكتبة الحبيبية، 1409 ق؛ كجورى حسيني، محمدباقر (م. 1313 ق.)، الخصائص الفاطميه، تحقيق سيدعلى جمال اشرف، الشريف الرضى، 1380 ش؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1363 ش؛ گلپايگانى، سيد محمدرضا موسوى (م. 1414 ق.)، الطهاره، تحقيق محمدهادى مقدسى نجفى، قم، دار القرآن الكريم، 1407 ق؛ مازندرانى، محمد صالح (م. 1081 ق.)، شرح اصول الكافى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1421 ق؛ مالك بن انس (م. 179 ق.)، المدونة الكبرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1323 ق؛ همو، الموطا، تحقيق محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1406 ق؛ ماوردى، على بن محمد (م. 450 ق.)، الحاوي الكبير، بيروت، دار الفكر؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمد باقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مجلسى، محمد تقى (م. 1070 ق.)،

روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، تحقيق موسوى كرماني، اشتهاردى، طباطبائى، قم، مؤسسه فرهنگ اسلامى كوشانپور، 1406 ق؛ همو، لوامع صاحبقرانى (شرح الفقيه)، قم، انتشارات اسماعيليان، 1414 ق؛ محدث نورى، ميرزا حسين (م. 1320 ق.)، مستدرک الوسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1408 ق؛ محقق حلى، جعفر بن حسن (م. 676 ق.)، المعتمد فى شرح المختصر، قم، مؤسسه سيد الشهداء عليه السلام، 1364 ش؛ مغربى، قاضى نعمان بن محمد تميمي (م. 363 ق.)، دعائم الاسلام، تحقيق آصف فيضى، القاهرة، دار المعارف، 1383 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، حديث نحن معاشر الانبياء لانورث، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق؛ مليارى، زين الدين بن عبدالعزيز (م. 987 ق.)، فتح المعين لشرح قرة العين بمهمات الدين، بيروت، دارالفكر، 1418 ق؛ موحد ابطحي، سيدمرتضى، الشيعة فى احاديث الفريقين (نشأتهم وفضائلهم وخصائصهم)، مطبعة امير، 1416 ق؛ ميرزاي قمى، ابوالقاسم (م. 1231 ق.)، جامع الشتات، تحقيق مرتضى رضوى، تهران، انتشارات كيهان، 1375 ش؛ نجفى، محمدحسن (م. 1266 ق.)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، تحقيق قوچانى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1366 ش؛ نراقى، احمد بن محمد مهدى (م. 1245 ق.)، مستند الشيعة فى احكام الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1419 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، سنن النسائى، بيروت، دار الفكر، 1348 ق؛ نورى، محيي الدين بن شرف (م. 676 ق.)، الاذكار النوويه، بيروت، دار الفكر، 1414 ق؛ همو، المجموع شرح المهذب، دار الفكر؛ همو، روضه الطالبين، تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، دارالكتب العلميه؛ همو، شرح صحيح مسلم، بيروت، دار الكتاب العربى، 1407 ق؛ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (م. 292 ق.)، تاريخ يعقوبى، قم، مؤسسه فرهنگ اهل بيت عليهم السلام.

سيد ضياء مرتضى

ص: 452

گزارشی از جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام و حوادث زندگی او در کتابهای تاریخی اهل سنت.

در میان تراجم نگاریهای اهل سنت - با توجه به سه معیار قدمت تاریخی، علمیت نویسندگان و تخصصی بودن منابع - برخی انعکاس دهنده دیدگاه اهل سنت درباره زندگی حضرت فاطمه علیها السلام هستند. از جمله: الطبقات الکبری ابن سعد، معرفة الصحابه ابونعیم اصفهانی، الاستیعاب ابن عبدالبر، اسدالغابه ابن اثیر جزری، و الاصابه ابن حجر عسقلانی. به جز الطبقات الکبری که در شرح حال صحابه و دیگران است، دیگر منابع، صرفاً در شرح حال صحابه اند.

مؤلفان این کتابها، از حیث نگارش و انتخاب روایات، بیشتر به مسائل حاشیه ای و نه چندان حساس سیاسی پرداخته و برخی هم، جانب دارانه، روایاتی را گزینش کرده اند که از یک سو تعریضی به موقعیت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام است، و از سوی دیگر حوادث پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را موجه جلوه می دهد. افزون بر آن، به رغم تفاوتهایی که در روش و تفکر آنان درباره تراجم نگاری صحابه وجود دارد، در نقل زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام، از یکدیگر تبعیت و تقلید کرده و سیاست واحدی در پیش گرفته و از منازعات میان حضرت فاطمه علیها السلام و دو خلیفه نخست سخن نگفته اند. البته در منابع تاریخی، بیشتر از منابع تراجم به نقل حوادث تاریخی پرداخته شده است، ولی همچنان جانب دارانه و با تحریف واقعیت، و در برابر گزارشهای شیعه موضع منفی دارند. در واقع، نمی خواسته اند به گونه ای اطلاع رسانی کنند که افکار مسلمانان نسبت به

دستگاه خلافت - که آن را به تمام صحابه تعمیم می دادند - مخدوش شود، زیرا گرایش حاکم بر اطلاع رسانی منابع تاریخی و تراجم اهل سنت، برگرفته از محدثان آنان است که نوعاً گرایش سلفی داشتند و به حفظ تقدس صحابه، خصوصاً خلفا، معتقد و وفادار بودند. علاوه بر این، حاکمان اموی و عباسی مصالح سیاسی خود را در حذف این گونه اخبار می دانستند، چنان که سلیمان بن عبدالملک، به دستور پدرش عبدالملک بن مروان، کتابی را که ابان بن عثمان بن عفان در سیره نبوی نوشته بود، آتش زد، فقط به این دلیل که به فضایل انصار، در پیمان عقبه و بدر، اشاره داشت (ر.ک: ابن بکار، 333 - 334). افزون بر آن، بیشتر اخبار راجع به حضرت فاطمه علیها السلام در منابع تاریخ و حدیثی اهل سنت، از طریق عروه بن زبیر از عایشه نقل شده و با توجه به دشمنی این دو با اهل بیت علیهم السلام، بدیهی است که حذف و تحریف در نقل اخبار آن حضرت علیها السلام، به ویژه در مسائل راجع به حکومت، از سیاستهای کلی این دو بوده باشد. البته برخی اخبار مهم به صورت اشاره، نقل شده است، اما گزارشها به گونه ای نیست که محکومیت دستگاه خلافت و مظلومیت و حقانیت حضرت فاطمه علیها السلام را به اثبات رساند. مورخان منصف نیز، به دلیل سیاستهای دستگاه خلافت اموی و عباسی و برخورد علمای اهل سنت و نیز جو اجتماعی حاکم، قادر به نقل اخبار نبوده و در نقل گزارشهای تاریخی، محافظه کاری کرده اند. با این حال، در لابه لای این گزارشها، مطالبی وجود دارد که حقیقت را نشان می دهد.

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام

تراجم نگاران اهل سنت در تدوین زندگی حضرت فاطمه علیها السلام، برای وی شأن و منزلتی ویژه قائل شده اند که در حق دیگر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرانش قائل نشده اند. از جمله، ابونعیم اصفهانی در بخش

«صحابیات»، شرح حال حضرت فاطمه علیها السلام را بر همسران و دیگر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله مقدم کرده و یادآور شده است که فاطمه علیها السلام پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از میان فرزندان، به او، که از نظر سنی کوچک ترین آنان بود، محبتی ویژه داشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به وی بشارت داد که تو نخستین فردی هستی که به من ملحق می شوی، و او را بهترین زن عالم، سرور زنان این امت و اهل بهشت، پاکیزه، پارسا و زهرای بتول خواند، کسی که خداوند از خشمش خشمگین و از خشنودی اش خشنود می شود و پیامبر صلی الله علیه و آله با ناراحتی او ناراحت و با آزار او آزرده می گردد. به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله، در قیامت، اهل محشر چشمهای خود را فرو می افکنند تا فاطمه علیها السلام عبور کند (طبرانی، 1 / 108). همانند این تعابیر، از ابن عبدالبر (ر.ک: 4 / 1893 - 1897) و ابن اثیر جزری (اسدالغابه، 5 / 523) نیز گزارش شده است.

افزون بر آن، در منابع تاریخی اهل سنت، بر این نکته تأکید شده است که حضرت زهرا علیها السلام نزد مهاجرین و انصار، و به طور کلی نزد مسلمانان، از جایگاه و احترام خاصی برخوردار بود و از این رو، تا زنده بود، کسی متعرض امیر مؤمنان علیه السلام نشد، اما پس از وفات فاطمه علیها السلام، نظرها از علی علیه السلام برگشت (صنعانی، 5 / 472: ابن حبان بستی، 2 / 170).

فضایل حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

در کتابهای اهل سنت، فضایل متعددی از حضرت فاطمه علیها السلام گزارش شده است:

1. محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

به اتفاق تراجم نگاران اهل سنت، فاطمه علیها السلام محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود و روایاتی نیز در این باره نقل کرده اند. از جمله اینکه از عایشه درباره محبوب ترین مردم نزد پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند و او از

ص: 455

میان زنان، فاطمه علیها السلام و از میان مردان، شوهر او علی علیه السلام را معرفی نمود (ابن اثیر جزری، اسد الغابه، 5 / 522، مقاله مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام).

2. سیده نساء العالمین

حدیث مشهور دیگری که بیانگر مقام فاطمه علیها السلام است، حدیثی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، با تعبیر گوناگون، فاطمه علیها السلام را «سیده نساء العالمین» یا «سیده نساء اهل الجَنَّة» (ابن اثیر جزری، اسد الغابه، 5 / 522 - 523؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 102، 266) معرفی کرده است، اما برخی از روایان با تحریف آن خواسته اند مقام آن حضرت علیها السلام را از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است کمتر بنمایانند. از این رو، چنین نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمة سیده نساء هذه الأمة» (ابن حجر عسقلانی، تقریب التهذیب، 2 / 654)، به این معنا که بر زنان مسلمان، افضل است، نه بر زنان امتهای پیشین. از میان تراجم نویسان اهل سنت، ابن اثیر جزری در اسد الغابه (3 / 9؛ 4 / 16) و نیز ابن عبدالبر (4 / 1893)، فاطمه علیها السلام را «سیده نساء العالمین» خوانده اند و حتی حدیثی را نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله دختر گرامی اش را سرور زنان عالم معرفی نموده و در پاسخ پرسش حضرت فاطمه علیها السلام از جایگاه حضرت مریم علیها السلام، مریم علیها السلام را سرور زنان زمان خود خوانده است (4 / 1895). اما ابن اثیر جزری، در جای دیگر با پذیرش احادیث گروه دوم، صریحاً حضرت مریم علیها السلام را استثنا کرده و فاطمه علیها السلام را برتر از او ندانسته است (اسد الغابه، 5 / 519). ابن حجر عسقلانی نیز گرچه روایات مختلف را آورده، اما روایاتی را مقدم دانسته است که فاطمه علیها السلام را مساوی یا پس از حضرت مریم علیها السلام قرار داده اند (ر.ک: الاصابه، 8 / 264 - 266). وی پس از نقل حدیثی از عایشه - که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را «سیده نساء العالمین» خوانده - با سندی دیگر، روایتی از ام سلمه با قید «الآ مریم» را نقل کرده است که تمایل او را به این استثنا نشان می دهد (ر.ک: الاصابه، 8 / 266). ابن عبدالبر نیز روایات برتری مریم علیها السلام یا استثنای او را

نقل کرده (4 / 1895 - 1896)، اما در آغاز بحث، فاطمه علیها السلام را «سیده نساء العالمین» معرفی نموده است (4 / 1893، مقاله سیده نساء العالمین).

3. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در مباحله

جریان مباحله نیز از حوادث مهم دوران رسالت بود که جایگاه اهل بیت علیهم السلام و حضرت فاطمه علیها السلام را نشان داد و از فضایل ایشان به شمار می رود، اما سیره نویسانی چون ابن اسحاق، ابن هشام و ابن سعد (الطبقات الکبری، بخش سیره)، اسامی اهل بیت علیهم السلام را نیاورده اند، هرچند مورخانی چون بلاذری (1 / 76 - 77) و قاضی عیاض یحصبی (2 / 48) و ابن کثیر (البدایه، 5 / 65) از ایشان یاد کرده اند.

4. نزول آیه تطهیر

از دیگر فضایل حضرت فاطمه علیها السلام - که مورخان و تراجم نگاران اهل سنت بدان پرداخته اند - حدیث کساء و نزول آیه تطهیر (احزاب، 33) در حق اهل بیت (فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام) است (ابن عبدالبر، 4 / 1633؛ ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 5 / 521؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 4 / 423، 467؛ 8 / 265). در این باره گزارش شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله شش ماه به هنگام عبور از خانه فاطمه علیها السلام این آیه را می خواند (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 5 / 521 - 522، مقاله فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن).

5. مقام رفیع در آخرت

از دیگر فضایل حضرت فاطمه علیها السلام، که در منابع اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، این است که روز قیامت به اهل محشر خطاب می شود که چشمان خود را فروافکنند تا فاطمه علیها السلام، دختر محمد صلی الله علیه و آله، عبور کند و آن حضرت علیها السلام در حالی که دو چادر نرم سبز رنگ پوشیده است، عبور می کند (ذهبی، میزان الاعتدال، 2 / 538). شبیه این فضیلت را ابن اثیر جزری (اسدالغابه، 5 / 533) نیز در وصف آن حضرت علیها السلام نقل کرده است (مقاله فاطمه در آخرت). همچنین

ص: 457

پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام وعده داد که در بهشت به همراه امیر المؤمنین علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام در یک جا خواهد بود (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 5 / 523).

زندگانی حضرت علیها السلام در گزارشهای تاریخی

اشاره

در منابع تاریخی اهل سنت، درباره بخش اول زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام گزارش دقیق و مفصّلی وجود ندارد و فقط بخش دوم زندگی ایشان (حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و مشاجرة فاطمه علیها السلام با ابوبکر و حوادث تلخ آن زمان)، اندکی به تفصیل اما جانب دارانه، مطرح گردیده است.

1. تولد فاطمه علیها السلام

ابن عبدالبر پس از اشاره به اختلاف نظر درباره کوچکترین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، گفته که با توجه به روایات بسیار و صحیح، فاطمه علیها السلام کوچکترین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است (4 / 1893). بنا بر روایتی از اهل سنت، آن حضرت علیها السلام در چهل و یکمین سال تولد پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی یک سال پس از بعثت، به دنیا آمده است (ابن عبدالبر، 4 / 1893؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 263). ولی بنا بر نظر مشهور در منابع اهل سنت، سال تولد فاطمه علیها السلام و در زمان تعمیر کعبه (پنج سال پیش از بعثت و در 35 سالگی پیامبر صلی الله علیه و سلم) بوده است (ر.ک: ابن سعد، 8 / 26؛ ابن عساکر، 3 / 157؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 263، 268). از سوی دیگر، ابن اثیر جزری (اسدالغابه، 5 / 520)، بر اساس نقل ابن عبدالبر (4 / 1893)، نوشته که فاطمه علیها السلام در زمان ازدواج، پانزده سال و پنج ماه داشته است. اگر بنا بر مشهور، آن حضرت علیها السلام در سال دوم هجرت ازدواج کرده باشد، پانزده ساله بودن هنگام ازدواج، با تولد پنج سال پیش از بعثت سازگار نیست، زیرا اگر پنج سال پیش از بعثت به دنیا آمده باشد، هنگام ازدواج نوزده یا بیست ساله بوده است (مقاله ولادت فاطمه علیها السلام). به نظر می رسد اصرار بر این گزارشها از آن روست که ایراد شیعه را مبنی بر

شهادت آن حضرت علیها السلام در جوانی و در هجده سالگی و پیگیری دلایل آن را کم اهمیت جلوه دهند.

اگر چه در منابع مشهور اهل سنت به انعقاد نطفه حضرت فاطمه علیها السلام از میوه بهشتی پرداخته نشده، ولی در تعدادی از منابع ایشان، به واسطه عایشه، از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نقل شده است که در آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به سفر معراج و خوردن سیب بهشتی اشاره کرده و فرموده که نطفه فاطمه علیها السلام از آن سیب بسته شده است. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را حورای انسیه ای خوانده است که هرگاه مشتاق بهشت می شود، بوی آن را از فاطمه علیها السلام استشمام می کند و او را می بوسد (طبرانی، 22 / 401؛ ابونعیم اصفهانی، 1 / 78؛ خطیب بغدادی، 5 / 293؛ به مقاله اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام). ابونعیم اصفهانی سند این حدیث را دارای اشکال دانسته است (1 / 78). برخی نیز، با توجه به نظر مشهور اهل سنت درباره تولد حضرت فاطمه علیها السلام پیش از بعثت، این حدیث را تضعیف کرده اند، زیرا معراج پس از بعثت رخ داده است (ر.ک: ابن جوزی، 1 / 413 - 414؛ ذهبی، میزان الاعتدال، 1 / 81). امین عاملی (2 / 566)، ضمن دفاع از این حدیث، دو مطلب را یادآور شده است: اول آنکه، طبق نقل حاکم نیشابوری (3 / 161)، فاطمه علیها السلام یک سال پس از بعثت متولد شده، و مطابق نقل امام باقر علیه السلام و مشهور علمای شیعه، پنج سال پس از بعثت به دنیا آمده (ر.ک: کلینی، 1 / 258؛ طبری امامی، 79، 134؛ فتال نیشابوری، 143؛ طبرسی، اعلام الوری، 1 / 290؛ اربلی، 2 / 76)؛ گرچه ذهبی، به پیروی جمعی از عالمان اهل سنت، گفته که حضرت علیها السلام پیش از بعثت به دنیا آمده است (میزان الاعتدال، 1 / 81)، تا این روایت را رد کند. دوم آنکه، از تضعیف راوی این حدیث (احمد بن احجم مروزی) و اتهام او به کذب یا جعل، چه بسا به دست می آید که او شیعی بوده است. ابن جوزی چون این روایت را موافق میل

خویش ندیده، آن را تحمل نکرده و به راوی آن تهمت کذب یا جعل زده است (ر.ک: ابن جوزی، 1 / 413 - 414). البته در موارد بسیاری، قضاوت‌های او را دیگر علمای اهل سنت نقد کرده اند (ر.ک: امین عاملی، 2 / 566).

2. ازدواج فاطمه علیها السلام

ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام و برخی از جزئیات مراسم آن، در منابع اهل سنت انعکاس ویژه ای پیدا کرده است:

خواستگاری از حضرت علیها السلام: در منابع اهل سنت، اینکه برخی صحابه و بزرگان قریش از حضرت فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند (حاکم نیشابوری، 2 / 167 - 168)، اما جواب رد شنیدند (خوارزمی، 343)، نقل شده است.

سن حضرت علیها السلام هنگام ازدواج: با توجه به اختلاف اهل سنت درباره تاریخ تولد حضرت فاطمه علیها السلام (ابن سعد، 8 / 19؛ ابن عبدالبر، 4 / 1893)، سن حضرت علیها السلام در هنگام ازدواج نیز بین پانزده تا نوزده سال متغیر است. اما، با توجه به قول مشهور در نزد شیعه، مبنی بر تولد حضرت علیها السلام در سال پنجم بعثت (کلینی، 1 / 257؛ طبری امامی، 79)، ایشان در هنگام ازدواج حدوداً نه ساله بوده است.

ولیمه عروسی: در منابع اهل سنت، درباره ولیمه عروسی حضرت فاطمه علیها السلام گزارش‌هایی آمده است (ر.ک: نسائی، 6 / 73؛ طبرانی، 2 / 20؛ ابن عساکر، 36 / 438؛ 52 / 329؛ مقاله ازدواج فاطمه علیها السلام).

جزئیات دیگری نیز درباره ازدواج حضرت علیها السلام در این منابع گزارش شده است. پاره ای از این گزارش‌ها ساختگی، و برای پایین آوردن شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام، و علی علیه السلام است، مانند روایتی که در آن نقل شده است پس از خواستگاری امیر مؤمنان علیه السلام و موافقت رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام به سبب فقر علی علیه السلام به گریه افتاد و رسول خدا صلی الله علیه و آله با شمردن فضایی از علی علیه السلام او را آرام کرد (ابن اثیر جزری،

اسدالغابه، 520 / 5 - 521)، یا تصمیم علی علیه السلام برای ازدواج مجدد با دختر هشام بن مغیره مخزومی. این روایت را تراجم نگاران اهل سنت با این مقدمه آغاز کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص دختران خود به شدت غیرت نشان می داد (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 521 / 5)، از این رو بر منبر رفت و یادآور شد که بنی هشام برای ازدواج دخترانشان با علی از وی اجازه خواسته اند. سپس با تأکید بر اینکه اجازه چنین ازدواجی را نمی دهد، مگر علی دختر وی را طلاق دهد، فرمود: «فاطمه پاره تن من است، هر آنچه او را بیازارد، مرا آزرده است» (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 521 / 5).

یکی از اهداف سازندگان این حدیث، تطهیر دو خلیفه نخست از خشم و غضب حضرت فاطمه علیها السلام بوده است، چرا که بر اثر آزارهای زیادی که به فاطمه علیها السلام روا داشتند، حضرت نعلیها السلام در آخرین لحظات عمر و پس از اقرار گرفتن از آن دو درباره حدیث مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله در حق خود، یادآور شد که آنان وی را به خشم آورده اند و از آنان راضی نیست. سازندگان این حدیث خواسته اند القا کنند که خشم و غضب فاطمه علیها السلام به آن دو، مساوی خشم خدا نیست و اهمیت چندانی ندارد، زیرا اظهار این نوع ناراحتی فاطمه علیها السلام در حق آن دو، درباره شوهرش علی بن ابی طالب علیه السلام نیز صورت گرفته است.

3. دوران پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

مهم ترین و حساس ترین گزارشهای زندگی حضرت فاطمه علیها السلام - که در منابع تاریخی اهل سنت بازتاب گسترده ای داشته و به آن توجه خاص شده است - راجع به حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ماجرای سقیفه و به خصوص منازعه حضرت فاطمه علیها السلام با ابوبکر درباره فدک و میراث خود از پیامبر صلی الله علیه و آله است. احتمالاً این توجه ویژه به سبب برخورد شدیدی

است که دستگاه خلافت با حضرت فاطمه علیها السلام داشته و مورخان اهل سنت اخبار را به گونه ای جهت داده اند که کمترین ایراد بر خلیفه اول و دوم وارد شود.

الف) ماجرای غصب فدک

احادیث واگذاری و بخشش فدک در منابع اهل سنت، بیشتر از ابوسعید خدری و ابن عباس روایت شده است که بنا بر آیه 26 سوره اسراء، رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را فراخواند و فدک را به او عطا کرد (ابویعلی موصلی، 2 / 334؛ ابن کثیر، تفسیر، 3 / 39؛ سیوطی، 4 / 177). طبق گزارش منابع شیعی، فدک سه سال در تصرف حضرت زهرا علیها السلام بود و کارگزاران حضرت علیها السلام، تا شروع خلافت ابوبکر، در آن بودند (کلینی، 1 / 543؛ صدوق، علل الشرایع، 1 / 190 - 191)، اما در منابع اهل سنت از آن ذکری نشده است. گرچه گزارش کرده اند که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، خلیفه اول اقدام به مصادره فدک کرد (ابن شبة نمیری، 1 / 196 - 197 جوهری بصری، 119). منابع اهل سنت ماجرای شاهد خواستن ابوبکر از حضرت زهرا علیها السلام را مبنی بر هبه بودن فدک مطرح کرده و آورده اند که فاطمه علیها السلام، علی علیه السلام و ام ایمن را شاهد آورد، اما خلیفه سخن عمر را پذیرفت که علی علیه السلام صاحب نفع و ام ایمن زن است (ر.ک: ابن ابی الحدید، 16 / 274) و از این رو، گواهی آن دورا رد کرد (ابن شبة نمیری، 1 / 199 - 200؛ بلاذری، 1 / 35 - 36). برخی منابع از گواهی امام حسن و امام حسین علیهما السلام نیز خبر داده اند (یعقوبی، 2 / 469؛ هیتمی، 1 / 93، مقاله فدک). حلبی پس از بیان این اعتراض شیعیان که حضرت فاطمه علیها السلام به استناد آیه تطهیر (احزاب، 33) معصوم و از این رو در ادعای خویش صادق است و امام حسن و امام حسین علیهما السلام و ام کلثوم نیز بر صحت گفته وی شهادت داده اند، این گزارش شهادت را غیر معتبر دانسته و افزوده است که در آیه تطهیر، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مصداق اهل بیت علیهم السلام بوده اند، ولی به اتفاق صاحب نظران، معصوم نبوده اند.

به عقیده وی، بر فرض صحت این خبر نیز شهادت فرزندان در حق مادر از باب شهادت فرع برای اصل است، که پذیرفته نیست (3 / 488). این در حالی است که ابوبکر فقط به استناد سخن جابر - که از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه گرفته بود بخشی از اموالی را که از بحرین می رسد برای خود بردارد - و بدون درخواست شاهد، سخن او را پذیرفت و بخشی از آن اموال را به او بخشید، اما برای حضرت فاطمه علیها السلام چنین نکرد (ر.ک: کراجکی، 129 - 130).

پس از آنکه خلیفه هبه بودن فدک و شهادت گواهان را نپذیرفت، بهترین راه مطالبه حق برای حضرت فاطمه علیها السلام، تقسیم ارث بود، زیرا بیشترین ارث پیامبر صلی الله علیه و آله (شامل فدک، اموال بنی نضیر و خیبر) نصیب فاطمه علیها السلام می شد (بخاری، 5 / 25). طبق گزارش منابع اهل سنت، ابوبکر در مقابل این مطالبه به حق دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، حدیثی را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داد که بر اساس آن، پیامبران ارث نمی گذارند و هرچه از ایشان بماند، صدقه است (ر.ک: بخاری، 5 / 23 - 25؛ ابن شبة نمیری، 1 / 196 - 197)، همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که اموال فدک و خیبر پس از رحلت ایشان، میان مسلمانان تقسیم می شود (بلاذری، 1 / 35 - 36). در روایت عروه از عایشه نیز گزارش شده است که همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم گرفتند برای طلب میراث خود، عثمان را نزد ابوبکر بفرستند، اما عایشه مدعی شد که بر اساس سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله، از وی ارث برده نمی شود و آنچه بر جای می گذارد، صدقه است (ابن شبة نمیری، 1 / 201).

طبق گزارشهای نقل شده از برخی از عالمان اهل سنت، حضرت فاطمه علیها السلام با طرح این سؤال که این چگونه حدیثی است که تو شنیده ای، ولی دیگران نشنیده اند (ابن شبة نمیری، 1 / 198)، وجود چنین حدیثی را انکار کرد. همچنین از

حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده اند که ایشان، با استناد به عموم آیه ارث (نساء، 11) و آیه 16 سوره نمل و آیات 5 و 6 سوره مریم، این حدیث را نپذیرفت (ر.ک: ابن طیفور، 17 - 19) و خلیفه در مقابل این اشکال، سکوت کرد (ابن سعد، 2 / 315). همچنین ابوبکر در پاسخ به این پرسش حضرت علیها السلام که چگونه فرزندان ابوبکر از پدرشان ارث می برند، ولی او نمی تواند وارث پیامبر صلی الله علیه و آله باشد، به همان حدیث منسوب به رسول خدا صلی الله علیه و آله استناد کرد (ابن شبة نمیری، 1 / 197 - 198). ابوبکر در پاسخ به پرسش حضرت فاطمه علیها السلام که «آیا ابوبکر وارث رسول خدا صلی الله علیه و آله است یا خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله وارث او هستند؟» با اقرار به اینکه خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، وارث پیامبر صلی الله علیه و آله است، توجیه کرد که بر اساس حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، خداوند به پیامبرش چیزی بخشیده که پس از او حق مسلمانان است (ابن شبة نمیری، 1 / 198؛ ابن ابی الحدید، 16 / 219؛ ابن کثیر، البدایه، 5 / 310). ابن کثیر نیز به توجیه این جریان پرداخته است. وی بر آن است که حضرت فاطمه علیها السلام برای اثبات مدعا و خواست خود، به قیاس و عموم آیات تمسک کرده و ابوبکر با نص خاص، مدعی آن حضرت علیها السلام را تخصیص زده و او نیز پذیرفته و البته جز این نیز از فاطمه علیها السلام انتظاری نبوده است. منظور از قیاس، تساوی وراثت هر فرزندی از پدر خود است و در خصوص ارث، میان حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان ابوبکر، از حیث ارث بردن از پدر خود، فرقی نیست (البدایه، 5 / 309). منظور از نصی که عموم آیات را تخصیص می زند، همان حدیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله است که تنها راوی آن ابوبکر است و این حدیث شاذ، بر فرض صحت صدور، از نظر ابن کثیر قابلیت تخصیص تمام آن آیات را دارد. حلبی نیز، ضمن تکرار سخنان ابن کثیر، در توجیهی ضعیف و خلاف قواعد علم حدیث اهل سنت، گفته است که ایراد رافضه، مبنی بر اینکه

احتجاج به خبر واحد توان معارضه با آیات میراث را ندارد، وارد نیست، زیرا هرچند خبر ابوبکر، واحد است، ولی از حیث متن برای او قطعی بوده و از این رو با آیات میراث تساوی داشته است و توان تخصیص را دارد (3/ 487). بر اساس روایت دیگری، حتی برخی مدعی شده اند که حضرت فاطمه علیها السلام پس از شنیدن دلیل ابوبکر، او را بر گفته های رسول خدا صلی الله علیه و آله دانایتر از خویش دانست (ابن شبة نمیری، 1/ 198؛ جوهری بصری، 109؛ ابن ابی الحدید، 16/ 219) و تسلیم خواست ابوبکر شد (ابن کثیر، البدایه، 5/ 309). در حالی که همه بیانات و اعتراضات و بالاخره سخن نگفتن با ابوبکر و عمر تا آخرین لحظه های زندگی، دلالت دارد بر اینکه فاطمه علیها السلام حدیث منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق نکرده است (مقاله فدک).

برخی از مورخان، همچون ابن شبة نمیری، برای توجیه رفتار ابوبکر، مدعی شده اند که پاره ای از گزارشها بیانگر آن است که تعدادی از سادات، مانند زید بن علی بن حسین، ضمن تأیید صحت قضاوت ابوبکر، یادآور شده اند که اگر در این موضوع، قضاوت به ما واگذار می شد، مانند ابوبکر قضاوت می کردیم (1/ 199 - 200). اما، بر اساس گزارشهای دیگر، سادات پیوسته بر موضوع غصب فدک اصرار داشتند و از حکام اموی و عباسی خواهان پس دادن آن بودند (ر.ک: یعقوبی، 2/ 469؛ ابن ابی الحدید، 16/ 217). همچنین در برخی منابع اهل سنت از امام صادق علیه السلام نقل شده است که وقتی ابوبکر از حضرت فاطمه علیها السلام شاهد خواست، آن حضرت علیها السلام ام ایمن و رباح (غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله) را حاضر کرد، اما ابوبکر شهادت یک مرد و یک زن را نافذ ندانست (بلاذری، 1/ 35). با توجه به اینکه حضرت فاطمه علیها السلام شرایط اقامه بیّنه را می دانست، نمی توان به سادگی صحت این روایت را پذیرفت. این دسته از مورخان اهل سنت خواسته اند از زبان اهل بیت علیهم السلام

احادیثی نقل کنند تا بر قضاوت ابوبکر مُهر صحت بزنند و بدین سان جامعه شیعه را ساکت کنند.

از اهل سنت، فقط ابن طیفور (ر.ک: 12 - 20) خطبه حضرت فاطمه علیها السلام را در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در حضور بزرگان مهاجر و انصار، که حاوی مطالب بسیار مهمی است، نقل کرده است، آن هم به اختصار (مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام).

مشاجره حضرت فاطمه علیها السلام با ابوبکر - که عمدتاً درباره غصب خلافت است و غصب فدک در حاشیه آن مطرح است - بازتاب مناسبی در منابع اهل سنت داشته و در این باره، روایات در خور توجهی از عایشه نقل شده است (مقاله فدک).

(ب) حمله به خانه فاطمه علیها السلام

تحصن یاران امیر المؤمنین علیه السلام در خانه حضرت فاطمه علیها السلام، تهدید طرفداران حکومت به آتش زدن خانه حضرت علیها السلام و حمله به آنجا (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، 1 / 20؛ ابن ابی الحدید، 2 / 56: 6 / 48)، از دیگر موضوعاتی است که در منابع اهل سنت آمده است و حتی نقل کرده اند که ابوبکر در آخرین لحظات عمر، از حمله به خانه فاطمه علیها السلام اظهار پشیمانی کرده است (ابن قتیبه دینوری، 1 / 24؛ ابن ابی الحدید، 2 / 46 - 47؛ هیشمی، 5 / 203). در منابع تاریخی اهل سنت گفته شده که آتش زدن خانه فقط تهدید بوده است، زیرا حضرت فاطمه علیها السلام آنان را تهدید کرد که در صورت ورود به خانه اش، کشف حجاب می کند (ر.ک: یعقوبی، 2 / 126). در این میان تنها ابن قتیبه دینوری در الامامة و السیاسة از هجوم نیروهای تحت امر عمر به خانه حضرت فاطمه علیها السلام گزارش داده و گفته است که ابوبکر، قنذ را فرستاد که علی علیه السلام را برای بیعت با خود احضار کند، اما امیر مؤمنان علیه السلام ادعای ابوبکر را برای خلافت گزاف دانست. عمر با عده ای به خانه هجوم برد و حضرت فاطمه علیها السلام با فریاد و استغاثه، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. همراهان

عمر از این فریادها به گریه افتادند و بازگشتند، اما عمر با عده ای باقی ماند، علی علیه السلام را از خانه بیرون کشیدند و به مسجد آوردند و از او خواستند با ابوبکر بیعت کند، اما علی علیه السلام بیعت نکرد و آنان وی را تهدید به قتل کردند (ر.ک: ابن قتیبه دینوری، 19/1 - 20). در این منبع، شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و علت آن، که نتیجه این حملات و تهدیدات بوده، بیان نشده و وفات آن حضرت علیها السلام به گونه ای ترسیم شده که گویا گرفتار عارضه خاصی نبوده است. در حالی که طبق نقل منابع تاریخی، ابوبکر و عمر زمانی که آن حضرت علیها السلام در بستر بیماری بود، به دیدن او رفتند. نکته ای که بسیار مهم است و بارها از عایشه نقل شده، آن است که حضرت فاطمه علیها السلام تا پایان عمر از ابوبکر خشمگین و ناخشنود بود (ابن شبة نمیری، 196/1 - 197؛ ابن حبان بستی، 164/2 - 165؛ ابن کثیر، البدایه، 306/5، 308، مقاله شهادت فاطمه علیها السلام).

ج) توجیه غضب و هجران فاطمه علیها السلام

بر اساس روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، غضب حضرت فاطمه علیها السلام مساوی با غضب خدای تعالی (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 522/5؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 265/8) و آزار او مساوی با آزار پیامبر صلی الله علیه و آله است (احمدبن حنبل، 4/5؛ مسلم نیشابوری، 141/7؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 265/8)؛ از این رو، رضایت فاطمه علیها السلام برای طرفداران دستگاه خلافت، بسیار حائز اهمیت بود و برخی مورخان اهل سنت برای توجیه خشم و ناراحتی فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر، اقدامات گوناگونی کرده اند: برخی بر احترام و جایگاه خاص آن حضرت علیها السلام نزد تمام صحابه، به خصوص خلیفه اول، تأکید نموده و یادآور شده اند که آن دو خلیفه خدمت فاطمه علیها السلام رسیدند و تا از او رضایت نگرفتند، بیرون نرفتند (ابن سعد، 27/8؛ ابن کثیر، البدایه، 310/5). برخی نیز مدعی شده اند که خلیفه اول بر جنازه فاطمه علیها السلام نماز خواند. دیگر روایات همسو با این گونه گزارشها (ر.ک: ابن سعد، 29/8)

نیز تلاشی بوده است برای سرپوش نهادن بر خشم و غضب حضرت فاطمه علیها السلام از دو خلیفه (ر.ک: عاملی، 11 / 217 - 220).

ابن کثیر، برای توجیه کار ابوبکر، دچار تناقض شده، چنان که غضب و هجران فاطمه علیها السلام را امری نامفهوم دانسته و بر آن است که اگر غضب فاطمه علیها السلام به سبب امتناع از دادن میراث او بوده، ابوبکر به دلیل روایت پیامبر صلی الله علیه و آله عذر داشته و فاطمه علیها السلام نیز از کسانی است که در برابر «نص» تسلیم بوده، اما شاید پیش از درخواست خود، از این روایت آگاهی نداشته است، چنان که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آگاهی نداشتند و عایشه آنان را آگاه نمود. وی حتی این گمان را که فاطمه علیها السلام به ابوبکر سوء ظن داشته و او را متهم کرده، رد نموده است، چرا که عمر، عثمان، علی علیه السلام، عباس و عبدالرحمن بن عوف، در این حدیث با ابوبکر موافقت کرده اند. سپس گفته است که حتی اگر تنها راوی این مطلب ابوبکر باشد، باز بر تمام اهل زمین واجب است که آن را بپذیرند و در برابر آن انقیاد ورزند و اگر غضب فاطمه علیها السلام به این سبب بوده که زمینهای درخواستی او هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله به وی بوده، باز ابوبکر عذر داشته است، زیرا او به اقتضای خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله بودن، چنین اجتهاد کرده است که درباره این زمینها باید همان گونه عمل کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می کرده است، چنان که خودش بر این مطلب تصریح کرده و فاطمه علیها السلام نیز بر او غضبناک شده و تا آخر عمر از او دوری گزیده است (البدایه، 5 / 307 - 308).

ابن کثیر با این مقدمه و بر اساس تفکرات سلفی خود، به جای قبول واقعیت، شیعیان را به جهل و فتنه انگیزی متهم کرده و مدعی شده که هجران فاطمه علیها السلام و وضعی که برای او پیش آمده، فتح بابی برای شیعیان شده است تا شرّ عریض و جهل طویلی را دنبال کنند و به سبب این موضوع، خود را در امری وارد کرده اند

که آن را نمی فهمند، چرا که اگر حوادث را آنگونه که هست می فهمیدند، به فضل ابوبکر اعتراف می کردند و عذر او را می پذیرفتند، عذری که پذیرش آن بر هر مسلمانی واجب است. به باور وی، شیعیان به تشابهات تمسک بسته و محکومات را رها کرده اند، محکماتی که نزد بزرگان صحابه و تابعان و علمای برجسته سرزمینهای اسلامی در تمام زمانها مسلم بوده است (البدایه، 5 / 308).

در پاسخ ابن کثیر می توان گفت که وی می بایست واقعیتی را که مدعی است شیعیان آن را نمی فهمند، بیان می کرد و چنانچه اخباری که نقل کرده، تشابهات و غیر واقعی است، می بایست به شیوه ای عالمانه به نقد سند یا متن آنها می پرداخت. اگر رعایت اصول و ضوابط منظور شود، مشخص می شود که برخلاف پندار ابن کثیر، هیچ کدام از علمای اهل سنت ادعا نکرده اند که حدیث شاذ، توان تخصیص آیات صریح قرآن را دارد، افزون بر آنکه اساساً چنین حدیثی، به دلیل مخالفتش با آیات قرآن، مردود است.

ابن کثیر بر آن است که عتاب و غضب فاطمه علیها السلام بر ابوبکر به دلیل گمانی بود که درباره ارث خود از پیامبر صلی الله علیه و آله داشت؛ چرا که ابن کثیر نیز، مانند برخی از مورخان اهل سنت، فاطمه علیها السلام را زنی همانند دیگران، و او را غیر معصوم می دانست (البدایه، 5 / 270؛ ر.ک: حلبی، 3 / 488).

این گونه برخورد با تاریخ، نشان می دهد که مورخ، خواهان کشف حقیقت نیست، بلکه بیشتر در صدد اثبات عقاید از پیش پذیرفته شده خود است.

ابن ابی الحدید نیز در فصلی از شرح نهج البلاغه، به نقل از قاضی معتزلی، در اینکه فدک هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام بوده، تردید نموده (16 / 268 - 269) و موضوع اصلی مشاجره حضرت فاطمه علیها السلام با ابوبکر را مبتنی بر انتخاب یکی از

این دو دیدگاه دانسته که حضرت فاطمه علیها السلام ابتدا مدعی ارث بودن فدک یا هدیه بودن آن از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، هر کدام ابتدا باشد، نتیجه اش در صحت تخصیص آیات قرآن با خبر واحد مؤثر خواهد بود. به عقیده سید مرتضی، فاطمه علیها السلام ابتدا فدک را بخشش رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته است (ر.ک: 4 / 82 - 84)، زیرا بر اساس روایت ابوسعید خدری و دیگران، وقتی آیه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء، 26) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به فاطمه علیها السلام می داد (4 / 90). بنابراین، معنا ندارد حضرت علیها السلام ابتدا از باب میراث، مدعی فدک باشد، میراثی که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آن حق دارند؛ ولی چون ابوبکر نپذیرفت، حداقل برای حق خود به ارث تمسک جست. اما ابن ابی الحدید، ابوعلی جبایی و قاضی عبدالجبار اسدآبادی، برخلاف سید مرتضی، بر آنند که فاطمه علیها السلام، ابتدا میراث بودن فدک را ذکر کرد و ابوبکر با حدیث لانورث، عموم آیات را تخصیص زد. سپس فاطمه علیها السلام ادعای خود را تغییر داد و گفت که فدک بخشش پیامبر صلی الله علیه و آله است. از این رو، ابوبکر از او بی‌تنبه خواست، اما شهود را نپذیرفت و فاطمه علیها السلام از وی غضبناک گردید. به گفته ابن ابی الحدید، معتزله قائل به اجماع صحابه بر جواز تخصیص کتاب خدا «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ» (نساء، 11) با خبر واحد ابوبکر (لانورث) شده و بر آن اند که خبر صحیح، آن است که فاطمه علیها السلام پس از رد ادعای میراث، نحله را مطالبه کرده، و اگر ادعای ارث، متأخر بود، اجماع بر تخصیص کتاب با خبر واحد ثابت نمی شد، زیرا ثابت است که فاطمه علیها السلام بدون موافقت با ابوبکر از مجلس او خارج شده است. طبق گزارش ابن ابی الحدید، ابوعلی جبایی حتی مدعی است که فاطمه علیها السلام اساساً ذوالید نبوده است، زیرا در روایت ابوسعید تعبیر «فاعطاها فدک» دلالت بر هبه دارد، نه قبض و تصرف.

با این همه، ابن ابی الحدید، به دلیل تعارض اخبار، نظر نهایی خود را بیان نکرده است (ر.ک: 16 / 268 - 286؛ مقاله فدک).

حلی توجیه دیگری برای هجران آورده و مدعی شده که معنای هجران حضرت فاطمه علیها السلام این است که دیگر از ابوبکر درخواستی نکرده، زیرا روایت نشده که فاطمه علیها السلام ابوبکر را دیده، اما به وی سلام نکرده یا با او سخن نگفته است (3 / 487).

این توجیه نیز پذیرفتنی نیست، زیرا حلی روایت مشهور دیدار ابوبکر با آن حضرت علیها السلام و اقرار ابوبکر را مبنی بر صحت حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره خشم و خشنودی فاطمه علیها السلام شنیده و به همین دلیل در ادامه توجیه، آن را نقل کرده، اما برای حفظ تقدس خلیفه، گزارشی را پذیرفته که رضایت فاطمه علیها السلام را از ابوبکر و نماز خواندن او را بر فاطمه علیها السلام نقل کرده، در حالی که این گزارش برخلاف نظر مشهور علمای اهل سنت است و آن را تکذیب کرده اند (ادامه مقاله، شهادت و خاکسپاری فاطمه علیها السلام).

مورخان اهل سنت، برای تضعیف حدیث غضب و کم اهمیت جلوه دادن غضب فدک و خشم فاطمه علیها السلام، حدیثی را نقل کرده اند که در آن امیر مؤمنان علیه السلام، «ابوتراب» خوانده شده است. این حدیث به دو گونه نقل شده است: در حدیث اول - که شیعه آن را پذیرفته - با سند، به نقل از عمار گزارش شده است که در جنگ ذات عُسَّیر، علی علیه السلام به وی پیشنهاد کرد برای مشاهده کار بنو مُدَلج در نخلستانهایشان، نزدیک آنان بروند. آن دو پس از مدتی مشاهده، بر روی خاک خوابیدند و سپس با خطاب پیامبر صلی الله علیه و آله، که علی را ابوتراب خواند، بیدار شدند (نسائی، 5 / 153؛ ابن کثیر، السیرة النبویه، 2 / 363).

اما برخی منابع تاریخی اهل سنت از مشاجره و قهر و غضب علی علیه السلام با فاطمه علیها السلام سخن گفته و افزوده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از اطلاع، وقتی به دنبال امیر المؤمنین علیه السلام رفت، او را دید که بر روی خاکها خوابیده است و با خطاب «قُمْ يَا أَبَاتْرَاب»، او را به خانه باز گرداند (بخاری، 1 / 114؛ 7 / 140؛ بیهقی، 2 / 446). ابن اسحاق پس از نقل روایت عمار، به استناد گزارش «بعض اهل علم»، تفسیر دیگری کرده است که بر اساس آن، هرگاه علی علیه السلام بر فاطمه علیها السلام خشم می گرفت، با او سخن نمی گفت و بر سر خود خاک می ریخت. رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشاهده وی در آن حالت، متوجه می شد که بر فاطمه علیها السلام خشمگین شده است (ابن هشام، 2 / 434). ابن کثیر، ضمن نقل حدیث عمار، با بیان اینکه حدیث غریبی است (البدایه، 3 / 303)، به نحوی آن را تضعیف نموده است. بر اساس برخی روایات اهل سنت، حضرت فاطمه علیها السلام چنان از رفتار علی علیه السلام به خشم آمده بود که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و از او شکایت کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله ناچار شد به خانه آنان برود و آن دورا آشتی دهد (ابن سعد، 8 / 26؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 268). نقل این روایات، همان خواست حاکمان اموی است که به زعم خود، امیر المؤمنین علیه السلام را با آن نزد افکار عمومی تحقیر می کردند (طبری، تاریخ، 2 / 124). مورخان همسو با آنان نیز، برای مقابله با غضب حضرت فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر و مصداق حدیث «مَنْ أَعْضَبَهَا فَقَدْ أَعْضَبَنِي» شدن آن دو، این داستان را ساخته اند تا علاوه بر کاستن قبح غضب فاطمه علیها السلام بر آن دو، علی علیه السلام را نیز مصداق حدیث مذکور کنند.

(د) دعوت شبانه از مهاجران و انصار

بر اساس برخی گزارشهای منابع شیعه، امیر مؤمنان علیه السلام برای احقاق حق خود، حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را شبانه به در خانه های مهاجران و انصار برد (هلالی عامری، 146؛

طبرسی، الاحتجاج، 1 / 107). اما از میان اهل سنت، فقط ابن ابی الحدید (6 / 13) به نقل از السقیفه و فدک (ر.ک: جوهری بصری، 63)، آن هم به روایت از امام باقر علیه السلام، و نیز ابن قتیبه دینوری در الامامة و السیاسة، این مطلب را گزارش کرده اند (1 / 19). مطلب مزبور در منابع معتبر و شناخته شده اهل سنت نیامده و بی میلی به نقل آن، یا به این سبب بوده است که آن را صحیح نمی دانسته اند یا آن را تعمداً حذف کرده اند.

ه) پاره کردن نامه توسط عمر

بنا بر منابع شیعه، ابوبکر دستور کتبی داد که فدک را به حضرت فاطمه علیها السلام باز گردانند، اما عمر پس از آگاهی از موضوع، نامه را گرفت و از بین برد (طبری امامی، 119؛ طبرسی، الاحتجاج، 1 / 122). از اهل سنت فقط حلبی، به نقل از سبط ابن جوزی، این گزارش را نقل کرده است (3 / 488).

اینها موضوعاتی بود که کم و بیش برخی علمای اهل سنت به آنها اشاره کرده اند، اما مواردی هست که مورخان، محدثان و مفسران اهل سنت گزارشهایی را که شیعه درباره حوادث زندگی فاطمه زهرا علیها السلام نقل کرده است، گزارش نکرده اند. ابن ابی الحدید نیز - که در میان علمای اهل سنت، به عقل گرایی و آزاداندیشی معروف است - بر آن است اخباری که می گوید عمر، قنذ را به در خانه فاطمه علیها السلام فرستاد و او با تازیانه بر بازوی وی زد، به طوری که بازوی حضرت علیها السلام ورم کرد و تا زمان شهادت چنین بود؛ یا عمر، فاطمه علیها السلام را در میان در و دیوار قرار داد و فریاد آن حضرت علیها السلام بلند شد؛ و نیز برای بیعت با ابوبکر، طناب به گردن علی علیه السلام انداختند و در حالی که او را می کشیدند، فاطمه علیها السلام به دنبال او فریاد می زد و حسنین علیهما السلام گریه می کردند، از اخباری است که هیچ یک از مورخان و محدثان اهل سنت آنها را نقل نکرده اند و از متفردات شیعه است (2 / 60).

و) مضروب ساختن فاطمه علیها السلام

این موضوع از حساس ترین گزارشهایی است که در برخی از منابع شیعه، به نقل از امام صادق علیه السلام، آمده است. بر اساس این گزارش، خلیفه دوم پس از پاره کردن نامه باز گرداندن فدک، به فاطمه علیها السلام لگد و سیلی زد، به طوری که محسن (مُحَسِّن) سقط و گوشواره های آن حضرت علیها السلام پاره شد (ر.ک: مفید، 185؛ مجلسی، 192/ 29). بدیهی است که این گزارش در منابع اهل سنت نیامده است؛ البته در منابع اهل سنت از فرزندی برای حضرت فاطمه علیها السلام نام محسن (مُحَسِّن) و حتی سقط او، بدون ذکر علت، یاد شده است. در برخی منابع اهل سنت، به علت سقط اشاره شده، اما اولاً آن منابع، تاریخی نیستند، ثانیاً در مقام نقل روایات ضعیف و مردود، به موضوع پرداخته اند (ر.ک: ذهبی، میزان الاعتدال، 139/ 1؛ همو، سیر اعلام النبلاء، 578/ 15؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، 268/ 1، مقاله محسن بن علی علیه السلام).

یکی از اخبار مهم در زمان بیماری فاطمه زهرا علیها السلام، عیادت زنان مهاجران و انصار از حضرت علیها السلام است. فاطمه علیها السلام در حضور آنان، سخنان مهمی ایراد کرد که تنها ابن طیفور آنها را نقل کرده است (19 - 20، مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام).

ز) آخرین دیدار ابوبکر و عمر با فاطمه علیها السلام

ابن قتیبہ دینوری گزارش بسیار مهمی آورده که در دیگر منابع تاریخی اهل سنت ذکر نشده است. در این گزارش، حضرت فاطمه علیها السلام ابتدا از ابوبکر و عمر اقرار گرفت که این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله صحیح است که هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست بدارد، مرا دوست داشته است و هر کس فاطمه علیها السلام را خشنود کند، مرا خشنود کرده است و هر کس او را به خشم آورد، مرا خشمگین کرده است، سپس خدا و ملائک را گواه گرفت که آنان وی را به خشم آورده اند و از ایشان راضی نیست و از آنان

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت خواهد کرد. ابوبکر، که به شدت گریه می کرد، پیوسته می گفت: «از خشم تو به خدا پناه می برم.» حضرت فاطمه علیها السلام به وی گفت که پس از هر نمازی او را نفرین خواهد کرد. آنگاه ابوبکر با گریه از خانه خارج شد و به مردمی که دورش را گرفتند، گفت: «مرا رها کنید. بیعتی بر شما ندارم.» اما اطرافیان، با سخنان خود، او را آرام کردند. وی در پایان گفت: «اگر ترس از سستی کار امت نبود، پس از آنچه از فاطمه علیها السلام شنیدم، حتی یک شب، بیعت مسلمانی را به گردن نمی گرفتم» (1 / 20).

(ح) شهادت و خاکسپاری فاطمه علیها السلام

در منابع تاریخی و تراجم نگاریهای اهل سنت، به چگونگی شهادت آن حضرت علیها السلام پرداخته نشده و حتی ابونعیم اصفهانی - که در میان صحابه نگاران به گرایشهای شیعی متهم است - به چینی از روایات وفات دست زده است که مورد رضایت شیعه و اهل سنت باشد؛ هرچند این کار او ممکن است به سبب فضای سیاسی حاکم بر اصفهان قرن چهارم و پنجم بوده باشد. مورخان اهل سنت به علت و کیفیت شهادت حضرت فاطمه علیها السلام اشاره نکرده (ابن حبان بستی، 2/170؛ ابن عساکر، 3/160؛ ابن اثیر جزری، الکامل، 2 / 341) و در واقع، یکی از مهم ترین حوادث راجع به آن حضرت علیها السلام را حذف کرده اند.

منابع تراجم نگاری اهل سنت، به عنوان مقدمه بحث درگذشت فاطمه زهرا علیها السلام، گفته اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را نخستین فرد از خانواده اش دانست که به وی خواهد پیوست و با این خیر، فاطمه علیها السلام خوشحال شد (ر.ک: ابن سعد، 2 / 247؛ ابن عبدالبر، 4 / 1894).

صحابه نگاران فقط به زمان وفات فاطمه علیها السلام و غسل و نماز و مکان خاکسپاری حضرت علیها السلام اشاره کرده اند، که درباره آنها نیز اختلاف وجود دارد،

به جز زمان خاکسپاری که، به اتفاق، گفته اند شبانه صورت گرفته است (ر.ک: ابن سعد، 8 / 28 - 30). عمده روایات در این باره از عایشه و چند روایت نیز از امام باقر علیه السلام است.

تاریخ وفات و سن حضرت علیها السلام: عایشه، عروة بن زبیر و واقدی تاریخ وفات حضرت فاطمه علیها السلام را شش ماه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده اند، اما از آنان و نیز ابن شهاب زهری روایت سه ماه نیز نقل شده است که روایات نادری محسوب می شوند (ابن سعد، 8 / 28؛ ابن عبدالبر، 4 / 1898؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 268؛ مقاله شهادت فاطمه علیها السلام).

از جمله تحریفات دیگر، بالا نشان دادن سن حضرت فاطمه علیها السلام در زمان شهادت است؛ از جمله شهادت حضرت علیها السلام را در 27، 28، 29، 30 و حتی 35 سالگی ذکر کرده اند (ابن اثیر جزری، اسدالغابه، 5 / 524؛ ابن کثیر، البدایه، 6 / 367)، زیرا شهادت حضرت فاطمه علیها السلام در جوانی، بدون هیچ سابقه ای از بیماری و حادثه ای خاص، برای مسلمانان سؤال برانگیز بوده است. از همین رو، تولد فاطمه زهرا علیها السلام را نیز پنج سال پیش از بعثت گزارش کرده اند (ابن عساکر، 3 / 160؛ ابن جوزی، 1 / 413) تا در زمان شهادت، 28 ساله یا بزرگ تر به نظر آید (مقاله ولادت فاطمه علیها السلام).

نماز بر حضرت فاطمه علیها السلام: درباره نماز بر حضرت فاطمه علیها السلام نیز مورخان اهل سنت گزارشهای مختلفی داده اند و در این میان، از امیر مؤمنان علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب (ابن سعد، 8 / 28 - 29؛ ابن عبدالبر، 4 / 1898؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 267 - 268)، و ابوبکر (ابن سعد، 8 / 29؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 267) به عنوان نماز گزار بر آن حضرت علیها السلام یاد شده است. بر اساس روایاتی از امام سجاد علیه السلام، ابن عباس، عروہ بن زبیر، ابن شهاب زهری و دیگران - که روایت مشهور نیز همین است -

حضرت فاطمه علیها السلام شبانه و پنهانی دفن شد و علی علیه السلام بر او نماز گزارد (ابن سعد، 8 / 29 - 30؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 268) و ابوبکر و عمر در این مراسم حضور نداشتند (ابن حبان بستی، 2 / 170؛ مقاله خاکسپاری فاطمه علیها السلام). اما واقدی و برخی دیگر گزارش کرده اند که ابوبکر نماز حضرت فاطمه علیها السلام را خواند و چهار تکبیر گفت (ر.ک: ابن سعد، 8 / 29 - 30؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 267).

غسل حضرت فاطمه علیها السلام: درباره غسل آن حضرت علیها السلام نیز در منابع تاریخی و تراجم نگاریهای اهل سنت، گزارشهای متفاوتی نقل شده است. به گفته ابن اثیر جزری، حضرت فاطمه علیها السلام پیش از وفات، غسل کرد و از امیرالمؤمنین علیه السلام خواست که با همان لباسهایش او را دفن کند (اسدالغابه، 5 / 524). اما به گزارشی دیگر از احمد بن حنبل (6 / 461) و ابن سعد (8 / 27)، این وصیت خطاب به ام رافع (سلمی) یا ام سلمی بوده است. احمد بن حنبل این غسل را کافی، اما ابن فتحون آن را بعید دانسته (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 266) و ابن سعد روایت کرده است که علی علیه السلام او را غسل داد (8 / 28). طبق گزارش ابن اثیر جزری، اسماء نیز همراه علی علیه السلام بوده (اسد الغابه، 5 / 524)، اما ابن فتحون، حضور اسماء را بعید دانسته، زیرا در آن هنگام همسر ابوبکر بوده است (ر.ک: ابن حجر عسقلانی، الاصابه، 8 / 266). در منابع شیعه، بر اساس حدیثی از امام صادق علیه السلام، علی علیه السلام فاطمه علیها السلام را غسل داد، زیرا فاطمه زهرا علیها السلام صدیقه بود و او را جز صدیق نمی بایست غسل می داد، همچنان که حضرت مریم علیها السلام را کسی جز حضرت عیسی علیه السلام غسل نداد (کلینی، 3 / 159؛ طوسی، 1 / 199 - 200؛ مجلسی، 78 / 299، مقاله وصایای فاطمه علیها السلام).

خاکسپاری حضرت فاطمه علیها السلام: در تراجم نگاریهای اهل سنت آمده است که علی علیه السلام شبانه حضرت فاطمه علیها السلام را به خاک سپرد (ابن سعد، 8 / 29؛ طبرانی، 22 / 398).

مخفی بودن قبر حضرت فاطمه علیها السلام: سؤال برانگیزی مخفی بودن مدفن حضرت علیها السلام برای مسلمانان و به ویژه شیعیان، مورخان اهل سنت را آزرده و به گفته ابن کثیر، اموری مانند قهر فاطمه علیها السلام با ابوبکر و خشم آن، بهانه ای برای شیعیان شده است تا همیشه به دستگاه خلافت به شدت اعتراض کنند (ر.ک: البدایه، 5 / 308). از این رو، برخی از مورخان اهل سنت گزارشهایی داده اند مبنی بر معین بودن قبر حضرت فاطمه علیها السلام، تا زمینه این اعتراضها از میان برود. کهن ترین منبعی که بیشترین روایات را در این باره آورده، تاریخ المدینة المنوره است که مدفن حضرت علیها السلام را بقیع ذکر کرده است (ر.ک: ابن شبة نمیری، 1 / 104 - 106).

برخی از مورخان اهل سنت، حتی دقیق تر، گفته اند که مدفن حضرت علیها السلام کنار قبر ام سلمه است، آنجا که محمد بن زید بن علی دفن شده (ابن شبة نمیری، 1 / 120)؛ یا در گوشه خانه عقیل، کنار خانه جحشیها روبه روی خروجی راه خاندان نبیة بن وهب از تیره عبدالدار در کنار بقیع که فاصله قبر تا راه، هفت ذراع بوده است (ابن سعد، 8 / 30: ابن شبة نمیری، 1 / 106 - 107؛ طبری، المنتخب، 91). حتی این نشانه ها را از طریق اهل بیت علیهم السلام و سادات، از جمله آل عقیل (ابن شبة نمیری، 1 / 107) و نیز عبدالله بن جعفر، نقل کرده و تأکید نموده اند که بدون شک قبر حضرت فاطمه علیها السلام در همین نقطه است (طبری، المنتخب، 191). اما این نشانیهای دقیق با دفن شبانه و پنهانی حضرت فاطمه علیها السلام - که مورخان اهل سنت نیز به آن اذعان کرده اند - قابل جمع نیست. علاوه بر این، برخی از آنان گفته اند که بسیاری از مردم جایگاه قبر فاطمه علیها السلام را نمی دانند (ابن شبة نمیری، 1 / 106، 108، مقاله خاکسپاری فاطمه علیها السلام).

درباره زندگی حضرت فاطمه علیها السلام، در منابع تاریخی اهل سنت، به خصوص سیره نگاریها، مطالب دیگری نیز آمده که چون از منظر محققان شیعه نکته خاصی درباره آنها بیان نشده است، فهرست وار به برخی از آنها اشاره می شود: بی تابی فاطمه علیها السلام بر مرگ مادرش خدیجه علیها السلام (یعقوبی، 2 / 35)؛ بی حرمتی کردن مشرکان به پیامبر صلی الله علیه و آله با ریختن محتویات شکم شتر بر دوش حضرت صلی الله علیه و آله و ناراحتی فاطمه علیها السلام و کمک او به پدر بزرگوارش (مقریزی، 12 / 103)؛ صالحی شامی، 2 / 436)؛ هجرت به مدینه (ر.ک: حلبی، 2 / 233)؛ عاملی، 4 / 88 - 89) و اینکه حویرث بن وهب مرکب او و خواهرش، رقیه، را رم داد که سبب افتادن آن دو شد (ابن کثیر، السیرة النبویه، 3 / 564)؛ گریه آن حضرت علیها السلام در مرگ خواهرش رقیه (ابن شبة نمیری، 1 / 103)؛ گریه بر شهادت حمزه (واقدی، 1 / 290) زیارت قبر حمزه (واقدی، 1 / 313)؛ ابن شبة نمیری، 1 / 132)؛ درمان چهره زخمی و خونین پیامبر صلی الله علیه و آله (واقدی، 1 / 249 - 250)، گریه فاطمه علیها السلام بر شهادت جعفر (واقدی، 2 / 766)؛ درخواست ابوسفیان از فاطمه علیها السلام برای وساطت میان مکیان و پیامبر درباره نقض صلح حدیبیه، و رد درخواست ابوسفیان (ر.ک: واقدی، 2 / 793)؛ ابن ابی الحدید، 17 / 263)؛ عتاب فاطمه علیها السلام به ام هانی که به دو تن از مشرکان، که از خویشاوندان شوهرش بودند، پناه داده بود (واقدی، 2 / 830)؛ و حضور فاطمه علیها السلام به هنگام بیعت زنان مکه پس از فتح مکه (واقدی، 2 / 850).

منابع

ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسدالغابة في معرفة الصحابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ همو، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، 1386 ق؛ ابن بکار، زبیر (م. 256 ق.)، الأخبار الموقیبات، تحقیق سامی مکی، قم، الشریف الرضی،

1416 ق؛ ابن جوزى، عبدالرحمن بن على (م. 597 ق.)، الموضوعات، تحقيق عبدالرحمن محمد عثمان، المدينة المنورة، المكتبة السلفية، 1386 ق؛ ابن حبان بستى، محمد (م. 354 ق.)، الثقات، حيدر آباد دكن هند، مؤسسة الكتب الثقافية، 1393 ق؛ ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابه، تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ همو، تقريب التهذيب، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415 ق؛ همو، لسان الميزان، بيروت، مؤسسة الأعلمی، 1390 ق؛ ابن سعد، محمد بن سعد (م. 230 ق.)، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر؛ ابن شبة نميرى، عمر بن شبة (م. 262 ق.)، تاريخ المدينة المنوره، تحقيق فهيم محمد شلتوت، قم، دار الفكر، 1410 ق؛ ابن طيفور، احمد بن ابى طاهر (م. 380 ق.)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتى؛ ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله قرطبى (م. 463 ق.)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دار الجيل، 1412 ق؛ ابن عساكر، على بن حسن (م. 571 ق.)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الفكر، 1415 ق؛ ابن قتيبه دينورى، عبدالله بن مسلم (م. 276 ق.)، الامامة و السياسة، تحقيق طه محمد الزيني، مؤسسة الحلبي و شركاه؛ ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق.)، البداية و النهاية، تحقيق على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1408 ق؛ همو، السيرة النبويه، تحقيق مصطفى عبد الواحد، بيروت، دار المعرفة، 1396 ق؛ همو، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن كثير)، بيروت، دار المعرفة، 1412 ق؛ ابن هشام، عبدالملك حميرى (م. 8 - 213 ق.)، السيرة النبويه، تحقيق محمد محيي الدين عبد الحميد، القاهرة، مكتبة محمد على صبيح و اولاده، 1383 ق؛ ابو نعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله (م. 430 ق.) ذكر اخبار اصبهان، ليدن المحروسة، مطبعة بريل، 1934 م؛ ابو يعلى موصلى، اسماعيل بن محمد (م. 307 ق.)، مسند ابو يعلى الموصلى، تحقيق حسين سليم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث؛ احمد بن حنبل، شيبانى (م. 241 ق.)، مسند احمد بن حنبل، بيروت، دار صادر؛ اربلى، على بن عيسى (م. 693 ق.)، كشف الغمة في

معرفة الائمه عليهم السلام، بيروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ امين عاملى، سيد محسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ بخارى، محمد بن اسماعيل (م. 256 ق.)، صحيح البخارى، بيروت، دار الفكر، 1401 ق؛ بلاذرى، احمد بن يحيى (م. 279 ق.)، فتوح البلدان، تحقيق صلاح الدين منجد، القاهرة، مكتبة النهضة المصرية، 1956 م، بيهقى، احمد بن حسين (م. 458 ق.)، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1416 ق؛ جوهرى بصرى، احمد بن عبد العزيز (م. 323 ق.)، السقيفة وفدك، تحقيق محمد هادى امينى، بيروت، شركة الكتبي، 1413 ق؛ حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م. 405 ق.)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق يوسف مرعشلى، بيروت، دارالمعرفة؛ حلبى، على بن برهان (م. 1044 ق.)، السيرة الحلبية، بيروت، دار المعرفة، 1400 ق، خطيب بغدادى، احمد بن على (م. 463 ق.)، تاريخ بغداد، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، 1417 ق؛ خوارزمى، موفق بن احمد (م. 568 ق.)، المناقب، تحقيق مالك محمودى، قم، نشر اسلامى، 1411 ق؛ ذهبى، محمد بن احمد (م. 748 ق.)، سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1413 ق؛ همو، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق على محمد بجاوى، بيروت، دار المعرفة؛ سيد مرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.)، الشافي في الامامه، تحقيق سيد عبدالزهرا حسيني، قم، انتشارات اسماعيليان، 1410 ق؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، 1404 ق؛ صالحى شامى، محمد بن يوسف (م. 942 ق.)، سبل الهدى و الرشاد في سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد، على محمد، بيروت، دارالكتب العلمية، 1414 ق؛ صنعانى، عبدالرزاق بن همام (م. 211 ق.)، المصنف، تحقيق حبيب الرحمن اعظمى، منشورات المجلس العلمى؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرسى، احمد بن على (م. 560 ق.)، الاحتجاج، تحقيق محمدباقر خراسان، النجف الاشرف، دار النعمان، 1386 ق؛ طبرسى، فضل بن حسن (م. 548 ق.)، اعلام الورى،

قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاهياء التراث، 1417 ق؛ طبرى، محمد بن جرير (م. 310 ق.)، تاريخ الامم والملوك، تحقيق گروهى از دانشمندان، بيروت، مؤسسة الأعلمی، 1403 ق؛ همو، المنتخب من ذيل المذيل، بيروت، مؤسسة الأعلمی؛ طبرى امامی، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الاستبصار، تهران، دار الكتب الاسلامیة، 1390 ق؛ عاملی، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه وآله، بيروت، دار الهادى، 1415 ق؛ كراچكى، محمد بن على (م. 449 ق.)، التعجب من اغلاط العامة في مسألة الامامه، تحقيق فارس حسون؛ كلينى، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.)، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامیة، 1363 ش؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمدباقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مفيد، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الاختصاص، تحقيق على اكبر غفارى، قم، نشر اسلامى، 1414 ق؛ مقرئزى، احمد بن على (م. 845 ق.)، امتاع الاسماع، تحقيق محمد نميسى، بيروت، دار الكتب العلمیة، 1420 ق؛ نسائى، احمد بن شعيب (م. 303 ق.)، السنن الكبرى، تحقيق سليمان بندارى، سيد كسروى حسن، بيروت، دار الكتب العلمیة، 1411 ق؛ واقدى، محمد بن عمر (م. 207 ق.)، المغازى، تحقيق مارسدن جونز، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، 1405 ق؛ هلالى عامرى، سليم بن قيس (م. 85 ق.)، كتاب سليم بن قيس، تحقيق محمدباقر انصارى، قم، نشر الهادى، 1420 ق؛ هيثمى، احمد بن حجر (م. 974 ق.)، الصواعق المحرقة، تحقيق عبدالرحمن تركى، كامل محمد خراط، بيروت، مؤسسة الرسالة، 1417 ق؛ هيثمى، على بن ابى بكر (م. 807 ق.)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دار الكتب العلمیة، 1408 ق؛ يحصبى، قاضى عياض (م. 544 ق.)، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى صلى الله عليه وآله، بيروت، دار الفكر، 1409 ق؛ يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب (م. 292 ق.)، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر.

محمد رضا هدايت پناه

اشاره

در برخی متون تفسیری و سفرنامه های فارسی در دوران کهن، به مقتضای نقل آیات و احادیث و بیان رویدادها، به موضوعات راجع به حضرت فاطمه علیها السلام اشاره شده است. در دوره معاصر نیز، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آثار منثور بسیاری پدید آمده است، اما استحکام ادبیات منظوم را ندارند. از این رو، در بیشتر موارد، بیان موضوعات راجع به حضرت فاطمه علیها السلام در ادب فارسی، در حوزه نظم کاوش می شود.

شاعران دوستدار اهل بیت علیهم السلام از قرن اول هجری و در دوران اموی و عباسی، همواره در اشعار خود، حاکمان غاصب را به شدت نکوهیده و رهبران راستین خویش را ستوده و کوشیده اند مکتب اهل بیت علیهم السلام را احیا کنند (ر.ک: شهیدی، 189). اشعار این شاعران، موضوعات متنوعی دارند، اما همه آنها جزو ادبیات واحدی به نام ادبیات شیعی اند. موضوع ادبیات شیعی عمدتاً عبارت است از: حضرت علی علیه السلام و ولایت ایشان، حضرت زهرا علیها السلام و شهادت ایشان، امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا، و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برخی هر شعری را که به مقوله هایی همچون اهل بیت علیهم السلام، ولایت ائمه علیهم السلام، محبت ذوی القربی، امامت علی بن ابی طالب علیه السلام، فضایل و مناقب خاندان عصمت، و مدایح و مراثی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازد، شعر شیعی دانسته اند (محدثی، شعر شیعی، 17). شاخصه شعر شیعی، پرداختن به امامت امیر مؤمنان علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام و مظلومیت خاندان رسالت، به خصوص در فاجعه کربلاست (ر.ک: شهیدی، 212؛ محدثی، شعر شیعی، 17). ادب شیعی به ستایش فضایل اخلاقی و انسانی و دینی و ابراز بیزاری از رذایل اخلاقی و پلیدیهای روحی

می پردازد و فرهنگ جهاد و شهادت را، برای در هم کوفتن دشمنان اسلام و مذهب ترویج می کند (احمدی بیرجندی، جلوه های ولایت در شعر فارسی، 25 «مقدمه»).

پیشینه ادبیات شیعی در عربی، به صدر اسلام باز می گردد، زمانی که حسان بن ثابت در روز غدیر خم، به اذن پیامبر صلی الله علیه و آله، برخاست و واقعه غدیر را سرود: «يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ / بِحُجْمٍ وَأَسْمَعُ بِالنَّبِيِّ مُنَادِيًا // يَقُولُ فَمَنْ مَوْلِيكُمْ وَوَلِيِّكُمْ / فَقَالُوا وَ لَمْ يَسْأَلُوا هَذَاكَ التَّعَادِيَا // إِلَهُكَ مَوْلَانَا وَ أَنْتَ وَلِيُّنَاو / لَنْ تَجِدَنَّ مِنَّا لَكَ الْيَوْمَ عَاصِدِيَا...» (ر.ک: صدوق، 670؛ مفید، 1 / 177؛ طوسی، 221؛ امینی، 2 / 34). از آن پس تاکنون، درباره غدیر خم و امامت علی علیه السلام و شخصیت دیگر معصومان علیهم السلام، به ویژه حضرت فاطمه علیها السلام، اشعار بسیاری به زبان عربی سروده شده است (محدثی، شعر شیعی، 17، مقاله فاطمه علیها السلام در شعر عربی).

ادبیات شیعی فارسی، به ویژه اشعار راجع به حضرت فاطمه علیها السلام، از قرن چهارم هجری پدید آمد (شهیدی، 213)، هر چند از قرن دوم نیز اشعاری به فارسی بر جای مانده است، لکن در آن زمان، به سبب حکومت خلفا، این زبان رونق چندانی نداشت. از قرن سوم، حکومت های نیمه مستقل و مستقل ایرانی به وجود آمدند که برخی از آنها مروج زبان عربی بودند و برخی نیز، همانند صفاریان و سامانیان، در ترویج زبان فارسی می کوشیدند (ر.ک: صفا، 1 / 163 - 182). بیشترین علت اندک بودن این اشعار در سه قرن نخست هجری، وضع زبان بود؛ البته سلطه و نفوذ مذاهب غیر شیعی نیز در کمیت و کیفیت این اشعار تأثیر داشت. در قرن چهارم، سامانیان و امرای آل بویه، در احترام به سنن ملی و ترویج زبان فارسی، کوشش بسیاری کردند. از این رو، شعر فارسی راه شکوفایی را آغاز کرد و اندیشه های دینی در ذهن و زبان شاعران بزرگ جاری گردید (ر.ک: صفا، 1 / 356 - 369).

بسیاری از شاعران و ادیبان بزرگ فارسی گوی، از جمله کسایی مروزی (م. 395 ق.)، فردوسی (م. 411 ق.)، مسعود سعد سلمان (م. 518 ق.)، انوری ابیوردی (م. 583 ق.)، خاقانی شروانی (م. 595 ق.)، کمال الدین اسماعیل (م. 653 ق.)، مولوی (م. 672 ق.)، سعدی (م. 691 ق.)، ابن یمن فریومدی (م. 769 ق.) و دیگران، به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان طاهرین او علیهم السلام اشاره کرده اند (ر.ک: احمدی بیرجندی، جلوه های ولایت در شعر فارسی، 22 «مقدمه») و نام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، به تلویح یا در بعضی از شعرهای آنان، دیده می شود (شهیدی، 216)؛ اما شاعران بسیاری نیز از قرن چهارم تاکنون، به صراحت به موضوعات راجع به حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته اند.

پنج نگرش کلی بر مجموعه اشعار فاطمی علیها السلام حاکم شده است (ر.ک: گنجی،: (288 - 293).

1. نگرش روایی و تاریخی، که در آن عمدتاً وقایع تاریخی مرتبط با زندگی حضرت فاطمه علیها السلام بیان شده است، مانند اشعار خواجه کرمانی (ادامه مقاله).

2. نگرش فلسفی و کلامی، که در آن به نقش حضرت علیها السلام در عالم هستی و مقام معنوی و عرفانی ایشان اشاره شده است، مانند مثنوی محمد فکور صفا و قصیده محمد علی صاعد اصفهانی (ادامه مقاله).

در مثنوی فکور - که تفسیری از مناقب منسوب به ابن عربی است - در تفسیر صفتی از صفات حضرت فاطمه علیها السلام (جواد العالم العقلیه)، آمده است: «عقل کل اول ظهور باری است / وان ظهور اندر موالی جاری است // ... // چون که ظرف جان زهرا کامل است / عقل کل را در پذیرش شامل است // حضرتش مشکات نور عقل شد / تا که نور او به عالم نقل شد // ... // در لباس زن هویدا شد ولی /

در ابتدای قصیده ای از محمدعلی صاعد اصفهانی نیز با همین نگرش آمده است: «کیست وجودش ز بعد خالق اکبر / فوق وجود و ز حد وصف فراتر // کیست که باشد وجود ذیل وجودش / هست عَرَض هر چه هست و اوست چو جوهر» (75؛ ر.ک: شاهرخی، 284 - 287).

3. نگرش تخیلی و شاعرانه، که در آن تصاویر خیال انگیز شاعرانه و گاه اغراق آمیز از حضرت علیها السلام ارائه شده، مانند شعر بانوی آب، سروده بهمن صالحی (ر.ک: 35 - 37، 45 - 47).

4. نگرش عاطفی و شخصی، که در آن، شاعر به وصف احوال خویش در انس با حضرت علیها السلام، و واگویه های درونی خود درباره حضرت علیها السلام می پردازد، مانند شعری از غضائری رازی (شاعر قرن پنجم) یا شعری از ادیب الممالک فراهانی (شاعر قرن چهاردهم) (ادامه مقاله).

5. نگرش چندوجهی و فاخر، که در آن، شاعر با تلفیق نگرشهای پیشین، به طور جامع، به حضرت علیها السلام می پردازد. شعر شکوفه های فریاد، سروده خسرو احتشامی، از این گونه است.

اشعار فاطمی، علاوه بر قصیده و غزل، در قالب مثنوی (ر.ک: عزیزی، 485 - 494)، ترکیب بند (ر.ک: بهجتی، 71)، مسمط (ر.ک: صغیر اصفهانی، 34 - 35)، رباعی (ر.ک: احرامیان پور، 139) و حتی شعر نو (ر.ک: صالحی، 35 - 37، 45 - 47) نیز سروده شده است. به جز شعر نو، دیگر قالبها در طول تاریخ شعر فارسی و در اشعار راجع به حضرت علیها السلام به کار رفته است.

در سده های گذشته، اشعار راجع به حضرت علیها السلام، در میان آثار مدیحه سرایان و

مرثیه سرایان یافت می شود و در این باره اثر مستقلی وجود ندارد. اما در سده اخیر، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آثار مستقل بسیاری پدید آمده، که در آنها عمدتاً سروده های فارسی درباره حضرت علیها السلام گرد آمده است. در برخی از این آثار، اشعار به صورت موضوعی گردآوری شده، مانند مقاله «سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه ادب فارسی» از محمدباقر محسنی و کتاب فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی، از محمد صحتی سردرودی، که در آن، در چهارده فصل و چهل باب، اشعار فاطمی از ولادت تا شهادت آن حضرت علیها السلام، گرد آمده است (ادامه مقاله). در برخی آثار، صرفاً مجموعه ای از اشعار راجع به حضرت علیها السلام عرضه شده است، مانند مقاله های «مدح فاطمه علیها السلام در قرآن و شعر فارسی» از محمدحسین ایران دوست و «حضرت فاطمه علیها السلام در آئینه شعر فارسی» از علی خوشه چرخ آرنی، و کتاب آئینه عصمت، اثر محمود شاهرخی و مشفق کاشانی. این گونه آثار، به سبب داشتن اشعار متعدد و معرفی شاعران بسیار، منبع پژوهشهای بعدی در خصوص شعر فاطمی هستند. مثلاً، در آئینه عصمت بیش از 110 شاعر معرفی شده است. علاوه بر گردآوری اشعار، در برخی آثار به بررسی شعر فاطمی و تحلیل مسائل مربوط به آن نیز پرداخته شده است، مانند مقاله «سیمای فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی» و کتاب جلوه های ولایت در شعر فارسی. در برخی آثار، با رویکرد تاریخی، به بیان سیر پیدایی شعر فاطمی و پیشینه آن در زبان فارسی و سپس ثبت اشعار و معرفی شاعران پرداخته شده است. سیدجعفر شهیدی در زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، در فصلی با عنوان «دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله در شعر فارسی»، به بحث شعر پرداخته و تاریخچه ای از شعر فارسی عرضه کرده و اشعاری را از شاعران فارسی زبان گرد آورده است (ر.ک: شهیدی، 211 - 239).

مهدی تقی نژاد در مقدمه کتاب نیلوفر کبود، با آوردن نخستین اشعار در وصف حضرت علیها السلام - که امیر مؤمنان علیه السلام آنها را سروده - به اشعار شاعران عرب و مدیحه ها و سروده های شاعران فارسی گو اشاره کرده و گزیده ای از اشعار شاعران معاصر را آورده است.

در شعر فاطمی، شاعران با نگرشها و رویکردهای گوناگون، به موضوعات متنوع در اشعار خود پرداخته اند، که برخی از آنها عبارت اند از: نام بردن از حضرت فاطمه علیها السلام به قصد ستایش (ر.ک: دقیقی طوسی، 100)، بیان اوصاف ایشان (ر.ک: سنائی غزنوی، 571)، بیان نسب و شرافت خانوادگی آن حضرت علیها السلام (ر.ک: ناصر خسرو، دیوان، 454)، غصب فدک (ر.ک: ناصر خسرو، دیوان، 236)، ابراز ارادت به حضرت علیها السلام (ر.ک: مدبری، 466)، بیان عقاید شیعه (ر.ک: کاشفی سبزواری، 138)، توسل و تمسک به حضرت علیها السلام (ر.ک: سعدی، بوستان، 209؛ همو، کلیات (قصاید)، 3)، بیان فضائل و مناقب حضرت علیها السلام (ر.ک: خواجوی کرمانی، 584)، سوک نامه و مرثیه (ر.ک: خواجوی کرمانی، 134)، ایاتی در رثای ایشان در ضمن مرثیه امام حسین علیه السلام (ر.ک: وحشی بافقی، 291)، مدح و ثنا (ر.ک: کاشفی سبزواری، 138؛ عاشق اصفهانی، 432 - 434)، اشاره به حضرت علیها السلام (ر.ک: بابافغانی شیرازی، 5: قآنی شیرازی، 437)، دفاع از ولایت (ر.ک: عزیزی، 485)، خطبه ها و خطابه ها (ر.ک: بهجتی، 71)، شخصیت زن (ر.ک: صالحی، 46) و فاطمه علیها السلام و مهدویت (ر.ک: محدثی، برگ و بار، 125؛ حسینی، 94 / 1).

با این همه، در شعر فاطمی کاستیهایی نیز وجود دارد که از مهم ترین آنها، این است که شعر فاطمی، هر چند از نظر آرایه های لفظی و تنوع قالب و استحکام و ابداع ترکیبات، توفیق بسیاری داشته، از حیث مضمون و محتوا همواره تکراری و دچار فقر اندیشه بوده است. در بیشتر اشعار، اوصاف حضرت علیها السلام مبتنی بر برداشتها

و ذهنیتهای رایج در میان مردم است، در حالی که باید مبتنی بر روایات و معارف اصیل اسلامی باشد، که متولی تبیین اوصاف معصومان علیهم السلام و به ویژه حضرت زهرا علیها السلام هستند. از این رو، مخاطب قرار دادن عوام و بی‌اعتنایی به خواص و عالمان، آسیبی دیگر در شعر فاطمی است (ر.ک: صحتی سردرودی، 11 «مقدمه»). این امر موجب پیدایش غلو در بیان اوصاف اهل بیت علیهم السلام یا بیان مطالب غیر واقع و غیر مستند گردیده است، مانند ابیاتی که در آن صغیر اصفهانی، گذر جبرئیل از فراز کاخ شرف زهرا علیها السلام را موجب سوختن پر و بال وی می‌داند (ر.ک: 35). برخی مختصات شعری نیز - گرچه در شعر، مطلوب اند و حتی حُسن به شمار می‌آیند - در بیان مناقب معصومان علیهم السلام، آسیب جدی محسوب می‌شوند. از جمله، تکیه بر عنصر خیال و اغراق، که در مقام تعظیم و تکریم، مسائل را فراتر از واقع، بیان می‌نماید و در برخی موارد دچار غلو می‌شود. بهره‌گیری از استعاره و مجاز نیز در بیان اوصاف و موضوعات راجع به معصومان علیهم السلام ایرادهایی به وجود می‌آورد. از دیگر آسیبها، توجه بیشتر شاعران به مصیبت نامه نویسی و ذمّ مخالفان و کم توجهی به شخصیت و مقام معنوی و مناقب و مدایح حضرت فاطمه علیها السلام است (صحتی سردرودی، 11 - 12 «مقدمه»).

از قرن چهارم تاکنون، شاعران فارسی‌گوی با سرودن اشعاری در قالبهای گوناگون، ارادت خود را به حضرت فاطمه علیها السلام ابراز داشته‌اند.

قرن چهارم، سبک خراسانی و سرآغاز شعر فاطمی

نخستین اشعار راجع به حضرت فاطمه علیها السلام به سبک خراسانی، و نخستین اشعار برجای مانده در ادبیات شیعی، سروده ابو منصور محمد بن احمد دقیقی طوسی (م. 368 ق.) است (معین، 5، 532).

1. دقیقی طوسی: وی در قصیده ای 55 بیتی، برای تکمیل و تعمیق مفاهیم ادبی و تصاویر شاعرانه، از نام برخی اهل بیت علیهم السلام بهره گرفته و در آن میان به نام حضرت زهرا علیها السلام نیز اشاره کرده است: «پری چهره بتی عیار و دلبر / نگاری سرو قد و ماه منظر // چنان چون من بر او گریم نگرید / ابر شبیر زهرا روز محشر» (ر.ک: 100 - 102).

2. فردوسی طوسی (م. 411 ق.): حکیم ابوالقاسم فردوسی نیز شاعری شیعی مذهب بود و در آغاز شاهنامه، اعتقاد خود را به اهل بیت علیهم السلام این گونه بیان کرده است: «چهارم علی بود جفت بتول / که او را به خوبی ستاید رسول // که من شهر علمم علیم در است / دُرست این سخن قول پیغمبر است» (13).

قرن پنجم

در این قرن نیز برخی شاعران درباره حضرت فاطمه علیها السلام شعر سروده اند، از جمله غضائری رازی و ناصر خسرو.

1. غضائری رازی (م. 426 ق.): وی در ابیاتی از پنج تن آل عبا علیهم السلام نام برده و با اقرار به مقام شفاعت ایشان، بدانها ارادت ورزیده است: «مرا شفاعت این پنج تن بسنده بُود / که روز حشر بدین پنج تن رهانم تن // بهین خلق و برادرش و دختر و دو پسر / محمد و علی و فاطمه حسین و حسن // ایا کسی که شدی معتصم به آل رسول / زهی سعادت تو لَاتَخَفْ وَ لَاتَحْزَنْ» (ر.ک: مدبری، 466).

2. ناصر خسرو (م. 481 ق.): یکی از مشهورترین نویسندگان و شاعران این قرن که بارها و به صراحت، نام حضرت علیها السلام را در کلام خود آورده، ناصر خسرو است. او شیفتگی خود را به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام بارها اظهار کرده و نام فاطمه علیها السلام و دیگر نامهای ایشان را، به صراحت و به قصد ستایش، ذکر نموده است، همچون: «من همی نازش به آل حیدر و زهرا کنم / تو همی نازش به سند

و هند بدگوهر کنی // گر بیند چشم تو فرزند زهرا را به مصر / آفرین از جانت بر فرزند و بر مادر کنی» (دیوان، 454). ماجرای غصب فدک نخستین بار در شعر فارسی، از زبان ناصر خسرو مطرح و نکوهش شده است: «لعنت کنم بر آن بت کز فاطمه فدک را / بستد به قهر تا شد رنجور و خوار و غمگین» (دیوان، 236). وی در برخی موارد، برای اثبات عمق ارادتش به امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، از تعابیر استعاری و معانی ثانوی بهره برده و از آن حضرت علیها السلام به حور عین محمد صلی الله علیه و آله تعبیر کرده است (دیوان، 129).

ناصر خسرو در سفرنامه خویش در وصف مدینه و مسجدالنبی نوشته است: «میان مقبره و منبر هم حظیره ای است و آن را روضه گویند و گویند آن بستانی از بستانهای بهشت است؛ چه، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: "بَيْنَ قَبْرِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ" و شیعه گویند آنجا قبر فاطمه زهرا علیها السلام است» (103).

قرن ششم و سبک عراقی

از اواخر قرن ششم تا قرن نهم هجری، سبک غالب شاعران فارسی زبان، عراقی بود. در این سبک، شاعران به جای قصیده، بیشتر در قالب غزل، شعر می سرودند (صفا، 2 / 343 - 344).

1. سنائی غزنوی (م. 545 ق.): در قرن ششم، سنائی غزنوی اعتقاد راسخ خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان ایشان علیهم السلام در منظومه های عرفانی بیان کرده است (701). وی به حضرت فاطمه علیها السلام و مقام معنوی و برتری او بر همه زنان عالم، اشاره کرده و نیز گفته است: «سراسر جمله عالم پُر زنانند / زنی چون فاطمه خیر النساء» (571).

2. قوامی رازی: از دیگر شاعران شیفته اهل بیت علیهم السلام در سده ششم، قوامی رازی است. او در فضایل ائمه علیهم السلام، به ویژه در رثای ایشان، سروده های فراوانی دارد و

درباره حضرت فاطمه علیها السلام، در تعزیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ظلمی که در عاشورا بر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله روا داشته شد، چنین گفته است: «روز دهم ز ماه محرم به کربلا / ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی // زهرا و مصطفی و علی سوخته ز درد // ماتم سرای ساخته بر سدره منتهی / در پیش مصطفی شده زهرای تنگدل // گریان که چیست درد حسین مرا دوا» (125 - 126).

3. عطار نیشابوری (م. 618 ق.): از جمله شاعران و عارفان شهیر در سده ششم و اوایل قرن هفتم، عطار نیشابوری است. وی در الهی نامه از حضرت فاطمه علیها السلام چنین یاد کرده است: «همه یاران در آن اندوه محنت / شدند آخر بر خاتون جنت» (224). در مصیبت نامه نیز، در خلال بیان فضیلت امام حسین علیه السلام، بار دیگر به مقام حضرت زهرا علیها السلام اشاره کرده است: «قرة العین امام مجتبی / شاهد زهرا شهید کربلا // گیسوی او تا به خون آلوده شد / خون گردون از شفق پالوده شد // کی کنند این کافران با این همه / کو محمد کو علی کو فاطمه» (37).

قرن هفتم

در اوایل این قرن، با حمله مغول به ایران، مراکز علمی در خراسان و محدوده ماوراء النهر وری و اصفهان نابود شد و دیگر پناهگاهی برای علوم و ادبیات اسلامی باقی نماند (صفا، 3 / 301). اما در عهد ایلخانان مغول (736 - 814 ق.)، به سبب اسلام آوردن برخی از حاکمان ایلخانی، دشمنی آنان و کارگزارانشان با ایرانیان مسلمان، از میان رفت. این امر برای مسلمانان فرصتی فراهم آورد تا سنتهای دیرینه خود را احیا کنند و چون پس از ایلخانان، بیشتر امرا و ملوک طوایف مسلمان بودند، این روند ادامه یافت. از این رو، در ایران آن دوران، شاعران پر آوازه‌های ظهور یافتند.

ص: 492

سعدی شیرازی (م. 691 ق.): شاعر و نویسنده بزرگ این دوران، سعدی شیرازی، در ستایش پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او به هر مناسبتی سخن گفته و علاقه باطنی و اعتقاد راسخش را به ایشان نشان داده است. او در قصیده ای، در مقام نیایش به درگاه خدا، از نام مبارک حضرت فاطمه علیها السلام این گونه استعانت جسته است: «یا رب به نسل طاهر اولاد فاطمه / یا رب به خون پاک شهیدان کربلا // دل‌های خسته را به کرم مرهمی فرست / ای نام اعظمت در گنجینه شفا» (کلیات (قصائد)، 3).

«خدایا به حق بنی فاطمه / که بر قولم ایمان کنم خاتمه» (بوستان، 209).

قرن هشتم

ابوالعطاء کمال الدین محمود خواجوی کرمانی (م. 753 ق.)، از مشاهیر شاعران و عارفان قرن هشتم، به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ارادت داشته و در سخنانش بارها به ایشان تمسک جسته است (صفا، 3 / 886)، در اشعاری که خواجو در رثای اهل بیت علیهم السلام سروده، نام حضرت زهرا علیها السلام عموماً ذکر گردیده، از آن جمله است: «چون چراغ دیده زهرا بکشتندش به زهر / زهره را دل بر چراغ دیده زهرا بسوخت» (143) و «در کام او چو زهر هلاهل شود نفس / هر کوز زهر خورده زهرا کند سخن // نور دل بتول و جگر گوشه رسول // خورشید برج دین و دُرّ دُرّج بوالحسن» (139). وی در اشعاری در مدح امام علی علیه السلام نیز، مرتبه آن حضرت علیه السلام را در وابستگی به حضرت زهرا علیها السلام دانسته است (ر.ک: 114 - 116).

قرن نهم و دهم، سبک هندی و توسعه باورهای شیعی

از قرن نهم تا سیزدهم، سبک رایج در شعر، سبک هندی بود (صفا، 5 / 421 - 422). این دوران، شاعران بیشتر در قالب قصیده شعر می سرودند. در قرن دهم، مقارن با دوره تیموری، گویندگان در بیان مفاهیم دینی و دل‌بستگی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام توفیق بسیاری پیدا کردند (ر.ک: صفا، 5 / 584).

از جمله شاعران مشهور در این دوران، کمال الدین حسین واعظ کاشفی سبزواری (م. 910 ق.م) بود (صفا، 4 / 523). وی در اشعار خود به مصائب انبیا و ائمه طاهرین علیهم السلام پرداخته و از امام علی و حضرت فاطمه و فرزندان بزرگوارشان علیهم السلام ستایشها نموده است (کاشفی سبزواری، 135).

وی برای نخستین بار در مدح حضرت زهرا علیها السلام، با اشاره به مقام عصمت و جایگاه ایشان در عالم هستی، اشعاری سروده است: «ای تو در درج نبوت گوهر عالم فروز / وی تو در برج ولایت زهره روشن جبین // ای به رفعت مریم ثانی که مهد عفت / از ترفع جای دارد بر سر چرخ برین // ای نهال روضه عصمت که هست از روی قدر / سایه جاهت پناه قاصرات الطرف عین // ریشه ای از معجز عصمت شجارت آمده / حوریان گلشن فردوس را حبل المتین // ای چراغ اهل بیت مصطفی ای فاطمه / مادر سبطین و نور چشم خیر المرسلین» (138). او در سوک نامه هایی که در رثای امامان معصوم علیهم السلام، به ویژه امام حسین علیه السلام، سروده، از حضرت فاطمه علیها السلام نیز ذکری به میان آورده است (ر.ک: 90، 189). در مصیبت شهادت حضرت فاطمه علیها السلام نیز چنین سروده است: «حوران ز بهر فاطمه آغاز کرده اند / بر غرفه های جنت مأوی گریستن // مادر نبود و جدّ و پدر روز ماتمش / باید به جای این همه ما را گریستن» (53).

قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم

این دوره، که با عهد صفوی مصادف بود، از جهت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و ترویج مذهب تشیع، حائز اهمیت است. در نتیجه توجه به علوم دینی در این دوره، فقه، کلام و حدیث توسعه یافت و این امر در گویندگان شعر فارسی نیز تأثیر داشت، خصوصاً تشویق پادشاهان به مرثیه سازی و مرثیه سرایان یا کسانی که به ذکر مناقب اهل بیت علیهم السلام

می پرداختند، بر رواج این نوع شعر افزود (صفا، 5 / 622). مؤلف عالم آرای عباسی، در ذکر احوال شاعران دوره شاه طهماسب صفوی، به تشویق حکومت در سرودن اشعاری در شأن ائمه معصومین علیهم السلام اشاره کرده است (ترکمان، 1 / 178). بنابر این، شاعران علاقه مند به ذکر مدح و منقبت و مرثیه حضرت فاطمه علیها السلام نیز مجال ظهور بیشتری یافتند.

1. بابافغانی شیرازی (م. 925 ق.): در اوایل این قرن بابافغانی شیرازی، با زبانی ساده و افکار نازک، شیوه خاصی در غزل ایجاد کرد (صفا، 4 / 411 - 412). وی در اشعارش از اهل بیت علیهم السلام سخن گفته، اما از حضرت فاطمه علیها السلام به صراحت ذکری به میان نیاورده و غیر مستقیم و به اشاره، به بیان اعتقاداتش پرداخته است (بابافغانی شیرازی، 5، 12). در برخی از اشعار نیز به واقعه غصب فدک و تبری از عاملان آن اشاره کرده است: «دیگر مکن مناظره با غاصب فدک / او را همین بس است که گویند غاصب است» (15).

2. هلالی جغتایی (م. 936 ق.): از دیگر شاعران قرن دهم، نورالدین هلالی استرآبادی، مشهور به جغتایی است. وی در اوایل عهد صفویان، هنگام حمله عبیدالله خان ازبک به سال 936 قمری، به جرم تشیع کشته شد (معین، 6 / 2291؛ ر.ک:

صفا، 4 / 432 - 435). وی در نمونه ای از اشعار مذهبی خود، در بیان خاکساری خویش به حضرت فاطمه علیها السلام و دیگر اصحاب کسا، این گونه سروده است: «چار طاق طرب سرای وجود / چار باغ فضای گلشن جود // کیست آن چار مه به مذهب من / علی و فاطمه، حسین و حسن» (221).

3. محمد اهلی شیرازی (م. 942 ق.): نیز قصاید فراوانی در منقبت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان و در رثای شهیدان کربلا دارد. او در ضمن اشاره به

سزاوار بودن همسری امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، از برتری معنوی حضرت فاطمه علیها السلام بر همه زنان دو عالم سخن گفته است: «مصطفی را نیست داماد از علی شایسته تر / شاه مردان را سزد خیر النساء العالمین» (492).

4. کمال الدین وحشی بافقی (م. 991 ق.)، شاعر نکته پرداز و از مشاهیر مکتب وقوع، در ضمن مرثیه ای برای خاندان پیامبر علیه السلام، به مقام معنوی حضرت فاطمه علیها السلام و خیر النساء بودن و منزلت ایشان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرده است (290). وی تعهد خود را به سوگواری حضرت زهرا علیها السلام، با تعصبی خاص نشان داده است: «ماتم فرزند پیغمبر بود بر جمله فرض / گر یزیدی سیرتی این را نداند گو بدان // رفته زهرا عصمتی در خلوت آل رسول / کامده آل علی از فرقت او در فغان» (255).

5. محتشم کاشانی (م. 996 ق.)، در اواخر قرن دهم هجری، شمس الشعراء، کمال الدین محتشم کاشانی، ظهور کرد. وی از شاعران اوایل عهد صفوی است که به سرودن مدایح و مراثی خاندان رسالت علیهم السلام اهتمام ورزید و بهترین اشعارش در همین زمینه اند (معین، 6 / 1909؛ ر.ک: صفا، 5 / 792 - 794). مهم ترین مرثیه او، ترکیب بندی است در دوازده بند، که در سوک شهیدان کربلا سروده و در آن چندین مرتبه به حضرت فاطمه علیها السلام اشاره کرده است: «بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند / اول صلا به سلسله انبیا زدند // نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید / زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند // آن در که جبرئیل امین بود خادمش / اهل ستم به پهلوی خیر النساء زدند» (کاشانی، 281).

قرن دوازدهم

مهم ترین شاعر در این قرن، آقا محمد عاشق اصفهانی (م. 1181 ق.) است که به مخالفت با شیوه شاعری قرن دهم و یازدهم، معروف

به سبک هندی، برخاست و شیوه شاعران قدیم خراسان و عراق را تجدید نمود (معین، 5/ 1124). وی در ستایش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، قصایدی سروده و در چند بیتی در مدح حضرت فاطمه علیها السلام، با اشاره به شرافت نسب و مقام والای حضرت علیها السلام در عالم هستی و برتری ایشان بر برخی انبیا و زنان نمونه، این گونه آورده است: «ای به گوهر ذات پاکت بضعه خیر الانام / وی مهینه بانوی جنت ز روی احترام // مایه آرام دل نور دو چشم روشنی / پیشوای هر دو عالم را هزارانت سلام // مهتر خلق خدا را دختری و از شرف / ذکر تو خوش تر حدیث و مدح تو بهتر کلام // مریمت خوانم ولی این مدح کی زبید تو را / مریمت زبید کنیز و عیسیست شاید غلام // چون خرامی سوی جنت بس که شوق خدمتت / بهر استقبال، نخل طوبی آید در خرام // من که در این لجه پر حیرتم کشتی شکست / بهتر از مهر توام حبلی نه بهر اعتصام // کافر در روز و شب جز مدحت آل رسول / گر به کار دیگرم باشد هوای اهتمام» (ر.ک: عاشق اصفهانی، 432 - 434).

قرن سیزدهم، بازگشت به سبک عراقی و افول باورهای شیعی

از میانه قرن دوازدهم تا اواسط قرن چهاردهم (دوره افشاریه، زندیه، قاجاریه و مشروطه)، گویندگان با زبانی متمایل به گذشته، به موضوعاتی از قبیل وصف طبیعت، ستایش پادشاهان، وعظ و اندرز، مدایح و مراثی ائمه معصومین علیهم السلام و داستانهای حماسی و تاریخی و دینی و غنایی توجه کردند و چون پادشاهان قاجار، بیشتر به شاعران توجه می کردند، شاعران فراوانی در دوره قاجار ظهور یافتند، ولی از دوره فتحعلی شاه (1176 - 1213 ق.) به بعد، ارتباط نزدیک میان ایران و اروپا آغاز شد و رو به افزونی نهاد و سرانجام، با تحول سیاسی بزرگی به نام مشروطیت همراه شد. در این میان، تغییرات عمده ای نیز در ساخت، ترکیب و

مضامین آثار ادبی پدید آمد و مطالب دینی، به ویژه در حوزه فرهنگ شیعه، به گونه ای رنگ باخت یا به ابتذال کشیده شد. گویندگان دوره مشروطه، بیشتر به سرودن اشعار سیاسی و میهنی روی آوردند و اگر کسی مایه های تعهد مذهبی و دین خواهی داشت، مفاهیم راجع به آن را، به اشاره، در لابه لای سخن خود می آورد. این وضع، تا فراهم شدن شرایط انقلاب اسلامی در ایران ادامه داشت.

1. میرزا حبیب قآنی شیرازی (م. 1270 ق.)، از شاعران بزرگ ایران در قرن سیزدهم است، شهرت او در ساختن قصاید طولانی، همراه اوصاف خوشایند و الفاظ خوش آهنگ است (معین، 6 / 1408). وی از مداحان شاهان و شاهزادگان قاجاری بود، اما در ستایش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و در رثای امام حسین علیه السلام و یارانش نیز اشعار بلند و مؤثری سروده است. همچنین درباره حضرت زهرا علیها السلام و شرافت و برتری وی بر دیگر زنان عالم و خیر النساء بودن او، در ضمن مدح دیگر اهل بیت علیهم السلام (قآنی شیرازی، 38) و نیز به طور مستقل، ابیاتی سروده، که از آن جمله است: «نه هر زن بُود در سعادت بتول / نه هر مردی اندر شرافت رسول» (769)، «حور فردوس لقا زهره زهرا طینت / ساره آمنه خو مریم میمونه خصال» (237). همچنین در مقام دعا و نیایش، به اشک دیده گریان فاطمه تمسک کرده است (58).

2. میرزا محمد جیحون یزدی (م. 1301 ق.)، از شاعران سده سیزدهم و معاصر قآنی بود. وی در قصیده سرایی و مدح خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام طبعی خوش و روان داشت (مدرس تبریزی، 1 / 446 - 447). جیحون در اشعار ولایی، در مدح امام علی علیه السلام، فقط حضرت فاطمه علیها السلام را هم رتبه ایشان دانسته است (ر.ک: 11). او در مرثیه ای که در توصیف ورود سر مبارک امام حسین علیه السلام به دیر راهی در راه

شام سروده، از زبان سر بریده امام حسین علیه السلام و در مقام تقاخر به حضرت زهرا علیها السلام چنین گفته است: «مادرم فاطمه کو زهره زهرا باشد / خود حسینم که سرم بر نی اعدا باشد» (421).

3. صفای اصفهانی (م. 1322 ق.)، شاعر و عارف قرن سیزدهم و چهاردهم، نیز درباره مقام و مرتبه اهل بیت علیهم السلام اشعاری سروده و در چند بیتی از مسمط زیبای خود - که در شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام است. آن حضرت علیها السلام را به صدف یازده مروارید امامت تشبیه کرده و به مقام ملکوتی و جبروتی و آگاهی حضرت فاطمه علیها السلام بر اسرار عالم هستی اشاره نموده و در ادامه چنین سروده است: «بالای مکان فوق زمان ذات مُمَحَّد / کز نقص زمانی و مکانی است مجرد // فرزند نبی جفت ولی طاق مؤید / طاق حرم عصمت او قصر مشید // آن شافعه کان رایحه کز خلد مخلد / جویند نیابند جز از خاک در او // در هر صفتی اعظم اسمای الهی / اندر فلک صورت نبود چو تو ماهی // عالم همگی بنده شرمنده تو شاهی / نه غیر تو حقی نه ملاذی نه پناهی // محتاج توایم از ره الطاف نگاهی / یا فاطمة الزهرا انا بکِ شُکُوا» (ر.ک: 128 - 131).

4. ادیب الممالک فراهانی (م. 1335 ق.)، از نیمه دوم قرن سیزدهم به بعد، در محتوا و ساختار ادبیات ایران، تحولات فراوانی رخ داد (ر.ک: یا حقی، 18 - 20). در این دوران، نویسندگان و شاعران متعهد و باذوقی ظهور کردند که ارادت خود را به ساحت قدس ربوبی و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ابراز می داشتند. در این ایام، سبک جدیدی در سروده های دینی به وجود نیامد و شاعران عمدتاً با سرودن مدایح و مراثی، راه گذشتگان را می پیمودند. ادیب الممالک فراهانی، از جمله مشاهیر ادب و شعر فارسی در این دوران، در انواع شعر، خصوصاً در

قصیده و قطعه، استاد بود (دهخدا، 1/ 1347؛ معین، 5/ 111). او در مقام و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام و غم و اندوه او در فراق پدر و ستمی که بر پسرعموی او علی علیه السلام رفت، ابیاتی سروده و به مصائب و ستمهایی که به ایشان شده نیز اشاره کرده و آورده است: «آمد به یادم از غم زهرا و ماتمش / آن محنت پیایی و رنج دمادمش // آن دیدۀ پر آتش و آن آه آتشین / آن قلب پر ز حسرت و آن حال در همش // آن دست پر ز آبله و آن شانه کبود / آن پهلوی شکسته و آن قامت خمش» (ادیب الممالک فراهانی، 566).

5. ملک الشعرا بهار (م. 1370 ق.)، دیگر شاعر نامدار این دوران است دهخدا، 3/ 4429؛ معین، 5/ 300 - 301). وی در چند بیت از قصیده ای که به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام سروده، به مقام معنوی و ضمیر آگاه او اشاره کرده و آورده است: «زهرا آن اختر سپهر رسالت / کاورا فرمان برند ثابت و سیار // فاطمه، فرخنده مام یازده سرور / آن به دو گیتی پدرش سید و سالار // پرده نشین حریم احمد مرسل / صدر گزین بساط ایزد دادار // عرفان عقد است و اوست واسطه عقد / ایمان پرگار و اوست نقطه پرگار // بر همه اسرار حق ضمیرش آگاه / عنوان از نام او به نامه اسرار» (ملک الشعرا بهار، 136 - 137).

قرن چهاردهم

در این قرن شاعران بلند آوازه‌های ظهور کرده و آثار فراوان و مؤثری در مدح و منقبت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام پدید آوردند. از آن جمله اند:

1. محمد حسین غروی اصفهانی (م. 1361 ق.)، فقیه و اصولی مشهور، که افزون بر مباحث علمی، دیوان شعری به نام دیوان کمپانی داشته و اشعار فراوانی در مناقب و مراثی اهل بیت علیهم السلام سروده است. از او شعرهای معروف و زیبایی با

مضامین عمیق، در شأن حضرت علیها السلام باقی مانده، که از آن جمله است: «دختر فکر بکر من غنچه لب چو وا کند / از نمکین کلام خود حق نمک ادا کند // نظم برد بدین نسق از دم عیسوی سبق / خاصه دمی که از مسیحا نفسی ثنا کند // ناطقه مرا مگر روح قُدس کند مدد / تا که ثنای حضرت سیّده نسا کند // فیض نخست و خاتمه نور جمال فاطمه / چشم دل از نظاره در مبدأ و منتهی کند // مطلع نور ایزدی مبدأ فیض سرمدی / جلوه او حکایت از خاتم انبیا کند // بضعة سیّد بشر، امّ ائمه غرر / کیست جز او که همسری با شه لافتی کند // وحی و نبوتش نسب، جود و فتوتش حَسَب / قصه ای از مروتش سوره هل اُتی کند» (39 - 40).

2. صغیر اصفهانی (م. 1390 ق.)، نیز در اشعاری زیبا و دارای مضامین متعالی، به بیان مقام حضرت زهرا علیها السلام در عالم هستی، در مقایسه با فرشتگان مقرب پرداخته و انسان را از درک مقام معنوی آن حضرت علیها السلام عاجز دانسته و گفته است: «فاطمه عصمت کل کنز خفی ازلی / فاطمه عالمه از حق به خفی و به جلی // فاطمه روح نبی، همسر و همتای ولیّ / فاطمه عالیه ای کش نبدار زوج علی // فرد و بی مثل بد آنگونه که حی متعال / طایر وهم که از منظر عنقا گذرد // به یکی پر زدن از گنبد خضرا گذرد / کی به کاخ شرف زهره زهرا گذرد // بلکه جبریل اگر خواست بدانجا گذرد / همچو پروانه از او پاک بسوزد پر و بال» (34 - 35).

3. محیی الدین مهدی الهی قمشه ای (م. 1393 ق.)، فیلسوف، مفسر و مترجم نامدار قرآن، نیز در اشعاری، با بیان منقبت و مقام عصمت و شفاعت حضرت فاطمه علیها السلام، عمق ارادت خود را این گونه ابراز داشته است: «مصطفی تاج است و حیدر تاجدار فاطمه / گوهر سبطین احمد گوشوار فاطمه // ایزد یکتا به ساق عرش اعلی برنگاشت / نام پاک و عزت و شأن و وقار فاطمه // معدن درّ ولایت

منبع فیض خدا / در شفاعت عالمی چشم انتظار فاطمه // زد الهی چنگ در دامان عصمت کز نشاط / مست ناب کوثر است از جویبار فاطمه» (327 - 328).

دوره معاصر، دوران بالندگی شعر شیعی و فاطمی

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (بهمن 1357)، معدودی از شاعران، شعر خود را به بیان منقبت امامان معصوم علیهم السلام اختصاص می دادند، اما پس از پیروزی انقلاب، با تغییر روشها و نگرشها، اغلب شاعران دوستدار ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، به مناسبت شهادت، ولادت، و ایام مربوط به این ذوات مقدّس، به خلق اثر و ثبت ارزشهای ایشان پرداختند، که سبب گردید سرودن چکامه های دینی و مذهبی، رواج بسیار یابد و جشنواره ها و سوگواره های نبوی، علوی، فاطمی، حسینی و از این قبیل، در سراسر ایران برگزار شود و آثار ادبی فراوانی درباره زندگی و سیره عملی و تعالیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پدید آمد.

در دوران اخیر، برخی از محققان، اشعار راجع به حضرت زهرا علیها السلام را گرد آورده و آثاری منتشر کرده اند، که از جمله آنهاست: مناقب فاطمی علیها السلام در شعر فارسی، احمدی بیرجندی؛ و فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی، صحتی سردرودی. صحتی سردرودی سروده هایی از قریب به 380 شاعر را آورده است که بیشتر، معاصر و به ویژه از شاعران پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستند و در میان آنان، سروده های 26 بانوی شاعر نیز آمده است.

سروده های بزرگان و علمای دین و به خصوص مراجع تقلید نیز - که در مناسبتهای گوناگون سروده اند و در پایگاههای اطلاع رسانی آنان منتشر شده به موجب اهتمام و توجه بیشتر شاعران به این حوزه گردیده است.

برخی دیگر از شاعران معروف این دوران، عبارت اند از: محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)، حمید سبزواری، مشفق کاشانی، محمد حسین بهجتی (شفق)، محمود شاهرخی، محمدعلی مجاهدی (پروانه)، محمدعلی مردانی، نصرالله مردانی، سیدرضا مؤید، قیصر امین پور، زکریا اخلاقی، احمد عزیزی، غلام رضا قدسی، صابر همدانی، جواد محدّثی، علیرضا قزوه، محمد صحتی سردرودی، بهمن صالحی، و بسیاری دیگر (ر.ک: صحتی سردرودی، 883 - 888). نمونه هایی از سروده های این شاعران، گسترش فرهنگ شیعی و فاطمی را پس از انقلاب اسلامی نشان می دهد.

1. امام خمینی قدس سره از مراجع و علمای بزرگی است که اشعار عارفانه و عاشقانه ای در قالب غزل سروده و دیوانی از وی بر جای مانده، اما برای ابراز ارادت به امامان معصوم علیهم السلام و مقام حضرت فاطمه علیها السلام، در قالب قصیده نیز شعر سروده و با تصویرهای بدیع، به بیان مقام بی همتا و فضایل حضرت علیها السلام پرداخته و او را آینه رحمت الهی و مظهر عصمت معرفی کرده است. در چند بیت از قصیده ایشان در مدح فاطمه زهرا علیها السلام و فاطمه معصومه علیها السلام، چنین آمده است: «ای ازلیت به تربت تو مُخَمَّر / وی ابدیت به طلعت تو مقرر // عصمت تو تا کشیده پرده به اجسام / عالم اجسام گردد عالم دیگر // جلوه تو نور ایزدی را مَجَلّی / عصمت تو سرّ مُختفی را مَظْهَر // نور خدا در رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیدا / کرد تجلّی زوی به حیدر صفدر // وز وی تابان شده به حضرت زهرا علیها السلام / اینک ظاهر ز دُخْتِ موسی جعفر» (ر.ک: 253 - 256).

2. علامه حسن حسن زاده آملی نیز اشعار بسیاری در وصف حضرت فاطمه علیها السلام سروده است. وی در شعری با عنوان «حدیث لیلۃ القدر»، به بیان حدیثی زیبا در

خصوص حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته است: «ز قرآن و ز آیتهای قدرش / بین این خاک زاد و شرح صدرش // ... امام صادق آن قرآن ناطق / یکی تفسیر همچون صبح صادق // بفرموده است و بشنو ای دل آگاه / که «لیله» فاطمه است و «قدر» الله // چو عرفانش به حق گردید حاصل / به ادراک شب قدرید نائل» (1/9 - 10).

3. سید محمد حسین شهریار در شعری با عنوان شأن نزول «هل أتی»، به منزلت والای حضرت زهرا علیها السلام نزد خداوند اشاره نموده و از زبان علی علیه السلام آورده است: «همسرم فاطمه ای شاه زنان عالم / ای بنای حرم قدس تو را کعبه حریم // دست پرورده سیمرغ رسالت که تو راست / قاف حرمت قُرُق غیرت قرآن کریم // ... هل أتی نازل در شأن قبول عذر است / مرجبا مهبط تنزیل خداوند حکیم» (2/1009).

4. حمید سبزواری در بیان مجد و عظمت حضرت فاطمه علیها السلام، شعری با عنوان «سرای فاطمه» سروده و در دو بیت از آن آورده است: «آنچه کرامت خدای فاطمه دارد / جمله مکان در سرای فاطمه دارد // جلوه توحید و نور عشق و فضیلت / کلبه مهر آشنای فاطمه دارد» (378).

5. مشفق کاشانی در وصف حضرت فاطمه علیها السلام رباعیاتی سروده است. «شقیعه محشر» و «سرچشمه رحمت خدا» نام دو رباعی اوست. وی در رباعی اخیر سروده است: «گل بوته باغ مصطفی زهرا بود / آلاله داغ مرتضی زهرا بود // خورشید بلند در شبستان وجود / سرچشمه رحمت خدا زهرا بود» ر.ک: احرامیان پور، 139).

6. محمد حسین بهجتی، متخلص به شفق، ترکیب بندی با نام «سر عفاف» سروده است. وی در این شعر بسیار روان و سلیس، از اندوه او در فراق پدر،

مظلومیت حضرت زهرا علیها السلام، بردباری و استقامت ایشان و ایراد خطابه در راه آگاه ساختن مردم غافل، سخن گفته است: «فغان که شاخ گل باغ احمدی زهرا / به نوبهار جوانی بهار می ریزد // ... چسان خموش نشیند که برگریز ستم / ز باغ عصمت دین برگ و بار می ریزد // به مسجد آید و جای پدر تهی بیند / به سوز ناله زند، خون ز دیده پالاید // خطابه خواند و بر خفتگان زند فریاد / مگر ز خواب گران، قوم دیده بگشاید // ولی عجب که در آن غافلان رفته به خواب / اثر به جا نهد آنچنان که می باید» (71).

7. محمود شاهرخی، متخلص به جذبه، نیز شعر «فاطمه زهرا علیها السلام» را در قالب مثنوی سروده است. این شعر از حیث زبان تا حدی به زبان قدیم نزدیک است، اما از حیث کاربرد ترکیبها و مفاهیم، اثری قوی است. در این شعر آمده است: «ای نادره بزرگ دوران / وی معجزه عروج انسان // ای صدرنشین بزم توحید / وی عاکفه حریم تجرید // ای بانوی حق پرست آگاه / ای ساکن کوی لی مع الله // ای روح عظیم رسته از بند / وز غیر خدا بریده پیوند».

8. محمد علی مجاهدی (پروانه) در شعر «آئینه شکست»، به مصیبتهای حضرت فاطمه علیها السلام اشاره کرده و در رثای ایشان آورده است: «مخزن سرّ خدا را چو عدو، سینه شکست / آه برخاست بر افلاک که آئینه شکست // این همان آئینه غیب نمای ازلیست / که در او شعشعه نور نبی است و ولی است // ... کاش آن دم که عدو مرکب کین را می راند / نبض هستی به همان دم ز تپیدن می ماند» سیری در ملکوت، 284 - 285).

9. محمدعلی مردانی علاوه بر سروده های بلند، در قالب دوبیتی نیز به بیان فضایل حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته و در یکی از آنها، با نام «محمد، زهراست»، آورده است:

«سرّ ازل و حیات سرمد، زهراست / آئینه حق نمای احمد، زهراست // چون شد سخن از اُمّ ابیها، گفتم / زهراست محمد و محمد، زهراست» (370).

10. نصرالله مردانی نیز در سروده ای با عنوان «کوی فدک»، به ماجرای غصب فدک پرداخته است: «بخوان که روضه غم گل کند به بوی فدک / هزار بغض نهان است در گلوی فدک // بگو به حامی آن غاصبان کوراندیش / که اشک بانوی گل بود آب روی فدک // قسم به نام تو ای کوثر پیمبر نور / که آب دیده ها می رود زجوی فدک // فدک به پای تو ریزد هزار خرمن گل / که هست دیدن روی تو، آرزوی فدک» (ر.ک: 178 - 180).

11. سیدرضا مؤید نیز در مرثیه ای با نام «چه دیده ای ای مادر»، به شرح درد دل خیالی حضرت زینب علیها السلام با مادرش، حضرت فاطمه علیها السلام، پرداخته است: «مگر ز اهل مدینه چه دیدی ای مادر / که دل ز عمر عزیز بُردی ای مادر // من از تو درس شهادت گرفتم و دیدم / چه رنجها که در این ره کشیدی ای مادر // پی دفاع ز حقّ امام خویش به جان / هزار گونه بلا را خریدی ای مادر» (102).

12. قیصر امین پور، در شعری با عنوان «نامی برای تو»، در رثای حضرت فاطمه علیها السلام سروده است: «صدایی به رنگ صدای تو نیست / به جز عشق، نامی برای تو نیست // ... کسی کز پی اهل مرهم رود / دگر شیعه زخمهای تو نیست // به آن زخمهای مقدّس قسم / که جز زخم، مرهم برای تو نیست» (141 - 142).

13. زکریا اخلاقی، در مرثیه ای به نام «گل محمدی من»، به شهادت حضرت فاطمه علیها السلام چنین اشاره نموده است: «گلی که عالم از او تازه بود پرپر شد / یگانه کوکب باغ وجود پر پر شد // شب شهادت زهرا، علی به خود می گفت / گل محمدی من چه زود پرپر شد // خزان چه کرد در چشم اشک بار علی / تمام گلشن غیب و شهود پرپر شد» (ر.ک: صحتی سردودی، 651).

14. احمد عزیزی در مثنوی «نخل و خون»، با به کار گرفتن ترکیبهای بدیع، به آفرینش تصویرهای ناب ادبی، با درونمایه های تاریخی و اعتقادی پرداخته است (ر.ک: 485 - 494). شعر «یاس» او درباره شهادت حضرت زهرا علیها السلام نیز زبانزد است: «یاس بوی مهربانی می دهد / عطر دوران جوانی می دهد // ... یاس مثل عطر پاک نیت است / یاس استنشاق معصومیت است // ... حضرت زهرا دلش از یاس بود / دانه های اشکش از الماس بود // ... اشک می ریزد علی مانند رود / بر تن زهرا، گل یاس کبود» (ر.ک: 373 - 377).

15. غلامرضا قدسی در مدیحه ای زیبا درباره حضرت فاطمه علیها السلام آورده است: «مهی ز چرخ نبوت چو مهر، جلوه نمود / که پیش طلعت او، مهر و ماه بُرد سجود // ستاره ای بدرخشید ز آسمان عفاف / که شد ز نور زُخش خیره، چشم چرخ کبود» (ر.ک: احمدی بیرجندی، مناقب فاطمی علیها السلام در شعر فارسی، 129 - 130).

16. محمدرضا آقاسی نیز مفاهیم مذهبی و شیعی را با زبانی ساده و زیبا سروده است. مثنوی «ریسمان بر گردن آسمان» از سروده های اوست: «قلم! نقشی از داغ زهرا بزن / بنفشه به دامان صحرا بزن // بزن پرده بر پرده، نقشی کبود / ز خاکستر و شعله و خشم و دود // قلم! تازه کن زخم دل بانمک / بگو قصه غصب باغ فدک // بکش از سر درد یک ریسمان / که بستند بر گردن آسمان» (ر.ک: صحتی سردرودی، 457).

17. جواد محدثی در سروده ای با نام «در جستجوی نشانه»، به شرح ارادت خود به حضرت زهرا علیها السلام و اظهار تأسف از پنهان بودن قبر ایشان پرداخته است: «ما مرغ بام خانه آل محمدیم / هر جا رویم در پی عترت روانه ایم // قبر نهان فاطمه داغ دل است و ما / در جستجوی یافتن یک نشانه ایم» (برگ و بار، 62).

18. علیرضا قزوین نیز در سروده های فراوانی، از جمله در شعری به نام «فقط شبیه خودت هستی»، به بیان فضیلت و منزلت والای حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته است: «نه مثل ساره ای و مریم، نه مثل آسیه و حوا / فقط شبیه خودت هستی، فقط شبیه خودت، زهرا // اگر شبیه کسی باشی، شبیه نیمه شب قدری / شبیه آیه تطهیری، شبیه سوره اعطینا» (28).

19. محمد صحتی سردرودی در مجموعه ای که در آن سروده های راجع به حضرت زهرا علیها السلام را گرد آورده، برخی اشعار خویش را نیز آورده است. وی با تکیه بر روایتی از امام علی علیه السلام (ابن دمشق، 136؛ نقدی، 489)، در شعری به نام «عالم اکبر»، آورده است: «من نمی گویم که زهرا دختر پیغمبر است / امتداد مصطفی هم با همین تک دختر است // ... آیه تطهیر و «كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» بخوان / سوره ای از بی کران قرآن فضلش کوثر است // ... شب سحر شد حُسن مقطع را بگویم والسهلام / فاطمه خود عالمی دارد جهانی دیگر است» (صحتی سردرودی، 198 - 199).

20. ثابت محمودی، متخلص به «سهیل»، در سرودهای با عنوان «عصر سرد فاصله ها»، در رثای حضرت فاطمه علیها السلام و ظلمی که بر ایشان و محسن شش ماهه اش رفته، آورده است: «زهراست آن که محسن شش ماهه اش شکفت / چون غنچه ای به خون، که بود اعتبار گل // زهراست آن که صورت نیلش برده آب / از آتشی که خواست بسوزد دیار گل» (ر.ک: مجاهدی، مجموعه شعر بقیع، 225 - 227).

21. عبدالجبار کاکائی در شعری با عنوان «انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله» فراق حضرت زهرا علیها السلام و غربت او را تصویر کرده است: «ای ابر سایه گستر رحمت، برآ، دمی / صبح تمام آینه ها آتشین شده است // ای بی نشان در آینه، باور نمی کنم / روحی چنان بزرگ، به غربت چنین شده است» (ر.ک: صحتی سردرودی، 790).

از جمله ابداعات شاعران معاصر، سرودن اشعار شیعی و فاطمی در قالب شعر نو و سپید است. بهمن صالحی، جواد محدّثی و محمد صحتی سردرودی، سروده‌هایی در این قالبها دارند.

1. بهمن صالحی «بانوی آب» را در قالب شعر نو سروده و در آن با خلق تصاویر خیال انگیز و شاعرانه، حضرت زهرا علیها السلام را در مرکز آفرینشهای ادبی قرار داده است. وی با استفاده از عناصر گوناگون، به ویژه طبیعت، این تصاویر را از بانوی آب ارائه داده است: «بانوی آب / چون هاله ای ز عاطفه ماه / با جامه ای ز نور / در قصر آفرینش کامل / خورشیدوار، ایستاده به درگاه // نامش / ظهور زهره در آفاق عشق / مهرش / فروغ سرمدی دلهاست / با ابر مهربانی دستانش / بانوی آب / در لحظه های آبی رؤیاست / آئینه کرامت دریاست» (ر.ک: 35-37).

2. حمیدرضا شکارسری، درباره حضرت فاطمه علیها السلام، اشعاری نوبه نامهای «راز»، «ناله فرشته»، «پرواز»، «مدفن بی نشان»، «در کنار تو» و «کبود» سروده است. نمونه شعر اوست: «این خانه پیش از این / یاس سپید داشت / امروز / اما / نیلوفری کبود / بر چارچوب سوخته در / بر قامت خمیده دیوار / پیچیده است / این خانه / امروز عطر یاس ندیده است» (49).

3. جواد محدّثی نیز شعر زیبایی «فاطمه علیها السلام، همسر علی علیه السلام» را در قالب شعر نو سروده که در بخشهایی از آن آمده است: «سیمای پرفروغ تو ای کعبه عفاف / آئینه تمام نمای محمد است / ... ای مادر پدر! / ای هاله شعاع رسالت / ای میوه درخت نبوت / ای انعکاس نور خدایی / ای چشمه سار حکمت و ای معدن علوم ...» (ر.ک: برگ و بار، 84-86).

4. محمد صحتی سردرودی، «زندگی، زیبایی» را در قالب نو سروده و جایگاه والای حضرت فاطمه علیها السلام را دستمایه ذوق شاعرانه خویش ساخته است: «زندگی را زندگی تلفظ می کنم / و در کنار زن که باشم / فرقی نمی کند مادر، خواهر، همسر یا دخترم / صبح را تنفس می کنم / زن را موجود مقدّسی میدانم / زیرا که از جنس زهراست» (194).

سروده های دیگری نیز در قالبهای نو منتشر شده، که از آن جمله است: «بانوی آفتاب» از افشین سرفراز (137 - 138)، و «سرو باغ محمد صلی الله علیه و آله» اثر محمدرضا محمدی (نیکو) (ر.ک: شاهرخی، 549)، از شرابه های روسری مادرم اثر سید حسن حسینی (48).

بانوان شاعر

حضور بانوان در عرصه سرودن شعر شیعی و فاطمی نیز پدیده ای نوظهور در تاریخ این شعر است که در دوران معاصر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گسترش یافته است. از جمله این شاعران اند:

1. سپیده کاشانی، سروده هایی با نامهای «بهاران در حجاز» (ر.ک: مجاهدی، مجموعه شعر بقیع، 93 - 95)، «زهرا طلّیعه صبح نور» (ر.ک: صحتی سردرودی، 107 - 108) و «شراره آه» (رسول زاده، 174) درباره حضرت فاطمه علیها السلام دارد. وی در شعر «رایت توحید» درباره ماجرای ولادت حضرت فاطمه علیها السلام آورده است: «ریشه سبز امامت پاگرفت / گل به دامان خدیجه جا گرفت // تا شود همراه و همراز پدر / تا شود یار علی در هر گذر // تا خدا بر ماسوا بنشاندش / تا پدر «امّ ابیها» خواندش» (ر.ک: شاهرخی، 126).

2. سیمیندخت وحیدی نیز شعرهای بسیاری درباره حضرت فاطمه علیها السلام و سروده است. «رهاتر از نسیم» (موجهای بی قرار، 122؛ ر.ک: صحتی سردرودی، 129)، «فیض رحمت یزدان» (این قوم ناگهان، 116؛ ر.ک: صحتی سردرودی، 236 - 238) و «شرقی ترین سپیده» (این

قوم ناگهان، 94؛ ر.ک: صحتی سردودی، 430) برخی از این سروده هاست. وی «پرتو ولایت» را در بیان فضایل حضرت فاطمه علیها السلام سروده است: «ای کتاب هستی را چون قصیده ای شیوا / گل سروده عشقی گل سروده های زیبا // ای حضور نورانی در ضمیر این عالم / صد هزار فروردین از جمال تو پیدا» (این قوم ناگهان، 95).

3. نیره السادات هاشمی سروده هایی با نام «میلاذ سپید» (ر.ک: صحتی سردودی، 26) و «گل خورشید» (هاشمی، 11) درباره حضرت فاطمه علیها السلام دارد. وی در «تنهایی فدک» ضمن اشاره به ستمهایی که بر آن حضرت علیها السلام روا داشته اند، بیتهایی را در مقام توسل به ایشان آورده است: «نیلی، کبود، قصه بازوی روشن / این زخم، عاشقانه شکفته است بر تنت // ... پهلوی تو که مبدأ تاریخ کربلاست / ما را رسانده به ابهام مدفنت // می خوانمت نهایت تنهایی فدک / دست من و تبرک زیبای دامت» (22 - 23).

4. نیره السادات سعیدی در سروده های بلند به نام «فخر زنان»، به بیان پاکی روح و یکتایی حضرت فاطمه علیها السلام در فضیلت و خوبی پرداخته و ضمن اشاره به اوصاف حضرت علیها السلام او را الگویی شایسته معرفی کرده است: «آن زن که بود مظهر ارزندگی زن / سرمشق فروزان در خشندهای زن // بیزار ز خواری و سرافکندهای زن / آن کس که بود راهبر زندگی زن // آن مه که رُخش قبله صاحب نظران است / نور دل ما فاطمه آن فخر زنان است» (ر.ک: شاهرخی، 450 - 453).

5. فاطمه تقفدی نیز «حقیقت فردا» را خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام سروده است: «از شانه های خسته مولا سخن بگو / بانوا برای این دل تنها سخن بگو // دلداری ام بده که دلم شعله می کشد / خاموش کن تنور دلم را سخن بگو» (تقفدی، 119 / 13 - 14).

6. زهرا رحیمی، احوال علی علیه السلام را در اندوه از دست دادن همسرش فاطمه علیها السلام، دستمایه سرودن «یا نور» ساخته و این احوال را چنین به تصویر کشیده است: «مردی بزرگ ماند، و شهری که گنگ و لال / در ازدحام آن همه انکار می شکست // ... قبری غریب ماند و یک آرزو که کاش / قفل زبان خاک به اقرار می شکست» (ر.ک: صحتی سردرودی، 591).

منابع

ابن دمشقی، محمد بن احمد دمشقی (م. 871 ق.)، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1415 ق؛ احرامیان پور، علیرضا، در حوالی بهشت، یزد، موسسه عطیه آسمانی، 1382 ش؛ احمدی بیرجندی، احمد، جلوه های ولایت در شعر فارسی تا سده نهم، مشهد، آستان قدس رضوی، 1380 ش؛ همو، مناقب فاطمی در شعر فارسی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1369 ش؛ ادیب الممالک فراهانی، میرزا صادق خان (م. 1335 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق وحید دستگردی، تهران، مطبوعه ارمغان، 1312 ش؛ الهی قمشه ای، مهدی (م. 1393 ق.)، کلیات دیوان حکیم الهی قمشه ای، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة؛ امام خمینی قدس سره، سید روح الله موسوی (م. 1368 ش.)، دیوان امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، 1373 ش؛ امین پور، قیصر، آینه های ناگهان، تهران، نشر افق، 1381 ش؛ امینی، عبدالحسین (م. 1392 ق.)، الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب، بیروت، دار الكتاب العربی، 1397 ق؛ اهلی شیرازی، محمد (م. 942 ق.)، کلیات اشعار، تحقیق حامد ربانی، تهران، کتابخانه سنائی، 1344 ش؛ بابافغانی شیرازی (م. 925 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اقبال، 1340 ش؛ بهجتی، محمدحسین (شفق)، سرّ عفاف، پیام انقلاب (دو هفته نامه)، س 6، ش 154، 1364 ش؛ ترکمان، اسکندر بیک (م. 1043 ق.)، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1350 ش؛ تققدی، فاطمه، گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)، تهران، کتاب نیستان، 1380 ش؛ جیحون یزدی، محمد

(م. 1301 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق احمد کرمی، تهران، نشر ما، 1363 ش؛ حسن زاده آملی، حسن، هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1377 ش؛ حسینی، سید حسن، از شرابه های روسری مادرم، تهران، انجمن شاعران ایران، 1385 ش؛ خواجهی کرمانی، کمال الدین محمود (م. 753 ق.)، دیوان اشعار تحقیق سعید قانع، تهران، انتشارات بهزاد، 1374 ش؛ دقیقی طوسی، محمد بن احمد (م. 368 ق.)، دیوان دقیقی طوسی، تحقیق محمدجواد شریعت، تهران، انتشارات اساطیر، 1368 ش؛ دهخدا، علی اکبر (م. 1334 ش.) و دیگران، لغت نامه، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا و دانشگاه تهران، 1373 ش؛ رسول زاده، جعفر، کتیبه تولا در مدح و مرثیه حضرت زهرا علیها السلام، قم، مؤسسه نشر فقاقت، 1376 ش؛ سبزواری، حمید، دیوان اشعار (دفتر اول، سرود درد)، تهران، انتشارات کیهان، 1367 ش؛ سرفراز، افشین، مثل شب در باران، تهران، انتشارات برگ، 1370 ش؛ سعدی، مصلح الدین (م. 691 ق.)، بوستان، تحقیق محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات ققنوس، 1366 ش؛ همو، کلیات، تحقیق محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات اقبال؛ سنائی غزنوی، مجدودین آدم (م. 545 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق مدرس رضوی، تهران، کتابخانه سنائی، 1362 ش؛ شاهرخی، محمود، کاشانی، مشفق، آئینه عصمت (شامل مدایح و مراثی در منقبت حضرت فاطمه علیها السلام)، تهران، انتشارات اسوه؛ شکارسری، حمیدرضا، گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)، تهران، کتاب نیستان، 1378 ش؛ شهریار، سیدمحمدحسین (م. 1409 ق.)، کلیات دیوان شهریار، تهران، انتشارات زرین، 1371 ش؛ شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1362 ش؛ صاعد اصفهانی، محمدعلی، تجلی در منی، اصفهان، انتشارات صغیر، 1375 ش؛ صالحی، بهمن، بانوی آب (گزیده سروده های بهمن صالحی)، رشت، انتشارات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان، 1370 ش؛ صحتی سردودی، محمد، فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی از ولادت تا شهادت، قم، مد انتشارات پرتو خورشید، 1387 ش؛ صدوق، محمد بن علی (م. 381 ق.)، الامالی، قم، مؤسسه البعثة،

1417 ق، صغیر اصفهانی، محمدحسین (م. 1390 ق.)، مصیبت نامه، اصفهان، کتاب فروشی ثقفی، 1354 ش؛ صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، 1387 ش؛ صفای اصفهانی (م. 1322 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اقبال، 1362 ش؛ طوسی، محمد بن حسن (م. 460 ق.)، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، تهران، مکتبه جامع چهل ستون، 1400 ق؛ عاشق اصفهانی، آقا محمد (م. 1181 ق.)، دیوان، تحقیق م. درویش، تهران، انتشارات جاویدان، 1362 ش؛ عزیزی، احمد، کفشهای مکاشفه، تهران، انتشارات الهدی، 1369 ش؛ عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم (م. 618 ق.)، الهی نامه، تحقیق فواد روحانی، تهران، انتشارات زوار، 1356 ش؛ همو، مصیبت نامه، تحقیق عبدالوهاب نورانی وصال، تهران، انتشارات زوار، 2536 ش؛ غروی اصفهانی، محمدحسین (م. 1361 ق.)، دیوان کمپانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1372 ش؛ فخر الزمان قزوینی، ملا عبدالنبی، تذکره میخانه، تحقیق احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات اقبال، 1375 ش؛ فردوسی، ابوالقاسم (م. 411 ق.)، شاهنامه، تهران، نشر پیمان، 1386 ش؛ قآنی شیرازی، میرزا حبیب الله (م. 1270 ق.)، دیوان، تحقیق ناصر هیری، تهران، انتشارات ارسطو، 1363 ش؛ قزوه، علیرضا، عشق علیه السلام، تهران، انجمن شاعران جوان، 1381 ش؛ قوامی رازی، بدر الدین (م. قرن 6)، دیوان، تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران، چاپخانه سپهر، 1374 ق؛ کاشانی، محتشم (م. 996 ق.)، دیوان، تحقیق مهرعلی گرکانی، تهران، کتاب فروشی محمودی، 1344 ش؛ کاشفی سبزواری، ملاحسین (م. 910 ق.)، روضة الشهداء، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، 1371 ش؛ گنجی، نرگس، پیام زن (ماهنامه)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، س 8، ش 7، 1378 ش؛ مؤید، سیدرضا، جلوه های رسالت، مشهد، انتشارات علی زاده، 1372 ش؛ مجاهدی، محمدعلی (پروانه)، سیری در ملکوت (مجموعه شعر در توحید و مناقب و مراثی اهل بیت علیهم السلام)، تهران، انتشارات اسوه، 1371 ش؛ همو، مجموعه شعر بقیع، (مناقب و مراثی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام)، تهران،

انتشارات اسوه، 1372 ش؛ محدثی، جواد، برگ و بار (گزیده اشعار)، قم، بوستان کتاب، 1380 ش؛ همو، شعر شیعی، ضمیمه خردنامه همشهری، ش 36، 1383 ش؛ مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان در قرن های 3 - 4 - 5 قمری، تهران، انتشارات پانوس، 1370 ش؛ مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی (م. 1371 ق.). ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب یا کنی و القاب، تهران، انتشارات خیام، 1374 ش؛ مردانی، محمدعلی، علی علیه السلام مظهر عدل و فاطمه علیهما السلام مظهر تقوا، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1374 ش؛ مردانی، نصرالله، قانون عشق، تهران، مرکز نشر صدرا، 1376 ش؛ معین، محمد (م. 1350 ش.)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1376 ش؛ مفید، محمد بن محمد (م. 413 ق.)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، بیروت، دار المفید، 1414 ق؛ ملک الشعرا بهار، محمد تقی، (م. 1370 ق.)، دیوان اشعار ملک الشعرا بهار، تهران، نشر آزاد مهر، 1382 ش؛ ناصر خسرو قبادیانی (م. 481 ق.)، دیوان اشعار، تحقیق مجتبی مینوی، مهدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه، 1365 ش؛ همو، سفرنامه، تحقیق محمود دبیرسیاقی، تهران، انتشارات زوار، 1363 ش؛ نقدی، جعفر (م. 1370 ق.)، الانوار العلویة و الاسرار المرتضویة، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1381 ق؛ وحشی بافقی، کمال الدین (م. 991 ق.)، دیوان، تحقیق سعید نفیسی، م. درویش، تهران، انتشارات جاویدان، 1342 ش؛ وحیدی، سیمیندخت، این قوم ناگهان، تهران، انتشارات سوره مهر، 1384 ق؛ همو، موجهای بی قرار، تهران، نشر حدیث، 1375 ش؛ هاشمی، نیره السادات، تندیس باران گزیده ادبیات معاصر (مجموعه شعر)، تهران، کتاب نیستان، 1381 ش؛ هلالی جغتایی (م. 936 ق.)، دیوان، تحقیق سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنائی، 1368 ش؛ یاحقی، محمدجعفر، چون سبوی تشنه، تهران، انتشارات جامی، 1375 ش.

محمدصادق بصیری و جواد شفیعیان

سیمای حضرت فاطمه علیها السلام در اشعار عربی از آغاز تا دوره معاصر.

در زمان نزول وحی، شعر در جامعه عرب آن روزگار جایگاه ویژه ای داشت. شعر برای بیان رویدادها و اقامه برهانهای منطقی و حجتهای شرعی و عقلی در دفاع از عقیده و مذهب نیز به کار می رود و چنین اشعاری درباره زندگی حضرت زهرا علیها السلام، بسیار سروده شده است. پیشینه شعر عربی در دفاع از اهل بیت علیهم السلام و اعتقادات شیعی، به عصر نبوی برمی گردد که شاعر انصاری، حسان بن ثابت، در شرح واقعه غدیر شعری سرود (صدوق، 670؛ مفید، 1 / 177؛ سید مرتضی، 4 / 131؛ امینی، 2 / 34) و بعدها در مدح حضرت فاطمه علیها السلام نیز اشعاری گفت (ادامه مقاله، قرن اول هجرت). این حرکت از دوران سلطه بنی امیه با شاعرانی چون کمیت اسدی، سید جمیری، دعبل خزاعی، و دیک الجن حصی به صورت گسترده تری ادامه یافت (ر.ک: امینی، 2 / 25 به بعد؛ شبر، 1 / 155 به بعد).

بسیاری از شاعران، دیوان شعر نداشته اند یا دیوانشان به جا نمانده و اشعارشان در دیگر کتابها پراکنده است. این اشعار پراکنده در مجموعه هایی گردآوری شده اند که از مهم ترین آنهاست: مناقب آل ابی طالب، ریاض المدح و الرثاء فی مدح و رثاء النبی و آلہ الاطهار علیهم السلام، فاطمة الزهراء علیها السلام فی دیوان الشعر العربی، و للزهراء علیها السلام شذی الکلمات.

رویکردهای شاعران به حضرت فاطمه علیها السلام

شاعران شیعی از همان سده های نخست، به تبلیغ عقاید اهل بیت علیهم السلام و افشای بدعتها و انحرافها و دفاع از حریم

ولایت و امامت می پرداختند، ولی در دوره های بعد از تعدادشان کاسته شد و هرچه به دوران معاصر نزدیک تر می شویم، شمار آنان، بیشتر و نحوه بیانشان، متفاوت تر گردیده است. رویکرد شاعران و فضای فکری حاکم بر شعر آنان، در یک جمع بندی، به شش دسته تقسیم می شود:

1. روایی و تاریخی: گاه شاعر با نگاهی تاریخی و به هدف سوگواری و گرامیداشت یاد زهرا علیها السلام، به رخدادهای زندگی آن حضرت علیها السلام (همچون ازدواج، غصب فدک، چگونگی شهادت و مصیبتهای ایشان)، مصیبتهایی که بعد از شهادت ایشان بر امیر مؤمنان علی علیه السلام وارد آمد، و وصیت حضرت فاطمه علیها السلام درباره تشییع پیکر و کفن و دفن خود، پرداخته و در این میان آیات و احادیثی را تضمین کرده اند که در مقام و منزلت حضرت علیها السلام وارد شده است (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام). از جمله شاعرانی که رویکرد روایی و تاریخی داشته اند، حسین بن حجاج، سوسی، قتاده بن ادریس، قاضی بن قریعه، سید حمیری، ابن ابی العون عَسَّانی، کردی بشنوی، شیخ خلیعی و علامه بحر العلوم بوده اند.

2. عاطفی: رویکرد عاطفی در شعر فاطمی با بیان احساسات و عواطف دینی و اظهار ارادت شاعر به حضرت فاطمه علیها السلام یا دادخواهی و طلب شفاعت از آن حضرت علیها السلام است. سرایندگان به بی خوابی و غم فراق خود اشاره کرده، تمثیلهای و حکمتهایی به کار برده و بر اعتقادات دینی و مذهبی خود تأکید ورزیده اند. سوک سروده امیر مؤمنان علی علیه السلام و قتاده بن ادریس از این دست است. در شعر شیعی، به هنگام روایت رخدادهای جنبه عاطفی کاملاً چشمگیر است. اشعار دیکُ الجِنِّ حمصی، سید حمیری ملا کاظم ازری، حاج جواد بذقت، قاضی نعمان مغربی و قاضی بن قریعه از این دست اند، که در آنها علاوه بر رویکرد روایی و تاریخی، به

بعد عاطفی نیز توجه شده است (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام).

3. اخلاقی: گاه شاعران درباره سیره عملی و اخلاقی حضرت علیها السلام شعر سروده و به تبیین فضایل اخلاقی و انساب و القاب ایشان پرداخته اند که به مقام معنوی ایشان اشاره دارد. گاه حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام و فرزندان آن دورا مقایسه کرده و از جنبه های اخلاقی و نسبت های خانوادگی هر دو سخن گفته اند. در هیچ یک از اشعار کهن و معاصر، درباره سیره عملی حضرت علیها السلام، سخن چندانی نیست. به عبارت دیگر، رویکرد اخلاقی آنها بسیار کم رنگ است. با این حال، اشعار حسان بن ثابت انصاری، مهیار دیلمی، شیخ حر عاملی، و میرزا ابوالفضل تهرانی، نمونه ای از این رویکردند (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام).

4. تخیلی: در این رویکرد، شاعر می کوشد از صور خیال برای بیان مطالب خویش بهره گیرد، ولی گستره خیال در شعر فاطمی، و به طور کلی در شعر شیعی، چندان نیست. گویا شاعر بیش از نازک خیالی، تعهد دینی خویش، و به عبارتی بیان حقیقتها و ترویج ارزشها و فضیلتها، را در اولویت قرار می دهد. بخشی از ستایش نامه سوسی، شیخ خلیعی، و میرزا ابوالفضل تهرانی چنین رویکردی دارند (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام). هر چه به دوران معاصر نزدیک می شویم، عنصر خیال کاربرد بیشتری در شعر فاطمی می یابد، تا حدی که برخی شاعران معاصر، تصویرهای بدیعی آفریده اند و کوشیده اند مخاطب را مفتون سازند (ادامه مقاله، دوره معاصر).

5. فلسفی: گاه شاعر به جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در جهان هستی و مقام بلند معنوی و عرفانی ایشان پرداخته است. شعر عبدی کوفی، و بخشی از شعرهای احمد بن علویه اصفهانی کرمانی، ابن حماد عبدی، شیخ خلیعی، و دمستانی از این

نوع اند (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام). اندک بودن این رویکرد، به سه علت است: استقبال نکردن همه مردم، به دلیل درک نکردن مضامین آن؛ تمایل نداشتن شاعر به رویکرد فلسفی در شعر؛ و ناتوانی شاعر در پرداختن به این مضامین. رویکرد فلسفی نیز، مانند رویکرد تخیلی، در شعر معاصر بیشتر از شهر کهن است (ادامه مقاله، دوره معاصر).

6. روایی و سیاسی: سیاستهای حاکمان وقت همواره بر سروده های شاعران هر دوره اثر گذاشته و گاه اشعاری در همراهی با سیاستمداران و گاه در ضدیت با آنان سروده شده است. به اعتقاد شیعه، اراده پیامبر صلی الله علیه و آله بر خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام، در جریان سقیفه تحریف شد و به غصب حق علیه علیه السلام در خلافت، و هتک حرمت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و غصب فدک انجامید. شعر متعهد شیعی برای اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام، این دسیسه ها را ترسیم کرده و میان روایتهای تاریخی و سیاسی پیوند زده است. در این اشعار به چگونگی شهادت حضرت فاطمه علیها السلام، وصیت آن حضرت علیها السلام به دفن شبانه خود، و آزارهایی که به علی علیه السلام دادند پرداخته شده، که از آن جمله است: اشعار سید حمیری، عونی، قتاده بن ادریس، شیخ خلیعی، شیخ محمد حسن حلی، علاءالدین حلی، هبل یمانی، صیمری، ملا کاظم از ری، و حاج جواد بذقت (ادامه مقاله، سیر اشعار درباره حضرت علیها السلام). با این همه، از گذشته تا کنون، رویکرد سیاسی چندان مورد توجه شاعران، نبوده است.

سیر اشعار درباره حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

شعر عربی درباره حضرت علیها السلام، از ابتدای قرن نخست هجری آغاز شده و تا دوره معاصر ادامه یافته و هر چه به دوره معاصر نزدیک می شویم، متکامل تر و بر کمیت آن افزوده شده است. شعر فاطمی معاصر با رویکردهای رایج در شعر کهن، کاملاً تفاوت دارد؛ در سده اخیر از

حالت احتجاج گونه گذشته فاصله گرفته و ابداعات هنری در آن بیشتر شده، احساسات، لطیف تر گشته و تعابیر بسیار زیبا با مفاهیم والا رواج یافته است.

شاعران سده های اولیه هجری، به رثا، ذکر فضیلتها و توصیف ازدواج حضرت زهرا علیها السلام پرداخته اند، اما متأخران و معاصران، ابتدا با بیان احساسات درونی، به ایجاد آمادگی در مخاطب پرداخته و سپس از فضیلتها و مصیبتها سخن گفته اند. مرثیه سرایی و ترسیم مصیبتها و وقایع ناگوار زندگی حضرت علیها السلام و وضع فجیع شهادت بانوی بزرگ اسلام، ویژگی بارز اشعار معاصران است. همچنین بهره مندی از احساسات قوی و کاربرد آرایه های سخن و روانی بیان، از ویژگی شعر معاصر است (ادامه مقاله، دوره معاصر).

قرن اول هجری

در این قرن، فقط ابیاتی از حسان بن ثابت نقل شده که در آنها به پاک دامنی حضرت مریم علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام و مقایسه ضمنی حضرت عیسی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام پرداخته است (ابن شهر آشوب، مناقب، 3 / 135؛ مجلسی، 50 / 23؛ کجوری حسینی، 1 / 196، 415).

حسان بن ثابت بن منذر خزرجی انصاری (م. 54 ق.)، کنیه اش ابو الولید، صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از شاعران مُخَصَّرَم (شاعرانی که هم دوره جاهلی و هم دوره اسلامی را درک کرده اند) بوده است (ر.ک: ابن اثیر جزری، 4 / 2 - 7؛ ابن حجر عسقلانی، 2 / 55 - 57؛ زرکلی، 2 / 175). از ویژگیهای وی آن است که در دوران جاهلی، شاعر انصار، پس از ظهور اسلام، شاعر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در دوره اموی، شاعر یمنیها بود (ابن اثیر جزری، 2 / 5؛ ابن حجر عسقلانی، 2 / 55). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: «مادامی که از ما دفاع کنی، روح القدس همراه توست» (کلینی، 8 / 102؛ طوسی، اختیار معرفة الرجال، 2 / 466؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، 10 / 465).

ص: 520

در ستایش و سوک حضرت زهرا علیها السلام، از امام علی علیه السلام نیز اشعاری به دست ما رسیده است. امیر المؤمنین علیه السلام در یکی از قصاید خود، وجود راهی برای عمر جاودانه را رد کرده و از دست دادن فاطمه علیها السلام را پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دلیل جاودان نبودن یاران و دوستان شمرده است. حضرت علی علیه السلام در این شعر بیان کرده است که بعد از شهادت فاطمه علیها السلام، بار اندوه بر او سنگینی می کند و دلتنگ عزیزان از دست رفته است، اما خود را بردبار می داند. سپس از شخصیت یاران سخن گفته و کسانی را از یاران خویش شمرده است که بعد از او نیز راز دار حضرت علیها السلام باشند (مجلسی، 43 / 216؛ تبریزی انصاری، 888).

قرن دوم هجری

با تغییر سیاست و انتقال دولت از امویان به عباسیان و آمیختن عربها با ایرانیان و یونانیان، طبع شعر عربها بسیار لطیف شد، ولی بیشتر شاعران این دوره به شعر درباری پرداختند. حادثه مهم دیگر، آن بود که عمر بن عبدالعزیز تدوین حدیث را آزاد اعلام کرد. از این رو، برخی شاعران، احادیث ائمه معصوم علیهم السلام را به نظم در آوردند و نیز به ترویج مناقب و فضایل ائمه اطهار علیهم السلام، به ویژه امیر مؤمنان علیه السلام، پرداختند.

1. عبدی کوفی (م. 120 ق.)، یکی از شاعران این دوره و از اصحاب امام صادق علیه السلام و راوی حدیث، در اشعار خود فقط به ذکر فضائل اهل بیت علیهم السلام و مصائب ایشان پرداخته است. ابو محمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی نیز احادیث و روایات را از امام صادق علیه السلام می آموخت و در همان لحظه به نظم در می آورد. امام صادق علیه السلام شعر او را ستوده و به شیعیان توصیه کرده است که شعر وی را به فرزندان شان بیاموزند (ر.ک: امینی، 2 / 294 - 297). عبدی کوفی در یکی از اشعار خود به بیان فضیلت های علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام پرداخته و آنان را مصداق آیه تطهیر

معرفی کرده و گفته است که نام آنان بر عرش خدا حک شده است، جبرئیل مأمور خواستگاری از زهرا علیها السلام بود و خدا یک پنجم زمین را مهریه زهرا علیها السلام قرار داد (ابن شهر آشوب، مناقب، 3/ 128 - 129؛ امینی، 2/ 317 - 318).

2. ابوهاشم اسماعیل بن محمد بن یزید بن وداع حمیری (م. 178 ق.)، ملقب به سید، نیز از شاعران سده دوم بود. وی در بصره پرورش یافت. والدیش اباضی مسلک بودند (امینی، 2/ 231 - 232)، ولی او به محمد بن حنفیه عقیده داشت. وی پس از دیدن کرامتی از امام صادق علیه السلام، شیعه امامی شد (ابن حمزه طوسی، 395 - 396 ر.ک: بحرانی، مدینه معاجز، 5/ 373 - 375). حمیری از جمله شاعرترین شاعران بود (امینی، 2/ 238). امام صادق علیه السلام به او فرمود: «مادرت تو را سید نامید و تو به آن درجه نائل گشتی. تو سید الشعراء هستی» (طوسی، اختیار معرفة الرجال، 2/ 573 - 574؛ مجلسی، 27/ 327؛ خوئی، 4/ 93). وی در ابیاتی از وصیت حضرت زهرا علیها السلام درباره تشییع پیکر و کفن و دفن شبانه خود (ابن شهر آشوب، مناقب، 3/ 138) و شیدایی ایشان برای پیوستن هرچه سریع تر به رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن گفته است (امین عاملی، اعیان الشیعه، 3/ 425).

قرن سوم هجری

در این قرن، نهضت ترجمه رونق گرفت و مردم، تحت تأثیر عقل گرایی یونانی، از ظاهر گرایی به باطن گرایی و عقل گرایی روی آوردند و با پایبندی دینی، در مقابل بی بندوباری و افسار گسیختگی ایستادگی کردند و در نتیجه، مراسم لهو و لعب، کم کم به مجالس خصوصی و پشت پرده ها منتقل شد. شعر نیز به تکلف گرایید و صناعات ادبی با آن آمیخته شد. بسیاری از فرهیختگان به گفتن شعر روی آوردند، تا جایی که شعر یکی از عناصر فرهنگ و علم گردید.

ابو محمد عبدالسلام بن رغبان بن عبدالسلام بن حبيب بن عبدالله بن رغبان بن مزیدبن تمیم کلبی حمصی، معروف به دیک الجن (م. 235 ق.)، از مهم ترین شاعران این دوره است که بیشتر اشعارش در رثای اهل بیت علیهم السلام، به ویژه درباره امام حسین علیه السلام است. آوازه اشعار او چنان در شهرها پیچیده بود که مردم اموال بسیاری می پرداختند تا فقط یک قطعه از شعرش را به دست آورند. از او دیوان شعری بر جای مانده است (ر.ک: صدر، 260 - 261؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، 9 / 334؛ زرکلی، 4 / 5؛ مدرس تبریزی، 2 / 247؛ شبر، 1 / 283 - 288). وی در ابیاتی اثرگذار، آرامگاه حضرت زهرا علیها السلام را مخاطب قرار داده که تنها شکوفه هستی در آن آرمیده و سپس دعا کرده است که باران آن را سیراب سازد (ابن شهر آشوب، مناقب، 3 / 140).

قرن چهارم هجری

خردگرایی در این دوره به بالاترین مرتبه خود رسید و در همه زمینه های علمی، ادبی، فلسفی و فناوری، شکوفایی به وجود آمد و ادبیات و شعر نیز به اوج رسید تا جایی که هر حاکمی در دربار خود دانشمند و شاعری داشت و در شهرها نیز مراکز علمی و ادبی بسیاری به وجود آمد. از طرفی، تبلیغات شیعه در مشرق زمین گسترش یافت و به ظهور دولت فاطمیان انجامید. شاعران ثناگوی شیعی بسیاری در این دوره می زیستند، از جمله:

1. احمد بن علویه اصفهانی کرمانی، معروف به ابوالاسود یا ابن الأسود کاتب (م. 312 ق.) (طوسی، رجال، 412؛ امینی، 3 / 348؛ کحاله، 1 / 314)، از کاتبان و شاعران بنام امامی مذهب و صاحب قصیده مشهور المحبرة (علامه حلی، 104؛ امینی، 3 / 348) و از راویان حدیث بود (امینی، 3 / 348 - 349). وی در ابیاتی، ماجرای پاسخ رد دادن به خواستگاران حضرت فاطمه علیها السلام و پاسخ روشن و موافق پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را به امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده و سپس از پیوند آسمانی دو وجود مقدس و گواهی

فرشتگان بر آن سخن گفته است که نسل پاکی را به وجود آورده اند (ابن شهر آشوب، مناقب، 3 / 123).

2. ابوالحسن علی بن حمّاد بن عبیدالله بن حماد عدوی عبدی بصری، معروف به ابن حمّاد عبدی، از شاعران، حافظان و استادان حدیث در قرن چهارم هجری بود. وی در دوره شیخ صدوق (م. 381 ق.) می زیست و نجاشی او را درک کرد. وی اشعار بسیاری در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام و فضایل آن بزرگواران سروده، تا جایی که ابن شهر آشوب وی را از شاعران مُجاهر دانسته است؛ یعنی، شاعرانی که با صراحت و بدون ترس و تقیه به سرودن شعر درباره اهل بیت علیهم السلام پرداخته اند (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 181). این اشعار وی را علامه سماوی، در دیوانی با 2200 بیت، گرد آورده است (امینی، 4 / 153 - 154). ابن حمّاد در یکی از مدیحه های خود، از زبان ام ایمن نقل کرده است که فرشته ای مأمور گرداندن آسیاب حضرت فاطمه علیها السلام شده بود تا او استراحت کند (ابن شهر آشوب، مناقب، 3 / 117؛ مرعشی نجفی، 33 / 247).

3. ابو محمد طلحة بن عبدالله بن عبیدالله بن محمد بن ابی عون غسانی، معروف به عونی (م. 350 ق.)، دیگر شاعر این دوره است که مناقب اهل بیت علیهم السلام را به نظم کشید و گروهی او را به غلو متهم کردند. وی اشعار ناب بسیاری سروده و دیوانی از او به جای مانده است (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 181؛ حر عاملی، امل الآمل، 2 / 139؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، 9 / 775). شاعران پس از او، از جمله متنبی، از مضامین شعرهایش بهره گرفته و از او تقلید کرده اند (امینی، 4 / 128 - 129). وی در سروده هایش به شرح بی حرمتیایی که به فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام شد، سقط محسن علیه السلام و اسارت امام علی علیه السلام پرداخته است (ر.ک: مهدی، 278 - 280).

4. دیگر شاعر این دوره، ابوحنیفه قاضی نعمان مغربی (م. 363 ق.)، فرزند ابو عبدالله محمد بن منصور بن احمد بن حیون تمیمی، است. وی در علوم قرآنی، فقه، ادبیات و تاریخ تبحر داشت، از قاضیان مصر و مالکی مذهب بود که شیعه اسماعیلی شد و کتابهای بسیاری درباره حقانیت اهل بیت علیهم السلام نگاشت و مذاهب حنفی، مالکی و شافعی را رد کرد (محدث قمی، الکنی و الالقاب، 1/ 57-58؛ زرکلی، 8/ 41). وی در سوک سروده‌ای، احساسات و عواطف خود را درباره حضرت فاطمه علیها السلام ابراز کرده و به روایت شهادت فاطمه علیها السلام و وصیت او به دفن شبانه خود پرداخته است (عاملی، مأساة الزهراء علیها السلام، 2/ 18).

5. ابوبکر محمد بن عبدالرحمن قریعه (م. 367 ق.)، معروف به ابن قریعه بغدادی، شاعر بود که گفته اند در حاضر جوابی همتا نداشت (ابن ماکولا، 7/ 117؛ زرکلی، 6/ 190). وی در شعر خود، سؤالی مطرح کرده و در ضمن آن، با ظرافت، به علت شهادت فاطمه علیها السلام و معرفی عوامل آن پرداخته است (اربلی، 2/ 127-128؛ تبریزی انصاری، 866-867؛ نمازی، 5/ 493-494).

6. ابو عبدالله حسین بن احمد بن محمد بن جعفر بن محمد بن حجاج بغدادی، معروف به حسین بن حجاج (م. 391 ق.)، دیوان شعری دارد که در چند جلد به چاپ رسیده است. شریف رضی، گلچینی از اشعار وی را در کتابی به نام الحسن من شعر الحسین جمع آوری کرده است (شبر، 2/ 156). حسین بن حجاج در شهر نیل (از توابع حله) در گذشت و جسدش را به بغداد (کحاله، 3/ 312-313) منتقل و آن را کنار قبر امام کاظم علیه السلام دفن کردند (امین عاملی، اعیان الشیعه، 5/ 427). شعر او بیانگر عشق خالصانه وی به اهل بیت علیهم السلام و نفرت از دشمنان ایشان است. وی در پاسخ به مروان بن ابی حفصه - که به حضرت زهرا علیها السلام و ازدواج ایشان با علی علیه السلام طعنه زده

بود - شعری سروده و به مقام شامخ آنان در آن دنیا اشاره کرده است (ابن شهر آشوب، مناقب، 3/ 115؛ عاملی، الصحیح، 5/ 283).

قرن پنجم هجری

در این قرن، مسلمانان در علوم و فنون و ادبیات پیشرفت چشمگیری کردند و کتابهای گوناگونی در بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، کلام، نحو، عروض، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، علوم طبیعی، ریاضی، نجوم، موسیقی، نقشه کشی و معماری تألیف کردند. بغداد در این قرن، از مهم ترین مراکز علمی بود.

1. ابو الحسن / ابوالحسن مهیار بن مردویه دیلمی، مشهور به مهیار دیلمی (م. 428 ق.)، شاعر ایرانی عربی سرای، از شاعران مشهور قرن پنجم هجری است. وی زرتشتی بود، اما در پی ارشاد سیدرضی به اسلام گرایید و به دست سید مرتضی مسلمان شد و اشعار فراوان و زیبایی درباره اهل بیت علیهم السلام سرود. دیوان شعر او چهار مجلد است (ر.ک: ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 182؛ مدرس تبریزی، 6/ 46؛ فاخوری، 711 - 712). وی در قصیده ای، با اسلوب ندایی و خطابی، به ابراز احساسات پرداخته و فضیلت ذاتی حضرت فاطمه علیها السلام و فضیلت خویشاوندی وی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را بازگو کرده است (ابن شهر آشوب، مناقب، 3/ 105 - 106؛ مرعشی نجفی، 33/ 247 - 248).

2. ابو عبدالله حسین بن داوود کردی بَشَنَوی (م. 465 ق.)، دیگر شاعر این دوره، از جمله شاعران امامیه است که با صراحت به مدح ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته است (امینی، 4/ 35؛ کحاله، 13/ 382). علامه امینی او را از شاعران قرن چهارم خوانده است (4/ 34). بَشَنَوی در ابیاتی به جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در محشر و چگونگی عبور از آن اشاره کرده و گفته است که همه چشمها برای عبور ایشان بسته خواهد شد (ابن شهر آشوب، مناقب، 3/ 108؛ امینی، 4/ 39).

به استناد ذکر چند قطعه از اشعار محمد بن منصور سرخسی در آثار ابن شهر آشوب، سرخسی از شاعران این قرن است. از زندگی و تاریخ تولد و درگذشت او اطلاعی در دست نیست. در یکی از اشعاری که از او نقل شده، وی با رویکردی روایی و تقریباً فلسفی به تبیین جایگاه خاندان اهل بیت علیهم السلام و فاطمه علیها السلام در بارگاه الهی پرداخته و گفته است که خداوند با ازدواج علی علیه السلام با بزرگ بانوی هستی، شجره طیبه ای را استوار گرداند که پاره های جگر زهرا علیها السلام میوه های آن بودند و آن دو خورشید تابان و ماه فروزان، امامت و ولایت امت را عهده دار گردیدند (ابن شهر آشوب، مناقب، 3 / 101 - 102).

امیر ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن عبدالعزیز بن محمد سوسی نیز شاعر، ادیب و کاتب فاضل این دوره بود. وی در حلب سکونت داشت و همان جا درگذشت. او در رثای امام حسین علیه السلام اشعار بسیاری سروده و ابن شهر آشوب وی را از شاعران مجاهر برشمرده است (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 182). سوسی، در ستایش نامه ای، به شرح ماجرای پاسخ رد دادن به خوستگاران حضرت فاطمه علیها السلام و گواهی فرشتگان بر خواستگاری از حضرت زهرا علیها السلام برای علی علیه السلام و نتیجه این ازدواج پرداخته و گفته است که با ازدواج خورشید و ماه، یازده ستاره فروزان سرزدند (ابن شهر آشوب، مناقب، 2 / 30 - 31).

قرن هفتم و هشتم هجری

در دوره عباسی - که از اوایل قرن دوم شروع شد و در زمان هارون الرشید (اواخر قرن دوم) در نهایت قدرت بود - علم و ادب به اوج خود رسید، اما در قرون بعدی رو به رکود نهاد و با حمله چنگیز خان مغول به تباهی کشیده شد. در 656 قمری، هلاکوخان (نوه چنگیز) به بغداد حمله کرد و المستعصم بالله به قتل رسید و تا چهل روز خون اهالی پایتخت عباسیان

(بغداد) بر سربازان مغول مباح گشت. در پی این ماجرا، مغولان، بسیاری از اهالی بغداد را کشتند و کتابها را یا سوزاندند یا به رود دجله ریختند (ر.ک: خدامرادی، 414 - 417). در این دوره نیز شاعران اهل بیت علیهم السلام حضور داشتند.

1. ابو عزیز سید قتاده بن ادریس بن مطاعن بن عبدالکریم بن عیسی حسنی علوی، معروف به قتاده بن ادریس (م. 617 ق.)، یکی از آنهاست. وی جدّ اشرف بنی قتاده در مکه بود و ریاست قوم خود را بر عهده داشت. هنگامی که در مکه بر سر امارت یَبُوع (از شهرهای ساحلی حجاز) (یا قوت حموی، 5 / 450) و صفراء (محلّی در نزدیکی شهر مدینه و مجاور یَبُوع) (یا قوت حموی، 3 / 412) فتنه های بسیاری برانگیخته شد، وی با لشکری نیرومند به آنجا رفت و در سال 598 قمری یَبُوع و صفراء را گرفت و ملک خود را تا مدینه و یمن وسعت بخشید. وی نیکو کار و بافضیلت بود و اشعار بسیار زیبایی از او به جا مانده است (ابن عنبة حسینی، 138). در یکی از قصیده های بلند قتاده، وی از گریه های خود بر بانوی برگزیده خدا سخن گفته و افزوده است که پدر او خاتم پیامبران بود، حق همسرش را پیش از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله غصب کردند و حق او را در میراث پدر، با احادیث جعلی نادیده گرفتند، آیه مودت (شوری، 23) را کنار نهادند و کینه های بدر و احد را زنده کردند (مسعودی، 437؛ ر.ک: مؤسسه البعثه، 46 - 48).

2. ابوالحسن جمال الدین علی بن عبدالعزیز خلیعی موصلی حلّی (م. 750 ق.) نیز در این دوره می زیسته و اشعار بسیاری در مدح و رثای اهل بیت علیهم السلام سروده است. وی هنگامی که به حرم امام حسین علیه السلام وارد شد و قصیده اش را خواند، پرده درِ مرقد بر او افتاد و از این رو، به خلیعی شهرت یافت (امینی، 6 / 12 - 13). خلیعی در سروده خود در سوک حضرت فاطمه علیها السلام، ابتدا به مقایسه گریه شاعران دیرین

بر خرابه های خانه محبوب و گریه خود بر فاطمه علیها السلام پرداخته و به همسو نبودن خود با گذشتگان اشاره کرده، سپس با رویکردی روایی و تاریخی، و روایی و سیاسی، به بیان فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام و تضمین آیات و روایتهای وارد شده در شأن آن حضرت علیها السلام پرداخته و از غضب فدک و پیمان خداوند در عهد الست بر ربانیت خود و ولایت علی علیه السلام سخن گفته است (طریحی، 10-11).

3. ابوطالب محمد بن حسن بن یوسف بن علی حلّی (م. 771 ق.) (کحاله، 9/228)، از بزرگترین عالمان و محققان سده هشتم، ملقب به فخر المحققین، نیز اشعاری در سوگ حضرت فاطمه علیها السلام سروده است. وی در سوک نامه ای که برای حضرت فاطمه علیها السلام سروده، سوز و گدازهای خود را وصف کرده (رویگرد عاطفی) و در ادامه، با شرح پیمان شکنیها و آزار اهل بیت علیهم السلام بعد از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علی و آله، رویگرد روایی و تاریخی و سیاسی در پیش گرفته است (شبر، 8/323).

4. ابو الحسن علاء الدین علی بن حسین حلّی شهیقی، معروف به ابن شهیفة، از دیگر شاعران قرن هشتم و از طلایه داران شعر اهل بیت علیهم السلام است. قصاید زیبای او سرشار از براهین و دلایل قانع کننده و در عین قاطعیت، از لطافت و ظرافت خاصی برخوردار است (ر.ک: شبر، 4/146 - 151). وی دانشمند و ادیبی فرزانه، و معاصر شهید اول بود (م. 786 ق.) و شهید اول یکی از قصاید وی را شرح داده است (امینی، 6/365 - 366؛ عاملی، مأساة الزهراء علیها السلام، 2/21؛ ر.ک: شبر، 4/146 - 148). ابن شهیفة در سوک سروده خود به ماجرای آتش زدن خانه حضرت علیها السلام و غضب فدک و حضور ایشان در زمره اصحاب کساء اشاره کرده است (عاملی، مأساة الزهراء علیها السلام، 2/21: مهدی، 329).

قرن نهم، دهم و یازدهم هجری

با آغاز دوره عثمانی (اواخر قرن هفتم) و

رواج زبان ترکی در محاورات، مراسم و دیوانها، ادبیات عرب به شدت تنزل یافت؛ تعابیر، تقلیدی گردید و دیگر انگیزه ای برای سرودن شعر باقی نماند؛ تعصب قومی، که انگیزه ای برای سرودن اشعار جانبدارانه و فخر آمیز بود، از بین رفت؛ بیشتر شعرها از صناعات ادبی، خصوصاً توریه، آکنده شد؛ سرقت ادبی و اقتباس و تضمین فراوان شد؛ شاعران به کاربرد کلمات عامیانه و تعابیر رکیک و غزل مذکر و اوزان ساده و عامیانه روی آوردند و بیشتر به وصف اشیای زندگی روزمره مثل فرش و تسبیح و چاقو و بادبزن، و مضامین سست پرداختند. شعر دینی و مذهبی نیز از رکود و رخوت در امان نماند و تا اواسط قرن یازدهم، شاعر برجسته ای ظهور نکرد (ر.ک: هاشملو؛ فاخوری).

1. حسن بن علی بن جابر هبل یمانی (م. 1079 ق.)، اهل صنعا، از شاعران و ادیبان بزرگ قرن یازدهم است (مؤسسه البعثه، 61؛ ر.ک: خفاف، 195 - 202). وی در شعری برای حضرت فاطمه علیها السلام، فدک را هدیه پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده و با استدلال، ادعای ارث نبردن از پیامبران علیهم السلام را رد کرده است (مؤسسه البعثه، 61).

2. شیخ مفلح بن حسین صیمری از دیگر شخصیت‌های این دوران است که سروده‌هایی درباره حضرت فاطمه علیها السلام از او برجای مانده است. وی و پدرش از دانشمندان معاصر محقق کرکی بودند (حر عاملی، امل الآمل، 2 / 324 - 325: خوئی، 19 / 336). در شعر او سه رویکرد روایی و تاریخی، روایی و سیاسی، و عاطفی برجسته است. صیمری برای بیان شأن والای اهل بیت علیهم السلام، مفهوم و منطوق آیات نازل شده در شأن ایشان را در شعر خود آورده است. وی نیز به غصب فدک و گواه گرفتن کسانی که آیه تطهیر (احزاب، 33) در حق آنان نازل شده، اشاره کرده است (طریحی، 145 - 146).

در این قرن، با ایجاد ارتباط میان غرب و شرق و مخصوصاً ایجاد پیوند میان کشورهای اروپایی با مصر و لبنان و ورود دستگاههای چاپ به لبنان و گشایش مدارس، در میان ادیبان و روشنفکران جنبش دوباره ای به وجود آمد، عده ای برای فراگیری فنون و علوم به کشورهای اروپایی سفر کردند و به این ترتیب، پس از سالها رکود، نهضتی علمی و ادبی شکل گرفت (ر.ک: فاخوری).

1. فقیه و محدث بزرگ شیعه، محمدبن حسن بن علی حرّ عاملی (م. 1104 ق.)، در این دوره می زیسته و کتابهای ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است، از جمله وسائل الشیعه که مجموعه ای از تمامی احادیث وارده از معصومین علیهم السلام است. وی دیوان شعر نیز دارد (ر.ک: اردبیلی، 2 / 90؛ امینی، 11 / 332، 336 - 337). حرّ عاملی در سروده خویش برای حضرت فاطمه علیها السلام، با رویکرد روایی و تاریخی، به بیان تاریخ ولادت حضرت علیها السلام و پاسخ به اختلاف نظرها پرداخته و در این بین معنای نامهای حضرت فاطمه علیها السلام را آورده و فضایل و جایگاه والای او را در خاندن نبوت یاد آور شده است (کجوری حسینی، 1 / 386 - 387؛ ر.ک: مؤسسه البعثه، 57 - 61).

2. حسن بن محمد بن علی دمستانی (م. 1181 ق.) از دیگر عالمان و محدثان شیعه است که افزون بر کتابهای فقهی، اصولی و اعتقادی، دیوان شعری نیز از او به جا مانده است (ر.ک: بحرانی، حلیة الابرار، 1 / 448؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، 1 / 469؛ 3 / 401؛ 23 / 62؛ زرکلی، 2 / 220). وی در سروده هایش به جنبه فلسفی و کلامی گرایش داشته و حضرت زهرا علیها السلام را مظهر اسرار خدا خوانده است (رحمانی همدانی، 102).

در این قرن، صنعت چاپ رونق یافت و روزنامه ها و مجلات متعددی، انتشار یافت و انگیزه جدیدی برای فعالیت و ابداع ادیبان و

شاعران ایجاد شد. شعر و ادب رونق و طراوت تازه ای به خود گرفت و عالمان و ادیبان بسیاری در این قرن پرورش یافتند (ر.ک: لوئیس).

1. یکی از شاعران مشهور این قرن، کاظم بن محمد بن مهدی بن ابراهیم ازری بغدادی، مشهور به ملا کاظم (م. 1211 ق.)، از شاعران پیشاهنگ عراق پس از دوره عباسی است. وی در تمام فنون ادبی مهارت بسیاری داشته و در مدح اهل بیت علیهم السلام اشعار بسزایی سروده است. از مشهورترین آثار وی، قصیده هائیهای است به نام «ازریه»، که بالغ بر هزار بیت است. این قصیده ارزش ادبی والایی دارد و در آن آرای امامیه درباره نبوت و امامت به طور کامل، با دلیل و برهان، بیان شده است (ر.ک: ازری، 5 - 9؛ محدث قمی، الکنی و الالقاب، 23 / 2؛ زرکلی، 5 / 215؛ شبر، 6 / 29 - 33). ملا کاظم در سروده هایش به موضوع سیاسی غضب خلافت علی علیه السلام و آزار حضرت فاطمه علیها السلام و به آیه مودت (شوری، 23) اشاره کرده است. گاه نیز از عنصر خیال بهره برده و کوهها را با ناله های حضرت علیها السلام هم نوا ساخته است (ازری، 141؛ محدث قمی، بیت الاحزان، 146).

2. سید محمد مهدی بحر العلوم (م. 1212 ق.)، فرزند سید مرتضی طباطبائی، از دانشمندان بزرگ شیعه است که در ادبیات نیز تبحر داشت (ر.ک: محدث قمی، الکنی و الالقاب، 2 / 67 - 75؛ شبر، 48 - 51). جنبه روایی و تاریخی شعر او پررنگ است. وی در پاسخ به قصیده مروان بن ابی حفصه (م. 182 ق.) - که حق فرزندان دختر را با وجود عموها نادیده گرفته و از خلافت عباسیان حمایت کرده بود (ابن ابی الحدید، 4 / 65) - قصیده های سروده و در آن فضایل علی علیها السلام و ماجرای ازدواج مقدس او و فاطمه علیها السلام و جواب رد پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاران متعدد حضرت زهرا علیها السلام را شرح داده است (بحر العلوم، 1 / 89؛ امین عاملی، مستدرکات اعیان الشیعه، 2 / 330 - 331؛ مؤسسة البعثه، 66).

ص: 532

3. حاج جواد، مشهور به بذقت یا بذکت (م. 1281 ق.)، فرزند حاج محمدحسین اسدی حائری، از شاعران قرن سیزدهم است که در فضایل اهل بیت علیهم السلام اشعار بسیاری سروده، اما اشعار او تاکنون به چاپ نرسیده است. مهم ترین اثر وی، شعر حماسی بزرگی است در مدح امیر المؤمنین علی علیه السلام به نام «سمیر الحاضر و انیس المسافر» (ر.ک: شبر، 7 / 146 - 148). او نیز به پیمان شکنی سران سقیفه و مراعات نکردن توصیه های پیامبر علیه السلام در پاسداشت حرمت خاندانش اشاره کرده و مردم را فراخوانده است تا به آیات قرآن و دستور صریح قرآن درباره مودت و مهربانی با خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله توجه کنند (مؤسسه البعثه، 74).

4. ابوالمهدی صالح بن حمزه کَوّاز حَضیراتی شَمَری حَلّی (م. 1290 ق.)، دیگر شاعر این دوره، در صرف و نحو و منطق و معانی و بیان تبحر بسیار داشت و تنها شاعری بود که در اشعار خود، به تصریح و تلمیح، از حوادث سخن می گفت. الفرقدان، شامل اشعار حمزه کَوّاز و برادرش است (کحاله، 5 / 13). از مشهورترین آثار وی، قصیده نونیه ای است به نام «ناقه صالح». این قصیده در رثای سالار شهیدان، حسین بن علی علیه السلام، است و در آن به مصائب حضرت زهرا علیها السلام نیز اشاره شده است (شبر، 7 / 214 - 215).

5. میرزا ابوالفضل تهرانی (م. 1316 ق.) (مجمع الفکر الاسلامی، 2 / 253)، فرزند ابوالقاسم کلانتر تهرانی، بر فقه، اصول، کلام، ادبیات، شعر و تاریخ احاطه داشت. وی دیوان شعری به زبان عربی دارد، شامل سوک سروده ها و مداح اهل بیت علیهم السلام و همچنین پند و اندرز، و یکی از ده شاعری است که بر وزن تائیه دعبل خزاعی، قصیده سروده اند (محدث قمی، الکنی و الالقاب، 1 / 144؛ شبر، 8 / 128 - 129؛ مجمع الفکر الاسلامی، 2 / 255). رویکرد فلسفی او در شعر چشمگیر است. وی به بیان

فضیلت‌های خاندان نبوت، به ویژه حضرت زهرا علیها السلام، پرداخته و بر آن عنصر خیال را افزوده است (ر.ک: مؤسسه البعثه، 82 - 84).

دوره معاصر

شعر معاصر در لطافت و صراحت گویی تفاوت‌های بسیاری کرده و تعداد شاعران نیز چنان فزونی یافته است که می‌توان تعداد همه شاعران دوران گذشته را با دوره معاصر برابر دانست. این موضوع فقط ناشی از پیشرفتهای علمی و ادبی نیست، بلکه گردآوری اطلاعات درباره شاعران در عصر ارتباطات بسیار ساده تر از قرون گذشته است. افزون بر این، آزادیهای شیعیان در سالهای اخیر بیشتر شده و تشکیل گروهها و حکومت‌های شیعی، در گسترش شعر فاطمی نقش اساسی داشته است.

اگر شعر فاطمی معاصر با تکیه بر رویکردهای شش گانه شعر کهن بررسی شود، همگونیها و ناهمگونیهای آنها آشکار می‌گردد. رویکرد تخیلی و فلسفی در شعر معاصر بسیار پررنگ و پرمایه است و نظیر آن در شعر کهن وجود ندارد. شاعر معاصر حتی هنگامی که رویکرد روایی و تاریخی دارد، آن را با بیان عاطفی می‌آمیزد.

با رویکرد روایی و تاریخی، سه برهه از زندگی حضرت علیها السلام (ولادت، ازدواج و شهادت) از دوره قدیم تاکنون موضوع شعری بوده است. درباره ولادت حضرت زهرا علیها السلام، بیان شاعران معاصر با ستایش و بزرگداشت بیشتری همراه است. شاعران گذشته، همچون حرّ عاملی، به بیان تاریخ میلاد آن حضرت علیها السلام و اختلاف نظرها در این باره پرداخته، اما شاعران بعدی به بیان شاعرانه در این باره پرداخته اند، از جمله میلاد حضرت علیها السلام در شعر سید محمد جمال هاشمی، مایه شادی و نعمت و رحمت و دگرگونی شنزارها به طلا و دُرّ و مرجان است.

سید حسن شیرازی، با نگاهی وسیع تر و والاتر، میلاد حضرت فاطمه علیها السلام را مایه گراییدن ریگزارها به انوار هدایت خوانده و حضرت علیها السلام را مایه زیبایی عالم و جاودانگی، و هدیه ای معرفی کرده که خداوند در معراج، به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده و تا آنجا پیش رفته که با رویکردی فلسفی، حضرت علیها السلام را رمز علو و باطن تمامی روزگاران برشمرده است. رویکرد فلسفی در اشعار دمستانی و شیخ صالح کواز از دوره های گذشته نیز دیده می شود، اما در میان شاعران معاصر پررنگ تر است و در این زمینه می توان به اشعار محمدسعید جشی، سعید عسلی، سلمان ربیعی، و معتوق المعتوق اشاره کرد (ادامه مقاله، عناوین افراد).

بیان فضایل حضرت علیها السلام و مقایسه ایشان با دیگر زنان بزرگ و همچنین بر شماری امتیازهای ایشان در انتساب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و تداوم ولایت در نسل ایشان، هرچند در شعر کهن هم مورد توجه بوده، اما در شعر معاصر به آن توجه بیشتری شده است. عبارت پردازیهای متنوع شاعران معاصر در توصیف و بیان مناقب آن حضرت علیها السلام، در خور توجه است. احمد وائلی و سلمان ربیعی، حضرت فاطمه علیها السلام را دور کننده اندوهها دانسته، محمد سعید جشی و عبدالکریم آل زرع، او را سرور زنان عالم خوانده اند و سید مهدی حائری و اصلی حضرت علیها السلام را اسوه زنان جهان معرفی کرده است. تضمین آیات و روایات و استفاده از القاب و عناوین حضرت زهرا علیها السلام، مانند زهرای اطهر، بتول، مرضیه، زکیه، زاهده، عابده، حلیمه، تقیه، نقیه، کریمه و سیده نساء العالمین، در شعر معاصر بیشتر به کار رفته است. جابر کاظمی، با تضمین آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران، 103)، حضرت علیها السلام را مصداق ریسمان نجات الهی دانسته است. جابر کاظمی، سید مهدی اعرجی، هادی کاشف الغطاء، عبدالحسین حویزی و

سید مهدی حائری واصلی با تضمین آیه تطهیر (احزاب، 33)، و هادی کاشف الغطاء با تضمین «هل أتى» (ر.ک: انسان، 1 - 9)، اشعاری در ستایش حضرت علیها السلام سروده اند (ادامه مقاله، عناوین افراد).

اما در بیان ازدواج و مسائل آن، شعر عربی کهن از شعر معاصر، موفق تر بوده است. احمدبن علویه و سوسی از خواستگاران حضرت علیها السلام و پاسخ رد پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان سخن گفته اند. عبدی کوفی، محمد بن منصور سرخسی و علامه بحر العلوم به برگزاری ازدواج علی علیه السلام و زهرا علیها السلام و ثبت نام آن دو در عرش خداوند توجه کرده اند. حسین بن حجاج طعنه های مروان بن ابی حفصه را درباره این ازدواج پاسخ داده و سوسی نیز در پاسخ مروان، از مولا- علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان آنان، به «خورشید» و «ماه» و «ستارگان» تعبیر کرده است. اما در میان شاعران معاصر، فقط حبیب شعبان به این خواستگاری الهی پرداخته است.

اگر چه رویکرد تخیلی را شاعران دوران کهن نیز داشته اند - مثلاً میرزا ابوالفضل تهرانی از تعابیر و مضامینی لطیف و غزل گونه، همچون مضامین قصیده خمیره ابن فارض مصری (م. 632 ق.)، بهره برده است - ولی خیال پردازی و لطیف گویی در میان شاعران معاصر رواج بیشتری دارد. از جمله این شاعران، عبدالله معتوق، محمود بستانی، نزار سنبل، عبدالمجید فرج الله و علی عبدالله فرج هستند. به ویژه دو شاعر اخیر کوشیده اند عاطفه و خیال را در هم آمیزند و با نازک خیالی، به جای روایت تفصیلی وقایع دردناک زندگی حضرت علیها السلام، به ژرفای اثر آن رویدادها بر هستی و بر خویش پردازند و ابراز احساسات کنند. ممکن است شاعران معاصر در بیان احساسات خود، از مضامین مشابه و تکراری استفاده کنند، ولی زبان و احساس هر شاعر کاملاً مستقل از دیگری است. محمد یعقوبی

عبدالمنعم فرطوسی حتی ممانعت دشمن را از گریه حضرت زهرا علیها السلام بر رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسیم کرده اند (ادامه مقاله، عناوین افراد).

با وجود سوک سروده های بلند و تعداد زیاد شاعران معاصر، فقط در شعر محمد جواهری و سیدصالح حلی سفارش حضرت فاطمه علیها السلام به تشییع پیکر و کفن و دفن شبانه - که دهها پیام را در خود نهان دارد - ترسیم شده است، در حالی که در شعر کهن، سیدحمیری، قاضی نعمان مغربی، قاضی بن قریعه و قتاده بن ادریس از آن سخن گفته اند. شاعر معاصر زبان شعری متفاوتی دارد و به جای بیان رویدادها، از احساسات و عواطف خود می گوید. سید باقر هندی، سید محمد کیشوان و محمدعلی یعقوبی در روایت خود از شهادت حضرت علیها السلام، می گویند که گمراهان آمده اند نور خدا را خاموش کنند، غافل از اینکه خدا نورش را کامل می نماید (ادامه مقاله، عناوین افراد). شکایت حضرت فاطمه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله از ظلمهایی که بر ایشان رفته، یکی از موضوعاتی است که در شعر کهن به آن توجهی نشده است، اما در دوره معاصر محمدعلی قسام و سید حسین شامی به آن پرداخته اند.

هیچ یک از شاعران معاصر و غیر معاصر درباره پس از شهادت حضرت علیها السلام سخنی نگفته اند. از میان شاعران معاصر فقط محسن ابوالحب کعبی (ادامه مقاله) از پیش بینی حضرت زهرا علیها السلام درباره شهادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام سخن گفته است.

تعداد شاعران معاصر از دوره های گذشته، بسیار بیشتر شده و استقصای کامل آنها کاری دشوار است؛ از این رو، به ذکر مهم ترین آنان بسنده می شود:

1. محسن ابوالحب کعبی حویزی حائری (م. 1305 ق.)، از خطبا و شعرای برجسته کربلا بود که به فقه، تفسیر، حدیث و ادبیات تسلط داشت و در

ص: 537

سخنوری سرآمد سخنوران کربلا به شمار می رفت. دیوان شعر وی الحائریات نام دارد که همچنان به صورت نسخه خطی است. او نواده ای (م. 1369 ق.) به نام و لقب خود داشته که وی نیز از خطیبان و شاعران اهل بیت علیهم السلام بوده است و گاه، به اشتباه، اشعار پدر بزرگش به او نسبت داده می شود. بیتی از یک قصیده غزای کعبی، چنان شهرت یافته است که در بیشتر نوشته ها به عنوان حدیث و روایتی از سیدالشهداء علیه السلام نقل می شود: «إِنْ كَانَ دَيْنُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ / إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيُوفَ خُدَيْبِي» (اگر دین محمد به جز با کشته شدن من استوار نمی ماند، پس ای شمشیرها مرا دریابید (ر.ک: آل طعمه، معجم خطباء کربلا، 244 - 247). وی در سوک سرودهای ابتدا به مقایسه تبار حضرت حوّا و حضرت مریم و حضرت فاطمه علیهم السلام پرداخته و فاطمه علیها السلام را به سبب انتساب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دوازده امام معصوم علیهم السلام، برتر از آن دو خوانده، سپس وقایع و حالت های حضرت مریم علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام را به هنگام وضع حمل مقایسه کرده است؛ مریم علیها السلام با رطب تازه تقویت شد و بی آنکه مزاحمی باشد، عیسی علیه السلام را به دنیا آورد، ولی فاطمه علیها السلام میان در و دیوار قرار گرفت و فرزندش، سقط شد. کعبی در ادامه، با رویکردی عاطفی به شکایت حضرت زهرا علیها السلام در روز قیامت اشاره کرده است که جنین سقط شده اش را بالا می برد و به پروردگار خود از غصب میراث خود و حق همسرش و کشتن فرزندانش چنان شکایت می کند که آسمان به لرزه در می آید (مسعودی، 207؛ مؤسسة البعثه، 84).

2. عبدالله صانع (م. 1305 ق.)، فرزند علی بن عبدالله وائل احسائی، از شاعران و ادیبان احساء بود. از تاریخ ولادت او اطلاع دقیقی در دست نیست. وی در سال 1281 قمری از سرودن منظومه حماسی خود، به نام نهج الازریه، فارغ شد (هلالی، 187).

صائغ نیز درباره غصب میراث پدری فاطمه علیها السلام، آتش زدن خانه اش که به سقط جنین او انجامید، و به طور کنایی درباره عاملان آن، شعر گفته است. وی خانه فاطمه علیها السلام را محل نزول وحی و پرورش خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده و حضرت فاطمه علیها السلام را بهترین آفریده خدا شمرده است که در کنار خود، حیدر کزّار و فرزندان گرامی اش را دارد (ر.ک: مؤسسه البعثة، 79 - 82).

3. جابر کاظمی (م. 1313 ق.)، فرزند عبدالحسین بن عبدالحمید، ادیب و شاعری ماهر که به عربی و فارسی اشعار بسیاری سروده است. از آثار او، دیوان سلوة الغریب و أهبة الادیب است (ر.ک: ازری، 17 - 19؛ کحاله، 3 / 106). رویکرد روایی و تاریخی شعر کاظمی بارز است. وی درباره پیمان شکنی و غصب حق حضرت زهرا علیها السلام شعر سروده است. او با تضمین مفهوم آیات قرآنی، به جایگاه حضرت زهرا علیها السلام و خاندان اهل بیت علیهم السلام در نزد خداوند متعال اشاره کرده و گفته فاطمه علیها السلام از جمله کسانی است که خداوند اراده کرده است پلیدی و پلشتی را از آنان دور سازد. او دستگیره محکم خداست و هر کس راه نجات می پوید باید به آن دستگیره چنگ زند و خداوند از زمان بعثت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، پاداش رسالت را تنها در دوستی با خاندان نبوت و ولایت قرار داده است (ر.ک: ازری، 103).

4. سیدباقر هندی موسوی نجفی (م. 1327 ق.)، فرزند سید محمد بن سیدهاشم بن سید شجاععلی، دانشمند و شاعری برجسته بود. او در نجف به دنیا آمد. اشعار بسیاری به دو گونه فصیح و عامیانه سروده است (آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، 1 / 222). او با رویکرد روایی و تاریخی، به جزئیات ماجرای آتش زدن خانه حضرت فاطمه علیها السلام و هتک حرمت و سقط جنین ایشان اشاره کرده و با رویکرد فلسفی و کلامی، هدف از آتش زدن را خاموش کردن نور ولایت دانسته است.

سپس به بیان فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام، در قالب نام‌های آن حضرت علیها السلام، پرداخته و در ادامه، با رویکرد عاطفی، از بی‌تابی‌های حضرت علیها السلام سخن گفته است که فقط بر دل‌ها آتش نمی‌زند، بلکه کوه‌های ناشنوا را نیز همدرد و هم‌ناله می‌سازد. ر.ک: عاملی، مأساة الزهرا علیها السلام، 2 / 25 - 27).

5. محمدحسن جواهری (م. 1335 ق.)، فرزند احمدبن عبدالحسین و از نوادگان محمدحسن نجفی (م. 1266 ق.)، مؤلف جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام است که در نجف متولد شد و در همان جا درگذشت. وی در فقه، اصول و ادبیات تبحر داشت (کحاله، 9 / 181 - 182). جواهری رویکرد روایی و تاریخی را با رویکرد عاطفی در آمیخته و از اندوه دل فاطمه علیها السلام سخن گفته است، آنگاه که به میان جماعت رفت و آنان با وجود اطمینانی که داشتند، میراث وی را منکر شدند و با بی‌حرمتی به بی‌بی دو عالم، به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بی‌احترامی نمودند، تا آنجا که باعث شدند فاطمه علیها السلام را به دور از چشم دشمنان، شبانه دفن نمایند (امین عاملی، اعیان الشیعه، 9 / 64).

6. حاج حبیب شعبان (م. 1336 ق.)، ادیب و شاعری برجسته بود (شبر، 8 / 312 - 313). وی با اینکه ستایش نامه خود را با غزل آغاز کرده است، خود را از شاعران احساساتی و خیال پرداز ندانسته، بلکه عشق به فاطمه علیها السلام را آرامش بخش دل سودایی خود خوانده است. او در بخش دوم سروده اش، فضایل حضرت علیها السلام را برشمرده و جایگاه او را نزد خداوند متعال بیان داشته است: خداوند عشق به فاطمه علیها السلام را در قرآن واجب گرداند؛ از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله محبت به فاطمه علیها السلام پاداش رسالت محمدی است؛ خداوند پیوند میان فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام را در فراسوی آسمانها برقرار کرد و بر مایه های فخر فاطمه علیها السلام فزود: ساکنان عرش

گواه این پیوند بودند؛ مهریه او بهشت برین بود و خود شفیع روز قیامت است (ر.ک: شبر، 8/313 - 315).

7. عبدالمسیح انطاکی حلبی (م. 1341 ق.)، شاعری مسیحی مذهب بود که در میان مسلمانان سوریه پرورش یافت و تحت تأثیر زندگی آنان، از جمله عبدالرحمن کواکبی، قرار گرفت. پس از جنگ جهانی دوم به خلیج فارس آمد. شیخ خزعل، امیر خوزستان، که شیفته اهل بیت علیهم السلام بود، او را بسیار تکریم کرد. عبدالسیح، شاعر ویژه او گردید و قصیده علویه را در 5595 بیت سرود که اولین مَلْحَمَة هائیه عربی و حاوی وقایع تاریخ صدر اسلام است (ر.ک: انطاکی، 5 - 7 «مقدمه»؛ ری شهری، 9/98). عبدالسیح در بیان فضیلت‌های حضرت زهرا علیها السلام، با زبانی ساده، از پرورش ایشان در دامان خدیجه علیها السلام و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و فراگیری بزرگیها و پاکدامنیها و از بی نظیر بودن حضرت علیها السلام در دانش و هوش سخن گفته و ادامه داده که خداوند، مایه های خوبی و زیبایی او را تکمیل کرده است و نه حوا دختری در حد بزرگیهای او دارد و نه کسی می تواند او را آن گونه که شایسته است، بستاید (ر.ک: مؤسسة البعنه، 164 - 167).

8. محمد حسن سُمَیْسَم (م. 1342 ق.)، فرزند هادی بن احمد لامی، از محضر علمای نجف بهره یافت و ملازم عالم بزرگ سید محمد سعید حبوبی بود. دیوان شعر مفصّلی از او به جای مانده است (کحاله، 9/193). وی در شعر خود، با رویکرد عاطفی و رویکرد روایی و تاریخی و با شیوه خطاب و استفهام، به تبیین جایگاه وحی و سرزنش یاران پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته، پیمان شکنی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را به یاد آورده و روزگار را سرزنش کرده که مسیر تکامل آن، بعد از درگذشت پیامبر گرامی تغییر یافته است (شبر، 9/94، مؤسسة البعنه، 256 - 257).

ص: 541

9. سید محمد حسین کیشوان (م. 1356 ق.)، فرزند سید کاظم بن سید علی بن سید احمد قزوینی موسوی کاظمی نجفی، از جمله عالمانی بود که در عرصه ادبیات و شعر نیز فعالیت داشت (آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، 2/ 636 - 637 خاقانی، 8/ 3). وی سوک سروده خود را با رویکرد عاطفی آغاز کرده، شکستن حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او را، با نادیده گرفتن ثقلین، بررسی نموده و، مانند سید باقر هندی، به بیان هم و غم دشمنان این خاندان برای آتش زدن و نابود کردن خانه و خاستگاه هدایت پرداخته است (مؤسسه البعثه، 266 - 267).

10. ابومهدی سید صالح حلّی (م. 1359 ق.)، فرزند سید حسین بن سید محمد حسینی (ایروانی نجفی، 1/ 84؛ شبر، 9/ 204)، یکی از بزرگترین خطیبان منبر حسینی بود که تاکنون شهرتش برجاست. دیوان شعری از او به جا مانده است (ر.ک: ایروانی نجفی، 1/ 84 - 86، شبر، 9/ 204 - 205). ابومهدی شعر خود را با رویکردی عاطفی آغاز کرده و از ناشکیبایی خود در سوک حضرت علیها السلام گفته است که حتی اشک هم نمی تواند آتش درونش را فرو نشانند. سپس با رویکردی روایی و تاریخی، به ماجرای تشیع پیکر و کفن و دفن پنهانی حضرت فاطمه علیها السلام و بیان جایگاهی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای او ترسیم نموده، پرداخته و به مضمون حدیث «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» (طبری امامی، 135؛ کراچکی، 134 - 135) اشاره کرده است. همچنین با رویکرد روایی و سیاسی، گفته است که بدعتِ خلافت و برخورد میراث گونه با حکومت اسلامی، جای سنت الهی امامت را گرفته و نیز ستم خلفای سه گانه و آل مروان را یاد آور شده است (ایروانی نجفی، 1/ 98).

11. سید مهدی اعرجی بغدادی (م. 1359 ق.)، فرزند سیدراضی بن سید حسین بن سید علی حسینی، از خطیبان و ادیبان برجسته نجف بود که علاقه وافری به ائمه اطهار علیهم السلام داشت. دیوانی از او به جا مانده که خواهرش آن را گرد آورده است (ر.ک: شبر، 9/ 192 - 203). سید مهدی به بیان فضایل حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته و جایگاه رفیع خاندان اهل بیت علیم السلام را متذکر شده است. او نیز آیه تطهیر (احزاب، 33) را در شعر خود تضمین نموده و، مانند سیدصالح حلی، به حدیث «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِیَّی مَنَ اغْضَبَهَا اغْضَبَ اللهُ» اشاره کرده است (ایروانی نجفی، 1/ 155).

12. هادی کاشف الغطاء (م. 1360 ق.)، فرزند شیخ عباس بن علی بن جعفر کاشف الغطاء، از عالمان و مجتهدان برجسته ای بود که مردم، به سبب علم، تقوا، تواضع و اخلاق خوش او، علاقه شدیدی به وی داشتند (شبر، 9/ 224). شیخ هادی به جایگاه و شأن و منزلت خاندان اهل بیت علیهم السلام پرداخته و فضیلت‌های آنان را یادآور شده و به آیات و روایاتی در شأن اهل بیت علیهم السلام (از جمله آیه 61 سوره آل عمران، آیه تطهیر (احزاب، 33) و آیاتی از سوره انسان) اشاره کرده و برای اثبات حقانیت آنان، استدلال‌های منطقی آورده است (شبر، 9/ 225).

13. عبدالحسین عاملی (م. 1361 ق.)، فرزند ابراهیم بن صادق بن ابراهیم بن یحیی مخزومی قرشی، از علما و ادبای سوریه و عراق بود که در نجف به دنیا آمد و در حوزه علمیه نجف نزد علمای بزرگی چون شیخ محمد حسین کاظمی، سید محمد بحر العلوم و شیخ آغا رضا همدانی، به کسب علم پرداخت. سپس به جبل عامل بازگشت و از مراجع و استادان آنجا شد (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، 3/ 1030 - 1032؛ ایروانی نجفی، 1/ 32 - 33). عاملی، انتساب حضرت فاطمه علیها السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین علیهم السلام و تمامی خاندان اهل بیت علیهم السلام مطرح کرده است تا مقام و منزلت وی را بیشتر جلوه گر سازد و جایگاه والای

او را در عرش الهی ستوده و او را چون قنذیلی، زینت بخش عرش خدا خوانده است. عاملی نیز با اشاره به آیه تطهیر، رویکردی روایی و سیاسی در پیش گرفته است (ایروانی نجفی، 1/ 34 - 35).

14. محمد حسین غروی اصفهانی (م. 1361 ق.)، معروف به کمپانی، از مراجع بزرگ تقلید و عالمان بنام بود که در ادبیات، فلسفه و عرفان نیز تبحر داشت. وی اشعار بسیار زیبایی به فارسی و عربی در مدح و ولای اهل بیت علیهم السلام و همچنین ذکر مصائب ایشان سروده است (ر.ک: غروی اصفهانی، 7 - 10؛ شبر، 9/ 217 - 222). کمپانی رویکرد فلسفی و کلامی داشته است. وی گفته است که جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در پیشگاه الهی، عاملی مؤثر برای خاموش کردن آتش جهنم است، آستانه خانه فاطمه علیها السلام، دروازه رحمت خدا و پناه هر بیچاره و درمانده است و خانه آباد او کعبه دل‌های آسمانیان، و خاک آن، بوسه گاه فرشتگان است (غروی اصفهانی، 39).

15. سیدرضا هندی (م. 1362 ق.)، فرزند سید محمدبن سیدهاشم موسوی هندی، شاعری برجسته بود (شبر، 9/ 242 - 243؛ حسینی، 231). قصیده کوثریه، مشهورترین سروده او، در مدح امیر المؤمنین علی علیه السلام است (حسینی، 231). سیدرضا در شعر خود، نگاهی گذرا به مصیبت‌های حضرت فاطمه علیها السلام و رفتارهای ستمگرانه دشمنان او دارد و با رویکرد عاطفی، به ابراز احساسات خود به فاطمه علیها السلام پرداخته است (مؤسسه البعثه، 108؛ موسوی، 50).

16. عبدالله بن معتوق قَطِیفی (م. 1362 ق.)، از شاعران و ادیبان قَطِیف بود (شبر، 9/ 263 - 264). وی با رویکرد روایی و تاریخی، رفتارهای ناجوانمردانه ای را برشمرده است که در طول تاریخ بشر، نمونه آن وجود ندارد. سپس تک تک مصیبت‌های زهرا علیها السلام و رفتارهای ناجوانمردانه دشمنان و گفتارهای دروغین آنان را

ذکر کرده است (مؤسسه البعثه، 162 - 163).

17. ابوعمار عبود نجفی (م. 1418 ق.)، فرزند احمد بن اسد، در نجف به دنیا آمد. دیوان او، با نام اهتزاز الذاکره، در سال 1417 قمری به چاپ رسیده است (بلادی بحرانی، 660). ابوعمار صرفاً نگاهی عاطفی به زندگی حضرت فاطمه علیها السلام و شخصیت ایشان دارد و کوشیده است با تعبیرهای احساسی (مانند گریه خاموش و ظاهر آرام و درون پرسوز و گداز) بر خواننده اثر بگذارد (مکتبه الادبیه المختصه، 23؛ مؤسسه البعثه، 221 - 222).

18. سیدصدرالدین صدر (م. 1373 ق.)، با نام اصلی سید محمدعلی، فرزند سید اسماعیل صدر، از عالمان برجسته معاصر و پدر سید موسی و سید رضا صدر است (ر.ک: شریف رازی، 1 / 201 - 210). وی به تقلید از شعر عرب پیش از اسلام، یاران خویش را به توقف بر در خانه یار و دیار او فرمان داده، اما خانه یار خود را متفاوت خوانده و تقدس آن را درون مایه شعر خویش ساخته و از روزگار قطع امید کرده که بر خاندان نبوت و ولایت رحم نکرده است. وی با رویکرد عاطفی به اجمال به مصائب حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است (مؤسسه البعثه، 121).

19. محمدعلی قسام (م. 1373 ق.)، سخنرانی مشهور بود و بر صرف، نحو، بلاغت، فقه، اصول و حدیث تسلط داشت. وی وقایع تاریخی را چنان وصف می کرد که شنونده گمان می برد آن واقعه را مشاهده می کند (ر.ک: شبر، 10 / 63 - 65). اشعار لطیفی نیز از او به جا مانده است. در شعر قسام بیان تاریخ و ابراز احساسات به هم آمیخته است. وی از ماجرای غصب حق حضرت زهرا علیها السلام و اینکه دشمنان حضرت علیها السلام برای رسیدن به هدفشان احادیثی جعل کردند، و نیز از مصیبت‌های حضرت علیها السلام به هنگام هجوم به خانه اش و برخورد نامناسب با همسرش

ص: 545

سخن گفته و در نهایت، به وصف وضع روحی حضرت علیها السلام پرداخته است (ایروانی نجفی، 131 - 132).

20. محمد حسین کاشف الغطاء (م. 1373 ق.)، فرزند علی بن رضابن موسی بن جعفر، از مجتهدان و ادیبان برجسته دوران خویش، یکی از سردمداران انقلابهای ملی گرایانه عراق و نیز عضو کنفرانس اسلامی در بیت المقدس بود. کاشف الغطاء مسلمانان را به وحدت فرامی خواند (کحاله، 9 / 25؛ زرکلی، 6 / 106 - 107؛ ر.ک: شیر، 10 / 48 - 51). وی با رویکرد روایی و تاریخی، از فرود آمدن شلاقها بر سر حضرت فاطمه علیها السلام و غصب فدک و غصب حق علی علیه السلام سخن گفته و سپس با محکوم کردن سیاست حاکمان نامشروع در دستیابی به قدرت دنیوی، و زنده کردن کینه های گذشته، به رویکرد سیاسی نزدیک شده است (ر.ک: ایروانی نجفی، 1 / 24 - 26).

21. قاسم ملا (م. 1374 ق.)، فرزند محمد ملا، از ادیبان و خطیبان حله بود. آثار ادبی و شعری وی، نشان دهنده اطلاعات وسیع او از ادبیات، اخبار و عقاید است و مناظره های وی دالّ بر میزان دانش اوست. دیوان اشعار او را سید جودت قزوینی جمع آوری کرده است (شیر، 10 / 72 - 73). شعر متعهد شیعی، به دلیل جایگاه شامخ اهل بیت علیهم السلام، هرگز به خود اجازه نداده است که به سبک غزلیات رایج در شعر عربی، به توصیف خصوصیات و زیباییهای ظاهری و جسمانی محبوب پردازد. لذا، شیخ قاسم ملا با بیانی زیبا گفته است که گریه من برای عشق زیبارویی نیست که خرامان راه می رود، بلکه به سبب مصیبتهای آن مطهره عقیقه است. سپس، به اجمال، ماجرای غصب حق حضرت زهرا علیها السلام را شرح داده و گفته است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام، با خودکامگی، نص صریح قرآن را نادیده گرفتند (مؤسسه البعثه، 241).

ص: 546

22. عبدالحسین حویزی (م. 1377 ق.)، فرزند عمران بن حسین بن یوسف حویزی نجفی، از بزرگان شعر و ادب معاصر است. وی در نجف به دنیا آمد. پانزده دیوان از او به جا مانده که هر دیوان متضمن ده هزار بیت است (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، 3 / 1062 - 1064). وی با رویکرد روایی و تاریخی، به تفصیل ماجرای غصب فدک، آتش زدن خانه زهرا علیها السلام، قرار گرفتن حضرت علیها السلام میان در و دیوار، فرورفتن میخ در بدن ایشان و سقط جنین حضرت علیها السلام را شرح داده و آتش کینه ها را سبب آن شمرده است (بلادی بحرانی، 502).

23. عبدالکریم صادق (م. 1384 ق.)، از عالمان برجسته ای بود که زندگی خود را در نجف و لبنان در راه ارشاد مردم سپری کرد. از او ارجوزهای مشتمل بر 1420 بیت باقی مانده است (ر.ک: شیر، 10 / 273 - 277). او با رویکرد عاطفی، شعر خود را آغاز کرده و سپس آن را با رویکرد روایی و تاریخی پی گرفته است. وی نسبتهای خویشاوندی حضرت فاطمه علیها السلام را برشمرده و از این رهگذر به بیان فضیلت‌های حضرت علیها السلام پرداخته، از جمله گفته که او دختر احمد صلی الله علیه و آله است و هر کس او را بیازارد، محمد صلی الله علیه و آله را آزرده است و هر کس او را خشمگین سازد، خدا را خشمگین ساخته است و او مادر شیر مردان ولایت است امین عاملی، اعیان الشیعه، 8 / 35).

24. حبیب غطاس (م. 1385 ق.)، یکی از فرماندهان مسیحی ارتش لبنان بود که به اسلام و مذهب تشیع گروید. از او اشعار جالب توجهی درباره اهل بیت علیهم السلام به جا مانده است (ر.ک: شیر، 10 / 198 - 200). حبیب غطاس با رویکردی فلسفی و کلامی، جایگاه حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام را در احیا و گسترش معارف الهی تبیین کرده، عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله را به فاطمه علیها السلام خارج از تصور

خوانده، و سپس به ابراز عواطف خود پرداخته و گفته است که نه تنها شیعیان، بلکه همه زمینیان، به حضرت فاطمه علیها السلام فخر می فرورشدند. وی نسبت‌های خانوادگی حضرت فاطمه علیها السلام را نیز برشمرده که دُرَدانه قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر نوادگان اوست (شبر، 10 / 200).

25. محمدعلی یعقوبی (م. 1385 ق.)، فرزند یعقوب حلّی تبریزی، سخنران و ادیبی بزرگ و از پیشگامان شعر و ادب کشور عراق و مدیر جمعیت الرابطة الادبیه در نجف بود (زرکلی، 6 / 309؛ شبر، 10 / 194 - 195). یعقوبی هم با اجمال و کلی نگری و با رویکرد روایی و تاریخی، از جنایت صحابه بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفته است که به محض رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، به عقب بازگشتند و از عقاب الهی نترسیدند. در پایان نیز به جایگاه اهل بیت علیهم السلام، به عنوان انوار الهی، اشاره کرده است (مکتبة الأدبیه المختصة، 20).

26. حسین بیضانی (م. 1395 ق.)، فرزند صالح بن غالی بن مُزَیْعَل بن شاهین بیضانی، خطیب و ادیبی برجسته بود. وی در نجف به دنیا آمد و همان جا پرورش یافت و سپس به کربلا مهاجرت کرد و به کسب علوم دینی پرداخت و سخنرانی زبردست گشت. وی در زهد و عبادت و اخلاق نیک زیانزد خاص و عام بود (آل طعمه، معجم خطباء کربلاء، 78 - 79). بیضانی فقط از عواطف و احساسات خود و از هجران و وصل و اندوه و آب شدن دل سخن گفته است (مؤسسة البعثه، 106 - 107).

27. سید محمد هاشمی (م. 1397 ق.)، فرزند سید جمال الدین هاشمی گلپایگانی، در نجف زاده شد و به فراگرفتن علوم دینی پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. وی از کودکی شعر می گفت (شیروی خوزانی، 74). سید محمد در شعر

خود، میلاد حضرت زهرا علیها السلام را وصف کرده و ولادت ایشان را منشأ خیر و برکت برای کل هستی و باعث روشنایی و نابودی تمام تاریکیها و توهمات دانسته و در پایان، به شادی و پاسداشت عید ولایت زهرا علیها السلام و دور کردن اندوه توصیه کرده است (مکتبة الأدبية المختصة 20 - 21).

28. سید حسن شیرازی (م. 1400 ق.)، فرزند میرزا مهدی حسینی شیرازی، در نجف به دنیا آمد و در بیروت کشته شد. وی از محضر استادان بزرگی بهره برد مؤسسه البعثة، 104). رویکرد او در شعر، فلسفی است. شیرازی، مانند سید محمد جمال هاشمی، هستی را سرشار از فیض وجود حضرت زهرا علیها السلام دانسته، وجودش را موهبت الهی معرفی کرده که در همه جا زیبایی و نور و جاودانگی پراکنده و هدیه خداست که در معراج به حضرت محمد صلی الله علیه و آله شد (مؤسسه البعثة، 104 - 105).

29. عبدالمنعم فرطوسی (م. 1404 ق.)، فرزند حسین بن حسن بن عیسی فرطوسی (شاکری، 5 / 249 - 250)، دانشمند و ادیبی برجسته بود. مهم ترین اثر ادبی وی، ملحمه اهل بیت علیهم السلام است، مشتمل بر چهار هزار بیت (خاقانی، 6 / 3 - 4). فرطوسی با رویکرد عاطفی و با ابراز احساسات شخصی، شعر خود را شروع کرده و در ادامه، رویکرد روایی و تاریخی یافته و ماجرای هجوم به خانه حضرت علیها السلام و رخدادهای آن را روایت نموده است. وی به تمام وقایع به تفصیل پرداخته است، از جمله به غصب حق فاطمه علیها السلام، منع از گریه بر رحلت پدر، قطع درختانی که به سایه آنها پناه برده بود، آتش زدن خانه، شکستن سینه، فرورفتن میخ در پهلو، و زدن شلاق بر سر و روی حضرت علیها السلام (مسعودی، 229؛ مکتبة الأدبية المختصة، 22).

30. محمدسعید جشی (م. 1410 ق.)، شاعر و نویسنده ای ماهر بود که در قطف عربستان متولد شد و تأثیر بسزایی بر شاعران پس از خود گذاشت. از او مجموعه های شعری بسیاری بر جای مانده است (آل عبدالمحسن، 18؛ شیروی خوزانی، 132). ستایش حضرت زهرا علیها السلام و بیان فضایل او در شعر جشی پراکنده است: او بزرگ ترین درّ دریای عصمت و پاکی است؛ برکت و فیض وجود او تمام هستی را فراگرفته است؛ شکوفه های ملکوت از نور وجود اوست؛ طاق و رواق مجد، زیر سایه او رفعت یافته است؛ خون نبوت در رگهایش و بوی خوش بهشت از دامنش جاری است؛ خداوند او را بر دیگران شرافتی افزون بخشیده و امامت را در نسل او نهاده است؛ رفتار و اخلاق وی شبیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مریم علیها السلام را نمی توان با او قیاس کرد (مکتبة الأدبیه المختصه، 54).

31. سعید عسیلی (م. 1414 ق.)، ادیب و شاعر، در بنت جُبیل (لبنان) متولد شد و همان جا پرورش یافت و به آموختن ادبیات پرداخت. از او نوشته های ادبی گران قدری به جا مانده است (فتلاوی، 160؛ شیروی خوزانی، 31). عسیلی شعر خود را با رویکردی فلسفی آغاز کرده و به بیان فضیلت های حضرت علیها السلام پرداخته و جایگاه او و وظایف شیعیان را برشمرده است. در ادامه، به احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله، همچون «فَاطِمَةُ بَصَدْعَةٌ مِّنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ»، اشاره کرده و نسبت های خانوادگی فاطمه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان اطهار علیهم السلام مطرح ساخته است (مکتبة الأدبیه المختصه، 37).

32. احمد وائلی (م. 1424 ق.)، فرزند حسّون وائلی، دانشمند و خطیب و شاعر توانا، در نجف به دنیا آمد و از دانشگاه الازهر مصر در رشته حقوق، دکتری گرفت. وی برای بیدارسازی مسلمانان جهان و اثبات حقانیت شیعه،

خدمات بسیار مهمی کرده است، از جمله با تألیف و سخنرانی (شیروی خوزانی، 31). اشعار زیبا و لطیفی از وائلی به جا مانده است. او با بیانی عاطفی، جایگاه والای حضرت زهرا علیها السلام و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را تبیین کرده، از محروم شدن از نعمت وجود اهل بیت علیهم السلام سخن گفته و سپس به بیان ماجرای لیلۃ المبیت پرداخته است (خاقانی، 1 / 293؛ مؤسسة البعثة، 93 / 95؛ مکتبة الأدبیه المختصه، 26).

33. سید حسین شامی، فرزند سیدهادی بن سید جعفر شامی آل فخرالدین موسوی، خطیبی مشهور و شاعری توانا بود. وی در کربلا به دنیا آمد و همان جا پرورش یافت. شامی بر اخبار و احادیث تسلط داشت (آل طعمه، معجم خطباء کربلاء، 81 - 82؛ همو، معجم رجال الفکر، 69). او با بیانی عاطفی از اندوه خود بر مصیبت‌های حضرت زهرا علیها السلام و از شکایت حضرت زهرا علیها السلام به خداوند متعال و پدر بزرگوارش، از ستمی که بر فرزندانش رفته، پیمانهای بسته شده در کنار غدیر خم و زنده کردن کینه‌های گذشته، سخن گفته و به این سخن حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روز غدیر اشاره کرده است: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (مؤسسة البعثة، 107 - 108؛ مکتبة الأدبیه المختصه، 35).

34. جعفر هلالی، ادیب، شاعر و سخنرانی مشهور بود. وی در بصره متولد شده، پس از تحصیلات دوره ابتدایی، وارد حوزه نجف، شد. بعدها نیز به دانشگاه رفت و از دانشکده فقه، مدرک کارشناسی ارشد گرفت. او در مناسبت‌های دینی، سروده‌های بسیاری دارد و امروزه در حوزه خلیج فارس از خطیبان بزرگ محسوب می‌شود (حلو، 668؛ شیروی خوزانی، 38). وی در ابیاتی به عید زادروز حضرت زهرا علیها السلام اشاره نموده که نور وجودش سرتاسر آسمان را پر کرده است و او بر زنان عالم برتری دارد؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله، سرور هر دو جهان، پدر او و حضرت

حیدر کرار علیه السلام، همسر اوست و هر سه تن و فرزندانشان، مایه سعادت بشرند مؤسسه البعثه، (96).

35. محمود بستانی، فرزند حاج عبدالحسین بستانی یزدی، از شاعران و مؤلفان معاصر است. وی در تألیفات خود سعی بر جهانی سازی مفاهیم اسلامی دارد. بستانی در قاهره به تحصیل پرداخت و از دانشگاه قاهره دکتری نقد ادبی گرفت (ر.ک: بلادی بحرانی، 619 - 624؛ مؤسسه البعثه، 277). او در شعر، در بیان احساسات و عواطف خود تا آنجا پیش رفته که سوک سروده او فرمانی به ابرهاس است که بر مصیبت‌های حضرت زهرا علیها السلام رعد و برق زند و بر او بگریند. رویکرد عاطفی شعر بستانی بسیار چشمگیر است و نازک خیالی شاعر در تصویر مصیبت زهرا علیها السلام خواننده را متأثر می سازد (ر.ک: مؤسسه البعثه، 277 - 279).

36. سلمان ربیعی، معروف به ابوامل، فرزند عاصی ربیعی، شاعر و ادیب. وی در شهر حله به دنیا آمد. بسیاری از اشعار او در روزنامه ها به چاپ رسیده است. او تاکنون سه دیوان به نامهای: الدیار المحجوبه، علی اعتاب الدیار، و طیف الوطن به چاپ رسانده است (حسن، 259). ربیعی جایگاه حضرت زهرا علیها السلام و نقش الهام بخش او را در سرودن اشعار خود به تصویر کشیده و گفته است که اگر در شعرش نوآوری وجود دارد، عامل آن عشق به زهرا علیها السلام است. او به بیان جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام و شأن نزول سوره انسان (دهر) نیز پرداخته و حضرت فاطمه علیها السلام را به سان همزه وصلی دانسته که نبوت را به امامت پیوند زده است (مؤسسه البعثه، 111 - 112).

37. سید مهدی حائری واصلی، فرزند سید ابو القاسم حسینی واصلی، مشهور به حائری قزوینی، دانشمند و خطیبی تواناست. وی در کربلا به دنیا آمد و در

همان جا پرورش یافت و دروس حوزوی را در محضر استادان بزرگ فراگرفت. سپس به ایران مهاجرت نمود. از او مقالاتی در دایرة المعارف تشیع منتشر شده است (آل طعمه، معجم خطباء کربلا، 400 - 401). او در اشعار خود، با رویکردی عاطفی، به بیان فضایل حضرت زهرا علیها السلام پرداخته و اطاعت از ایشان را از بزرگترین واجبات الهی و مایه سربلندی و آمرزش گناهان دانسته است. همچنین حضرت علیها السلام را اسوة زنان مؤمن عالم معرفی کرده و انتساب او را به پیامبر صلی الله علیه و آله و انتساب امامان معصوم علیها السلام را به آن حضرت علیها السلام از فضیلت‌های او برشمرده است (ر.ک: حائری اصلی، «مقدمه»).

38. سید جابر موسوی، فرزند محمد جابری، شاعری ادیب و روزنامه نگار است. او در نجف به دنیا آمد. قصیده های بسیاری منتشر کرده و اشعارش از احساس و عاطفه ای صادقانه برخوردار است. وی به معارضه با دولت عراق برخاست و پیوسته بین ایران و سوریه و لبنان در رفت و آمد بود شیر وی خوزانی، 69). با سقوط صدام، وی به عراق بازگشت و معاون وزیر فرهنگ و ارشاد شد. موسوی در قالب شعر نو عربی به ستایش حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته است و رویکردی عاطفی و تخیلی دارد. وی در وصف ولادت حضرت علیها السلام، از همه ای سخن گفته که در میان فرشتگان برپاست و فرشتگانی را بر دروازه آسمان دیده است که به زمین وارد می شوند و نور می پراکنند. سپس در بیان پاکی و عصمت حضرت زهرا علیها السلام، به بیان فضیلت‌های او پرداخته و حضرت علیها السلام را مایه افتخار زنان عالم شمرده است (مکتبة الأدبیه المختصه، 57).

39. فرات اسدی، فرزند عبدالرزاق بن حسن، یکی از شاعران زبردستی است که پس از تحصیل در دانشگاه، به حوزه علمیه وارد شد و از دیرباز در همایشهای ادبی، فرهنگی و دینی مشارکت داشته است. نام اصلی او ضیاء است و به فرات

اسدی مشهور شده است (حسن، 309؛ شیروی خوزانی، 105). اسدی هم در قالب شعر سنتی و هم در قالب شعر نو به ستایش حضرت زهرا علیها السلام پرداخته و از احساسات درونی خویش گفته است. وی در ستایش نامه ای با نام فاطیما، احساسات درونی خود را راجع به در مان زائران منطقه ای خاص منسوب به حضرت زهرا علیها السلام در کشور پرتغال بیان کرده و حضرت علیها السلام را چشمهای پر برکت در دنیا خوانده است (مکتبه الأدبیه المختصه، 50).

40. عبدالکریم آل زرع تاروتی قطفی، در قطف عربستان متولد شد. علاوه بر دروس دانشگاهی، دروس حوزوی را نیز فراگرفت. وی اشعار بسیار زیبایی سروده است که بیشتر جنبه اجتماعی دارند (آل عبد المحسن، 215؛ شیروی خوزانی، 139). قطفی با بیانی عاطفی و تعبیرهای زیبا، جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام را ترسیم کرده و به بیان فضیلتهای آن حضرت علیها السلام به عنوان دختر طه صلی الله علیه و آله پرداخته و افزوده که او والاترین صفتها را از آن خود ساخته که به برخی از آنها، یک نفر هم تاکنون دست نیافته است (ر.ک: مکتبه الأدبیه المختصه، 44 - 46).

41. سید مَهَنَد جمال الدین، فرزند شاعر معروف عراقی، سید مصطفی جمال الدین است. مَهَنَد در ناصریه عراق به دنیا آمد. وی از مدرسه عالی تکنولوژی فارغ التحصیل شد و پس از شروع انتفاضه ملی در عراق، مجبور به ترک عراق گردید و به سوریه رفت. پس از آن به ایران آمد و در حوزه علمیه به تحصیل پرداخت. وی آثار ادبی خود را در محافل ادبی و مطبوعات عرضه می کند (شیروی خوزانی، 140). مَهَنَد در ستایش حضرت زهرا علیها السلام، از علاقه و احساسات درونی خود سخن گفته است. از دید او حتی حروف و کلمات هم بر حضرت علیها السلام ستم روا داشته اند و در بیان فضیلتهای ایشان، ناتوان اند (مکتبه الأدبیه المختصه، 65).

42. نزار سنبل، فرزند محمد بن شوقی سنبل، شاعر و نویسندگانی زبردست است.

وی در قطیف عربستان به دنیا آمد و همان جا پرورش یافت و به فراگیری دروس دانشگاهی و حوزوی پرداخت. سپس به ایران مهاجرت نمود. نزار نیز از احساسات و عواطف شخصی خود چنین سروده است که واژگان در مخیله او برای بیان فضایل زهرا علیها السلام رقص در آمده اند و عشوہ گری می کنند و آبشارهای احساس، محفل شادی بر پا نموده اند. او از صور خیال بیش از هر شاعر دیگری بهره گرفته است تا جایگاه قدسی حضرت علیها السلام را ترسیم کند. از نگاه او پرندگان بوستان اگر نغمه ای می سرایند، فقط می خواهند فضیلتهای زهرا علیها السلام را بر زبان آورند. وی خطاب به حضرت علیها السلام چنین سروده است که هرگاه رشته های سفید فجر سر می زند، نور پاکی وجود توست که لباس زیبا بر تن آنها کرده است، تو تابش تاریخ هستی و روز، درخشش خود را از تو یافته است (مکتبة الأدب المخصه، 68).

43. معتوق المعتوق، مهندس، ادیب و شاعری است که درباره اهل بیت علیها السلام اشعار بسیار زیبایی سروده است. وی در جزیره تازوت به دنیا آمد. معتوق با توصیفهای شاعرانه به بیان اصل وجود زهرا علیها السلام و جایگاه او در عالم هستی پرداخته است. او ستایش نامه خویش را با رویکردی فلسفی آغاز کرده و چنین سروده است: «یاد تو چونان سپیده دمانی است که گیاهان بسیار را شکوفا می سازد و چون نهر آبی است که نی ها سوی آن رو نهاده اند. نه قلبمان می تپد و نه نفسی خارج می شود، مگر اینکه نام فاطمه علیها السلام در آن نفوذ کرده باشد ... روزگاران با نام او سلام و درود فرستاده اند ... او نهر جاری از کوثر بهشت است که در جان و دل و شریانها جریانها دارد ... در دنیایی که تو در آن حضور داری، رویاها بارور شده، سرسبز گردیده و تابش نور در سرتاسر آن تجلی یافته است» (ر.ک: معتوق، 54 - 57).

ص: 555

44. عبدالمجید فرج الله، فرزند عبدالحمید بن خلف آل فرج الله اسدی جزائری بصری نجفی، خطیبی برجسته است و سروده های بسیار زیبایی نیز دارد. وی در نجف به دنیا آمد و همان جا به فراگرفتن دروس حوزوی پرداخت. در پی انتفاضة عراق، به ایران مهاجرت کرد و وارد حوزه علمیه قم شد و هم زمان به روزنامه نگاری و کار در صدا و سیما مشغول گردید. دیوان شعر و کتاب داستانی نیز به چاپ رسانده است. سوک سروده او در قالبهای استعاری و تخیلی، مخاطب را متأثر می سازد. وی تصویرهای مبتکرانه ای را با کنایه آمیخته است: «چشمانت به احتضار ابری شده اند. و این شهر مدینه است، با ناله ها و بغضهایی سر بریده، آه و حسرتهای گسترده، بر آهنگ دردهایی جا کرده در قلب و جگر... آنجا که کشتی چشمها در دریای اشک غرق گردیده، ندایت که آههای خاموش، آن را در آغوش می کشد، آویخته بر دری است که آوای آتش را استشمام می کند» (ر.ک: مکتبه الأدبیه المختصه، 40 - 44).

45. علی بن عبدالله فرج قطیفی، در منطقه القدیح از توابع قطیف به دنیا آمد. پس از فارغ التحصیل شدن در دوره متوسطه، در سال 1410 هجری وارد حوزه علمیه نجف شد. دو سال نیز در سوریه به آموزش دروس دینی پرداخت و در سال 1416 هجری به حوزه علمیه قم پیوست. وی دیوان شعری به نام اصداء النغم المسافر دارد که به چاپ رسیده است (شاکری، 5 / 412). او در بیان فضایل حضرت زهرا علیها السلام به این ماجرا اشاره کرده است که فرشته ای از جانب خدا، مأمور چرخاندن آسیاب حضرت علیها السلام شده بود تا او استراحت کند. ابن حماد عبدی نیز این ماجرا را به تفصیل در شعر خود آورده، اما علی فرج، بر خلاف ابن حماد، به شرح تفصیلی ماجرا پرداخته است. وی در مقدمه ای احساسی از خشک شدن

زبان شعری اش و رنگ باختن واژگان در کلامش، سخن گفته و اینکه همه چیز آرام و خاموش است، نه سخنی هست و نه صدایی. سپس به موضوع اصلی مورد نظرش وارد شده و گفته است: «مگر صدایی از دور که آوای بتول است، نه خودش، که صدای آسیاب اوست» (مکتبه الأدبیه المختصه، 46).

منابع

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (م. 1389 ق.)، الذریعة الى تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، 1403 ق؛ همو، طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر في القرن الرابع عشر)، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، مشهد، دار المرتضی، 1404 ق؛ آل طعمه، سلمان هادی، معجم خطباء کربلاء، بیروت، مؤسسة البلاغة، 1419 ق؛ همو، معجم رجال الفكر و الادب في کربلاء، بیروت، دار المحجة البيضاء، 1420 ق؛ آل عبدالمحسن، عبدالله حسن، شعراء القطیف المعاصرون، مطابع الرجاء، 1414 ق؛ ابن ابی الحدید، عزالدین (م. 656 ق.)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، 1378 ق؛ ابن اثیر جزری، علی بن محمد (م. 630 ق.)، اسدالغابة في معرفة الصحابه، تهران، انتشارات اسماعیلیان؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (م. 852 ق.)، الاصابة في تمييز الصحابه، تحقیق عادل احمد، علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1415 ق؛ ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (م. 588 ق.)، الثاقب في المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انتشارات انصاریان، 1412 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، معالم العلماء، قم؛ همو، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحیدریة، 1376 ق؛ ابن عنبه حسینی، احمد بن علی (م. 828 ق.)، عمدة الطالب في انساب آل ابی طالب، تحقیق محمد حسن آل طالقانی، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة، 1380 ق؛ ابن ماکولای علی بن هبة الله (م. 475 ق.)، الاکمال فی رفع الاریاب عن المؤلف و المختلف في الأسماء و الکنی و الانساب، القاهرة، دارالکتب الاسلامی؛ اربلی، علی بن عیسی (م. 693 ق.)، کشف الغمة في معرفة الاثمه عليهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1405 ق؛ اردبیلی، محمد بن علی (م. 1101 ق.)، جامع الرواة، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، 1403 ق؛ ازری، کاظم (م. 1211 ق.)، الازریة في مدح النبي و الوصي و آل عليهم السلام، بیروت، دارالاضواء، 1409 ق، امین عاملی، سیدحسن

(م. 1368 ق.)، مستدركات اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف، 1408 ق، امين عاملى، سيد محسن (م. 1371 ق.)، اعيان الشيعة، تحقيق سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ امينى، عبدالحسين (م. 1392 ق.)، الغدير في الكتاب و السنة و الادب، بيروت، دار الكتاب العربى، 1397 ق؛ انطاكى، عبد المسيح، ملحمة الامام على عليه السلام، بيروت، مؤسسة الأعلمى، 1411 ق؛ ايروانى نجفى، محمد باقر، ديوان شعراء الحسين عليه السلام، تهران، انتشارات اعلمى، بحرالعلوم، محمد مهدي (م. 1212 ق.)، الفوائد الرجالية، تحقيق محمد صادق بحر العلوم، حسين بحرالعلوم، تهران، مكتبة الصادق، 1363 ش؛ بحراني، سيد هاشم حسيني (م. 1107 ق.)، حلية الابرار، تحقيق غلامرضا مولانا، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية، 1414 ق؛ همو، مدينة معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر، تحقيق عزت الله مولاني، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية 1413 ق؛ بلادي بحراني، حسين بن على (م. 1387 ق.)، رياض المدح و الرثاء في مدح و رثاء النبي صلى الله عليه و آله و آل بيته الاطهار عليهم السلام، قم، منشورات الكاظمين؛ تبريزى انصارى، محمد على بن احمد (م. 1310 ق.)، اللعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء عليها السلام، تحقيق سيد هاشم ميلاني، قم، نشر الهادي، 1418 ق؛ حائري و اصلى، سيد مهدي، فاطمة الزهراء عليها السلام في الكتاب و السنة و الادب (مخطوط)؛ حر عاملى، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، امل الآمل، تحقيق سيد احمد حسيني، بغداد، مكتبة الاندلس؛ همو، وسائل الشيعة، تحقيق ربانى شيرازى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ حسن، عبدالله، ليلة عاشوراء في الحديث و الأدب؛ حسيني، سيد صادق، من انباء التراث، تراثا (ماهنامه)، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، س 4، ش 1، 1409 ق؛ حلو، محمد على، ادب المحنة او شعراء المحسن بن على عليه السلام؛ خاقانى، على، شعراء الغرى او النجفيات، قم، كتابخانه مرعشى نجفى، 1408 ق؛ خدامرادى، ثريا، ضرابى زاده، سعيد، تصوف، دائرة المعارف بزرگ اسلامى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامى، 1387 ش؛ خفاف، اسماعيل، الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء عليها السلام من خلال الشعر، دار الغدير، 1428 ق؛ خوئى، سيد ابوالقاسم موسوى (م. 1413 ق.)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواه، 1413 ق؛ رحمانى همدانى، احمد، فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه و آله، تهران، نشر المرضية، 1373 ش؛ رى شهرى، محمد، موسوعة الامام على عليه السلام في الكتاب و

السنة و التاريخ، قم، انتشارات دار الحديث، 1425 ق؛ زرکلی، خير الدين (م. 1410 ق.). الاعلام، بيروت، دار العلم للملايين، 1980 م؛ سيد مرتضى، على بن حسين (م. 436 ق.). رسائل الشريف المرتضى، تحقيق سيد احمد حسيني، سيد مهدي رجائي، قم، دار القرآن الكريم، 1405 ق؛ شاکري، حسين، علي عليه السلام في الكتاب و السنة و الادب، تحقيق فرات اسدي، قم، ستاره، 1418 ق؛ شبر، سيد جواد، شعراء الحسين عليه السلام، بيروت، دار المرتضى، 1409 ق؛ شريف رازي، محمد، آثار الحجّة، قم، مؤسسة دار الكتاب، 1332 ق؛ شيروي خوزاني، مصطفى، امام على عليه السلام در اشعار عربي معاصر، قم، انتشارات دانشگاه قم، 1381 ش، صدر، سيدحسن (م. 1354 ق.).، تکملة أمل الآمل، تحقيق سيد احمد حسيني، قم، كتابخانه مرعشي نجفي، 1406 ق؛ صدوق، محمد بن علي (م. 381 ق.).، الامالي، قم، مؤسسة البعثة، 1417 ق؛ طبري امامي، محمد بن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق، طريحي، فخر الدين (م. 1085 ق.).، المنتخب للطريحي، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، 1381 ق؛ طوسي، محمد بن حسن (م. 460 ق.).، رجال الطوسي، تحقيق جواد قيومي، قم، نشر اسلامي، 1415 ق؛ همو، اختيار معرفة الرجال، تحقيق سيد مهدي رجائي، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1404 ق؛ عاملي، سيد جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلى الله عليه وآله، بيروت، دار الهدى، 1415 ق؛ همو، مأساة الزهراء عليها السلام (شبهات وردود)، بيروت، دارالسيرة، 1418 ق؛ علامه حلي، حسن بن يوسف (م. 726 ق.).، ايضاح الاشتباه، تحقيق محمد حسون، قم، نشر اسلامي، 1411 ق؛ غروي اصفهاني، محمد حسين (م. 1320 ق.).، الانوار القدسيه، تحقيق علي نهاوندي، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية 1415 ق، فاخوري، حنّاء، تاريخ الادب العربي، فتلاوي، كاظم عبود، المنتخب من اعلام الفكر و الادب، بيروت، مؤسسة المواهب، 1419 ق؛ كجوري حسيني، محمدباقر (م. 1313 ق.).، الخصائص الفاطمية، تحقيق سيد علي جمال اشرف، الشريف الرضي، 1380 ش؛ كحاله، عمر رضا (م. 1408 ق.).، معجم المؤلفين (تراجم مصنفى الكتب العربيه)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ كراجكي، محمد بن علي (م. 449 ق.).، التعجب من اغلاط العامة في مسألة الامامه، تحقيق فارس حسون؛ كليني، محمد بن يعقوب (م. 329 ق.).، الكافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلامية، 1363 ش؛ لويس، شيخو، الآداب العربيّة في القرن التاسع عشر،

رده بندی و معرفی آثار نوشته شده درباره حضرت علیها السلام.

نگارش درباره حضرت فاطمه علیها السلام، به سبب الگو بودن ایشان برای مسلمانان و تنها یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله بودن و نیز ادامه نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق ایشان، از آغاز دوره تدوین حدیث، مورد توجه مسلمانان، به ویژه شیعیان، قرار داشته است. اهل سنت گردآوری روایات حضرت علیها السلام را در قالب مسند، آغاز کرده و عمدتاً به این امر اهتمام داشته اند و این کار فقط در سده های اخیر بین شیعیان رواج یافته است. شیعیان بیشتر به ماجرای شهادت ایشان توجه کرده و به تألیف در این باره پرداخته اند.

درباره جنبه های گوناگون زندگی و شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام آثار فراوانی وجود دارد، اما در این مقاله، صرفاً رویکردهای متفاوت در تألیف این آثار، معرفی می شوند. در یک دسته بندی کلی، این آثار عبارت اند از: مسندها و مجموعه های روایی و شرح سخنان؛ منقبت نگاریها و فضیلت شماریها؛ زندگی نامه ها، تحلیلهای اخلاقی و تربیتی از زندگی حضرت علیها السلام؛ و کتاب شناسیها. کتابهایی نیز جامع تمام این رویکردها هستند، مانند اعلموا انی فاطمه علیها السلام، عبدالحمید مهاجر. آثار منظومی که در سوک یا ستایش حضرت علیها السلام سروده شده، در مقالات جداگانه بررسی شده است (مقاله های فاطمه علیها السلام در شعر فارسی؛ فاطمه علیها السلام در شعر عربی).

آثار راجع به حضرت فاطمه علیها السلام، از حیث موضوع، پنج دسته اند:

مسندها و مجموعه های روایی و شرح سخنان

اهل سنت در تدوین روایات حضرت علیها السلام پرکارتر از شیعیان بوده اند، هرچند برخی از تألیفات آنان امروزه در

دسترس نیستند. برخی آثار مستقل و کهن در این باره، که باقی نمانده اند، عبارت اند از: مسند فاطمه علیها السلام، علی بن عمر دارقطنی شافعی (م. 385 ق.) (آقابزرگ تهرانی، 18 / 59)؛ مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، عمر بن احمد بن شاهین (م. 385 ق.) (رودانی، 360)؛ و من روی عن فاطمه علیها السلام من اولادها، ابن عقده (احمد بن محمد بن سعید همدانی) (م. 333 ق.) (طوسی، 73 - 74)؛ آقابزرگ تهرانی، 22 / 228). از این سه تن، ابن عقده، شیعه زیدی جارودی بوده است (نجاشی، 94؛ طوسی، 73). السقیفه و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری بصری (م. 323 ق.)، کتاب مفقود دیگری است که حاوی بسیاری از احادیث حضرت فاطمه علیها السلام بوده است (آقابزرگ تهرانی، 12 / 206). محمد هادی امینی این کتاب را، بر پایه منقولات ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، با نام اصلی اش بازسازی کرده است.

از جمله آثار موجود، مسندهای جامعی هستند که مسند فاطمه زهرا علیها السلام نیز در ضمن آنهاست، مانند مسند اسحاق بن راهویه، مسند احمد بن حنبل، مسند ابویعلی الموصلی، و المعجم الکبیر طبرانی. ابن راهویه در بخشی با عنوان «ما یروی عن فاطمة علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله عن رسول الله صلی الله علیه و آله»، پانزده حدیث ذکر کرده که برخی از آنها گفتگوی حضرت فاطمه ای علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله است (ر.ک: 5 / 3 - 15). احمد بن حنبل پس از «مسند عایشه»، روایات حضرت فاطمه علیها السلام را آورده که شامل چند حدیث به روایت آن حضرت علیها السلام است (ر.ک: 6 / 282 - 283). ابویعلی موصلی در بخشی مستقل، هفده حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام آورده که برخی، روایات حضرت فاطمه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی، احادیثی است که در آنها حضرت فاطمه علیها السلام طرف گفتگو با پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است (ر.ک: 12 / 105 - 123). طبرانی بخش «مسند النساء» از المعجم الکبیر را با مسند حضرت فاطمه علیها السلام آغاز کرده است (ر.ک: 22 / 397). این

بخش شامل احادیثی درباره فضایل و احوال آن حضرت علیها السلام و نقل مرویات ایشان است. وی در بخشی از مسند حضرت علیها السلام با عنوان «ما أسندت فاطمة رضي الله عنها»، به نقل احادیث حضرت علیها السلام به تفکیک راویان پرداخته است (ر.ک: 22 / 213 - 424). از دیگر آثار موجود در این باره، مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، سیوطی است، متعلق به ادوار حدیثی متأخر اهل سنت، که اثری مستقل است و جامع ترین تألیف در حوزه حدیث اهل تسنن در زمینه روایات حضرت فاطمه علیها السلام به شمار می رود (ر.ک: 20 - 103). برخی از منقولات این کتاب، روایات نبوی درباره فضایل حضرت علیها السلام است.

به جز مسندها، برخی از کتابهایی که درباره تاریخ اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده اند نیز حاوی احادیثی از حضرت فاطمه علیها السلام هستند. محمد بن احمد دولابی در الذریة الطاهرة النبویه، پس از بیان زندگی حضرت فاطمه علیها السلام، در بخشی با عنوان «مسند حدیث فاطمة علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله» 24 حدیث از حضرت علیها السلام، به تفکیک راویان، آورده است (ر.ک: 137 - 150).

در حوزه حدیث شیعه دوازده امامی، بخش آغازین دلائل الامامه طبری امامی، کهن ترین مسند موجود درباره حضرت فاطمه علیها السلام است. طبری در بخشی مستقل، احادیث بسیاری از حضرت فاطمه علیها السلام و نیز احادیثی از معصومان علیها السلام درباره زندگی و فضایل حضرت فاطمه علیها السلام آورده است (ر.ک: 65 - 76). برخی از محدثان متأخر شیعه از اثری به نام مسند فاطمه علیها السلام حدیث نقل کرده اند (بحرانی، مدینه معاجز، 2 / 323، 442؛ همو، حلیة الابرار، 2 / 179؛ مجلسی، 53 / 321، 100 / 269) که این احادیث، در دلائل الامامه موجود است و ظاهراً مقصودشان همین کتاب بوده است. اما حر عاملی در پایان امل الآمل گفته است که نزد ما آثاری هست که مؤلفان آنها را

نمی‌شناسیم، و از جمله آنها از مستند فاطمه علیها السلام نام برده است (2/365).

در دوره معاصر، مسندنگاری در حوزه حدیث شیعه رونق بسزایی یافته و در میان مسندهایی که درباره هر یک از اهل بیت علیها السلام نوشته شده است، حدیث پژوهان و مؤلفان به تک نگاری درباره حضرت فاطمه علیها السلام بیشتر پرداخته اند، به دلیل ضرورت بازایی الگوی زن مسلمان در سیره و سخنان آن حضرت علیها السلام. برخی از مهم ترین مجموعه های روایی معاصر عبارت اند از: مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، عزیزالله عطاردی قوچانی، که جلد دوم از مجموعه موسوعة مسانید اهل البيت عليهم السلام است؛ مسند فاطمة الزهراء علیها السلام، سید حسین شیخ الاسلامی، که طبق مقدمه آن، مؤلف قصد داشته است تمامی سخنان منقول از حضرت فاطمه علیها السلام به اشکال گوناگون (مانند دعا، مناظره و غیره) را گرد آورد (10)؛ نهج الحیاة (فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام)، محمد دشتی، که در آن احادیث حضرت فاطمه علیها السلام به ترتیب موضوعی آمده است؛ و مسند فاطمه علیها السلام، مهدی جعفری.

علاوه بر مسندها، در مجموعه های کهن شیعه - که بیشتر در رده مُصَنَّف قرار می گیرند - نیز احادیث حضرت فاطمه علیها السلام پراکنده است. تفاوت مسند با مُصَنَّف، این است که در مسند بر خلاف مُصَنَّف، احادیث بر حسب راویان گردآوری می شوند (چه خود راوی گوینده حدیث بوده باشد چه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده باشد) و در آنها ترتیب موضوعی اهمیتی ندارد (ر.ک: استادی، 147 - 160؛ مدیر شانه چی، 173). بنابراین، درباره تعداد احادیثی که در مصنفات حدیثی شیعه از حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است، اطلاع دقیقی وجود ندارد. از بین جوامع حدیثی متأخر شیعه، بحار الانوار علامه مجلسی و عوالم العلوم بحرانی اصفهانی، احادیث راجع به حضرت فاطمه علیها السلام را یک جا جمع کرده اند. جلد 43 بحار الانوار،

ص: 564

زندگی حضرت علیها السلام را، با توجه به روایات منقول از معصومان علیها السلام، در ده باب آورده است که در میان آنها، گفتگوهای حضرت علیها السلام با دیگران و وصایای ایشان نیز وجود دارد (ر.ک):

43 / 2 - 236). جلد یازدهم عوالم العلوم نیز به زندگی حضرت فاطمه علیها السلام بنا بر روایات اختصاص دارد.

افزون بر سخنان حضرت فاطمه علیها السلام و روایات ایشان از پیامبر علیها السلام، خطبه مشهوری نیز از حضرت علیها السلام به جا مانده است که چه از نظر ادبی و چه از نظر محتوایی، دانشمندان مسلمان به آن توجه کرده و آثار بسیاری در تدوین و شرح آن نوشته اند. این خطبه به «لُمَّة» شهرت دارد و در ماجرای غصب خلافت ایراد شده است. جوهری بصری در السقیفه و فدک، آن را با سندهای مختلف روایت نموده و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ضمن شرح نامه امام علی علیه السلام به عثمان بن حنیف، آن را نقل کرده است. این خطبه در کتابهای بلاغات النساء ابن طیفور، الشافی سید مرتضی، الاحتجاج طبرسی، الطرائف ابن طاووس و کشف الغمه اربلی روایت شده است. آقابزرگ تهرانی، چندین کتاب در شرح این خطبه برشمرده است (ر.ک: 8 / 93، 13 / 224؛ مقاله خطبه های فاطمه علیها السلام). نام بیشتر این کتابها، شرح خطبه زهراء علیها السلام یا شرح خطبه لُمَّة است. در ضمن برخی کتابهایی که درباره زندگی حضرت فاطمه علیها السلام هستند نیز شرح خطبه ایشان آمده است (ر.ک: مکارم شیرازی؛ کمره ای؛ حسینیان قمی).

منقبت نگاریها و فضیلت شماریهها

منقبت نگاری از روشهای رایج در حوزه تدوین حدیث است که از سده های نخستین اسلام آغاز شده است. مؤلف در این گونه کتابها می کوشد به برتریهای اهل بیت علیهم السلام بر دیگران پردازد و بیشتر، از احادیث نبوی صلی الله علیه و آله، روایات اهل بیت علیهم السلام، سخنان صحابه و تابعان و بزرگان دین،

ص: 565

شواهد و قراین تاریخی، و نیز تحلیلها و استنتاجات عقلی بهره می گیرد تا این برتریها را اثبات کند. کتابهایی با عناوین «المناقب»، «الفضائل»، «الخصائص»، «فضل...»، و «تفضیل...» در این گروه جای می گیرند. برخی از این کتابها - که به طور مستقل یا در ضمن ذکر منقبت دیگر معصومان علیهم السلام، به مناقب حضرت فاطمه علیها السلام اشاره کرده اند - عبارت اند از: الفضائل، جابر بن یزید جعفی (م. 128 ق.). (ر.ک: نجاشی، 128 - 129)؛ مناقب اهل البيت عليهم السلام، عبّاد بن یعقوب رواجنی کوفی (م. 250 ق.). (ر.ک: طباطبائی، 598)؛ مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام و ولدها علیهم السلام، محمدبن جریر طبری امامی (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، 22 / 332)؛ فضائل اهل البيت عليهم السلام، ابن ابی حاتم رازی (م. 327 ق.). (ر.ک: طباطبائی، 354)؛ الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام، ابو سعید محمد بن احمد (جدّ ابوالفتح رازی) (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، 11 / 294)؛ الخصائص الفاطمية باقر بن اسماعیل (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، 7 / 173 - 174)؛ مناقب فاطمة الزهراء علیها السلام، حاکم نیشابوری (م. 405 ق.). (ر.ک: حاکم نیشابوری؛ آقابزرگ تهرانی، 22 / 331)؛ و الرسالة الباهرة فی تفضیل السیده فاطمة الزهراء الطاهرة علیها السلام، سید ابو محمد حسن بن طاهر قائنی (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، 3 / 15).

از جمله آثار موجود و مورد توجه در این باره، الثاقب فی المناقب ابن حمزه طوسی (م. 560 ق.) و مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب است. جلد اول و دوم کتاب ابن شهر آشوب به ذکر فضائل و مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام اختصاص دارد و در بخشی از جلد سوم، با ذکر روایات، به مناقب حضرت فاطمه علیها السلام پرداخته شده است (ر.ک: 101/33 / 101 - 140). در حوزه تألیفات اهل سنت، اتحاف السائل بما لفاطمة علیها السلام من المناقب و الفضائل، محمد بن علی مناوی (م. 1031 ق.)، حائز اهمیت است که دو بخش از آن به فضایل و ویژگیهای حضرت علیها السلام اختصاص دارد.

الثغور الباسمة في فضائل السيدة فاطمه عليها السلام، جلال الدين سيوطي، نیز شایان ذکر است.

کتابهای مناقب حضرت فاطمه علیها السلام به کتابهای پیش گفته و مؤلفان شیعی محدود نمی شود. برخی مؤلفان شیعه، مناقب حضرت علیها السلام را از کتابهای حدیثی اهل تسنن یا دانشمندان غیر شیعی گرد آورده و کتابهایی تألیف کرده اند. برخی از این آثار عبارت اند از: جلد دهم شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، که در آن فقط با تکیه بر مدارک عامه، به بیان فضایل حضرت علیها السلام پرداخته شده و سیر تاریخی رویدادها حفظ گردیده است؛ مناقب الزهراء علیها السلام المستخرجة من الكتب الصحاح، غلامرضا کسائی کاوکانی؛ الأربعون حديثاً في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام و سيدة نساء العالمين برواية عائشه، احمد محمودی؛ فضایل فاطمه زهرا علیها السلام از نگاه دیگران، ناصر مکارم شیرازی؛ فاطمه زهرا علیها السلام از نظر روایات اهل سنت، محمد واصف؛ و کتابهای مفقود شده ای چون اربعون حديثاً في فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام برواية أهل السنة، نجم الدین جعفر بن محمد تهرانی عسکری (م. 1395 ق.) (آقابزرگ تهرانی، 1 / 430). در اثبات برتری حضرت فاطمه علیها السلام بر افراد دیگر نیز کتابهایی مختصر و کم حجم نوشته شده است، مانند کحل الناضرين في تفضيل الزهراء علیها السلام على الانبياء والمرسلين، سید محمد مرتضی حسینی جونفوری (م. 1333 ق.)؛ نخبة البيان في تفضيل سيدة النسوان، عبدالرسول حسینی شریعتمداری جهرمی: الكلمة الغراء في تفضيل الزهراء علیها السلام، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی (م. 1377 ق.)؛ و کتابهایی که هنوز نسخه خطی اند، مانند مباحثة الجعفري والاشعري في تفضيل فاطمة الزهراء علیها السلام على مریم بنت عمران علیها السلام، جعفر بن محمد تهرانی عسکری (آقابزرگ تهرانی، 19 / 40).

منقبت نگاری در دوره معاصر، گونه های متفاوت تری یافته و کتابهایی در بیان جنبه های گوناگون فضایل حضرت فاطمه علیها السلام نگاشته شده است. از جمله آنهاست:

ص: 567

فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله، احمد رحمانی همدانی، که جامع ترین اثر معاصر در این باره است و در آن افزون بر مباحث روایی و تاریخی، به مباحث کلامی مانند عصمت و شفاعت نیز پرداخته شده است؛ فضائل الزهراء عليها السلام و مناقب الانسية الحوراء، سید محمد تقی مقدّم: فضائل الزهراء عليها السلام، که آن را مرکز تحقیقات بنیاد بعثت تدوین کرده است؛ و زخم خورشید، کاوشی در زندگی حضرت زهرا عليها السلام، مهدی حسینیان قمی. گاه از ادبیات داستانی نیز برای بیان مناقب حضرت عليها السلام بهره برده شده است، مانند سیصد و شصت داستان از فضائل، مصائب و کرامات حضرت فاطمه عليها السلام، عباس عزیزی. کتابهایی نیز در بیان کرامات حضرت زهرا عليها السلام و توجه حضرت عليها السلام به متوسلان به ایشان پس از وفاتشان، چاپ شده است (ر.ک: میر خلف زاده).

زندگی نامه ها

نویسندگان بسیاری با رویکردهای گوناگون روایی - تاریخی، تربیتی - اخلاقی، و مذهبی - کلامی به نوشتن زندگی نامه حضرت فاطمه عليها السلام اهتمام ورزیده اند. در برخی از این آثار به مقطع خاصی از زندگی حضرت عليها السلام، مانند ولادت یا ازدواج، پرداخته شده است، مانند تزویج فاطمة عليها السلام الرسول صلى الله عليه وآله، منسوب به امام باقر علیه السلام، به همراه بخشی دیگر با عنوان تزویج فاطمة عليها السلام رسول صلى الله عليه وآله لعلى بن ابی طالب علیه السلام، محمد بن هارون رویانی (م. 307 ق.)؛ مولد الصدیقة الزهراء عليها السلام، محمد بن عبدالله ابو عزیز خطی؛ و آثار خطی، مانند تزویج فاطمة عليها السلام، عبدالله بن محمد بن ابی الدنيا (م. 281 ق.) (ابن ندیم، 236 - 237؛ بغدادی، 1 / 441 - 442)؛ اخبار فاطمة عليها السلام ونشأتها ومولدها، محمد بن زکریابن دینار غلابی (م. 298 ق.) (نجاشی، 346 - 347؛ آقابزرگ تهرانی، 1 / 343 - 344)؛ تزویج فاطمه عليها السلام، عبدالعزيز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی از دی بصری (م. 332 ق.) (نجاشی، 240 - 241؛ آقابزرگ تهرانی، 4 / 172)؛ و مولد فاطمه عليها السلام، شیخ صدوق (م. 381 ق.) (نجاشی، 392؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 147؛ امین عاملی، 10 / 25).

ص: 568

کتاب اخیر ضمن مجموعه میراث حدیث شیعه، دفتر نوزدهم، به کوشش محمدهادی یوسفی غروی، منتشر شده است.

ماجرای سقیفه و در پی آن غصب فدک، از مهم ترین وقایع زندگی حضرت فاطمه علیها السلام است که کتابهای فراوانی درباره آن نوشته شده است. یکی از قدیم ترین آثار در این باره، السقیفه و فدک، جوهری بصری (م. 323 ق.) است. شیعیان نیز تألیفات بسیاری دارند و تنها در الذریعة إلى تصانیف الشیعه، بیش از سی عنوان کتاب در این باره برشمرده شده است. البته بسیاری از آنها موجود نیستند، مانند طعن الرماح في مبحث فدک و القرطاس، محمد بن دلداری علی نصیر آبادی (م. 1284 ق.) (آقابزرگ تهرانی، 15 / 172)؛ فدک، ابراهیم بن محمد ثقفی (م. 283 ق.) (نجاشی، 17؛ آقابزرگ تهرانی، 16 / 129)؛ فدک، عبیدالله بن احمد انباری (م. 356 ق.) (نجاشی، 233، آقابزرگ تهرانی، 16 / 129)؛ فدک، ابو جیش مظفر بن محمد بلخی خراسانی (م. 367 ق.) (نجاشی، 422؛ آقابزرگ تهرانی، 16 / 129)؛ و اضواء الدرر الغوالي لایضاح احوال فال و العوالی، از مؤلفی ناشناس (مجلسی 1 / 21؛ آقابزرگ تهرانی، 2 / 216).

نگارش درباره فدک تا دوره معاصر ادامه یافته است. یکی از بهترین کتابهای معاصر در این باره، فدک فی التاریخ، سید محمد باقر صدر (م. 1402 ق.) است که نگاهی تاریخی به موضوع غصب حق حضرت فاطمه علیها السلام دارد و فدک از نگاه او، نماد است. علی اکبر حسنی این کتاب را با عنوان فدک و بازتابهای تاریخی و سیاسی آن، به فارسی برگردانده است. حضرت زهر علیها السلام و ماجرای غم انگیز فدک، ناصر مکارم شیرازی، و فدک نحلة النبی صلی الله علیه و آله، سید محمد حسن حائری قزوینی (م. 1380 ق.)، از دیگر آثار معاصر درباره فدک است.

ص: 569

ماجرای شهادت حضرت فاطمه علیها السلام و مصائب ایشان پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مورد توجه مؤلفان بوده است. ظاهراً تمام تألیفات در این باره به شیعیان اختصاص دارد. از جمله این آثار است: احتجاج الزهراء فاطمه علیها السلام، حجة الله نجفی رضوی؛ بیت الاحزان في مصائب سيّدة النسوان، محدث قمی؛ تظلم الزهراء علیها السلام من اهراق دماء آل العباء علیهم السلام، سید رضی الدین بن نبی قزوینی (م. 1134 ق.)؛ ملکه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام، اولین محکمه قضایی بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله، میرزا خلیل کمره ای؛ و النار الحاطمة لقاصد احراق بیت فاطمه علیها السلام، سید مقرب علی نقوی حسینی.

درباره شهادت حضرت فاطمه علیها السلام هم کتابهایی با عناوین مشابه تألیف شده است، از جمله: وفاة الصديقة الزهراء علیها السلام، سید عبدالرزاق موسوی مقررّم (م. 1391 ق.)؛ الدرّة الغراء في وفاة الزهراء علیها السلام، حسین بن محمد آل عصفور بحرانی (م. 1216 ق.)؛ و آثار خطی، مانند الظلّامة الفاطمیة، حسن بن علی اطروش معروف به ناصر کبیر، ملقب به الناصر للحق (م. 304 ق.) (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، 162؛ امین عاملی، 5 / 184؛ آقابزرگ تهرانی، 15 / 201)، الصوارم الحاسمة في مصائب الزهراء فاطمه علیها السلام، سید محمدرضا، ملقب به آقا میرزا حسینی کمالی استرآبادی حلّی (م. 1346 ق.) (آقابزرگ تهرانی، 15 / 92)؛ وفاة فاطمة الزهراء علیها السلام، ابوالحسن بکری مصری (م. 953 ق.) (مجلسی، 1 / 22؛ آقابزرگ تهرانی، 25 / 119)؛ و وفاة الزهراء علیها السلام، سید هاشم حسینی بحرانی (م. 1107 ق.) (آقابزرگ تهرانی، 25 / 119). در جلد چهارم از مجموعه موسوعة التاريخ الاسلامی محمد هادی یوسفی غروی، نیز فصلی به مصائب حضرت علیها السلام و ماجرای غصب فدک و شهادت آن حضرت علیها السلام اختصاص دارد. در این کتابها به فضایل و مناقب آن حضرت علیها السلام نیز پرداخته شده است.

در آثار پیش گفته، تنها به بخشی از زندگی حضرت علیها السلام اشاره گردیده، اما کتابهای فراوانی نیز درباره کل زندگی و سیره ایشان نوشته شده است،

از جمله: جلد 43 بحار الانوار، علامه مجلسی و جلد یازدهم عوالم العلوم، بحرانی اصفهانی، که در بیان احادیث و روایات مرتبط با زندگی حضرت فاطمه علیها السلام ترتیب تاریخی دارند؛ فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، رحمانی همدانی، در شرح زندگی حضرت زهرا علیها السلام و بیان مناقب ایشان؛ جلد دهم شرح احقاق الحق، سید شهاب الدین مرعشی نجفی که با رویکردی کلامی به زندگی حضرت زهرا علیها السلام پرداخته است؛ و اعلموا انی فاطمه علیها السلام، اثر عبدالحمید مهاجر، در ده جلد، که مجموعه کاملی است از معارف مربوط به حضرت زهرا علیها السلام، شامل زندگی نامه، خطبه ها، فضایل، مباحث تربیتی - اخلاقی، و مسائل مذهبی - عقیدتی. در این میان، کتابهایی مانند منتهی الآمال محدث قمی، و فاطمة الزهراء علیها السلام من المهد الی اللحد سید محمد کاظم قزوینی (م. 1412 ق.)، که کتاب اخیر به فارسی هم ترجمه شده است، شباهت بیشتری به زندگی نامه دارند. در این آثار نیز به زندگی حضرت علیها السلام پرداخته شده است: جلوه نور، علی سعادت پور؛ زندگی نامه حضرت زهرا علیها السلام، سید جعفر شهیدی؛ زندگانی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، سید عبدالحسین دستغیب؛ فاطمة علیها السلام بنت محمد صلی الله علیه و آله ام الشهداء و سیده النساء، عمر ابونصر مصری؛ فاطمه زهرا علیها السلام، حسین عمادزاده اصفهانی؛ و فی نور محمد صلی الله علیه و آله فاطمة الزهراء علیها السلام، عبدالفتاح عبدالمقصود. در دوره معاصر، از ادبیات داستانی نیز در نگارش زندگی نامه حضرت زهرا علیها السلام بهره گرفته شده است. کشتی پهلو گرفته، سید مهدی شجاعی، و بهشت ارغوان، قصه ناتمام صدیقه، کمال سید عراقی، از آن جمله است.

تحلیل‌های اخلاقی و تربیتی از نگاه حضرت فاطمه علیها السلام: گاه مؤلف، زندگانی حضرت علیها السلام را با رویکرد اخلاقی و تربیتی بررسی کرده و کوشیده است با بیان

سیره عملی و جنبه های گوناگون شخصیتی ایشان، الگویی مناسب برای زن امروزی عرضه کند. این گونه تألیفات بیشتر در دوره معاصر رواج یافته اند. الزهراء القدوة عليها السلام، اثر سید محمد حسین فضل الله (م. 1431 ق.ه)، از این گونه آثار است. کتابهای دیگری نیز در این باره نوشته شده، که هر یک بر جنبه ای از جوانب تربیتی تکیه کرده، از آن جمله است: اخلاق حضرت فاطمه عليها السلام، محمد مهدی تاج لنگرودی؛ ام اییها مادر نمونه اسلام، غلامعلی رحیمیان؛ فاطمة الزهراء عليها السلام المثل الأعلى للمرأة المسلمة، سید شریف سعید عاملی؛ فاطمه زهرا عليها السلام بانوی نمونه اسلام، ابراهیم امینی؛ فاطمة الزهراء عليها السلام قدوة و اسوة، سید محمد تقی مدرس؛ و نساؤنا کیف یتمثلن الزهراء عليها السلام، محمدجعفر شمس الدین عاملی.

کتاب شناسیها: در پاره ای از کتابهایی که درباره حضرت فاطمه عليها السلام تألیف شده، بخشی به کتاب شناسی حضرت عليها السلام اختصاص یافته است، مانند فاطمة الزهراء عليها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله، احمد رحمانی همدانی، و زخم خورشید: کاوشی در زندگی حضرت زهرا عليها السلام، مهدی حسینیان قمی. کتابهای مستقلی نیز در این باره نوشته شده که جامع ترین آنها فاطمه عليها السلام در آئینه کتاب، نوشته اسماعیل انصاری زنجانی، است که در آخرین چاپ آن، مشخصات 2400 کتاب به 37 زبان، گردآوری شده است. این کتاب، به رغم جامعیت و برخورداری از فهرست تفکیکی، کتابها را دسته بندی موضوعی نکرده است. اطلاعات برخی از کتابها را نیز ناقص و در مواردی، اشتباه داده است. از این رو، انتقادهایی به این مجموعه وارد شده است (ر.ک: فرهنگ، 20-35). کتابها و مقالات پژوهشی دیگری نیز در موضوع کتاب شناسی حضرت فاطمه عليها السلام تدوین شده اند که بیشتر، کتابها را به تفکیک زبان دسته بندی کرده اند (ر.ک: انصاری قمی؛ رفاعی، 57-104؛ صادقی اردستانی

107 - 113). در مواردی نیز کتابهای راجع به حضرت فاطمه علیها السلام، دسته بندی موضوعی شده اند (ر.ک: منتفکی، 44 - 89).

منابع: آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (م. 1389 ق.)، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت، دارالاضواء، 1403 ق؛ ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم (م. 238 ق.)، مسند اسحاق بن راهویه، تحقیق عبدالغفور عبدالحق، المدينة المنورة، مكتبة الايمان، 1412 ق؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی (م. 588 ق.)، معالم العلماء، قم؛ همو، مناقب آل ابی طالب، تحقیق گروهی از اساتید نجف اشرف، النجف الاشرف، المكتبة الحيدرية، 1376 ق؛ ابویعلی موصلی، اسماعیل بن محمد (م. 307 ق.)، مسند ابویعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون؛ احمد بن حنبل، شیبانی (م. 241 ق.)، فضائل الصحابة، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1983 م؛ استادی، رضا، چهل مقاله، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، 1413 ق؛ امین عاملی، سید محسن (م. 1371 ق.)، اعیان الشیعة، تحقیق سید حسن امین، بیروت، دارالتعارف، 1403 ق؛ انصاری قمی، ناصر الدین، کتابنامه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، قم، انتشارات اسلامی، 1372 ش؛ بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (م. قرن 12) عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، 1425 ق؛ بحرانی، سید هاشم حسینی (م. 1107 ق.)، حلیة الابرار، تحقیق غلامرضا مولانا، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، 1414 ق؛ همو، مدینة معاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج علی البشر، تحقیق عزت الله مولائی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، 1413 ق؛ بغدادی، اسماعیل باشا (م. 1339 ق.)، هدیه العارفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حر عاملی، محمد بن حسن (م. 1104 ق.)، امل الآمل، قم، دار الکتب الاسلامی، 1362 ش؛ حسینیان قمی، مهدی، زخم خورشید، کاوشی در زندگی حضرت زهرا علیها السلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1379 ش؛ دولابی، محمد بن احمد (م. 310 ق.)، الذریعة الطاهرة النبویه، تحقیق سید محمد جواد حسینی، قم، نشر اسلامی، 1407 ق؛ رفاعی، عبدالجبار، معجم ما کتب عن فاطمة الزهراء علیها السلام، تراثنا (ماهنامه)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام

لاحياء التراث، س 4، ش 14، 1409 ق؛ رودانى، محمدبن سليمان (م. 1094 ق.)، صلة الخلف بموصول السلف، تحقيق محمد حجي، بيروت، دار الغرب الاسلامى، 1408 ق؛ سيوطى، جلال الدين (م. 911 ق.)، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، 1413 ق؛ شيخ الاسلامى، سيد حسين، مسند فاطمة الزهراء عليها السلام، قم، دفتر تبليغات اسلامى، 1419 ق؛ صادقى اردستانى احمد، كتاب شناسى حضرت زهرا عليها السلام، آينه پژوهش (دو ماهنامه)، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ش 4، 1369 ش؛ طباطبائى، سيد عبدالعزيز (م. 1416 ق.)، اهل البيت عليهم السلام في المكتبة العربية، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، 1417 ق؛ طبرانى، سليمان بن احمد (م. 360 ق.)، المعجم الكبير، تحقيق حمدى سلفى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1404 ق؛ طبرى امامى، محمدبن جرير (م. قرن 5)، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، 1413 ق؛ طوسى، محمدبن حسن (م. 460 ق.)، الفهرست، تحقيق جواد قيومى، قم، مؤسسة نشر الفقاهة، 1417 ق؛ فرهنگ، محمدجواد، تأليف يا تقليد؟، نقدى بر كتاب فاطمه عليها السلام در آئینه كتاب، آينه پژوهش (دو ماهنامه)، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ش 37، 1375 ش؛ مجلسى، محمدباقر (م. 1111 ق.)، بحار الانوار، تحقيق محمد باقر بهبودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق؛ مدير شانه چى، كاظم، علم الحديث، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، 1344 ش؛ منتفكى، عبدالله، معجم المؤلفات حول السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام، الثقافة الاسلامية (دو ماهنامه)، المستشار الثقافى للجمهورية الاسلامية الايرانية بدمشق، ش 40، 1412 ق؛ ميرخلف زاده، على، كرامات الفاطميه، معجزات فاطمه زهراء عليها السلام بعد از شهادت به ضميمه سوگنامه فاطمه زهراء عليها السلام، قم، نشر مهدي يار، 1379 ش؛ نجاشى، احمد بن على (م. 450 ق.)، رجال النجاشى، قم، نشر اسلامى، 1416 ق.

على معمورى

ص: 574

بخش اول: مقام و فضایل فاطمه علیها السلام...13

اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام...15

نام حضرت علیها السلام...16

القاب و اوصاف حضرت فاطمه علیها السلام...18

1. القاب اصلی...18

2. القاب و اوصاف اقتباس شده از روایات...24

3. دیگر القاب حضرت فاطمه علیها السلام...30

کنیه های حضرت فاطمه علیها السلام...32

منابع...32

سیده نساء العالمین...36

ادعای برتری حضرت مریم علیها السلام...40

منابع...50

محدّثه بودن فاطمه علیها السلام...54

محدّث بودن غیر پیامبران...55

محدّثه بودن حضرت فاطمه علیها السلام...60

ص: 575

دلایل...60

مصحف حضرت فاطمه علیها السلام...63

بررسی شبهات...64

منابع...66

عصمت فاطمه علیها السلام...69

دلایل عصمت حضرت فاطمه...73

دلیل قرآنی...73

بررسی چند اشکال...77

دلیل روایی بر عصمت...80

دسته اول...81

دسته دوم...82

دسته سوم...82

بررسی شبهات...84

منابع...87

علم فاطمه علیها السلام...92

منابع علم حضرت فاطمه علیها السلام...93

1. علم لَدُنِّي...93

2. محدّثه بودن...94

3. مقام انسان کامل...94

4. استفاده از قرآن...95

5. آموزشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله...96

دلایل علم حضرت فاطمه علیها السلام...97

1. سیده النساء بودن...98

2. کفو بودن با علی علیه السلام...98

3. ثقل اصغر بودن...99

4. آگاهیهای غیبی...99

ص: 576

5. میراث حضرت فاطمه علیها السلام...99

6. مرجعیت علمی...100

7. حجت و باب علم...101

ابعاد علمی حضرت فاطمه علیها السلام...102

منابع...104

تسبیح فاطمه علیها السلام...108

منشأ پیدایش تسبیح...113

مضمون تسبیح...114

1. الله اكبر...114

2. الحمد لله...116

3. سبحان الله...117

ترتیب تسبیحات...119

فضیلت و آثار تسبیح...121

موارد استحباب تسبیح...123

احکام و شرایط تسبیح...123

منابع...125

شفاعت و فاطمه علیها السلام...129

شفاعت کنندگی حضرت فاطمه علیها السلام...131

تفسیرهای شفاعت...132

فلسفه و آثار شفاعت...134

زمان شفاعت...136

شفاعت کنندگان...137

شفاعت شونندگان...141

شبهات شفاعت...143

منابع...152

فاطمه علیها السلام در آخرت...156

ص: 577

حضرت فاطمه علیها السلام در برزخ...157

حضرت فاطمه علیها السلام در قیامت...159

حضرت فاطمه علیها السلام در بهشت...164

منابع...167

مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام...171

مناقب حضرت فاطمه علیها السلام...172

1. عصمت...172

2. محوریت خشم و خشنودی خدا...173

3. ایمان و عبادت...173

4. مُحَدَّثه بودن...174

5. جایگاه والای اخروی...174

مناقب اختصاصی...175

1. کنیه اُم ابیها...175

2. محبوبیت ویژه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله...175

3. سروری بر زنان جهان...176

4. لقب بتول...176

5. حضرت علی علیه السلام هم شأن حضرت فاطمه علیها السلام...177

6. تقدم در دفاع از ولایت...177

کرامات حضرت فاطمه علیها السلام...178

1. خبر دادن از غیب...179

2. گردش خود به خودی سنگ آسیاب...179

3. حاضر شدن غذا از سوی خداوند...180

4. ملاقات با حوریان بهشتی...181

5. تابش نور از لباس حضرت علیها السلام...181

6. استشمام بوی بهشت از فاطمه علیها السلام...182

منابع...182

ص: 578

بخش دوم: سیره فاطمی علیها السلام...187

سیره شناسی...189

منابع و راههای اثبات سیره...191

حجیت سیره...194

دلالتها و کارکردهای سیره...195

منابع...198

سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام...200

اخلاق فردی...201

1. اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی...201

2. پوشاک...202

3. بهداشت...202

4. زینت...202

5. رضا و تسلیم...203

6. خوف از خدا و یاد مرگ...204

7. طاعت...205

8. زهد و دنیاگریزی...206

9. صبر و استقامت...206

10. سکوت و صداقت...207

11. عفت و حیا...207

اخلاق اجتماعی...208

1. خانواده...208

2. جامعه...213

منابع...218

سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام...224

فلسفه عبادت و معنویت...226

ارکان و ویژگیهای عبادت...228

1. شناخت شایسته معبود...228

ص: 579

2. تجلی همه جانبه توحید...230

الف) در عمل...230

ب) در قلب و جان آدمی...230

ج) در فکر...231

3. محبت به معبود یکتا...231

اقسام عبادت...234

1. تلاوت قرآن...234

2. نمازها...235

3. تعقیبات نماز...237

4. تسبیحات...239

5. دعاها...240

6. روزه ها...240

7. حج و عمره...141

8. زیارتها...242

9. عبادتهای عام...243

منابع...244

سیره همسررداری فاطمه علیها السلام...248

محبت در همسررداری...249

1. اظهار محبت...249

2. احترام به همسر و تکریم او...250

3. آراستگی در برابر همسر...251

ایشان و گذشت در همسر داری... 252

1. همراهی با همسر و اطاعت از او... 253

2. تناسب در خواستها با تواناییهای همسر... 253

3. تحمل مشکلات اقتصادی... 254

4. سازگاری با همسر... 255

5. حمایت بی دریغ از همسر... 257

ص: 580

منابع...259

سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام...262

زمینه های مناسب در تربیت...263

ابعاد تربیت...264

1. تربیت جسمانی...265

2. تربیت روحی و عاطفی...266

3. تربیت دینی و اخلاقی...271

4. تربیت سیاسی و اجتماعی...272

منابع...273

سیره خانه داری فاطمه علیها السلام...276

خانه داری حضرت فاطمه علیها السلام...277

تسهیل خانه داری...278

1. تقسیم کار...279

2. مشارکت اعضای خانواده...281

3. استخدام خدمتکار...283

ویژگیهای خانه داری...283

1. تدبیر اقتصادی...284

2. ساده زیستی...285

3. مهمان نوازی...286

4. نظافت و بهداشت...287

خانه داری و اهتمام به مادری و همسری...288

خانه داری و حضور اجتماعی...289

خانه داری و عبادت...290

منابع...291

سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه علیها السلام...295

ابعاد سیره فرهنگی و اجتماعی...295

ص: 581

1. فرهنگ سازی و زنده نگه داشتن ارزشها...296
2. ترویج معارف و پاسخ به پرسشهای دینی...298
3. ایثار و توجه به محرومان...301
4. ارائه الگوی زندگی همسان با توده مردم...302
- میراث سیره فرهنگی و اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام...304
- منابع...304
- سیره سیاسی فاطمه علیها السلام...308
- روشنگری عمومی...310
- ویژگی های خطبه...311
- واکنشها در برابر خطبه و تأثیرات آن...313
- مبارزه منفی...314
- آخرین تلاش...315
- منابع...316
- بخش سوم: فاطمه علیها السلام در دیدگاهها...321
- فاطمه علیها السلام از نگاه قرآن...323
- شان نزول آیات درباره حضرت فاطمه علیها السلام...326
1. سوره کوثر...326
2. آیه مباحله...329
3. آیات اطعام در سوره انسان...332
4. آیه تطهیر...334
5. آیه مودت...337

جری و تطبیق آیات بر فاطمه علیها السلام...338

تأویل آیات به فاطمه علیها السلام...341

منابع...343

فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله...349

فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله...350

ص: 582

تبيين شخصيت حضرت فاطمه عليها السلام...353

حضرت فاطمه عليها السلام در جامعه اسلامى...358

منابع...361

فاطمه عليها السلام از نگاه امام على عليه السلام...366

وجود بهشتى...366

علم، معرفت و عصمت...366

خدا ترسى، محبت و عبادت...368

محبوبه و امانت خدا و رسول عليها السلام...369

محب پيامبر صلى الله عليه و آله...369

همسر نمونه...370

مقامات اخروى...374

مظلوميت حضرت فاطمه عليها السلام...375

منابع...375

فاطمه عليها السلام از نگاه امامان عليهم السلام...378

نگاه ائمه عليهم السلام به زندگى و سيره حضرت فاطمه عليها السلام...378

شخصيت و جايگاه حضرت فاطمه عليها السلام...388

منابع...393

فاطمه عليها السلام از نگاه همسران پيامبر صلى الله عليه و آله...396

از نگاه عايشه...397

از نگاه ام سلمه...401

از نگاه ديگر همسران پيامبر صلى الله عليه و آله...403

منابع...404

فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان...407

نگاه صحابه به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام...409

نگاه تابعان به شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام...420

منابع...423

ص: 583

فاطمه علیها السلام در فقه اسلامی...427

آداب ازدواج و امور خانواده...429

کار در خانه...430

ازدواج با خویشان نزدیک...431

احکام ولادت...432

احکام پوشش و نگاه...436

احکام مردگان...439

سوگواری بر مرده...441

غُسل میت...443

غسل پیش از شهادت...445

آداب روزه داری...445

آداب ورود به مسجد...445

حرمت شراب...446

منابع...446

فاطمه علیها السلام در گزارشهای تاریخی اهل سنت...453

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام...454

فضایل حضرت فاطمه علیها السلام...455

1. محبوب ترین شخص نزد پیامبر صلی الله علیه و آله...455

2. سیده نساء العالمین...456

3. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در مباحثه...457

4. نزول آیه تطهیر...457

5. مقام رفیع در آخرت...457

زندگانی حضرت علیها السلام در گزارشهای تاریخی...458

1. تولد فاطمه علیها السلام...458

2. ازدواج فاطمه علیها السلام...460

3. دوران پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله...461

ص: 584

الف) ماجرای غضب فدک...462

ب) حمله به خانه فاطمه علیها السلام...466

ج) توجیه غضب و هجران فاطمه علیها السلام...467

د) دعوت شبانه از مهاجران و انصار...472

ه) پاره کردن نامه توسط عمر...473

و) مضروب ساختن فاطمه علیها السلام...474

ز) آخرین دیدار ابوبکر و عمر با فاطمه علیها السلام...474

ح) شهادت و خاکسپاری فاطمه علیها السلام...475

منابع...479

فاطمه علیها السلام در شعر فارسی...483

قرن چهارم، سبک خراسانی و سراغاز شعر فاطمی...486

قرن پنجم...490

قرن ششم و سبک عراقی...491

قرن هفتم...492

قرن هشتم...493

قرن نهم و دهم، سبک هندی و توسعه باورهای شیعی...493

قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم...494

قرن دوازدهم...496

قرن سیزدهم، بازگشت به سبک عراقی و افول باورهای شیعی...497

قرن چهاردهم...500

دوره معاصر، دوران بالندگی شعر شیعی و فاطمی...502

شعر نو و سپید...509

بانوان شاعر...510

منابع...512

فاطمه علیها السلام در شعر عربی...516

رویکردهای شاعران به حضرت فاطمه علیها السلام...516

ص: 585

سیر اشعار درباره حضرت فاطمه علیها السلام...519

قرن اول هجری...520

قرن دوم هجری...521

قرن سوم هجری...522

قرن چهارم هجری...523

قرن پنجم هجری...526

قرن ششم هجری...527

قرن هفتم و هشتم هجری...527

قرن نهم، دهم و یازدهم هجری...529

قرن دوازدهم هجری...531

قرن سیزدهم هجری...531

دوره معاصر...534

منابع...557

کتابشناسی فاطمه علیها السلام...561

مسندها و مجموعه های روایی و شرح سخنان...561

منقبت نگاریها و فضیلت شماریهها...565

زندگی نامه ها...568

فهرست تفصیلی...575

نمایه کلی جلد های 1 - 3...587

ص: 586

نمایه کلی جلد‌های 1 - 3

آخرت - دنیا و آخرت؛ مرگ و برزخ؛ معاد

آسیه

اسوء

پایداری 36 / 2

ابراهیم

برادر ناتنی فاطمه علیها السلام 115 / 1

احادیث فاطمه علیها السلام

احادیث اعتقادی 21 / 3؛ تدوین روایات فاطمه علیها السلام 16 / 3؛ حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله 30 / 3؛ روایان روایات فاطمه علیها السلام 15 / 3؛ فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش 26 / 3؛ محتوای روایات فاطمه علیها السلام 20 / 3، مسندهای فاطمه علیها السلام 14 / 3؛ 561 / 2؛ مفهوم شناسی حدیث و روایت 13 / 3

اجتماع - فرهنگ و جامعه

اخلاق فاطمه علیها السلام - سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام

اخلاق و فضایل اخلاق و تربیت از نگاه فاطمه علیها السلام 571 / 2؛ ارزش اخلاقی 388 / 3؛ اطلاق یا نسبیت گزاره های اخلاقی 3 / 386؛ اهداف اخلاق 393 / 3؛ تربیت اخلاقی 421 / 3؛ رشد اخلاقی 404 / 3؛ فضائل و رذایل 395 / 3؛ قلمرو اخلاق 383 / 3؛ مسئولیت اخلاقی 391 / 3؛ مفهوم اخلاق 381 / 3

ازدواج فاطمه علیها السلام

پس از زفاف فاطمه علیها السلام 147 / 1؛ جهیزیه فاطمه علیها السلام 139 / 1؛ خواستگاری از فاطمه علیها السلام

ص: 587

1 / 29؛ عروسی فاطمه علیها السلام 1 / 137؛ عقد فاطمه علیها السلام 1 / 135؛ گزارشی از 2 / 460؛ ملائکه در عروسی فاطمه علیها السلام 1 / 146؛ مهریه فاطمه علیها السلام 1 / 133؛ نثار در عروسی فاطمه علیها السلام 1 / 147؛ ولیمه عروسی فاطمه علیها السلام 1 / 141 /

اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام

فاطمه 2 / 16، 17؛ مفهوم اسم و لقب 2 / 15؛ نام حضرت علی علیه السلام 2 / 16

القاب و اوصاف فاطمه علیها السلام: أُمَّةُ اللَّهِ 2 / 26؛ انسیه 2 / 25؛ بتول 2 / 21؛ بَضْعَةُ النَّبِيِّ 2 / 27؛ بقية النبي 2 / 26؛ تقيه 2 / 30؛ حبیبه 2 / 24؛ حُسْنَى 2 / 30؛ حَوْرَاءُ انسیه 2 / 25؛ حَمِصَاءُ حَسَنَاءُ 2 / 30؛ راضیه 2 / 23؛ رشیده 2 / 30؛ رضیه 2 / 23؛ ریحانة الرسول 2 / 27، زکیه 2 / 23؛ زهرا 2 / 18؛ سلاله النَّبِيِّ 2 / 27؛ سیده زنان عالم 2 / 21؛ شفیعه 2 / 24؛ شهیده 2 / 29؛ صابره 2 / 28؛ صدیقه 2 / 19؛ صَفِيَّةٌ 2 / 28؛ طاهره 2 / 22؛ عارفه 2 / 31؛ عَلِیمه 2 / 26؛ فاضله 2 / 30؛ کریمه النَّبِيِّ 2 / 27؛ مبارکه 2 / 23؛ محدثه 2 / 20؛ مرضیه 2 / 23؛ مشکوة، کوکب دری 2 / 26؛ مطهره 2 / 22؛ معصومه 2 / 31؛ مُمْتَحَنَةٌ 2 / 28؛ منصوره 2 / 22؛ مُهَجَّةٌ قَلْبِ النَّبِيِّ 2 / 27؛ مهدیه 2 / 30؛ نقیه 2 / 30

کنیه های فاطمه علیها السلام: أم أبيها 2 / 32؛ أم آجباء الله 2 / 32؛ أم الأئمة 2 / 32؛ أم السادة الأئمة 2 / 32؛ ام الحسنین علیهما السلام 2 / 32؛

ام الحسن علیه السلام 2 / 32؛ ام الحسنین علیها السلام 2 / 32

اسماء بنت عمیس

از حمله زنان همراه فاطمه علیها السلام 1 / 276؛ راوی روایات فاطمه علیها السلام 1 / 277؛ 3 / 15؛

اسوه

اسوه بودن فاطمه علیها السلام 3 / 428

اسماء و صفات الهی

تبیین 3 / 141

اشعار فاطمه علیها السلام

اشعار منسوب به فاطمه علیها السلام 3

110 /

القاب و اوصاف فاطمه علیها السلام اسماء و اوصاف فاطمه علیها السلام

امام حسن علیه السلام - حسن بن علی علیهما السلام

امام حسین علیه السلام - حسین بن علی علیهما السلام

امام علی علیه السلام

فضایل علی علیه السلام در سخنان فاطمه علیها السلام 265/3؛ کفو بودن فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام 2/98؛ امام علی و فاطمه علیهما السلام، ازدواج فاطمه علیها السلام؛ فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام؛ فاطمه علیها السلام در کنار امام علی علیه السلام

امامت: آیه اکمال 3/258؛ آیه ولایت 3/258؛ تعیین امام 3/256؛ حدیث تقلین 3/259؛ حدیث دوازده امام علیه السلام 3/260؛ حدیث غدیر 3/258؛ حدیث منزلت 3/259

فاطمه علیها السلام و امامت امامت 3/463؛ امامت و رهبری 3/447؛ امامت و فضایل علی علیه السلام در

سخنان فاطمه علیها السلام 3 / 265؛ دفاع فاطمه علیها السلام از حریم امامت 3 / 264؛ فلسفه امامت 3 / 255؛ مفهوم و معنای امامت 3 / 253؛ مهدویت 3 / 266

ویژگیهای امام: عصمت 3 / 261؛ علم امام 3 / 263

ام ایمن

از زنان همراه فاطمه علیها السلام 1 / 280

امر به معروف و نهی از منکر

فلسفه از نگاه فاطمه علیها السلام 3 / 465

ام سلمه

از زنان همراه فاطمه علیها السلام 1 / 285، 2 / 402، راوی روایات از فاطمه علیها السلام 2 / 415، 3 / 15؛ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله 1 / 284، 2 / 401

ام کلثوم (خواهر)

خواهر فاطمه علیها السلام 1 / 117

ام کلثوم (فرزند)

ازدواج 10 / 236؛ - و فاطمه علیها السلام 1 / 235، در گذشت 1 / 254؛ شبهه وجود 1 / 233؛ فرزندان 16 / 253؛ نام 1 / 234؛

ولادت 1 / 235

انذار

استفاده از روش 3 / 429

انسان شناسی

آفرینش انسان 3 / 207؛ جایگاه انسان در نظام آفرینش 3 / 212؛ ساحت‌های وجود

انسان 3 / 208؛ سرشت مشترک انسانی 3 / 210؛ فقر آگاهی انسان 3 / 213؛ کمال انسان 3 / 216؛ مرگ اندیشی 3 / 214؛ مفهوم شناسی - 3 / 203

انسان کامل

انصار - مهاجر و انصار

اوصاف فاطمه عليها السلام - اسماء و اوصاف فاطمه عليها السلام

ایثار

اهتمام فاطمه عليها السلام به رفع نیازهای محرومان 301/2؛ آیات اطعام در شأن فاطمه عليها السلام 332/2 - ایثار در همسرداری 2 / 252؛ زندگی همسان فاطمه عليها السلام با مردم 302/2

ایمان

آثار ~ 194/3؛ اقرار زبانی و 187/3؛ حقیقت 181/3؛ درجات 190/3؛ عمل صالح و 189/3؛ فلسفه حرمت شرک 471/3؛ فلسفه وجوب 458/3؛ مفهوم 179/3

بداء

در قضای الهی 166/3

برادران و خواهران فاطمه عليها السلام

ابراهیم 115/1؛ اسامی 112/1؛ ام کلثوم 117/1؛ رقیه 116/1؛ زینب 115/1؛ طیب و طاهر 114/1؛ عبدالله 114/1؛ عبدمناف 114/1؛ قاسم 113/1

ص: 589

برترین زن عالم سیده نساء العالمین برزخ - دنیا و آخرت؛ فاطمه علیها السلام در آخرت؛ مرگ و برزخ

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

آغاز 1 / 70؛ آیین پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت 3 / 223؛ جامعه پیش از 3 / 222

بهداشت

توجه ویژه فاطمه علیها السلام به 2 / 287؛ رعایت نکات بهداشتی از سوی فاطمه علیها السلام 3 / 38؛ سیره / فاطمه علیها السلام در رعایت 2 / 202؛ سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام سیره خانه داری فاطمه علیها السلام

بهشت

سرنوشت انسان 3 / 347؛ جایگاه و کیفیت ورود فاطمه علیها السلام به 2 / 164

پسران فاطمه علیها السلام - حسن بن علی علیهما السلام

حسین بن علی علیهما السلام؛ محسن بن علی علیهما السلام

پیامبر اسلام ثلی الله علیه و آله - محمد صلی الله علیه و آله؛ نبوت

پیامبر صلی الله علیه و آله

تابعان فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه تابعان

تابوت فاطمه علیها السلام

ایده و کیفیت ساخت 1 / 320

تجهیز پیکر فاطمه علیها السلام

چگونگی 1 / 359؛ وصیت حضرت علیها السلام در مورد تجهیز پیکر 1 / 359

تربیت ابعاد - 3 / 421؛ اسوه 3 / 428؛ اصول 3 / 417؛ الگو 3 / 428؛ انذار و تنبیه 3 / 429؛ اهداف 3 / 414؛ اجتماعی 3 / 424؛

اخلاقی 3 / 421؛ دینی 3 / 422؛ سیاسی 3 / 426؛ تشویق 3 / 428؛ تنبیه 3 / 429؛ روشهای 3 / 427؛ عوامل 3 / 431؛ فلسفه و آثار

اعمال 3 / 427؛ مبانی 3 / 415؛ معرفی الگو 3 / 428؛ مفهوم شناسی 3 / 412؛ موانع 38 / 433'

تربیت فرزند فاطمه علیها السلام سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام

تسبیح فاطمه علیها السلام

احکام و شرایط تسبیح 2/ 123؛ پیدایش 2/ 113؛ پیشینه و مفهوم 2/ 108 - 113؛ ترتیب 2/ 119؛ فضیلت و آثار 2/ 121؛ گزارشی
از 2/ 239؛ مضمون 2/ 114؛ موارد استحباب 2/ 123

تشویق

پیامبر از روش - در قرآن 3/ 428؛ - یکی از روشهای عام تربیت 3/ 428

تشییع جنازه فاطمه علیها السلام

افراد شرکت کننده در 1/ 361، در شب 1/ 362

تنبيه

استفاده از روش ح 3/ 429

توحيد

تجلی همه جانبه 2/ 230؛ در خالقیت و

ص: 590

ربوبیت 3 / 132؛ - ذاتی 3 / 134؛ - صفاتی 3 / 136؛ افعالی 3 / 138، عبادی و تشریحی 3 / 139؛ شناخت معبود 2 / 228؛ محبت
به معبود یکتا 2 / 231

تولد فاطمه علیها السلام و ولادت فاطمه علیها السلام

تهمت زدن

فلسفه پرهیز از 3 / 468

جامعه و فرهنگ - فرهنگ و جامعه

جاهلیت

در جامعه پیش از بعثت 3 / 222

جهاد

فلسفه 3 / 464

جهیزیه فاطمه علیها السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله و 1 / 139، کیفیت و مقدار 1 / 139

چهار زن برتر عالم

اسامی 2 / 43؛ سیادت و کمال در 2 / 43

حج

و عمره فاطمه علیها السلام 2 / 241؛ فلسفه و جوب 2 / 241

حسن و قبح

تفسیر و مراد از 3 / 165

حسن بن علی علیها السلام

در دوران خلفا 1 / 188؛ و خلافت پدر 1 / 189؛ و دوران زعامت مسلمانان 1 / 189؛ و فاطمه علیها السلام 1 / 185؛ شهادت 1 /

193؛ ولادت 1 / 182

حسین بن علی علیهما السلام

در دوران خلفا 1 / 204؛ و خلافت پدر و برادرش 1 / 205؛ و فاطمه 1 / 199؛ دوران امامت 1 / 206؛ شهادت 1 / 207؛ فرزندان 1 / 205؛ ولادت 1 / 198؛ همسران 1 / 204

حشر در قیامت

از نگاه فاطمه علیها السلام 3 / 338

حفصه

حضور در عروسی فاطمه علیها السلام 2 / 403

حق

فلسفه وجودی ح 2 / 403

حمله حمله به خانه فاطمه علیها السلام

تهدید عمر و 1 / 338؛ 2 / 466؛ سخنان فاطمه علیها السلام با مهاجمان به خانه اش 3 / 46

خاتمیت

پیامبر صلی الله علیه و آله و 3 / 226 خاک سپاری فاطمه علیها السلام

تشییع پیکر فاطمه 1 / 362؛ چگونگی 1 / 362؛ غسل دادن بدن فاطمه علیها السلام 1 / 360؛ گزارشات و منابع 1 / 358؛ گزارشی از 2 / 475؛ محل 1 / 363؛ مراسم تجهیز 1 / 359؛ مرثیه امام علی علیه السلام در فقدان فاطمه علیها السلام 1 / 374؛ نماز بر پیکر فاطمه علیها السلام 1 / 361

ص: 591

و فاطمه علیها السلام 2/ 208؛ مشارکت اعضای در انجام کارها 2/ 281؛ سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام، سیره خانه داری فاطمه علیها السلام؛ سیره همسر داری فاطمه علیها السلام

خانه فاطمه علیها السلام

آتش زدن درب 1/ 338 - 340؛ حمله به 1/ 336؛ محل 1/ 141

خانه داری فاطمه علیها السلام و سیره خانه داری فاطمه علیها السلام

خداشناسی

اسماء و صفات الهی: اهمیت بحث از 3/ 141؛ معناشناسی 3/ 147؛ مفهوم و پیشینه 3/ 123؛ وجودشناسی 3/ 142

اقسام توحید: اهمیت بحث از توحید 3/ 132؛ توحید افعالی 3/ 138؛ توحید ذاتی 3/ 134؛ توحید صفاتی 3/ 136؛ توحید عبادی و تشریحی 3/ 139؛ راههای دستیابی به توحید 3/ 132

براهین: برهان حدود 3/ 129؛ برهان علی 3/ 130

شناخت خدا: راههای 3/ 124؛ شناخت عقلانی 3/ 128؛ شناخت فطری 3/ 125

خدیجه علیها السلام

آشنایی با محمد صلی الله علیه و آله 1/ 80؛ ازدواج 1/ 79؛ با محمد صلی الله علیه و آله 1/ 81؛ ازدواجهای پیشین 1/ 83؛ حمایت مالی و معنوی از

پیامبر صلی الله علیه و آله 1/ 85 - از چهار زن برتر 2/ 43، 44؛ علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به 1/ 91؛ فرزندان 1/ 83؛ فضایل 1/ 87؛ مناقب 1/ 87؛ نام و نسب 1/ 78؛ وفات 1/ 91؛ ویژگیهای فردی 1/ 79 خطبه های فاطمه علیها السلام

خطبه فدکیه 3/ 47؛ روایان خطبه فدکیه 3/ 51؛ سخنان فاطمه علیها السلام با مهاجمان به خانه اش 3/ 46؛ سخنان فاطمه علیها السلام در جمع زنان مهاجر و انصار 3/ 59؛ شرحهای خطبه فدکیه 3/ 58؛ کتب شرح سخنان 2/ 561؛ محتوای خطبه فدکیه 3/ 52؛ مفهوم شناسی خطبه 3/ 45؛ منابع خطبه فدکیه 3/ 47؛ واکنشها در برابر خطبه فاطمه علیها السلام 2/ 313

خواهران فاطمه علیها السلام - برادران و خواهران فاطمه علیهما السلام

دختران فاطمه علیها السلام - ام کلثوم زینب بنت علیهما السلام

دعاهای فاطمه علیها السلام

آداب دعا 3/100؛ اجابت دعا 2/95؛ دعا و قضا و قدر 3/93؛ و مضامین آنها 3/105؛ شرایط دعا 3/96؛ فلسفه دعا 3/91؛
گزارشی از 2/240؛ مفهوم شناسی 3/88

دنیا و آخرت

تعامل 3/371؛ جایگاه ارزشی 3/360؛ رابطه دنیا با آخرت 3/370

ص: 592

مفهوم شناسی 359 / 3

دوزخ

بهشت و دوزخ 347 / 3؛ ~ در سخن فاطمه

علیها السلام 347 / 3 معاد

دین

تربیت دینی 422 / 3

رذایل اخلاقی

از نگاه فاطمه علیها السلام 395 / 3؛ 421

رقیه

خواهر فاطمه علیها السلام 161 / 1

روایات فاطمه علیها السلام احادیث فاطمه علیها السلام

روزه

روزه های فاطمه علیها السلام 240 / 2؛ فلسفه 460 / 3

زکات

فلسفه 459 / 3

زنا

فلسفه نهی از 469 / 3

زنان همراه فاطمه علیها السلام

اسماء بنت عمیس 276 / 1؛ ام ایمن 280 / 1؛ ام سلمه 284 / 1؛ سلمی همسر ابورافع 283 / 1؛ فضة نوبیه 274 / 1

زندگی نامه فاطمه علیها السلام

زندگی نامه هایی درباره فاطمه علیها السلام 568 / 2؛ گزارشی کلی از زندگی 49 / 1 - 62

تحمل مشکلات اقتصادی 254 / 2؛ تدبیر

اقتصادی 284 / 2؛ و دنیاگریزی 206 / 2؛ و ساده زیستی در سیره فاطمه علیها السلام 285 / 2

زیارتهای فاطمه علیها السلام

در هر صبح 243 / 2

زینب (خواهر)

بزرگترین خواهر فاطمه علیها السلام 115 / 1

زینب بنت علی علیهما السلام

پس از عاشورا 224 / 1؛ پس از مادر 218 / 1؛ دختر بزرگ فاطمه علیها السلام 214 / 1؛ و امام حسین علیه السلام 219 / 1؛ و فاطمه

علیها السلام 216 / 1؛ ولادت 213 / 1

زینت

و آراستگی در برابر همسر 251 / 2؛ سیره فاطمه غلی در رعایت 202 / 2

ساده زیستی - زهد

سخنرانی فاطمه علیها السلام - خطبه های فاطمه علیها السلام

سرقت

فلسفه پرهیز از 469 / 3

سَلَمی همسر ابورافع

حضور هنگام شهادت فاطمه علیها السلام 284 / 1؛ از ناقلان روایات فاطمه علیها السلام 283 / 1؛

سیاست

سیاست و فاطمه علیها السلام سیره سیاسی فاطمه علیها السلام

سیاست و تربیت: تربیت سیاسی 426 / 3 سیاست و عدالت: امامت و رهبری 447 / 3؛

اهداف سیاست 3/443؛ رفتار سیاسی ملت 3/450؛ مشروعیت سیاست 3/445؛ مفهوم شناسی سیاست 3/439

سیده نساء العالمین

آسیه 2/36، 43؛ ادعای برتری مریم علیها السلام 2/40؛ چهار زن برتر عالم 2/43؛ خدیجه علیها السلام 2/43، 44؛ دلایل برتری فاطمه علیها السلام 2/37؛ زنان برتر قبل از اسلام 2/36؛ عایشه 2/49؛ مفهوم شناسی 2/36

سیره اخلاقی فاطمه علیها السلام

اخلاق اجتماعی فاطمه علیها السلام 2/208؛ اخلاق فردی فاطمه علیها السلام 2/201؛ اعتدال در تأمین نیازهای طبیعی 2/201؛ بهداشت 2/202، پوشاک 2/202؛ تحلیل‌های اخلاقی و تربیتی از نگاه فاطمه علیها السلام 2/571؛ جامعه و فاطمه علیها السلام 2/213؛ حیا 2/207؛ خانواده و فاطمه علیها السلام 2/208؛ خوف از خدا 2/204؛ دنیاگریزی 2/206؛ رضا و تسلیم 2/203؛ زهد 2/206؛ زینت 2/202؛ سکوت 2/207؛ صبر و استقامت 2/206؛ صداقت 2/207؛ طاعت 2/205؛ عفت 2/207؛ مفهوم شناسی 2/200؛ یاد مرگ 2/204

سیره تربیت فرزند فاطمه علیها السلام

ابعاد تربیت فرزندان 2/264؛ تحلیل‌های اخلاقی و تربیتی از نگاه فاطمه علیها السلام 2/571؛ تربیت جسمانی فرزندان 2/265؛ تربیت دینی و اخلاقی فرزندان 2/271؛ تربیت روحی و عاطفی فرزندان 2/266؛ تربیت سیاسی و اجتماعی فرزندان 2/272؛ زمینه‌های مناسب در تربیت فرزندان 2/263؛ مفهوم شناسی 2/262

سیره خانه داری فاطمه علیها السلام

استخدام خدمتکار 2/283؛ اهتمام به مادری و همسری فاطمه علیها السلام 2/288؛ بهداشت 2/287؛ تدبیر اقتصادی 2/284؛ تقسیم کار 2/279؛ حضور اجتماعی فاطمه علیها السلام 2/289؛ خانه داری فاطمه علیها السلام 2/277؛ ساده زیستی 2/285؛ خانه داری و عبادت 2/290؛ مشارکت

اعضای خانواده 2/281؛ مفهوم شناسی و پیشینه 2/276؛ مهمان نوازی 2/286؛ نظافت 2/287؛ ویژگی‌های خانه داری فاطمه علیها السلام 2/277

سیر سیاسی فاطمه علیها السلام

آخرین تلاش هدفمند فاطمه علیها السلام 2/315؛ و اقتدار روحی فاطمه علیها السلام 2/311؛ دانش بصیرت فاطمه علیها السلام 2/312؛ روشنگری فاطمه علیها السلام 2/310؛ سیاست 3/426؛ شهامت فاطمه علیها السلام 2/311؛ مبارزه منفی فاطمه علیها السلام 2/314؛ مفهوم شناسی 2/308؛ واکنشها در برابر خطبه فاطمه علیها السلام 2/313؛ ویژگی‌های خطبه فدکیه 2/311

علم سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام

ارکان عبادت 2 / 228؛ اقسام عبادت 2 / 234؛ تجلی توحید 2 / 230؛ تسییحات فاطمه علیها السلام 2 / 239؛ تعقیبات نماز فاطمه
علیها السلام 2 / 237؛ تلاوت 234؛ حج و عمره فاطمه علیها السلام 2 / 241؛ دعاهاى فاطمه علیها السلام 2 / 240؛ روزه ای

ص: 594

فاطمه علیها السلام 2/ 240؛ زیارت‌های فاطمه علیها السلام 2/ 242؛ شناخت معبود 2/ 228؛ عبادت و خانه داری 2/ 290؛ عبادت و خداترسی 2/ 368؛ عبادت‌های عام فاطمه علیها السلام 2/ 243؛ فلسفه عبادت و معنویت 2/ 226؛ محبت به معبود یکتا 2/ 231؛ مفهوم شناسی عبادت 2/ 224؛ نمازهای فاطمه علیها السلام 2/ 235؛ ویژگی‌های عبادت 2/ 228

سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه علیها السلام

ابعاد - 2/ 295؛ الگوی زندگی همسان فاطمه علیها السلام با مردم 2/ 302؛ اهتمام به رفع نیازهای محرومان 2/ 301؛ پاسخ به پرسش‌های دینی 2/ 298؛ ترویج معارف 2/ 295؛ زندگی همسان فاطمه علیها السلام با توده مردم 2/ 302؛ زنده نگه داشتن ارزشها 2/ 296؛ فاطمه علیها السلام در جامعه اسلامی 2/ 213، 358؛ فرهنگ سازی 2/ 296؛ مفهوم شناسی فرهنگ 2/ 295؛ مقدم داشتن دیگران بر خود 2/ 301؛ میراث 2/ 304

سیره همسرداری فاطمه علیها السلام

آراستگی در برابر همسر 2/ 251؛ احترام به همسر 2/ 250؛ اطاعت از همسر 2/ 253؛ ایثار و گذشت در همسرداری 2/ 252؛ تحمل مشکلات اقتصادی 2/ 254؛ تناسب درخواستها با تواناییهای همسر 2/ 253؛ تکریم همسر 2/ 250؛ حمایت بی دریغ همسر 2/ 257؛ سازگاری با همسر 2/ 255؛ فلسفه آفرینش همسر 2/ 248؛ محبت به

همسر 2/ 249؛ ویژگی‌های همسرداری فاطمه علیها السلام 2/ 248؛ همراهی با همسر 2/ 253؛ همسر نمونه 2/ 370 سیره شناسی

حجیت سیره 2/ 194؛ کارکردهای سیره 2/ 195؛ مفهوم شناسی سیره 2/ 189؛ منابع اثبات سیره 2/ 191

شراب خواری

فلسفه نهی از 3/ 468

شروع

پناه بردن فاطمه علیها السلام به خدا از 3/ 171؛ چرایی تقدیر 3/ 170

شعر فاطمه علیها السلام - اشعار فاطمه علیها السلام

شفاعت و فاطمه علیها السلام

تفسیرهای شفاعت 2/ 132؛ زمان شفاعت 2/ 136؛ شفاعت شونندگان 2/ 141؛ شفاعت کنندگان 2/ 137؛ شفاعت کنندگی حضرت فاطمه علیها السلام 2/ 134؛ مفهوم شناسی 2/ 129

شهادت فاطمه علیها السلام

آتش زدن درب خانه فاطمه علیها السلام 1/ 338، 340؛ بازتاب - در اشعار 1/ 349؛ روز 1/ 347؛ سقط محسن علیه السلام 1/ 1

264، 336، 338، 341؛ سیلی به فاطمه علیها السلام 1 / 341، 349؛ گزارشی از 2 / 475؛ مضروب ساختن فاطمه علیها السلام 2 /
474؛ مظلومیت اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه پیامبر 1 / 334؛ مفهوم شناسی شهادت 1 / 333؛ هجومها به خانه فاطمه علیها السلام
336 / 1

ص: 595

فضایل شیعیان 275/3؛ مفهوم شناسی 271/3 وظایف 274/3؛ ویژگیهای 274/3

صبر

فلسفه - 465/3، و استقامت 206/2

صحابه و تابعان - فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان

صله رحم

فلسفه 466/3

طیب و طاهر

برادران فاطمه علیها السلام 114/1

ظلم

فلسفه پرهیز از 471/3

عایشه

برتری فاطمه علیها السلام بر 49/2؛ از راویان روایات فاطمه علیها السلام 414/2؛ و فاطمه علیها السلام 397/2

عبادت فاطمه علیها السلام سیره عبادی و معنوی فاطمه علیها السلام

عبدالله

برادر فاطمه 114/1، دومین فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله 114/1

عبد مناف

برادر ناتنی فاطمه علیها السلام 114/1

عدالت سیاست و عدالت؛ عدل الهی

عدالت اجتماعی

رعایت 164/3؛ در سخن فاطمه علیها السلام 165/3

بداء 3 / 166؛ حسن و قبح ذاتی و عدل 3 / 165؛ شرور 3 / 170؛ عدالت اجتماعی 3 / 164؛ فلسفه عدالت 3 / 170، فلسفه عدل 3 / 462؛ قضا و قدر 3 / 166؛ مفهوم شناسی عدل 3 / 154، 157

عروسی فاطمه

گزارش تاریخ عقد و 137 / 1، و زفاف فاطمه علیها السلام 137 / 1

عصمت فاطمه علیها السلام

دلیل روایی بر عصمت 2 / 80؛ دلیل قرآنی بر عصمت 2 / 73؛ گزارشی از عصمت 2 / 366 - 367، 3 / 261؛ مفهوم شناسی 2 / 69
عقد فاطمه علیها السلام

حضور ملانکه در 1 / 136، 146؛ گزارشی از مراسم 1 / 135

علم فاطمه علیها السلام

گزارشی از 2 / 366؛ مفهوم شناسی 2 / 92 ابعاد علمی فاطمه علیها السلام: گزارشی از موارد 2 / 102

دلایل علم فاطمه علیها السلام: آگاهیهای غیبی 2 / 99؛ ثقل اصغر بودن فاطمه علیها السلام 2 / 99؛ حجت بودن بر ائمه علیهم السلام
2 / 101؛ سیده النساء بودن 2 / 98؛ کفو بودن با علی علیها السلام 2 / 98؛ مرجعیت علمی

فاطمه علیها السلام 2 / 100، 2 / 298؛ میراث فاطمه علیها السلام 2 / 99

منابع علم فاطمه علیها السلام: آموزشهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛ استفاده از قرآن 2 / 95؛ انسان کامل 2 / 94؛ علم لدنی فاطمه علیها السلام 2 / 93؛ محدثه بودن 2 / 94

علوم قرآنی

در بیانات فاطمه علیها السلام 3 / 241 قرآن شناسی

غدیر

حدیث در سخنان فاطمه علیها السلام 3 / 258

غسل دادن فاطمه علیها السلام

از روی پیراهن 1 / 322، در وصیت فاطمه علیها السلام 1 / 322، 360

فاطمه علیها السلام از نگاه امامان علیها السلام

امام باقر علیه السلام 2 / 378، 379، 380، 382، 386، 387، 389، 391؛ امام حسین علیه السلام 2 / 385، 386، 389، 392، 393؛ امام رضا علیه السلام 2 / 379، 383، 385، 386؛ امام سجاد علیه السلام 2 / 379، 383، 384، 385، 386، 388، 392؛ امام صادق علیه السلام 2 / 379، 381، 383، 384، 385، 386، 387، 389، 390، 391، 392، 393؛ امام کاظم علیه السلام 2 / 379، 386، 387، 390؛ شخصیت و جایگاه فاطمه علیها السلام 2 / 388؛ نگاه ائمه علیهم السلام به زندگی و سیره فاطمه علیها السلام 2 / 378

فاطمه علیها السلام از نگاه امام علی علیه السلام

خداترسی و محبت فاطمه علیها السلام 2 / 368؛ عبادت فاطمه علیها السلام 2 / 368؛ عصمت فاطمه علیها السلام 2 / 366؛ علم فاطمه علیها السلام 2 / 366؛ محبت پیامبر صلی الله علیه و آله 2 / 369؛

محبوبه و امانت خدا و رسول صلی الله علیه و آله 2 / 369؛ مظلومیت فاطمه علیها السلام 2 / 375؛ معرفت فاطمه علیها السلام 2 / 366؛ مقامات اخروی فاطمه علیها السلام 2 / 374؛ وجود بهشتی فاطمه علیها السلام 2 / 366؛ همسر نمونه 2 / 370

فاطمه علیها السلام از نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

جایگاه فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله 2 / 349؛ شخصیت فاطمه علیها السلام 2 / 353؛ فاطمه علیها السلام در جامعه اسلامی 2 / 358؛ فاطمه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله 2 / 350

فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان

تابعان و فاطمه عليها السلام: زرین جبیش 2 / 422؛ سعید بن مصیب 2 / 420؛ عبدالله بن بریده 2 / 422؛ عروه 2 / 421؛ عکرمه 2 / 420؛ مسروق بن اجدع 2 / 422

صحابه و فاطمه عليها السلام: ابثعلبه 2 / 419؛ ابوذر 2 / 419؛ ابوسعید خدری 2 / 413؛ ابوهریره 2 / 416؛ اسامة بن زید 2 / 419؛ اسماء بنت عمیس 2 / 419، ام سلمه 2 / 415؛ انس بن مالک 2 / 412؛ ثوبان 2 / 419؛ جابر بن عبدالله انصاری 2 / 417؛ حذیفه بن یمان 2 / 419؛ سلمان فارسی 2 / 418؛ عایشه 2 / 414؛ عبدالله بن عباس 2 / 410؛ عبدالله بن مسعود 2 / 416؛ عمار 2 / 419؛ عمر بن خطاب 2 / 416

مفهوم شناسی صحابه و تابعان 2 / 407

فاطمه عليها السلام از نگاه قرآن

آیات تأویلی: آیه 2 / 342؛ آیه 3 سورة دخان 2 / 341، آیه 90 سورة نحل 2 / 342؛

ص: 597

آیات جری و تطبیق: آیات 31 و 37 سوره بقره 2 / 340؛ آیات 38 و 39 سوره عبس 2 / 338؛ آیه 24 سوره ابراهیم 2 / 341؛ آیه 47 سوره حجر 2 / 339، آیه 6 سوره فاتحه 2 / 339؛ آیه 3 سوره فجر 2 / 340، آیه 3 سوره لیل 2 / 339؛ آیه 36 سوره نور 2 / 339

آیات شأن نزول: آیات اطعام 2 / 332؛ آیه تطهیر 2 / 334؛ آیه مباحله 2 / 329؛ آیه مودت 2 / 337؛ سوره کوثر 2 / 326

کتاب شناسی فاطمه سلام علیها در قرآن 2 / 324

فاطمه سلام علیها از نگاه همسران پیامبر صلی الله علیه وآله

فاطمه سلام علیها 2 / 485 - 489؛ جایگاه و فضایل 2 / 396؛ حفصه 2 / 403؛ عایشه و فاطمه سلام علیها 2 / 397؛ میمونه بنت حارث 2 / 404

فاطمه سلام علیها در آخرت

برزخ و فاطمه سلام علیها 2 / 157؛ بهشت و فاطمه سلام علیها 2 / 164؛ قیامت و فاطمه سلام علیها 2 / 159؛ گزارشی از مقامات اخروی فاطمه سلام علیها 2 / 374

فاطمه سلام علیها در شعر عربی

رویکرد های شاعران به فاطمه سلام علیها 2 / 516؛ سیر اشعار درباره فاطمه سلام علیها 2 / 519؛ شعر های کهن عربی درباره فاطمه سلام علیها 2 / 519 - 534؛ شعر های معاصر عربی درباره فاطمه سلام علیها 2 / 534؛ مفهوم و پیشینه شعر عربی 2 / 516

فاطمه سلام علیها در شعر فارسی

بانوان شاعر 2 / 510؛ سیر اشعار درباره

فاطمه سلام علیها 2 / 485 - 489؛ شعر معاصر درباره فاطمه سلام علیها 2 / 501؛ شعر نو و سپید در رثای فاطمه سلام علیها 2 / 508؛ شعر های کهن فارسی درباره فاطمه نان 2 / 489 - 502؛ مفهوم و پیشینه شعر فارسی 2 / 483 - 485

فاطمه سلام علیها در فقه اسلامی آداب ازدواج و امور خانواده 2 / 429؛ آیه روزه داری 2 / 445؛ آداب ورود به مسجد 2 / 445؛ آگاهی فاطمه سلام علیها بر احکام 2 / 427؛ احکام پوشش و نگاه 2 / 436؛ احکام مردگان 2 / 439؛ احکام ولادت 2 / 432؛ ازدواج با جایگاه و فضایل به خویشان نزدیک 2 / 431؛ حرمت شراب 2 / 446؛ سوکواری بر مرده 2 / 441؛ غسل پیش از شهادت 2 / 445؛ غسل میت 2 / 443، کار در خانه 2 / 430

فاطمه علی در کنار امام علی علیه السلام

از ازدواج تا رحلت پیامبر 1 / 152؛ - پس از رحلت پیامبر 1 / 157

ازدواج فاطمه سلام علیها 2/460؛ پاره کردن نامه توسط عمر 2/473؛ تولد فاطمه سلام علیها 2/458؛ جایگاه فاطمه سلام علیها 2/454؛ حمله به خانه فاطمه سلام علیها 2/466؛ خاک سپاری فاطمه سلام علیها 2/475؛ دعوت شبانه از مهاجران و انصار 2/534؛ دوران پس از رحلت پیامبر تا 2/461؛ دیدار ابوبکر و عمر با فاطمه سلام علیها 2/474؛ زندگانی فاطمه سلام علیها 2/458؛ شهادت فاطمه سلام علیها 2/475، غضب فدک 2/462، فضایل

فاطمه سلام علیها 2/455؛ کتاب شناسی کتب تاریخی 2/453؛ مضروب ساختن فاطمه علی 2/474؛ هجران فاطمه سلام علیها 2/467 فاطمه سلام علیها، همراه پیامبر

صلی الله علیه وآله

رفت و آمد پیامبر به خانه فاطمه سلام علیها 1/123؛ فاطمه سلام علیها در خانه پیامبر 1/120؛ فاطمه و پیامبر در آخرین روزها 1/125؛ همراهی فاطمه با پیامبر 1/119

فدک

ارث بودن فدک 1/303؛ بیان موقعیت جغرافیایی فدک 1/292؛ غضب فدک 2/462؛ فدک پس از پیامبر 1/309؛ فدک در تاریخ 1/293؛ مالکیت فاطمه سلام علیها بر فدک 1/295؛ هبه بودن فدک 1/298

فرزندان فاطمه ام کلثوم؛ حسن بن علی علیهم السلام؛ حسین بن علی علیهم السلام؛ زینب بنت علی علیهم السلام؛ محسن بن علی علیهم السلام

فرزندان فاطمه سلام علیها فرزندان پیامبر صلی علیه وآله

احتجاجهای ائمه اطهار علیهم السلام در این باره 1/173؛ دلایل روایی 1/170؛ دلایل قرآنی 1/168؛ کیفیت انتساب و علم انساب 1/165

فرهنگ و جامعه

اجتماع و تربیت 3/424؛ حضور اجتماعی فاطمه سلام علیها 2/289؛ سیره فرهنگی و اجتماعی فاطمه سلام علیها 2/295؛ فاطمه سلام علیها در جامعه 2/213

فضایل پیامبر صلی الله علیه وآله

در سخنان فاطمه سلام علیها 3/224

فضایل علی علیه السلام

در سخنان فاطمه سلام علیها 3/265 فضایل اخلاقی

فضائل و رذایل 3/395 - 404 فضایل فاطمه سلام علیها و مناقب و کرامات

فاطمه سلام علیها

فصّه نوبیه

از زنان همراه فاطمه سلام علیها 274 / 1

فقه اسلامی و فاطمه سلام علیها در فقه اسلامی

فلسفه احکام

رابطه اعمال با حکمتها 3 / 456؛ امامت 3 / 463؛ امر به معروف و نهی از منکر 3 / 465؛ جهاد 3 / 464؛ حج 3 / 461؛ ~ حق 3 / 462، 7 روزه 3 / 460؛ - زکات 3 / 459؛ صبر 3 / 465؛ ~ صلۀ رحم 3 / 466؛ عدالت 3 / 470؛ - عدل 3 / 462؛ فلسفه ایمان 3 / 458؛ ~ قصاص 3 / 467؛ نماز 3 / 459؛ - نهی از تهمت زدن 3 / 468؛ نهی از خوردن مال یتیم 3 / 469، - نهی از زنا 3 / 469، - نهی از سرقت 3 / 469؛ نهی از شراب خواری 3 / 468؛ - نهی از شرک 3 / 471؛ - نهی از ظلم 3 / 470؛ - نهی از کم فروشی 3 / 468؛ - نیکی به والدین 3 / 466؛ وفای به عهد 3 / 467؛ مفهوم شناسی 3 / 454

قاسم

برادر بزرگ فاطمه سلام علیها 1 / 113

ص: 599

در کلام فاطمه سلام علیها 309/3 - فاطمه 1 / 363

قرآن

خواندن بر سر قبر فاطمه سلم علیها 1 / 323؛ و فاطمه سلام علیها فاطمه سلام علیها از نگاه قرآن؛ قرآن شناسی

قرآن شناسی

اوصاف و ویژگیهای قرآن 3 / 234؛ بهره گیری از قرآن 3 / 243؛ پیامدهای رویگردانی از قرآن 3 / 245؛ علوم قرآنی در سخنان فاطمه سلام علیها 3 / 241؛ عوامل رو گردانی از قرآن 3 / 245؛ مصحف فاطمه سلام علیها 3 / 249؛ مفهوم و پیشینه 3 / 232؛ وظایف مردم در برابر قرآن 3 / 247

قصاص

فلسفه 3 / 467

قضا و قدر

در نیایشهای فاطمه سلام علیها 3 / 93؛ مفهوم شناسی 3 / 166

قیامت

جایگاه فاطمه سلام علیها در 2 / 160؛ حشر در از نگاه فاطمه سلام علیها 3 / 338؛ در کلام فاطمه سلام علیها 3 / 345

کتاب شناسی فاطمه سلام علیها

تحلیل‌های اخلاقی و تربیتی از نگاه فاطمه سلام علیها 2 / 571؛ زندگی نامه ها 2 / 568؛ کتاب شناسیها 2 / 572؛ مجموعه های منقبت نگاری 2 / 565؛

مجموعه های روایی منقبت نگاریها 2 / 561؛ - مسندهای فاطمه سلام علیها 2 / 561؛ معرفی آثار درباره فاطمه سلام علیها 2 / 561

کرامات فاطمه سلام علیها مناقب و کرامات فاطمه سلام علیها

کم فروشی

فلسفه حرمت 3 / 468

کنیه های فاطمه سلام علیها اسماء و اوصاف فاطمه سلام علیها

گزارش‌های تاریخی اهل سنت فاطمه سلام علیها در گزارش‌های تاریخی اهل سنت گوهر بهشتی ولادت فاطمه سلام علیها

مادری فاطمه سلام علیها سیره تربیت فرزند فاطمه سلام علیها

مال یتیم

فلسفه نهی از خوردن 469/3

مبارزه فاطمه سلام علیها سیره سیاسی فاطمه سلام علیها

محدثه بودن غیر فاطمه سلام علیها

امکان 2 / 54؛ دلایل 2 / 60؛ زنان محدثه 2 / 54 - 56؛ محدث بودن غیر پیامبران 2 / 55؛ محدثه بودن فاطمه سلام علیها 2 / 60،

94؛ مصحف فاطمه سلام علیها 2 / 63؛ مفهوم و پیشینه 2 / 54

محسن بن علی علیهم السلام

سرانجام 16/264؛ سقط 1 / 264، 336، 338، 341؛ نامگذاری 1 / 260، 261

ص: 600

محمد صلی الله علیه و آله

بعثت 1 / 70؛ تولد فاطمه علیها السلام 1 / 71؛ رفت و آمد به خانه فاطمه علیها السلام 1 / 123؛ زندگی و القاب 1 / 68؛ محبت 2 / 369؛ محبت - به فاطمه علیها السلام 1 / 73؛ و ازدواج فاطمه 1 / 72

مدفن فاطمه علیها السلام

اختلاف در 1 / 363؛ پنهان بودن 1 / 363

مراسم تجهیز پیکر فاطمه علیها السلام

گزارشات در مورد 1 / 359

مرثیه امام علی علیه السلام

در فقدان فاطمه علیها السلام 1 / 374

مرگ و برزخ

بدن برزخی 3 / 307؛ پرسش در قبر 3 / 310 حیات برزخی 3 / 303؛ خوف از خدا 2 / 204؛ سکرات مرگ 3 / 299؛ عذاب قبر 3 / 213؛ عمومیت مرگ در برزخ 3 / 313؛ قبر 3 / 309؛ کارگزاران مرگ 3 / 298؛ مرگ 3 / 295؛ مرگ اندیشی 3 / 214؛ مفهوم و پیشینه 3 / 294؛ یاد مرگ 2 / 204

مریم علیها السلام

ادعای برتری 2 / 40؛ محدّثه بودن 2 / 55؛ از چهار زن برتر 2 / 40، 43

مصحف فاطمه علیها السلام

املا کننده 3 / 68؛ گزارشی از 2 / 63، 3 / 249، 264؛ محتوای 3 / 75؛ مفهوم و پیشینه 3 / 64؛ نویسنده 3 / 73

مظلومیت فاطمه علیها السلام

2 / 375؛ و اهل بیت علیهم السلام 1 / 334

معاد

آثار اعتقاد به 3 / 352؛ امکان 3 / 323؛ بهشت و دوزخ 3 / 347؛ پایان زندگی و لحظات دشوار 3 / 337؛ چگونگی حشر در قیامت 3 / 338؛ مفهوم شناسی 3 / 320؛ مواقف قیامت 3 / 345؛ نفخ صور 3 / 339؛ هدفمندی آفرینش 3 / 328

ضرورت و براهین معاد: برهان بقای روح 331 / 3؛ برهان حرکت 328 / 3؛ برهان عدالت 333 / 3؛ برهان فطرت (حبّ به بقا) 332 / 3؛
برهان لزوم وفای به عهد 336 / 3؛ معاد روحانی و جسمانی 342 / 3؛

معرفت فاطمه علیها السلام - علم فاطمه علیها السلام

مناقب و کرامات فاطمه علیها السلام

فضایل فاطمه علیها السلام 2 / 455؛ فضیلت شماریه‌ها 2 / 565؛ کرامات فاطمه علیها السلام 2 / 178؛ مجموعه‌های روایی منقبت
نگاریها 2 / 561؛ مفهوم شناسی منقبت و کرامت 2 / 171؛ مناقب فاطمه علیها السلام 2 / 172

مهاجر و انصار - فاطمه علیها السلام از نگاه صحابه و تابعان

مهریه فاطمه علیها السلام

مقدار 1 / 134

مهدویت

آرامش فاطمه علیها السلام با یاد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 3 / 287؛ پیشینه و مفهوم شناسی 3 / 279؛ فاطمه علیها السلام
در

ص: 601

سخن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 3 / 288؛ فاطمه علیها السلام و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فاطمی بودن
امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف 3 / 280؛ گزارشی از 3 / 266

میمونه

گزارش از فاطمه علیها السلام 2 / 404

نام حضرت علیها السلام اسما و اوصاف فاطمه علیها السلام

نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله

آثار رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 3 / 228؛ آفرینش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 3 / 223؛ آیین پیامبر صلی الله علیه و آله
پیش از بعثت 3 / 223؛ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله 1 / 70؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مشکلات رسالت 3 / 225؛ پیشینه و
مفهوم شناسی 3 / 221؛ جامعه پیش از بعثت 3 / 222؛ جاهلیت 3 / 222؛ خاتمیت 3 / 226؛ دستاوردهای رسالت پیامبر صلی الله
علیه و آله 3 / 228؛ زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله 1 / 68؛ فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 3 / 224

تفخ

در سخن فاطمه علیها السلام 3 / 339 نماز فاطمه

فلسفه وجوب 3 / 459؛ بر پیکر فاطمه علیها السلام 1 / 361؛ در سخنان فاطمه علیها السلام 2 / 235؛ نمازهای ویژه فاطمه علیها
السلام 2 / 237؛ ویژگیهای نمازهای فاطمه علیها السلام 2 / 236

نیکی به والدین

فلسفه 3 / 466

وصایای فاطمه علیها السلام

املاک هفت گانه 1 / 323؛ تابوت فاطمه علیها السلام 1 / 320؛ غسل از روی پیراهن 1 / 322؛ غسل پیش از شهادت 1 / 322؛ قرآن
خواندن بر سر قبر فاطمه علیها السلام 1 / 323؛ مفهوم و پیشینه 1 / 317؛ وصایای سیاسی 1 / 327؛ وصایای شخصی 1 / 139

وفای به عهد

فلسفه 3 / 467

ولادت فاطمه علیها السلام

پس از 1 / 108؛ جایگاه حضرت علیها السلام در منابع 1 / 99؛ چگونگی 1 / 107؛ روز 1 / 106؛ سال 1 / 102؛ گزارشی از 2 / 458؛

گوهر بهشتی 100 / 1؛ محل 107 / 1

هجوم به خانه فاطمه علیها السلام

تصمیم عمر به آتش زدن خانه 1 / 337، 2 / 466؛ تهدید عمر و 1 / 338، 340؛ سخنان فاطمه علیها السلام با مهاجمان به خانه 3 / 46؛
و آتش زدن درب خانه 2 / 466

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

فاطمه علیها السلام در گزارشات 2 / 403

همسرداری فاطمه علیها السلام سیره همسرداری فاطمه علیها السلام

یتیم

فلسفه نهی از خوردن مال 3 / 469

ص: 602

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

